

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228542

UNIVERSAL
LIBRARY

~~DUF-67-11-1-68-3,000.~~

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No.

Accession No.

Author

Title

This book should be returned on or before the date last marked below.

بصنایع ملکین مکان فضل خلاق پروردگار پستان

عبدنادر کتابی روش جام جهان ناکه شلش تا حال از کرم هم به نصیحه شود جلوه گرفته



تذکره علمای مهند



عالمی فاضل و ذی تحقیق بی مثال جناب جان علی قضا محترم کمال مقام ایران با این

در مطبعه نشری نوک شوق لکهنه طبع



بسم الله الرحمن الرحيم
 هست کلید در گنج حکیم

حمید و ثنای لائق حکیمی راست علم با نظم و سیاس بقیاس علمی را علم الانسان مالم یعلم حکیمی که زبان
 کرو بیان را بطه سحانک لا علم لنا الا ما علمتنا گویا ساخته و علمی که دل انسان ضعیف البنیان را
 تبذکار ما ویتیم من العلم الاقلیلا تسلیه داده بتعلیم رب زوئی علما پر داخته تقاضای شان و لایزال
 سلطانه از بارود و سلام روح مشام نثار بارگاہی باد که کوس نبوتش غیو العلماء ورثه الانبیاء
 بذروه افلاک وصیت انانیت العلم بگوش الماک رسانیده صلی الله علیه و علی آله و اصحابه لطیبین
 الطاهین الهادین المهدین سپس آن پوشیده مباد بحر زبوم هندوستان که جز وادش هم یله جهان
 هست از بد و شیوع اسلام تا این ایام بسیاری از علمای عظام و فضلاء کرام گذشتند و نای
 از خود گذاشتند بقول مولانا جامی قدس سره اسامی زندانایان بود این نکته مشهوره
 که دانش در کتب دانا است در گور به احصای اسامی گرامی شان بجز عالم الغیب که داند که بحسن
 تحریر در آرد مگر طبع حریص که مجبول مالایدرک کله لایترک کله است و بمقتضای کار دنیا کسی
 تمام نکرده آنچه گیرید محقر گیرید هر چه دریافت نمی گذارد پس تراجم برخه ازان طائفه عالی که از کتب
 سلف و تحریرات رالقه معاونین باغ و شرف بمن پیچیدان پیوسته درین دبیره موسوم
 تذکره علمای هند ملقب به تحفه الفضلانی تراجم الکملای و برمی نگارم و از
 اخلاق حسنہ ناظرین باتمکین چشمی دارم که بعثرات و زلات قلم تولید رقم این فاقد الاستعداد
 و دستگیری فرموده بذیل اصلاح عیب پوشی را کار فرماید و الله المستعان و علیه التکلان

فاین کتاب مرتب است بہ ترتیب حروف ہجاء تا نظر کتاب را بتلاش ترجمہ عالمی وقت رونمایید
و ذکر ماخذ و معاونین در خاتمہ خواهد آمد انشاء اللہ تعالیٰ

حرف الالف

مولانا ابو حفص ربیع محدث بصری ابن صبیح السعدی البصری بر طالبان اخبار ثقی
و مستتر نیست کہ اولاً شیوع ملت اسلامیہ بمالک ہند از دست محمد بن قاسم ابن عقیل ثقفی کہ
ابن عم و داماد حجاج ابن یوسف ثقفی بود در عہد خلافت ولید بن عبدالملک بظہور آمدہ پیغمبر
محمد بن قاسم بعمربغہ ساگی بالشکر مجاہدین یروز پنجشنبہ دہم رمضان سال نود و سہ و بقوسے
سال نود و نہ ہجری ملک سندہ را از دہرین نج مر زبان سندہ مفتوح نمودہ رایات اسلامی
وران دیار مرتفع فرمود و دابہرند کور در ناورد گاہ کشتہ شد همان زمان یا پس ازان صاحب
ترجمہ دران دیار قدم آورده با جملہ وی از تبع تابعین و کلامی محدثین است از حسن بصری و
عطاردایت مے کند و ازوسفیان ثوری و کعبہ دابن ہندی را وی اندوی رحمۃ اللہ علیہ
صدوق و عابد و مجاہد بود گویند کہ وی اول مصنفین در امت اسلامیہ است کہ بسال یک صد و
شصت ہجری ملک سندہ رحلت فرمود رضوان اللہ علیہ

مولوی ابوالحسن فرنگی محلی ابن مولوی عبدالحامد ابن مولوی محمد نافع ابن مولوی عبدعلی
بحر العلوم بعد حفظ قرآن مجید تحصیل علوم در سیہ خدمت مولوی عبدالحکیم نمودہ و بیعت
از مولوی حافظ عبد الوالی کردہ ہفتدہم ذی الحجہ سال دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بعالم
جوانی ازین جہان فانی در گذشت

مولوی ابوالحسن نصیر آبادی ساکن قصبہ نصیر آباد مضاف کنوئو عالم عامل صاحب
درع و تقوی بود بیعت و خلافت سلسلہ نقشبندیہ از مولوی مراد اللہ فاروقی نسبا و المجدوی
المظہری مشرئ و تہا نیسری موطن مرید و خلیفہ مولوی نعیم اللہ ہراچی مرید و خلیفہ حضرت مرزا مظہر
جان جاناں قدس اللہ تعالیٰ اسم را ہم داشت علمے را از ظلمات شرک و بدعت نجات بخشید
و باتباع سنت سنہ مے کوشید دوم شعبان سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری

رحلت فرموده بخت آرمید

شاه ابوسعید عمری دهلوی تلمیذ مفتی شرف الدین لاهیوری و مولانا رفیع الدین دهلوی
و اجازت عامه از مولانا عبد الغفر دهلوی حاصل کرده و بیعت طریق نقشبندی از شاه غلام علی
دهلوی داشت بروز عید الفطر وقت صبح سال دوازده صد و چهل و نه هجری در لوناک
وفات یافته غفر الله له

میر ابو الغیث بخاری در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه عالمی متصوف آیت بود آیات
آنی در مجلس لطیف او بجز قال الله و قال الرسول و اذکار مشایخ هرگز ذکر دیگر نبود در سال
نصد و نود و پنج هجری بعارضه قونج بمقام لکنه وفات یافته نفس او بدلی آورده مدفون کردند
و میر ستوده سیر تاریخ فوتش یافته اند

شیخ ابوالفیض فیضی خلف اکبر شاگرد شیخ مبارک ناگوری در سن نهصد و پنجاه و چهار هجری
متولد شده ذهن ثاقب و فکر صائب داشت بعمر چهارده سالگی قرغ علمی حاصل نمود در قسام علوم
همچو شعر و معاد عروض و قافیه و تفسیر و تاریخ و لغت و طب و خط و انشاء عجم النظم بود و او اکل تخلص فیضی
شعری گفت و در او از تقریب برادر خود ابوالفضل که وے را علمای نداشتند بغرض تعلی
انسان وزن تخلص قیاضی اختیار نموده در سن نهصد و هفتاد و چهار هجری به بارگاه اکبر شاه
رسیده بخطاب ملک شعر ممتاز شد و او را تصیده است طویل و در مدح اکبر بادشاه موارد کثرت
در علم اخلاق بعبارت عربی بحدود مملعه و سواطع الالهام تفسیر قرآن بصنعت
اهمال با تمام رسیده و صله آن ده هزار روپیه اکبر شاه و میراداده میر حیدر معمای تاریخ تمام آن در
سوره اخلاص یافته و ترجمه فارسی لیلاداتی مصنفه پنڈت بهاسکر بیدری که در سن ششصد و
بست و دو هجری تصنیف کرده بود و ترجمه را مان منظم فارسی و مثنوی نلدمن و دیوان
فارسی که در آن پانزده هزار ابیات انداز تصانیف مشهوره فیضی اند تاریخ و هم صفر سن
یک هزار و چهار هجری بمقام اکبر آباد فوت شده مدفون گشت بنابر مشهوره فیضی بمذاهبی
مقیم نبود

ابوالفضل علامی پسر و دم شیخ مبارک ناگوری است در سن نهصد و پنجاه و شصت

ہجری متولہ شدہ بھر پانزدہ سالگی از علوم معقول و منقول فراغ حاصل کردہ تجرود و عزت پیش نظر داشت مگر باصرار احباب در سال نوزدہم جلوس اکبری ملازمت بادشاہ اکبر حاصل نمودہ تفسیر آیہ الکرسی موسومہ تفسیر اکبری کہ از ان تاریخ تالیف برے آید نوشتہ پیشکش بادشاہ کردہ با لطائف خسروی مخصوص گشتہ اول بخدمت منشی گری نان بعد بعدہ وزارت سرفراز گشت و در اندک زمانے بخاطر بادشاہ آن چنان جا گرفت کہ محسود مراد شاہ ہزاگان شد و تخلص خود علای می کرد بروقت مراجعت اندکن باشارہ شاہزادہ سلیم یعنی جہانگیر راجہ ہر سنگھ دیوبندیلہ تاریخ چہارم بیج الاول سنن یک ہزار و پانزدہ ہجری ابو الفضل ماقول کردہ و سرش بریدہ نزد شاہزادہ سلیم کہ در آگاہ آباد مقیم بود فرستاد شاہزادہ بغایت خوش شد و اکبر شاہ تاسع خورد تحویرات وفات کہ کتاب ابو الفضل داین اکبری و اکبر نامہ و عیار دانش و رسالہ اخلاق و غیرہ یادگار قابلیت دے ہستند او ہم حسب شہرت مقید بمذہبے نبود۔

حافظ شاہ ابواسحاق خلف و خلیفہ شاہ ابوالغوث گرم دیوان فاروقی بہیروی کہ بسال یازدہ صد و ہفتاد و ہشت ہجری رحلت فرمود دے را گرم دیوان از ان گویند کہ جسم مبارکش در بعض اوقات بخرق عادت بدرجہ غایت گرم می شد کہ نان گندم بران توان بخت دے را و خلیفہ نامور بودند یکے شاہ معشوق علی غازی پوری دوم فرزند ارجمندش منظر محاسن اخلاق شاہ ابواسحاق ذات شریفش نادر روزگار مذکر ششم صحابہ کبار بود و رہد و تقوی شعارش و احراز اسرار شریعت و تارش افتادہ در تصحیح و تنقید احادیث نبویہ علیہ الصلوٰۃ والتحیۃ ملکہ وہبی داشت و بتعلیم علوم ظاہر و باطن مے پرداخت و در مواظبت سنت سنہ اندکے تغافل نمی ورزید در امر معروف و نہی منکر ہر صغیر و کبیر و غنی و فقیر را یکسان مے دید بسال دوازدہ صد و سی و چہا ہجری بریاض رضوان آرمد بہیروی نسبت بموضع بہیل بابائے مکسورہ موحده مخلوط ہا و بای مشناتہ تحماتیہ معروف در اسے سملہ بعدش الف قریہ است بقلع عظم گڑھ از چڑیا کوٹ جانب شمال ششش کردہ فاصلہ دارد

حکیم ابوالفتح گیلانی ولد مولانا عبد الرزاق جامع کمالات از ملازمان اکبر شاہ بروز پنجشنبہ نوزدہم شوال ۹۷۱ سال ۱۵۶۴ قمری و دہم ہجرت رحلت نمود

شیخ ابوالفتح علمای قریشی کالپومی مرید و خلیفہ سید محمد گیسو در جامع علوم ظاہر و باطن بود
بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ و کتاب عوارف المعارف پیش حضرت سید گیسو دراز
گنجانیدہ و مثال خلافت و اقتدایافتہ او را مصنفات است مثل تکمیل در نحو و مشاہدہ و تصوف
قبرش بکالپی است برو اللہ مضجعہ

قاضی ابوالفتح بلگرامی عرف قاضی کمال در عہد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ خدمت
قضای بلگرام داشت در علوم فقہ علم بے مثالی مے افراخت بعمر ہشتاد و چہار سالگی در سن یکہزار
و یک ہجری رحلت کرد

خواجہ ابوالفتح کشمیری دانشمند محقق و عالم مدققی خصوصاً در علم کلام ید طولی داشت وی
شاگرد خواجہ حیدر چرخمی است در استخراج مسائل فقیہی بے انبار بود کتاب سیف السابین در رد
عقائد اہل تشیع از تصنیفات اوست در صدی یازدہم ہجری بدر بقا رحلت کرد جزاہ المذخر
رفت اندر ہزار و یکصد سال بہ تاریخ وفات اوست

شیخ ابوالفتح تہانسیری از فحول علمای روزگار و از اعیان متجربین عالی مقدار بودند
حدیث از سید رفیع الدین محدث داشت و پنجاہ سال در اکبر آباد درس علوم عقلی و نقلی فرمودہ
و بسی مستعدان چالاک از دامن افادہ او برخاستہ اند مولوی عبدالقادر بدایونی مصنف
منتخب التواریخ از تلامذہ اوست

مخدوم ابوالقاسم سندی ابن مفتی داد و طالب علم صاحب مدرسہ سرآمد روزگار بود
بسیاری طلبہ علوم را بغیض وافی رسانیدہ اورنگ نریب عالمگیری را از طرف خود وکیل شرعی
قرار دادہ بود سال ہزار و صد و سیزدہ ہجری فوت شد مخدوم رحمت اللہ سندی در ذہب العلم
من السند تاریخ فوتش یافتہ

قاضی ابوالمعالی ساکن اگرہ شاگرد و خلیفہ دانا و عزیزان بخارا است او در فقہ چنان
دستگاہی داشت کہ اگر بالفرض و التقذیر جمیع کتب فقہ حنفی از عالم بر افتادہ ادا و سرونو
مے توانست نوشت در سن نصد و شصت و نہ ہجری از توران بندہ آمدہ در اگرہ مقیم شد و
ہما بخا وفات یافتہ سال وفاتش بدریافت نرسیدہ ملا عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ

ومیرغیاث الدین الملقب به نقیب خان انو مستفید شده اند

شیخ ابوالکلام اسماعیل ابن شیخ صفی الدین ردولوی دوازدهم ربیع الثانی سال هفتصد و هشتاد و نه هجرت ولادت یافته چهل روزه بود که پدرش ویراپاے سید اشرف جهانگیر سمنانی پیر خود انداخت سید موصوف فرمود این هم مرید من است باجمله شیخ ابوالکلام در سایه عاطفت پدر بزرگوار خود تربیت یافته بشانزده سالگی از جمیع علوم متعارفه فلغ حاصل کرده و شب و روز بر درس تدیس و ذکر و فکر بسر برد و در حتمه الله علیه بسیزدهم ربیع الاول روز چهارشنبه وقت عصر سال ششصد و شصت هجرت از دارفانی بعالم جاودانی رحلت فرمود و در چهار فرزند بودند عبدالصمد عزیز الله عبد القدوس حبیب الله عرف مخدوم مثنی عبدالصمد و عزیز الله و حبیب الله فیض تویت پدر بزرگوار ارادت و خلافت خاندان چشتیه نظامیه حاصل کردند و شیخ عبد القدوس بخاندان چشتیه صابریه فیضیاب شده تصبه گنگوه را محط انوار و هدایت و ارشاد ساخت -

حاجی ابراهیم محدث اکبر آبادی بزهد و تقوی و درع و درس علوم دینی خصوصاً علم حدیث قیام داشت تفقید بشرع و توسع و یرافع اختلاط و ارتباط بمردم بود و همواره امر معروف و نهی منکر می نمود هرگاه حسب طلب در عبادتخانه اکبر بادشاهی آمد بمجلسم تلفعات و آداب بلوک مقید نمی شد و پیوسته وعظ و نصیحت می گفت و سال وفاتش بدریافت نرسید رحمة الله علیه

سید ابراهیم ایرچی ابن معین بن عبدالقادر حسینی دانشمند کامل بر سایر علوم عقلی و نقلی و سمعی و تحقیقی عبور نموده کتب بسیار از هر علوم مطالعه کرده و تصحیح فرموده و مشکلات آنرا چنان حل کرده که هر کز ادنی مناسبتی باشد نظر در کتاب او کافی بود و احتیاج استاد نداشت و الحقی که در دہلی در زمان او هیچ کس بدانش را و نبود و بوجه ناحق شناسی اہل روزگار در زاویہ خود بطالعہ و تصحیح کتب مشغول بود و در درس کم گفتی با این همه نسبت او بسلسله علیہ قادریہ برہم غالب بود و مرید شیخ بہاء الدین قادری شطاری است در سن ہنصد و بیست ہجری بدہلی در او اخر عند سلطان سکندر لودے آمدہ شیخ عبد اللہ دہلوی و میان لاؤن مولانا عبد اللہ قادری صابون گرد و دیگر کار آلمان نامور بہ بزرگی او گردیدند و در عہد اسلام شاہ درس ہنصد و پنجاہ و سہ ہجری وفات یافتہ در مقبرہ سلطان المشائخ مدفون است **ایرچی**

نسب است بہ ایرج ہمزہ مکسورہ و یای تختانی شناعہ مجہول و رای مملہ مفتوحہ و جیم فارسی نصبہ
ایست بملک مالوہ اکنون بضلع جالون تعلق دارد و از شرقاے مشلخ و سادات آباد
معلم ابراہیم با عکظہ ساکن سورت دانشمند شیخ و فقیہ اشہر ثانی المذہب خلیف
مسجد جامع بندر بمبئی بود ہمارہ بدس و تدریس تفسیر و حدیث و فقہ مشغول بودی مفتی عبدالمطہ
و مولوی سید عبدالفتاح عرف مولوی اشرف علی گلشن آبادی و سید عماد الدین از ارشد تلامذہ
وے ہستند بست و ہفتم رجب سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری رحلت فرمودہ

مرقدش در بندر سورت است و گلشن آباد نامش مشہور ناسک است
مولوی احسان لغنی ساکن رملو مصنف لکھنؤ عالم عامل کہ درع و تقوی و دانش بود
بماہ رجب سال دوازده صد و ہشتاد و یک ہجری رحلت فرمود

حکیم احسان علی ساکن لہند آباد نارہ خلف حکیم شیر علی متوطن احمد آباد نارہ برادر کلان
سوف کتاب تاریخ بستم شعبان دوازده صد و بست و نہ ہجری بقصبہ سلون متولد شدہ علوم
سی و متعارفہ بحدیث قاضی عبدالکریم قدس سرہ بمقام ساس بریلی و علم طب از والد خود حاصل کردہ
در طبابت مہارتی کامل داشتند و تمام عمر عمدہ و کالت سرکار انگریزی با جلال و فتح پور و باندہ ممتاز
بودند بمقام باندہ تائیک ہفتہ علیل ماندہ تاریخ تہذیبی الحجہ اخیر شب جمعہ سال دوازده صد و نو
و چہار ہجری رحلت فرمودہ بروز جمعہ بمقام باندہ اندرون احاطہ دیوان محمد علی مرحوم متصل قبر

شیخ محمد شفیع الزمان مدفون شدند قطوہ تاریخ وفات آن مرحوم از متلج طبع شیخ نجم الدین الزمان
ساکن سندیلہ است ۵ حکیم احسان علی رحلت نمودند بچوار حق کم از دو قوس بادا ب

نہیم از در دول سالش رقم زدہ بمقامش جنت الفردوس بادا ب ایضا از نشی نعمت حسن
افسون تخلص بیس باندہ ۵ احسان علی وکیل نے رحلت جہان سے کی بذات شریف پاک
تھی ہر ایک عیب سے بے افسون کو فکر جو ہوئی سال وفات کی بے داخل ہوئے بجلدند آلی غیب سے
تصانیفہ۔ طب احسانی۔ معالجات احسانی۔ مفردات احسانی۔ مرکبات احسانی۔ اوراد

احسانی۔ نکات احسانی۔ و دیگر کتب مفیدہ نیز یاد گارند

قاضی احمد مجد تار نولی ابن قاضی عبدالدین بن قاضی تاج الافاضل ابن قاسم

شمس الدین شیبانی از اولاد امام محمد شیبانی صاحب امام اعظم ابو حنیفہ بود مولدش تارنول و
منشأ او اجمیر و مرقد او ناگورہست تلمذ دارادت بخدمت خواجہ حسین ناگوری داشت در سن
بہترہ سالگی فراغ حاصل کردہ انواع علوم را درس مے گفت قاضی مجد الدین پدرش را ہفت سہر
بود نہمہ دانشمند و متقی و متدین و بزرگترین ایشان احمد مجد در علم و عمل بر ہمہ فائق و جامع علوم
شرعیہ و طریقت و ورع و تقوی و ذوق و حالت بود و در امر معروف و نہی منکر جانب از
مجد یکہ پیش دے غنی و فقیر و خویش و بیگانہ درین باب مساوی بودند گاہے ماہشت را
بخود ماہ مخی داد و از باب دینار از روش قدر مے نمود در آوان طالب علمی با دانشمندان بحث
کردی و زبان عربی و فارسی تقریر نمودی و در مجالس ملوک فام در آمدی و بحث کردی ہمہ عرفوان
شباب مرید خواجہ حسین ناگوری شد و از بحث و جدل و در آمدن بخانہ ملوک توبہ کرد و علم طریقت
پیش پیر خود خواندہ در سن بہترہ سالگی از تارنول باجمیر آمد و ہفتاد سال در ان بقعہ شریعت
برزہ و ورع در باخت و با انواع خیرات عمل بسر برد و در اجمیر روش او این بود کہ نیم شب
بروضہ خواجہ بزرگ مے آمد و نماز تہجد مے گزارد و تا نماز چاشت تکلم مے کرد و بعد فراغ
دریں علوم دینیہ مے گفت و بعد قیل و لہ قلیلہ بر مے خاست و تا عصر با ورا و مشغول بود مے
و بعد ازان تفسیر مدارک میان اہل مجلس بیان فرمودی چنانکہ مسلوک طریق مشایخ مے بود
نقل ہست کہ مے گفت و تقے ہمراہ اقربا مے خود برای مدد معاش بہ مند و رفتم و من در ان ایام
خرد سال بودم شیخ محمود دہلوی شیخ الاسلام در مند بود و صدارت علما با و مے تعلق داشت
در نماز پیش از امام تحریمہ بہست چون از نماز فراغ شد ہیچ کس از دانشمندان کہ دہشت اول ہیلوی
او بودند بوسے چیز مے گفت چون دیدم کہ ہمہ ماہشت مے کنند من پیشتر آدم و شیخ الاسلام گفت
کہ این نماز تو درست نیست کہ تحریمہ پیش از امام بہستی شیخ الاسلام منفعیل شدہ اعادہ نماز کرد
منقول است کہ رسم سلاطین مند و چنان بود کہ مردم با ایشان پشت خم کردہ و سبابہ بر زمین نہادہ
سلام مے کردند قاضی احمد مجد و قاضی ادریس دہلوی کہ دانشمندان بودند باکن وضع سلام
نکونند کہ بدعت است السلام علیکم گفتند و برابر بادشاہ نشستند با و شاہ انصاف
با ایشان داد و قاضی ادریس را قاضی اجمیر ساخت و چہار دیہ بوسے داد و امر فتو مے

[illegible]

کہ موروثی قاضی احمد مجد بود بونے مسلم داشت قاضی احمد مجد را بدرجہ غایت محبت باولا در سالت
پناہ معلوم بود و در عموم احوال جامہ خمیس و کم شو پوشیدی و اکثر اوقات صرف کلاہ بر سرش
بودی و جز نماز دستار بر سر کمتر بستی و شیر و ار در مجلس تذکیر نشستی و اما قال اللہ و قال الرسول ہبیت و
عظمت تمام گفتی چنانکہ زہرہ ملک آب شدی و تعلیم خود از کس نمی پسندید بعد مدت متوجہ ناگور شد
کہ مسکن بیروی است و بتاریخ بست و پنجم صفر سال نصد و بست و ہفت ہجری اللہ اکبر گویان
جان بحق تسلیم کرد و در روضہ مخدوم بزرگ سلطان التارکین در پایان پیر خود مدفون گشت
ملا محمد نازولی کہ مردے صالح و مقبول و مرید قاضی احمد مجد و مورخ و کتب بود تاریخ فوٹش چنین یافتہ
نظر بستہ بود احمد مجد شیبان بزدون خطہ مجوزا ہد ز شاہ بن کہ تاریخ آن پیر خود نازولی

بآورد از خطہ شیخ زاہد رحمۃ اللہ علیہ جمعین

مولانا شیخ احمد سرہندی مجد و الف ثانی ابن مولانا شیخ عبدالاحد فاروقی
نسب آنحضرت بہ بست و ہشت واسطہ بجناب امیر المومنین سیدنا عمر بن الخطاب رضی اللہ
عنہ پیوند دوی رحمہ اللہ از بزرگان سرہند بلکہ باعث فخر اہل ہند عالم ربانی و مجد و الف
ثانی جامع بود میان علوم ظاہر و باطن و وسیلے بود ساطع بر شرافت نوع انسانی در سال ہفتاد و
ویکم از صدی دہم ہجرت بساحت وجود قدم رنج فرمود و بصغر سنی از حفظ قرآن مجید فراغت یافتہ
پہ تحصیل علوم متداولہ و آردہ اولاً از والد ماجد خود بعض علوم استفادہ نمودہ بسیا لکوث
رفت و از مولانا کمال الدین کشمیری نزیل سیالکوٹ کتب معقول بہ تحقیق و تدقیق تمام خواندہ و
علم حدیث از مولانا یعقوب کشمیری اخذ کردہ باز خدمت مولانا عبدالرحمن محدث کاکڑ کبرا
محدثین ہندوستان بودند حدیث مسلسل بواسطہ واحد و اجازت تفسیر و صحاح ستہ
و دیگر مفردات یافتہ بموفقتہ سا لگی از تحصیل علوم ظاہر فراغ حاصل کردہ بدرس و تصنیف
مشغول شد خلافت سلسلہ چشتیہ از والدہ خود داشت و اجازت بیعت قادریہ وغیرہ
از شیخ سکندرتیلی یافتہ بہاے حجاز محل شوق بستہ بدہلی رسید و راغباً با حضرت خواجہ محمد
باقی ہامد المکنی قدس سرہ دولت ملاقات دست داد بطریقہ علیہ نقشبندیہ خدمت شان
بیعت کردند و در دو ماہ و چند روز نسبت حضور سلسلہ نقشبندیہ حاصل نمودند چنانچہ ہمدراں

ایام حضرت خواجہ بیگی از مخلصان خود رقم فرمودند کہ شیخ احمد نام مردے از سر ہند کثیر العلم
توی العمل روزی چند با حقیر نشست و برخاست کردہ بسیار از روزگار اوقات خود مشاہدہ نمود
بأن مے ماند کہ آفتابی شود کہ عالم اندر روشن شود انتی و بہمان زمان آوازہ آنحضرت بلند شدہ
استان شان عطر حال و جمع اصحاب کمال گشت علمائے دور و نزدیک و امرائے ترک و
تاجیک بشرف حضور بہرہ ور گردیدند و مشایخ امارت آوردند و سلسلہ شان از ہند تا ماوراء النہر و
روم و شام و مغرب رسیدہ ذات بابرکات شان آیتے بود از آیات ربانی و نعمتے بود از نعمائے
یزدانی نزاعی کہ در میان علمائے کرام و صوفیہ عظام از ہزار سال بود ایشان برداشتند و مورد
و مصداق حدیث صلہ شد نہ چہ ایشان در میان علمائے ظاہر و صوفیہ صلہ بودند کہ اختلاف
فریقین را در وحدت وجود بلفظ راجع داشتند صبر و رضا و تسلیم و شفقت بر خلق و صلہ رحم و رعایت
ارباب حقوق و بے لوثی و در کلام شیعہ کریمہ ایشان بود با این ہمہ تمسک بہ
کتاب و سنت ہمین یک فضیلت مقاوم ہزار فضائل تواند بود منقول است کہ علمائے ظاہرین
پیش سلطان جہانگیر ابن اکبر شاہ شکایت کردند کہ شیخ احمد دعوے مے کند کہ مقام دے
بالائے مقام صدیق اکبر است چون سلطان شیخ را طلبیدہ از حقیقت حال استفسار کرد شیخ
جواب داد کہ شما برائے خدمتی ادنی خادم خود را پیش خود مے طلبید و براہ مہربانی بوی سخنی
پوشیدہ مے گوید ضرور است کہ آن خادم ادنی بعد طی کردن مقامات امرائے عالی درجہ بشما می
رسد و با آن خادم مراجعت کردہ بمقام خود ایستادہ مے شود پس بدین آمد و رفت لازم مے آید
کہ مرتبہ خادم ادنی بالای امرای نامدار باشد پادشاہ خاموش ماندہ روز عتاب گردانید ہمدین وقت
مردے از حضور بارگاہ شاہی بشاہ معروض داشت کہ تکبر شیخ بہرینیکہ سجدہ بشما کردہ حال آنکہ شما
نعل اند و خلیفہ او ہستند پادشاہ پر غضب شدہ دے را در قلعہ گوالیار محبوس کرد شاہ جہان پسر
جہانگیر کہ بشیخ خلوصی داشت قبل از آمدنش بارگاہ شاہی افضل خان و خواجہ عبدالرحمن مفتی را
مع بعض کتب نقد نزد شیخ فرستادہ پیغام دادہ بود کہ علما سجدہ تحیت جہت سلاطین جائز
و شہ اند شما ملایکہ وقت ملاقات پادشاہ را سجدہ کنید و من ضامن مے شوم کہ از سلطان
بشما ضرری نخواہد رسید شیخ راجع بجوابش گفت کہ اہادت سجدہ رخصت است و غیرت

آنست کہ بجز خداے عزوجل دیگری را سجدہ نکرده شود القصہ شیخ تاسہ سال در حبس مانده بعدہ
 بہانگیر بادشاہ دی را بدین شرط از قید برآورد کہ دی بلغرک سلطانی بودہ ہمراہش گشت کند چنانچہ
 شیخ چندی بہ لشکر سلطانی حاضر فائدہ پس انان اباد شاہ رخصت وطن یافتہ بسر ہند
 رونق افروز شدہ بر وزہ شنبہ بست و ہشتم صفر سال سی و چہارم از صدی یازدہم ہجرت
 بچار رحمت ایزدی پیوست و بسر ہند دفن گشت تاریخ وفاتش رفیع المراتب یافتہ اند
 نور اللہ مغبوضہ تصانیفہ الاتیقہ رسالہ تہلیلہ رسالہ اثبات نبوت ہر سالہ مہمد و معاد بہ
 رسالہ مکاشفات غیبیہ ہر سالہ آداب المریدین ہر سالہ معارف لدنیہ ہر سالہ رد الشیعہ
 تعلیقات الحوارت ہر شرح رباعیات خواجہ باقی باللہ شرح ہر مکتوبات و رسہ مجلد ہر تذکیر
 حدیث شریف ان اللہ یبعث لہذہ الامۃ علی راس کل مائۃ سنۃ من یجد لہما امر دنیہا کہ در سنن
 ابی داؤد وغیرہ کتب معتبرہ مروی است مراد از راس مائۃ باتفاق اہل حدیث آخر صدیست و
 علامات و شروط مجددانست کہ دی عالم باشد بعلوم ظاہر و باطن و نفع از تدریس و تالیف و تذکیر
 او شائع باشد و در احیای سنن و محو بدعات سرگرم ہوو و در آخر یک صدی و اول صدی
 دیگر اشتہار علوم و شیوع انتفاع از وہ باشد پس فضائل و اوصاف مولانا شیخ احمد باعلی صوت
 ندای کند کہ دی رحمۃ اللہ علیہ مجدد است نہ مجددائے بل مجددائے ثانی و از صد تا ہزار فرق بین
 است سہرند بکسر سین مہملہ و سکون ہاے ہوز و کسر راے مہملہ و سکون نون در آخر دال مہملہ
 شہر یست در میان دہلی و لاہور بر شارع عام کذا ذکرہ حسان المدنفی سبجہ المرجان
 مولانا احمد احمد آبادی ابن مولانا سلیمان قدس سرہما اصل زاوہوم ایشان گروست مولانا
 سلیمان مذکور دارد احمد آبادی گجرات گردید و از خدمت شیخ عبدالحق دہلوی کسب فیوض نمودہ
 فاضل متبحر گشت تصانیف عالیہ از ویادگار اند پسرش مولانا احمد کہ یگانہ روزگار بود و ہمہ
 علوم دست رس داشت و در اکثر علوم تصانیف نادرہ دارد و علم معقول بدیاری گجرات
 از ورماج یافتہ بنجلہ مصنفاتش فیوض القدس نام کتابست در علم کلام کہ آن ملازالمہامات
 مدسیہ توان گفت اکثر تحصیل وے پیش مولانا محمد شریعت بودہ شرح مواقف و اکثر علوم
 عقلیہ از مولانا دلی محمد خان و تصوف از میسان شیخ فرید اخذ کردہ و ریاضے پیش چ

شاہ تبا و مخاطب بہ دیانت خان گذریند و اجازت حدیث و بعض علوم از والد خود مولانا سلیمان
گرفته بتاریخ بست و یکم جمادی الثانی سال یازده صد و دوازدہ ہجری بعالم قدس شتافت
مولانا نور الدین گجراتی شاگردش تاریخ وصال وی درین مصرعہ یافتہ **ہ** شمع کہ بود بہ آئین
علم گل شدہ بہ مرقد پدر و پسر و را حمد آبا و گجرات است

ملا احمد رام پوری کہ بولایتی شهرت داشت شاگرد مولوی برکت الہ آبادی بعلم درسیہ
خصوصاً در فلسفہ ماہر بود سلسلہ تلمذ اکثر علمای رامپور بدو منتہی می شود

ملا احمد عبدالحق فرننگی محسلی ابن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشہید السہاوی تحصیل
علوم بخدمت عم خود ملا نظام الدین نمود و در جنب دے بتدریس مشغول گشت و اعتبار تمام
درارباب و اراکین شہر لکھنؤ پیدا کردہ در امور خانہ داری عم خود را سبکدوش سے داشت تصانیف
شرح سلم و حواشی زواید ثلثہ یادگار اند

ملا احمد حسین فرننگی محلی ابن ملا محمد رضا پسر چهارم ملا قطب الدین الشہید السہاوی سے
کتب درسیہ متعارفہ بخدمت عم خود ملا نظام الدین تحصیل نمودہ فاضل کامل گشت و بتدریس
علوم عمر گرانمایہ خود بسر برد و اخیر عمر او را سفر فیض آباد پیش آمد و در آنجا بیمار شدہ بوطن می آمد و در اثنا
سہ وفات یافتہ ملا حبیب اللہ فرننگی محلی از تلامذہ اوست

ملا احمد انوار الحق فرننگی محلی ابن ملا احمد عبدالحق بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین السہاوی
چون در فطرت ازلی محبت الہی و دلش ریختہ بود مذہب عالم طغولیت بخدمت والد خود سے
نشست و از برکات القاس طیبہ او استفادہ سے بروکتب درسیہ بخدمت مولوی احمد حسین
و ملا محمد حسن خواندہ تکمیل علوم ظاہر بخدمت مولوی عبدالعلی بجا العلوم نمودہ بعمر ہفتہ سالگی بخدمت
والد خود فائزہ بیعت گشتہ توجہ خاطر بمقولات نداشت کتب منقول البتہ منظور نظرش نبودند
الغرض اوقات شریفش بعبادت الہی بسر می برد و نفسی بدون ذکر و شغل برباد نمی داد
حالات شریفش از خوارق عادات مفصلاً در اغصان اربعہ مذکور است بست و ششم
شعبان رود سہ شنبہ یک پاس روزماندہ سال دوازدہ صد و سی و شش ہجری روح مبارکش
از جسدہ قالب برآمدہ بر رفیق اسے پیوست مدبارغ خود واقع لکھنؤ مدفون شد

شاعری مادہ تاریخ نوشت در مصر - رحمت حق بروح انور باد بنیافتہ

شیخ احمد لاہوری بن عبداللہ بن علی محمد بن محمد جمال الدین دوانی دے الہیچہ مولوی محمد اشرف لکھنوی بود اسلافش از دوان کہ قریہ ایست در شیراز بودند قتیکہ اہل تشیع بر ایران زمین استیلا یافتند و قتل و غنیمت اہل سنت از دست شان بظہور آمدہ جدش بہ پشاور رسید ہما بخا شیخ احمد متولد شد و علوم عقلیہ و نقلیہ اکتساب کرد و از پشاور بموضع نہ اقامت گزیدہ طیبہ حاذق بود و بہ اداۃ فقر و غریبہ پرداخت و با غنیاء ملتفت نمیشد و ہموارہ بر ریاضات و بدرس علوم اشتغال داشت در سن یکہزار و ہفتاد و ہفت ہجری وفات یافتہ در نہ مدفون گشت نہ دیہی است از دیہات سیالکوٹ مضاف لاہور

مولوی احمد حسن قنوجی فرزند کلان مولوی سید آل حسن قنوجی جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بتاریخ نوہم رمضان یوم شنبہ وقت اشراق سال دوازده صد و چہل و شش ہجری متولد شد علوم مردجہ ببلاد سمرقند خدمت اساتذہ چند آموخت شاعری توے الحافظہ حبیب الدین بود در آخر حلقہ تلمذ مولوی عبدالجلیل کوئی و آمد و اجازت حدیث از شاہ عبدالغنی مجددی دہلوی یافتہ در سال دوازده صد و ہفتاد و شش ہجری بارادہ حج بیت اللہ از وطن روانہ شدہ بمقام بروہہ ملک گجرات رسید نزد مولوی غلام حسین قنوجی مقیم شد و در آنجا بمرض تب بیمار گشتہ نومحرمی الاوے بروز جمعہ سال دوازده صد و ہفتاد و ہفت ہجری رحلت فرمودہ بعد نماز جمعہ در تکیہ ماتریدیہ مدفون گشت طالب اللہ ترہ

مولوی احمد اللہ پانی پتی فرزند تلمیذ قاضی ثناء اللہ پانی پتی و مرید مرزا مظہر جان جہان دہلوی مہر فقہ و حدیث صاحب ورع و تقوی بود در سال یازده صد و نود و ہشت ہجری بعالم جوانی سوے عالم جادوانی شتافت

شیخ احمد فیاض ایٹھوی از فحول علمای کبار صاحب تقوی و ریاضت و مجاہدہ بود بجاہت بیماری صعب قرآن مجید را در یک سال یا ذکرہ اکثر کتب متداولہ بر زبان داشت اگر شاگردی در خانہ غلط کردی محبت آن بیاد گفتی تفسیر و حدیث و سیر و تاریخ خوب میدانست قرأت فساتحہ عقب امام رواداشتی بمصر شیخ نظام الدین ایٹھوی بود و شیخ

نظام الدین مذکور در سال ہشتاد و یک ہجری وفات یافتہ تاریخ وفات شیخ احمد معلوم نہ شد

قاضی احمد اللہ بلگرامی عرف محمد عثمان ابن قاضی محمد احسان وی بعلیہ علوم آراستہ بود خصوصاً بفقہ وحدیث در بلگرام نظیری نداشت تا سال نود و ششم صدی دوازدهم ہر سند قضای بلگرام متکون بود بلگرام سادہ در زمان پیشین سرے نگر می گفتند بالجلہ آن قصبہ عمدہ خیر و عدل علمائے و فضلاء نامدار بود از قنوج بسمت شمال مائل بمشرق بفاصلہ پنج کردہ واقع است دور وسط آن پردوشہر دریای گنگ بفاصلہ دو نیم کردہ می گذرد

مفتی احمد ابوالرحم فرنلی محلی ابن مفتی محمد یعقوب بعد تحصیل کتب در سیہ بدرس اشتغال داشت و فراغت کتب نفیہ بسیار نموده مفتی متدین مشہور بود مدتی عدالت فوجداری در عمد نواب سعادت علی خان لکھنوی بادقویض ماند نواب موصوف بردیانت وامانت و سہ اعتمادی داشت بقضای الہی بیمار شدہ وفات یافت رحمۃ اللہ علیہ **مولوی احمد رضا خان بریلوی** سلمہ اللہ تعالیٰ ابن مولوی نقی علی خان بن مولوی رضا علی خان متوطن بریلی رویہ لکھنؤ تاریخ دہم ماہ دہم یوم السبت سال ہفتاد و دوم از صدی سیزدہم بعرضہ دینا قدم نہاد جد شریفیش بروز عقیقہ و سہ بشر شدہ گفت خوابی دیدم کہ تعبیر آن فاضل و عارف شدن این فرزند است بالجلہ صاحب ترجمہ بعمر چہار سال از خواندن قرآن مجید فراغت یافتہ بعمر شش سالگی ماہ ربیع الاول بر سر منبر حضور مجمع کثیر سالہ میلاد شریف خواندہ تمامی علوم درسیہ از معقول و منقول بخدمت والد ماجد خود تحصیل نمودہ بتاریخ چہار دہم شہر ششم سال ہشتاد و ششم از صدی سیزدہم فاتحہ فراغ خواند و همان تاریخ جواب استفتاء رضاعت نوشتہ والد ماجد وی کار فتاویٰ نویسی با سپردہ و در سال نود و چہارم صدی مذکور بخدمت سید شاہ آل رسول مارہروے شرف بیعت حاصل نمودہ مثال خلافت و اجازت جمیع سلاسل و سند حدیث یافتہ و در سال نود و پنجم صدی مذکور بہ معیت والد ماجد خوب زیارت حرمین شریفین زادہما اللہ شرفا مشرف شدہ از اکابر علمای آن دیار اعنی سید احمد حلاوان مفتی شافعیہ و عبد الرحمان سراج مفتی حنفیہ سند

حدیث دفعہ واصول وتفسیر ودیگر علوم یافتہ۔ روزی نماز مغرب بمقام ابراہیم علیہ السلام خواند
بعد نماز امام شافعیہ حسین بن صالح حمل اللیل بالتعارف سابق دست صاحب ترجمہ گرفته
بخسانہ خود برود تا دیر پیشانی دی گرفته فرمودانی لاجہ نور اللہ من ہذا الجہین سپس سند صحاح
ستہ و اجازت سلسلہ تقادیریہ بدستخط خاص دادہ فرمودند کہ نام توضیحات الدین احمد ست در
سند مذکور تا امام بخاری علیہ الرحمۃ یازدہ دساتط اندوہم در مکہ معظمہ بایامی شیخ حمل اللیل موصوف
شیخ رسالہ جہرہ مضیہ در بیان مناسک حج مذہب شافعیہ کہ از تصانیف شیخ سابق الوصف
است اندر دیوم نوشتہ و نام آن النیرۃ الوضیۃ فی شرح الجہرۃ المضیۃ مقرر کردہ پیش
شیخ برد شیخ پتھمین و آفرین دسے لب کشاد در مدینہ طیبہ مفتی شافعیہ یعنی صاحبزادہ
مولانا محمد بن محمد عرب ضیافت صاحب ترجمہ کردہ باثنائے اکل طعام مسئلہ انضلیت
مدفونین بقیع پیش کردید صاحب ترجمہ گفت کہ امیر المؤمنین عثمان رضی افضل اند و مولانا می فرمود
کہ حضرت ابراہیم ابن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فضیلت دارند جانبین لائل خود ہا
بیان سے کردند آخر مولانا فرمود کہ ہر دو قول صحیح و موجب اند صاحب ترجمہ گفت دکل وجہت
ہو مولیہا آن وقت بانگ نماز عصر از حرم شریف برخاست مولانا فرمود غائبوا الخیرات آن
جلسہ برخاستہ نماز شریک شد بشب یعنی بعد نماز عشا صاحب ترجمہ در مسجد خیف تنہا توقف
نمود در آنجا بشارت مغفرت یافتہ دسے سلمہ ربہ تصانیف بسیار دارد و از ان جملہ اینند
ما تعلق بالنبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بتجلی الیقین بان نبینا سید المرسلین علیہ السلام القیامہ
علی طاعن القیام لنبی تمامہ ۱۶۹۹ سلطنتہ المصطفیٰ فی کل لوری ۱۶۹۶ فی نفی عنہ ۱۶۹۹ بمجورہ انار کل
شی لقب بر قمر تمام فی نفی النزل عن سید الانام مہدی الخیران فی نفی عنہ ۱۶۹۹ عن شمس لا کوان ۱۶۹۸
سمع وطاعہ لاحادیث الشفاعۃ تطلوہ الافلاک بحال حدیث لولاک ۱۶۹۵ فی القیام المستعود تنقیح
المقام المحمود ۱۶۹۸ جہول لجلہ خادوا للہو الجلیل من سماع الاربعین ۱۶۹۸ فی شفاعت
سید المحبوبین ۱۶۹۸ بحث الفاحص عن طرق حدیث الخصائص مما تعلق بتفضیل شیخین
۱۶۹۸ منتہی التفضیل بحث التفضیل ۱۶۹۸ مطلع القمرین فی ابانۃ سبۃ العزمین ۱۶۹۸ الزلال الا لقی من بحر
سبۃ الاتق ۱۶۹۸ الکلام البہی فی تشبہ الصديق بالنبی ۱۶۹۶ و ملا وجہ المشوق بجلوۃ اسماء الصديق

والفارق مما يتعلق بأهل البيت النبوة والصحابہؓ أحياء القلب الميت بنشر
 مناقب أهل البيتؓ أظلال السحاب في إجلال الصحابةؓ بملء فم العرش الخاوية من ادب الامير
 معاويةؓ الاحاديث الرأوية لمناقب الصحابي معاويةؓ مما يتعلق بالاولياء الكرام
 الامثال بفيض الاولياء بعد الوصالؓ انوار الانوار من يم صلوة الاسرارؓ انوار الانوار
 من ضياء صلوة الاسرارؓ طالع النور في حكم السراج على القبورؓ جبر معظم شرح قصيدة كبير اعظم
 مما يتعلق بالمسائل النزاعيةؓ حياة المواتؓ في سماع الامواتؓ في تفسير العين
 حكم تقبيل الابهامينؓ نسيم الصبا في ان الاذان تحول الوباؓ البارة الشارقة على
 مارقة المشاركة مما يتعلق بفضائل الحديثؓ انجم الثواب في تخریج احاديث الكواكب
 نور عيني في الانتصار للامام العينيؓ الروض البهي في آداب التخرج - الكريش ازين كتاب
 درين فن يافته نشود پس مصنف را موجد تصنيف بنامه توان گفت مما يتعلق بالفيقيات
 عبقری حسان في اجابة الما فانؓ حسن البراعة في تنفيذ حكم الجاهةؓ انكس الامال في
 البطال ما حدث الناس في امر الامالؓ الاحلى من السكر طلبته سكر و نثر بفتح راء مملو
 سکون ما دوسين مفتوحه و آخره مملو ساكنه تام جماعت تجار انكس ليست که در شا جها بنور
 کارخانه شکو قند اجرا کرده اند و استخوان حیوانات سوخته بزغال آن تصفیه شکو غیره مے نمایند
 اجود القرى من يطلب الصحة في اجابة القرىؓ النيرة الوضیة في شرح الجوهرة المضيئة
 جل جلجلية في ان المکره سمومها ليس بمضیة بسلام باحرام المقابرؓ البارة المعاسة على
 طالع نطق بفرط عالم المقالة المسفرة عن احكام الهدية المكفرةؓ احكام الاحكامؓ في
 التناول من يمين ماله حرامؓ فصل القضا في رسم الاقنانه العطايا النبوية في الفتاوى
 الرضوية من ابواب شمس مقام الخديو على هذا المنطق المجدي اعتبار الطائفة
 بمبحث ابی طالبؓ السعي المشكور في ابداء الحق بالمجورؓ فور الامال في الادفاق و
 الاعمال نه سائل و كفى من ادعية المصطفىؐ - بماه جمادی الآخر سن سیزده صد هجری
 برخیز از مفصلین بریل و بدایون و سمنعل و سام پیرد غیره که سرخیل شان مولوی محمد حسن
 بسنعلی پور در بلده بریل فراهم شده خاستند که بصاحب ترجمه در باب تفصیل باب

مناظرہ کشائند صاحب ترجمہ باوجود علمت طبع و استعمال منفعیات اولیٰ سہی سوال نوشتہ پیش سرگروہ آن طائفہ فرستاد مجر و معانیہ اسولہ مذکورہ سرگروہ مناظرین بسوارے مجلہ دہانی بجعلت تمام جانب وطن تشریف فرما شدند و دیگر معاونین شان بزاویہ من سکست سلم پناہ برتتا چنانچہ قدرے تفصیل این واقعہ در رسالہ نفع خیر مطبوع شدہ است زان بعد اعلان مناظرہ بحث مذکور بجانب صاحب ترجمہ عموماً مطبوع شدہ شائع گشت تا اسے یو مناہذاز جاے صدائے برخاست ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء اللہ ذوالفضل العظیم تصانیف دے تا این زمان قریب ہفتاد و پنج مجلد رسیدہ اند سلمہ اللہ تعالیٰ

ملا احمد زین جوہر می عالم تجوید عامل و متوکل و متورع و متبرک مرید شیخ معروف جوہری بود و شیخ معروف مرید مولانا آکھ داد شارح کافیہ و ہایہ و بزودی و مدارک است و وی مرید راجہ حامد شہ مانک پوری بود

مولانا احمد تہا نسیری مرید شیخ نصیر الدین اودہی دہلوی در فضائل و علوم ظاہری بسیار می ماہر بود و بعد معاودت امیر تیمور گورگانی مولانا از دہلی بکابل آیدہ متوطن شد و ہمان وفات یافتہ اندرون قلعہ کابل مدفون گردید اورا قصیدہ ایست دالیہ در لغت کرد و داد فصاحت و بلاغت دادہ چند بیت از ان شیخ المحدثین دہلوی در اخبار الامخیار نقل کردہ قابل دیدست

قاضی احمد غفاری قزوینی انا و لا و امام نجم الدین عبدالغفار است کہ صاحب کتاب حاوی در مذہب شافعی گذشت فاضل و منشی و مورخ و خوش طبع بے عدیل بود کتاب نگارستان در عجائب حالات و غرائب واقعات و کتاب سنخ جہان آرا کہ نامش تاریخی است و در محل تواریخ عالم از زمان آدم تا حضرت خاتم صلعم از تالیفات اوست در آخر حال دست از وزارت ہا و شاہزادگان عراق بازداشتہ متوجہ زیارت بیت الحرام گردیدہ و آن سعادت را دریافتہ از ہند و اہل ہند وستان مے آمد ناگاہ دست قضا در ریخت ہستی دے خلل انداختہ در سال نہصد و ہفتاد و پنج ہجری بعالم بقا کشید

یفعل اللہ ما یشاء و بحکم مایرید

مولوی احمد بخش سندیلی ابن مولوی سید عبد اللہ ساکن سندیلہ اخذ علوم از والد ماجد خود
 و نیز مولوی اعز الدین سندیلی و مولوی حیدر علی سندیلی کردہ مرید و خلیفہ پدر خود بود و طلبہ
 ظاہر و باطن را از وفیضی مزیدے رسید کمتر درس میداد و مریدے کرد سال و فائش معلوم
 نہ شدہ در باغ امر ہرہ واقع قصبہ سندیلہ پائین والد خود خاک آسود علیہ رحمتہ اللہود و
 شیخ احمد عرب یمنی شروانی ابن شیخ محمودی شروانی مداد آخر صدے دوازدهم
 یا ہا و ائل صدی سیزدهم ہجری ہندوستان آمدہ و سیاحت شہر ہائے کلان نمودہ اکثر مکتبہ مقیم
 بودے در فن ادب عرب ہمارے کامل دشت از تصانیف وے نفیہ الیمن فیما یزول بزرگوار
 الشجن کہ پیاس خاطر متی نمودن صدر المدرسین مکتبہ تالیف نمودہ و مناقب حیدریہ کہ لطیف
 خاطر غازی الدین حیدر فرما نر دے لکھنؤ تصنیف کردہ و شمس الاقبال نے مناقب
 ملک بھوپال و انشاے عجب العجائب مشہور اند و اخبار لیاقت علی وے کے کند
 سال و فائش دریافت نرسیدہ

مولوی احمد علی عباسی چریا کوٹی انا کا بر و مشاہیر علمائے ہندوستان ہست
 بجمع فنون متداولہ ہمارے تمام داشت علی الخصوص در اصول فقہ و فلسفہ اولی علم سر بلندی
 مے افراشت بسال یک ہزار و دوصد ہجری از قلم عدم بمنصبہ شہود قدم وجود بنسازہ و در
 عنفوان شباب در وطن مالوف خود بہ تحصیل علوم کوشمت بستہ طرفے از صرف و نحو بخدمت مولوی
 حافظ غلام علی عباسی کہ از گرامی ناموران مرزوم چریا کوٹ پو و ماخذ فرمودہ بعد از ان چون دعوت
 تحصیل کمال در دوشس را رخ بود بے بر نیامد کہ دے رہ نوردی برزیلہ اہل بستہ و خار
 عنادر پایے جہد و طلب شکستہ بخدمت مشاہیر علمائے ہند بریوستہ انا خاک طبع صافی
 دے ثاقب داشت بیچ درے از در ہائے علم نمود کہ برو کشادہ و شد فنون ریاضیہ را
 از مولوے غلام جیلانے ہمراہے مولوی حیدر علی رام پوری و نیز تعلیم ایشان تکمیل
 آوردہ و فلسفہ و فقہ و اصول و بلاغت را از بلاد بعیدہ حاصل کردہ و تحصیل علم
 و تہذیب و زہام تعلم بدست قاری نسیم رام پوری سپردہ و آن را با انجام رسانیدہ
 و اعمال سلوکہ درویشان از برگزیدہ آفتاق حضرت حافظ ابواسحاق سوح

ساکن ہیرا گرتہ و دیارِ تحصیل داد سیاحت دادہ و بچہ متسام در پے ہر ہنری قنادہ بھر سی
 ساگی از جمیع فنون و درسیہ و غیرہ درسیہ طرف بستہ بوطن باز آمد و برسم از دواج و منا کحت
 بہ داخت و زان بعد بمسند افادہ فنون و درس علوم نشستہ جمعے کثیر از فنون مختلفہ
 بہرہ مند گردانید و تعلیم دے را طریقہ خاصہ بود کہ سچ متعلم بے بہرہ دانی نمی ماند علماء معاصرینش
 از طرز تسلیم دے معرفت بکمالش بودند بتصانیف کمتر متوجہ بے شد مگر با تفریح بعض
 احباب بہ تسوید اجزائے چند بعض علوم پرداختہ کہ بعضی از ان نامتسام ماندہ و بر غے دا
 کمل ساختہ ہجو انوار احمدی حاشیہ قال اقول و کمرح سلم العلوم با کجام نرسیدہ و لور انواظر در علم
 مناظرہ با تمام رسانیدہ و ہمچنین رسائل او در فنون مختلفہ فی الجملہ موجود اند و انار شد و اشہر
 ملاذہ دے علماء الذیل ہستند مولوی نصر اللہ خان خویشتی خوجوی و مولوے
 علی عباس چریاکوٹے و مولوی نجم الدین چریاکوٹی و مولوی عنایت رسول چریاکوٹی صاحب ترجمہ
 علیہ الرحمۃ ماہ ذی الحجہ سال دوازده صد و ہفتاد و دو ہجری رخت ہستی ہر وضعہ رضوان بہرست
 علیہ الرحمۃ دا انفران چریاکوٹ **تصہ ایست** مردم خرد سواد اعظم گدھ بہیرا بہرہ بای
 مودہ لکسورہ مخطوط ہماے قمتقی دیانے شتاہ محتمانیہ معروف در اے مملہ مفتوحہ بخوش لاف
تصہ ایست بسواد اعظم گدھ سکس مشلخ عظام

قاضی محمد علی سندیلی ابن سید فتح محمد ساکن سندیلیہ شاگرد داما د مولانا محمد ابند سندیلی
 دانشمند تہذیب الدرس و التصانیف ذکی و فہیم بود از بیگاہ سلاطین دہلی بعدہ قضاے تصبہ
 سندیلیہ غارتیاز داشت مولوی حیدر علی ابن مولانا محمد احمد ہم از دستفید شدہ حاشیہ میرزا بہر
 رسالہ و حاشیہ میرزا بہر ملا جلال و حاشیہ میرزا بہر شرح مواقع و شرح سلم العلوم و حاشیہ
 منیبہ بر شرح سلم و رسالہ فرائض حنفی از تصنیف انیق ادیا و گاراندہ او آخر صدی دوازہم ہجری
 رحلت فرمودہ بقصبہ سندیلیہ در محن امام بارہ سید غلام حسین مد فون گشت طالب اللہ
 شراہ و جعل الجنۃ فواء

خواجہ اختیار الدین عمرایری ابا و اجداد او از کبرائے خطہ ایرج بودند و بمنصب
 عمدہ داری ستین و منصوب آخر الامر او را جنزبہ دست داد و بکلی ترک حطام دنیا و دے نمودہ

انچہ انادارات والغات متعین داشت ہمد بطور و رغبت گذشتہ و طلب علم و طریقہ
 نہ مقدم صدق نہاد و در خدمت قاضی محمد سادی کہ از اساتذہ عمد و صلحاے روزگار و مرید و خلیفہ
 شیخ نصیر الدین محمود بود تحصیل علم کرد و بہ نعمت خلافت و اجازت مشرف گشت و فائز
 چہار دہم محرم سن ہشت صد و نہ ہجری واقع شدہ بمقام ایرج مدفون گشت علیہ الرحمۃ الرضوان
 حکیم ارزانی دہلوی تاش محمد اکبر بن حاجی محمد مقیم در عصر فیض اثر بادشاہ تجاہ ابو المظفر
 محی الدین اورنگ زیب عالمگیر غازی طبیبی حافق مرید خاندان قادریہ بود بہ طب مرضی تالیف
 کتب طبییہ بسری بردار تصانیف او کتب ذیل مشہور اند میزان الطب - حدود الامراض
 منتخب اکبری - مجربات اکبری - مفرح القلوب - شرح قالونجہ - قریب الدین قادری طب اکبر کہ در سال یازدہ
 صد و ہشت ہجری ترجمہ کتاب شرح اسباب و علامات تالیف نمودہ تاریخ تالیف آن در لفظ شرح اسباب
 و علامات بعد حذف اعداد حروف علت کہ چہار الف و یک داد است مولف موصوف خود یافت
 قاضی ارتضا علی خان گویا موی ابن مصطفی علی خان در سال یازدہ صد و نو و
 ہشت ہجری متولد شدہ بخدمت مولوی حیدر علی سندیلی علوم عقلی و نقلی اخذ کردہ و فن ہادب
 از مولوی محمد ابراہیم بلگرامی آموختہ جامع شریعت و طریقت بود در سن دوازدہ صد و ہشت
 و بیج ہجری نزد والد خود بہد راس رسیدہ در آن وقت والدوے قاضی مدراس بود بعد
 وفات پدر خود ہم بران منصب ممتاز شدہ بافادہ علوم سے پرداخت بر صدر امیر زباہ
 ملا جلال و غیرہ حواشی و مشروح نوشتہ کہ مطرح انظار علماے کرام اند نفایس ارتضائیہ و
 نقود الحساب در سالہ فرائض و شرح تصدیقہ بردہ نیز از تصانیف مشہورہ دے اند و در سال
 دوازدہ صد و پنج و یک ہجری وفات فرمودہ

مولوی ازہار الحق فرنلی محلی ابن ملا احمد عبدالحق دہرادینی ملا احمد فارحق تاشرج چاچی
 بخدمت مولانا عبدالعلی بجر العلوم خواندہ بسبب روانگی مولانا موصوف جانب سلطنت
 کتب متوسطہ اکثر سے از مخطوطات منقول بخدمت ملا احمد حسین تحصیل نمودہ کتب
 معقول پیش ملا محمد حسن استفادہ کرد زان بعد بنا بر درس و تکمیل بہ شاہ جہان پور نزد مولانا
 بجر العلوم رفت و از انجا معاودت نمودہ مدتی در وطن خود گفتگو بہد راس

معروف ماند پس بتلاش معاش بطرف راسے بریلی روانہ شد شاہ لال مرحوم اورا غنیمت
شمردہ بخانہ خود جایش دادند و بخدمت دے طلبہ علم براسے تدریس هجوم کردند و مسجد شاہ
مذکور درس میداد و از شاہ موصوف بسلسلہ نقشبندیہ بیعت کردہ و از انجا ہمراہ مولانا بجر العلوم
روانہ بہار شد و در انجا درس بطلبہ میداد و باندا پس بوطن آمد و بکار درس مشغول ماند و بجز مفسد
سالگی از عالم فانی بملک جاودانی خرامید

شیخ اسحاق لاهوری ابن شیخ کاکو دانشمند تبحر متوکل و متورع و ایم درس می گفت
جامع جمیع علوم و صوفی مشرب و ہمیشہ بحق مشغول می بود تا غمی بر سیدہ مخنی نمی گفت شیخ
سعادت و شیخ منور از تلامذہ او مشہور اند سن شریفش از صد تجاوز شدہ بسال ہنصد و دود
شش ہجرت رحلت فرمود

مفتی محمد اسد اللہ آلہ آبادی ابن مفتی کریم قلی بزرگی خاندان ایشان بھنگنان ظاہر و
ہویدا است دانشمند ذکی و متقی باوصاف حمیدہ و اخلاق پسندیدہ آراستہ و پیراستہ بود نسبت
تلمذ بہ مولانا فضل رسول بدایونی داشت ہنگامیکہ در فتح پور مفتی عدالت بودہ فقیر جامع الاوراق
شرح عقائد نسفی و مشکوٰۃ شریف در خدمت بابرکت شان سبقاً خوانندہ باز قاضی القضاہ تہ
اگرہ و در اخیر صدر الصدور جوینور شدہ بتاریخ یکم جمادی الاول یوم دوشنبہ سال سیزد
صد ہجری لا آلہ الا انت گویان جان بجان آفرین سپردہ بحملہ چتر ساری منحلات جوینور
مدفون شدند طالب اللہ شراہ

مولوی اسد علی سندیلی پدروے شیخ صادق علی از فیض آباد آمدہ مرید دربان شاہ
سندیلی شدہ ہما نجا سکونت اختیار کردہ اسد علی بقصبہ مذکور ولادت یافت از علمای وقت
کتب درسیہ بانجام رسانیدہ و تمام عمر ملازم درس و تعلیم بودہ بہست و ہشتم ربیع الثانی سال
دوازده صد و نود و ہشت ہجری روز جمعہ رحلت فرمودہ بسندیلہ مدفون گشت
مولوی اسلمی مدراسی نام دے محمد سعید است دانشمندی تبحر از تلامذہ ار شد
ملک العلمای مدراس بود کتاب تھہ اثنا عشریہ مصنفہ مولانا شاہ عبد الغفر زید ہلوی را از
فارسی بحرئی ترجمہ نمودہ کتاب سفینۃ النجاست ہم از تصانیف اوست علیہ الرحمۃ

سید اسماعیل بلگرامی دانشمند متجرب و بہ سال یازدہ صدہ شخصت و چہار ہجری وفات یافتہ
 شیخ اسماعیل لاہوری از عظامہ محدثین و مفسرین بودہ اول کسی است کہ علم حدیث
 و تفسیر بہ لاہور آوردہ و ہزار ہا مردم در مجلس و عظمت مشرف باسلام مے شدند در سال چہار
 صد و چہل و ہشت ہجری بہ لاہور رگدشت

اسماعیل عرب انانقران شیخ محسن تبریزی در ہیأت و حکمت و طب بے نظیر بودہ در س
 شرکت مکانی با شیخ محسن داشت و طلبہ را از میں صحبت شریف ایشان ابواب فیض پرورے
 مے کشود و جہ اثاث البیتی کہ داشت شے اورا ندوان شہر محمد جلال الدین
 محمد اکبر شاہ کشتند

سید اشرف سمنانی دی راسید اشرف جہانگیر گویند ادا کا بر علماء ربانی و کمالان صاحب
 کرامت و تصرفات است در سیاحت با امیر کبیر سید علی ہمدانی قدس سرہ رفیق بودہ و عاقبت
 بجانب ہند و ستان افتاد و در حلقہ ارادت شیخ ملا مال دین در آمد اورا پیش از ارادت
 مقامات عالیہ کشف و کرامت حاصل بود و در حقائق و توحید سخنان عالی دار اورا مکتوبات
 است شتمل بزہ تحقیقات عنریہ و با قاضی شہاب الدین دولت آبادی معاشر بودہ قالیبا
 قاضی از دے تحقیق بحث ایمان و سرعون کہ در خصوص الحکم اشارتی بدان واقع شدہ است
 کردہ بود اورا درین باب بوسے مکتوبے نوشت کہ در اخبار لاخیا ر شیخ المحدثین دہلوی نقل کردہ
 فرار سید اشرف در کچھو چھو است نام مبارکش بلاد در دفع جن بغایت موثر می ماند و اورا محفوظات
 است مسمی بہ لطائف اشرفی کہ یکے از مریدان او جمع کردہ

شیخ عظیم ثانی لکھنوی ابن شیخ ابوالعباس شیخ موسیٰ بن شیخ ضیاء الدین کوانی از علمای
 فحول و دانشمند متجرب جامع بود میان علوم ظاہری و باطنی و ارادت بہ شیخ ابوالفتح جوہر پوری
 داشت شیخ ضیاء لکھنوی و شیخ سعد الدین خیر آبادی از ارشد تلامذہ ویند و با شیخ سعد الدین
 کف درے فراز محاضرت و مخنتی تام داشت گویند وے را در علم فقہ مرتبہ بلند و پایہ
 ارجمند بود و در تقریر مسئلہ فقیہہ بیاتے صافے و تقریرے دافے مے کرد وے را در علم فقہ رسائل
 متعددہ اند شیخ ضیاء الدین اب الجودی در عہد ہلاکو خان از کرمان بہ ہندوستان آمدہ

جست ملاقات شاہ سمرقندی بہ لکھنور سیدہ وہ بہ سبب علاقہ محبت اوشان دران بلدہ توطن
اختیار کرد شیخ اعظم ثانی سے عقب ذیل گناشتہ وفات یافتہ سال وفاتش معلوم نہ شد
۱۔ شیخ محمد عرف شیخ قاضی ۲۔ شیخ احمد فیاض ۳۔ شیخ نصیر الدین۔ اولاد ہر یکہ از انہما در لکھنؤ و
دیوہ و انام موجود اند

مولوی افہام اللہ سندیلی ابن مولوی سید فتح اللہ بن سید شاہ غلام علاء الدین مخدوم
زادہ سندیلہ اکتساب علوم متداولہ از والد خود مولوی عبداللہ و مولوی احمد بخش سندیلیان
مولوی انوار الحق و مولوی سر راج الحق لکھنویان و علم طب از حکیم مرزا محمد علی لکھنوی طبیب
شاہی کردہ احسان حسین خان و مظفر حسین خان فرزند ان سبحان علی خان کبہوہ و مولوی
محمد علی خان لکھنوی از تلامذہ صاحب ترجمہ ہوند بجز شری مختصر بریزان اہمرف تالیفہ اردو
یافتہ نشد بمقام نان پارہ ضلع بہرائچ وقتیکہ ملازم راجہ منور علی خان بود ازین جہان بی مینان
رحلت ہستی بر بستہ ہماچا ند فون گشت علیہ الرحمۃ والغفران

مولوی اکبر علی سندیلی ابن مولانا محمد اللہ سندیلی شارح سلم العلوم و برابر کلاں مولوی
حیدر علی سندیلی اکتساب علوم ظاہر از والد ماجد خود نمودہ عالم متبحر و مکر بدرس و تدریس
بوجہ افکار و اوراد و چلہ نشینی اتقائے کئے کرد اومید شاہ قدرت اللہ مرحوم صفی پوری بوجہ
و مشرح بیض بر حزب البحر از تصانیف شریفہ ادیادگار روزگار است تا بیخ بست و
ہفتم شعبان سال دوازده صد و بست خواہ بست و پنج ہجری ازین دار فانی بعالم جاودانی
شتافت و بمقام بر قدیم صاحبان سندیلہ واقع موسی پور بجاکش سپہ زند علیہ رضوان اللہ العلی الاکبر
مولوی آل حسن قنوجی ابن اولاد علی از سادات حسینی بخاری بلدہ قنوج در سال
دعازدہ صد و دہ ہجری متولد شدہ اولگ علوم در سیدہ از مولوی عبدالہا سہ قنوجی تحصیل کردہ
سپس بہ لکھنؤ رفتہ بخدمت علمائے آغا مثل مولوی محمد نور وغیرہ مستفید گشت و در سال
دعازدہ صد و سی و سہ ہجری بہرہی رفتہ بگر تلامذہ مولانا عبدالغفر و مولانا رفیع الدین منسلک
شدہ اجازت کتب تفسیر حدیث ہست آورد و مرید و خلیفہ سید احمد مجاہد بریلوی و
شریک جماد بادی بوجہ عزیزش بدرس و افادہ و موعظہ بسر برہہ موکفاتش زبان ہندی

و فارسی و عربی بسیار اند از انجمله راه سنت و هدایت المؤمنین و نور الوقاس من مائة الصفاء و سال
در معنی کلمه طیب و رساله و تحریر و رساله آداب تذکیر و رساله آداب دعوت و رساله الاختصاص
فی الحدود و الاختصاص و تقویتة الیقین فی روغنائک المشکوکین و غیره از مؤلفات مفیده وی اند
بسال دوازده هجری و پنجاه و سه هجری رحلت فرمود تاریخ وفاتش در سال ۱۲۳۲ هجری یافته اند
از اعقاب او مولوی سید صدیق حسن خان بهادر زوج ثانی رئیس بھوپال اند فکر شان
در حرف صا و بیاید انشاء الله تعالی

مولانا آله داد جو پوری از اکابر علماء جو پور بیک واسطه شاگرد قاضی شهاب الدین
دولت آبادی و مرید حاجی حله شمس مانک پوری بود عم سر عزیزش در افتاده علوم و تصانیف صرف
کرده در تحریر و تقریر و تنقیح مطالب علمی قدرتی تمام و خطی وافر داشت تصانیف عمده
و معتبره دارد از انجمله شرح های در فقه یحیی مجلدات ضخیمه و شرح بزودی و حاشیه بر حاشیه هندی
و حاشیه تفسیر مدارک انویادگار روزگار اند شیخ عبدالحق محدث دہلوی و اخبار االاخیار نقل کرده
که شیخ حسن بن طاهر و مولانا آله داد صاحب ترجمه در سلوک طریق علم رفیق یکدیگری بودند
در میان ایشان مودتی عظیم بود چون شیخ حسن بن طاهر در سلسله راجی حادثه مانکپوری
در آمد مولانا آله داد گفت که میان حسن شما حرث طالب علمان بر باد دادیدی فرمود شما
نیز بجزئی بخدمت ایشان برسید امتحان کنید تا ما را معذور دارید و ندیدید و بپای قصه طاعت راجی
حادثه شمس کردند مولانا آله داد مسئله چند از های و بزودی که بسبب اشکال موسوم بودند تصور
کرده با خود راست کرد چون بخدمت سید رسید وی رحمة الله علیه بهمان عسادت خود از
سر گذشت احوال خود حکایت کرد که رفع اشکال مولانا آله داد اندر گردید پس مولانا نیز مریدی
شد و بسوگ طریق مجاهده و ریاضت مشغول گشت و در سال نهصد و سی و دو هجری
وفات یافت و مرقد ه

میان آله داد لکهنوی مولوی عبد القادر بهلولی در منتخب التواریخ تحریر نموده که
میان آله داد از دانشمندان مستجد صاحب تصرف بود طبعی و قادی داشت و ذهن نقاد و رفقه
ماصول فقه و غربیت نظرش نه بود در نحو سال موسوم قطعی یا ایراد مثال و عبارت کو شسته

از تصنیفات او دو چیز غریب دیدیم اول رسالہ کہ از طول چہارہ سطر و از عرض نیز همان قدر
سطور بجدول نوشتہ بودند و احکام و مسائل چہارہ علوم ازین استخراج یافت دوم رسالہ
قبطون نام بر پنج مقالہ کہ عبارت بر بردش مقامات حریری داشت و تصنیفات دیگر ہم دارد انتہی
لمنصاحال و فالتش جائی یافتہ نشد

مولانا آکہ داد سلطانپوری اصل می از قریہ نبودہ توابع سندیلہ است تلمذ نزد عبد اللہ
مخدوم الملک نمودہ بشارت حسب و نسب ممتاز از عالم علماء اکابر فقہری ہند بود در عہد اکبر و شاہ
چند گاہ بصدارت صوبہ پنجاب بعدہ بقضائے آکہ آباد منصوب گردید و بجزوے معاش کہ
داشت قانع بود اورا تصانیف بسیار است کتاب کشف الغمہ و منهاج الدین از تالیفات
وے مشہور اند در سال یکہزار و شش ہجری رحلت کرد طالب اللہ تعالیٰ تر ۱۰ -

مولانا آکہ داد لنگرخانی لاہوری منسوب بہ محلہ لنگرخان از محلات لاہور در اکثر علوم
متداولہ ماہر و تہجد و تشرع و توحید و تقوی و صلاح بغایت داشت و پیوستہ بدرس مشغول
سے بود ہر گز بخانہ ارباب دنیا زنتہ و از ملوک زمانہ حاجتی نخواستہ و مدد معاش نکرنتہ غفر اللہ لہ

مولانا آکہ داد امرہی ہلا مستعد و خوش طبع شیرین سخن خوش صحبت ندیم پیشہ بود مطاعبہ
لیع داشت در ملازمت اکبر بادشاہ در سلک سپاہیان انتظام یافتہ در سال نہصد و نوہ ہجری

در دواچی سیالکوٹ و دیعت حیات سپردہ بنواح امرہہ مدفون گشت نور اللہ مرقدہ
شیخ اللہ یار خیر آبادی از علمائے شجر بود و را ابتدای احوال سالما بدرس و افادہ گذر نہ

اک بسیار دانشمندان صاحب کمال از دو دارث ماندہ اند آخر الامر بالکل رجوع بہ طریقہ صوفیہ نمودہ

خط ارشاد از شیخ صفی خلیفہ شیخ سعد الدین حاصل کرد ذوق سماع و حالت وجد بر غالب آمد

قدم از ابواب اہل دنیا گواہ گردانید تا اینکه استماعے ضیافت کسے ہم قبول نکرد وے

در سال نہصد و نوہ و سہ ہجری وفات یافتہ نور اللہ مرقدہ

حکیم امام بخش تاش احمد اللہ ساکن قصبہ کیرت پور ماہر علوم عقلی و نقلی طبیب حائق

از تلامذہ حکیم محمد اسحاق دہلوی ملازم راہہ ملکیت راے مارا المام نواب آصف الدولہ بہادر

رئیس ملک اودہ بود کتاب آداب الاطباء و سر حش موسوم بہ حرکتہ الارا ہر دو بزبان عربی

در سال خلافت الطب و ربیان سته ضروریه بزرگان فارسی از تصانیف او دست والد با حس
مسود و اوراق حکیم شیر علی مرحوم نسبت تلخیص و دارند سال وفاتش بدریافت نرسید

علیه الرحمه و الغفران

حافظ امان الله بنارسی ابن نور الله ابن حسین بنارسی حافظ قرآن مجید جامع معقول و
منقول حاوی فروع و اصول در عهد اورنگ زیب عالمگیر عمده صدارت لکهنوکامیاب بود
در سن یازده صدوسی و سی و هجری بمقام بنارس وفات یافت بهمدرا بخاندن شش کتب
مرقومه ذیل از تصانیف او یادگار اند مفسر در اصول فقه بحکم الاصول شرح مفسر مذکور و
حواشی بر تفسیر پنداری و عضدی و تلویح و حاشیه قدیمه و شرح موافق و حکمت العین و شرح
حقایق دوانی و رشیدی و بر مباحثه میرزا قری علی استرآبادی و ملا محمود جوهری در مسئله
حدوث دهری محاکمه تحریر کرده و با قاضی محب الله بهاری مصنف سلم العلوم هنگامی که
ملا محب الله قاضی لکهنو بودند آکره علی میداشت

شیخ امان الله یانی متی نانش عبد الملک بن عبد الغفور از علمای صوفیه موحدین
شاگرد شیخ مودود لاری و مرید شیخ محمد حسن بن شیخ حسن ابن طاهر جوهری بود او در علم
توحید و تصوف کتب و رسائل بسیار اندازان جمله رساله موسومه اثبات الاحدیه و شرح
لؤلؤهای قدس سوالی از تصانیف او ست تاریخ دوازدهم بهج الآخر سال بنصد و
پنجاه و هفت هجری ازین دار فناء بدار بقا شتافت مدفنش یانی بیت است سقی الله ثراه
مولوی امان الله دهلوی ابن مولوی خیرالدین عالم فاضل و متبحر کامل در صغیر سن
او علوم درسیه فراغت یافته محمد اقران گشت در حسن اخلاق و علوم اشتیاق آشنا و یگانگی نزد
سادری بودند تصانیف رائقه و تالیف فائده او یادگار اند امیر الامرا نواب خان و مدان خان
وزیر محمد شاه بادشاه دهلوی بوسیله خلوصی داشت و از حضور بادشاه به منصب شیخ الاسلام
سر بلندی یافته در جنگ نادر شاه درانی بمیان ده صد و پنجاه و یک هجری مقتول شد
مولوی امان علی احمد آبادی خلف حکیم شیر علی متوطن احمد آباد ناره و ببلد و کلان
مؤلف کتاب علوم متعارفه و لا مختصرات از مولوی ثابت علی ساکن بکام ضلع آله آباد

خواندہ و کتب مطولات پیش مولوی محمد سعید رام پوری داماد مفتی شہرت الدین گذرانیدند و
علم طب انفعالیہ خود کتساب نمودند و بر وفق و تقویٰ بقدر و ثارشان بود حسب الطلب ہمارا ہر
بشناختہ سنگہ فرمان رعای ریوان از قیام پورا آمدہ بتاریخ ہست و چہارم ربیع الاول سال دوازده
صد و نجاہ و ہفت ہجری بمنصب طبابت بمشاہدہ یک صد و بیست روپیہ ملازم شدند
و مان وقت مسلمانان سکنہ خاص ریوان و مضائقات آن بہ لاطمی و محبت ہنود و مانند آن ہا
از پابندی صدم و صلوات بہر حل و در بودند بلکہ بر رخ با سماے ہنود موسوم بودند پیرین و خدم
شان بسیاری از مسلمانان پابند صدم و صاریہ پنجگاہ شدند از عوام مرضی پیچنی گرفتند و دوا از نزد خود
کے دادند پانزدہم غوال روز شنبہ وقت عصر بمقام احمد آباد ناراہ سال دوازده صد و نجاہ و
ہشت ہجری بمقام مولانا عبدالہادی فتح پوری خلیفہ رفیع الدین عرف مولوی ذوالفقار علی
بیعت بسلسلہ قادریہ و نقشبندیہ مجددیہ کردہ خلافت ہر دو سلسلہ حاصل نمودند و اکثر مردم
این دیار را بکلفہ ارادت خود آوردند و ہمیشہ ہم ذی الحجہ روز جمعہ سال دوازده صد و ہفتاد
و دو ہجری بمقام پرست کل ریاست سپرد گردیدہ و تاحیات بر عمدہ منتظم پرست مقرر
ماندند بتاریخ ہست و چہارم ربیع الاول سال دوازده صد و ہفتاد و ہفت ہجری بمقام
ریوان رحلت فرمودہ ہم دنا بخا مد فون شدند حکیم ابو خان دہلوی تاریخ فوٹش چنین بنظم
آوردہ **سے** صد افسوس حضرت امان علی بہ بہنت شدند از جان قتل بدکنن سال رحلت
چہ گویم بنوہ سر ہوش رفت از غم در دہل جلاصا نیف شہزی پنجہ غور شہید
بنیان آورد حسن البیان نے تفسیر الالبان - موصح الہدایات قیسیر المعیر نے تراکیب
الاکاسیر رسالہ الذرع الکلب - در سالہ خواص سور قرآنی بنظم آرد و فارسی - ترجمہ منظوم چہل
حدیث - روا الوفیقہ در مذہب نصاریٰ عجائب التماہیر نے علاج البواسیر والنواسیر

مجموعات شین - قرابادین متین ناتمام

مولانا حاجی امداد اللہ سلمہ اللہ ساکن تھانہ بھول جامع علوم ظاہر و باطن بیعت و
خلافت سلاسل چشتیہ صابریہ قدوسیہ و چشتیہ نظامیہ قدوسیہ و قادریہ قدوسیہ و نقشبندیہ
مجددیہ قدوسیہ و سمرودیہ قدوسیہ و کمرودیہ قدوسیہ از جناب فیض مآب قبلہ حقیقت

و کتبہ معرفت حضرت میان جیو شاہ نور محمد جہانوی دارند بسے از علماء اعلام پنج مولوی رشید احمد
گلکوی و مولوی محمد قاسم نانوتوی و مولانا و مرشدنا حافظ حاجی محمد حسین محب اللہ العسری
الاکہ آبادی بجلہ امداد حضرت ایشان در آمدند و برادر دلی خود با فیضیاب شدند چنانچہ
حضرت ایشان در ضیاء القلوب تحت وصایای خود ارشاد فرمودہ اند و نیز ہر کس کہ ازین فقیر
محبت و عقیدت و امداد دارد مولوی رشید احمد و مولوی محمد قاسم را کہ جامع کمالات
علوم ظاہری و باطنی اند بجای من فقیر بلکہ بدار سج فوق از من شمارند اگرچہ بظاہر معالہ
برعکس شد کہ ایشان بجای من و من بتمام اوشان شدم و محبت اوشان را غنیمت دانند
لہذا این چنین کسان دین زمان نایاب اند و از خدمت ایشان فیضیاب بودہ باشند
قطعاتی کہ فات ستودہ صفات حضرت ایشان فی زمانہ یادگار سلف است بزمانہ قدر
بعد حصول برادر خود از غصہ بہ مکہ معظمہ ہجرت فرمودہ و مقیم اندیار برکت آثار و مرجع صفار
و کبار اند و ہموارہ بحرم شریف درس شنوی مولانا روم سے دہند غذای روح و ضیاء القلوب
و تحفہ العشاق و جہاد اکبر و ارشاد مرشد دورد غمناک از تصانیف حضرت ایشان
مشہور اند مولوی محمد یعقوب نانوتوی و حافظ محمد یوسف تھانوی و مولوی کرامت علی انبالوی
و مولوی محمد ابراہیم ابراہیمی از علما سے مجاز حضرت ایشانند فقیر حقیر مسود اوراق نیز جو سطر و تکیہ
مولانا و مرشدنا حافظ محمد حسین اکہ آبادی بزمہ خدمتہ خدام حضرت ایشان در آمدہ اجازت
و بیعت بہر سلاسل یافتہ اللہم و نقضے لما تحب و ترضے و اجل آخرتے
غیرہ من الاولے

مولوی امیر الدین علی ایٹھوی ہر گاہ کہ فرمود ہندو سجد عالمگیری واقع ہنومان گنشی متعلقہ
اودہ را کہ از معابد شہیر ہندوست شیبہ کونہ دمان ہر کہ شاہ غلام حسین بہ حیثیت
اسلام تاریخ سیزدہم ذیقعدہ سال ہفتاد و یکم بعد صدی و دوازدهم ہجری شہید گردید مولوی
امیر الدین علی مرحوم ہمت انتقام خون شاہ غلام حسین و جہاد و تقابلہ ہر گمان
ہنومان گنشی پے سپرد جمیع کثیر از غازیان جان سپارد دست بدستش دادند علما سے سنی
و شیعہ بہ پس و پیش افتادند کسے بفقدان شہداء و فرضیت جہاد لب کشادہ دیگرے

شرط مامت پیش نمادہ واجد علی شاہ فرمان روای لکھنؤ وعدہ تصفیہ منازعت سے کزود انجانب
 رزیڈنٹ جٹ اسد قتال و جدال قدغن شدید بشاہ وزیر ستر درین قبل و قال چندنی
 توقف رونود چون بمقابلہ دولتمندان ہنود قطع امید رونود امیرالجاہدین غم بالجرم لبوسے
 مقصود کردہ روانہ شد بارلو فرنگی انسرفوج فرمان رواے لکھنؤ بحکم حاکم وقت سدہ شدہ
 بمقام شجاع گنج فوج بارلو غازیان را محاصرہ کردہ از طرفین نوبت بمقابلہ رسیدہ بتاریخ
 بست و ششم صفر روز چار شنبہ سال ہفتاد و دوم از صدی سیزدہم ہجری امیرالجاہدین شربت
 شہادت چشیدہ بروضہ رضوان شتافت شکر اللہ سعیدہ در عین معرکہ بعض را دوت مندان
 اود عرض کردند کہ اکنون موقع دیگر گون است اگر فرمائید شمارا بجائے محفوظ بریم بجوابش بی ساختہ
 از زبان حق ترجمانش این مصرعہ برآمد ع سر میدان کفن پردوش دارم طالبان تاریخ بعد
 شہادتش چون غور کردند اعداد مصرعہ برجستہ مطابق سال شہادت برآمد منشی ظہیر الدین خلف
 منشی مسعود بلگرامی تضمین آن کردہ و ہونذا قطعہ بتاریخ شہیدان کفن پوشش بہ
 چہ حاجت تا سنش من برنگارم کہ خود فرمود آن میر شہیدان بہ سر میدان کفن پردوش دارم
 مولوی امین اللہ فرنگی محلی ابن مولوی محمد کبر ابن مفتی ابوالرحم ابن مفتی محمد یعقوب
 حافظ و فاضل درس بطلبہ میدادیک پسر سہمی مولوی عبدالحلیم گذاشتہ بتاریخ بست و نہم
 جمادی الثانی سال دوازده صد و پنجاہ و سہ ہجری بعارضہ دق جان گذران را پدرود نمود
 مولوی اوصالدین بلگرامی عالم وجید العصر و فرید الدہر و علم ادب و النشائے عرب
 تلمیذ شیخ احمد عرب مینی شروانی مولف لغتہ الیمین بود و تصانیف او کتاب نفائس اللغات است
 کہ دمان زبان آدوسے ہندوستانی را کہ مرکب از فارسی و عربی و ترکی و ہندی است اصل
 لغت قرار دادہ عربی و فارسی آن را بیان کردہ الحق ایجاد سے نمودہ کہ پیش از ان ہچو کتابے
 از کمن عدم بمنصہ وجود شاید جلوہ گر شدہ باشد تاہم آن بعہد محمد علی شاہ بادشاہ اودہ تاریخ
 ہفتم رجب سال دوازده صد و پنجاہ و سہ ہجری بطویہ چوستہ سال وفات صاحب ترجمہ
 معلوم نگردیدہ شکر اللہ سعیدہ

اور لیس گوالیار می دانشمندی مناظر و مجادل و عہد اکبر بادشاہ بود و در دوا

اصول و فروع بے نظیر روزگار جودت طبع بمشائے داشت کہ در وقت بحث چون کار بنقل مے افتاد صفحہ صفحہ و ورق ورق عبارت را بیاد مے خواند مے گفت کہ این عبارت فلان کتاب است در اینجا ہ بینید و خصم را الزام مے داد چون تفصیل مے کردند اثر مے اذان در کتاب مے یافتند

حرف الباء الموحده

مولانا بدرالدین اسحاق دہلوی ابن علی بن اسحاق دہلوی در ادب اعلیٰ حال بیہی تحصیل علم مے کرد و در طلبہ علوم نجومش طبعی وحدت ذہن ممتاز بود و بعد اتمام تحصیل علوم مردم متوجہ بخارا شدہ با جود ہن رسید آوازہ کمال حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر شنیدہ مشتاق خدمت او شدہ بلا زتش رسید شیخ چون او را قابل دید بخاد مے داد ماد مے خود مخصوص گردانید و غرہ خلافت بخشید وی را سالہ ایست سسی با سارا لادلیا کہ در ان ملفوظات گنج شکر جمع کردہ و در علم تہریف کتاب مے نظم کردہ و غایت تجر و نصاحت را در اینجا کار فرمودہ قبرش در صحن مسجد جامع قدیم احمد بہن ہست

شیخ بدہ بہاری دانشمندی را سخ و طبیعی حادق بود کہ شیر شاہ سور از غایت اعتقاد کشف پیش پای اومی نہاد وی ہر شاہ و قاضی شہاب الدین دولت آبادی شرعی معتبر ہوشہ مولوی برہان الدین ساکن دیوہ دانشمند فقہی و محدث کہ ظاہر و باطنش بصلاح و تقویٰ آماستہ بود تمام عمر خود بتذکرہ و موعظہ خلایق بسر بردہ ہزار ہا مردم ہدایت و ارشاد شش عادات قبیحہ غیر مشروعہ را ترک کردند و براہ راست آمدن از تصانیف او چند رسائل کہ بنظر سوغا و اراق گذشتہ ہمہ مفید و بذیل مذکور اند مؤلف صلیب از ویدیا پراوارش مشرف شدہ بود مثال مبارک وی ہنوز کہ بہ شخصت و یک سال رسیدم از خیال مے نرفتہ تصانیف تاریخ بہست و نہم ربیع الثانی روز سہ شنبہ سال و دوازده صد و چہل ہجری مباحثہ بمسائل مختلفینہا در میان علماء دہلی واقع شدہ سرگروہ فریق اول حامی السنہ مولانا رشید الدین خان و سرخیل فریق ثانی حامی البدعہ مولانا عبدالحی بودند چون مباحثہ با ختم تمام و تقریر تحریری ہر دو فریق بنظر صاحب ترجمہ درآمد و مے رحمۃ اللہ علیہ رسالہ بطور محاکمہ

تحریر فرمودہ کہ بر سالہ محاکمہ مشہور و قابل دیدہ است۔ رسالہ تحقیق الاوزان بکام صدقہ و ذکر و دہ سال دوازده صد و چهل و ہفت نوشتہ۔ رسالہ احکام عید الفطر و رسالہ احکام عید لا ضعی حسب استدعائے بعض صلحائے احمد آباد تارہ در سال دوازده صد و پنجاہ ہجری تحریر کردہ۔ رسالہ نکاح رسالہ منع اشارہ تشہد۔ رسالہ نذو و ذبیحہ۔ رسالہ تحقیق بجا و ربح رسالہ کفارہ نیست۔ از تصانیف دے اند رحمۃ اللہ علیہ و علی ہلالہ

شیخ برہان الدین نسفی دانشمندے کامل حال بود اگر شاگردے بخدمت او آمدے تا چیزی بخواند و گفتی کہ او کل برین سہ شرط بکن تا چیزی ترا بیا موزم ازان جملہ شرط اول اینست کہ طعام یک وقت خوری تا وعائے علم خالی ماند دوم آنکہ ناغہ نہ کنی اگر یک روز ناغہ کنی دوم روز ترا سبق نگویم سوم آنکہ چون مراد را ہی پیش آئی ہمین کہ سلام کنی زود بگذری و دست دیا افتادن و تعظیم زیادت در میان راہ نہ کنی

شیخ برہان الدین محمود دہلوی بن ابی الخیر اسعد البیہقی رح اناکا بر علمائے وقت سلطان غیاث الدین بلبن متصف بود و علم و دانش و وجد و سماع جامع بود میان علوم شریعت و طریقت در عمدہ صلی بہ صحبت مولانا برہان الدین مرغینانی صاحب ہدایہ رسیدہ و بشارت علم یافتہ بسال ہشت صد و ہشتاد و ہفت ہجری وفات یافتہ قبرش جانب شرقی حوض شمس واقع دہلی است کہ آن راتختہ گویند مردم آن دیار خاک قبرش با اعتقاد فتح باب علم اطفال ہا سے خوانند رحمۃ اللہ علیہ

بہاء الدین زکریا ملتانی خلیفہ شیخ شہاب الدین سہروردی نام تا پیش زکریا کنیت دے ابو محمد بقیش بہاء الدین فقرشی الاسدی ثم الملتانی شیخ الاسلام دانا کا برادر لیسے ہند صاحب کلمات ظاہرہ و مقامات باہرہ جامع بود بعلوم ظاہری و باطنی از ہندو کلمات شرف و مردم اندانی فرمودہ اکابران بلدہ بروے سہ ہندو کا سہ ہماز شیر محمد قش فرستادند شیر با یکہ دین شہر گنجایش دیگرے نیست شیخ الاسلام این سخن را در یافتہ اگلی بر شیر کا سہ ہماز فرستاد موی بر آنکہ درین شہر جائے ما بچو گل بر سر خواہد بود اکابر ملتان از حسن لطافتش حیران ماندند و از اذنیاسے شاگردوہ دی را تصانیف عدیدہ

خامد بعلم سلوک ہستند تاریخ ہفتم صفر سال ششصد و شصت و یک ہجری رحلت فرمودہ

مقدس بلقان است رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلام

شیخ بہاء الدین مفتی اگرہ بغایت مدی بزرگ عالم و عامل و محرم تبرک و متدین بود
دور سخاوت و اعانت مسلمانان یگانہ عصر از اولاد شیخ الاسلام بہاء الدین زکریا در سال ہفتصد و
شصت و شمش ہجری وفات یافت تغذہ اللہ بغفرانہ

شیخ بہکھاری کا کوری نامش نظام الدین ابن امیر سیف الدین است بسال شصت

صد و نو ہجری ولادت یافتہ جامع علوم ظاہر و باطن بود در علوم ظاہریہ مولانا ضیاء الدین
مدنی محدث و قاضی عبداللطیف ہرانی نسبت تلمذ داشت و در ادب کتب درسیہ
متعارفہ از والدہ خود تحصیل کردہ و در کتاب علم باطن مدد سید ابراہیم اچھی است کہ
نبیرہ سید عبدالرزاق ابن غوث الثقلین شیخ عبدالقادر جیلانی بود کتاب منہج و اصول حدیث
و معارف در تصوف و ترجمہ رسالہ ملہمات قادری مصنفہ سید عبدالرزاق از تصانیف
شریفہ او یادگارند ہمر نو و یک سال بسال ہصد و ہشتاد و یک ہجری وفات
یافتہ در قصبہ کاکوری مدفون شد محلہ مخدوم نادگان کاکوری از اولاد مجاد او ہستند
از ان جملہ شاہ محمد کاظم شاہ تواب علی قدس اللہ سرہما شہرہ آفاق بودند و مولوی
محمد حسن نیز از اولاد دیند کہ در نظم و مثر نظیر خود ندارند قصائد نفیہ و سہرا پایے رسول اکرم صلعم و
ثنوی صبح تجلی در میلاد مبارک وغیرہ اند کہ از بسیار و مثنوی نمونہ از خردار تصنیف
بدیع اوشان است سلمہ اللہ تعالیٰ

شیخ بہکھاری جوہپوری ابن شیخ آکہ داد جوہپوری یکی از علمائے فحول عمدہ دولت

سلطان سکندر لودی بود مشہور است کہ سلطان روزی علمائے دیار خویش را جمع کردہ بیک
جانب شیخ عبداللہ تلبنی و شیخ عزیز اللہ تلبنی و جانب دیگر شیخ آکہ داد جوہپوری و پسرش
شیخ بہکھاری را در بحث معارض ساختہ آخر چنان معلوم شد کہ آن دو بزرگوار مد تقریر داین

و عزیز و تحمید فائق اند اللہ اعلم

شیخ بہلول دہلوی علم حدیث را خوب ورزیدہ در صحبت اہل فقر و فاقہ رسیدہ

باہل دنیا کار سے نہاشت در عہد اکبر شاہ باقاوہ و افاضہ طلب شہ نول بود
شاہ ہلول جالندہری عالم عامل و فاضل کامل شاگرد سید عبدالرشید و وضع قلندر نامہ
 داشت مرید شاہ بھیکچہ چشتی لاہوری بود و کتاب بعلوم مختلفہ تصنیف کردہ اناجملہ فوائد الاسرار
 و تشریح دیوان حافظ شیراز و احوال نامہ از مصنفات اوست در سال یک ہزار و یک صد و
 ہفتاد و ہجری سہ گراے علیین شد و در اشد مرقدہ

شیخ بہار لکھنوی ابن محمد شریف ادو لاد شیخ سعد اللہ کنوری فرزند جامع بود میان
 شریعت و طریقت اول فطرت بر نشاء تقوی و صلاح برآمد و بر عصمت ذاتی نشود نمایافت
 بعد تحصیل علوم دینی بہ تہذیب خلاق و تبدیل صفات موفقی شدہ از زہاد و وقت گردید سن و
 عمر و متبرک بود و با فادہ علم اشتغال داشت و افضل ترین اعمالش این بود کہ کتب بسیار
 جمع کردہ و تصحیح فرمودہ و مشکلات آن را چنان حل نمودہ کہ ہر کرا دینے مناسبتی باشد
 نظر در کتاب او کافی بود حاجت اوستا و نداشت و با وجود این لطافت کتب و ہے او را مداد
 طلبہ مشہور وقت بود سال فوتش بدریافت نرسید شکر اللہ سعید

علامہ میکس غزنوی ایکسی تخلص می کرد و نور رضا کل و عنون کمالات اتصاف داشتہ
 و بنیارت حرمین شریفین رسیدہ ہندوستان آمد یعنی کتب احادیث مثل مشکوٰۃ المصابیح در
 عرب و شمال النبی عم ہمیر مرتضی شریفی و غیرہ گنہ مانیدہ بجت استیلاے ضعف پیرے متوجہ
 وطن ماوت غزنین شدہ بمنزل پشاور ندای ارحمی از پیک اجل شنیدہ در سال ہفصد و ہفتاد
 و ستہ ہجری بجوار رحمت ایزدی پیوست

بیر محمد ثروانی ملا خوش فہم اعلیٰ اوراک بود مجلسی شگفتہ داشت از شروران بقندہ ہار
 بخدمت خانخانان ہم خان آمدہ نشود نمایافت و بعد از فتح ہند خطاب خانے بعدہ
 خطاب ناصر الملکی یافتہ در ملک نالوہ باب زبداغی شدہ ہلاک گشت

شیخ پیر محمد لکھنوی دانشمند می بود بعلوم ظاہری و باطنی صاحب التصانیف الراقیہ
 و التالیفات اللائدہ آبای کر اش از سادات مندیا ہون سواد جو پور بودند کتب درسیہ
 و در جو پور و حرمین شریفین و در بلخ و اجیر و قنوج تحصیل کردہ بہ لکھنؤ آمدہ مدے بمقام شاہ

یہ تاقدر سرہ بودہ ریاضات و مجاہدات می کشید و فائز شد بعد فراغ بخدمت مولوے قاضی
عبد القادر لکھنوی خواندہ در باطن از روح پر فتوح حضرت شاہ مینا اہام المذنبین فینا تربیت
مے یافت بعدہ بخدمت شاہ عبداللہ سیاح چشتی پیوست و در رقیہ اولی نبوت ارادت و خلافت
وے کامیاب شد و اجازت سکونت لکھنؤ یافت و حسب وصیت پیر خود مدام بدرس افتادہ
علوم مشغول بود وے انچہ از فتوحات یافتہ براہ خدا صرف مے کردی و بحسب تقویت
یک روزہ برای خود نگزشتی اکثرے از علمائے نامدار فائز شد فراغ اند خواندند بعد وفاتش کہ در سال
ہشتادم از صدے یازدہم بود قریب آمدہ شیخ محمد آفاق کہ سر حلقہ میران وے بود بجا پیش منصوب گردید
مرقد شیخ پیر محمد بر بلندی لب دریاے گوتمی در شہر لکھنؤ زیارت گاہ است و بہ طیلہ شاہ
پیر محمد شہسرت دارد

حرف التار المثنیٰ

شیخ تاج الدین دہلوی ولد شیخ نکر یا احمد بنی دہلوی از علمای عمدا کبر شاہے شاگرد
رشید شیخ امان بانی تہی بود از تصانیف او شرح لواع و شرح نوامیہ الارواح است گویند وے
ہم باعث رفتن اقطاد اکبر شاہ بود
مولوی تراب علی لکھنوی ابن شیخ شجاعت علی بن مفتی نقیہ الدین بن مفتی محمد دولت
بن مفتی ابوالبرکات مصنف فتاوی جامع البرکات نامش رکن الدین محمد و کنیت دی ابوالبرکات
ست سلسلہ نسبتش بہ مصعب بن زبیر مے پیوندد و بزرگانیش با شندہ دہلی اندر سال
دوازده صد و سیزده ہجری تولد یافتہ لفظ بر خوردار مادہ تاریخ ولادت او ست آنحضرت و دی
بخدمت مولوی سید مخدوم لکھنوی و مولوی محمد اسمعیل لدنی و مولوی مظہر علی لکھنوی و مولوی
عمور اللہ لکھنوی اکتساب علوم نمودہ فائز الاقران گشت دبیرس و افتادہ طلبہ عمر خود
بسرودہ تاریخ دوازدهم صفر سال دوازده صد و ہشتاد و یک ہجری بمقام قصبہ
محمد آباد ضلع اعظم گڑھ رحلت فرمودہ ہمدرا بخاندن شد در لفظ فارغ مادہ فوت او یافتہ اند
اور تصانیف بسیار اند از ان جملہ بر خیزدیل مذکور مے شوند شمس الضحی لا الہ الا جہ
الکلمۃ العلی للواء المدے ساخر ارضۃ الغالبۃ مصفاۃ الاذہان فی تحقیق السبحان -

العشرۃ الکاملۃ منیہ مصفاۃ الاذہان۔ التحقیقات البدیۃ الشکیۃ فی توہین المفوات السعیدیہ۔
 التحقیقات الزکیۃ فی الترمیمات السعیدیہ۔ حاشیہ شرح ملائے جامی نا تمام۔ اناۃ العفصل عن
 اشعار المطول۔ التریخ الجلی فی مسائل المورد امام المصلی۔ بقول الصواب فی مسائل الغضاب
 البحالۃ الدقیقۃ فی مسائل الحقیقۃ۔ سبیل النجاح الی تحصیل الفلاح۔ التعلیق المرضی علی
 شرح القاضی۔ التعلیق الاحسن علی شرح ملا حسن۔ حاشیہ شرح سلم مولوی محمد اللہ سندہلی۔
 شوکہ الحاشی لاناۃ الفواشی حاشیہ صدر۔ لجة الردایات فی اوجہ الواقعات نا تمام۔ الجلائین
 علی الجلائین نا تمام۔ شرح فارسی قصیدہ بردہ۔ ترجمہ فارسی قصیدہ منتزعی تحصیل البحر۔
 بآداب العمیرہ۔ شرح فارسی تحصیل الخیر۔ مسالک السداد فی مسائل الامیر۔
 ہدایۃ النام فی آداب الاحرام۔ تحصیل التخصع بآداب التمتع۔ الفوز المبین بآداب البلد الایمن۔
 نا تمام۔ موائد القرب فی آداب الاکل والشرب۔ مدک المآرب فی آداب المعی و
 الشوارب۔ شرح شمس بازغہ نا تمام۔ التحقیقات الکالیہ فی ابطال ارتدادات الکالیہ
 البحالۃ للبکیہ سواد الطوق لابطال قول الزمینی۔ ہدایۃ النجیدین اے سائل العیدین ویتہ
 العینین فی ابطال مسح الرحلین۔ رسالہ در فضائل حضرت صدیق رحمہ۔ رسالہ در فضائل

حضرت عثمان رحمہ۔ رسالہ معراجیہ وغیرہا

شاہ تراب علی کا گوروی ابن شاہ محمد کافم قلندر از دانشمندان صوفیہ در علم تصوف
 دستگاہی کامل داشت وی رامعدن تہذیب خلاق می توان گفت مطالب رشیدی و
 اصول مفسرہ و دیوان اشعار و غیرہ از تصانیف وے مشہور اند اور او فرزند ارجمند بیٹے
 مولوے شاہ حیدر علی و مولوی شاہ تقی علی بودند کہ ہر دو کمال ظاہر و باطن داشتند۔
مولوی تفضل حسین خان کشمیری معروف بخان علامہ کہ بذات خود شیعی مذہب شدہ
 مولد ش سیالکوٹ و نشاے او شاہجان آباد ست و علوم عقلیہ و نقلیہ بہرہ وافی داشت
 مہتمم علوم ریاضیہ شہرہ آفاق بود در شاہ جہان آباد از مولوی وجیہ تلمیذ لانظام الدین
 سہاوی و کتب معقول و ریاضیات از مرزا محمد علی ابن میرزا خیر اللہ مہندس استفادہ
 نمودہ و بہ لکھنؤ از ملا حسن غزنوی محلی میرزا اہد شرح سواقف سبق گرفتہ

دو دیگر کتب حکمیہ بھیچو شفا وغیرہ بطور خود مطالعہ کردہ در محافل بخاریہ علم انی اعلم مالا تعلمون برافراشت
 و ہنگامیکہ تالیق نواب سادات علی ظن بود در آہ آباد بمولوی قلام حسین دکنی شاگرد مولوی
 برکت آہ آبادی توسط مولوی ولد ار علی طرح مباحثہ مطلق انداخت و در بنارس از شیخ
 محمد علی حزمین نیز استفادہ علوم نمود و دوا شمنہ ان فرنگ اعزازی نام داشت
 زبان عربی و فارسی و انگریزی و لائٹنی نیکو میدان است بغایت سادہ روش بود چند
 بوکالت آصف الدولہ ممتاز بودہ بجز بیابت نواب موصوف ممتاز گشت آن زمان ہم سادہ
 روی را از دست ندادہ در بان بدر خود مقبرہ رکزدہ ہر کس باو می رسید بعد
 فوت آصف الدولہ در عمد نواب سادات علی خان لکھنوی از نیابت مستعفی شد و بمطالعہ
 کتب اقادہ طلبہ علوم می گذرانید از تصانیف معتبرہ او کتابے در فن بیست حکماے فرنگ و
 مدنی و دیگر در جبر و مقابلہ وغیرہ اند بمقام کلکتہ بمعارضہ فایز و مایچو لیا مبتلا شدہ جست تبدیل آب ہوا
 بہ لکھنؤ میرفت کہ مابین کلکتہ و مرشد آباد بتاریخ ہیجہم شوال سال یک ہزار و دوصد و
 پانزہ ہجری در گذشت غفر اللہ عنہ

ملا تقی الدین شستری در عمد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ علوم عقلی و نقلی نیکو میدانست
 و طبع نظم داشت بحکم اکبر شاہنامہ مغروسی بعبارت شریف و شگفتہ بقول ملا عبد القادر بجا یونی قماش
 پلاس در یسمان را پنبہ کردہ

مولوی تقی علی کا کوری ابن شاہ تراب علی قلندر بن شاہ محمد کاظم قلندر ساکن قصبہ
 کا کوری مضاف لکھنؤ تلمیذ مولوی محمد مستعان کا کوری بود ہموادہ بدرس و افادہ طلاب
 مشغول بودی کتاب روض الازہر نے آثار قلندر ساز و یادگار است عمر و راز یافتہ
 بتاریخ ہفتہم رجب سن دوازدہ صد و نو ہجری بروز چار شنبہ بعد ساعتی بالائے
 دوازدہ ساعت نہاری رحلت فرمود

حرف الثاء المثلثہ

مولوی ثابت علی ساکن بہکا ابن شیخ نوال الدین صدیقی ساکن موضع بہکا متصل
 پورہ مفتی پگنہ چائل ضلع آہ آباد شاگرد شید مولانا محمد اشرف لکھنوی بکتاب منطقہ

مسارتی کامل داشت اکثر درس و تدریس شان بذریعہ ملازمے امراے وقت بود ہنگامے کہ جناب شان جنت تعلیم مولوی محمد عمر برادر نادر مولوی محمد محمود نجیبی شہرے بمقام غازی پور ملازم بودند مؤلف اوراق شرح جامی بخدست شان تحصیل کردہ وفات بمقتضی ہفتم ربیع الاول روز دوشنبہ سال دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بموضع بہکا مسکن مالوف اتفاق افتاد

قاضی محمد شہناو اللہ یانی پتی از اولاد شیخ جلال الدین کبیر الاولیا پانی پتی قدس سرہ اند زبدہ علمای پربہیزگار و عمدہ اقلیائے روزگار بودند بعمربخت سالگی حفظ قرآن شریف نمودہ انان شانزده سالگی از تحصیل علوم فراغ یافتند و در ایام تحصیل صد و پنجاہ کتاب سوائے کتب درسیہ بطالعہ خود را آوردند نخستین بیعت بخدست شاہ محمد عابد سنائی قدس سرہ نمودند بعد وفات حضرت ممدوح بخدست مرزا مظہر جان جاناں شہید قدس سرہ الحمید کسب کمالات کردند و بر زبان حضرت ایشان بہ لقب علم المدے سرفراز گشتند و مولانا شاہ عبدالغفر قدس سرہ العزیز بہ لقب بیہقی وقت یادے فرمودند مدت العمر در افاضہ فیض ظاہر و باطن و اشاعت علوم و فصل خصوصیات و افتائے سوالات و حل معضلات مصروفے بودند و در علم تفسیر و فقہ و کلام و تصوف یدِ طولیٰ دے داشتند خصوصاً فقہ است و سے بر تہ رسیدہ بود کہ چندین کتب در سائل درین علوم تصنیف فرمودہ و مکاتیب بسیار در جواب اسولہ مشککہ تحریر فرمودہ اند تفسیر مظہرے کتابت بس ضخیم دیہفت مجلد کلان و الیعت المسلول کائن را شمشیر بہنہ ہمے گویند و در دہشتہ شب وارشاد الطالبین و رسالہ مالابدمنہ و تذکرۃ الموتی و القبور و تذکرۃ المعاد و حقوق الاسلام کہ بحقیقتہ الاسلام شہرت دارد و رسالہ در حرمت و اباحت سر و دور سالہ حرمت متعہ و رسالہ شہاب ثاقب و دیگر کتب و رسالہ کہ از سنی عدد متجاوز خواہند بود از تصانیف حضرت ایشان است وفات شریف قاضی موصوف ترجمہ غمرہ رجب سال دوازده صد و بست و پنج ہجری بو قوع آمد مولوی حافظ محب اللہ یانی پتی زادہ رحلتش در آیہ کریمہ فہم کمون فی جنت النعیم یافتہ علیہ الرحمۃ و المغفرۃ من الغفور الرحیم

حرف الجیم

شیخ جان محمد لاہوری دشمنہ ماہر شریعت و طریقت مقتدای زمانہ بجلہ پریز آباد کہ بیرون لاہور است سکونت داشت در صغر سن بخدمت شیخ عبدالحمد خلیفہ شیخ اسمعیل عرف میان کلان لاہوری تحصیل علم کر در روز ہمارا استاد بخدمت میان موصوف حاضر بود کہ میان سابق الذکر کو فرمود کہ اگر عالم شوے بن تکرارا احادیث خواہی کہ شیخ جان محمد بحیا و ادب ساکت ماند بانہا شارت استاد عرض کرد کہ اگر توجہ شریف فائز المرام خواہم شد بالضرور بخدمت خواہم رسید میان موصوف دست برداشتہ بحق وی دعا نمود کہ استجاب شد و سے در چند ماہ استعدادی بہر سانید کہ شیخ عبدالحمد از تعلیمش خود را قاصر یافتہ اورا بشیخ تیمور لاہوری سپرد او بخدمت شیخ تیمور بسے نگذشت کہ فائز فراغ بر خواند روز سے بآذنبہ قلبی میان کلان وی را بخود کشید چون جان محمد بخدمتش حاضر آمد میان کلان باو معافقہ کردہ نعمت باطن عطا فرمود و گفت کہ حسب وعدہ ہر روز دو شعبہ جمعہ نزد تم تکرارا احادیث کردہ باشند چنانچہ تاحیات میان موصوف ہایام معینہ حاضر آمدہ تکرارا احادیث مے کرد و بہر حدیث کہ شبہہ علید مے شد میان کلان بتوسط مراتبہ از حضور پر نور رسالت پناہی صلی اللہ علیہ واکہ وسلم نصیح آن مے کرد و رحمتہ اللہ علیہ بسال یازدہ صد و بیست ہجری رحلت فرمودہ در پریز آباد مدفون گشت مے گویند کہ بعد چند سال بمقدم محلہ مذکور در منام گفت کہ نقش مرا بر آورده متصل مرقہ میان کلان مرحوم مدفون کن ورنہ بجلہ تو بلاے سخت نازل خواہد شد صلیح آن مقدم مذکور نقش مبارک دی را از مدفن بر آورده قریب میان کلان مدفون ساخت رحمۃ اللہ علیہ

سید جان محمد بلگرامی ابن سید معین الدین در سال ہزار و ہشتاد و سہ ہجری ولادت یافتہ اولاد قرآن مجید حفظ نمودہ بمجھل علوم متعارفہ قدم نہاد و در جمیع علوم لائق و فائز گشت و خط نسخ خوب مے نوشت بشوق زیارات از بخدا و سرمن راے و بخت و کہلا و طوالت بہ بیت الحرام رسیدہ بعد اداے مناسک حج بمدینہ منورہ متمناے موت رخت اقامت انداخت و در مسجد نبوی بہ تصحیح مصاحف مے پرداخت و ہمداران بقعہ کریمہ

در سال یازده صد و چهل و نہ ہجری رحلت فرمودہ در بقیع مدفون شد
مولوی جان محمد لاہوری از اعظم مشایخ و اکابر علمائے لاہور و دبر و زجمعہ و عظم
 مے گفت خلق خدا از دور و نزدیک بخدمت وے حاضر شدہ بہرہ وافی و حظ کافی از علم و
 عمل حاصل مے کردند در سن دوازده صد و شصت و ہشت ہجری بلاہور در گذشت۔
شیخ چابن میواتی ساکن سمنہ آن تصبیہ است در ملک میوات ہیزہ کردہ از دہلی از
 علمائے صوفیہ صافیہ و مشاہیر خلفائے شیخ عبدالعزیز دہلوی بود بر جادہ فقر استقامت
 تام داشت و کتب تصوف مثل فصوص الحکم و نقد النصوص و غیرہ رابطا لبان اہل استحقاق
 درس می گفت در آخر عمر جلال الدین محمد اکبر شاہ را نسبت وے اعتقاد می عظیم پیدا شدہ
 و بعضی مہمات استمداد از دی نمود و در عبادت خانہ قریب محل شاہی جاے از برائے او
 معین ساختہ شبہا خلوت با وی می داشت بادشاہ چون نماز معلوس را از و مشاہدہ نمود نسبت
 معکوس شد شیخ در سال ہنصد و یود و ہشت ہجری در گذشت

مولوی جعفر ساکن ڈلو مضاف لکھنؤ عالم صاحب دیر و تقوی بود در سال دوازده صد
 نئی و دو ہجری وفات یافتہ

سید جلال کشمیری ابن سید جمال عالم و عامل حافظ کتب فقہ و حدیث و تصوف بود
 متصل مقابر آباد و اجداد خود خانقاہی ساختہ با ثقات تمام بسر بر در دوازده صد و
 ہفتہ ہجری رحلت کرد

شیخ جلال تہانگیری خلیفہ عبدالقدوس گنگوہی قدس سرہما جامع علوم ظاہری و باطنی
 بود با فاضلہ علوم دینیہ و نشر معارف یقینیہ اشتغال داشت آخر حال از علوم رسمییہ اعراض نمود
 از جلوت و جلوت آمدہ اوقات شریفش بحکم قرآن مجید و نوافل و درود و دعا مملو بود
 سنین عمرش نبود سہ رسیدہ و بغایت ضعیف و نحیف گشتہ پستی و استخوانی
 ماندہ بود با آنکہ قوت نشست و برخاست نہ داشت ہمہ وقت از کم قوتی و بے
 قوتی تکیہ زدہ خفتہ بود ہمین کہ استماع اذان فرمودی بے مدد دیگرے برخاستہ
 و غلین پوشیدہ و عصا بدست گرفتہ بود خود با داب طہارت و صلاوۃ قیام نمودے

وہاں برہم مہود پرستہ رختے دس ہندو ہشتاد و نہ ہجری عالم قانی سا پد سو کر در نقطہ شیخ الاولیا
تاریخ حلتش یافتہ اند

مولانا جلال الدین مانکیپوری جد مولانا حسام الدین مانکیپوریست مردی بزرگ
دعالم و عابد و صابر و متقی بودے بعد از نماز خفتن تازمانیکہ مردم بیدارے بودند بخواب می رفت
بعد از آنکہ مردم بخوابے رفتند برے خاست تا با سلا و نماز کردے و ہر روز چیل و یک بار
سورہ یس بخواندی و بعد نماز چاشت تعلیم علم دین می کرد و خورون ادا و کسب کتابت بود مصحف
مے نوشت و بدہلی مے فرستاد و پانصد تنگہ ہدیہ مے شدی و ہر گوبے وضو قلم نگرفتے و
اگر در ملک وقتے بر غبت غارت گوی شدی در ان ایام گوشت خوردی شاید کہ گوشت از
مواشی مغرورہ باشد و مے ارادت بہ شیخ محمد حنیفہ نظام الدین اولیا قدس سرہ داشت
مولوی جلال الدین احمد بنارسی بن مولوی عبدالاعلی بنارسی بسال دوازده صد
بست و یک ہجری متولد شدہ بخدمت والد خود و نیز مولوی احمد اند بنارسی علوم متعارفہ
اکتساب نمودہ سند حدیث از مولوی عبدالحق محدث بنارسی یافتہ عامل الحدیث و تتبع
سنت نبوی و قانع و متقی بود و جید الحافظ آن چنان بود کہ در یک روز یک بارہ کلام مجید حفظ نمود
وقت شب بامہ رمضان بتراویج مے خواند فرہنگ اخوان الصفا و فاتحہ الصواب مے
قرأہ فاتحہ الکتاب و زبدۃ القوانین در صرف و نحو و شرح کافیہ نا تمام و قواعد اردو نا تمام از
تصانیف اوست بکارچ بنارس بعدہ مدرسہ اول مغرز بود بسال دوازده صد و ہفتاد و
نہ ہجری بمیرغاہ و ہشت سال انتقال فرمود

مولانا جلال الدین رومی کہ بس استاد مے متفنن بود و انما در منصب استادہ
سبق علوم دینی در مدرسہ فیروز شاہی واقع دہلی در عہد فیروز شاہ پادشاہ مے داد و متعلمان ما
ہمکارہ تفسیر و حدیث و فقہ تعلیم مے کرد

قاضی جلال الدین ملتانی دانشمند تہم حق گو و حق پسند بود و ساہتہ اے حال تہارت
کردی و در اواسط ہر س مشغول شد و چند سال در اکبر آباد اقامت فرمود و بعد عزل قاسمے
یعقوب بام اکبر پادشاہ بعدہ قاسمے ہند مباہی گشت در دیانت و امانت

بنفس نفیس خود بہترین قضاۃ بود اما بشومی پس بنا خلف بید یانت بجانب دکن اخراج یافت
حکام آن دیار کہ آوازہ رسوخ و دروین اسلام و اظہار کلمۃ الحق شنیدہ بودند در تعظیم و تکریم
او باقصی الغایہ کوشیدند از انجا زیارت بیت اللہ الحرام مشرف شد و ہما بخادامی اجل را
بلیک اجابت فرمود علیہ الرحمۃ والرضوان

سلطان جلال الدین قریشی دانشمندی تجرود و روشی صاحب حالت مجذوب شکل
بود اکثر احوال سر و پا برہنہ بود و در ریاضانہا گشتہ و از پوشش بر مقدار ستر عورت اکتفا کردی
و علوم عقلی و نقلی در سہ و حقیقہ ہمہ بر زبان داشت و گاہے کہ در تفسیر آن افتادی بیانی
داستہ کردے ہیچ چیز ہیچ کس تعلق نداشت بزبان عربی و فارسی و ہندی سخن گفتی مشرب
قلندریہ داشت از عبادات بر فرائض و سنن اقتصار کردے نصوص الحکم و سائر کتب
تصوف یادداشت چند گاہ در دہلی تشریف داشت و در بیانہ و اگرہ و نواحی آن نیز می بود
عمدہ اوست و پنج سال بود در سن ہصد و چہل و ہشت ہجری وفات یافتہ در بعض
قریات منڈو مدفون شد رحمۃ اللہ علیہ

سید جلال الدین حمید عالم بن سید محمد ابوالمجد محبوب عالم احمد آبادی گجراتی دوم
جمادی الاول بسال ہزار و شصت و دو ہجری ولادت یافتہ علم ظاہر و باطن از پدر
بزرگوار خود آموختہ مرتبہ کمال رسیدہ رسالہ مرآت الریاء در تعبیر خواب و رسالہ مفتاح الحاجات
در اعمال و اشغال از او شان یا دو گارند شب بستم ذی الحجہ سال ہزار و صد و چہارم ہجری
جہان فانی را پدر و فرمود و در احمد آباد گجرات برآسود

مولوی سید جلال الدین برہانپوری عن اللہ واسے صاحب شاگرد مولانا شاہ
عبد الغفریز دہلوی عارف وقت زاہد و عابد و محدث بود در سال دو و ازوہ صد و ہفتاد و سہ
ہجری در برہان پور وفات یافتہ

شیخ جمال الدین احمد بالنسوی الخطیب انتساب و بانام عظیم ابو حنیفہ کوفی است
از عالم خلقای شیخ فرید الدین گنج شکر قدس سرہا جامع کمالات ظاہر و باطن بود صاحب ترجمہ
رسائل و اشعار دارد کہ در میان مردم یافتہ سے شوند از ان جملہ رسالہ ملہمات بزبان عربی

جامع کمالات متفرقہ است کہ در اوصاف فقر بیان فرمودہ قبرش در قصبہ ہانسی است
بیزار و تیرک بہ

ملا جمال الدین کشمیری برادر ملا کمال الدین دانشمند متبحر و مرید بابا فتح اللہ حقانی بود
شب در دوشغل بہ درس و تعلیم داشت ابو الفقرا شیخ نصیر الدین و بابا الفیض الدین و شیخ
اسمعیل چشتی از ملائذہ وی اندوہیے لکھنؤ بیک قمیص و پوریا بصری بر دم قدس بہ کشمیر است
مولوی جمال الدین فرنگی محلی ابن ملا علار الدین شاح فصول اکبری از کتب درسیہ
فراغت حاصل کردہ بملک مدراس رفتہ بنا بر تعلیم نواب غلام غوث خان رئیس کرناٹک بشاہرہ
دو صد و پنجاہ ملازم شد ہمدرا بخا بتاریخ ہشتم ربیع الثانی سال دوازده صد و ہفتاد و شش ہجری
وفات یافتہ مدفون گشت

مولانا جمال لاہوری ساکن محلہ تلہ منجھلات شہر لاہور اعلم علمای وقت جامع جمیع علوم
شاگرد ملا اسماعیل اچھی خوش تقریر و منفع گوی در عہد اکبر بادشاہ مدرس مدرسہ لاہور بود می گویند
از عمر ہشت سالگی با فادہ طلبہ مشغول شدہ مباحث دقیقہ معقول و منقول با سانس
خاطر نشان شاگردان مے ساخت صاحب صلاح و تقوی و متخلق باخلاق حمیدہ بود تفسیر
شیخ فیضی را کثری اذ اصلا ح دادہ او چھی نسبت با و بیج بضم اول و سکون داو و بیج فارسی
مشہد و قریہ ایست مشہور از توابع ملتان داو بیج بزبان پنجابی بلند را گویند چون آبادی آن تہتر
برزین بلند واقع شدہ لہذا آن را با و بیج نامیدند

شیخ جمال دہلوی فاضل خردمند متخلص بجلالی مرید شیخ سماء الدین رح دہلوی بود از ہند
بخراسان رفتہ و بعد فوت سلطان حسین مرزا از خراسان بہ ہند آمدہ بمصاحبت سلطان سکند
لودی و بابا بر شاہ دہلیون شاہ بسر بردہ و ہر یکے از شاہان صدر الذکر احترامش مے کردند
کتاب سیر العارفین از تصانیف مشہورہ اوست در سال ہند و چل و دو ہجری رحلت نمود
خسرو ہند و امی تا بیج فوت اوست

مفتی جمال خان دہلوی ابن شیخ نصیر الدین و برادر میان لاون تلمیذ پد رغود
از طائفہ کتبہ اعلم العلماء زمان خود و در علوم عقلیہ و نقلیہ خصوصاً فقہ و کلام و عربیست

و تفسیر فی نظیر بود و شرحین مقتل محاکمہ کردہ و کتاب عضدی را چہل مرتبہ از اول تا آخر
درس دادہ و ہمیشہ درس گفتی و افادہ علوم دینی فرمودی و بجانہ ملک و سلاطین زہدی و ہیوستہ
نزد حکام معزز و محترم بودے اکثر شاگردانش دانشمند شدہ اند و عمرش از پود گذشتہ بود کہ
درس نصد و ہشتاد و چہار ہجری بدایہ البقار ملت فرمود تصانیفہ شرح عضدی
شرح مقتل شرح انوار فقہ وغیرہ

جواد سابط مردی بود از عرب اصل نام وی جواد سابط لطفی بن ابراہیم سابط السابطی
و بعد ارتداد از ملت محمدیہ بملت مسیحیہ بنام نائیل سابط شہرت یافتہ بسال دو و اندہ صد و
ہست و دہ ہجری در کلکتہ بشیخ احمد عرب شہوانی ملاقی شدہ او در قرأت سخن
و نقل نوادر و غرائب و ایراد مضحکات و عجائب یکتائے روزگار بود در علوم مختلفہ
تصانیف دارد مصنفاتہ القواعد الفکریہ فی الصرف و النحو بالفارسیہ - ضروریات
الصرف - ربط الحارثی - رد الاستغناء و آن کتابست از تصنیف مولوی باقر مدرا سی در
اثبات اجتماع امیر معاویہ - مقدمہ العلوم و منطق - الموجز النافع در عروض -
مختصر در قوافی - الاموزج السابطی در عروض و قوافی - التحفۃ الباقشیریہ در صنائع و
بدائع - شراب الصوفیہ در اصول تصوف - السہام السابطیہ در تجربات خود و الخانات
السابطیہ در ادعیہ کہ برائے خود انشا نمودہ - موجبہ المریل - ضریحات المریل -
و ہماکہ سابطیہ در صرف و نحو ہندی و غیرہ کتب و رسائل بزبان عرب و فارسی
تالیف نمودہ و نیز تصانیف غیرہ او دارد

جوہر ناتھ کشمیری از علمای نامدار کشمیر است محدث و جامع علوم عقلیہ بود اکثر علوم
بمدرسہ سلطان قطب الدین کشمیری تحصیل کردہ پچہین شریفین رفتہ بعد اداے مناسک راج
بیت اللہ تحصیل حدیث متوجہ شد و اذاکا بر علما و اجلہ محدثین آن دیار اجازت حدیث
حاصل نمود و از ملا علی قاری ہروی و ابن حجر مکی اجازت حدیث پسند معنعن یافتہ و بہ کشمیر
معاودت کردہ بگوشہ انزو و عبادت خالق مشغول گشت و بغرض استزاق حلال ہیشہ
ار رسیدن پشیم کہ از ان دو سالہ مے سازند اختیار کردہ و درس علوم دینیہ ہم مے کرد

از تلامذہ اشہر و ملا محمد ٹوپیکر و محشی شرح جامی است صاحب ترجمہ بسال ہزار و بست و شش ہجری وفات یافتہ در کشمیر جانب شرقی مرقد ملا حسین خبازند فون شد

ملا جیون امیٹھوی نام او شیخ احمد بن ابی سعید بن عبد اللہ بن عبدالرزاق بن خاصہ الصدیقی نسباً الحنفی مذہباً مالکی اصلاً الصالحی بطنا الامیٹھوی مولداً قوت حافظہ بغایت داشت کہ قصیدہ بشنیدن یکبار یاد سے گرفت و عبارت کتب درسیہ بلا معاینہ کتاب زبانی سے خواند و لا قرآن مجید حفظ کردہ کتب درسیہ از علماء عصر خود تحصیل نموده فاتحہ فرغ بخدمت ملا لطف اللہ ساکن کوثرہ جہان آباد خواند پس ازان بحضور محی الدین اورنگ زیب بادشاہ باریاب شدہ بادشاہ موصوف بتعظیم و توقیر تمام پیش آمدہ بکلمہ تلامذہ و سے درآمد و تازندگی پا از جادہ اولش بیرون نہ نہاد و همچنین اولاد بادشاہ موصوف مراعی آدابش بودند ملا ممدوح الذکر عمر عزیزش را با افادہ درس و تصنیف صرف نموده بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ از غرہ بہج الاول سن یازدہ صد و پنج ہجری تسوید نورالانوار شرح منار آغاز کردہ بہ ہفتم جمادی الاول سال مذکور در حرم شریف مدینہ منورہ بلا اعانت کتابے با ختام رسانیدہ و نیز تفسیر احمدی در شرح آیات احکامی از تصانیف شہیرہ اوست در یازدہ صد و سی ہجری بدلی وفات یافتہ لعش و دبا میٹھی آورده دفن کردند

طاب اللہ شرارہ و جعل الجنة مثواہ

حرف الحاء و المملۃ

میان حاتم سنہیلی شاگرد و مرید شیخ عزیز اللہ تلبنی سنہیلی در عمد خود من حیث الجامعیۃ خصوصاً و علم کلام و اصول و عربیت و فقہ بی ہمتا و متراض و صلح و متقی بودے گویند شرح مقتل و طول را از بابے بسم اللہ تا تاسے تمت چہل مرتبہ درس گفتہ و همچنین حال کتب دیگر قیاس باید کرد چون ملا علاء الدین لاری حاشیہ عقائد لنفی مصنف خود را بدعوے تمام نزد میان پیش کرد و بی بعد از مطالعہ چندان تدقیق فرمود کہ ملا را ایچ جواب نمادہ بالجملہ تا ہفتاد سال پر مسند افادہ دار شد و متکلم بود در سال نہصد و شصت و ہشت یا نہصد و ہشتاد و دو از دار دنیا در گذشت

حافظ کوہلی مشہور کما قضا شگندی وانشمند تبحر بود خصوصاً در عہدیت در خدمت ملا عصام الدین اسفہرینی تلمذ نموده جمیع علوم نیک میدانست و بسیار افادہ منبر نمود سپاہی وضع بود در سن ۸۰۰ و ہفتاد و ہفت ہجری بمند آمدہ بلا زمت اکبر شاہ مشرف شدہ تفسیر سورہ محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بحضور شاہ گذرانیدہ قریب چہل ہزار روپیہ صلہ یافتہ براہ کجرات متوجہ حرمین شریفین شد

حاجی محمد کشمیری صلش از ہمدان است یکی از بزرگان شش ہمراہ سید علی ہمدانی بکشمیر آمدہ رخت اقامت انداخت حاجی محمد در آنجا متولد شدہ و بدہلی رسیدہ کسب فضائل نمود و در اکثر علوم بہ مرتبہ کمال رسیدہ بفقر و عبادت بسر برد و با دور و نیوی ملوث نمی شد روز بخشبنبہ نوزدہم صفر سال ہزار و شش ہجری وفات یافتہ ریح نوزدہم بود از شہر صفربہ مادہ تاریخ فوت اوست

شیخ حبیب اللہ قنوجی از مشائخ کبار بلدہ قنوج عالم علوم درسیہ مروجہ معاصر مولوی علی صفر قنوجی در سلوک و تصوف توغلی عظیم داشت و ہمگی ہمیش ہدایت و ارشاد حسیق اللہ مصروف بود جوہر خمسہ و تذکرۃ الاولیاء و روضۃ النبی دانیس العارفین و الفاضل فی الفقہ از تصانیف لطیفہ اوست و او از شاہ عبدالجلیل اکہ آبادی بیعت و ارادت داشت در سال یازدہ صد و چہل ہجری در قنوج وفات یافتہ بباغ خودش مدفون گشت **ملا حبیب اللہ فرنگی محلی** ابن ملاعب اللہ بن ملا احمد عبدالحق بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشہید السہالوی اکثر کتب درسیہ بخدمت برادر کطان خود ملا محمد بنین تحصیل نمودہ و بعضی ازان بخدمت عسم خود ملا ازہار الحق اکتساب کرد و کتب مطولہ از ملا احمد حسین و معقولات در خدمت ملا محمد حسن خواند بوجہ فقدان معاش متوجہ بدہرس نہ شد شب شانزہم ذی قعدہ سال دوازدہ صد و بہشت شش ہجری وفات یافتہ ریح شد بر ش برین حبیب اللہ مادہ تاریخ رحلت اوست

مولانا حسام الدین مانک پوری ابن مولانا خواجہ ابن مولانا جلال الدین مریدی خلیفہ شیخ نور قطب عالم نپڑوا از اعیان مشائخ وقت خود عالم بود بعلوم شریعت

دریقت اور املفوظاتی است رفیق العارفین نام کر سیکے از مریدانش جمع کردہ -
حکیم حسن کیلانی بخداقت شہرت داشت و علمش نہ چنان بود اما بہ مکارم احسلاق و
 مجاہد اوصاف موصوف بود سوم محرم سال یک ہزار و چہار ہجری وفات فرمودہ -
شیخ حسن بن طاہر جوئیوری والدہ شیخ طاہر از ملتان بطلب علم باین دیار افتاد
 مدت در بلدہ بہار سکونت کرد و پیش شیخ برہ حقانی تحصیل علم نمود و ہم در بہار شیخ
 حسن بہر ش متولد شد و از عنفوان شباب در اثناے تحصیل علم طلب حق دامنگیر حال او
 گردید کہ مرید راہی حامد شہ مانگپوری گشت اورا رسائل در سلوک و علم توحید اندان جملہ
 کتاب مفتاح الفیض است در علم سلوک وی از مشایخ جوئیور است در زمان سلطان سکندر
 لودی از جوئیور باستدعای او بہلی قدم آورده در کوشک بجی منڈل کہ نام برج حصار
 سلطان محمد تغلق است باہل و عمیال سکونت و زید و ہم در انجا بتاریخ بست و چہارم
 ربیع الاول سن ہصد و نہ ہجری وفات یافتہ قبرش و نیز قبر اکثر اولاد و
 در انجا است علیہ الرحمۃ

حسن علی موصلی شاگرد رشید شاہ فتح اللہ در سال فتح کابل بلازمت اکبر بادشاہ
 رسیدہ نامور بتعلیم شاہزادہ بزرگ گشت و چند گاہ شیخ ابوالفضل نیز خفیہ ازو تعلیم
 فن ریاضی و طبیعی و سایر اقسام حکمت گرفت و دقائق و غوامض علوم را ازو کسب کردے
 و بعد چندی ترک وظیفہ کردہ عازم گجرات شد در انجا مرزا نظام الدین احمد و پسرش
 محمد شریف ازو استفادہ علوم عربیہ عقلیہ نمودہ بدرجہ کمال رسیدند بعد زمانے ابوالفضل
 و غیرہ مقرران شئمہ از فضائل و کمالات او در مجلس شاہی مذکور ساختند کہ فرمان بہ طلب او
 رفت صاحب ترجمہ بلاہور آمد وقت کورنش اورا تکلیف سجدہ نمودند و ازین معنی
 آزار یافتہ در سن ہصد و نو و ہشت ہجری عازم وطن گردید

مرزا حسن علی صغیر محدث لکھنوی ساکن محلہ عیلے گنج منجملات لکھنؤ ملقب بپیرک
 جمال الدین المعروف بہ مرزا از سادات علوی است خود را ہاشمی مے نوشت سند
 حدیث از مولانا شاہ عبدالغفور دہلوی یافتہ صد ہا مردم علم حدیث ازو استفادہ نمودند

سیدی مولوی ابوالخیر محمد عین الدین المشہدی الکوڑی سند حدیث از ایشان داشتند
سال تحفۃ المشتاق فی النکاح والصدوق از تصانیف مشہورہ ویست و نیز کتابے موسوم
بہ برہان الخلاقۃ و فتاویٰ بزبان فارسی بد و نسوبے کنند و بعضے گویند کہ مذہب
شافعی سے داشت منشی خادم علی سندیلہ مؤلف تاریخ جدولیہ بہ سال دوازده صد و بست و شش
ہجری بمقام باندا مستفیض خدمت او شدہ و بعد ازاں سلطنت نصیر الدین حیدر شاہ اودھ
بمقام لکھنؤ بموضع استقرار حلیت فرمودہ ہم در انجا مدفون شد سقی اللہ ثراہ
مرزا حسن علی کبیر محدث لکھنوی ساکن محمود نگر منجملات لکھنؤ شاگرد مولوے
حیدر علی سندیلہ بود

مولانا حسن صفائی لاہوری ابن محمد بن حسن بن حیدر صفائی صفان بصاد
مملہ مفتوحہ وغینہ عجمہ شہر لیست از شہر ہائے ماوراء النہر عرب چنان بزرگان نش از انجا آمدہ
بلاہور رخت اقامت انداختند مولانا حسن بتاریخ پانزدہم صفر سن پانصد و ہفتاد و ہفت
ہجری در لاہور متولد شدہ نشود نمایانست و از پدر خود تحصیل علوم کردہ مولانا موصوف
فقیہ کامل و محدث عامل و عالم ربانی واقف احکام و معانی بود در سن ششصد و
پانزدہ ہجری بہ بغداد رفتہ مقیم شد و بعالم عدیدہ کتب فائزہ تصنیف کردہ و ہما نجا قبل تکمیل
تصنیف کتاب العباب در لغت و در سن ششصد و پنجاہ ہجری وفات یافتہ
حسب وصیت خود ہمان سال بلکہ معظمہ مدفون شد منجملہ تصانیف مشہورہ او
کتب ذیل متداول اند شوار و در لغت شرح القلاوہ السمیطیہ فی
توضیح الدریدیہ۔ کتاب الافتعال۔ کتاب العروض۔ مشارق الانوار۔
مصلح الدجی۔ الشمس المنیرۃ۔ شرح البخاری۔ درۃ السحابۃ و شرح درۃ السحابۃ و علم
حدیث۔ کتاب الفرائض۔ کتاب العباب نا تمام۔ وغیرہ۔

امیر حسن بن علاء ہجری دہلوی اولاد در میان فضلاء عمر غزنوی دکانے
و دیگر دود در میان مریدان شیخ نظام الدین اولیا بقرابت و عنایت شیخ امتیازی داشت
در حسن معاملات و صفائے سریرت و سایر صفات حمیدہ یگانہ روزگار بود

باوصاف تصوف موصوف و بامیر خسرو مصاحبت و معاشرت داشت اور ایم مدح
غیاث الدین بلین تصاید است دور کلام امیر خسرو مدح سلطان مذکور کتر امیر حسن را
کتابست مسمی بفضائل الفواد و در ان ملفوظات شیخ نظام الدین قدس سرہ جمع کرده در
غایت ثنات الفاظ و لطافت معانی و کتاب مذکور در میان خلفاء مریدان شیخ نظام الدین
قدس سرہ منجود دستور است

مولوی حسین علی سندیلہ ولد غلام مرتضیٰ در اصل باشندہ قصبہ صفی پور از اولاد
ہمشیرہ مخدوم عبدالصمد عرف شاہ صفی صفی پوری ہستند سلسلہ نسب شان بہ عبد اللہ
بن عمر رضی اللہ عنہما میر سدا چہار پشت بواسطہ مادری بہ قصبہ سندیلہ تمام پذیر اند مولوی
حسین علی بسال دوازده صد و چہل بہ سندیلہ تولد شدند و بخدمت پدر خود و نیز علمائے
فرنگی محل کتب فارسی و عربی تحصیل نموده مشہور حاصل کردہ باقادہ طلبہ
اشتغال داد و دیوان اشعار فارسی و شرح جہل کا و آد نامہ منظوم از تصانیف اوست
بخدمت سید شاہ محمد احسن سرہندی بختیار نگری بسلسلہ قادریہ ارادت دارند
و نیز مجاز اخذ بیت بسلسلہ قادریہ و چشتیہ و سروردیہ از شاہ خادم صفی صفی پوری
ہستند سلمہ اللہ و ابشاہ

سید حسین شاہ تخلص بحقیقت کہ فی الحقیقہ در فضائل و کمال بجای خود شاہی بود
و بہ منصب میرنشی رئیس مدارس سر بلندے داشت و تصانیف بسیار اند
از بکلمہ کتاب خزینۃ الامثال است کہ در ان امثال عربی و فارسی و ہندی بسال دوازده
صد و پانزہ ہجری جمع آوردہ بجامہ کتاب مذکورے نگار کہ چون درین خزینہ عامرہ نقود
امثال عربیہ و فارسیہ و ہندیہ بہ است بناؤ علیہ دیباچہ اش در ہر سہ السنہ حسن اتمام
پذیرفت و بہ اختتام خامہ دوز با تم اشعار تاریخیش نیز در ہر سہ زبان گفت
حسین تحت ہذہ الشجرہ مستقینا بر بے المتعال ۳۰ سال تاریخ خواستم کہ کہم بہ ہم زمانش
عیان بر اہل کمال بہ کہ خزینہ سے تخریج شامو مدد بولا بافت خزینۃ الامثال ۴۰
خواجہ حسین ناگوری از اولاد شیخ حمید الدین ناگوریست جامع میان شریعت

و طریقت و حقیقت و مرید شیخ کبیر بود و در ولایت گجرات مدتی خدمت پیر خود بود و تحصیل علوم کبیر و وہی نموده بوطن اصل رجوع فرمود از تصانیف او تفسیر لولہ النبی است کہ ہر جزوے از قرآن مجلدی جدا نوشته و حل ترکیب و بیان معنی قرآن از انجہ در تفسیر ہا مے باشد بہ تفصیل و تسبیل تمام تر بیان فرمودہ و بر قسم ثالث مفتاح شرحی نوشته رسائل و مکتوبات دیگر نیز دارد و گویند کہ سوانح شیخ احمد غزالی را نیز شرحی کردہ است دوی اول کہے است کہ بر بالائے قبر خواجہ معین الدین ہشتی اجمیری عمارت روحانہ بنیاد نہاد و مے بہ تعلیم علوم دین و تلقین طریق ارباب یقین مشغول و بغایت مولع محبت حضرت سرور کائنات صلعم بود و ہر چہ از خانہ و بلوغ و چاہ داشت ہمہ را با آن حضرت نسبت کردہ وقف نموده بود و در سن ہنصد و یک ہجری وفات یافتہ و رحمتہ اللہ علیہ

ملا حسین ہروی از فرزندان شیخ رکن الدین علاؤ الدولہ سمنانی است در علوم مستقول شاگرد مولانا عصام الدین و ملا حنفی بود و در شرعیات تلمذ نزد خاتم العلماء و الحدیثین شیخ ابن حجر ثانی نموده و در وادی سلامت شعرو انشاء و صنائع و بدائع و حسن تقریر و فصاحت و بلاغت و ظرائف و لطائف بے نظیر بود و دیوان اشعار فارسی با تمام رسانیدہ از بیشگاہ اکبر شاہ بنظم نمودن سنگھاسن بیسی نامور شدہ بود و گویا انجام نز سید مے در سال ہنصد و ہفتاد و نہ ہجری از ہندوستان رخصت و وطن حاصل کردہ شیخ فیضی کہ تلمذیت یافتہ او بود و فقط دام ظلہ تاریخ آن یافت ہمدان نزدیکے بہ کابل ازین عالم گزشتہ

مولوی حسین علی قنوجی ابن مولوی عبدالباسط قنوجی شاگرد پیر خود بود و بحیات پیر خود مدرس و افادہ طلبہ علوم مے پرداخت تلمذ المتعلم در بیان صیغ مشککہ از و یادگار است بعد پنج ماہ از فوت والد خود بمصر ہجرت و چہار سالگی در سال و ہانودہ صد و بیست و نہ ہجری ازین جہان بعالم جاودان رفت و گواہ اللہ فی دار النعیم

مولوی حسین احمد بیلیج آبادی ابن شاہ علی احمد بن شاہ علی امجد والدی از سرزمین لکھنؤ تشریف آوردہ از انجا بقصبہ بیلیج آباد مضاف لکھنؤ رخت اقامت

انماخت صاحب ترجمہ بتایک بست و پنجم صفر سال دوازده صد و یک ہجری بہ طبع آباد متولد
 شدہ مجتہد مولوی ظہور اللہ لکھنوی و مولوی عبدالرحیم ساکن کلکتہ و مرزا حسن علی محدث
 صغیر ساکن لکھنؤ محلہ بیچہ گنج و مولوی سید محمد لکھنوی و مولوی نور الحق لکھنوی و مولانا شاہ
 عبدالعزیز دہلوی و شیخ عمر محدث مکی و حکیم محمد صادق فیض آبادی و مولوی حیدر علی
 سندیل کتاب علوم متداولہ نمودہ ہمارہ مدرس و عبادت و ارشاد طالبان مشغول بودہ
 بہ تصنیف کتر متوجہ بود رسالہ جواز قرائت فاتحہ خلف امام و رسالہ در بیان بیعت و
 شرح رسالہ مولوی رفیع الدین دہلوی دہیان وجود و چند رسائل در تصوف و حلیم
 نبوی صلح از تصانیفش بر صفحہ روزگار یادگار اند چہارم رمضان سن دوازده صد و
 ہفتاد و پنج ہجری وفات یافتہ بھوار فالد خود در مقابر موضع دو دویا متصل طبع آباد

مدفون شد

مولوی حفیظ اللہ فرنگی محلی ابن ملا حبیب اللہ ابن ملا عبد اللہ فرنگی محلی برادر
 خود مولوی ولی اللہ ذہین و ذکی بودہ با استعداد تمام کتب و رسمہ تحصیل کردہ خدمت شریفی
 عدالت فیض آباد و سرکار شاہ لکھنؤ داشت ہمدان حالت مدرس طلبہ می برداشت
 بہ ترمیم الشانے سال دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری رحلت فرمودہ
 حکیم الملک گیلانی نامش شمس الدین در حکمت و طب جالینوس زمان و مسیح دوران ملایم
 اکبر شاہ و غیر خواہ ہنگام خدا و آشنا بود و دیوبستہ طلبہ را درس گفتی و بے ایشان طعام
 نخوردی و بجانہای مردم کم رفتی بسال ہصد و ہشتاد و ہشت ہجری بزیارت حرمین
 شریفین رفتہ ہما بجا سفر آخرت پیغش آمد

حکیم و اناسیا لکوی نامش ملا محمد صادق ابن مولانا کمال الدین سیالکوٹی است جامع علوم
 عقلیہ و نقلیہ بود فور الدین محمد جہانگیر بادشاہ شہرہ کمالش شنیدہ اورا بہ محفل خاص بلکہ ہادہ
 ہر گاہ مباحثہ علمائے اہل تسنن و تشیع پیش آمدے وے از اہل سنت
 مناظر و عجیب بودے و ملا حبیب اللہ شیعہ را خاموش کردے بعد وفات بخانہ غور
 واقع محلہ جمالتہ مدفون گردید

مولوی محمد اللہ سندیللی ولد حکیم شکر اللہ ولد شیخ فانیال ولد میر محمد صدیقی از ارشد
 تلامذہ ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین شہید سہالوی عالم عامل و طبیب حاذق بود و
 قصبہ سندیلہ منصفانہ لکھنؤ مدرسہ کلاں بنانہ و مجتہد مصارف مدرسہ چند و بہار
 پیشگاہ بادشاہ وقت معاف یافتہ عمر گرامی خود بدین اقامہ طلبہ علوم نے گزانیہ از پیشگاہ
 شاہ دہلی مخاطب بفضل اللہ خان بود و نواب ابوالمنصور خان صوبہ دار اودھ پورے دستار
 بہل برادرانہ داشت بسیاری علما و فضلاء نامدار از سایہ دامن تربیتش سر بر آورده اند
 کہ نام نامی شان درج ذیل است قاضی احمد علی سندیللی داماد صاحب ترجمہ
 مولوی احمد حسین لکھنوی - ملا باب اللہ جویندہ - مولوی محمد اعظم قاضی زادہ
 سندیلہ - مولوی عبداللہ ابن مولوی زین العابدین محمد دوم زادہ سندیلہ و از مولوی
 محمد اللہ مرقوم الترجمة تصانیف ذیل مشہور و متداول اند شرح تصدیقات
 سلم العلوم معروف بحمد اللہ و حاشیہ شمس باز و حاشیہ صدر او شرح زبدۃ الاصول
 عالمی و فائز او بہقام دہلی در سال یازدہ صد و شصت ہجری بوقوع آمدہ جانب غرب
 و جنوب از مزار حضرت قطب الدین اوشی قدس سرہ مدفون گشت غفر اللہ لہ
 قاضی حمید الدین ناگوری در عمدہ شمس الدین التمش بادشاہ ہونام شریفش محمد ابن
 عطاءست از مشائخ متقدمین ہند و ستان جامع بود میان علم ظاہر و باطن مرید و خلیفہ
 شیخ شہاب الدین سہروردی اما بر مشرب اود وجد و سماع غالب آمد کہ در ان موقع و متوغل
 بود اورا تصانیف بسیار است بزبان عشق و دولہ سخن مے کند انان جملہ طواریح شہوس
 در اسماء حسنی وے بسال ششصد و پنچ ہجری بجوار رحمت حق پیوست
 شیخ حمید الدین الصوفی السعیدی الناکوری السوالی کیتیش ابوالحمد و لقب وے
 سلطان التارکین است از اعظم خلفائے خواجہ بزرگ معین الدین سنہری اجمیری و اکابر
 علمائے صوفیہ صافیہ رضوان اللہ علیہم اجمعین اناولہ سعید بن زید بمثلہ عشرہ مبشرہ
 رضی اللہ عنہم بود عمرے درازیافتہ و اول مولودیت کہ بعد فتح دہلی بمحسانہ
 مسلمانان پیدا شدہ از زمان حضرت خواجہ معین الدین تا اوائل وقت

شیخ نظام الدین اولیا باقی بود اور تصانیف بسیار اند ازان جملہ نسخہ اصول الطریقہ مشہور تر
است و فائش بست و نهم ربیع الثانی سال ششصد و ہفتاد و سہ ہجری وقوع یافتہ مرقدش
در ناگور است یزید تیرک یہ سوائے موضعی است از مواضع ناگور کہ شہرست بسر

زمین ماژوارٹ

مولانا حمید قلمند دہلوی قاضی شاعری بود مرید شیخ نظام الدین اولیا است و در
صحبت بعضے خلفائے شیخ انچہ مقتضی قابلیت و استعداد باشند استفادہ کردہ اول در خدمت
مولانا برہان الدین غریب بود و جملہ ملفوظات او جمع آدرودہ بعد ازان در ملازمت شیخ نصیر الدین
محمود افتادہ و از ملفوظات او نیز جمع نمود آن را اخیر المجالس نام کرد ابتدا سے تالیف آن در سن
ہفت صد و پنجاہ و بیس ہجری بود و انجام آن در سال ہفت صد و پنجاہ و شش
ہجری صورت یافت

شیخ حمید سنبھلی علامہ زمان یکتا دوران بہ تفسیر دانی قرآن مجید معروف و دقیقہ
رسی فرمان حمید موصوف بود ہمایون بادشاہ بوسے عقیدہ راسخ و شست مے گویند کہ
وے مد زمان تسخیر ہندوستان بہ لوہٹ ثانی جہت استقبال ہمایون شاہ
بکابل رفت و از بسکہ بادشاہ را با د اعتقاد بود روزے برآشت و گفت کہ پادشاہم تمام
لشکر شمار اراضی دیدم پادشاہ پر سید شیخ چراچنین مے گوید گفت و بہر جا نام لشکریان
شما یار علی و کفش علی و حیدر علی یا فتم و ایچ کس را ندیدم کہ بنام یاران و یگیوودہ
باشد پادشاہ ہم برآمد و قلم کہ بدستش بود بر زمین زدہ گفت نام پدر کلام خود عمر
شیخ است دیگر مے دانم و بر خاستہ بحر م سر شد و باز آمدہ بلامت و رفیق شیخ را بر حسن
عقیدہ خویش اطلاع داد نتیجہ این حکایت عصوبت شیخ حمید بر تسنن و خوش عقیدگی و
حسن خلقی ہمایون بادشاہ است رحمہما اللہ تعالیٰ

قاضی حمید الدین دہلوی عمدۃ العلامۃ الفضلاء عمر خود ماہر رس صرف کردہ شرح
ہدایۃ الفقہ از تصنیفات مشہورہ اوست بسال ہفت صد و شصت و چہار ہجری
برابر البقا رحلت فرمود

حمید الدین نارنولی عالم تصوف بود تیسرا لکات شرح دلائل الخیرات از تالیف
ادست کہ در ان اختلافات نسخ متن بیان کرده

ملاحیدر کشمیری ابن خواجه فیروز ہر ہفت سالگی قرآن مجید حفظ نموده از علماء وقت
ہجوبہا باقطب الدین وجوہر ناتھہ اولاً استفادہ کردہ از ان بعد از کشمیر بہ ہلی رسید و
بخدمت شیخ المحدثین دہلوی فقہ وحدیث وتفسیر تکمیل نمود و بہ کشمیر واپس آمد حاکم
آنجا ہر چند برائے قضاء آن بلدہ گفتہ وے از ان منصب ابا کرد و فائش در سال ہزار
و پنجاہ و ہفت ہجری بظہور پیوستہ

قاضی حیدر کشمیری المحاطب بقاضی خان از علماء کبار و فقہائے ناما کشمیر شاگرد
ملا عبدالرشید زرگر بود و چہ عسرت معاش از وطن مالوف بہ لشکر محمدی الدین محمد اورنگ دیب
عالمگیر بادشاہ پیوست و بتوسط سیادت خان صدر الصدور بخدمت بادشاہ
رسیدہ اولاً بتعلیم شاہزادگان مامور شد باز بقضاء دہلی سر بلندی یافتہ
بدیانت و عدالت وے بادشاہ بغایت رضامند شدہ وے را بخطاب
قاضی خان ممتاز فرمودہ در سال یازدہ صد و بست و یک ہجری بعارضہ اسماں ملک
و کن وفات یافتہ نعش وے بہ کشمیر آوردہ بیرون شہر در باغ حججہ پورہ زیر زمین سپردند
مولوی حیدر علی سندیلی ابن مولوی حمد اللہ سندیلی تلمیذ والد ماجد خود و قاضی احمد علی
سندیلی بود و تکمیل از ملا باب اللہ جوہنورے شاگرد پدر خود کردہ عالم متبحر و طیب حاذق
و شاعر بود از تلامذہ مشاہیرش قاضی رضا علی خان گویا مومے و مولوے
دلدار علی لکھنوی مجتہد شیعہ و مولوے سید محمد پیر مولوے دلدار علی مرقوم و مولوی
نور اللہ فرنگی محلی و حافظ عسلا مہر سندیلی و مولوے احمد بخش سندیلی و مولوے
بخش علی و قاضی جلال الدین آسیونی و مولوے محمد علی بدایونی و حاجی امین الدین کاکوروی
و مولوے اعظم الدین سندیلی و مولوے حسین احمد طبع آبادی و مرزا حسن علی
محدث کبیر ساکن لکھنؤ محلہ محمود نگر و مولوے رجب علی چریا کوٹی اند حاشیہ میرزا ہر سالہ و
تعلیقات میرزا ہد ملا جلال و تعلیقات شرح سلم مولوے حمد اللہ و تکملہ ناقام شرح سلم

مولوی محمد اللہ از تصانیف مشہورہ او ہستند بتاریخ ششم رجب سال دوازدہ صد
بست و پنج ہجری وفات یافتہ در صحن مدرسہ پدر خود بہ سندیلہ مدفون شد علیہ
الرحمۃ والغفران

مولوی حیدر علی رامپوری اولاً از مولوی عبدالرحمن قستانی و کھنی و ثانیاً از مولوی
محمد جیلانی رامپوری اکتساب علوم کردہ تکمیل تحصیل نمود و بدختر مولوی محمد جیلانی مذکور کتھا
گشت در علم طب ید طولی داشت با و اخر عمد نواب احمد علی خان بہ ٹونک رفتہ در انجا
عزے و شانے یافتے گویند سند علم حدیث از مولانا عبدالغفری دہلوی یافتہ در ٹونک
درس و طبابت مے کرد ہما نجا وفات یافت تاریخ وفاتش معلوم نیست از مولفات وی
صیانتہ الناس عن وسوسۃ الخناس بزبان اردو و رسالہ رفع الیدین بفار سے
مشہور اند

مولوی حافظ حیدر علی فیض آبادی در علم مناظرہ و کلام فایق الاقران بود خصوصاً
در فن مناظرہ ہاشمیہ نے زماننا نظیرے نہاشت مطالعہ کتب خصم زیادہ تر بد نظرش
بود عمر شریفش از ہفتاد و پنج متجاوز شدہ قریب پنج سال مے گذر کہ در حیدر آباد دکن
ہمازمت فرمان رواے آن ویاد و صدر رویہ شاہرہ مے یافت ہما نجا رحلت فرمودہ
مدفون گشت اکنون پسرانش در انجا ملازم و موجود اند علاوہ کتب مذکورہ ذیل دیگر مصنفاتش
تمام و نا تمام در مناظرہ شیعہ ہستند تصانیفہ المشہورہ منتہی الکلام - رسالہ در نکاح
ام کلثوم - نصارة العینین عن شہادۃ الحنین - کاشف البشام عن تدلیس المجتہد - مقام
ازالۃ الغین عن بصارة العین و در جلد - الدایمۃ الحاطمہ علی عین اخرج من اہل
بیت الفاطمہ - رویۃ الثعالیب و الغرابیب فی انشاء المکاتیب - رسالہ

در بیعت مر تضوی

حرف الخار لمعجم

خانخانان دہلوی نامش عبدالرحیم پسر محمد بیرم خان خانخانان است بچار و ہم صفر
سال نہصد و شصت و پچار ہجری در لاہور متولد شدہ در قابلیت و استعداد

ممتاز و یکتا سے روزگار بود و زبان فارسی و ہندی و سنسکرت اشعار نیکوئے گفت و اقعات
بابری از تصانیف دے است بعر ہفتاد و دو سالگی در سال ہزار و سی و دو و بحسری
در فائست یافتہ در دہلی مدفون گشت

مولوی خادم احمد فرنگی محلی بن مولوی محمد حیدر بن مولوی محمد حسین کہ محفل و عظمیٰ و مسجد
فرنگی محل بر طریق آبائے خود سے آراستہ و از و عظمیٰ وے رونی فرنگی محل بود و بیعت از
پدر خود مولوی محمد حیدر مرحوم داشت سے گویند ہنگامیکہ مولوی امیر الدین علی امیٹھوی
بجمیعت اسلامی جہت مقابلہ بیراگیان ہنومان گڑھی بسال ہفتاد و یکم بعد صد سے
دوازدهم کریمت ہستہ بود و سے ہم بشمول دیگر علمائے زرخواہ حسب اشارہ نواب
نقی علی خان بقوالیش مولوی امیر الدین علی سابق الوصف سب کشادہ ہمدان زمان
بتاریخ دہم ذی الحجہ سال مذکور مولوی خادم احمد بجارضہ فرد آمدن رودہ مبتلا شدہ واقع
دوازدهم وقت غم طائر روح پر فحوش بعالم بالا پرواز نمود و منشی الطاف حسین منشی
خزانہ سلطانی تاریخ رحلتش فی البدیہہ چین بسکک نظم کشیدہ سے درین مقام سرای
قانی نہ کعبہ دے کنشت باشد نہ طفل باشد نہ پیر باشد نہ خوب باشد نہ زشت باشد نہ
نہ تخت باشد نہ تلج باشد نہ مملکت نے خراج باشد نہ غلامان بیج قصر و ایوان نہ در نہ دیوار
خشت باشد نہ پست باشد نہ اوج باشد نہ بحر باشد نہ موج باشد نہ بماند البتہ
نام اکس ہر آنگہ نیکو سرشت باشد نہ بعین حسرت شدہ رہانہ چو خادم احمد ازین زمانہ نہ
رقم رد الطاف بہر سالش آئی ادور بہشت باشد نہ فاعتر و یا اولی الابصار بجمیعت
کہ در ہمان قرب زمان بگھٹو و مر زبان آن از دوست انگشیاں چہا بر روے کار ظہور
یافتہ تصانیف دور سالہ عربی و فارسی در بیان دائرہ ہندیہ۔ تعلیقات متفرقہ
بر شرح وقایہ۔ رسالہ حاصل و محصل متعلقہ فوائد ضیائیہ

مولوی خرم علی بگھوری از مشاہیر فقہائے بلوچ شاگرد و خاندان مولانا شاہ عبدالغفر
دہلوی بود و ہمارہ در قلع بدعت و احیائے سنت سے کوشید چنانچہ رسائل مؤلفہ
دوسے بران ولالت سے کتبہ دے رحمت اللہ علیہ در سال دوازده صد و پنجاہ و

ہشت ہجری حسب الامر نواب ذوالفقار بہادر رئیس ہاندا ترجمہ در مختار شرح تنویر الابصار
از کتاب النکاح بزبان اردو آغاز کردہ بمادہ حسب سن دوازده صد و ہفتاد و ہجری تا آخر
کتاب با تمام رسانید پس ازان بہادہ نحریم بسال دوازده صد و ہفتاد و یک ہجری
ترجمہ کتاب الحج مکمل نموده از شروع کتاب تا باب الاذان ترجمہ نوشتہ بودند کہ ہمہ این
سال داعی اجل را لبیک اجابت گفتہ رہلر اسے عالم بقا شدہ بعد وفات شان
مولوی محمد حسن نانوتوی حق تالیف ترجمہ مذکور از ورثہ مولوی غلام علی مرحوم خرید فرمودہ
آنرا مکمل کردہ نامش غایۃ الاوطار نہادند کہ عددوی دوازده صد و شصت و چہار سے
برآید کہ آن زمانہ در میان مشعلہ و شعلہ ہجری است رسالہ مع قرأت فائزہ خلعت الامام و ترجمہ
مشارق الافکار و ادب الحرمین و نصیحة المسلمین از ویادگار ماند

امیر خسرو دہلوی خسرو شاہان نامار و مراد متصوفان معرفت شعار جامع علوم ظاہر
و باطن بود و سے سلطان اشعار ہجریان الفضلہ است نام شہ ریفش ابوالحسن بن امیر
سیف الدین محمود از امیر زادہ ہاسے ہزارہ بلج بود و منصبہ مومن آباد عرفت بیتالی تولد یافتہ
اشعار آبدارش از چہار صد ہزار نہادند و مشہور است کہ دوونہ کتاب در سلک نظم کشیدہ
انان جملہ تعلق نامہ و کتاب مستمران السعیدین در بیان داستان ملاقات نامہ امیر
بغراخان حاکم بنگالہ با پسرش مزار الدین کیٹا و بادشاہ دہلی است و سے نسبت فنا
فے الشیخ بامرشد خود مولانا شیخ نظام الدین ادنیائند من مرد داشت بعد شہشاہ از فوت
پیر خود شب جمعہ ہیز دہم شوال سال ہفتصد و بیست و پنج ہجری بجا رحمت حق پیوست
پائین مرشد خود در دہلی مدفون گشت رحمۃ اللہ علیہ

مولانا خواجہ مانگیپوری پد مولانا حسام الدین مانگیپوری دانشمند بجز و متقی بود فقر
بسیارے کشید و قے نہ فائزہ شدہ بود کہ شخصہ پیش و سے براسے استفلا آمد و پارکار نیز
آورد و سے زرد کور بجا حبش باز گردانید مردم خانہ عتاب کردند نماز شام رسید ملک
مبین الدین در مانگیپور فرود آمدہ بود و غاسے سے خواند اور لفظی مشکل شدہ پرسید در خوا
نامے هست گفتہ خود مردم مولانا خواجہ دانشمند استہ است خطیبہ آن لفظ را حل کردہ

ملک عین الدین جہان قدس سرہ کہ مستفقہ آور وہ بود ہا زیادت جامہ و طعام پیش آورد و بعد ازانان
بابل خانہ گفت چون ہمت کردیم و مال مشکوک باز گردانیدیم خدا سے تعالیٰ مالا زوجہ
حلال عطا کرد در حمتہ اللہ علیہ

خواجہ محمد قنوجی بن عبد الرحمن قنوجی عالم عارف و سالک بود از سادات رسول و
اخلاق حمیدہ و فضائل شیعہ داشت بحرین شریفین رفتہ و از مشائخ آن دیار مستفید
شدہ بقنوج مراجعت فرمود از تصانیف او کتابست در علم تصوف و سلوک موسوم
بہدایہ السالکین الی مراد رب العالمین و قنوج وفات یافتہ تاریخ فوتش معلوم نہ شد
خواجہ محمد دہلوی ابن ابی ناسر الدین اسحاق از اولاد و نثری شیخ فرید الدین گنج شکر
ہست قدس سرہ جامع علوم و حدادی فنون بود در علم حکمت و موسیقی نیز کمالی داشت و
بکمال ذوق و شوق و عبادت موصوف بود و شیخ نظام الدین اولیاء را در نماز امامت
سے کرد از لغز قنات شیخ نظام الدین کتابے سنی ہانوار الحاس جمع کردہ رحمۃ اللہ علیہ
مولانا خورشیدی کا پوی مرید و خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود و شاگرد مولانا معین الدین
عمرانی و استاد قاضی شہاب الدین دولت آبادی بود پیش از آمدن امیر تیمور گورکان از دہلی
بر آمدہ بکاپے شون شد و در ہاجا بسیر بر قبرش بیرون شہر کاپے است -
خواجہ بہاری لاہوری فقیہ محدث مفسر واقف اسرار حقانی بود اولاً از مسکن محمود
حاجی پور بکصب گودہ پور بہ نیت تحصیل آمدہ بخدمت شیخ جمال الدیلائے خواند سپس
بلاہور آمدہ بخدمت ملا محمد فاضل لاہوری دستار فضیلت بست و بخانہ وسے سکونت
اختیار کردہ بالآخر مرید و خلیفہ حضرت میان میر گشت در سال ہزار و شصت و چہرہ
وفات یافتہ بلاہور مدفون گردید

شاہ خوب اللہ اکہ آبادی نامش محمد یحییٰ برادر زادہ و داماد و خلیفہ شیخ محمد افضل
اکہ آبادی بحر امواج علم شریعت و طریقت بود بعبس سیزدہ سالگی از تحصیل علوم متعارفہ
سراغ حاصل فرودہ موافق تربیت و تعلیم پیر خود مدارج سلوک را طے کردہ ہم پہلو و ہم
خود برآمد و بعد مرشد خود تمام عمر امور خلافتش انجام داد کتب و رسائل بسیار

تصنیف کردہ انجملۃ القول الصبیح فی صلوٰۃ التسبیح و الکلام المفید فیما تعلق بالشیخ والمرید و الکلمات
المؤتلفۃ فی المقاصد المختلفۃ و بضاعتہ مزجاء دماخذ الاعتقاد فی شان الصحابہ و اہل بیت
الامجاد و تترکبین الاوراق فی محرق الطباق و خلاصۃ الاعمال و ذوقیات الاعمال
بہ منطلقات الانس ملا جامی و چہار مجلد مکتوب در انظار حقیقت تصوف مشہور و معروف
امر مشہور و دو شنبہ یا زود ہم چہادی الاول سال یک ہزار و یک صد و چہل و چہار ہجری بمجہار
رحمت حق آسودہ بجنب پیر و مرشد خود و کہ آباد در فون گشت کان الشیخ قطب تاربخ
رحلت او ست

حرف دال مہملہ

و اما گنج بخش لاہوری نام شریف علی محمد غزنوی است تجربہ نسب ادب امام حسن
بن علی رضی اللہ عنہما نشیءے شود از اولیائے متقدمین جامع علوم ظاہر و باطن عابد زاهد متقی
منظر خالق و کرامات حنفی المذہب بود علامہ مرشد خود شیخ ابو الفضل بن حسن ختلی
بادگیر مشایخ کبار مجتہدین شیخ ابو القاسم گورگانی و ابو سعید دہلوی و ابو القاسم قشیری محدث صحبت
یافتہ فوائد کثیرہ حاصل کردہ و در امر منہج با شاہ مرشد خود از غنہ غنی بلا ہور آمدہ
ہنگامہ فضیلت و شیخت گرم نمود و زہد بر سر و تعلیم و شب بہ تلمیقین بسر سہ مشہور
بے علما و صلحا از اہل تربیت او برخاستند تصانیف بسیار از وی دگار اند از ان جمیع
کشف المحجوب شہرت دارد و سال چہار صد و شصت و پنج ہجری رحلت منہج نمودہ و در
خاتقاہ خود بلا ہور زہد ترین آسودہ۔

ملا وریزہ پشاورمی جامع علوم ظاہری و باطنی مرید و خلیفہ سید علی خواص بود در دفع
زندادہ و ملاحدہ و رفضہ بغایت مے کوخید و با کما مباحثہ کردہ بلام ساختہ خصوصاً
با عیسے ملوک و دہانیزید محمد کہ خود را پیر و دشمن نام نہادہ بود بمشاکرہ کتب
عزیز الاسلام بزبان پشتو تالیف نمودہ تا تمام ماند بہر سرش ملا عبد الکرم و را با تمام رسانید
ہر قدر از تصنیف ملا وریزہ است در ان علاوہ مصارف و محتائق تذکرہ احکام شہر
شریف بسیار است و انچہ از تکمیل بہر سرش عبد الکرم است در ان اکثر حقائق و معارف

مذکور شدہ و محزن الاسلام را نزد شریعی است سنی بشرح کلمات باقیات مولانا دروینہ در سال یکہزار و چہل و ہشت ہجری وفات یافتہ

حافظ و از پشاور نامش محمد حسن واعظ ابن حافظ محمد صادق واعظ بن حافظ محمد اشرف خوشالی پشاور می رفتہ و حدیث و اصول یگانہ روزگار از دو مان علم و فضل بود اکثر علوم از والدہ ماجدہ خود کہ عالمہ و فاضلہ بود تحصیل نمودہ بر مسند افادت و افاضت متکلیف شد و تمام عمر گرامی بدرس طلبہ و تالیف کتب صرف کردہ منہج الباری شرح فارسی صحیح بخاری و تفسیر سورہ یوسف و تفسیر الفتح و معراج نامہ و وفات نامہ و حاشیہ شرح قاسمہ مبارک بر سلم و حاشیہ تہمتہ اخونہ یوسف و غیرہ رسائل و کتب از تصانیف اوست بمصر شصت و یک سالگی بمردود و از دہ صد و شصت و ستم ہجری رحلت فرمود **بابا داؤد مشکوٰتی کشمیری** از علماء نامدار کشمیر و فقہ و حدیث و تفسیر و حکمت و معانی پیدہ داشت و حافظ مشکوٰۃ المصابیح بود بدین وجہ اورا مشکوٰۃ گفتند علوم متداولہ بخدمت خواجہ حیدر چرخ اکتساب کردہ و علم باطن پیش بابا نصیب الدین و خواجہ محمود نقشبندی حاصل نمود کتاب اسرار الاخبار و حالات سادات و درویشان کشمیر اسرار الاشجار و منطق الطیر منظوم از تصانیف اوست و بسال ہزار و دود و ہفت ہجری وفات یافت در کشمیر متصل عید گاہ مدفون گشت

مولوی سید دلدار علی لکھنوی مجتہد الشیعہ ابن مولوی معین الدین بن عبدالہامد رضوی در سال یکہزار و یک صد و شصت و شش بقصبہ جالیس یا نصیر آباد متولد شدہ و او اول کسی است کہ در اہل تشیع بہ ہندوستان دعویٰ اجتماع کردہ و جمعہ جماعت بدان مذہب منظور آورده در مبادی احوال علوم عقلیہ را از فضائل ہندوستان مثل سید غلام حسین و کنی اکہ آبادی و مولوی حیدر علی ولد ملا احمد اللہ سندیل و مولوی باب اللہ شاگرد ملا احمد اللہ سندیل استفادہ نمودہ و بعد فراغ از تعلیمات در کربلائے معلیٰ از آقا ہاشم بہبہانی و سید علی طباطبائی اکتساب علوم فقہ و حدیث و اصول کرد و در مشہد مقدس از سید مہدی بن سید ہدایت اللہ استفادہ و اجازت یافتہ بوطن مالوت رجوع نمود

و یافادہ تعلیم مطالب مذہبی سے کوشید کتب ذیل از تصانیف ویند اساس الاصول۔
 مواظپ حسنہ۔ شرح باب الصوم حدیقه المتقین مصنفہ اخوند مجلسی۔ و شرح باب الزکوۃ
 از کتاب مذکور۔ و عماد الاسلام در پنج مجلد کلاں و شہاب ثاقب و صوارم الالیات و
 حسام الاسلام و احیاء السنہ و رسالہ ذوالفقار و رسالہ غیبت و رسالہ جمعہ و حاشیہ پر شرح
 ہدایہ حکمت ملا صدر اوشتی الافکار و مسکن القلوب و رسالہ ذبیحہ و رسالہ آثارہ الاحسنان
 در عہد سلطنت غازی الدین حیدر بادشاہ او و در مقام لکھنؤ شب نور و ہم رجب سن
 یک ہزار و دوی و پنج ہجری وفات یافتہ در مرقہ حسنیہ واقع لکھنؤ مدفون شد تجاوازا اللہ
 عن سیاتہ وے در سال دوازده صد و بست و ہفت ہجری مسجدی تعمیر فرمودہ شاعری
 تاریخ آن گفتہ و ہو ہذا **۵** دبیر ہر او دلدار علی بن کامل اندام جہاد و اتفاق ساخت چون مسجد
 شدہ تاریخ آن پس مسجد قصاص ثلثی شد بنا بہ بالآخر صاحب الترمیمہ در عہد سلطنت
 غازی الدین حیدر بادشاہ او و در مقام لکھنؤ شب نور و ہم رجب سن یک ہزار و دوی و
 سی و پنج ہجری وفات یافتہ در مقبرہ حسنیہ مدفون شد

مولوی دین محمد سندیلی ابن وجہ الدین ابن شیخ عبدالسمیع قاضی زادہ سندیلہ
 دانشمندی محدث و مدرس بود توکل و تقوی شعار خود داشت در اوائل صدی سیزدہم
 جہان فناء نے را پیدرود نمود

حرف ذال معجمہ

مولوی ذاکر علی سندیلی ابن مولوی اکبر علی ابن مولوی محمد اللہ سندیلی شارح سلم علوم
 جوانے فارغ تحصیل بود از والد ماجد خود و نیز مولوی حیدر علی سندیلی تربیت و تعلیم یافتہ
 بعالم جوانے ازین جہان فانی ہنگام غسل غدیر آبے کہ آن را ہندی تالاب گویند
 رو بروی والد خود غرق بحر شہادت گردید **۵** ابن ماتم سخت است کہ گویند جوان مرویہ
 مطر اللہ علیہ شایب الرحمتہ والنفسان

حکیم ذکا خان ساکن اگرہ طبیبہ حاذق و در سلک ملازمان مادمحوی سیندھیادالی
 گوالیار نظام داشت در سن دوازده صد و نہ ہجری وفات یافتہ قبرش اندرا حاطہ

درگاہ شاہ علاء الدین واقع اکبر آباد موجود است و آن را از سنگ مرمر ساختہ المہربان تاریخ فوت و مے منقوش است و ہو ہذا ۵ ذکا خان عالم قانون حکمت بذکر دادے عقل کل بردست ادبوس بذشب آدینہ دبستم زشوال بذہزم کوچ زوزین کوچکہ کوسس بذ غردگفت از مر افسوس تاریخ بذ شد از دنیا سوج وقت افسوس

حرف الرا و المملۃ

ساج ابن داؤد احمد آبادی انم صفر ۱۱۳۵ ہجری شمسہ حضرت صدیق ہفتاد و یک در احمد آباد ولادت یافتہ صرف و نحو و منطق و عروض و غیرہ از محمد بن محمود مقری حنفی درس گرفتہ و علم معانی و بیان از محمود بن بریان الدین و علم ہیئت و کلام بخدمت محمد بن تاج الخفی اکتساب نمودہ و در علم فنون تجربہ کرد و طبع ماکل بشعر داشت و اجازت الفیہ حدیث از سخاوی گرفتہ در سال ہجری ۱۱۷۰ و چہار ہجری رحلت فرمود

رحمت اللہ سندی اذاکا بر علمای عالمین بود از سندہ بدریہ طیبہ اقامت گزیدہ در سال ہجری ۱۱۷۰ و نو ہجری بمکہ معظمہ رحلت فرمود

حافظ رحمت اللہ آلم آبادی اصلش از پنجاب است در صبی ہر دو چشمانش بعارضہ چپک بے بصر شدہ و چون بسن تمیز رسید قرآن مجید بانکہ زبانے یاد کرد کتب صرف و نحو از علمائے عصر زبانی خواندہ و مجتہد کتب اکثر علوم را سائزہ وقت خواند بغایت ذکی الطبع و جید الحافظ بودے گویند کہ از سنہین سہ کرت عبارت کتب در رق و ورق بیامے گرفت تا موس اللہ در شش ماہ یاد کردہ کتب صحاح ستمہ بربان داشت و را کہ آباد متاہل شدہ رخت اقامت انداختہ پیمار دہم رمضان المبارک روز سہ شنبہ سال دوازده صد و نو ہجری ازین جہان رحلت فرمود رحمۃ اللہ علیہ

مولوی رحمت اللہ فرنگی محلی پسر دوم مولوی نور اللہ بن ملا محمد علی بن قاضی غلام مصطفیٰ بن ملا محمد اسعد بن ملا قطب الدین سہالوی شاگرد عم خود ملا خلیفہ اللہ از تحصیل علوم دسیہ فراغت یافتہ بمقام غازی پور زمانہ طبع اقامت انگند و در سہ موسومہ چشمہ رحمت ترتیب دادہ تعلیم علوم متداولہ متعارفہ از معقولات و منقولات

بطلبہ میداد خلقی از فیض وے کامیاب می شدند بتاریخ شانزدهم جمادی الاول سن سیزده
صد و پنج هجری بغازی پور رحلت فرموده مدفون گشت

شیخ رزق اللہ دہلوی عم کلان شیخ عبدالحق محدث دہلوی تخلص بمشتاقی مروے
فاضل و کامل و عارف از نوادر رودگار از مردم سلف یادگار جامع فضائل صورت و
معنوی بود و طبع موزون در ہندی و فارسی داشت و سالہائے ہندی او بہم آین و
ہوت نرینج پیش ارباب شوق و ذوق مقبول و مشہور از تخلص او در ہندی راجن و در فارسی
مشتاقی در سال ہشتصد و نود و ہفت ہجری رحلت فرمود در مشتاق حقم تاریخ وفات
او شیخ المحدثین دہلوی یا قسہ رحمہما اللہ

مولوی رستم علی قنوجی ابن مولوی علی اصغر قنوجی در سال یازده صد و پانزدہ ہجری
متولد شدہ از مختصرات تا مطولات کتب درسیہ بخدمت والد خود تحصیل کردہ بعد وفات
پدر فاقہ فراغ در سال یازده صد و چہل ہجری بخدمت ملا نظام الدین لکھنوی خواند و بسند
افاقہ و فاضلہ جانشین پدر گردید تفسیر صغیر کہ در ایجاز عبارت بجلالین ہمہوش است و
شرح منار و غایۃ اختصار از تصانیف شہیرہ اوست در سال یازده صد و
ہفتاد و ہشت ہجری رحلت فرمودہ

مولانا رشید الدین خان دہلوی اذ ارشد تلامذہ مولانا رفیع الدین دہلوی ذہین
و قادر و طبع نقاد و در علم کلام کمالی وافر داشت شوکت عمری بچواب بارقہ ضیئہ مقدمہ
متعد و غیرہ رسائل در مذہب اہل تشیع از تصنیفاتش یادگارند در سال دوازده صد و
چہل و نہ ہجری طاری بحش باد ج علیین یروا ز کرد بر و اللہ مضجعہ

مولوی رضا حسن خان کاکوروی ابن امیر حسن خان از مخدوم زادگان
کاکور یست سیزدہم ذیقعدہ یوم پنجشنبہ سال دوازدہ صد و چہل و شش ہجری ولادت
یافتہ حاجی محمد سعید بغدادی چند کلمہ تاریخ ولادتش بزبان عمری نظم نمودہ ازان جملہ
این است شرف العصر یو بود و فاق بومادہ ثانی معدن الخیر قد نال الوجود و اذ ذہانت
و فطانت دہی داشت بمرہیزدہ سالگی از تحصیل علوم متعارفہ فراغ یافتہ

خصوصاً دانشای عربی و فارسی نظام و نثر گوئی سبقت از قرآن ربوده مشارالیه اہل کمال
گشت مصنفاتش در بنگال مشہور و معروف اند بجلد آن قصیدہ نمودج الکمال ہموزن و
قافیہ قصیدہ برہ در سال دوازده صد و شصت و چہار ہجری تصنیف فرمودہ چنانچہ
بخاتمہ آن مے فرماید **تم المدح** نقد ارجح و متمنا باندازل الایجاز و العظم
و شرح آن بدوازده صد و شصت و پنج ہجری نوشتہ در آن وقت نوزده سالہ بود دیگر
مطالع الاذکیاء در حل غویصات علوم مختلفہ است و این ہر دو کتاب بنظر مولف رسیدند
الحق کہ ازان لیاقت علمی مصنف ظاہر مے شود آخر باقتضای کل نفس فائقۃ الموت دین
شہاب بملک بنگالہ سفر آخرت گزید رحمۃ اللہ علیہ

مولوی رضا علی خان بریلوی ابن محمد کاظم علی خان بن محمد اعظم شاہ ابن محمد سعادت
یار خان بہادر ادا جلد علماء بریلی ملک دہلیکنند و از عالمکہ افغنہ بریج است بزرگان
شان پیش سلاطین دہلی بر عمدہ اسے جلیلہ بمنصب شش ہزارے سر فراز و ممتاز
بودند وے بسال بست و چہارم صدی سیر دہم ہجرت متولد شدہ بخدمت مولوی
خلیل الرحمن مرحوم بمقام ٹونک تحصیل علم و رسی کردہ بعد بست و سہ سالگی از کتاب
علوم متداولہ فراغ یافت مشارالیه امثال و اقراں گشت خصوصاً در علم فقہ مہارت
کامل داشت تذکرہ تاثیر وے مشہور و معروف است بالجملہ نیست کلام و سبقت سلام
وزہد و قناعت و حلم و تواضع و تجربہ از خصائص وے توان شمرد دوم جمادی الاول سال
ہشتاد و دوم صدی سیر دہم ازین سر اسے بے بود رحلت فرمود رضی اللہ عنہ **بڑ میچ**
بہ اسے موحدہ تازی و اسے ثقیلہ ہندیہ ہر دو مفتوح و اسے تختائی ساکن و تیم فار سے
موقوف گروہے از افغنہ اند کہ ایشان را دہیلہ نیز گویند

شاہ رضا لاہوری قادری شطاری از اکابر علماء و مکلمے مشائخ لاہور صاحب
فتوی و ارشاد بود فتوحات ظاہر و باطن ہر انچہ بدیہیوستہ در پنجاب کہسی میسر گشت
بتاریخ دوازدهم جمادی الاول سال ہینزدہم از صد سے دوازدهم رحلت فرمودہ
مرقدش بلاہور است

شیخ رضا رفیق کشمیری ابن محمد بن مصطفیٰ رفیقہ کسیت دے ابو حمزہ است بسال
دوازدہ صد و پنج ہجری متولد شدہ از پدر بزرگوار و اعظام وجد مادر دے خود شیخ نعمت اللہ
بن اشرف ثوبی و علوم تحصیل کردہ فقیہ و محدث و مفسر کشت و بدرس علوم مذکور اشتغال
داشت و برہر کہ و مہ سبقت سلام مے کرد و در بس حلیم و حیم و متواضع بود و ماہ شعبان سنین
دوازدہ صد و ہفتاد و شش ہجری رحلت فرمود

میر رضی الدین از علمائے کشمیر فاضل کامل و متبحر بود بزبان تسلط مرزا حمید رہ محلہ قلعہ پورہ
در بس مقرر شدہ با کثر علوم تالیفات حمیدہ دارد دختر دے بمجالہ کمارح ملا فیروز در آمد
مولوے فقیر محمد لاہوری در حدائق حنفیہ مطبوعہ مطبع نو کشور لصفہ ۷۷۳ اولاً و فائش
در سن نصد و پنجاد و شش ہجری نوشتہ باز بہمان صفحہ در ذیل ترجمہ میر موصوف
وفات او در سن نصد و شصت ہجری تحریر مے فرمایند نہا نم کہ صحیح کلام است و وجہ
نگار ترجمہ حبیبیت بخزانیکہ بر مساحت قلم ناسخ معمول شود

مولوی رضی الدین ولد حبیب الدین قاضی کانپور کہ بزور رضا و تسلیم آراستہ بود
بحکم قضا در سال دوازدہ صد و شصت و دو ہجری در بلدہ کانپور از دولت سر اے فنا
برار القضاے بقا شتافت مولانا محمد سلامت اللہ کشفی ادام اللہ برکاتہ تاریخ وفاتش
چنین یافتہ ۵ نہال بارغ شرف مولوی رضی الدین با تضا نہفتہ پنجا کیش چا آفتاب برقع
نہیر عقل چو سال وفات او جسم در غصہ کفیت بمن ہاے ہاے ہاے در لعل چہ -

میر سید رفیع الدین محدث ساکن گاہ آہاے کراش بہمہ علما و صلحا بودہ اند و او نیز
والشہد و محدث بود و نہایت چو دو سخاوت و خلق و لطف داشت در عقولات شاگرد
مولانا جمال الدین دقانی و در حدیث شاگرد شیخ شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی الحافظ
المصری است و ہمش از شیراز بود و لد او ہم در انجا است در زمان سلطان سکندر لودی بدلی
تشریف آرد و سلطان سکندر لادرجق او اعتقاد و عظیم پیدا شد و ی ہاؤن سلطان سکندر و لادگرہ
اقامت فرمود وفات او در سال نصد و پنجاد و چہار ہجری شدہ قبرش در انجا است
کہ خانہ او بود رحمۃ اللہ علیہ

مولانا رفیع الدین دہلوی ابن شاہ ولی اللہ دہلوی از اجلہ علمائے وقت بود
مقدمۃ العلم در سالہ ہجری ۱۰۷۵ و کتاب التکلیل در سالہ دفع الباطل و اسرار المجتہ و ترجمہ
قرآن مجید بزبان اردو تحت اللفظ از تصانیف وے ہستند گاہی شعوم گفتی چنانچہ
غزل مولانا عبد الرحیم دہلوی را کہ در بیان ماہیت نفس بحجاب غزل عربی شیخ رئیس بود
نمیس نموده بسال دوازده صد و چهل و نہ ہجری رحلت فرمود دفع اللہ درجاتہ فی الجنات
مولوی رفیع الدین مراد آبادی ابن فرید الدین علم حدیث بخد مت مولوی
خیر الدین سورتی شاگرد شیخ محمد حیات سندھی و نیز بخد مت شاہ ولی اللہ محدث دہلوی
حاصل نموده و با مولانا شاہ عبدالغفر دہلوی مجتہدہای تحقیق و تدقیق داشت مرید و شیخ
محمد غوث لاہوری بود و بحرین شریفین رفتہ بچ و زیارت شرف شدہ و کتبہ در حالات
حرین شریفین تالیف کرد کتاب قصہ الامال بذکر الحال و المال و سلو الکلیب
بذکر الجیب و ترجمہ عین العلم و شرح اربعین نوے و کثر الحساب و تذکرۃ المشائخ
و کتاب الاذکار و تذکرۃ الملوک و شرح غنیۃ الطالبین و تاریخ افاغنه مشہور ترین از
مصنفات وند پانزدہم ذی الحجہ سال دوازده صد و ہیزہ ہجری در مراد آباد ہر ض
استقادات یافت -

مولوی روح اللہ لاہوری در سال یازده صد و مقتاد و یک ہجری متولد شدہ
با کتساب علوم پرداخت و صرف و نحو منطق و معانی و حدیث و تفسیر و اسانے نظیر خود
نداشت شاگرد رشید مولوے محمد سلیم لاہوری بود حکام حدیثیے ریخت سنگ و غیرہ
ادب وے بغایت سے کروندوران زمان کہ سورش سکھان در لاہور ہدیہ غایت
رسیدہ بود اوست کہ در لاہور آثار شرح جاری داشت فتوائے او نزد علمائے
عصر مقبول سے شد و ہیکہ مظہ رفتہ بسے روز ماہ رمضان خریف قرآن مجید
حفظ کرد صاحب تصانیف بود و بوقت مراجعت در ممورہ بین بسال دوازده صد و چهل
ہجری وفات یافت

شاہ رؤف احمد مصطفیٰ آبادی نقشبندی مجددی مصطفیٰ آبادی براہ حالہ زاد

شاہ ابو سعید دہلوی فقیہ و محدث و مفسر و کسب علوم ظاہر از مولانا شاہ عبدالعزیز کرم
 خرقہ خلافت خاندان نقشبندیہ از شاہ غلام علی یافتہ در بھوپال مقیم شدہ تفسیر رؤیے
 بزبان اردو تالیف نمود کہ آغاز آن در دوازده صد و سی و نہ و اختتام آن در دوازده صد و
 چهل و ہشت ہجری بظہور پیوستہ و نیز دارالمعارف در بیان ملفوظات مرشد
 خود و دیوان رافت در اشعار ہندی و فارسی از تصنیفات دوست و در اشعار رافت
 مخلص سے کرد از بھوپال بعزم زیارت بیت اللہ روانہ شدہ بسوار سے ہماز
 در سال دوازده صد و سہ ہجری انتقال فرمود

حرف زائے معجمہ

مولانا شاہ زاہد بخاری احمد آبادی محدث و فقیہ حنفی المذہب مرید شاہ عالم
 گجراتی درس علوم سے داد تا بیخ ششم شعبان سال مشیت صد و نو و سہ ہجری وفات
 یافت و بہ احمد آباد گجرات مدفون گشت

ملک زین الدین وزیر الدین ایشان دوہر اور گو در علمائے کرام
 معد و نیستند مگر از انجیائے روزگار و صلحائے امت و محب العلم و العلما بودند بسند
 ذکر شان دین مختصر بمقتضائے المزمع من احب یتمنأ و تبرکاکر وہ سے آید۔
 ملک زین الدین از دککائے خان جہان کہ از بی اعام سلطان سکندر لودی است
 توفیق بر خیرات و مبرات رفیق حاش بود و بقاء صلاح و تقویٰ و عہد شکنی اکثر شایع
 و علمائے وقت را با و بختی و رجوع بود و ہمارہ تلاوت قرآن مجید بحالت قیام
 سے کرد و محلے ساختہ کہ تا سینہ سے بلند بود بران قرآن مجید سے نہاد و استادہ
 تلاوت سے کرد و تمام متعلقان او از خدمتگاران و غیرہ از نصف اخیر شب بلا سے تہجد
 بر سے خاستند و تا وقت چاشت در منزل او جہز با شدت دست در زبان بوجہ
 شغل او را د و غیرہ کار سے غنی شد گویند کہ وی با شب چہ ہر روح مطہرہ سول اللہ صلعم
 مقدار چند من برنج قبول سے پختند ہر ہر ہر بنی سہ کرت قل ہو اللہ احد خواندہ می و میرند
 بعد ایام مولد آنحضرت صلعم ہر روز یک ہزار تنگہ زیادہ سے کرو تا روز دوازده

دوازدہ ہزار تنگہ خرچے شد تمکک بالفتح و کاف عربی بمعنی قرص المرج خواہ اندر باشد
خواہ نقرہ یا مس داین مقرر نہ است

ملک زبر الدین بخدمت و ملازمت برادر کہ در گاہ در سلطانی داشت اکتفا کردہ
روزگار بر مجرد گذرانید و قریاتیکہ در حوالی دہلی بودند ملکیت گرفتہ بعلماء و صلحا و صوفیان
خوشی گذرانید چون ہر دو برادران الزاماً ہر چہار شنبہ دعاے شہادت خود
مے کردہ و چنان شد کہ ایشان مے خواستند یعنی زین الدین در سنہ ہنصد و بیست و
شش ہجری مسموم وفات یافت و زبر الدین ہمراہ سلطان ابراہیم ابن سلطان سکندر
بودے در سن ہنصد و سی و دو ہجری شہید شد قبر او جانب غربی حوض شمسی
واقع دہلی است

زین العابدین دہلوی عرف شیخ اویسن دہلوی جد مادی شیخ عبدالحی محدث
و ائمہ کامل متورع و متعبہ و در قایت خشوع و انکسار و تادب و وقار بود بہمان وضع و
آداب کہ در میان مردمے بود درون خانہ نیز بودے و زبانش دائم بکراشدے رفت
و حلیہ و رعایت جمال و نورانیت داشت کہ انوار علم و تقوی از جبین وی للبح بود
اکثر احوال صائم بودے و در تقمہ احتیاط تمام داشتی سلطان ابراہیم بن سلطان سکندر
بودے وے را بجاہت خویش خواند قبول نکرد وے مرید مولانا اسماء الدین دشاگرد
مولانا عبدالمطلبی است رحمۃ اللہ علیہم وفات او در سال ہنصد و سی و چہار ہجری بمطہریہ
قبرش جانب غربی حوض شمسی در دہلی است

شیخ زین الدین خواہے تخلص فائمی صدر مستقل ظہیر الدین محمد بابر شاہ بو نور
و اشمندی موصوف بود او را مسجد بیست در اگرہ و مدرسہ کہ آن طرف آب جون واقع شدہ و
صاحب کمالات صوری و معنوی و در عماد تاریخ و دبیریہ گوئی و شعر و سائرہ نیات
نظم و نثر و انشا بے عدیل زنان خود بودے گویند کہ مجلس اول کہ ہا بر باد شاہ را ملازمت
نمودہ پرسید کہ سن شما چند باشد وے نے البدیہ گفت کہ قبل ازین بہ پنج سال
چل سالہ بودم و حالا چل سالہ ام و بدو سال دیگر چل سال تمام می شود از دست

قطعہ ہذا سے غم گریبان گیر شد سرد گریبان چون کشمیر شوقی دامنگیر آمد بامان چون کشمیر
اسے گریبانم ز شوق تار و دامن چاک چاک بنے کو پا و در دامن و سرد گریبان چون
کشمیر دے تاریخ نوشتہ شمشیر فتح ہندوستان و شرح غرائب آن و داد سخنوری
مولان دادہ و فائش و رح و دینار گدھ بسال ہند و چل رودادہ در مدرسہ خود باگرہ
مدفون گشت

خواجہ زین الدین علی بن تور کشمیری / راینواری از علمائے کشمیر شاگرد شیخ یعقوب
حرفی و ملا غمیس الدین بال و مرید شیخ حمزہ بود در او اسطغر مجربین شریفین رفتہ و شیخ ابن حجر مکی
اجازت حدیث یافتہ بکشمیر واپس آمد بتدریس علوم صارت الاوقات بود بعد وفات
بجملہ راینوارہ کہ مسکن و بیست مدفون گشت

مولوی زین الدین کشمیری / ابن خواجہ عبداللطیف دانشمند کامل ذکی الطبع بود طبع
موزون داشت اشعار فصیح و کفایت در اکل حلال کمال عطا بود بمرتبہ پنجاہ و دو سالگی
بسال یازدہ صد و پنجاہ و پنج ہجری وفات یافتہ بجملہ راینواری منحللات کشمیر قریب خواجہ
زین الدین علی جد خود مدفون شد

حرف سیمین مہملہ

مولوی سخاوت علی عمری جوہنوری ساکن قصبہ منڈیاہون مضاف جوہنور کثیر الدرس
و التذکیر کہ از ذات جامع صفات شان مرطبہ علوم رافیعہ عام بود و لادت
ایشان در سن دوازده صد و بست و شش ہجری وقوع یافتہ از مولوی قدرت علی
سکدوس و مولوی عبدالحی دہلوی و مولوی محمد اسمعیل دہلوی و مولوی احمد اللہ
آٹامی اکتساب علوم نقلیہ و عقلیہ فرمودہ بدرس و افتادہ طلبہ ہمہ تن متوجہ بود و مسجد
جامع جوہنور کہ از تعمیرات سلاطین شرقیہ است بقضہ اہل تشیع مرکز بدعات شیعہ بود و
سرمودہ در انجا مدرسہ ربانیہ قائم کرد و تا حال جاریست و ثمان ہجگانہ و جمعہ
مے شود و صد ہا کسان حافظ قرآن ازوے برآیند برائے چندے و ربانہ بعد از او اب
ذوالفقار بہادر مرحوم مدرس مدرسہ آنجا بود مسودہ اوراق دو کت بہ حضرت ایشان

شرف یاب شد اول در محفل شریکان استادی مولانا محمد شکور غفر اللہ لہ و دوم در فتح پور
بغزو گاہ مفتی محمد اسد اللہ مرحوم فات پاکش مہربان بجال طلبہ یافتہ و سہ حج زیارت
بیعت اللہ الحرام مشرف شد بعد از ہجرت ششم شوال سال دوازدہ صد و ہفتاد و چہار و ہجری
جان بجان آفرین کفایض منودہ بحجتہ العلوی مدفون گشت القوم فی احادیث النبی الکریم
در حدیث و رسالہ اسلم در منطق و رسالہ تقویٰ در رد بدعات و عقائد نامہ اردو و رسالہ
کلمات کفر و رسالہ اسرار فقر و جواب سوالات تسعہ از مولوی شیخ محمد محفل شہری
و رسالہ عرض نیک در مناظرہ شیعہ و رسالہ عرفان در اوقات و رسالہ تعداد لغات
و غیرہ از تصانیف مشہورہ او ہستند جسے علمائے نامدار از ذیر فاسن تر میتش پر خاستند
انا بجلہ مولوی سید خواجہ احمد نصیر آبادی و مولوی کرامت علی جوہری و مولوی حبیب علی
جوہری و مولوی محمد شریف جوہری و ملا غلام محمد جگدیس پوری اعظم گڑھی و مولوی
شیخ محمد محفل شہری و مولوی محمد یعقوب بہاری و مولوی شجاعت حسین و مولوی محمد عمر
غازی پوری و مولوی غلام جیلانی بانیہ پوری غازی پوری و مولوی فیض اللہ مولوی اعظم گڑھی
و مولوی رحیم اللہ ساکن ضلع بستی مشہور اندوہی راجہ تعالیٰ چہار فرزند ارجمند عطا فرمودہ یکے
مولوی محمد دوم مولوی حکیم محمد منید سوم مولوی محمد شبلی چہارم مولوی حافظ ابوالخیر محمد علی
ذکر این چہار بہ محل خود خواہد آمد انشاء اللہ تعالیٰ

مولوی سراج الحق بدایونی ابن مولوی فیض احمد بدایونی اند عالم کامل و فاضل مکمل
ذہن نقاد و طبع و قواد و رند ولادت شان در سال دوازدہ صد و چہل و شش ہجری
بنصہ وجود جلوه ظہور افگند اخبار الحق نام تاریخی او شان است اکثر کتب مروجہ پیش
والد ماجد خود گذرانیدہ و تکمیل تحصیل خدمت خال خود مولوی نور احمد بدایونی نے نمودند
و مشرف بیعت از مولوی شاہ فضل رسول بدایونی یافتہ بافاضہ و اقا و ہمہ تن متوجہ
ہستند درین جزو زمان کہ علم در کتاب و علما در گوراند ذات شریفیش را از عقنات
توان شمر در سالہ سراج الحکیمہ و فلسفہ و تشریح رسائل معیات بہاء الدین علی
و تشریح میزان منطق و حاشیہ بر کتاب معتقد شتقد و رسائل طبیعہ و دیوان عربی

وفارسی از تصانیف شان مطرح الظار علمائے وقت اند سلمہ اللہ والبقاہ ورقمۃ اسے ماہیتنامہ
حکیم سراج الدین شاہ جہان آبادی از شاہیر اطباءے شاہجہان آباد علمائے
زمانہ بود در تصانیف و کتابت شہرتے داشت چہارخ وین و انتخاب بحر الکلام و علم رموز
عقل افراد حکمت ایمانی و سراج منیر و سراج ہدایت و لب لباب غدوی مولانا شیخ
دوستور العمل علمائے متقدمین و محققانے سابقین و مجموعہ گل وریا حین قانونی لعل ج

از تالیف دوست

سراج الدین علی خان اکبر آبادی آرزو تخلص محقق زبان فارسی چہارخ ہدایت و
تذکرہ شعراء موسوم بجمع النفایس و تنبیہ الغافلین متضمن خوردہ گیری شیخ علی خزین گاہ فضل
دوست علاوہ فارسی در ریختہ گوئی ہم کماے داشت بروقت برہادے و سہلے
حسب الاشارہ نواب سالار جنگ بہ کنوڑ رفتہ ہما نجا و سال یاد دہ صد و شصت و نہ
ہجری وفات یافت

مولوی سید سرفراز علی سندیلی ولد میر محفوظ علی ولد میر محمد صالح کہ سلسلہ نسبش
بہ سید ناموسی کاظم رضی اللہ عنہ میرسد و سال دو از دہ صد و سی و شش ہجری ولادت
یافتہ بخدمت علمائے زمانہ خود اکتساب علوم مروجہ متداولہ نمودہ فراغ حاصل کرد و اناجہ اک
تعلیم تاحال اشتغال بہ تعلیم طلبہ دارم و خلیفہ مجاز شاہ غلام رسول کانپوری رحمۃ اللہ علیہ
اند سلمہ اللہ والبقاہ

شیخ سعد اللہ بنی اسرائیلی لاہوری از شاگردان رشید شیخ اسحاق بن کا کو
لاہور نیست خود را بنی اسرائیلی می گفت اطوار مختلف داشت ابتدا کشتی بود بہ یکبار ترک
تقیہ نمودہ مرتکب جمیع نواہی شدہ با مطر بہ تعلق پیدا کردہ بارش سفید در بازار
ے گذشت ۵۰ دین پیش گرچہ خلق گرفتاری را سابق بہ عشق آمد و نمائد نشانے
نما سبق بہ مردم خاکپای اورا از بس حسن عقیدہ بجای تو تیاے کشیدند و عقیدہ ولایت باو
داشتند و در ان حالت در عین نخاس درسے گفت و از اسباب جمعیت ہرچہ
داشت در عشق آن نگار در باخت شبے باو شربے نمود کہ جمع از مختبانی با اتفاق

طلبہ کہ نسبت تلمذ بادداشتند ہجوم نموده بحجت اصلاح حال اوادراہ دیوار بخانہ او درآمده و
الکات ملا ہے و منا ہے شکستہ خواستند کہ اورا تعزیر نمایند همان سخن را بزبان آورد کہ
بہ خلیفہ ثانی امیر المؤمنین عمرؓ گفتہ بودند کہ اگر مالیک نام شروع کردہ ایم شما سہ نام شروع
را از کتاب منہدہ اید پس شما تعزیر سزاوارترید کہ پنجس بے اذن انداہ دیوار سرزدہ
درین خانہ در آمدید آن جماعہ منفعلم فمجل شدہ باز گشتند بعد از ان توفیق تو بہ نصوح یافتہ
و کتاب احیاء العلوم را دستور خود ساختہ پیوستہ عبادت و ریاضت مے گذراند
تصانیف بسیار مفید و عالی نوشتہ آذان جملہ شرعہ بر جواہر القرآن مصنف
امام غزالی است جلال الدین محمد اکبر بادشاہ اورا بجلوت طلبیدہ پرسیدند کہ از کدام قومے
گفت از جماعہ نویسندہا کہ ایشان را بزبان ہندی کالیستہ مے گویند بادشاہ را این بے
تکلفی او بسیار خوش آمد محبتی ممتد ہوئی داشتند او ہرگز سائل را محروم نگذاشتہ با جود آنکہ از
اسباب تجارت و زراعت فارغ بودہ و مدد معاش از جانب بادشاہ ہم نہاشت معلوم
ہیچکس نمی شد کہ آن ہمہ صرف و بذل و ایثار از کجا بود و خلائی درین امر چیران بودند بعد از آنکہ
بسہشتاد سالگی کم و بیش رسیدہ ازین سرائے مجازی در گذشت و اصاع و اکابر
بہ تشییع جنازہ او متجاوزان لوت رفتہ نعش پاک را بہ تبرک برسد و دوش مے گرفتند

کہ جای نہادن قدم نبود التائب من الذنب کمن لا ذنب لہ

شیخ سعد اللہ کندوری فراز لکھنوی ابن شیخ سماء الدین لکھنوی جامع بود بمجمیع علوم
تعلی و رسمی و حقیقی سلطت و شوکت ظاہر و باطن داشت و از اغنیائے شاکرین بذل ایثار
مشہور بود و از بسکہ طعام وافر بر فقرا و محتاجان ایثار مے کرد مے را کند در مے فراز
گفتند مے داد زبان فیض ترجمان محرم شیخ قیام الدین ملقب بشیخ الاسلام گشت
ارادت و خلافت خاندان چشت از والد ماجد خود یافتہ طریقہ سہروردیہ از سید اجل
جوینوری گرفتہ اورا ہشت پسران بودند بدیع الدین - شہید الدین -
شیخ بڑی - شیخ جہانگیر - امین الدین - سعد الدین - فخر الدین - رکن الدین -
صفات و بزرگی وی متجاوز از حد اصحاب است بر خاندان شیخ رحمت اللہ لکھنوی

در تذکرہ الاصفیاء تحریر کرده این مختصر گنجائش آن ندارد با جملہ وفاتش بسبت و سوم ربیع الثانی سن ہشت صد و بست و نہ ہجری واقع شدہ پائین پدر خود بہ کفون گذشت شیخ رحمت اللہ مولف تذکرہ الاصفیاء در کلمہ رحمۃ اللہ علیہ تاریخ فوتش یافتہ کند و در سہ بالفتح و ذال مہملہ مفہوم سفر و دوستار خوان

شیخ سعد اللہ بیالوی در علم نحو نظیر خود نہ داشت سائنہ العجا و ملاذ طلبہ علم و اہل سلوک و صائم الدہر و داز شیر و گیاه و میوہا کے بیابانی افطار کے کردار و صغری سن با سادات شیخ محمد غوث بردوش نہادہ آخر الامر حیرت برد غالب آمدہ سکوت و زید و در حیرت تہائی عزت گزید کہ فرزندان را ہم بخود راہ نئے داد تا در سال ہشت صد و ہشتاد و نہ ہجری ازین جہان در گذشت و بخلاف سہ کے در بیانہ تعمیر کردہ بود و کفون گذشت بر و اللہ متوجعہ بیانہ بر وزن بہانہ قصیدہ ایست قریب بجز است پور

حافظ سید سعد اللہ بلگرامی فاضل بے عدیل عالم عظیم اشیل شاگرد ملا عبد الرحیم قاسمی مراد آباد شاگرد ملا عبد الحکیم سیالکوٹی در سال یک ہزار و یک صد و نوزدہ ہجری وفات یافت مولانا سعد اللہ سلونی ابن عبد الشکور سید شیخ پیر محمد سلونی و صغری باندک زملے از تحصیل علوم فراغ یافتہ بر سند درس و تصنیف جلوہ افروز شد و بزیارت حسین شریفین فائز گشت و در مکہ معظمہ تا دوازده سال قیام فرمود اہل حرمین شریفین بدو عقائدی راسخ داشتند شیخ عبد اللہ بصری مکی صاحب ضیاء الساری شرح صحیح بخاری بطریقہ قادریہ مرید او گردید مخدوم ہاشمی سندھی انار شدہ تلامذہ او ست مولانا سعد اللہ از مکہ معظمہ معاودت کردہ بہ ہند سورت رخت اقامت ادا داشت و مرجع خلایق شد شرح ہایتہ الحکمۃ و رسالہ کشف الحق و شرح مشکوٰۃ مولانا مخدوم و رسالہ تحفۃ الرسول از تالیفاتش یادگار اند بتاریخ بست و ہفتم جمادی الاول سال یک ہزار و یکصد و بیست و نہ ہجری بہ ہند سورت وفات یافتہ ہما بخاندون گذشت علیہ الرحمۃ النظران و فی مراد و فرزند عبد العلی و عبد الولی بودند پیر ثانی در کمالات علمی ثانی پدر بود و عزت تخلص می کرد مولوی محمد صادق ٹھٹھوی شاگرد او ست

مولوی مفتی سعد اللہ مراد آبادی ولادت شریف اور سال ہزار و دود و صد و
 دزدہ ہجری وقوع یافتہ کہ تاریخش از لفظ ظہور حق و میدار بجنت برے آید و اوائل بسن صبی
 از کتب فارسیہ ضروریہ فراغت یافت من بعد شوق طالب علمی در سرافتا و برام پور
 رفتہ شروع در صرف و نحو نمود پس ازان بمقام نجیب آباد شرح جامی و غیرہ از
 مولوی عبد الرحمن قستانے خواندہ استعدادے تام بہر سانیدہ بہلی تشریف آوردہ
 براچونڈ شیر محمد ولایتی و مولوی محمد حیات پنجابی و مفتی محمد صدر الدین خان صدر الصدور
 اکثر کتب درسیہ تحصیل کردہ در سال ہزار و دود و صد و چہل و سہ ہجری بہ کھنؤ وارد شدہ
 از مولوی محمد اشرف کھنؤی و مولوی محمد اسمعیل مراد آبادی و میرزا حسن علی محدث و
 مفتی ظہور اللہ کھنؤی فرنگی علی رجوع آوردہ بعد فراغ علمی و از دواجر خود او لا بعدہ
 مدسی مدرسہ شاہی و ثانیاً بتالیف بعض مجلدات تاج اللغات ترجمہ قاموس ثالثاً
 بعدہ افتاے کچہری کو توانی تا مدت بست و نہ سال مامور ماندہ مدین ایام
 بسفر حج بیت الاحرام توفیق یافتہ از شیخ جمال الی سند جدید علم حدیث گرفتہ بلکہ کھنؤ
 مراجعت فرمودہ بانضمام عمدہ افتا مصروف شد بعد غزل و اجد علی شاہ حسب ^{الطلب}
 نواب یوسف علی خان کہ تمکیندے بود براپہور رسیدہ خدمت قضا و افتا و مراحفہ
 و غیرہ بدو تفویض یافت و تا عمدہ نواب کلب علی خان رئیس راپہور بدستور بعدہ
 مفوضہ مامور بود واقع چہار و ہم بر رمضان روز یکشنبہ سال ہزار و دود و صد و چہار ہجری
 بمقام رام پور دے اجل را البیک گفتہ رحلت فرمود و ہماغما مدفون گشت طالب اللہ
 شہادہ دو فرزند از جنہد مسمیان لطف اللہ و بشارت اللہ عقب خود گذاشت ہر دو
 براپہور قیام پذیر ماند حکیم لطف اللہ در تاریخش چند اشعار عربیہ گفتہ مقلع آن کہ
 شامل مادہ تاریخ است اینست ۛ فانا اللطف خضت تاریخا لسنی موتہ و ما اعتادہ
 قبورہ الجلیل یا بشری یا قیل مشاہد طالب طیب شہادہ ۛ مولوی محمد علی تاریخش چنین گفتہ
 ۛ تاریخ وفات گفت یحییٰ ۛ گنجینہ علم و فضل صد آہ ۛ مسودہ و اوراق در دستگاہ
 بمقام کھنؤ کجاست طلب علم در انجا دار و بود صاحب ترجمہ را دیدہ شک

خرج یافت و با اصاغر کم تو جی سے نمودار تصانیف رائقہ او کتب ذیل یادگار اند مفید
الطلاب فی خاصیات الابواب القول الفضل فی ہمزۃ الوصل رعقود والاجیبہ
فی مجمل اختار و انقاد نوادر الاصول فی شرح الفصول و در علم صرف غایۃ البیان فی
تحقیق السبحان - رسالہ ترکیب بسم اللہ و نحو خلاصۃ النوادر نوادر البیان فی علم القرآن
رسالہ منہ فی وجود الغنہ و در قرأت - القول المانوس فی صفات القاموس -
نور الصباح فی اغلاط الصراح ترجمہ بعض مجلدات قاموس و در علم لغت ترجمہ فقہ اکبر و
وہیت نامہ امام ابو حنیفہ و ترجمہ حقیقۃ الاسلام و ہدایۃ النور فیما يتعلق بالاطفار
والشعور - و زاد السبیل الی دار الخلیل و حواشی ما لا بد منہ و رسالہ طر متخلل و در دینیات -
حاشیہ بر شرح سلم مولوی حمد اللہ سندیل و شرح ضابطۃ التہذیب و شرح خطبہ قطبی -
و در منطق - رسالہ قوس قزح و رسالہ تناسخ و رسالہ تحقیق علم واجب و در حکمت و
رسالہ سبع عرض شیوہ موسومہ مفید البصیرہ و در حساب - حاشیہ بر شرح جمعینہ در ریاضت -
رسالہ تشبیہ و استعارہ و در علم بیان رسالہ عروض باقانیہ و میزان الافکار شرح معیار الاشعار
و تصفیہ لامیہ فارسیہ و غیرہا

شیخ سعد الدین لکھنوی بن شیخ الاسلام شیخ سعد اللہ کندوری فزا لکھنوی جامع ہمدان
علم ظاہر و باطن و ملام بدرس و افادہ علوم دینیہ اشتغال داشت و در مدرسہ وی طلبہ
مستعد رجوع سے کردند طبع شریفش باکل بشعروہ و تخلص اوسعدی است از تالیفات
فکرا و ست ۵ چوداری مولے چون قل ہوا اللہ خطی در کش بگرد ماسوی اللہ و ولہ
چون دوست موافق است سعدی بہ سہل است جفای ہر دو عالم بہ ولہ گریہ بر عیوب
کس لکنی بہ خندہ بر عیوب دیگران چہ زلے بہ بست و نہم جمادی الاول سال شست صد و ہشتاد
و یک ہجری رحلت پدار البقا فرمودہ اعداد مخدوم قطب الاولیاء موافق سال و قاتلش اند
شیخ سعد الدین خیر آبادی پدرش قاضی خیر آباد بود شیخ اولاً از حفظ قرآن حمید فراغ
نمودہ بجلقہ تلذ مولانا اعظم لکھنوی در آمد تکمیل تحصیل علوم کردہ مرید شیخ مینا لکھنوی گشت
بعد وفات پیر خود بخیر آباد وطن مالوف خود رفتہ بدرس و ارشاد صارت الاوقات ماند

تاکہ در سال ہشت صد و ہشتاد و دو ہجری وفات یافت تشریح مصباح و تشریح کافیہ
و تشریح جامی و بزودی و تشریح رسالہ مکیہ مسمیٰ بجمع السلوک کہ بسی از ملفوظات و حالات
شیخ میناردی درج کرده از دست قنبرش در خیر آباد است یزار و تبرک بہ۔
ملا سعد الدین ہلوی کنیتش ابو الفضائل بود تشریح کنز الدقائق و متاراز ممدہ
تصانیف دوست در سن ہفت صد و نو و یک ہجری بخوار رحمت ایزدی پیوست
طاب ثراہ و جمل الجنة مشواہ

مولوی سعد الدین صادق دہلوی ابن مولوی امان اللہ شہید بسال یازدہ
صد و بیست و ہفت ہجری متولد شدہ از والد ماجد خود علوم تحصیل کردہ بر سند انادہ
تمکن گشت و در اکثر مباحثات بر معاصرون غالب مے آمد تاریخ بیست و سوم ذی الحجہ
سال یازدہ صد و پنجاہ و یک ہجری وفات یافتہ و قریب بدفن والد خود مدفون گردید
مولانا سعید محمد قندی اعلم العلاب روزگار بودہ اکتساب علوم از ملا احمد جندو
ملا محمود سرخ و ملا عصام الدین ابراہیم نمودہ در سال ہفت و شصت و شش ہجری بہ
ہندوستان آمد و ملا دمت اکبر بادشاہ ممتاز شدہ کیفیت درویشی و انکسار غالب
داشت خوش طبع و فصیح و بلیغ و شفیق بر تلامذہ بود صحبت او بادشاہ ناخوش مے آمد
در سال ہفت و ہفتاد ہجری بخوار رحمت ایزدی پیوست

مولوی سلام اللہ محدث رام پوری بن شیخ الاسلام بن حافظ فخر الدین ناواوا
انجاد شیخ عبدالحق محدث دہلوی فقیہ و محدث و مفسر و علوم متداولہ از والد ماجد خود شیخ
الاسلام مصنف تشریح فارسی صحیح بخاری و رسالہ طرد الاوہام عن اثر الامام الہمام
و کشف الغطا عما ازم للموتی عن الاحیاء حاصل کرد و سند اہازت حدیث و غیرہ یافت
جدا مجدداً حافظ فخر الدین نیز علامہ مختصر بود از تصانیف حافظ مذکور شرح فارسی
صحیح مسلم و تشریح فارسی عین العلم و تشریح حصن حصین یادگار روزگار اند با جملہ صاحب ترجمہ
بعد اکتساب علوم بخوار اسلاف خود بر سند افادت و افاضت تمکن بودہ در نشر علوم
مے کشید باہام جمادی الثانی وقت شام سال و وارزہ صد و بیست و نہ و بقوے

دوازدہ صد و سہ ہجری رحلت کرد تصانیفہ المشہورہ کمالین حاشیہ جلالین - محلی
شرح موطا کہ آنرا در سن دوازدہ صد و پانزدہ ہجری تصنیف نمود تاریخ آن ہوا فوز الکبیر
ترجمہ فارسی سے صحیح بخاری - ترجمہ فارسی شمائل ترمذی - رسالہ اصول حدیث

بزبان عربی

مولانا محمد سلامت اللہ بدایونی کا بیوسی ابن شیخ برکت اللہ صدیقی رئیس
ہدایون عالم العلوم کا شمس بین النجوم ذات بابر کا نقش مستفی از توصیف و تعریف است
مؤلف اور اوراق نیز چند دی خوشہ چینی خرمن فیض آن بزرگوار نمودہ رسالہ الاسناد کہ
وقت اعطای سند بہ محمدی مولوی شاہ محمد عادل ارشد تلامذہ خود جناب موصوف
بزبان فارسی تصنیف فرمودہ اند بنا بر بیان ترجمہ شریف کافی است ازان رسالہ
ترجمہ عالیہ بر سبیل اختصار حوالہ قلم نمودہ سوچا آید و ہو ہذا

بسم اللہ الرحمن الرحیم

مے گوید سلامت اللہ بدایونی مولد صدیقی نسب تنفی مذہب قادری مشرب کہ فقیر
تحصیل کتب درسیہ متداولہ از خدمت چند فضلاء عصر نمودہ آوگا در حدیث سن
از خدمت مولانا ابوالمعانی بن مولانا عبد الغنی بدایونی کہ سلسلہ درس ایشان بہ ملا
جلال الدین دوانی میرسد استفادہ کردہ در عرض مدت دو سال از میزان صرف تا شرح جامی
بر کافیہ و شرح تہذیب یزدی خواندم بعد ازان از خدمت مولوی ولی اللہ
رحمۃ اللہ لہ از تلامذہ مولانا باب اللہ جوہپوری بودند تحصیل قطبی و دیبذی
در شیعہ یہ مناظرہ بعمل آمد بعد ازین ہمینکہ مولوی صاحب بدایع ضرورت
مراجعت بوطن خود فرمودند حسب ارشاد ہدایت بنیاد حضرت پیر و مرشد برحق سید
شاہ آل احمد مارہروی قدس سرہ الغریزہ بخدمت شریف مولانا محمد عبد الدین عسکری
مولوی مدین صاحب کہ در ان زمان از کلکتہ مراجعت فرمودہ عزت افزای سکنت
بریلی بودند حاضر شدہ تکمیل تحقیق و تدقیق کتب درسیہ متعارفہ از دواہد ثلاثہ و قاضی
مبارک و محمد اللہ شرح سلم و مطول لغت افغانی و صدر او شمس بازغہ و شرح عقائد جلالی

بلا یوسف و عاشیہ ملا کمال الدین و ہدایہ فقہ حنفی و مسلم الثبوت و بیضاوی و غیر اُن
 اتفاق افتاد و جناب مولانا بفرط عنایت در اندک فرصت ہر قدر ہا کما ز ذخیرہ مبلغ معلومات
 بہ تحویل خود بدولت داشتند تفویض بہ بیچ کارہ نمردند و حق اینست کہ جل تحقیقات
 حقیقات کہ معارف آرا و مزال استدلال علماء و فضلا است ازین ارشاد جناب مدوح
 در کیسہ استعداد فراہم شد و اللہ بیضا عفت لمن یشاء و بعد علی مرحلہ تحقیق و تدقیق کتب
 در سبب بطریق فرمان واجب الاذعان جناب پیر و مرشد برحق قدس سترہ زخیرہ اندوز
 سعادت تہا از خدمت سراپا موہبت مولانا شاہ عبدالغفریز دہلوی انار اللہ و ہنرمند
 گردیدہ در صد و تحقیق و تنقیح و سند کتب احادیث و تفاسیر افتادہ فائدہ ازین مائدہ
 عامہ گرفتہ چنانچہ صحاح ستہ و کتب تفاسیر را از حضور مولانا مدوح و مولانا
 رفیع الدین برادر کوچک مدوح کہ بجز تمام در جملہ علوم خاصہ علم حدیث و تفسیر داشتند
 بمعرض سند رسانیدیم تا آنکہ از فیض مجالست و خدمت این ہر دو بزرگ
 فہم معانی احادیث و ادراک حقائق و دقائق تفسیر مذاق طبع حاصل شد آخر کار جناب
 مولانا مدوح نفقہ کوخانہ بحال این خاکسار فرمودہ بہ اجازت صحاح ستہ و مشکوٰۃ
 المصابیح و حصص حصین و کتاب المسلسلات و دیگر کتب احادیث و تفاسیر و رسائل
 مصنفہ خود و نیز کتب مؤلفہ والد ماجد خود سر فرارز فرمودہ رخصت فرمودند مجملًا
 فقیر سند کتب در سبب تمام و کمال از خدمت مولانا مجد الدین شاہ جہان پوری دارد
 و سند کتب احادیث و تفاسیر فراۃ و سماعۃ و درایۃ و اجازۃ از ذرۃ الحمد ثین و
 اسوۃ المفسرین مولانا شاہ عبدالغفریز دہلوی و برادر ایشان مولانا رفیع الدین دارد و
 حضرت ایشان از والد ماجد خود شان مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی دارند و
 حضرت ایشان حال اسانید تنومہ خود را در کتاب الارشاد الی مہمات الاسناد
 بہ تمامہ تفصیل نوشتہ اند انتہی لمخصصًا مولانا صاحب الترجمہ عین حیات خود مسجد
 بمقام کانپور وطن خود در سال یک ہزار و دصد و شصت و ہفت ہجری تعمیر فرمودند
 کہ تا بنح بنائے از فقر ہائے - ان ہذا لا بیت اللہ - و ما ہذا الا مسجد الفردوس - و اللہ

ہوا لفظی الحمید نے بکاید چونکہ نفس قدسی آنحضرت مفید عام و مفیض اناہم بود صد ہا علمنا و
 فضلناے نامی زیر سایہ دامان تلمذ و درس آن خاتم العلماء بر خاستہ اند با این ہمہ کتب مصنفہ
 حضرت معزز الیہ دال بر ذخیرہ علمی شان موجود اند انا بحکمہ کتب ذیل مستند تحفۃ الاحباب
 و معرکہ الارادہ برق حافظ و مناظرہ اہل سنت و شیعہ و تحریر الشہادتین شرح
 الشہادتین در بیان شہادت سید الشہداء رضی اللہ عنہ و خدا کی رحمت خرد و کلام
 در بیان میلاد و رکائات علیہ الصلوٰۃ و التحیات و رسالہ شہاب ثاقب و در
 سقوط کواکب و حقائق احمدیہ و در علم حقائق و بحر التوحید در بیان شطیحات اولیاء اللہ
 و اسرار العاشقین و در حل احوال و اشعار عربیہ و فارسیہ بطریق صوفیہ کلام و رسالہ کشفیہ
 بحواب ایرادات بعض جملہ کہ بوجہ ناواقفیت انا اصطلاحات حافظ شیراز بر چند اشعار
 حافظیہ وارد نمودہ اند و ترجمہ دو تار سالہ شیخ محی الدین بن العربی در بیان لطائف
 موسومہ معائنات صوفیہ و مکاشفات قدسیہ و رسالہ نعمات حالات و رسالہ
 اشباع الکلام فی اثبات المولد و القیام و رفعات کشفی و شرح ثنوی گل کشتی و رسالہ الوان
 در بیان جواز و عدم جواز الوان و رسالہ در تحقیق جواز مصافحہ و معاقلہ عیدین و رسالہ مجموعہ
 استفہام کہ اجوبہ ہر یک خود تحریر فرمودہ اند و رسالہ اسناد در بیان کیفیت تحصیل علوم
 مختلفہ متداولہ و استحصا ل اسناد علوم ازاں سائزہ - مولانا را طبع شعر گوئی ہم بود بنا بر ان
 تخلص خود کشفی مے کردند و دیوان کشفی کہ مجموعہ اشعار ابدال فارسی است شش
 نمونہ از خردارے بہ میزان فہم باید بنجید چند اشعار از دیوان مذکور بطور اتم و فحش نوشتہ
 مے شوند **ہ** آنانکہ بر خیال تو جان را نہ اکنند بہ بیند اگر ندیدہ جمالت چہا
 کنند بہ نحو نظارہ رخ خوب تو دید ہاست چہ آنے کہ خاک پای ترا تو تیا کنند بہ رسم کہ رفتہ
 رفتہ قد طشت من زہام بہ یاران اگر کلافہ عشق تو اکنند بہ غیر از جفا ندید دل من
 زہموشان بہ این ہم حکایتی است کہ خوبان وفا کنند بہ یلہ عشق بہ نشو و نہم مسیح
 بیہودگی نگہ کہ طیبان وفا کنند بہ تنہا نہ من سبکو و گھرا و حسد تم نہ زندان تمام تکیہ
 بدوش صبا کنند بہ آئینہ را بدست نگیرند زینہار بہ خوبان اگر معایت یار ما کنند بہ

شاہد تو حق شناس تھی راہ خود بگیر خواصان حق ہمیشہ میں اقتدا کنند ترو انہم چنانکہ ملائکت آسمان
 نام مرا وظیفہ بجائے دعا کنند بہ حوت حزین بگفتہ حافظ نے رسد بکشفی تو کیستی کہ ترا مر جبا کنند
 بالجلہ ہر کلمے را ز دالی است و کل نفس ذائقۃ الموت مسکن دل ہر صاحب خیالے
 آہا غم آہا کہ آن آفتاب فلک تحقیق و تدقیق واقع سوم رجب یوم شنبہ سال یک ہزار و
 دویست و ہشتاد و یک ہجری ز یزاقی عدم پنهان شدہ در کانپو پیش مسجد خودش بزمین سپردند
 طاب اللہ ثراہ و جعل الجنۃ مثواہ قطعہ تاریخ وفات آن مرجع العلوم برسنگ بالین
 مزارش چنبن کنندہ اند **۵** مظهر کشف و کرامات جناب کشفی بہ ہادی راہ خدا کا شفع را ز
 عرفان بہ شدہ برخاستہ خاطر حوازین گلشن دہر بہ رفت و چشم رون جانب باغ عنوان
 سال تاریخ قلب بند نمودم ارشدہ یوم ہفتہ سوم از ماہ رجب شدہ در جان بہ
حاجی سلطان تہانیسری بزیارت مکہ معظمہ مدینہ طیبہ مشرف شدہ و علوم نقلیہ
 خوب در زیدہ و مدتی مدید در خدمت اکبر بادشاہ بودہ حسب الحکم بادشاہ موصوف
 چہار سال بہ ترجمہ کتاب مہا بھارت موسوم بر زم نامہ بطریق افراد و استقلال
 اشتغال داشتہ بنائے کہ از نقیب خان شروع شدہ بود از وہا تا قلم رسید ہنگام ترجمہ
 نویسی مہا بھارت یکے ازوے پر سید کہ امین چیست کہ سے نویسیہ گفت کہ حرف دہ ہزار
 رسالہ را بزبان حال موافق مے سازم

قاضی سہا الدین الملقب بقلب خان وزیر سلطان حسین شرع کہ اعلم العلماء
 وقت بود در سال ہشت صد و ہشتاد و چہار ہجری بدست سلطان بھلول لودے اسیر
 شدہ بزندان رفت و از مجلس مومنان رہائی یافت

مولانا سہا الدین دہلوی جامع بود میان علوم رسمی و حقیقی و تقوی و ورع از
 دنیا زیادہ بر مایحتاج اختیار نکرودہ و پیش مولانا سنا الدین شاگر دیر سید شریعت
 جرجانی تلمذ کردہ و از ملتان بسبب بعضی دقائل برآمدہ مدتہا در تہیور و بیانہ وغیرہ
 گذرانیدہ بدہلی آمد و لوطن کرد مرید شیخ کبیر است و سن ہم کبیر داشت در آخر عمر
 حاسہ بصرش رفتہ بود حق سبحانہ تعالیٰ بے واسطہ علاج بصارت را بوسے رد کرد

برایات شیخ فخر الدین عراقی حاشی نوشتہ کہ بجل معانی آن کافی دوانی است و رسالہ
مفتاح الاسرار ہم از تصانیف اوست تاریخ ہفتہ ہم حمادی الاول سن ہند و یک ص
وفات یافتہ قبر او در دہلی بالاس حوض شمس است رحمہ اللہ و مولانا تراب علی لکھنوی از
ادلاد انجادشان استند

مولوی سنا الدین احمد بدایونی ابن مولانا محمد شفیع بن مولانا عبد الحمید ابن
مولانا محمد سعید ابن مولانا محمد شریف ابن مولانا محمد شفیع بدایونی ولادت وے در سال
دوازده صد و نوزده ہجری بظہر و بیوسمہ چنانچہ ظہور حق نام تاریخی و بیست اکثرے
از علوم درسیہ بخندست مولانا فضل امام خیر آبادی و علم حدیث و تفسیر بخندست مولانا
شاہ عبدالعزیز دہلوی تحصیل نمودہ فوائد معتقدہ در نحو و حاشیہ قاموس در لغت و دیگر
مسودات عربیہ از تالیفاتش یادگار اند وے رحمۃ اللہ علیہ بیعت بخندست عم خود
مولانا عبد الحمید عین الحق داشت آجہ محرم سال دوازده صد و ہفتاد و ہشت ہجری
رحلت فرمودہ

سید احمد گیسو دراز کالپوی جامع علوم ظاہر و باطن مرید پدر خود سید محمد کالپوی
بود گیسو دراز کرونش بمطابقت سید محمد گیسو دراز بود کہ ورد کن آسودہ اند کتاب
جوامع الکلم عبارت عربی در شرح اسمائے حسنی و مشاہدات بزبان فارسی
در حقائق و معارف از تصنیفات اوست در سال یک ہزار و پنجاہ و ہشت رحلت
فرمای عالم بقا شد قدس اللہ سرہ

سید احمد مجاہد رامی بریلوی گو بظاہر ہجر کہ علمائے ظاہر معدود نبود مگر باطن او بنور علم الہی
معمور بودہ وے از خاندان سادات تکیہ رامی بریلی است کہ در ان خاندان عالی
پیش ازین بسیاری از اولیاء اللہ گذشتہ اند محمد شاہ علیم اللہ کہ وفاتش در سال ہزار
و نود و شش ہجری و شاہ محمد عدل عرف شاہ لال متونی سن یازده صد و نود
و ہجری سید احمد قدس سرہ مرید و ظیفہ مولانا شاہ عبدالعزیز مرحوم بود در سال
دوازده صد و سی و ہفت ہجری بزیارت بیت اللہ مشرف شدہ بسال دوازده

صدوسی ہشت ہجری مراجعت نموده بسکن خود رسیدہ ہنقم جمادی الثانی سال دوازدہ
 صد و چیل دیک ہجری روز دوشنبہ وقت عصر از تکیہ رای بریلی بعزم جہاد فی
 سبیل اللہ ہجرت فرمودہ بتاریخ بست و چہارم ذیقعدہ سال دوازدہ صد و چیل و شش
 ہجری متصل بالا کوٹ واقع ملک پنجاب شربت شہادت چشید۔ شکر اللہ سعیم
 سید محمد دہلوی بن سید مبارک بن سید محمد بن سید محمود کرمانی جامع کتاب سیرالاولیا کہ
 دران احوال مشائخ چشتیہ جمع نمودہ وے بصغرن ہشرف بیعت شیخ نظام الدین اولیا
 قدس سرہ مشرف شدہ و بعد از دہجدست خلفائے او بودہ از شیخ نصیر الدین محمود
 کہ اہل خلفائے شیخ موصوف بود تربیت یافتہ رحمۃ اللہ علیہ

سید محمد گیسو دراز ساکن گلبرگہ ابن یوسف الحسنی الدہلوی خلیفہ راستین شیخ
 نصیر الدین محمود چراغ دہلی جامع بود میان سیادت و علم دولایت و شانے رفیع و ربوبتی
 منبع و کلام عالی داشت در او اہل حال بدہلی تشریف داشت بعد رحلت فرمودہ پیر خود
 ہدیار دکن رفت و قبولی عظیم یافت و ہما بخار حلت فرمودہ اورا گیسو و مازانان گویند کہ
 روزے او با چندے دیگر از مریدان پالکی شیخ نصیر الدین محمود ہشتاد و شتہ بودند وقت
 برداشتن گیسوے او بسبب درازی در پایہ پالکی بند شد و او بسبب رعایت ادب
 استغراق بہر آوردن گیسو مقید نہ شد و ہمہ بران وضع کہ واقع شد ساقبت بعیدہ
 قطع کرد چون شیخ برین معنی اطلاع یافت خوشحال شدہ این بیت انشا فرمود
 ہر کو مرید سید گیسو دراز شدہ و اللہ خلاف نیست کہ او عشق باز شدہ بعض مریدانش
 کہ محمد نام داشت ملفوظاتش موسوم بجوامع الکلم جمع کردہ و از تصنیفات خاص وے
 کتاب اسماء است کہ حقائق و معارف بزبان لفظ و ایماد الفاظ و اشارات بیان فرمودہ
 مفتی سید محمد لاہوری بن مفتی غلام محمد لاہوری صاحب علم و عمل بود کتاب
 خلاصۃ المدارج و فقہ محمدی و مخزن الفرائض از تالیفات اوست بارادہ زیارت
 حرمین شریفین قدم براہ سفر نہادہ کہ ناگاہ متصل شہن کوٹ سفر آخرتش پیش آمد و دان
 دار البقا گردید

سید محمد قنوجی از فرقه سادات رسول و از استادان بزرگ ریب عالمگیر بادشاه
ماهر علوم ریاضیه و ادبیه بود حاشیه مطول از تصانیف اوست

مولوی سید محمد بهرانی پوری ابن شاه فضل الله تائب رسول الله و دانشمند بزرگ و
عارف سترگ بعد وفات پدر و ساده آرای افاده علوم در برهان پور شد از تصانیفش کتاب
تخت المسله مشهور و معروف است

سید محمد علی الدهلوی ابن سید جعفر الملکی تاجر دانشمند خلیفه شیخ نصیر الدین محمود
چرخ دہلی و توحید و تفرید مقام عالی داشت کتاب بحر المعانی و دست القی المعانی و
حقائق المعانی و رساله اسرار روح و رساله بیج نکات و بحر الانساب در بیان
نسب اہل بیت از تصانیف اوست بعد سلطان بہلول بود در سن ہشت
صد و نو و یک ہجری رحلت فرمود

میر سید محمد امروہی عالم با عمل صاحب صلاح و تقوی و ورع بود از سید جلال
الہیہ سید رفیع الدین در بدایون تحصیل علوم کرده بعد از تحصیل کمالات بدین و افتادہ
مشغول شد در او اخرو در سلک ملازمان در گاہ با و شاہی بمرتبہ اختصا ص رسیدہ
بمنصب میر عدلی عزت یاز یافت و درین منصب جلیل القدر طریق عدالت و انصاف و
صدق و امانت سلوک داشتہ تا زمانیکہ او بدر بار اکبر بود بیج ہند عی و ملحدی را
قدرت رخنے انداختن و دین اسلام نبود بعد از و نام میر عدلی بر سائر مردم مجازی
و عاریتی گشت در سن صد و شتاد و چہار ہجری بکومت بہکمر فائز شدہ ہما بخا در سن
صد و شتاد و شش ہجری بجا رحمت حق پیوست

سید محمد بلگرامی ابن سید عبد الجلیل الحسینی الواسطی بلگرامی در علم ادب کمالی داشت
تاگرد سید طفیل محمد اترو لوی بود و استفادہ فنون عربیہ و فروع ادبیہ از والد خود کردہ
کتاب الجزء الاشراف من المستطرف منتخب کتاب مستطرف از مؤلفات اوست کہ
در سال یک ہزار و یک صد و پنجاہ و بیج ہجری انتخاب کردہ ہشتم شعبان شب ششم
سال یک ہزار و یک صد و شتاد و بیج ہجری وفات یافتہ در بلگرام مدفون شد طالب فہم و بچہ

شیخ سیف الدین سرہندی ابن شیخ محمد مصدوم ابن شیخ احمد مجدد قدس سرہم جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود کتاب علوم از الدماجد خود کرده و ہم در طریقت مرید وے و بہ لقب محی السنہ مشہور بود و ہارباب دنیا تعلق نہ داشت بچو شنیدن نام اللہ تعالیٰ حالتی بر وی طاری مے شد و سال ہزار و نو و ہشت ہجری وفات یافتہ قدس سرہ

حرف الشین المبعجہ

شاہ احمد شرعی ساکن چندیری دانشمندی تبحر و در دینی کامل کیرا سن جامع جمیع علوم عقلیہ و نقلیہ و رسمہ و حقیقہ بود و دیا چندیری ملک مالوہ توطن داشت وی در جواب ابیات صاحب کشف کہ در طعن اہل سنت و جماعت دارد اشعار بہمان وزن و قافیہ گفتہ است اشعار صاحب کشف و جماعتہ ستموا ہوا ہم ستمہ جماعتہ جز عمری موکفہ بہ قد شہوہ بخلقہ نخواستہ شفع الوری فکشد ابا لیلکفہ بہ جواب شاہ احمد شرعی عجا بقوم ظالمین تا بقبوا بالعدل ما ینم لہم معرفہ بہ قد جلا ہم من حیث لا یدرونہ بہ تعطیل ذات اللہ مع نفی الصفہ بہ وفات او در سن ہشت و بیست و ہشت ہجری بوقوع پیوستہ شیخ عبد الغنی سنیتی کہ دانشمند تشرع و متعبد بود شاگرد او ست۔
شیخ شاہ محمد فاروقی انا کا بر علمای جو پوری پورع و تقوی موصوف و ہموارہ با فادہ و درس علوم معروف بود ملا محمود جو پوری بنبرہ او ست شیخ موصوف در سال ہزار و سی و دو ہجری وفات یافتہ روح اللہ روحہ

شرف الدین احمد منیری ابن محیی المنیری دی از مشاہیر مشائخ ہندوستان است چہ احتیاج کہ کسی ذکر مناقب وی کند اور تصانیف عالیہ است از جملہ تصانیف او مکتوبات مشہور و لطیف ترین تصانیف او ست بسیارے از آداب طریقت و اسرار حقیقت سان اندراج یافتہ و بر آداب المریدین نیز تشرعے دارد و وے مرید خواجہ نجیب الدین فردوسی است قبر شیخ شرف الدین در بہار ست یزار و تیرک وی رحمۃ اللہ علیہ در سال ہشتاد و ہشتاد و دو ہجری وفات یافتہ

مفتی شرف الدین رام پوری ماہر علوم فلسفہ و منطق مشہور است داداد

ملا احمد ولایتی بود در سال دوازده صد و پنجاه و شش هجری ہنگامیکہ از کلکتہ برام پور میرفت
در شانے راہ بہ فتح پور ہنسودہ بنا بر فاتحہ خوانی قبر مولوی محمد سعید دادا خودش کہ بدرگاہ سید شاہ
راجی قدس سرہ مدفون اند بسکن برادر کلانم حکیم احسان علی خان فرود آورده دسان وقت
را قم پیچیدان صغیر السن بود لکن ہنوز حلیہ اولیٰ صغیرہ خیالم مرتم است کہ دے میانہ قد سیاہ
رنگ سفید ریش نحیف الجثہ ضعیف القوی بود از تصانیف او سراج المیزان منطق
و شرح سلم تالایچہ دلائل تصور و بعض فتاویٰ فقیہہ مشہور اند

حکیم شریف خان دہلوی طبیب مشہور و معروف است عمالہ نافعہ و تالیف شریقی
و علاج الامراض و دستور الفصد و حاشیہ نفیسی و حاشیہ شرح اسباب غیرہ از تصانیف او است
و فائش در سال دوازده صد و سی و یک ہجری واقع شدہ شاعری تاریخ فوتش این چنین یافتہ
۵ در یغازین دار فانی گذشت چہ حکیم و طبیب و لطیف و ظریف بہ حسن و کفایت
سال و فائش بمن بہ صد افسوس مرزا محمد شریف

مولانا شعیب دہلوی پدرش ملا منہاج در مدرسہ از لاہور قصد تحصیل علم در دہلی آمد
در تحصیل علوم ریاضات شافعیہ کشید بعدہ در عمدہ دولت سلطان بہلول لودی مفتی شہر شد
و ہمین جاسکوت و ردید مولانا شعیب عالم و عامل در صورت و سیرت ملک تمثال بود
در وعظ و تذکیر بے نظیر زمان خود و قتیکہ وعظ گفتی و ستر آن خواندی بہیچ کس را مجال
عبور از ان راہ نبودے اگرچہ خود بارگراں بر سر داشتی ایستادہ شدے و استماع نمودی
و او را در وعظ بحسب اختلاف مقامات و عمدہ و وعید حالات عارض شدے
جمع اکابر و علمائے شہر دہلی در پایہ وعظ او حاضر شدند و اکثر از موالی و آہالے شہر
در ابتدا شاگردا و بودند بسال ہند و سی و شش ہجری وفات یافتہ قبرش در دہلی
برہالائے حوضی شمسی است نور اللہ مرقدہ

قاضی شمس الدین شیبانی دانشمند متبحر بود از دہلی در زمان تغلق شاہ بنار نول فیت
ہد بہایت حال کہ ہنوز سنت نکاح در دست او نیامدہ بود بقصد زیارت خانہ کعبہ برآمد
و چون بکجرات رسید در مسجدے درآمد و اعظمی مقبرے مذہب بر منبر آمد و تقریر مذہب

الغرض کہ دسواہ خلق افعال عبادت کرد و گفت این دست نست اگر کشایم من بکشایم و اگر
بر بندم من بر بندم هیچ کس را از حاضران قوت مجاہدہ او نبود قاضی شمس الدین گفت اگر قدرت
بدست نست چہا دست بر پشت بر نہ بندے حاکم گجرات رالین دخل وے خوش آمد
جاریہ کہ از دارا حرب آورده بودند پیش کش او کرد و از وے اولاد شد حق سبحانہ و اولاد
او برکت داد و علم بخشید رحمۃ اللہ علیہم اجمعین یکے از اولاد او بنام تاج الافاضل بود از
وے پنج پسر شدند ہمہ دانشمند و متقی یکے از پسران او قاضی مجد بود پدر شیخ احمد مجد کہ
ذکر او در حرف الف گذشت داود اہفت پسر ہمہ عالم و عامل بودند

مولانا شمس الدین بکلی اودھی وی از تلامذہ مولانا فرید الدین شافعی است کہ شیخ
الاسلام اودہ بود از اودہ بنا بر تحصیل علم پہلی قدم آورده و بخدمت مولانا ظہیر الدین بکری
تلمذ نموده از شاہیر علمائے شہر دہلی گشت بیشتر مردم شہر در تلمذ وے انتساب مے کردند
بآن نسبت مفسر و متبحر بودند گویند اور اثر شریعت است بر مشارق الانوار و دان نقل کرده کہ ناٹکاؤ
نبی قطوے روزے با مولانا صد الدین ناوے بخدمت شیخ نظام الدین اولیسا
قدس سرہ آمد شیخ پرسید در شہر مے باشند چیزے تعلیم کنید گفت آری بخدمت مولانا
ظہیر الدین بکری اصول ہندوی می خوانیم شیخ ایشان را از بعضی مواضع کہ با فکال مشہور بود
پرسید گفت کہ سبق مانا ہمین جا رسیدہ است این حرف بر مانیز شکل مانده است شیخ آنرا
حل کرد ایشان را اعتقاد در حق شیخ راسخ شد بعد از مدتے مولانا شمس الدین بکلی مرید شد
و بر تہ کمال رسید و از اعظم خلفائے شیخ گشت و میان یاران اعلیٰ شیخ معظم و مکرم و صاحب
صدر شد و از تکلفات و مراعات رسم و عادات مبرا و از تعلق و ترویج مبرا بود و کمتر کسی را در
گرتی شیخ نصیر الدین محمود کہ از تلامذہ او است در مدح وے گفتہ شعر سائت العلم من
احیاء حقان فقال العلم شمس الدین بکلی پندہا نیکہ سلطان محمد تغلق شاہ دہلی تیغ قہر و سیاست
بر خلایق خصوصاً باطنی مشائخ آختر بود مولانا شمس الدین بکلی را طلبیدہ گفت مثل تو دانشمندی
و نجای چکند بکشمیر برو و در تہانماے آن دیار بنشین و خلق خدا را با سلام دعوت کن مولانا از پیش
سلطان برائے تہیہ اسباب سفر آمد و گفت کہ من شیخ را بجا اب دیدہ ام کہ مرا می طلبد مردم

چمی گویند سن بخدست و حاج خود میروم ایشان مرا کجای فریست فرداے آن روز بر سینا او دینی
بر آمد و بیمار افتاد این خبر سلطان رسید حکم کرد که او را بدرگاه ما بیاورند مباد که همانه میکرده باشد
و ما این اثناء بسال هفتصد و چهل و هفت هجری ازین عالم رحلت فرمود و قبر او در یاران
چوتره در مدلی است رحمة الله علیه

مولوی حافظ محمد شوکت علی صدیقی سندیلی ابن چودھری سند علی بن چودھری
منصب علی تاریخ نوزدهم محرم الحرام یوم انیس سال دوازده صد و سی و چهار هجری ولادت
یافتند جدشان چودھری منصب علی بخشی بنیرہ اولین خود ہزار ہاروپہ صرف فرمودہ گاہ
عم شریفش قریب بہ سال رسید و سنبلی زیر کمر برآمد کہ از صدمہ آن اعصاب پانچ
شدہ ہر دو پالا غرد کوتاہ گشتند دماغ رفتار شدنباد وجود نماوے اطباء عمر از ان
آفت غلبے دست نداد بچہ چار سال و چار ماہ و چار روز کہ معمول شرفای مسلمانان
ہندوستان است رسم تسمیہ خوانی بطور پیوست حفظ قرآن مجید از سید فتح اللہ سندیلی
و حافظ محمد ابراہیم خیر آبادی نمودہ بچہ چار سال فراغت یافتہ در خدمت مولوے سید
فقیہ اللہ سندیلی و ملا اسرار قل بخاری قدری مستفید شدند بعدہ والد ماجدشان یعنی چودھری
سند علی مولوی تراب علی ابن شیخ شجاعت علی لکھنوی را کہ دانشمند متبحر بودند بمشاہرہ بنچاہ روپیہ
نقد باضادہ خوراک و پوشاک و صرفہ چند طلبہ بنا بر تعلیم صاحب ترجمہ ملازم کردند کہ در دست
قلیل از کتب در سید بخدست مولوے مغزے الیہ فراغ حاصل کردند لیکن والد ماجد
شان چودھری سند علی قبل از فراغ داعی اجل را اجابت لبیک گفتہ رہگرای عالم بقا شدند
اعمام شان چودھری شمس علی دیو دھری عظمت علی کہ موجود بودند تقریب فراغ بکشادہ
پیشانی تمام بصرف پانزدہ ہزار روپیہ باخجام رسانیدند چنانچہ ہم اللہ ذخیرہ دین تقریب بسیاری
از علما و صلحا و طلبہ و حفاظ و اطبا و حجاج و مشائخ مدعو بودند صاحب ترجمہ بعد نماز جمعہ
و عطا کردیم و علم آدم الاسماء الایۃ گفتند بوردہ سورہ فاتحہ و حدیث انما الاعمال بالنیات
خوانند و علماء موجودین از دست خاص دستار فضیلت بفرق مبارکش بستند و
مولوے تراب علی را یک ہزار روپیہ نقد و دو سالہ و دو مال و غیرہ اعمام صاحب ترجمہ

مذکورہ علیٰ ہذا اقیاس دیگر علماء صاحب حال بدل نمودند مشار الیہ بدرس و تربیت طلبہ معلوم مصروف اند و از مولوی سید حسین علی مدظلہ آبادی و شاہ غلام صفی پوری و سید شاہ نواز شمس احمد صفی پوری و شاہ محمد علی صفی پوری بیعت و خلافت سلاسل قادریہ و شتیہ و مہروریہ حاصل نموده و صد ہا مردم مریدانش ہستند مؤلف بہیچدان را در تالیف این تذکرہ از حضرتش امداد کے کامل رسید کہ ادا کے شکرش بہ سزا زبان ہم نمی تواند کرد سلمہ اللہ و ابقاہ و اوصلہ الے مایمنہ **تصانیف الشہیرہ حاشیہ** شرح جامع الاستقصاء فی الاستفتاء و علم الیقین فی مسائل الاربعین ثمرة الانظار فیما مضی من الآثار غایۃ الادراک فی مسائل السواک الآثار الہدیۃ فی تحقیق الصلوۃ الوسطی کشف المستور عن وجہ السحر کتب زیر تالیف ختمہا اللہ بالخیر رسالہ در باب طہارت مصلے - رسالہ التشریح الصدور بلیۃ القدر - رسالہ عجوب بطلان خلافت خلفای ثلثہ - آفاقۃ المنافع بمسائل اختلاف المطالع در تحقیق رویت ہلال - عقد اللؤلؤ المسحور فی کلمۃ کشف المستور - افہام

السائل بجواب مایہ سائل - انشاء و خروا فزا - تاسیخ سندیلہ

قاضی شہاب الدین دولت آبادی ابن شمس الدین بن عمر الزاوی در دولت آباد متولد شدہ از قاضی عبدالمقتدر دہلوی و مولانا خواجہ علی تلمیذ مولانا معین الدین عمرانی اکتساب علوم کردہ ہر گاہ شکر امیر تیمور متوجہ دہلی شد قبل رسیدنش بدہلی قاضی شہاب الدین ہمراہ او ستاد خود مولانا خواجہ علی ہار دہلی بکلیپے شتافت مولانا خواجہ علی بکلیپی خست اقامت انداخت و قاضی بجنپور رفت سلطان ابراہیم شرقی قدم قاضی مقیم شہرہ باعزاز و تعلیم تمام پیش آمدش و اورا بملک العلماء لقب کرد قاضی و سادہ افادہ و درس بچون پور مزین فرمود و تصنیف کتب مصروف گردید انا نجلہ بحر مواج تفسیر قرآن مجید بزبان فارسی و حاشیہ کافیہ و کتاب ارشاد در نحو کہ در ان تمثیل ہر مسئلہ در ضمن عبارات ادا کردہ فقیر کتاب مذکور بہ کتب خانہ مولانا مفتی علی کبیر بھلی شہری دیدہ بود و بہائخ البیان در فن بلاغت و تشریح بزووی در اصول فقہ و تشریح قصیدہ بانہ سعاد و رسالہ در تقسیم علوم بعبارت فارسی و مناقب سادات و فتاوی ابراہیم شاہی و غیرہ

از تصانیف وی مشہور اند تاریخ بست و پنجم رجب سال ہشت صد و چهل و نہ ہجری رحلت فرمود۔
 بجنوبور جانب جنوب مسجد سلطان ابراہیم کہ بنام مسجد اٹالہ شہرت دارو مد فون شد مکتف
 اوراق در سال شصت و یکم صدی سیزدہم ہجری و قشیکہ از بچلی شہر بخانی پور سے رفت
 مرقدش را زیارت کردہ نور اللہ مرقدہ صاحب تاریخ فرشتہ نوشتہ کہ اصل او از غزنین است
 در دولت آباد کن نشو و نمایانست سلطان ابراہیم شہر تی در تعظیم و توقیر او بسیاری کوشید
 و بروز ہاے متبرک در مجلس سلطان ابراہیم بر کرسی نقرہ سے نشست گویند
 وقتے قاضی رام رنے طارے شد سلطان بیادات اور رفتہ بعد از تفتیش احوال
 و اظہار لوازم مہربانی قدح پرانا آب کردہ گرد سر مولانا گردانیدہ بنوشید و گفت بار خدایا
 ہر بلاے کہ در راہ او باشد نصیب من گردان فاو را شفا بخش ازینجا عقیدہ آن صاحب
 تخت و تاج نسبت علمائے شریعت محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم معلوم میتوان کرد
 کہ تاجہ غایت بود۔

شہاب الدین معالی در فن معاکوئی مہارت کاملہ داشت ہمراہ بابر شاہ ہند آمدہ
 در سلک ندماے مقرب او انتظام داشت رسالہ در نمین و توضیح علم معما از تصنیفات
 اوست بسال نہ صد و چهل و دو ہجری بعد ہمایون شاہ فوت شدہ شہاب الثاقب
 تاریخ فوت اوست

ملا شکر کشمیری از احفاد بابا عثمان گنائی و علمائے نامدار کشمیر محدث و فقیہ
 جامع علوم عقلی و نقلی بود ملا فیروز مفتی برادر زادہ اوست پیش علمائے شہر خود کتب درسیہ
 گذرانیدہ بحرین شریفین رفتہ و از ابن حجر مکی اجازت حدیث یافت باز بہ کشمیر آمدہ با فادہ
 طلبہ علوم سے پرداخت کہ اجلس در رسید بجلہ قلاش پورہ مد فون گشت۔

حکیم شیر علی احمد آبادی بن حکیم محی الدین صدیقی والد ماجد ابن مسود اوراق اولاً
 کتب درسیہ طلبیہ بحضرت والد خود تحصیل فرمودہ بعد از ان بمقام لکھنؤ پیش حکیم امام بخش
 مرحوم تلمیذ حکیم محمد اسحاق خان دہلوی مغفور مطب نمودہ فن طبابت را بجدانت رسانید
 و بہر کار نواب اکھف الدولہ بہادر بہمد ہاے معزز شغل تحصیلدار سے و فوجدار می

ملازمت کردہ ہر شیخ و خات خانہ نشین شدہ بہ معالجہ مرضیے پرداخت و ادا کسی خواہان مزد
نے شد و اوقات شہار روزی بتلاوت قرآن مجید و درود لائل الخیرات و معلوہ پنجگانہ صرف
مے نمود و غفران شد کہ بعد فراغ نماز چاشت و اشراق بر سر میکہ نشین گاہ او بود و شستہ
ہر پریش حال مرضی کہ موجود بودند مے پرداخت و ہر یک مے علاج مناسب تجویز میفرمود
حتی الامکان نسخہ تلیل لاجز و کثیر المنفعت تجویز مے کرد و بجانہ کسے نے رفت و اناہل برادری
و مردم مفلوک احوال چیزے نے گرفت انجہ از اغنیای بیرونی بدو مے رسید ہمہ بدادات
عسر با صرف مے نمود و بطریق معالجہ عجیبہ بود کہ تعلق بدید و شنید ندارد و روزی طفلی را
پیش وے آوردند کہ بدر گوش بیہوش بود و مے گفت کہ چیزے دو گوش مے کا و والد
مرحوم فرمود کہ نے حقہ بیارید چہاں نے آوردند و انکار کرد کہ در قلندانش بود بچہ قلم تراشیدہ
در گوش مادت طفل نہاد و بطرف دیگر فیلہ سوزان نہاد بے بر نیامد کہ طفل متبسم گردید
ہر گاہ نے را زمین زدند بچہ ہزار پاکہ آزد کنکبوریہ گویند بہ آمد مردمان ششدر شدند و کسے
خمیازہ کردہ ہر دو دست بالائے سر برد و چہاں دستہاش کشیدہ مانند بہ بیچ تدبیر فرد
نے آمدند والد مرحوم فرمود کہے کہ این زن رشتہ مضحکہ داشتہ باشد دفعہ دست خود
زیر ناف زن برد و چہاں کہوند زن مادت ہر دو دست دفعہ فرد آورد و با دائلہ شعبان المعظم
سال دوازده صد و پنجاہ و شش ہجری حضرت قبلہ گاہے بعارضہ تپ و اسہال کبدی
بتلا شدند حکیم مردان علی و حکیم احسان علی مؤلف طب احسانی اخلاص حضرت
شان کہ از مؤلف ایچہاں کلان تر و دوران وقت موجود بودند ہر یک طبیب حافظ بود
بمداوے کو شید نہ لکن مع قضاے نبشتہ نہاید سترونہ تدبیرے کار گر شد بتاریخ
چہار دہم رمضان المبارک سال مذکور وقت نماز عشا کلمہ طیبہ گویان ہر ہفتاد و پنج سالگی جا
بحق تسلیم فرمودہ بمقابلہ آباے واقع احمد آباد مہ فون شد نہ ہفت پسرینے حکیم
مردان علی و حکیم علی رضا و حکیم احسان علی و مولوی حکیم ہمان علی و حافظ قربان علی و حکیم فرمان علی
و بندہ رحمان علی مؤلف و پنج دختر اعقاب خود گذشتند و جملہ اولاد پسری و دختری
از ذکور دانات خرد و کلان شخصت کس وقت دقات آن جناب زندہ و موجود

بودند یک روز قبل از وفات همه را پیش خود طلبیدہ یگان یگان راپیش فرمودہ رخصت
 نمودند مؤلف اوراق دران وقت از سال یازدہم ماہی چند تجا و ذکر کردہ بود شعرا
 وقت تاریخ وفات آن مہرور کہ لوک ریز خامہ منہ مودند ثبت ذیل اندازان جملہ
 از شیخ نیا محی الدین سلونی شیر علی بغن طبابت بہ ملک ہند بن بودہست بی مبالغہ
 باو علی سیم در حلت بخلہ کردند از شفای دہرہ و در خانہ باغ خلد برضوان بودندیم بہ تاریخ
 آن بدیہہ در طبع صحیح ریخت بہ افسوس یے علاج طبابت شدہ سقیم از مہرور
 کفایت علی کافی مراد آبادی جو شیر علی نے کیا انتقال بہ تو کا نے مناسب ہی بہر
 ثواب ہی سال تاریخ لکھد بھیجے بہ لوج محمد خادم پور تراب از صنعت مراد آبادی
 حکیم شیر علی ثانی قلاطون تھے بہ یہ چاہا آپنے اب سیرت مجھے جنت کی نہیں ہے سال وفات
 ان کا صنعت از سر آہ بہ ہزار حیف سچ زمان نے رحلت کی بہ از شاعری لکھنوی
 جو رفت از جہان شیخ عالی نسب بہ کہ راز خفی بود بروے جلی بہ خرد از سر جہد تاریخ گفت بہ
 بود با علی حشر شیر علی بہ

حرف الصاد والمہملہ

لما صادق حلوائی سمرقندی علامہ زمان رتبہ ادا زین عالی ترست کہ در شمار شعرا
 در آورده شد ملاے خوش فہم و خوش بیان بہ مادہ بود بعد از تردد بسیار بہت و ستان آمدہ
 و کشان کشان توفیق رفیق اوشدہ بزیارت بیت اللہ و اما کن شریفہ آن دیار برود در سن
 منصد و ہفتاد و ہشت ہجری مراجعت نمودہ قصد وطن مالوت کرد و راشٹای راہ مرزا محمد حکیم
 وے را ہکا مل تکلیف توقف فرمودہ سبق شروع کرد وے در شعر گوئی سلیقہ خوب و
 فطرتی عالی داشت صاحب دیوانست از نتیجہ طبع اوست ۵۰۰ گم شد و نے
 دہم کس نشان از و بہ در خندہ است لعل نو دارم گمان از و بہ ولہ ضمیر دوست چو آئین
 ورمقابل ماست بہ در و معاینہ پیدا است انچہ در دل ماست بہ ولہ در عشقت کز تو
 پیمان در دل و جان داشتم بہ شد عیان از چہرہ ام ہر چند نہان داشتم بہ
 سید صبغۃ اللہ بروچی نامش سید محمد الدین بن سید روح اللہ حسینی شاگرد

شیخ وجیب الدین گجراتی و خلیفہ او بود زمانے حسب اشارہ پیر خود بدرس دارشاد مشغول ماند
 آگر وہی عظیم از خلائق بحلقہ تلمذ و ارادت او در آمدن بعد بحرین شریفین رفتہ شرف زیارت
 حاصل کردہ بوطن خود باز آمد و در سال ہنصد و نود و نہ ہجری بمالوہ قدم آوردہ و انا نجا
 با حمد نگر آمدہ تا سائے پایامے برہان الملک مر زبان مالوہ مقیم بودہ بارادہ حسین
 شریفین بدگرے بجا پرگشت سلطان ابراہیم بجا پوری بخدمات لائقہ پیش آمدہ
 سامان سفر میا کرد و ہر جہاز خاص سوار کردہ سمت حرمین روانہ نمود سید موصوف
 مع توابع و خدام بحرین رسیدہ بعد شرف یابی زیارت در جبل احد قریب مدینہ منورہ
 رخت اتامت انداخت و جواہر خمسہ محمد غوث گوالیارے را مرعہ نمود کتاب الوحیدۃ
 و رسالہ ارادۃ الدقائق فی شرح مراۃ الحقائق و مالالسیع للمہذبہ مصنفات دوست احمد
 شناسی و حسن قرائی وجیب الدین و عبد العظیم از تلامذہ دے اند در سال ہزار و پانزدہ ہجری
 بہ مدینہ طیبہ علی صاحبہما الصلوٰۃ و التحیۃ رحلت فرمود رضی اللہ عنہ بروح بقعہ بای
 موحیدہ و سکون رائے مہملہ فتح داود جیم بروزن جعفر شہر یست بصوبہ گجرات
 صدر جہان پھانومی ساکن پھانی کہ دیہی است از توابع قنوج سیدی فاضل خوش
 طبع بود و کسب کمالات در خدمت شیخ عبد البنی صدر الصدور گنگوہی کردہ بسی شیخ
 موصوف چندین سال مفتی ممالک محروسہ بود و از بعد ہمراہ حکیم ہمام بالیچگیری نزد حاکم
 توران زمین رفتہ و باز آمدہ بصدارت سرفراز شد

قاضی صدر الدین جالندھری ثم اللہاوری در عہد اکبر بادشاہ قاضی
 بندر مدوچ ملک گجرات دانشمند شہر از تلامذہ مخدوم الملک عبد اللہ سلطان پوری دوست
 بود در تحقیقات از وفائق بودہ اعتقاد باہل تصوف و طبع خوش داشت باین ہمہ بسادہ
 روسے خود آن چنان مغلوب حسن ظن بود کہ اگر کسے را بشیوہ تجرید یافتی گو آنکس بتو ع بودی
 بلا زتش رفتی و دست بستہ ایستادی روزے یکے از بندگان عیار باو گفت کہ خضر
 علیہ السلام دایم ہمراہ من مے باشد قلضے در پایش اقتادہ گفت کہ مرا بنام و عیار گفت
 الحال مرا فکر کہ خدائی دختر و سنگی بہت و آن موقوف بہ ہفت صد تنگہ است

بعد از فراغ خاطر ازین کار ترا بخضر ملاقی سازم قاضی نے الحال ہفت صد تنگہ باو داد و بعد از دو روز آنکس پیش قاضی آمدہ گفت بیا کہ خطر را بتوانیم قاضی را بدر یا برد عیار طویل القامتہ و قاضی کوتاہ قد بود و در آبی کہ تا بجلق بود رفتہ است و گفت کہ بیا این جا خطر است قاضی گفت من شناسوری نمی دانم چگونه بیایم مرد گفت ترا بجای خطر دلاست کروم اگر تو متوانی آمد گناہ من صدر الدین حکیم دہلوی عمرہ ترین اطباء وقت دی را در صنعت طب مہارت تامہ بود از اجلہ خلفائے شیخ نصیر الدین محمود است و طفولیت منظور نظر شیخ نظام الدین اولیا نیز شدہ قصہ پیدائش وی بدعاے سلطان المشایخ در بودن پر یان وی را بنا بر عالجہ بیمار در اخبار الاخبار مذکور است از تصانیف وے صحائف است بس فصیح و متین مشتمل بر معارف و حقائق رحمۃ اللہ علیہ

مفتی صدر الدین دہلوی اصلش از کشمیر است وی در وہلی متولد شدہ اکتساب علوم نقلیہ بخدمت مولانا شاہ عبدالعزیز و مولانا عبدالقادر و مولانا محمد اسحاق منوہ و علوم عقلیہ از مولوے فضل امام خیر آبادی اخذ کردہ فائق الاقران شد از سرکار انگلیشیہ بعدہ صدر الصدور وے و افتاء دہلی ہر بلندی داشت بامروت و احسان بود اکثر طلبہ مدرسہ دارالبقا کہ زیر جامع مسجد ملی بود طعام دلہاس وے داد و سال دوازده صد و ہفتاد و سہ ہجری کہ زمان قدر بود با تمام فتوای جماد منصب و جائداد منقولہ و غیر منقولہ از دست رفت و تا چند ماہ نظر بند بود بعد تحقیقات رہا شدہ جائداد غیر منقولہ باز یافت جائداد منقولہ کہ در معرض البیع من یزید در آمدہ واپس نشد زان بعد ہمہ درس وے پرداخت طبع مہزون داشت اشعار عربی و فارسی و اردو می گفت و آذر دہ تخلص دی بود و بسیار وے مردم از بلاد و اصناف بعدہ آمدہ از دستفیدی شد بوجہ کثرت درس و افتاب تصانیف کم تو جہی داشت رسالہ مفتی المقال فی شرح حدیث لا تشدد الرجال و در المنصود فی حکم امرأۃ المفقود و اجوبہ کثیرہ استفتاہا و دیادگار انداد و سال برض فالج مبتلا بودہ بعمر ہشتاد و یک سالگی بروز پنجشنبہ بست و چہارم ربیع الاول سال دوازده صد و ہشتاد و پنج ہجری وفات فرمود و مولوے نور علی الخاطب بہ شمس اشعر آثار رخ و فائش

چنین یافته که مولانا صدالدین که در عصر امام اعظم آخر زمان بود و زبده صدر
الصدور نیک مخضر بعدل و داد چون نوشیروان بود و بر دوشنبه کرد رحلت و کاین عالم نه
جای چادوان بود و ربیع الاول و بیست و چهارم و در ارج او سوئے دار الجنان بود و ظهور
الفسوس آن استاد ذی قدر و پدروارم همیشه مهربان بود و چراغش هست تاریخ ولادت
کنون گفته چراغ دو جهان بود

کنون گفتم چراغ دو جهان بود
مفتی صدرالدین لکهنوی
اولاد شیخ محمد عرف شیخ قاضی پسر اکبر شیخ اعظم ثانی بود
عالم مسن و بزرگ طبع شعر گوئی داشت در زمانیکه ارادت خان فوجدار لکهنو به بیت اقا
خود محله ارادت نگر آباد کرد و عمارت عالی ترتیب داد صاحب ترجمه در مدح خان مذکور
و تعریف عمارت قصائد و غزلیات نوشته از آن جمله اینست هـ همه آفاق چون
جسم جهان را جان ارادت خان به صفات عالیا تش گوهر هست و کان ارادت خان به
شود آباد هر جا که افتد یک نگاه او به خراب آباد گیتی را سر دسامان ارادت خان به
وله ایضا هر سوخته مکان به ارادت نگر آید گر چو یک خشک است که بابرگ تر آید بجای
است مصفا که اگر دیده یعقوب به اندر نظر آرد غم یوسف بسر آید به وفاتش در سال هزار و
هفتاد و پنج هجری واقع شده پسرش محمد صادق تاریخ وفاتش و تاریخ بنای مقبره که در سن
یازده صد و نه تعمیر شده این چنین یافته هـ شده تاریخ وصال و تاریخ بنای
که بود خانه جنت ربی دوست خدا به

مولوی سید صدیق حسن خان بہادر ابن مولوی سید آل حسن قنوجی کنیت
 شان الباطیب است بسال دوازده صد و چهل و ہشت ہجری بقنوج متولد شد علوم
 درسیہ مروجہ بخیر متفق صد الدین خان دہلوی و علوم تفسیر و حدیث وغیرہ از علمائے
 یمین و ہند مثل قاضی حسین بن عسکرنصاری و شیخ عبدالحق بن فضل اللہ ہند و
 شیخ محمد یعقوب دہلوی بہا جبر پادرمولوی محمد اسحاق دہلوی اکتساب فرمود از ہر یک
 اجازت عامہ تامہ یا نہ بطالعہ کتب متنوعہ علوم متعددہ پرداخت تا اینکه مطیع سفرش
 بریاست بھوپال کہ از مالک مالوہ است رجل اقامت انداخت دران بلدہ ترقیات

سوز افزون استقبالش کردوزارت و نیابت چہ گفتہ آید بزوجیت رئیسہ بھوپال در سال
 دوازده صد و ہشتاد و ہشت ہجری رسیدہ بخطاب نوابی و خانی کامیاب گردید و نشان
 مجیدی درجہ ثانیہ از سلطان عبدالمحمید خان عثمانی یافتہ دو فرزند از جنہ از بطن زوجہ دیگر
 دارسیکے میر نور الحسن خان طیب دوم میر علی حسن خان ظاہر ہر دو صاحب علم و ثروت
 مثل پدر اند کتب مؤلفہ صاحب ترجمہ بزبان ہندی و فارسی و عربی کہ در مطالع بھوپال
 و مصر و قسطنطنیہ و غیرہ مطبوع شدند اسمائے آنها بذیل مذکور اند آبجد العلوم -
 اتحاف النبلاء - الاحتمار - الادراک - الاذاعہ - جہل حدیث - افادۃ الشیوخ - اکسیری
 اصول التفسیر - اکلیل الکرامہ فی بیان مقاصد الایمان و الاعتقاد الرجح فی شرح الاعتقاد
 الصحیح - بدور الابلہ - بغیۃ الرائد فی شرح العقائد البہانۃ - اصول اللغہ - بلوغ السؤل من
 قضیۃ الرسول - یمیمۃ العصبی - ثمار التنکیت فی شرح آیات التشییت - الحجۃ فی
 الاسوۃ الحسنۃ بالسنۃ - حج الکرامہ فی آثار النبیامہ - المحرر المکنون من لفظ المعصوم لہامول
 حصول المامول من علم الاصول - المحطہ بذکر الصحاح السنۃ - حل الاسئلۃ مشککہ حقیقۃ
 الاکوان - دلیل الطالب الی ارجح المطالب - ذخیر المحتج من آداب المفتی - حسلۃ
 الصدیق الی البیت العتیق - الروضۃ الندیہ فی شرح الدرۃ البیہ - ریاض الجنۃ
 فی تراجم اہل السنۃ - السحاب المروم - سلسلۃ العسجد فی ذکر مشائخ السند - شمع الجن -
 صافیہ شرح شافیہ مضالۃ الناشد - ظفر الاضی بما یجب فی القضاء علی القاضی - العیرۃ
 مما حار فی الفزود الشہادۃ والجمۃ - العلم الحقائق من علم الاشتقاق - عون البارکے محل
 ادلۃ البخارے - غصن البان غنیۃ القارے - فتح البیان فی مقاصد القساکن -
 فتح المغیث بفقہ الحدیث - الفرع التامی من الاصل السامی قصد سبیل قضا و الارب -
 قطف الثمر - کشف الالتباس روشیعہ - لف القاطع - لقطۃ الجمالان مشیر ساکن الغرام -
 مرائع الغزلان - مشک الختام شرح بلوغ المرام - منہج الوصول - الموعظۃ الحسنہ - نشوۃ
 السکران - نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام - الوشی المروم - ہدایۃ السائل ليقظہ
 اولے الاعتبار - جمادی الثانی شب پنجشنبہ سال سیرہ صد و ہفت ہجری

وفات یافتہ بجاک بھوپال مدفون گشت

صفی بن نصیر اسم شریف صفی الدین بن نصیر الدین بن نظام الدین است سلسلہ نسبش بچند واسطہ بامام ابوحنیفہ کوئی سے پیوند و امام ہمام رحمۃ اللہ علیہ از اولاد نوشیروان عادل شاہ علم بود باجملہ شیخ نظام الدین جد صاحب ترجمہ بالپسر خود نصیر الدین از مرزبوم غزنین بابتے چند حادثہ ہما کو خان بعد دولت علاء الدین خلجی رو بہندوستان نہادہ دستہ درہلے قیام ورزید و در قراٹ مذکور قاضی شہاب الدین بن شمس الدین دولت آبادی ہم الزمان دیار قارو دہلی گشت و بزمرہ تلامذہ قاضی عبدالمقصد مباہمی گردید چون حادثہ مغل در دہلے رونودہ بعد سلطان ابراہیم شرقی قاضی شہاب الدین و شیخ نظام الدین جد صاحب ترجمہ از دہلے بچونپور قدم آورند قاضی و قترے داشت ادرا بشیخ نصیر الدین بن نظام الدین منکوح فرمود از وسعہ پسر بوجود آمدند صفی الدین فخر الدین رضی الدین و ہر یک بخدمت قاضی شہاب الدین جد مادرے خود با کتساب علوم متداولہ دانشمند متبحر شدند شیخ صفی الدین بعد فراغ بدرس علوم متعارفہ پرداخت و بسیاری کتب عربیہ و فارسیہ از شروح و متون تصنیف فرمودہ آنان جملہ دستور المبتدے و حل التریب کافیہ وغایۃ التحقیق شرح کافیہ مشہور اند شیخ صفی الدین مدتے بدرس و تدریس گذرانیدہ بالاخر بتلاش شیخ دار و ردولی گشت ہمدان زمان سید اشرف جمانگیر کہ مرقدش در کچھوچھہ است دران بلکہ ردونق افروز بود چون شیخ صفی الدین بخدمتش رسید سید اشرف قدس سرہ بمجد دیدنش برخاست و قریب خود نشانید و ہمان ساعت وے را بسلسلہ چشتیہ نظامیہ مرید گرفتہ حترقہ خلافت عطا فرمود برادر خروشن شیخ رضی الدین دران ہنگام بردولی عمدہ قضا داشت شیخ صفی الدین ہم در انجا رخت اقامت انلاخت پسرش شیخ ابوالکلام اسمعیل است کہ رسالہ دستور المبتدے ہی جہت تعلیم او تالیف فرمودہ و نیز شیخ ابوالکلام را خرقہ خلافت خانان چشتیہ نظامیہ پوشانیدہ بتاریخ سیزدہم ذیقعدہ سال ششت صد و نوزدہ ہجری بریاض رضوان خرامید

مولانا صفی الدین سرہندی مشہور بصفی القدر بن عزیز القدر بن محمد عیسیٰ بن

سید الدین بن محمد معصوم الملقب بعبرة الوقتی بن مولانا شیخ احمد مجدد الف ثانی سرہندی
 دانشمند متبحر و محدث معتبر جامع علوم ظاہر و باطن تارک دنیا زاہد طالب المولے بود
 نواب نصیر اللہ خان مرزبان رامپور ہر چند جہت بخشی گری فوج خود ملتی شد و سے قبول
 نہ فرمودہ دوام بطلان کتب حدیث و تفسیر و اوراد و اشتغال داشت بروز پنجشنبہ
 بست و بیستم شعبان سال دوازده صد و بست و شش ہجری بدلا بقاشتاقت

حرف الضاد المعجمۃ

خواجہ ضیاء الدین بریلی مؤلف تاریخ فیروز شاہی کہ سال پنجاہ و ششم صدی ہجری
 اتمام یافتہ و ان کتاب تواریخ ہشت نفر شاہان کہ در مدت دود و پنج سال سلطنت
 کردہ اند و غیاث الدین بلبن تا فیروز شاہ ذکر نمودہ و سے مرید شیخ نظام الدین اولیا
 است مجموعہ لطافت و ظرافت بود و از ہر گونہ کلمات و حکایات یاد داشت و در آخر
 واسطہ لطافت طبع و فن ندیکے کہ داشت خدمت سلطان محمد تغلق ممکن و مستقل گشت
 و بعد از دور دولت فیروز شاہ بیا عیلاج کفایت کرد و گوشہ گرفت کتاب حسرت نامہ
 و در تصوف ہم از تصانیف اوست و بعد وفات در جوار وضع شیخ نظام الدین
 اولیا مدفون گشت رحمتہ اللہ علیہ می گنیدہ زبان شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ
 سہ گس بنام ضیاء الدین بودند یکے قاضی ضیاء الدین سنائی کہ منکر شیخ بود و دوم خواجہ
 ضیاء الدین برنی صاحب ترجمہ کہ معتقد و مرید شیخ علیہ الرحمہ بود سوم خواجہ
 ضیاء الدین بخشبی کہ نہ منکر بود و نہ معتقد

خواجہ ضیاء الدین بخشبی بدایونی مرید شیخ فرید کہ نبیرہ و خلیفہ شیخ حمید الدین ناگوری
 است اورا تصنیفات بسیار است اناجملہ سلاک السلوک عشرہ بشرہ کلیات و جزئیات
 طوطی نامہ و غیرہ کتاب سلاک السلوک و شیرین بیانی و رنگین زبانی مشہور است و مشتعل
 حکایات لطیفہ کثرے تمام مدقے رحمتہ اللہ در سال ہفت و صد پنجاہ و یک ہجری
 وفات یافتہ اورا اللہ در است

قاضی ضیاء الدین سنائی دانشمند متبحر و دیانت و تقوی سے عقیدہ سے دست فاعلم

شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ بود و بر پایه شریعت بغایت قدم راسخ داشت و دائم بر شیخ
از جهت سماع احتساب کردی و شیخ باوے جز معذرت و انقیاد پیش نہ آمدی و در تعظیم صاحب
ترجمہ علیہ الرحمۃ دقیقہ نامرعی نگذاشتی اور کتابی است مسمی بہ لغصاب الاحتساب حاوے
برہ قائل و آداب احتساب و انواع بدعت و احکام سنت سے گویند کہ شیخ نظام الدین اطمینان
در مرض موت قاضی ضیاء الدین بیادات وے ملت قاضی و ستار چنود رہائے انداز
شیخ انداخت شیخ دستار چہ بر چید و بر چشم نہاد شیخ ناگہ پیش وے بہ نشست
قاضی چشم باوے دو چار نکو و چون برخاست و بیرون آمد آواز فوٹش برخاست شیخ
می گریست و تاسف میکرد کہ یک فائز حامی شریعت بود حیف کہ آن بزرگوار رحمۃ اللہ علیہما
در تذکیر ضیاء الدین سنائی نماند اسہ ہزار مردم حاضر می شدند نقل است کہ وقتی شوارب
شیخ شرف الدین ابوعلی قلندر پانی تپی بغایت دراز شدہ بود کہے را بحال آن نبود کہ بوے
امریض آنہا کند مولانا ضیاء الدین سنائی کہ جو شش شریعت در برداشت مقراض بر گرفت
و محاسن شریفش در دست گرفتہ قص شوارب کرد گویند کہ بعد از ان شیخ ابوعلی قلندر
ہمیشہ محاسن خود باو سپردی و گفتی کہ این در راہ شریعت محمدیہ گرفتہ شدہ است قدس سرہ
حافظ ضیاء اللہ بگرامی از سادات و اسطی بگرام و فضلای عالی آن مقام است
و تازی قرآن مجید و عالم کامل بود و ہوارہ بدین طلبہ اشتغال داشت مد تشر و نظم عربی و فارسی
بلند پایہ بود و نشانیش بعد فوت او بدو و فقر ترتیب یافتہ و میر عبد الجلیل بگرامی بیان
در باب چہ نوشت وے بسال ہزار و یک صد و نہ ہجری الزوار دنیا با آخرت رحلت فرمود

حرف الطاء المهملة

سید طفیل محمد آترولی ابن سید غفر اللہ الحسینی آترودی البگرامی دانشمند فخر
جامع علوم ظاہر و باطن طبع موزون داشت بتاریخ ہنرمند گنجہ سال یک ہزار و ہفتاد و ست ہجری
در قصبہ آترولی متولد شد و عمر هفت سال بحیث عم محمد سید احسن اہلبشاہ بگرامی بہادرت
و دانا اکتساب علوم آغاز کرد و سبق ادل میزان الصفت از سید حسن عرف رسول ناگہ از
مشاہیر عرفاے دہلی بود و خواہد از اہل ہند تا شریع جامی از علم خود سید احسن اللہ

قرارت کرده بعمر پانزده سالگی بمحروسه بلگرام آمده دیگر کتب درسیه از سید مرئی بلگرامی و سید
سعد الله بلگرامی و قاضی علیم الله گنجدوی و مولانا قطب الدین شمس آبادی استفاده نموده
و بعد فراغ علمی در بلگرام رخت اقامت انداخته عمر خود در خدمت علوم شریف صرف نمود
و گریه کثیر افاضل از او کامیاب شدند تا پنج بست و چهارم و پنجم سال یکبار و یکصد و پنجاه و
یک هجری وفات یافته در بارغ عمودنگر واقع بلگرام مدفون گردید مشرق الله ضریح - آترولی
بضم حمزه و سکون تاء نو قانیه دفعه راسه مملد و سکون و او و کسر لام و سکون تحتانیه
تعبیه ایست از توابع اکبر آباد

شیخ طیب رفیقی ابن احمد بن مصطفی بن معین الدین رفیقی کنیت او ابوالمصطفی و در
پانزده صد و نود و یک هجری ولادت یافته فقیه و محدث بود و بعد خواندن قرآن مجید
علوم متعارفه ظاهر و باطن از پدر بزرگوار و عم و بنی عم خود اخذ نموده و دست ارادت بدست
پدر داده بصحبت اولیا و مشایخ عظام مستفیض گشت و از میان عبدالحیدر تعلیم طریق
قادریه و کبرویه و شطاریه یافت و جمیع غیر از علماء و فضلاء مجتهدش مستفید شدند و در آخر
عمر خود بسجده متکلف شده بقیام لیل و صیام نهار سه پر و اخذ و بعلم حدیث و فقه و
سلوک و معرفت کتب متعدد تصنیف کرده حامی مذہب حنفی بود و بروز و دو شنبه
ماه شوال سال دوازده صد و شصت و شش هجری وفات یافته

حرف الظاء المعجمة

مولوی ظہور الحق فرنگی محلی ابن مولوی از بارالحق تحصیل علوم مرسوم متعارفه نموده
قرآن مجید حفظ کرده اشتغال بقراءت آن و تفسیر مبنی و مطالعہ کتب حدیث میداشت
و آنچه به معقولات هرگز نمیکرد و براسه رفع عسرت سفر کلان و مدراس و حیدر آباد
اختیار کرد لکن زیادت از نصیب نیافت النصیب النصیب الغرض
تمام عمر به تنگدستی بسربرد

مولوی ظہور الله فرنگی محلی ابن مولوی محمد ولی بن مفتی غلام مصطفی از سن هزاره
یک صد و هفتاد و چهار هجری ولادت یافته از والد ماجد خود و عم بزرگوار ملا محمد حسن

اكتساب علوم كرده در عهد بين الملک سعادت علی خان نواب كهنه عمده اقامت های گشت
پس بوجوهی چند که خداوند تعالی داند از عمده اقامت مغرول شده بر فاقه حکیم مهی بعلخان
نائب نواب موصوف رسیده بسفارش دے بست رویه ماهوار از سرکار نواب
دے یافت بعد وفات سعادت علی خان پسرش غازی الدین حیدر ثانیاً اورا
بر عمده مذکور منصوب کرد تعلیقات حاشیه نادر بر شرح تہذیب منطق و حاشیه بر
دعوت شمس یازمه از تصانیف اوست و بدرس اشتغال داشت در عصر خود نامی بر آورد و
توسے بذمت او تحصیل علوم کرده و جمعی از فیض و کامیاب گشته

حرف العین المهملة

ملا عالم کابلی عارف مخلص ملای شیون ادائی خوش طبعی معز و نحرکائی بود زمان بحث
و غیر آن غمناکے گشت که از خنده هلاک بالیتی شد از بیاض خود تقریب و بحث شرح
مقاصد نوشته و اشعاری کرده که این عبارت از کتاب قصد است که از جمله مصنوعات
کاتب است و همچنین تجدید در مقابل شرح تقریب و یک و حاشیه بر مطول نوشته
و گفته که این تقریر نقل از کتاب طول است که در برابر مطول و اهل است و تالیف در
شرح حال مشایخ هند بنام فونخ الولاية نوشته مصلح الجبرس تدوالت العقل
بحر الجود و عوالم الآثار هم از تالیف اوست بسال نصد و نود و دهمری وفات یافت
مولوی عالم علی مراد آبادی ابن سید کفایت علی ابن سید فتح علی ساکن قصبه نگین
صلح بخیر و دار در مراد آباد عالم و حافظ و طیب و قاری بود و در خدمت اساتذہ ذیل تلمذ
یافت مولوے فرید الدین سهارن پوری ملا غفران رام پوری حافظ شبرانی رام پوری
مولوے محمد رام پوری مفتی شرف الدین رام پوری مولانا ملک علی نانو قومی
مولانا محمد اسحاق دهلوی حکیم نصر الله خان تلمیذ حکیم شریف خان دهلوی حکیم
غلام حیدر خان دهلوی مولوے فائز علی نگینوی مولوے تنویر علی نگینوی رساله
فضائل صیام و رساله فضائل رسول مقبول صلعم و رساله قراءت صنادع و رساله
تجدد و شرح صنادع شرح تہذیب بیرونی از تصانیف مشهوره دی اند تا یخ بستم

رمضان المبارک روزِ پنجشنبہ مابین عصر و مغرب سالِ دواوہ صد و نو و پنج ہجری بمشرقت
 و ہفت سالگی رحلت فرمود بباغِ جنان باد مسکن بہ ماوہ تارخِ فوٹش یافتہ اند
 حافظ عبداللہ اعظم گدھی ساکن قصبہ مصلح اعظم گدھ مولف رسالہ تسلیل القرائض
 وغیرہ کہ باوصافِ حبیبی آراستہ و بفضائلِ کسی پیراستہ است اکثر کتب درسیہ از فاضل
 صدوق مولوی محمد فاروق عباسی چرپا کوٹی خواندہ و بعض کتب حدیث از مولوی نذیر حسین
 محدث تزیل دہلی سماعت نمودہ و تے بدرستہ چشمہ رحمت غازی پور بدریس بسر بردہ
 و صد ہا طلبہ علوم را افادہ داد لکن وجہ عصیت مسلک قشران حدیث از پایہ خویش
 انحطاط پذیرفتہ سلمہ اللہ تعالیٰ

شیخ عبداللہ تبینی ابن شیخ اکداد عثمانی تبینی دے تاج العلماء سراج الفضل و یگانہ عصر
 در معقول و مقول و یکتاے دہر در فروع و اصول بود دے بطن خود قصبہ تبکنہ مضاف
 ملتان بدیس و افادہ طلباب اشتغال داشت ہنگام خرابی ملتان بعد سلطان سکندر
 لودھی بدے آمدہ رخت اقامت انداخت و علم معقول ما دران دیار دواج دادہ
 قبل ازان بغیر از شرح شمس و شرح محائف از علم منطق و کلام در ہند شایع نبود
 دے گویند زیادہ از چہل عالم غریب و متحرز پایے دامن شیخ عبداللہ مثل میان لادن و
 جمال خان دہلوی و میان شیخ بودے و میران سید جمال بدایونی وغیرہ برخواستہ
 اند چون سلطان سکندر بوقت درس پیش شیخ عبداللہ دے آمد بتقریب آنگہ مہاراجہ
 سبق طلبہ افتد نہان در گوشہ مجلس آہستہ نشست و بعد از فراغ درس سلام علیک
 گفتہ بایکدیگر صحبت دے داشتند بدفع المیزان شرح میزان منطق از تصانیف اوست
 وفات دے در سال بست و دوم ہدی دہم بود اولنگ لم الدرجات العلی تارخ
 رحلتش یافتہ اند

آنوند عبداللہ کشمیری ابن خواجہ محمد فاضل ٹوبہ گردی شاگرد ملا محمد حسن دامان اللہ
 شیخ الاسلام از نقول علمائے کشمیر و مرید و خلیفہ قاضی شاہ بود سیر و سیاحت پشاور و
 لاہور کردہ بہ منصب افتاے کشمیر سر بلندی یافت بالاخر تلک شدہ بعبادت الہی

مشغول گشت بابا محمد عثمان و بابا عبداللہ و ملا عبداللہ و میر محمد الدین قادر سے وقافے
محمد حسین و ملا نور الدین و قوام الدین محمد مفتی علماء کشمیر از تلامذہ ویندور منتصف شوال
سال یازدہ صد و ہفتاد و یک ہجری وقافات یافت

شیخ عبداللہ مدنی اود شیخ رحمت اللہ مدنی سندھی و وزیر بودند از فقہائے صوفیہ
از مدینہ منورہ بدین دیار کشریف آورده افادہ علم حدیث نبوی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نموده
طلبہ این دیار ایشان را شیخین مے گفتند حاجہ عبدالشہید عبداللہی رح مے فرمودند کہ این
شیخین یاد از ان شیخین مے دہند کہ ابو بکر صدیق و عمر فاروق با شہند رضی اللہ عنہما
ہر کدام آیتے در علم و عمل و تقوی و ورع بودند نظیر ایشان از ان مقامات شریفہ بدین دیار
کس نیامدہ ایشان از یاران خاص و خلفائے شیخ علی متقی بودند بعضے حکام کا از جانب
سلطان روم بمکہ معظمہ مے آمدند و بہ شیخ اقتقاد و بندگی بسیار داشتند شیخ از برای
اکثر اصحاب و خدام و فقراء خود و خلیفہ از ایشان مے گرفتند الا ایشان را و بندگی شیخ عبدالوہاب
را زیرا کہ وجوہ این مال خائے از شبہہ نبود والد شیخ رحمۃ اللہ علیہ قاضی عبداللہ
از ولایت سند در بعضے حوادث روزگار بقصد زیارت سید کائنات صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم و توطن مدائن مقامات باہرکات ہا جمعی کثیر از فرزندان و اہل رعایا
برآمدہ چند گاہ در احمد آباد اقامت نمودہ با شیخ علی متقی صحبت داشت و بعد از وصول
بمقامات شریفہ در مدینہ منورہ توطن فرمود و در اندک مدت در گذشت و این شیخ
عبداللہ دیار و مصاحب قاضی عبداللہ بود و نشو و نماے ایشان در مدینہ منورہ بود و سالہا
در ان مقامات شریفہ ہدرس و عبادت گذرا نیدہ بجمت بعضے حوادث و بواجث
در حدود سن سبع و سبعین و تسعماتہ درین دیار آمدند بعد از عود چند گاہ در احمد آباد
کہ حکم وطن اہلی ایشان داشت اقامت نمودند و در احسن ہر دو بزرگ تفادات چند
سال در عین مرض کہ فوت حس و حرکت مفقود بود از احمد آباد برآمدہ غریبت آن مقامات
شریفہ نمودہ برآمدند و تا وصول بمکہ معظمہ فرصت یافتہ عنقریب بار بقتار حلت
فرمودند رحمۃ اللہ علیہما

سید عبداللہ لاہوری ابن سید عبدالخالق بھاکری از سادات عظام و مشائخ کرام
سلسلہ قادریہ جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود تمام عمر شریف خود در تعلیم و تدریس فقہ و حدیث و
تفسیر بسر بردہ و سائلانی را از در فیض مظهر خود رونکودہ در سال نہصد و چہل و دسہ ہجری رحلت
فرمودہ بلاہور و در جوار مزار سید جان محمد مدفون گشت

ملا عبداللہ سلطان پوری از قوم انصار آبائے او در سلطان پور سکونت اختیار
کرده بودند از قول علمائے زمان و یگانہ دوران بود خصوصاً در علم فقہ و تعلیمات گوی سبقت
ربودہ در عربیت و اصول و فقہ و تاسیخ و سایر تعلیمات تصانیف لائقہ و
رائعہ دارد از آن جملہ کتاب عصمۃ الانبیاء و شرح شمائل النبی صلعم مشہور انداز ہمایون بادشاہ
بر محمد ام المملک و شیخ الاسلام مخاطب شدہ در ترویج شریعت غرہ ہمیشہ سعی بلیغ می نمود
سنی متعصب بود تا اینکه در فراتر رفتہ الاحباب را میگفت کہ از میر جمال الدین محمد طہیت
درین باب مولوی عبدالقادر بدایونی با او مکالمہ کرہ کہ تفصیلش در منتخب التواریخ مذکور
است ملا موصوف در عمد اکبر شاہ آن چنان تمول شد کہ بعد نوشتن سہ کردار خانہ او بر آمدہ
وے بعدہ و کالت دیوان خانہ عالی سرفراز بود در سال نہصد و نوہ ہجری وقت انفراد
انکہ منظمہ و جامع آباد گجرات رحلت کرد سلطان پور و حضانات لاہور است

مولوی عبداللہ سندیلی ابن سید زین العابدین مخدوم زادہ قصبہ سندیلہ شاگرد مولوی
محمد اللہ سندیلی و مرید شاہ عبدالہاسطیٹھی بود و اجازت خاندان چشت از شاہ قدرت اللہ
قدوائی صنفی پوری حاصل نمودہ در علوم ظاہری و باطنی مہارت کامل داشت بر وزن و جہشنبہ
بعد نماز عصر و بروز جمعہ وقت نماز جمعہ حالت مجذوبانہ بروی طاری مے شد سوے
این دور و در بقیہ ایام سالکانہ بسری بروز غارنش در مقابر بلخ امرہ قصبہ سندیلہ است
عبداللہ شطاری ابن شیخ ہلول سندیلی دشمن متصوف صاحب تصانیف
ایق بود کتاب سراج السالکین انیس المسافرین و اسرار الدعوات و کنز الاسرار و فکال الشطار
و شرح رسالہ غوثیہ وغیرہ از تصانیف اوست واقع بہست و سوم حمادی الاول سن ہزار
دہ ہجری در بلدہ اگرہ رحلت فرمود رضی اللہ عنہ

شیخ عبد اللہ بدایونی از نواحی سامانہ کہ مسکن آبا و اجداد و سے بود بجانب دیلی سفر اختیار کرده بقراۃ قرآن و طلب علم مشغول شد بالآخر جمعی از علمائے نامدار و مشائخ کبار را دریافتہ از دخول دانشمندان عهد گشت دست ارادت بشیخ عبد الباقی چشتی بدایونی روح اللہ رحمہ دادہ و نیز بخدمت شیخ صفی قدس سرہ پیوستہ بہ تکمیل رسیدہ و نعمت علم ظاہر از اکثر مقتدایان وقت خویش یافت خصوصاً از شیخ لادن دہلوی و سید جلال بدایونی و بعد وفات سید جلال قائم مقام او شدہ سالہا در بدایون مدرس افتادہ فرمود و خیل از دانشمندان نامی از دامن ادب برخاستہ و بروش سلف اشیای ضروری و مایحتاج از بازار خانہ خود برداشتہ مے آورد و در اثنای ماہ جماد طلبہ را سبق نیز مے فرمود ہر چند طلبہ منع تصدیع مے نمودند و می گفتند کہ این خدمت مایان بھاریم قبول نمی داشت و با وجود اجازت از بزرگواران معید شیخی و مریدی نبود بلکہ احتراز تمام از ان وادی داشت ملا عبد القادر بدایونی شرح صحایف در علوم کلام و تحقیق مد علم اصول فقہ بخدمت و سے استفادہ نمودہ دے در تحفہ التواریخ مے نویسد کہ مہترشدان افکالات دقیق فی آوردند ہرگز ندیدم کہ او را در افلادہ و افتادہ و حل آن باجاث شریفہ و نکات غاصدہ احتیاج بمطالعہ کتب افتادہ باشند تا نکتہ جمیع نظریات پیش از و بدیہی بودند بالجملہ تاسن نو سالگی زندہ بود تاریخ وفاتش جاسے بغیر مولات نرسید

مولوی حافظ عبد اللہ بلگرامی حنفی مذہب قادری مشرب ابن سید آل احمد و سلمی بلگرامی بتاریخ بست و یکم جمادی الاول سال دوازده صد و چهل و ہشت ہجری بقصبہ بلگرام لاؤ یافتہ سلسلہ نسبش بحضرت زید بن زین العابدین بن سیدنا حسین بن سیدنا علی کرم اللہ وجہہ مے پیوند و بعضے بزرگانیش از مدینہ منورہ بشہر واسط آمدہ رخت اقامت انداختند و از اولاد انجادش سید محمد صفری در سال شصت و چہار و ہجری بقصبہ بلگرام کہ سابق زمان تاش سرے لگو و آمدہ توطن گشت و از چند قبائل متفرع و منشعب شدند انا جملہ پنج بیتا یعنی اولاد برادران پنجگانہ اند و ہمان قبیلہ پنج بیتا صاحب ترجمہ منسوب است بالجملہ مولوی عبد اللہ بھر دوازده سالگی بعد ختم قرآن مجید و کتب مردج فارسی از وطن خود ہجرا می والد ماجد نزد خال خود سید فرزند حسین عرف گھوڑے سیان بکا پور آمدہ تحصیل کتب عربیہ صورت شدہ

در ضمن آن از حفظ قرآن مجید فراغت یافت کتب مرث و نحو و تقصیرات منطق مجتہد بعض
 علامہ جناب مولانا محمد سلامت اللہ بایونی کانپوری خواندہ بعد از قطعی تا شرح سلم محمد اللہ
 خاص مجتہد معزز الیہ اکتساب نموده و بقیہ کتب منطق و فلسفہ و قصائد عربیہ مجتہد
 مولانا فضل حق خیر آبادی بمقام رامپور و کمٹو استفادہ کرد و آن بعد دیگر کتب درسیہ فقہ و حدیث
 و تفسیر و غیرہ ہر یاست الہد از مولوی نور الحسن کاندھلی کہ در معقولات تلمیذ مولانا فضل حق
 خیر آبادی و در حدیث شاگرد مولانا محمد اسحاق دہلوی بودند با تمام رسانیدہ بکانپور معادوت
 نمودہ باز مجتہد مولانا محمد سلامت اللہ مرحوم بیضاوی شریف خواندہ بگاہ شوال سال اواند
 صد و ہفتاد و شمش بھری بند فراغ حاصل فرمود و نیز از سید احمد دحلان مفتی شافعیہ و مدرس
 مسجد بیت اللہ الحرام سند فقہ و حدیث و تفسیر یافتہ و مجتہد حنفیہ عبدالعزیز دہلوی فلیفہ سید شاہ
 آل احمد نارہروی عرف اسمعیل میان صاحب بسلسلہ قادریہ شرفند و حجت شدہ و سند خلانت یا
 بمصحب مدنی مدرسہ عربیہ بنارس در سرکار انگریزی عزائمنا داشت تصانیف را نقلہ یادگار
 گشتہ بتاریخ یکم رمضان روز یکشنبہ سال سیزدہ صد و پنجم ہجری از دارقانی بجام جاودا
 رحلت فرمود شاعری تاریخ نوکش چنین یافتہ قطعہ نکو سیرت جو عبد اللہ حافظ بن سوی ملک تھا
 ناگاہ رفتہ بہ سال رحلتش ہاتھ نداد و بی محنت پاک عبد اللہ رفتہ تصانیف فقہ رسالہ عین اللغات
 فی کشف الاحناف و در بیان اہانت بہ عمالہ ہادیہ در حرمت شطرنج و گنجینہ وغیرہ ہاشیہ ہادیہ فقہ
 از کتاب البیوع تا کتاب الشفعہ بہ تحفہ علیہ ہاشیہ ہدیہ سعیدیہ و در علم حکمت طبعی بہ فیض فارسی
 در قواعد فارسی بہ تشریح النورینی و قواعد نحو بزبان اردو کہ در حلقہ آن از سرکار انگیزی دوسمہ
 روپیہ عطا شدہ فیض الصرف قواعد صرف عربی بزبان اردو بہ دفتر عصمت تذکرہ زنان
 شاعرات بہ تشریح الانشارب شاہد نظم شرح گلہ ستہ و انش و حل غوامض شرح اشعار اردو
 علاوہ آن رسائل برفوت و ہابیہ و قصاید مکاتیب عربیہ و قطعات توارخ عربیہ و
 فارسی از بیستان یادگار اند۔

مولوی عبدالاعلیٰ فرنگی علیٰ خلف اکبر طاعہا علیٰ بحر العلوم بن طانظام الدین بن ملا
 قطب الدین الشہید السہالوی تحصیل کتب درسیہ مجتہد پیر بزرگوار خود نمودہ چند سہ

اشتغال بتدریس داشت در مدراس بیمار شد که یاس از حیات او رود و از والد خود و خصیت
 وطن خواست هر چند والد ماجدشان ملغ شد که درین بیماری مسافت بعید و چگونگی نخواهد
 از اراده خود باز نه آمد و خصیت شده روانه کهنه گردید و در اثنای راه در سال دوازده صد و
 هفت هجری وفات یافته شاعری تاریخ و قش چنین گفته **ه** زین جهان رفت چو عبدالاعلی
 یافت در خلد مقام اعلیٰ بدست و شتم زنده شعبان بوده رحلت از عالم اجسام نموده گفت
 تاریخ وفاتش رضوان بگرد آرا گله خود بچنان بـ

مولوی عبدالاعلی بنارسی ابن حاجی شاه کریم الله الصدیقی النقشبندی از نوح فارابی
 زمانیه آمده در بنارس سکونت پذیر شد صاحب ترجمه علیه الرحمه بسال دوازده صد و چهار هجری
 ولادت یافته علوم ظاهریه متعارفه از والد ماجد خود و نیز علمای عصر تحصیل فرموده فائق الاقران
 گشت و علم باطن از والد خود شاه کریم الله تعلیم و تلقین یافته بدرس و افاده طلبه شاغل قانع و
 صاحب درج و تقوی بود کتاب هدایه المسلمین و تهذیب المنطق منظوم فارسی و غیره از تصانیف
 وی یادگار اند بمقام بنارس در مدرسه موسوم به جی نرائن کلج بعده مدرس اول عربی ممتاز بود
 از آن مستغنی شد و عبادت الهی اوقات شریفش صرف می نمود که در سال دوازده صد و
 هفتاد و چهار هجری بمصر هفتاد سالگی ازین جهان فانی بعالم جاد وانی شتافت و در قاطان بلخ
 شاهزادگان بنارس مدفون گردید روح الله در حلالی

سید عبدالاول زید پوری بن علاء الحسینی آباء و اجداد زید پور بوده اند که قصبه اسیست
 از مضائق جوینور بعد از آن بولایت دکن رفتند و لاوتش بهمدان جاشد و بهانجا تحصیل
 علوم نمود و اراادت به بعضی انا و لاد سید محمد گیسو در از داشت جامع جمیع علوم عقلی و نقلی و رسمی و
 حقیقی بود و در اکثر علوم تصنیفات دارد فیض الهامی شرح صحیح بخاری رساله فرائض منظوم رساله
 فارسی در تحقیق نفس منتخب کتاب سفر السعاده از تصانیف مے مشهور اند و علاوه آن
 بر اکثر کتب حاشی و شروح و تعلیقات دارد و در آخر عمر بطلب خان خانان محمد میر خان بدلی آمده

در سال نهصد و شصت و هشت هجری بر حمت حق پیوست

خواجہ عبدالباقی باقی بابتد و بلوی نقشبندی امام وقت و مقتدای زمانه جامع کمال است

ظاهر و باطن ناهید متقی متصفه بخصائل حمیده غزین سجایای پسندیده بود و در احوال انکامل بسر فرمود
 اقدام آورده و بعد تحصیل علوم فقه و حدیث و تفسیر و غیره دست ارادت بخواجه محمد انکلی خلیفه خواجه
 و مدیش محمد داده مرید وی شد و بعد تکمیل کمالات باطن غرقه خلافت یافته رونق افروز و بی گشت
 و بدس و ملقین خلایق بسر مرید وی رحمت الله علیه نهایت کم گو کم خور و کم خواب بود و بعد از
 عشا تا نماز تہجد روزانه دو مرتبه قرآن شریف ختم نمودی از اجله خلفائے دی مولانا شیخ احمد
 سرہندی مجدد الف ثانی است بست و پنجم جمادی الاخری سال یک هزار و دوازده هجری بدری حلیت
 فرموده متصل قدم رسول بہ محلہ کنجشک گیران مدفون شد

مولوی عبدالباسط بن مولوی رستم علی قنوجی در حدیث و تفسیر و اصول و فروع
 بطریق داشت تفسیر ذوالفقار خانی نے نوشت کہ تیل از اتمام تفسیر عمرش در سال دوازده صد و
 بست و سہ ہجری تمام شد بجز از رحمت حق پیوست غفر الله لہ رسالہ عجیب البیان فی
 علوم القرآن ہم از تصنیفات اوست

مولوی عبدالباسط ذرنگی محلی ابن مولوی عبدالرزاق بن مولوی جمال الدین احمد کتب
 در سہ مجتہد مالک خود خواندہ فارغ تحصیل گشتہ خط قرآن مجید نمود جوان صالح و عابد بود و
 بہجت بمولوی عبداللہی داشتہ بسرکار نواب نظام حیدر آباد بمشاہرہ چار صد و بیہ ملازم شدہ
 بتاریخ بست دوم ذیحجہ سال دوازده صد و نو و پنج ہجری در عین شہاب بہ گلگشت
 رمضان خرامید رحمہ اللہ تعالیٰ

مولوی عبدالحامد ذرنگی محلی ابن مولوی محمد تافع بن مولانا عبدالحی بجا العلوم تحصیل
 کتب در سہ نمودہ گلو جبے معاشی صورت درس بطور نرسیدہ بہ حیدر آباد کن رفتہ
 در انجا بتاریخ بست دوم شوال دوازده صد و ہفتاد و دو ہجری وفات یافتہ بہ پہلوے
 قبر مولوی محمد غضنفر مدفون شد

مولوی شیخ عبدالحلیل سنہیلی ابن حافظ دوازش علی بن شارح علی باہ ذیحجہ سال
 دوازده صد و ہفتاد و سہ ہجری متولد شدہ اولاً قرآن مجید حفظ کردہ مختصرات صرف و نحو مجتہد
 جلالہ ماجد خود گذرانیدہ بمجتہد مولوی حافظ شوکت علی سنہیلی و مولوی سید محمد علی

مذکورہ مولوی محمد کمال عظیم آبادی و مولوی حکیم عبدالحمید عظیم آبادی و مولوی مقیم الدین ساکن
لوٹ محمد متعلقہ دیرہ اسماعیل خان و حکیم عبدالعلی لکنوی تکمیل علوم درسیہ نموده فی الحال مدرس
درسیہ شلوکت الاسلام سندیلہ اندازایام تحصیل تہا انیوقت اشتغال بشدریس طلبہ دارند و سالہ
ہدایۃ الکبریٰ لا انتقال الدوار من درجۃ الی الاخری و رسالہ البرق الحافظ فی علوم النبض و
الاعراف و رسالہ الشہاب الثاقب علی منکری ردیۃ اللہ واجب از تالیف و سے انہ
سندیلہ اللہ تعالیٰ بہ و و کوئی نسبت بہ دو کہ و ان تصدیق است از مضافات جائید شہر کہ
مدرسہ ایست کما از مولوی حافظ محمد شلوکت علی رئیس سندیلہ در سندیلہ بنا فرمودہ در کثیر بار و
اساتذہ و طلبہ صرف سے فرمایند جزا اللہ خیرا

سید عبدالجلیل بلگرامی ابن میا محمد حسینی و سلمی طوائش بتاریخ سنہ ہجری ۱۲۸۱ سن یکتر
و ہفتاد و یک ہجری و بلگرام وقوع یافتہ اخذ علوم عقلی و نقلی از مولانا غلام نقشبند لکنوی کردہ
فائق الامثال و الاقران گروید و سند حدیث از سید مبارک محدث بلگرامی شاگرد شیخ قدس
حاصل نمودہ و تفسیر و حدیث و تاریخ و لغت و ادب و شعر گوئی ساداتی بہرمان عربی و فارسی
و ترکی و ہندی طلاقتی وافر داشت و بہر زبان تصنیفی شوق و تالیفی انبیا از یادگار اند و احمد
اورنگ زیب تازمان فرخ سیراوشاہان دہلی بچہ بد بخیری و سوانح نگاری باغزا تمام بسودہ
ہر گاہ در سن پانزدہ صد و یازدہ ہجری اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ قلعہ ستارہ فتح نمود و سید عبدالجلیل
و یک شب یازدہ قطعہ تاریخ آن فتح نظم نمودہ رسالہ موسومہ گلزار فتح شاہ ہند و طوی نامہ
غیر مذی شاہ عالمگیر ترتیب دادہ بحضور شاہ گندراپندہ مورد الطاف خسروانہ شد و طرفہ ایک
ادبہر و نام رسالہ مذکور تاریخ فتح قلعہ ستارہ برے آید و قطعہ تاریخ ازان رسالہ کہ بطرز استنباط
گفتہ است بنابر زہت ناظرین حوالہ قلم می شوند قطعہ تاریخ و عربی لما توجہ سلطان الانام
الی و رب السموات فی تأیید اسلام و اگر ہما سہ فی اصل خضرہ بود یا قادر اقبال حکام ہنصارین
افتتاح الامم مفتوحا و حصن ملن عبد و الحجار صنام و نظرت فی الفات و بی اربعۃ و من
طریق ابہامہ من غیر ابہام و جدہ من لعام الفتح حنیفہ و قیما علی ستہ من مہابہام و اللہ تلک
ید بیضا رقد ترحمت و لنا ظہرین فیما للظہر اسامی و ہذا لہدیۃ من التاریخ الشاہیہ عبدالجلیل

بنائیات امام: ایضا بفارسی جو شہر لہام زیر غفر آسمان و جزو دہم غفر و شہرہ بظلم
 کفر شد مفتوح فی الحال و نتیجہ او عدد شد پاره پاره و زانگستان شہر بر تپہ بہام و جزو بیادعت کرم
 شمارہ و بعینہ بود شکل سال ہجری و سپہ تاریخ تفسیر شمارہ و چنین تاریخ گفتنی اختراع است و شہرہ بظلم
 این آشکارہ: سید حبیب القدر مذکور الصد و شب شنبہ تاریخ نیست و سوم ربیع الآخر سال پانزدہ
 صد و سی و ہشت ہجری در بلدہ شاہجہان آباد رحلت فرمودہ بمقام بلگرام بطن خود مدفون و گردیدہ
 نور اللہ محمد سید غلام علی آزاد حسان اللہ در آید کہچہ للذین احسنوا الحسنی و زیادۃ تاریخ و تفسیر یافتہ
 مولوی عبدالحق رامپوری خلف ملا محمد عمران رام پوری شاگرد الدہ خود بود و سال پانزدہ
 صد و نو و دو و ہجری بمک و کن رحلت کرد

شیخ عبدالحق دہلوی ابن سیف الدین بن سعد الشہیدین الملک الدہلوی بخاری کنیت او
 ابو الجہد بود یکی از اجدادش از بخارا آمدہ پہلی سکونت پذیر شد و بی رحمتہ اللہ علیہ بہاد محمد سال
 ہند و پنجاہ و ہشت ہجری ولادت یافتہ تاریخ ولادت او شیخ اولیا است و از بہاد شہر کرمیت
 بطاعت حق و طلب علم بہ قریب یلوع اکثر علوم دینیہ فرا گرفت و بہر بہیت و دو سالگی از فضل
 و کمالات فراغ حاصل نمودہ مخزن شریف حفظ کرد با جملہ فقیہ و محدث بقیۃ السلف و مجتہد خلف
 جامع علوم ظاہر و باطن بہ علم حدیث بہ محروسہ ہندوستان از و شیوع یافتہ ویرا قبولیت خدا داد
 حاصل بود کہ فرسے از افراد انش پڑ وہان داد پسند با نکارش لب نکشادہ وی در عنفوان شباب
 بمحرمین شریفین متوجہ شدہ و مدتی دران دیار بر الوار با علما و مشائخ وقت خصوصاً شیخ عبدالوہاب
 متقی خلیفہ و جانشین شیخ علی متقی صحبت داشتہ تکمیل فن حدیث را بدرجا علی رسانید و باریکات فرائد
 مراجعت بطن مالوف فرمودہ بشر علوم و افادہ خلائی شتغل گشت سے گویند کہ تصنیفاتش
 خود و کلام از حدیث تجاوز نہ کرد فی زمانہ باعث فخر علما و دستور العمل او شاہان ہستند چون طبع
 موزون داشت و شعر تخلص حتی غنی کرد اشعارش بشمار ابیات تقریباً ہر پنج لک میرسد مرید سید
 سولتی قادری بسلسلہ قادریہ بود و ماکمل با شیخ احمد سرہندی مجدد الف ثانی خلائی داشتہ و کلام
 و تفسیر و خیال خود را آردہ تصنیف بہ داغ و فائش در سال یک ہزار و پنجاہ و دو ہجری در دہلی
 بمظہر آمدہ مرقدش بمظہر قطب صاحب بر کنار محض شمس است و از و تیسر کہ تاریخ فوت او

مذہب اسلام انتہائی فصاحت و شہادت شریعت عربی مشکوٰۃ بہ اشعار المعانی شرح فارسی
مشکوٰۃ بہ شرح سفر السعادت بہ شرح فتوح اقصیٰ بہ مدارج النبوة بہ شرح بحار الرجال بخاری بہ
اخبار الاخیار جذب القلوب بہ زبدة الآثار جامع البرکات بہ مرجع البحرین بہ زاد المتقین بہ فتح المنان

فی مناقب النعمان بہ ما ثبت بالنسبہ بحلیہ سید المرسلین بہ چیل رسالہ

مولوی عبدالحق بنارس امین مولوی فضل اللہ باشندہ تصبیہ نیتنی مصنف کلمہ متوطن

بنارس کہ نسب دے بھرت عثمان ابن افغان سے پیوند دہ سال دوازدہ صد و شش ہجری

ولادت یافتہ چنانچہ ازلفظ فضل رسول تاریخ ولادت برمی آید چون از ایام صبی شوق حدیث خوانی

مدول حق منزل اور عظیمہ بودند بنابر ان رخت سفر برداشتہ کرامت بہ تجسس و تحقیق آن علم

شریف بستہ بدلی رفت و پیش مولانا عبدالقادر یا مولوی محمد اسماعیل شہید دہلوی ہم سبق گشت

از ان بعد شہر صنعا ملکین رسیدہ اوقاف حق محمد بن علی ن الشیوکانی سند قرآن حدیث کہ تلیم آن

اتحاد الاکابر فی استاد الفقارست حاصل کردہ مشارالیه امثال دارقران گروید گویند کہ وی ہفت

رح بیت اللہ کردہ یکے از ان بھلوی سید احمد ای بریلوی و مولوی محمد اسماعیل دہلوی بود و رح اخیر بمقام

بہی سال دوازدہ صد و شش و شش ہجری بمقام استاد لکلی حلت فرمودہ در مسجد النبی مدفون شد

کہ ازلفظ فضل رسول تاریخ فوت دے برمی آید ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء وی تادک تقلید بود

از تصانیف آوالہ الفریدی فی المنع عن تقلید شہورست و سوار الطریق تصنیف مولانا تارک علی صاحب

الکلمی از نام مولوی عبد القادر سندیل در مدحین الدار فریدہ است مولوی جلال الدین احمد

بنارسی مدرس اول کہ نمونہ کلج بنارس مولوی حمید الدین احمد مدرس کلج مذکور اندارشہ تلامذہ وند

مولوی عبدالحق خیر آبادی شاگرد پدر خود مولوی فضل حق خیر آبادی علوم عقلیہ سکرند

خود بہار رئیس راجپور عزرائلہ برمی برد از تصانیف شان حاشیہ غلام محیی و تسمیل الکافیہ و شرح

نہایت حکمتہ و حقاہر فالیہ شرح میزان ہدایہ امور عامہ مطبوع و شائع اند و سلسلہ تلامذہ

ملا عبدالحق سیالکوٹی علامہ زمان سرآمد قرآن خود شاگرد رشید مولانا مکمل الدین کشمیری غلام شاہ

حضرت علامہ ربانی شیخ احمد سہندی مجدد اہل ثانی قدس سرہ بود ابو بھرت مجدد و عقیدت

ساز و داشت و حضرت مجدد اور آفتاب پنجاب میگفت در عمر جاگیر این کبر شاہ دریا لکھوت سکھ خود

بدرس علوم افاده مهيا دهرگاه شاه جهان ابن جهانگير سر آراي سلطنت گرويد وصيت دے
 به قدر داني علما و فضلا اقطار عالم را گرفت ملاصوت باستانه سلطنت عليا رسيد بيافتن افعال
 و اکرام مهابات حاصل کرد شاه جهان ملا را دو مرتبه در ترازو باقره بنجيد به دو بنجيد که هر مرتبه
 شش هزار روپيه بوزنش برآمدند علاوه آن چند ديهايت مرفوع اعلم اور اعطاء فرمود ملا تمام عمر
 خود بدرس و تصانيف بسر برده مشهور است که یک لک روپيه ماهواري از سلطان وقت بيافت
 تا رنكه بتاريخ شانزدهم ربيع الاول سال هزار و شصت و هفت هجري جهان بخت تسليم کرده در سيالکو
 مدفون شد مخله تصانيف او کتب ذيل مشهور اند: حاشيه تفسير ريضاوي به کلمه حاشيه عبده
 بر فرائد حيايه به ترجمه فارسي غنيته الطالبين به حاشيه مقدمات اربعه تلويح به حاشيه مطول به
 حاشيه شرح مواقع به حاشيه شرح عقائد لغزاني به حاشيه شرح عقائد رواني به حاشيه رجائيه خيالي
 حاشيه شرح شمسيه به حاشيه شرح مطالع به الدلائل الثمينه في اثبات الواجب تعالى به حاشيه بر جوامع
 شرح حکمة العين به حاشيه بر جوامع هداية الحكمه سيندي به حاشيه بر جوامع مراح الارواح
 مولوي عبدالحکيم لکهنوي ابن مولوي جلدرب بن بکر العلوم مولانا عبدالحق بن ملا نظام الدين بن
 قطب الدين سہاوي تكميل کتب درسيه مختصرات و متوسطات از والد خود مولوي عبدالرب مولوي
 دايم و مطولات از مولوي نورالحق مرحوم نموده شش و روز بدرس مصروف بود صلاح و تقوي
 شعار و آثار خود گردانيد به شب بيداري و ياد آئي مي گذرانيد و تکلي بهمت خود بخدمت طلبه علوم
 محظوت داشت و در نازديکي بمسافران بعيد الوطن مشاراليه بود و آنحضرت که ذات ستوده صفاتش
 جامع ظاهر و باطن بود و بيعت از شاه نجابت الله کرسوي داشت محرم بطور در سال دوازده
 صد و شصت و چهار هجري به لکهنو بيه ياب بگشتش شده بغايت خليف و مسافر از اريافت است
 چهارم صفر و پنجشنبه سال دوازده صد و شصت و هشت هجري جهان بخت تسليم نموده فقره دان موقع
 الا علم موت العالم ما وک تاريخ وفاتش يافته اند و دو عقب خود گذاشته یکی مولوي عبدالحکيم دوم
 مولوي محمد نعيم هر دو عالم و برجاده آباي مستقيم اند و شرح کافي زبان فارسي به تفسير بهرمانند
 خلدي به ترجمه فارسي دقائق الحقائق به حاشيه شرح مسلم مولوي هما ننده شرح دائر الاصول اے
 علم الاصول به شرح جلدین آخرين هدايه به شرح چهل کات در فارسي به شرح رساله نظاميه

مویان و حضور رسول مقبول صلعم بخود علم مروت و زبده الفحو و حاشیه تفسیر عیونای بدشرح
رمائل الانکان و حاشیه بر حاشیه نادر بر شرح تنذیب ملاجلال الدین و دانی و حاشیه بر حاشیه
اکمالیه شرح معانی جلالی و جدول الحرف فارسی و جدول الفحو فارسی از تصانیف رایقه اویادگار
انقدس الله روحه الاقدس

مولوی عبدالحلیم فرنگی محلی ابن مولوی امین الله بن مولوی محمد اکبر بن مفتی احمد ابوالرحمن
مفتی محمد یعقوب بن ملا عبدالمعز بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشیخ السبکی بیا زوتم
شعبان سال دوازده صد و سی و نه بمقام کفایت متولد شده بعد سه سالگی از حفظ قرآن مجید فراغت یافته
به تحصیل علوم در سیه کوهست بست و بخدمت والد ماجد خود مولوی محمد امین الله و مفتی قلمور الله
و مفتی محمد صفر و مولوی نعمت الله و مفتی محمد یوسف علمای فرنگی محلی بمرشاد زده سالگی از کتب
علوم در سیه متداوله خاندان قطبیه شصت و نه فراغ حاصل کرده دانشمند تبحر جامع علوم عقلی و نقلی
حدادی فنون فرعی و اصلی گشته و سکه آرای درس و افتاده گوید و بسال دوازده صد و شصت
هجری بشهر باند اصفاف بونیدیل کشته رفته رئیس آنجا و اب و ذوالفقار بهادر که قدر دان علمای فضلا
بود با عزاز و مالک و پیش آمده وی را مدرس مدرسه خود گزینید و در آن بران کار مامور مانده بوطن خود
گشته و پس آمده یکسال در وطن مالوف متوقف شده بشهر چون بقره قدم آورده حاجی انجمش
مرحوم که یک از وسای نو دولت آن شهر بود کمال قدر دانی پیش آمده بدرسه امامیه حنفیه که خود
بانی آن مدرسه بود وی را مدرس مقرر کرد که عالمی از علم دس و مان یعقوب بهره اندوز گشت و مانند
سال ببلان منصب معز بوده بسال دوازده صد و هفتاد و شش هجری بوطن مراجعت کرده
دست بیعت بدست مولوی عبدالوالی قادری فرنگی محلی داده در سن هفتاد و هفت هجری
بعد صدی دوازدهم بجیدر آباد و کن تشریف برده سید تراب علی خان سالار جنگ مدار الملام کن
مرزوم که تصف باوصاف حمیده کالشمس بن النجوم بود وی را مدرس مدرسه نظامیه مقرر ساخت
و دین سفر بمقام دیوان که بشاه راه و کنل قع است آن چرخ دودمان قطبیه غربت که جمیع الادواق
از رخ اعزاز تجشیده بود در اوقت مولوی عبدالحلیم خلف الصدق شان صغیر السن قطبی می خواند
بسال هفتاد و نهم بعد صدی دوازدهم هجری الاحیدر آباد بحصول رخصت عازم زیارت حرمین

شریفین زاد ہوا اللہ تشریفاً و تعظیماً شدہ مجددت علماء و مشائخ آن دیار پر اوار فرما کر گشتہ مستفید گردید انا بحملہ
 بکلمہ معظمہ از مولانا محمد جمال حقّی و از مولانا احمد بن زین و حلان شافعی اجازت و سند علم حدیث
 و دیگر علوم معقول و منقول حاصل کردہ در سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بزیارت طیبہ علی
 صاحبہا الصلوٰۃ و التحیۃ شرف اندوز شدہ از مولانا علی مدنی شیخ الدلائل سند دلائل الخیرات
 و از مولانا محمد بن محمد بن العرب الشافعی مدرس مسجد نبوی سند حدیث و تفسیر و غیرہ و از مولانا عبد
 ابن مولانا ابو سعید محمد دی و ہلوی نزیل مدینہ منورہ اجازت حدیث و تفسیر و فقہ و غیرہ و
 از مولانا عبد الرشید بن مولانا احمد سعید محمد دی و ہلوی اجازت تصیدہ بردہ و
 حزب البحر یافتہ بالامال از فیوض دہرکات مجاز در سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بہ حیدر آباد
 مدنی در بہت بخشیدہ بانصرام حکومت عدالت نظامیہ مشغول گشت پس ازان بہاہ جمادی الثانی
 سال ہشتاد و سوم بعد صدی دوازدهم از ہجرت باستحصال خصت بوطن مالوف شریف آوردہ از
 سنت نکاح خلف خود مولوی عبدالحی مرحوم فراغت یافتہ در سال ہشتاد و چهارم ماہ جمادی الثانی
 از لکھنؤ رخصت سفر حیدر آباد کردہ حقیقت سفر آخرتش توان گفت بہرست و ماہ شعبان
 سال مذکور در ان بلدہ رسیدہ بکار متعلقہ خود مصروف بود کہ ناگاہ عارضہ سل و دوق ماہ صفر المظفر
 سن ہشتاد و پنجم بعد صدی دوازدهم بحثہ لطیفش عارض شدہ بتاریخ بہست و نهم شعبان المعظم
 روز و شنبہ سال مذکور طائر روح پر فتوح آواز قفس عنصری پرداز نمودہ بشاخسار جنان نشمن
 گرفت و حسب وصیت در باین قبر شاہ یوسف قادری کہ از کبار اولیائے دکن اند مدفون گشت
 شجرے وقت قطعات مدیدہ متضمن تاریخ رحلتش بسک نخ کشیدہ اندازا بحملہ مولوی عبد الرحمن
 صاحب گنجی انجمن گفتہ **۱** العالم والعارف باللہ تعالیٰ بہ قدر الی اللہ مجد و ثناء بہ الامت بعالم المتوفی
 یقین بہ قدر شرف اللہ بقصر وقار بہ و دیگر ی این مصرعہ گفتہ **۲** و اوقف راہ خدامولوی عبد الحکیم دور
 لفظ قفرہ نیز تاریخ فوتش یافتہ اند **۳** تصانیفہ الریقۃ التحقیقات المرضیہ حل حاشیہ میرزا ہر سالہ
 القول الاسلام حاشیہ شرح سلم ملاحسن کشف المکتوم فی حاشیہ بحر العلوم القول المحیط فیما تعلق
 بالجعل المؤلف والبیسط حل لعاقبہ فی شرح العقائد التعلیق الفاضل فی مسئلہ الطہر المتخلل
 مسین الغاصین فی ردو المغالطین الایضاحات بمحت المحتلطات کشف الاشتباہ فی شرح

المسلم محمد رشید البیان العجیب فی شرح ضابطۃ التہذیب کا شرف الظلمہ فی اقسام الحکمہ۔ اعرقان
و منطق نظم الدرر فی سلک شوق القمر التحلیہ شرح التسویہ مؤلفہ شیخ محب اللہ اکبر آبادی۔
نور الایمان فی آثار حبیب الرحمن۔ برکات الحرمین۔ ایقا والمصابیح فی صلوۃ الترویج۔ الالماس فی
تحقیق الدعاء غایۃ الکلام فی بیان الحلال والحرام بخیر الکلام فی مسائل الصیام۔ القول الحسن
فیما يتعلق بالنوافل السنن عمدۃ التحریر فی مسائل اللون واللباس والحریر۔ قمر الایمان حاشیہ نور الایمان
حاشیہ نفیس شرح موجزہ الآتوال للاربع۔ و دیگر کتب مثل حاشیہ ہدایہ وحاشیہ بدیع المیزان حاشیہ
حاشیہ قدیمیہ ناتمام مانند کہ اجلس و در سید عطر اللہ روحہ

مولوی عبد الحمید خان رام پوری ابن ملا غفران رام پوری از برادر خود ملا محمد عمران
و نیز مولوی ارشاد حسین رام پوری اکتساب علوم نموده مدرس و افادہ طلبہ اشتغال اردو بسال
دوازده صد و نود و ہشت ہجری و قصبہ سندیلہ جیت نقای مولوی حافظ شوکت علی رئیس
سندیلہ قدم آورده بود سلمہ اللہ تعالیٰ

مولوی عبد الحمید بدایونی ابن مولوی محمد سعید بدایونی بسال یازده صد و پنجاہ و دو ہجری
ولادت یافتہ از مولوی محمد حبیب برادر بکلمان خود تحصیل علوم متداولہ نموده شرف بیعت از
حضرت شاہ سید آل احمد قادری مارہروی قدس سرہ حاصل ساختہ کامل و مکمل شد کہ بسال
دوازده صد و سی و پنج ہجری رحلت فرمود روح اللہ روحہ

مولوی عبدالحی دہلوی شاگرد دادا داد مولانا شاہ عبدالعزیز قدس سرہ العزیز از جملہ
سعادان نامی سید محمد مجاہد ساسے بطنی بود در فرقہ حنفی و سنگاہی کامل داشت رسالہ کلل یامی
و قنای متفرق از تالیف اوست تاریخ ہشتم شعبان روز یکشنبہ سال دوازده صد و چہل و
سہ ہجری بمعارضہ بجا سیر رحلت فرمود

مولوی عبدالحی فرنگی محلی ابن مولوی عبد کلیم ابن مولوی محمد امین از اولاد امجد اولا
قطب الدین سالوی بود کنیت ادا ابو الحسنات است بمقام بانہاد عشرہ اخیرہ و یقعدہ سال
شصت چہارم از صدی سیزدہم ہجری ولادت یافتہ از عنخ سالکی بحفظ قرآن مجید مشغول شدہ
برہ سالگی ازان فارغ گشت و جامع مسجد جنوب را ولادت تراویج کردہ در یازده سالگی بمذمت

والد خود تحصیل علوم متعارفہ آغاز نموده بہفتہ سالگی فارغ شدہ با فادہ طلبہ مجنب استاد
 مے پرداخت و کتب علم ریاضی از مولوی نعمت اللہ فرنگی علی خاں والد خود کہ از مہرہ آن علم بود
 تحصیل کردہ ہا والد ماجد شہنگامیکہ بحیدرآباد میرفت مولف اوراق بمقام ریلوان از دیدارش
 سرور شدہ وی بدان حال کہ صغر السن بود کاوت طبع وجودت حافظہ تہینش بمی در شہید
 و رحمتہ اللہ علیہ دومرتبہ زیارت حرمین شریفین زاد ہما اللہ شرفاً و تعظیماً مشرف و مہای
 گشتہ اولاً بسال دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری بمعیت والد خود و ثانیاً در سال دوازده صد و
 نود و دو ہجری داز سید احمد حلمان شیخ الشافعیہ مکہ معظمہ اجازت جمیع حاصل لدن الشیوخ
 و همچنین از والد خود یافتہ عالم از تعلیم و در شش فیضیاب گشت و بسے افاضل نامدار از سایہ
 دامن فیضانش برخاستند با کجملہ صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ کثیر الدرس و تصنیف بہان مرتبہ بود کہ
 صیت افاضہ و شاعت علومش در حیات وی اکناف عالم را گرفت قریب بہ محدویت رسید
 بہست و نہم ربیع الاول سال چہارم صدی چہار دہم ہجرت یوم دوشنبہ وقت طب بعارضہ مصرع
 بمقام لکھنؤ این جہان بی بود را پدید و فرمودہ ما بخاندون گوید جز دختر کی عقلی نگذاشت آن صبیہ
 دو صدر و پیہ ما ہوا از نظام حیدر آبادی یا بد سید عبدلعلی شرفی تخلص تاریخ فوتش چنین گفتہ
 ہاے مولانا محمد عبدی ہ شاد در خلد از میان ما برفت ہ آستانش سجدہ گاہ خلق بودہ قبلہ ہندوستان
 برفت ہ گفت شرفی مصرع سال وفات ہ دای استاد زمان ما برفت ایضاً از مولوی
 محمد سعید عظیم آبادی حسرت تخلص ہ کہ در حلت جناب عبدالحی بن فاضل لکھنوی فطین و ذکی
 گفت سال وفات او حسرت ہ شد فرنگی علی ز علم تہی تصانیفہ الراۃ عمدة الراۃ حاشیہ
 شرح دقایق مجموعہ حطب سالتامہ الفلک المشحون فی الانتفاع بالمہون ہ تہذیبہ الفکری سجدہ الذکر
 تحفہ الطلبہ فی تحقیق مسع الرقبہ ہ التبع و التکلیل فی الجرح و التعذیل ہ القول المجازم فی
 سقوط الحد بنکاح المحارم ہ القع المفتی و السائل جمیع متفرقات المسائل ہ الفلک الدوار فی روتہ
 اللال بالنہار ہ القول المنشور فی ہلال خیر الشہور ہ انا فصاح عن شہادہ المراقۃ فی الارض
 تحفہ البنلاء فی جماعۃ النساء ہ الکلام الجلیل فیما تعلق بالمندیل ہ الآجوبۃ الفاضلہ لاسولہ
 العشرۃ الکاملہ ہ التمسہ بنقص الوجود بالقسمہ ہ خیر الخیر فی اذان خیر البشر ہ سباحتہ

الفکر فی الجبر بالذکرۃ النافع الكبير لمن يطالع الجامع الصغیر رفع الستر عن كيفية ادخال الميت
وتوجيه اے القبلة فی القبر طرب النائل فی تراجم الافاضل بترویح الجنان تشیع حکم شرب الدخان
رورع الاخوان عن محدثات آخر جمیع رمضان بآکام النفایس فی اداء الاذکار فی لسان الفانس
دربر الناس علی انکار اثرا بن عباس بذالاضاف فی حکم الاعتکاف بامام الکلام فیما يتعلق بالقرأة
خلف الامام بن غیث الغمام بذالآثار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة بذافع الوسواس فی اثرا بن
عباس رساله احکام ضیبت اردو بذ نواید البیہ فی تراجم الخفیه بذ امتحان الطلبة فی تصنیف مشکوٰۃ
التبیان فی شرح المیزان بذ چهار گل در صرف خیر الکلام فی تصحیح کلام الملوک ملوک الکلام
ازالہ الجملہ فی اعرب الحمد بشکر الملک محمد در نحو بذایۃ الوری فی اسے لاول المدی تعلیق حاشیہ
غلام یحییٰ بر حاشیہ زاهدیہ قطبیہ بذ مصباح الدجی فی لوا المدی بذ نور المدی لحملہ لوا المدی بذ
علم المدی بذ حل الخلق فی تحقیق المجهول المطلق بذ الکلام المتین فی تحریر البراہین بذ میر المعیر فی
مبحث المثناة بالکریه الافادة الخطیرة فی بحث نسبتہ سبع عرض شیعہ بذ تعلیق العجیب محل
حاشیة الجلال علی التمهید بذ تکملة حاشیة والد خود بر نفسی بذ الہدیۃ المختارۃ شرح الرساله لبعضہ
در مناظرہ بذ القول بالاشرف فی الفتح عن المصنف بذ زجر ارباب الریان عن شرب الدخان بذ احکام
القطرہ فی احکام البسملة بذ غایۃ المقال فیما يتعلق بالنعال در علم فقہ بذ حسرة العالم لوفاة مرجع العالم
در ترجمہ والد خود عقادة الخیر فی الاستیاک بسواک الفخر بذ مقدمۃ الہدایہ بذ ندیلہ الہدایہ بذ تحقیق
العجیب فی التنبؤ بذ تحفۃ الاخبار فی احیاء منته سیدالابرار بذ الحجۃ علی ان الاکثار فی التعبید
یس بدقۃ بذ الکلام المہرور فی رد القول المنصور ہدایۃ المقتدین فی فتح المقتدین بذ وغیر ان از
تعلیقات متفرقة بر کتب متعددہ و سینودہ کتب دیگر اند کہ صاحب ترجمہ در رساله نافع کبیر سہی
انہما تحریر فرمودہ اسماء گرامی تلامذہ مولوی عبدالحی فرنگی علی کہ بعد تکمیل و فروع بمصول
سند متاخذہ مولوی عبد العزیز ساکن بھیر ضلع آٹم گتھ مولوے بدیع الزمان لکھنوی مولوی
وحید الزمان لکھنوی مولوے محمد عبدالاحد آہادی مولوے سید مرتضیٰ شیعی ساکن نونا پارہ
ضلع فاری پور مولوے عبد الباری ساکن نرگنسہ مولوے محمد حسین آہادی مولوی علی حیدر خان
ساکن خالص پور پگنہ بلخ آباد مولوے ساکن بلکیریم نجابے مولوے بشارت کریم

مولوی عبدالغفور سکنتہ رمضان پور مولوی عبدالغنی بہارے مولوی ذرا حسین ساکن محلی المین
نگر معنات بہار مولوی ابوالحسن مرحوم ترسہی مولوی عین القضاۃ حیدر آبادی مولوی
عبدالغنیہ فرنگی محلی مولوی نظام الدین فرنگی محلی مولوی عبدالرحمن ساکن صاحب گنج مولوی
حافظ محمد شعیب ولایتی مولوی اکبر خان مرحوم ولایتی مولوی محمد اسحاق ساکن ایٹھے
مولوی سلیمان ساکن چکوار سیلع عظیم آباد مولوی عبدالقادر ولایتی مولوی سید امین نصیر آبادے
مولوی محمد ہارون نصیر آبادی مولوی ظہور الاسلام فتحپوری مولوی لطیف الرحمن عظیم آبادے
مولوی نظام الحق عظیم آبادی مولوی محمد ابراہیم آہ آبادی مولوی محمد تقی اعظم گڑھی مولوی محمد تیر لکھنوی
مولوی شیر محمد ولایتی مولوی آزاد خان مرحوم مولوی عبدالغنی بہاری مولوی محمد یسین آردے
مولوی قادر بخش سہرامی مولوی محمد حسین نصیر آبادی عرف صاحب میان مولوی سید محمد
رسان کابلی مولوی عبد اللہ ساکن چاند پارہ سیلع عظیم گڑھی مولوی ابو الفضل محمد حفیظ اللہ ساکن بنڈی
سیلع عظیم گڑھی مولوی محمد عثمان ساکن چنارہ سیلع عظیم گڑھی مولوی امداد اللہ فرنگی محلی مولوی
عبدالماجد بہاگل پوری مولوی قاسم یار ساکن کڑ سیلع آلہ آباد مولوی سید اعجاز حسین ساکن بیوتی
مولوی محمد ثمان ساکن کہنڈ سیلع عظیم گڑھی کڈائی کنڑ البرکات صنفہ مولوی محمد حفیظ اللہ سابق
الذکر سلمہ اللہ کہ سند علمی در سال اخیر صدی سیزدہم از مولوی عبدالحی مرحوم یافتہ اند۔
مولوی عبدالرب فرنگی محلی سپر خرد مولانا عبدالعلی بجا العلوم از خرد سائے ہمراہ والد خود در
شاہجہان پور و رام پور و بہار و مدراس ماند و مولانا کوشش بلیغ در تعلیم و تدریس او نمود و کتب
درسیہ تمام و کمال باو تعلیم ساخت و شب و روز متکفل امور اومی بود و کلمہ مولانا اودا ہا موال
خطیر بفرض کتبی اش دانش بوطن فرستاد و بے لکھنؤ آمدہ از نکاح خود فارغ گردید و نہ کثیر کہ از مدراس
آوردہ بود ہمہ بہ فضوے و سر فری دی بر باد رفت کہ افلاک شش رونمود بعد وفات مولانا بجا العلوم
وے و برادر زادہ اش عبدالواحد مجدد اس رفتند چنانچہ تفصیل آن بذیل ترجمہ مولوی
عبدالواحد خواہد آمد آخر کار ترک تدریس کردہ بیا فتن دو صدر دہیہ از سرکار نواب مدراس
و یک صدر مقام دہلی و پنج دہیہ از سرکار انگریز معاوضہ جاگیر راضی شدہ تدریس مولوی عبدالواحد
سپردہ بہ لکھنؤ آمد و تاحیات خود علوفہ مذکورہ توسط رزیدنٹ لکھنؤ سے یافت

کنافۃ الاغصان الاربعہ

مولوی عبدالرب دہلوی جامع معقول و منقول ماہر فریغ و حصول کامل فنون علم و ادب
 حاوی اسرار لغت عرب کہ د عظم پرتا شیر شہرہ آفاق بود مسجد جامع بمقام سہارن پور بصرف زر کشیر
 تعمیر فرمودہ بہ ماہ محرم سال نهم صدی چہار دہم ہجری بمقام دہلی رحلت فرمود طالب اللہ ترازہ بیدل
 سہ سہری تاریخ و فائش چنین گفتہ قطعہ تاسیخ جناب مولوی عبدالرب آن بکہ وقت و غطول
 می شد شکارش بدورین ماہ محرم جان بحق شدہ زبے رحمت کہ بار و بر فرازش بد رقم زد سال رحلت

گلکس بیدل بدرد ایزدی بادا اشارش

مولوی عبدالرزاق فرنلی محلی ابن مولوی جمال الدین احمد بن مولوی علاء الدین فرنلی علی
 بسال دوازده صدوسی دہفت ہجری متولد شدہ چون ہشت سالہ گشت پدرش مولوی
 جمال الدین بمراس رفت و بمقتضای فطرت تحصیل علوم اشتغال نمود و اوائل از مولوی
 نور کریم دریا باوے کتب مختصرہ خواندہ بقیہ کتب بخدمت مفتی محمد صغرو مفتی محمد یوسف فرنلی محلی تکمیل
 فرمود و کتب درسیہ حدیث و تفسیر بخدمت مولوی حسین احمد طبع آبادی گذرانیدہ و تمامی کتب حدیث
 از ہذا حسن علی محدث لکھنوی قرات نمود زنان بعد جملہ کتب حدیث از حضرت ملا محمد حسن مدنی
 قرات نمود کہ مولوی حسین احمد و مرزا حسن علی مع دیگر محدثین سماعتش می فرمودند و کتب عقائد و سلوک
 و تصوف از مولوی عبدالوالی مرشد خود استفادہ نمودہ زنان بعد قرآن مجید در یکسال حفظ نمودہ بسال
 دوازده صد و پنجاہ و چہار ہجری فرغ کلی حاصل کرد و اجازت بیعت سلسلہ قادریہ و چشتیہ از مولوی
 عبدالوالی و نیز پدر خود یافتہ بعد وفات مرشد خود سلسلہ درس و تدریس منقطع فرمودہ اشتغال
 بیا حق شعار و تار خود ساخت درس سیزده صد و ہفت ہجری در او خرابہ صفر انتقال فرمودہ

در باغ مولوی انوار صاحب مدفون شدند

مولوی سید عبدالرحمن لکھنوی عالم متصوف بیعت و خلافت سلسلہ چشتیہ داشت و در
 مسجید پٹاٹن واقع بلکہ لکھنؤ مقیم بود و ہذا پنجا تاریخ ششم ذیقعدہ سن دوازده صد و پنجاہ و نہ ہجری
 وفات یافتہ در ضمن مسجید مذکور مدفون گردید روح اللہ روحہ وایشان عالم و خادم سادات و قانع
 و متوکل و عزت نشین بودند و رسالہ کلمۃ الحق و رسالہ کاسرۃ الاسنان در توحید از تصانیف

شان ہست و مولع و حلیص سرود و غنا بسیار بودند

مولوی عبدالرحمن ساکن قصبہ ہمدوی ضلع مرزا پور عالم شفی و اعظما رک الوطن کہ دوسری نارگھاٹ واقع شہر مرزا پور متوکلا نہ بسر می برد در سال دوازده صد و ہشتاد و پنج ہجری رحلت فرمود
مولانا عبد الرحیم دہلوی عمری نسب حنفی مذہب نقشبندی مشرب جامع فتون عقلی و نقلی حاوی علوم صلی و فرعی محدث بود از اخلاف امجاوش مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی و مولانا شاہ اہل اللہ دہلوی ہستند مع این خانہ تمام آفتاب است و دوازدهم صفر در سال یکہزار و یکصد و سی و یک ہجری وقت چاشت رحلت فرمود

مولوی عبد الرحیم صفی پوری ابن عبد الکرم صفی پوری دانشمند بتعمود علوم ادبیہ خطی و منسر داشت از تصانیف او شرح قصیدہ سبعہ معلقہ و غایۃ البتیان فی علم اللسان در بیان قواعد صرفیہ و المسالک البسیہ فی القواعد النحویہ و ضرورۃ الادیب فی المونث السامعی و فتی الارب فی کلام العرب ترجمہ قاموس در چہار جلد مشہور اند تاریخ و فائش معلوم نشد

مولانا عبد الرشید جونپوری ابن شیخ مصطفیٰ ابن عبد الحمید نقشب و شمس الحق بود شمسی تخلص مکرہ شاگرد شیخ فضل اللہ جونپوری و مرید پیر خود شیخ مصطفیٰ مرید شیخ محمد بن نظام الدین استیعوی قدس اللہ سرار ہم از اولیای کبار و علمای کرام بود و راو اہل حال بتدریس و افادہ علوم شغل داشتی و ان بعد ترک کردہ بمطالعہ کتب حقائق الکفا کرد و از اختلاط امر و اغنیاء اخرازی داشت شاہجہان بادشاہ اوصاف حمیدہ او شنیدہ مشتاق ملاقاتش گشت فرمان بہرست و کیلی بطلب و فرستاد مولانا قبول نکرد و از گوشہ عزلت پاس خود بیرون نہاد تصانیف مفیدہ دارد و بجلد آن رشیدیہ در منظرہ و زاد السالکین فی شرح اسرار الخلوۃ و رسالہ محکوم مربوط و حاشیہ شرح مختصر عضدی و حاشیہ فارسی بر کافیہ ابن حاجب و مقصود الطالبین و راوارد و دیکان شعر فارسی مشہور اند و حادثہ وفاتش یحییٰ بن مشہور است کہ بعد فراغ سنت فخر چون در فرض باغاک کردہ وقت گفتن تحریر طائر و خوش بآشیان جنت بسال کھزار و ہشتاد و سہ ہجری بہرہا ز نمود و اخلافتہ بمجموعۃ الجنان **مولوی محمد عبد السبحان** ابن شیخ محمد حسن سلکن احمد آباد نارہ فاضل علام حاجی بیت اللہ الحرام طبیب حاذق حامل قرآن از ہمدون شعور بصلاح و تقوی آراستہ بلکہ مولف اوراق میداند

که نابوغ تادقت اخیر صلوٰۃ فریضه از قوت نشده باشد و جمله علوم ظاهریه و باطنیه و خلافت
ارشاد از مولوی محمد الدین احمد آله آبادی حاصل نمود تمام عمر شریف به هدایت و ارشاد و بدین علوم
مثل استاد و خود بسریده مولوی عبد الحمید خلعت مولوی حمید حسین جوینوری و مولوی محمد
عبد الکاظمی برادرزاده صاحب ترجمه از شاگردان او شان صاحب استقواد و لیاقت موجود اند
منجمله کتب مصنفه شان رساله اسرار الصلوٰۃ قصه منظومه حضرت اسمعیل ۲ - قصه منظومه حضرت
سیلمان ۴ - التمدید فی وجوب التقلید - دلائل قاطعه در تحقیق فرقه ناجیه غیر المقله فی اذاته العجالة -
مطبوع شده شائع اند آخر کار بعرش صفت و سه سالگی تاریخ بست و یکم محرم الحرام یکم جمعه سال یک هزار
و سه صد و سه هجری بمقام آله آباد از دار فانی بعالم جاودانی رخت زندگی بر بست و در ملکاب باقی
مقره اهلایان و اکثره شاه اجل مرحوم است مدفون شد تعزیر الله له

ملا عبد السلام لا هندی شاگرد میر فتح الله شیرازی نقیه و مفسر خود از شاگردان وی ملا عبد السلام
ساکن قصبه دیوه مضان گفته مشهور است بر تفسیر بیضاوی حواشی برجسته و اندک بسال یک هزار و سی
و هفت هجری وفات یافته

قاضی عبد السلام بدایونی ابن عطاء الحق محدث و مفسر و تفسیر زاد الاخره منظوم بر زبان
آرد و قریب و ولکه شعر بسال و دوازده صد و چهل و چهار هجری تصنیف کرده از ناد الاخره سال
تا بیفش بر می آید در سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری ازین جهان فانی بعالم جاودا نه
شتافت نور الله مرقده

مولوی عبد السلام ساکن مسوه ابن سید شاه الیاقاسم نقشبندی ساکن قصبه مسوه
که متصل فتح پور است در سال دوازده صد و سی و چهار هجری ولادت یافته نام تاریخی او سید
رماض الحسن مردی شفی بود که از بدو سن شعور و سع و تقوی را و آثار خود کرده بعد حفظ قرآن ابتداء اکثر
کتب و رسید از عم خود مولوی سراج الدین احمد خوانده بعد از مولوی معین الدین کروی و
مولوی محمد معین که نوی و غیره تکمیل نموده و سند صحاح سته از مولانا شاه عبد الغنی دهلوی گرفت
در سال دوازده صد و شصت و یک هجری فراغ علمی حاصل نمود و خدمت شاه احمد سعید خجود
بیعت و خلافت سلسله نقشبندیه یافته و در سن دوازده صد و هشتاد و دو هجری مشرف

شیخ اکبر و زیارت روضه منوره شده در آنجا از شیخ احمد و علان کی شافعی تکمیل حدیث نمود با فاده و انا
 خلاق می پرداخت بهار فقه و نبل در ماه شوال سال دوازده صد و نود و نه هجری رحلت فرموده
 شیخ محمد علی طلیق تخلص ساکن قصبه بسوه در فقه نور الله تریبته تاریخ وفاتش یافت
 ملا عبدالشکور تیلو کشمیری از علمای نامدار صاحب درج و تقوی بود پیش فاجه حیدر چرخ
 و غیره علمای وقت نموده به تدریس منقولات اشتغال داشت آمدنگ ریب مالگیر پادشاه
 زرگیر که جنت قوت علمای کشمیر فرستاده بود آنان چیزی قبول نکرده سال سیزدهم از صد
 دوازدهم هجری رحلت فرمود ملا محمد شرف شاگرد و استاد داده او قصیده عربی در مرثیه او گفت
 در آن قصیده ماده تاریخ وفاتش چنین یافت
 لامات بوقاته علما

قاضی عبدالصمد چیلکوتی ابن قاضی ابوالحسن بن ملا محمد ماه بن قاضی منصور عباسی طبعی
 و ذهنی صافی داشت بعد تحصیل علوم از پدر دانش آموز برای حصول سند قضا که منصب مورد
 او بود حکم پدر برادر گوار بدلی شافعه در آنجا کج علما و فضل و کمال امتیاز یافته تا آنکه ارکان شایسته
 ویران فقه و اصول و دیگر علوم منقول و معقول یگانه دیدند و حکم محمد شاه فرماندای شاهجهان آباد
 بمنصب قضای برگزیده چیلکوت و دیگر مقامات پسندیدند و گرا در حتمه الله علیه قضای برگزیده خود که آگاهی
 کرامش از عهد قدیم بران مامور بودند قبول فرمود و دیگر مقامات را به مستحقان قدیم ارزانی نمود و از بدلی
 بچیلکوت مراجعت کرد و در خوبی فصل خصومات و حسن تعلیم فنون در سیه گنج نیکنامی بدست آورد
 یگانه آفاق حافظ محمد اسحاق از تلامذۀ او است صاحب ترجمه علیه الرحمه در سال هفتاد و یکم از صدی
 دوازدهم هجرت درگذشت قاضی منصف ماده تاریخ وفاتش یافته اند رحمته الله علیه و علی اسلافه
 شیخ عبدالعزیز دهلوی ابن حسن بن طاهر جوینوری از مشاییر مشایخ چشتیه و از اکابر علمای
 صوفیه صافیة رضوان الله علیه مظهر معرفت و محبت و معلوم شریعت و طریقت و حقیقت عالم بود
 و بساط و تواجد و وظیفه داشت مرید پدر خود شیخ حسن بود همواره معتکف بودی و کجایست روای
 خلاق کوشش بلیغ نمودی و در علوم ظاهری هم کامل بود و تفسیر عرائس و محارفات و نصوص حکم
 و شروحش بتلامذه درس گفتی و صاحب تصانیف مشهوره است از جمله رساله عینییه است که در مقابل
 رساله غیره شیخ امان پانی پتی نوشته و بسیاری از رسائل فاضله و جدت وجود موافق کشف

ابن ہب شہود و انجا مذکور شدہ ملا عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ نیز از بعض کتب و رسائل تصوف استعمال و استفادہ نموده و سی رحمتہ اعلیٰ علیہ در جو نہر بسال ہشت صد و نو و ہشت ہجری متولد شدہ بعمر یک و نیم سالگی ہمراہ والد خود بدلی تشریف آورده تاریخ ششم جمادی الاخری سن ہصد و ہفتاد و پنج ہجری شہباز و خوش باورج بقایہ و از نمود قطب طریقت مانند مادہ تاریخ فوٹش یافتہ اند و چون مشارالہ در تصانیف و مکاتیب خود از زہنا جیر عبد العزیز بنی نوشتہ اند زہنا جیر نیز تاریخ رحلتش یافتہ می شود

مولانا عبد العزیز دہلوی ابن مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی در سال یازدہ صد و پنجا و نہ ہجری ولادت یافتہ و بہ غلام حلیم اکم تاریخی موسوم گشت و بعمر یازدہ سالگی خدمت والد ماجد خود را تحصیل علوم عقلیہ و نقلیہ و تکمیل کمالات خفیہ و جلیہ فارغ شدہ بعد بہ بزرگوار شکیاریکہ درس دارشاد گردید بالجمہ وی جامع علوم ملکوتی از آیات الہی بود ہر پنجہ در توفیقش خاتمہ و زبان بہتر از دشتی است از خرداری و امنکی است از بسیاری رسالہ سرالشاہدین و لیسان محدثین تخطہ اثنا عشریہ و حجابہ نافعہ و فتح العزیز تفسیر سورہ بقرہ دوبارہ اخیر قرآن مجید از تصانیف شہیرہ و نہ ہفتم شوال سال دوازده صد و سی و نہ ہجری ازین جہان بے بنیان بعالم جاودان رحلت فرمود شاعر تاریخ فوٹش چنین گفته **سے** بے سرو پا گشتہ اند از دست بیداد اجل مفضل دین لطف و کرم فضل و ہنر علم و عمل

ملا عبد علی بحر العلوم لکھنوی ابن ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین الشہید السہلوی دسا و اخر عمر ہر راجہ و آمدہ بعمر پختہ سالگی از جملہ کتب درسیہ و علوم متعارفہ خدمت پدر بزرگوار فرارغ حاصل نموده بعدہ پدرش بہمان سال رتخال فرمود بعد وفات پدر بمطالعہ کتب معقولہ منقولہ مشغول گشت و مطالب عامضہ خدمت ملاکمال الدین کہ تلمیذ خاص پدرش بود پیش می کرد و را داخل حال صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ راسا و عظیم بوٹش لکھنوی پیش آمدہ کہ بدان سبب روانہ شاہجہان پور گشت حافظ الملک حافظ رحمت خان رئیس آن شہر قدس را منقعات شمرده باغرازا واکرام تمام پیش آمدہ و بہ معقول برای مصارف و سہ و مقر ساخت تاحیات حافظ الملک ہمدا انجا مقیم بودہ بتدریس طلبہ اشتغال و ہشت بعد گشتہ شدن حافظ الملک مرحوم نواب

فیض اللہ خان رئیس رامپور ملای موصوف را برامپور برود و راجا نیز بہ تعلیم و تدریس مشغول بود
لیکن بوجہ قلت کفایت مولانا برخواستہ خاطر می بود کہ درین اثنا نشی صدرالدین بہاری و سہ را
برای تدریس مدرسہ خود کہ در بہار بنا نمادہ بود خرج معتد بہ فرستادہ طلبیدہ چنانچہ ملا عبد العلی
ادراپور جانب بہار روانہ شدہ در اثنای راہ از رای بریلی ملا از ہارالحق را کہ در راجا مقیم بود ہمراہ
خود بہ بہار بردنشی صدرالدین باغ از واکرام پیش آمدہ چہار صدر و بیہ ماہوار برای ذات فاضل
مولانا و یک صدر و بیہ ماہوار برای ملا از ہارالحق علاوہ مصارف طلبہ مقصد رکردہ داد
بدین در انجاردلوقی افزودہ ساوۃ تدریس ماند بعد چندی مقرران وقت در میان وسے و
نشی صدرالدین رنجشی پیدا کرد و ملا ناخام ہم بہ خواستہ خاطر گردید این خبر بہ نواب دالاجہ محمد علی خان
رئیس کرناٹک وغیرہ رسید خطی بطلب مولانا مع خرج بخشدنش فرستاد کہ مولانا را مدرس
شد چون انجا رسید نواب موصوف مع عزیزان دامیلان استقبالش نمودہ باغ از تمام بہ نخل خود
برد و مدرسہ کلاں بنا نمودہ مولانا و سان مدرسہ بتدریس طلبہ مشغول گشت و از سر کار نواب
موصوف بحر العلوم خطاب یافت بعد وفات نواب محمد علی خان پسرش عمدۃ الامراء بعد از عظیم الدولہ
نبیرۃ محمد علی خان بر مسند ریاست نشستند و مکر مولانا بہ ہشتاد و سہ سالگی رسیدہ بجوارض جسمانی
بتلا گشتہ و دوازدم رجب سال دوازده صد و سی و پنج ہجری رحلت فرمودہ در مداس
مدفون گشت بجایش مولوی علاء الدین کہ شاگرد و دامادش بود مقرر گردید تصانیف الشیخۃ
ارکان اربعہ و اصول فقہ و حاشیہ بر میرزا ہر سالہ و حاشیہ زاہدہ بر شرح تہذیب
جلالیہ و حاشیہ ثلاثہ بر حاشیہ زاہدہ امور عامہ جدیدہ و قدیمیہ و شرح سلم مع حافیہ منہیہ و مجال نامہ
مع منہیہ و قولہ الرحمت فخر مسلم الثبوت و تکملہ بر شرح علا نظام الدین بر غریب این ہمام و تنویر
الابصار شرح فارسی مناد و حاشیہ بر شرح صدرای شیرازی و شرح شتوی مولانا روم و
شرح فقہ اکبر و ہایۃ العرف و رسالہ در احوال قیامت و رسالہ توحید وغیرہ

مولوی عبد العلی فرنلی محلی بابو تاپ شہرت داشت پسر چہارم مولوی عبد الجبار بن
مولوی محمد نافع ابن مولوی عبد العلی بحر العلوم است بعد حفظ قرآن مجید جملہ کتب درسیہ تحصیل کردہ
خانہ فرارغ خواند صاحب استعداد و مرید مولوی عبد الوالی فرنلی محلی بود و درس سے داد و

مین شباب بجا رخصه سل و دوق بتلا شده بتاریخ دهم جمادی الاول سال دوازده صد و نود و دو
هجری لادله لکھنؤ وفات یافت رحمه الله

مولوی حافظ عبدعلی نگرانی در سال دوازده صد و سی و دو هجری به قصه نگرام

مضافات لکھنؤ متولد شده در اوائل کتب مروجہ و رسبہ از خال خود مولوی حافظ علیم الله نگرانی
تحصیل کرده پس ازان به لکھنؤ رفته از چند علمای وقت مستفید شده فاتحہ فارغ علمی پیش مولوی
الور علی لکھنوی خواند و مهارت جمله علوم ظاہریہ از حافظ علیم الله سابق الذکر عن مرزا حسن علی محدث
لکھنوی عن مولانا شاه عبدالمعز نودہلوی یافته مرید قاضی سید عبدالکریم بریلوی بود و از شاه گلزار
کشتی خلیفہ قاضی محمود تلقین و اجازت جمله خاندانہای طریقت حاصل کرده آسامی کتب
مؤلفہ صاحب ترجمہ اینست تفسیر آیات الاحکام رد المبتدعین تحقیق الامور فی الفاتحہ والتذکر
التحریر فی الامیر اسکین المسلول علی من انکر کون مسح الرقبہ من سنتہ الرسول - تحقیق فی المولد و
القیام - تور الایمان فی تأیید مذہب النعمان - البیواقیات اللطیفہ فی تأیید مذہب ابی حنیفہ
رسالہ در باب حفاظ شیعہ - ہدایہ الانام الی ثمرۃ المسلیح العظام - رسالہ تقریر حق - رسالہ مولد شریف
مسودہ و اوراق درس دوازده صد و شصت و چهار ہجری بمقام لکھنؤ بہ خدمت صاحب ترجمہ
مشرق شد بعدی خلیق و نکسر النفس یافت خدائیش بیادزد واقع شب بخت و ہشتم ماہ شوال
سال ہزار و صد و نود و شش ہجری رحلت فرمود بہ نگرام مدفون گشت انا لله وانا الیہ باجوت
نگرام بنون مفتوح و کاف فارسی ساکن و رای مہملہ مفتوحہ و الف و میم موقوف -

مولوی عبدعلی خان رام پوری ابن ملا محمد عمران بن ملا محمد غفران رام پوری مشرف
تلمذ بہ خدمت ہماچہ خود یافته حافظ و قاضی بود در سن دوازده صد و نود و ہفت ہجری رحلت فرمود
مولوی عبدعلی قنوجی ابن مولوی علی مہر قنوجی شاگرد برادر خود مولوی رستم علی قنوجی عالم علوم
عقلیہ و نقلیہ بود حاشیہ شرح منار در اصول فقہ از تصانیف اوست بموضع بندگی متصل کوڑا
جہان آباد ضلع فتح پور مسودہ رحلت فرمود سال فوتش معلوم نہ شد

مولوی عبدعلی اسلام آبادی ابن منت علی از شرفای اہل اسلام چالکام بہت برہنہ شہید و مشہور
دوازده صد و شصت و دو ہجری ولادت یافته کتب درسیہ فارسیہ پیش سائندہ وقت گذرانیدہ و بعد

چھارہ سالگی میزان الحرف آغاز کردہ مدت نہ ماہ اردو رس مجموعہ صرف و نحو فارغ شدہ بکلمتہ ششست و ہر رس سرکار انگیزی معمور شدہ طرح الکتاب علوم انداخت و ہر سالی از جامعہ جمعی بجامعی ترقی می شد و اساتذہ ہر جماعت بر شفقہما ارزانی داشتند تا بزجمع مائلان خود گوی بسقت می بلود و بیا فتن انعام مباحی می گشت و در اثنا تحصیل علوم متداولہ اہل اسلام بزبان انگریزی ہم مہارت معتد بہ پیدا کرد و ہمداران مدرسہ بمنصب مدرس زبان فارسی مقرر شد الحال عربی پروفیسر مدرسہ ہوگی است سلمہ اللہ تعالی کتاب محیقہ الاعمال و مرآۃ الاحوال محنفہ او مشتی است از خرواری و طلیست از طوارس

اسلام آباد نام چاکگام مضاف ممالک بنگال است

ملا عبد الغفور لاہوری لقب ارضی الدین از عمدہ ترین تلامذہ مولانا عبد الرحمن جاسے قدس سرہ السامی بود حاشیہ فائدہ ضیائیہ بہ متانت تمام نوشتہ کہ تکملات ملا عبد الحکیم سیالکوٹی نمودہ است در سن نصد و دوازده ہجری جان بجان آفرین سپہر خطاب اللہ شراہ -

شیخ عبد الغفور اعظم پوری از علمائے مشاہیر وقت مرید شاہ عبد القدوس حشتی صاحب کمالات صوری و معنوی بود در متابعت حضرت ختمی پناہ صلعم توفیقی رفیق داشت اکثر اوقات درس علوم دینیہ فرمودی بحسن صورت و خوبی سیرت سرآمد اہل زمان بود مرید گرفتہ خلائق و حافظ و نصیحت فرمودی در تصوف رسائل متعدده نوشتہ چون عمرش بیدایہ ابناء الثمانین عتقا اللہ قدم نہاد بسال نصد و ہشتاد و پنج ہجری بدرا البقار حلت فرمودہ باعظم پور مدفون گشت اعظم اللہ شاد اعظم پور قصبہ ایست از توالج سنبھل

شیخ عبد الغنی بدایونی از علمائے صوفیہ قدس اللہ اسراریم در ترک دنیا اہم وقت و دو تجربہ شبلی رودگار بود با دلائل کہ طلب علم در بدایون میکرد حال بد غالب می آمد حیا ناکی پاس کم و بیش در عین سبق خوانی از شنیدن نغمہ بے شعوری ماند با جملہ بنا بر بعضی علایق کہ سربراہ طالبان آگاہ میگردد در راہ خدا کہ رہزنانندہ آن راہ زنان ہمین زنانندہ در طلب کفایت بدہلی رفت و کلامت تمارخان حاکم آنجا کہ در لباس اہل جاہ اتاہل شد بود رسید و ارادت بشیخ عبد العزیز دہلوی آورد و تحصیل تمام کتب متعارفہ و متداولہ در خدمتش نمود و سالہا درس گفت بیکبارہ جذبہ عنایت ازلی گریبانگیر او شد و از ہمہ اشتغال برآمدہ چند گاہ در خانقاہ شیخ خود در سلک درویشان

مقابل انتظام یافتہ بہ مجاہدت دریا صنت اشتغال گرفتہ بعد از تحصیل کمال بیرون از آبادانے بجانب قدما گاہ حضرت رسالت پناہ صلعم در مسجدی کہ مشہور بمسجد خان جہان بہت سکونت و در زیم پیوستہ با عتکاف سے گذرانید و بانگہ عیال بسیار داشت راہ سلوک را بقدم توکل می سپرد چون در سن یکتر و سہ ہجری خانخانان بخدمتش رسیدہ التماس نصیحتی نمود فرمود کہ تا بلع سنت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم لازم گیر

مولوی عبدالغنی دہلوی ابن ابوسعید العمری ماہ شعبان سال دوازده صد و سی و پنج ہجری در دہلی متولد شدہ اولاً حفظ قرآن مجید نمود بعد از والد خود مولوی شاہ ابوسعید و مولوی مخصوص الشاہ ابن مولانا رفیع الدین دہلوی و مولوی محمد اسحاق دختر زادہ مولانا عبدالغفر و شیخ محمد عابد سندی و شیخ ابوزاہد اسمعیل رومی اخذ علوم کردہ بدرس حدیث مشغول گشت مرید و خلیفہ والد خود بود و وسیلے بر سنن ابن ماجہ تالیف نمودہ نامش از نجاح الحاج بہت علاوہ آن دیگر مؤلفات دارد بعد بغاوت و تسلط انگلیزان بدہلی بکہ معظمہ رفتہ و از آنجا بحدیث منورہ رخت اقامت انداخت ہمدان بقعہ تبرکہ ماہ محرم سال دوازده صد و نو و شش ہجری رحلت فرمود قطعہ تاریخ وفات شاہ عبدالغنی و حیدر خان بہ تلاش علم و عدالت با شدہ سال نقل شدیم از ہاتف بہترین محدثین ای آہ مولوی سید عبدالفتاح گلشن آبادی ابن سید عبداللہ حسینی مصلوات لقویہ ساکن گلشن آباد عتہ ناسک عالم با عمل فضل اجل بخدمات موالی وقت مثل سید میان سورتی و مولوی شاہ عالم ساکن ہرودہ و مولوی بشارت اللہ کابلی و ملا عبدالقیوم کابلی مفتی عبدالقادر تھادی خلیل الرحمن ساکن مصطفی آباد عرف بامیر دہلوی و مولوی فضل رسول بایونی و مولوی محمد اکبر کشمیری و علم ابراہیم باکظہ تحصیل علوم متعارفہ و متداولہ نمودہ در سن دوازده صد و شصت و چہار ہجری بعد امتحان سندانقا یافتہ در سال دوازده صد و ہفتاد و یک ہجری بہ منصب افتاد عدالت ضلع خاندیس ہمتا گذشت و در سال دوازده صد و ہشتاد و چہار ہجری بدرسمہ انفلکشن واقع بندر بمبئی مدرس عربی و فارسی شدہ اکنون از سرکار انگلشیہ پنشن یافتہ بوطن مالوفت خود مقیم اند و نیز از سرکار سابق الذکر بہ خطاب جسٹس آف پیس و خان بہادر معزز و مہارہی بہت مام بندر بس و موعظت و تالیف کتب مفیدہ اوقات عزیزش بسرے برد

سلمه الله تعالی مولوی سید نظام الدین و شیخ قطب الدین وقاضی سید یحیی میان خان سیستانی تلمذانده و نیز
 و میراد و فرزندان چند هستند مولوی سید امام الدین احمد و سید سراج الدین محمد رقاباها الله مدبرج العلوم
تصانیف الاثنیقه - تحفه محمدیه فی رد و بایه تأیید الحق جامع الفتاوی در چهار جلد مخزنه العلوم در
 جلد فارسی آموز و حصه - تشریح الحروف فارسی مخزنه دانش کلید دانش فارسی کلید دانش حشر
 اشرف القوانين بمصادر الافعال - تجامع الاسماء لتعليم اللسان - تحفه المقال - اشرف الانشا
 جغرافیه عالم - باقیات الصالحات - دیوان اشرف الاشعار - رحمة للعالمین - تاریخ روم
 تاریخ اولیا و غیره

مولوی شاه عبدالقادر بدایونی ابن مولوی شاه معین الحق فضل رسول بدایونی ولادت
 شان در هجرتهم رجب سال دوازده صد و پنجاه و سه هجری علی صاحبها الصلوٰه والسلام فتوح
 یافته مظهر حق نام تاریخی و لیست اللهم اجعل کاسمه الشریف اکثر کتب در سیبش مولوی نور احمد بدایونی
 و بعض کتب همچو تشریح سلم العلوم و تشریح اشارات و محاکمات و غیره بخدمت مولانا افضل حق خیر آباد
 گذرانیده مشاایه بین الاقران گشت و بشرف بیعت و خلافت از والد خود سعادت اندوز گردید
 و بایامی والد خود هنگام زیارت حسین شریفین زادها اهل تشریفاً بخدمت شیخ الفقها والمحدثین مولانا
 شیخ جمال عمر کی اخذ حدیث فرموده با فادّه علوم دینی و تالیف کتب دینی می پرداختند
 رساله حسن الکلام فی تحقیق عقائد الاسلام بزبان عربی و رساله سیف الاسلام بلسان علمی المنلح
 بعمل مولود و اقام بزبان فارسی و رساله حقیقه الشفاعه علی اهل السنه و الجماعة و شفاعه السائل
 بتحقیق المسائل مشتمل بر جواب دو صد سوال در فقه و عقاید و دیوان عربی در لغت شریف نبوی
 حلیم که در اثنا می راه سفر مدینه طیبه مشتمل بر ذکر آثار خیر الامصار مستوح فاطر عالم شده از تصانیف
 شان مرغوب اهل العلم اندا سوای مذکور الصد و دیگر کتب و رسائل زیر تالیف اندا اللهم تمها با تحفه
 الغرض ذات جامع البرکات حضرت سابق الصفات از غفتمات توان شمر و اللهم زد علی معالیه
 و بارک فی ایامه و لیلیه خصوصاً امدادیکه و تالیف این کتاب بپنجهان از اجتناب رسید ادای شکر
 آن بقول شخصی **اگر بر موی تن گوشت با نم** با ادای شکر او کی می توانم با تاگزیر بدین فقره دعا کنم
 بحکم کلام می نمایم عمر الله الوقت بحیاته و افاض علیه بحال سیاته

شیخ عبد القادر پنهانی ثم الملکی بن شیخ ابوبکر مفتی مکہ معظمه از احاد شیخ محمد طاهر پنهانی فصیح و بلیغ
 و دانشمند جید و فقیه مستند بود کتاب علوم از شیخ عبدالقادر انصاری ملکی شافعی کرده از تصانیف شریفه
 او تعدادی در چهار جلد و مجموعه المنشآت مشهور است در یازده صد و هشتاد و سه هجری رحلت فرموده
 شاه عبد القادر و رنگ آبادی تخلص مهربان معروف به فزنی سلس از سادات نقویه
 نیشاپور است بعضی اسلافش از آنجا به قصبه کهنه مضافات لکنو آمدند و الدراجش شرف الدین خان
 به ابدنگ آباد وارد شده قاضی بلده رودنه گردید و در آنجا صاحب ترجمه در سال یازده صد و چهل
 و سه هجری متولد شده حفظ قرآن مجید و کتاب علوم عقلیه و نقلیه کرده بتدریس می پرداخت و
 خرقه قادریه در برداشت در شاعری شاگرد غلام علی آزاد بلگرامی پوهام عمر شریفش در هدایت ارشاد
 بسر کرد و در آخر صدی دوازدهم بدراس رفت نواب و الیجاه رئیس آن دیار به بزرگی و حسن عقیده
 بوی پیش آمده تا آنجا در سال دوازده صد و چهار هجری وفات یافته و در خانقاه واقع قصبه میلاپور
 مضاف مدراس مدفون گردید

مولوی عبدالقادر لکنوی ابن شیخ سلطان از اولاد مولانا قطب الدین محدث ابن مولانا
 خضر محدث مردی بود بزرگ بغایت متقی از دنیا زیاده بر قدر مایحتاج اختیار نکردی و از محاصل خود
 مدد معاش که قریب موضع کسمندی پرگنه بلخ آباد بود صرف مایحتاج خود و فقرای ساخت چون در بلخ
 فطرتش نشاء تقوی و در ع غالب بود و روانه قدم در ساحت کسب علوم گذاشت و حاجا بخصوصا
 به بلده لاہور تحصیل تکمیل علوم نموده کرم به عمل شده با برکت و کرامت بوطن مالون لکنو معاودت
 فرمودی و در زمان خود بفضل و علم مشارالیه اقران بود و عاودت معموده داشت که بعد فارغش تا که
 مردم بیداری بودند می خسبید چون مردم می خفتند او بر خاستی و تا با سادین بازو اشغال باطن مشغول بود
 بعد نماز داشت تعلیم و افاده طلبی پرداخت تا چهل سال برسد و بس و افاده جلد داشت شیخ پیر محمد
 لکنوی و اکثر علمای شهر و جوار از تلامذہ و یند صاحب ترجمه چهار خلف الصدق خود گذاشته
 رحلت فرمود سال رحلتش دریافت نشده غالباً در او اسط صدی یازدهم بوده باشد مرقدش در

لکنو بجوار خانه ولیست بر و الله مضجعہ

مولوی عبد القادر سلطی ابن مولوی ابوالنصر محمد ادریس صدر الصمد و ابن مولوی ابوالسعید

محمد محمود ندیم نواب مرشد آباد الملقب بجاقب محمود بن مولوی محمد کلیم خلیفہ مرزا منظر حاجان قدس سرہ
 ابن محمد رفیع بن محمد صالح بن عبد الکریم فاروقی مدنی ثم الہروی ثم النہدی البجالی السطی کنیت دکن
 ابو محمد است علوم متعارفہ بخدمت مولوی رمضان اللہ کتاب کردہ وی تلمیذ مولوی فضل الرحمن
 قاضی القضاات شاگرد مولوی غلام سبحان قاضی القضاة بنگال دوی شاگرد مولوی عظیم الدین تلمیذ مولانا عبد علی
 بحر العلوم بود صاحب ترجمہ شام و پگاہ خود بدرس علوم و تصانیف بسری بر پنج کتب مصنفہ او کہ نظر اقم الحدود
 گذشتند رسالہ رد المعقول در رد فرقہ دہابیہ و الفوائد القادریہ فی شرح العقائد النسفیۃ الجوامع لقادریہ
 در عقائد اہل سنت و آلہ الزاہری فی شرح الفقہ الاکبر مشہور اند سلمہ اللہ تعالیٰ
 شیخ عبد لقاد احمد آبادی بن عبد اللہ العیدروس منہنی حضر موتی ہندی کنیت او ابو بکر لقبش
 محی الدین بود بروز پنجشنبہ بستم بریج الاول سال ہنصد و ہفتاد و ہشت ہجری در احمد آباد ہجرات
 متولہ شدہ بخدمت علمای وقت کتاب علوم نمودہ دانشمند بتجربہ کشت و علوم عجیبہ و فنون غریبہ
 بتصانیف و تالیف شائع کرد کہ از ویادگار اند و سال ہزار دسی و ہشت ہجری در احمد آباد رحلت
 فرمود **تصانیفہ الفتوحات القدسیہ فی الخرقۃ العیدروسیہ الحمدائق الخضرۃ فی سیرۃ النبی و صحابہ**
العشرۃ المنتخب لمصطفیٰ بن مولد المصطفیٰ الدراشمین فی بیان المہم من الدین اتحاف الحضرة الغزنیہ
 بعیون السیرۃ الوجیزہ المنہاج الی معرفۃ المعراج الامنوزج اللطیف فی اہل بدر الشریف
 اسباب النجاة والنجاح فی اذکار المساءر والصلحائح النجاشی الرشیقة علی العودۃ الوثیقة المنع البارک
 بحکم البخاری تعریف الاحیاء بفضل ال الانبیاء عند اللال بفضل ال لال بقیۃ المستفیہ شرح تحفۃ المرید
 النغمۃ العنبریۃ فی شرح تبیین العنبریۃ غایۃ القرب فی شرح نہایۃ المطلب اتحاف اخوان الصفا بشرح
 تحفۃ الطرف اصدق العرفا بحق الاخاء النور السافر فی اخبار القرن العاشر و غیرہ و غیرہ
 مولانا عبد لقاد دہلوی ابن مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی و تفسیر و حدیث و فقہ
 شانی بلند داشت موضح القرآن ترجمہ قرآن مجید بزبان اردو بکمال فصاحت تحریر فرمود کہ بہار
 مادہ اردو و حقنی نیست ہنم رجب سال دوازدہ صد و چیل و دو ہجری رحلت فرمود
 مولوی عبد لقاد و سنیدی ابن مولوی شاہ جمیل الدین بن مولوی ظہر علی ابن مولوی صغر علی
 بن مولوی حمد اللہ سنیدی نوزدہم محرم سال دوازدہ صد و سی و چهار ہجری یوم پنجشنبہ در قصبہ سنیدی

مولد شده از حافظ مولوی شوکت علی سندیلی و مولوی سید فقیه الله سندیلی و مولوی عبدالحکیم فرنگی علی
 و مولوی تراجعلی لکھنوی اکتساب علوم متعارف نموده فراغ علمی حاصل ساخت و مرید والد خود بود و بمقامات
 ناگزیر و جهانی و غیره بذریعہ لوکری تعلیم قیام داشت بسیاری از طلبہ از دستفید شدند واقع
 نوزدهم ذیحجه سن دوازده صد و هفتاد و دو هجری وفات یافته قریب مزار والد خود پیش
 دروازه مدفون گشت

ملا عبد القادر بدایونی ابن بلوک شاه اناکار بلبله بدایون شاکر شیخ مبارکنا گوری بفضل و
 کمال متصف بود بملازمان ابر شاه مسلک شده در محفل خلوت بار داشت اکثر انتخاب ترجمه کتب هند
 ناموری شد کتاب راجان افسر سی ترجمه کرده و تاریخ کشمیر منتخب نموده در تاریخ گوئی مهارتی وافر داشت
 کتاب منتخب تاریخ که از تاریخ بدایونی نیز برگزیده بر حق گوئی و فضل و کمال او دلیل است واضح کتاب
 مذکور به تاریخ بست و سوم جمادی الثانی سال یک هزار و چهار هجری اتمام پذیرفته تاریخ اتمامش صاحب
 ترجمه چنین یافته قطعه شکر شده که با تمام سید منتخب زکرم ربانی بیست سال تاریخ زول جسم و گفت با انتخابی
 که در روایتی به مرد و زانی و در حرف اندیک یون که ثانی حرف اول است دوم یای مثانه تحتانی که ثانی
 حرف آخر است چون اعداد و حرف مذکور که شصت اند از نظر انتخابی خارج شوند سال اتمام کتاب
 بر می آید ترجمه سنگاسن بیسی موسوم بنامه خرد افرازان تاریخ ترجمه می بر آید نیز از صناعت او است
 شیخ عبد القدوس لکناوی صاحب علم و عمل از اکابر علمای صوفیه صافیه مرید شیخ محمد بن شیخ
 عارف بن شیخ احمد غلام محی الدولی بود و اعتقاد کامل بر وحدانیت شیخ احمد عبدالحی و دولوی داشت
 کتاب انوار العیون قریب هفت فن از تصانیف اوست در سال نهصد و چهل و پنج هجری
 رحلت فرمود رضی الله عنه

مولوی عبد القدوس فرنگی علی پسر اکبر مفتی محمد یعقوب بن ملا عبد العزیز حافظ قرآن بود کتب
 معقول از پدر خود و کتب منقول از ملا محمد حسن تحصیل کرده جامع معقول و منقول شد و به تعلیم و
 تدریس می پرداخت و از وفات پسر خود عبد السلام که استعدا ثوب و خط مرغوب داشت
 رنجما کشیده وفات یافت

ملا عبد الحکیم کاکوری ابن حافظ شهاب الدین ابن شیخ بهکاسی کاکوری بموخره سالگی

از کتب درسیه فراغ یافته بطور سیاحت بدلی رسید و بزار فاضل انوار خواجہ قطب الدین او شے
چندی مراقب بوده بخلق خواجہ باقی بائند قدس سرہ نیز نشستہ بکوری تشریف آورده عمر گرامیہ بہار
دارشا د خلایق و اذکار باطنی بسرے برد تا کہ بر حمت حق پیوست سال وفاتش بدیافت رسید
حاجی عبدالکریم لاہوری عالم باعلی فاضل بی بدل مرید شیخ نظام الدین بلخی بود شرح فصول حکم
فلسفی و اسرار عجیبہ در بیان ذکر و شغل چشتیہ از تصانیف اوست در سال یکہزار و چہل و پنج ہجری
ازین جہان رحلت کرد علیہ الرحمۃ و الغفران

ملا عبدلکریم پشاورى ابن ملا درويزہ پشاورى باخوند کریم و اوست شهرت داشت علوم ظاہر و باطن
از والد ماجد خود اخذ کردہ محقق افغانستان گشت فاضل صوفی مشرب بود و از میر سید علی نقی اول خرقہ
خلافت یافته دی صاحب شریعت و طریقت بود کتاب مخزن الاسلام از تصانیف اوست از خواجہ
او منقول است کہ وی ہر شب یک جزو کاغذ سفید بچرخہ خود می برد و بغیرہ دشنی چراغ و غیرہ تحریر فرمودہ
علی الصبح یا ایلان خود میداد تا آنکہ کتاب مذکور با ختم تمام رسید در سال ہزار و ہفتاد و دو ہجری وفات
یافته بجلالہ پوسف زئی مدفون گشت

قاضی سید عبدلکریم رای بریلوی ابن سید محمد مقیم رئیس قدیم رای بریلی کہ جدا مدیش قاضی
محمد آصف صوفی نگرانی بود کلیہ علم و عمل آراستہ و بصلاح و تقوی پیراستہ اولاد بجا ندان نقشبندیہ یا مولو
سید عبدلکریم جو راسی خلیفہ شاہ لال رای بریلوی ہیئت نمود و باشتغال از ذکر و نقشبندیہ مستفیض شدہ
بخدمت مولانا سید عبدلکریم منزہل کھنڈو حاضر شدہ اجازت و خلافت دیگر سلاسل چشتیہ و قادریہ
و سہروردیہ و اویسیہ و قلندر یہ حاصل کرد فیض تام برداشت و رسائل متعدده تالیف فرمودہ کہ تفصیل
آن در ذیل مذکور است و سبلۃ النہای فی احکام الاموات الکلام المتین فی کشف اسرار الحق و الحقین
رسالہ در بیان مراتب ولایت و خاتم آن - رسالہ در محاکمہ بحث وجود مطلق و وجود عام - رسالہ
و تفرق میان بروز و تناسخ بتاریخ ہست و دوم رجب سال یکہزار و دصد و چہل و ہشت ہجری در
رای بریلی وفات یافتہ مدفون گشت لیکن مرقدہ

شیخ عبدلکریم سہارنپوری انصاری سہارنپوری مروی صاحب جد و حال بود در جمیع علوم
و فنون مہارتی کامل داشت بتاریخ چہارم محرم سال ہزار و ہشت و چہا ہجری فوت شد بخیر

شمع ارشاد حق تاریخ فوئش یافته مؤلف حین تالیف کتابکذا منظوم ساخته و مهو پنداشت شیخ عبدالکریم
النصاری بن بود از خط سهارنپور از محرم چو چاره بگذشت بدشت بر بست سوی رب غفور
شمع ارشاد حق بگفت کسی بد سال نقل و حال آن مبرور

ملا عبد اللطیف سلطان لوری از علمان اورنگ زیب عالمگیر بادشاه بود و معقولات
و منقولات مهارت تمام داشت سال یک هزار و سی و شش هجری وفات یافت سر آفتاب علم
آند کسوف بداده تاریخ فوئش یافته اند

میر عبد اللطیف قزوینی از سادات حسنی سیفی است در علوم عقلی و نقلی بهره تمام داشت
و ابابن جد سلسله ایشان تاریخی آمده چونکه سادات سیفی همه سنی متعصب بوده اند لهذا شاه طهماسب
نرمان روای ایران ضیاع و عقار ایشان را کشیده گرفت میر موصوف از ولایت عراق در سال
نصود و شصت و نه هجری متوجه هند شده سعادت خدمت اکبر شاه در یافته بادشاه پیش ایشان
سبقتی چند از دیوان حافظ و غیر آن خوانده اند واقع بنجم رجب سن نصود و هشتاد و یک هجری معمر
جبر فتح پور سیکری بدار الحکما انتقال نموده بالاس قلعہ اجمیر در حوالہ میر سید حسین خنگ سوارید فوئش
قاسم ارسلان فخرالایس تاریخ فوئش یافته

مولوی عبد المجید بدایونی ابن مولوی عبد الحمید ابن مولوی محمد سعید ابن مولوی محمد شریف
ابن مولوی محمد شفیع بدایونی بتاریخ بست و نهم رمضان سال یازده صد و هفتاد و هفت هجری
متولد شده ظهور الله نام تاریخی وی یافتند از صغر سن بخدمت مولانا محمد علی بدایونی تربیت یافته
بر کمال و سیر و تقوی و تعلم علم دین مجبول بود و اکثر کتب متداوله در وجه خدمتش تحصیل نموده بعد وفاتش
بقیه کتب در سیه بخدمت مولانا ذوالفقار علی ساکن قصبه دیوه مضاف لکنو که تلمیذ مولانا نظام الدین
ابن ملا قطب الدین سہالوی بودند تکمیل فرمود و بعد فراغ علمی در دادی طلب مرشد کامل پاسبان
استقامت نهاد و بهر جا بتلاش شیخ کامل میرفت چونکه اتباع شرع شریف در بسیاری از شایع وقت
مندی یافت متفری ازین طائفه بخاطرش جا گرفت اما اندک آنجا که طالع بیدار داشت بخواب دید که در مجلس
حضرت ہادی المضلین سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم جناب محبوب سبحانی فوئش حمدانی شیخ عبد القادر
جیلانی و محمد دم الامام کان نمک و گنج شکر شیخ فرید الدین و دیگر اولیاء الله قدس الله تعالی اسرارهم

حاضرند پس با اشاره حضرت رسالت پناهی صلعم جناب غوث الاعظم دست صاحب ترجمه بدست
 سید شاه آک احمد مارهروی دادند چون وی رحمة الله علیه بیدار شد راه مار بهره گرفته بدست پیر و شکر
 خود رسیده کمال و برع و تقوی و اتباع شرع را بهم یافته شرف بیعت حاصل نمود و بجلالت ممتاز
 گشت و از حضور پیر بلقب عین الحق مباہی شدن ان بعد هر پشتاد سالگی بزیارت حسین شریفین
 نادرها الله شرفا بهره اندوز گردید کتاب مواهب المنان شرح جواهر الحمان که عبارت از
 ملفوظات غوثیه است و رساله رد و دافض بزبان فارسی و رساله رد و پایید و هندی و دیگر سائل
 از تصانیف شان اند و بجملة تلامذه ارشد وی شاه آک رسول مارهروی و مولوی افتخار الدین هستند
 صاحب ترجمه علیه الرحمة بتاریخ هفتدهم محرم الحرام سال دوازده صد و شصت و سه هجری رحلت فرموده
 علمای دیار و شعرای امصار قطعات تاریخ فوتش برشته نظم کشیدند انان جمله مفتی سعد الله مراد آبادی
 آشفته تخلص چنین یافتند **هـ** جناب مقدس شہ کا ملین **ب** امام ہدی قبلہ اہل دین **و** بعلم و عمل یادگار سلف
 ز رفیعش منور دل عارفان **ب** سرولیا شاہ عبد المجید **و** خدائیش **و** بہر جنت حور عین **ب** بہار محرم شب
 ہفتدہم **ب** بسوی جنان شد غریبت گزین **ب** رقم کردہ آشفته تاریخ آن **ب** کہ گردید و اصل بجلد برین -
قاضی عبدالمقتدر دہلوی ابن قاضی رکن الدین الشریعی الکندی الدہلوی خلیفہ شیخ
 نصیر الدین محمود دہلوی دانشمند فیاض و درویش کامل او ستاد قاضی شہاب الدین است بغایت
 فصیح و بلیغ بود تصانیف و غلیات دارد قصیدہ او کہ در معارضہ لامیہ العجم بہرح آنحضرت صلعم گفتہ
 دلالت دارد بر کمال فصاحت او و او دایم درس می گفت و با فادہ علم مشغول بود کہ طریقہ شیخ
 نصیر الدین محمود اکثر خلفای ایشان ہمین بود و وصیت او بطلابان اشتغال علم و حفظ شریعت بود
 گفتنی فکر و یک مسئلہ شرعی فضل دارد بر ہزار رکعتی کہ مشوب بہ عجب و ریا کنند گویند کردی او ان
 طالب علمی پیش شیخ نصیر الدین محمود میرفت و بحث میکرد شیخ او را و بحثهای او را نیکو دوست داشتی
 داد و اخروی ص کردی بر تحصیل علم تا انجام کار مرید شیخ شد و نعمت باطن یا فضیلت ظاہر مقرون گردید
 یکے از معتقدان ایشان کتابے نوشته است مسمی بہ مناقب اصدیقین در ان می نویسد کہ روزے
 قاضی شہاب الدین ندی یافته بود با داد و خود گفت این زر را در جای گور کنم این بگفت و در مجلس
 قاضی عبدالمقتدر رفت و بے مجرا آنکہ نظر بر قاضی شہاب الدین افکند گفت شہا کہ در گور کردن

زیر بید با علم کجا پردانید قاضی شهاب الدین بگفتار خود متنبه شد قاضی عبدالقصد رمی گفت پیش من طالب علمی می آید که پوست او علم و مغز او علم استخوان او علم است و ازین طالب علم قاضی شهاب الدین رومی خواست بتاریخ بست و ششم محرم سال هفتصد و نود و یک هجری بعمر هشتاد و هشت سال فانیافته قبرش بمقام خواجه قطب الدین مختیار اوشی جانب جنوب حوض شمس است و در آنجا مرده
شیخ عبدالبنی صدر الصدور گنگوہی بن شیخ احمد بن عبدالقدوس گنگوہی چند مرتبه بحرین بترغیبین رفته علم حدیث را خواند و بعد از آن که بازگشته آماز روش آبا و اجداد کرام خود سماع و غنای اسکیلو و بدروش محدثین سلوک می نمود و بتقوی و طهارت و نزاهت و عبادت ظاهر اشتغال داشت پدرش در اباحت سماع رساله نوشته او نیز در انکار سماع رساله ساخته لاجرم باشت ایندا و تکلیف بسیار شده این باعث شهرت او گشت اکبر بادشاه در آن زمان صدری میخواست که بصفت علم و دیانت موصوف باشد بتوسط بعض وسائل او در سال هفتصد و یک صدر الصدور مقرر ساخت او بر عهده خود کوس استقلال زد و واز مال و جاه و اعتبار زائد از آنچه گفته شود نصیب او گردید که در زمان ایچ بادشاهی انجمنین صدری نگذشته و بادشاه را چندگاه نسبت او انجمنان اعتقاد پیدا شده بود که کفش پیش پای اومی نهاد آخر بوجه مخالفت مخدوم الملک ملا عبداللہ سلطانپوری دیگر علما آن قضیه منعکس شد و مزاج سلطانی بسبب بعضی حوادث از وی مخرف گشته در سال هفتصد و ششاد و شش از منصب صدارت معزول شده آخر بخرانی بسیار او را ملا عبداللہ سلطانپوری را که با هم مخالف بودند بصورت رفیق یکدیگر ساخته بکه معظمه فرستادند تا بهم میان هر دو رفع کدورت صورت نه بست آخر بی صبری کرده از ککه معظمه هر دو بدیار ہند رجوع نمودند مولانا ملا عبداللہ در دیار گجرات بسال هفتصد و نود و یک هجری وفات یافت و شیخ عبدالبنی بدرگاہ بادشاه آمد مدتی در ہندی خانہ محبوس ماند ہم در آن حبس بسال هفتصد و نود و دو هجری رحلت کرد در سالہ بعبارت عربی در رد

طعن نام قتال مروزی شافعی کہ برنام ابوحنیفہ کردہ بود از تصانیف اوست

عبدالبنی شطاری نامش عماد الدین محمد عارف العثماني الصوفي اشطاری نسبتاً و خرقۃ الخنفي مدہباً پیروی شرع و مرید شیخ عبداللہ صوفی شطاری اکبر آبادی از علمای عظام صوفیہ کرام بود تصانیف ملائکہ از مولانا گاندانا بجلہ فوارح الا نور شرح لوائح الاسرار ملا جامی روضہ شرح لوائح مختصر فوارح مذکور

ذریعہ النجاة شرح مشکوٰۃ - شرح الفصوص - شرح ترجمہ فصوص - شقائق اللغات فی شرح اللغات
 شرح خلاصۃ العشق شرح جام جهان نما - شرح اللطیفۃ الغیبیہ - شرح نخبۃ الفکر - شرح آکاب حنفی - شرح
 معمای میر حسن - شرح جواہر خمسہ - شرح کلید مخازن - شرح تحفۃ محل الودود - فیض النجیر شرح حاشیہ
 سید شریف بر عضدی - رسالہ در تعریف فقر - رسالہ کشف الجواہر - رسالہ در اسم ذات - رسالہ
 در شرح حدیث غیر الاسماء عبد اللہ و عبد الرحمن - رسالہ کنوز الاسرار فی اشعار الشطار جوامع کلم لہو
 مقامات العارفین - فتوحات المغیبہ - حدائق الانشاء - رسالہ ناسخ و نسخ مسمی بدستور مفسرین -
 بحر الکرم شرح عین العلم - حاشیہ شرح جامی از بحث حال مجرورات - سواطع الامام شرح تہذیب
 الکلام - شرح حدیث الصلوٰۃ معراج المؤمنین - شرح حدیث کنت کنترا غفیا - دستور السعادة فی
 بیان الولایۃ - فیض القدوس منتخب نقد النصوص - مطالع الانوار الخفی شرح اجوبۃ الولی جواہر الاسرار
 شرح الفصوص الفارابی فیض الملک المبین شرح حق الیقین - حاشیہ بر نقد النصوص -
 دواعی الانوار فی مناقب لسادات الاطہار - رسالہ سماع - رسالہ در جواب اسولہ فاضل تار فلاح
 شرح جواب شیخ ابن سنیا کہ بر مکتوب ابو یزید مولانا ابوسعید نوشتہ مواہب لکی شرح اصول ابراہیم شاہ
 شرح ارشاد انجو قاضی شہاب الدین - روح الارواح شرح حکمۃ اشرقیۃ - رسالہ ایمان فرعون - رسالہ
 خلوات الوجود - رسالہ ناسخ التناسخ شرح حضرات خمسہ و غیرہ یا سال وفات او دریافتہ شدہ و خاتمہ
 فواتح الانوار کہ بتاریخ ہشتم ذیحجہ یوم جمعہ سال ہزار و بست ہجری تصنیف منودہ می نویسد قد وقع
 الفراغ یوم الجمعۃ ثامن ثانی عشر من عشرین من حادی عشر من الهجرة تجاہ مرقد الشیخ الوالد الواقع ببلد
 اگرہ صانہا شد من جمیع ما یکوہ و تاریخ اتمامہ انصال حق انتی بلفظہ ازین عبارت زمانہ حیات صاحب
 ترجمہ چنانکہ مذکور شد دریافت می شود و اللہ اعلم بالصواب

ملا عبد الباقی احمد نگر می ابن قاضی عبدالرسول عثمانی الاحمد نگر می گجراتی علامہ زمان یگانہ
 دوران شاگرد و مرید شاہ وجیبہ الدین علوی احمد آبادی بود بسیاری از تصانیف او بر صفحہ روزگار یاد
 از مرتبہ علمی دی می دہند از انجملہ کتاب جامع الغوض منبع الفیوض شرح بسوط کافیہ نحو عبارات
 فارسی است کہ در سال یازدہ صد و چہل و چہار ہجری بمقام احمد نگر مصنف ممالک گجرات و کنایہ
 منودہ و نیز حاشیہ بر شرح تہذیب یزدی نوشتہ شکر اللہ سعید

شیخ عبد الواحد بلگرامی شاهی مخلص صاحب کلمات در ریاضت و عبادات بود خلاق
 مرضیه و صفات رضیه داشت نام پدرش ابراهیم بن خطیب بود وطن صلیبی بلگرام است مگر بعضی اجلادش
 بقصیه باری قیام زیدند او به بلگرام آمده زخت اقامت انداخت نسبت را دوشین سید حسین سکنده میرسد صفات
 در حقائق و معارف دارد از ان جمله حقائق هندی و حل شبهات و شرح کافی تا بحث غیر معروف که از بطور
 معانی تصوف کشیده و شرح زیمره الاسرار و سبع سنابل در تصوف اندکبر شاه ویر استعظیم تمام طلبید زینی در سیورال
 رحمت فرمود مؤلف نقائس الماثر و الاثر کابرتنوج شمرده همانا که بلگرام سرکار قنوج بود از منظوماتش منظره
 ابنه و خرپزه با بل مذاق شیعی و چاشنی میدهد مرثیه از صد تجاوزه شده و فائش شب جمعه سوم رمضان سال
 یک هزار و هفتده هجری در بلگرام وقوع یافته بهما بخانه فون گردید غرضی تاریخ فوتش چنین یافته **۵** چو رفت
 واحد صوری و معنوی گفتیم به هزار و هفتده شب جمعه ماه صوم سوم در مصرعه ثانی تاریخ صوری و معنوی است
 بیانش آنکه بست عدد که بحساب جمل در مصرعه ثانی نایدمی شود از ابلطافت تخرجه کرده یعنی واحد
 صوری که عددش نوزده است و واحد معنوی که یکی است مجموعه آن بست شد از اخراج کرده یک هزار
 و هفتده که سال وفاتش بود باقی ماند

میر عبد الواحد بلگرامی واحد و ذوقی مخلص داشت شعر بزبان هندی و فارسی می گفت کتاب
 شکرستان خیال مشتمل بر نظم و نثر در وصف حلویات بدستور دیوان مرتب کرده دوم محرم یا زده صد
 و سی و چهار هجری روز جمعه در معرکه زمینداران لاهور بقتل رسید

مولوی عبد الواحد فرنکی محلی سپر کلان مولوی عبد لعلی بن مولانا عبد العلی بجر العلوم اولاً
 بخدمت ملا از بهار الحقی فرنکی محلی تحصیل علوم کرده بقیه کتب در سیر پیش جد خود در مدراس گذرانیده فراغ
 حاصل نموده باراده حصول منصب قضا و افتا به کلکته رفته باها رنگش حاکم عدالت بنگال ملاتی شد
 مگر حصول مرام صورت نیست بعد فتح و ملی مفتی ضلع رویتک بشا هر دو صد و پنجاه روپیہ بیفارش
 حاکم مذکور مقرر گردید و الا بنجا تبدیل شده پانی پت رفت و بعد چندی حلت کرد

مولوی عبد الواحد خیر آبادی شاگرد و همشیره زاده مولوی محمد علم سیدلی بود از تلامذه و
 مولوی فضل امام خیر آبادی صدر الصدور مدلی ابن نموشده رحمة الله علیه مولوی امام العالم مرحوم
 خیر آبادی شارح قصیده برده اناحفا و انجادش هم سبق مؤلف اوراق بدقت طبع و حدت ذهن

مشایخ عالیہ اتران بود غفرلہ -

مولوی عبدالواحد فرنگی محلی پسر خود مولوی عبداللہ علی ابن مولانا عبدعلی بحر العلوم در صغیر سن بخدمت جد خود بدراس رفتہ مختصرات از عم خود مولوی عبدالرب و متوسطات از دیگران و مطولات بخدمت جد خود مولانا عبدالعلی تحصیل نموده بہ لکھنؤ آمد وی دہم خرویش مولوی عبدالرب و لکھنؤ بودند کہ مولانا عبدالعلی بحر العلوم بدراس رحلت فرمود خبر وفاتش یافتہ مولوی عبدالواحد و عمش مولوے عبدالرب بدراس رفتند دستدعی جای مولانا مرحوم شدند چون مولوی علاءالدین پیشانین بجای ایشان مقرر شدہ بود و عزل وی رئیس وقت مناسب ندانست بدین وجہ مدرسہ خاص کہ ملوک مولانا مرحوم بود بہ مولوی عبدالرب پسر مولانا مرحوم داد مولوی علاءالدین راجای دیگر دادہ مشاہرہ مولانا مرحوم نصف بمولوی عبدالرب و نصف بہ مولوی علاءالدین مقرر ساخت مولوی عبدالرب برادر زادہ خود یعنی مولوی عبدالواحد را قائم مقام خود کرد و کنارہ کش گشت ازان وقت مولوی عبدالواحد بدراس مدرسہ مولانا مرحوم نیابتہ گردید و لا ولد در گذشت

حاجی عبدالولی طرخانی کشمیری دانشمند کامل محدث بود و وطن خود طرخان واقع ترکستان بحرین شریفین رفتہ و بادای مناسک حج مشرف شدہ در مدرسہ دارالشفای شیخ ابوالحسن سندس اجازت حدیث و تفسیر حاصل کردہ کشمیر قدم آورد و بہتم لکھنؤ ملاکون سبغتہ بخدمت شیخ الاسلام مولانا قوام الدین محمد لایند اجازت کتب حدیث و تفسیر بوی دادہ مدتی بکان اوقیم ماہ آخر الامر اردست ظلمہ بیسال یا ندہ صد و ہفتاد و یک ہجری شربت شہادت چشید

مولوی عبدالوالی فرنگی محلی ابن محمد ابوالکرم ابن مفتی محمد یعقوب بعد تکمیل تحصیل علوم بیعت از ہمداری خود ملا الوالد الحق نمودہ خلیفہ برحق و مجاز مطلق از و گشت و جملہ عمر عزیزش بپاداشی و عبادات و ریاضات بسر برد شب بست و دوم شعبان سال دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری بمرد سالگی بجزار رحمت الہی سوست مولوی عبدالہاسط در گنت کنز غنیای تاریخ وفاتش یافتہ

مولوی عبدالوحید فرنگی محلی ابن مولوی عبدالواحد پسر کلان مولوی عبداللہ علی بن مولوے عبدالعلی بحر العلوم کتب درسیہ بخدمت مولوی قدرت علی و مولوی سراج الحق و مولوے ولی اللہ و عم خود مولوی عبدالواحد سکنہ فرنگی محل تحصیل کردہ بتاریخ نیم شعبان سال دوازده صد و نہ ہجری لا ولد وفات یافت

حاجی سید عبد الوہاب بخاری از اولاد سید جلال بخاری بزرگ است کہ جد سید جلال الدین
مخدوم جہانیاں بود سید جلال مذکور را دو پسر بودند یکے سید احمد دیگر سید محمود مخدوم جہانیاں پسر سید
محمود است و حاجی عبد الوہاب از اولاد سید احمد است وی رحمتہ اللہ علیہ بزرگ بود موصوف بعلم و
عمل حال محبت در او ایل حال کہ ہنوز در ملتان وطن داشت روزی در خدمت پیر و استاد و صہر
خود سید صد الدین بخاری نشستہ بود از وی شنید کہ میگفت دو نعمت در عالم بالفعل موجود اند کہ فوق
جمع نعمتہا است ولیکن مردم قدر آن دو نعمت نمی شناسند وہلانی نمی برند فائدہ تحصیل آن غافل اند
یکے آنکہ وجود مبارک سیدنا محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بصفہ حیات در مدینہ موجود است و مردم این
سعادت را نمی یابند و دیگر قرآن مجید کہ کلام پروردگار است و وی سبحانہ تعالیٰ بیواسطہ بدان متکلم و خلق
از ان خافندہ سید عبد الوہاب بجز شنیدن این کلام انبیش پیر بر خاست و رخصت زیارت مدینہ
درخواست و براہ خشکی زیارت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بشتافت و این سعادت را دریافتہ باز وطن
اصلی خود نمود بعد از ان بتقریب بعضی سوانح روزگار در عمدہ دولت سلطان سکندر لودی بدہلی آمد
سلطان سکندر را بوی اعتقاد عظیم پیدا شد و آنچه از شرائط تعظیم و تجلیل بود رعایت نمود و بار دیگر کمال از
دہلی قصد زیارت حرمین شریفین کرد و مکرراً باین سعادت عظمیٰ رسید و بہ بشارتہا حضرت خاتم الرسل
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اشارت یافتہ باز بدہلی خود فرمود ویرا تفسیر نیست کہ اکثر قرآن مجید بلکہ تمام آنرا
ارجاع بہ نعمت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ذکر او کردہ و بسیاری از دقائق عشق و اسرار محبت در ان
ہیج کردہ است غالباً و وقوع آن در غلبہ حال و استغراق وقت بودہ باشد مخفی چند از وی شیخ محمد شہن
دہلوی در اخبار االاخیار اتقا با درج فرمودہ و آقا و تصنیف تفسیر تذکرہ شہنہج الثانی سال ہصد و پانزدہ ہجری
و اتمام آن بر روز و شنبہ تاریخ ہفتہ ہمہ ماہ شوال سال مذکور بظہر پیوستہ وی رحمۃ اللہ علیہ در سال نہ
صد و سی و دو ہجری وفات یافتہ کہ عدد عبارت شہنہج حاجی موافق آنست و مقبرہ و سے در جوار
مقبرہ شاہ عبد اللہ در دہلی است و او را بادشاہ عبد اللہ بحالت حیات نسبت محبت و نیا چندین
ہو کہ انچہ میگویند کہ فنانی الشیخ می باشد این چنین خواہد بود

میر عبد الوہاب منور آبادی ابن میر با ششم عالم عامل و فقیہ کامل متورع و تقویٰ بود تمام عمر شریف
بذکر قال اللہ و قال الرسول بسر کردہ ہمزشتاد سالگی درس یازدہ صد و پنجاہ و دو ہجری رحلت فرمود (۱۰۰)

شیخ عبد الوهاب قنوجی الخاطب بنواب منعم خان بهادر ساکن محله راجگیر محلات بلده قنوج
فاضل جلیل عالم نبیل و علوم متعارفہ بطولی داشت تصانیف مفیدہ بعلم و درسیہ دارد و اناجملہ مقلات حضرت
و بحر المذاهب در علم کلام و کتاب الصدرة در عقائد الشان می دهند

سید عبد الوهاب لوری ابن سید عبد المجید گویند و میر علم و ہی بود بمطالعه کتب تدریس علم
اشتغال داشت در سال نصد و شصت و پنج هجری فوت یافته در سال و صد و نود و شصت

شیخ عبد الوهاب متقی ابن شیخ ولی الله مندوی برہانپوری و مدرس والدین شان درگذشته
از همان زمان قائم الدفین الی رفیق حال ایشان شده در طلب حق برہان و تخرید و مسافرت و سیر عالم
کشید غالب سیر ایشان در نواحی گجرات و اکناف ولایت دکن و سیلان و سرندیب بود و زیاده از سه
روز و پنج مقام اقامت نمی کرد و در بعضی بلاد که بجهت تحصیل علم و تقرب صحبت مشایخ و صلحا بمقدار
استیفاء غرض انقراض حاجت اختیار اقامت ضرورت می افتاد و در عنقوان شبان بکاه جمادی الاول
سن نصد و شصت و سه هجری بکلمه معظمه آمد شیخ علی متقی باستماع خبر اندیش بسابقه تعارف که بوالد نامہ
شان داشتند پیش ایشان آمد و مہربانیا کردند و استدعای صحبت نمودند و رحمتہ اللہ علیہ بمقتضای
استغنائی ذاتی او لا گفتند الشاء الله بنیم تا نصیب چیست در آخر بمشاہدہ فضل کمال شیخ اقتضای صحبت
نمودند و بکتابت تالیفات شیخ و تصحیح و مقابلہ آنہا مشغول شدند و تا دوازده سال مصاحبت شیخ
در فقه و حدیث و غیرہ علوم شرعیہ مہارت کامل حاصل کرده اگر کالین و اولیا الله شدند و بعد وفات
شیخ تاسی و شمس سال بیکه معظمہ نشر علوم ظاہر و باطن میکرد در ایام اقامت محیی فوت نشده شیخ عبد الحق
دہلوی بیکه معظمہ از ایشان سند صحاح ستہ حاصل کرده مرید شان شدند و رحمتہ اللہ علیہ بسال ۱۱۸۰
و یک ہجری زاین دار فانی بعالم جاودانی شتافت مستند و سابقا دار الخلافہ سلطین ماوہ بود اکنون
زیر حکومت سیاست و ہارس است و ہما نندو گڈہ شہرت دارد

شیخ عزیز اللہ تلبنی صاحب رشاد و ہدایت دانشمند متجرب و عمید سلطان سکندر لودی از ملتان
در سنہ ۱۱۸۰ مدہ رخت اقامت انداخت طبعی فیاض و استحضاری غریب داشت کہ متعلم متفطن ہر طور
کتابی مشکل منتیان را کہ می خواند بی مطالعہ درس می گفت و میگویند بارہا با متحان پیش آمده کہ اسول لا
مرفع لما آورده اند و شیخ آنرا در وقت افادہ معادل ساخته میان حاتم سنہلی انا رشہ تلامذہ او بود

اندو تصانیف رایقہ مشہورہ اندانہ نجلہ رسالہ عینیہ است کہ بمقابلہ رسالہ غیرہ شیخ امان اللہ پانی پتی
 نوشتہ در سن ہند و ہفتاد و پنج ہجری رخت ہستی از نخبان بعالم جاودان بردا اللہ وانا الیہ راجعون
 تلمبہ بغم نامی مشناتہ فوقانی و فتح لام یکون لون و فتح بای موحده باخرای ہوز شہری است و تریلین
 مولوی عسکر علی سنیل خلیف اکبر مولوی محمد اللہ سیدی از والد ماجد خود تحصیل علوم نمودہ فراغ
 حاصل کرد و توسل وی باریاب بارگاہ شاہ دہلی شد و از دربار شاہی بخطاب خیر اللہ خان مہابی گردید
 و چند مواضع بجا گیر یافتہ بنا بر تعمیر مدرسہ مامور شد و تعمیر مدرسہ مذکور حسب الحکم شاہی باہتمام نواب
 ابوالمنصور خان صوبہ دار اودہ در سن یازدہ صد و چهل و شش ہجری با تمام رسیدہ مدرسہ منصور
 شہرت یافتہ و تاریخ تعمیرش در لفظ خیر المدارس بمناسبت خیر اللہ خان یافتہ اند و مردان مدرسہ مدرس
 و افادہ طلبہ مشغول بود کہ با و از صدی دوازدهم ازین جہان فانی بعالم جاودانی رخت ہستی
 بر بست علیہ الرحمۃ و الغفران

ملا عصمت اللہ سہارنپوری از مشاہیر علمای ہندوستان است اگرچہ بظاہر ہینائی نداشت اما در
 باطن چشم بصیرتش روشن بود تمام عمر خود در خدمت علم و تدریس بسر کردہ تصانیف رائقہ دار و از انجمل
 شرح خلاصۃ الحساب و حاشیہ فوائد ضیائیہ یعنی شرح ملای جامی است در سن ہزار و سی و نہ ہجری
 بر حمت حق پیوست

مولوی عصمت اللہ لکھنوی خلیف اکبر مولوی عبدالقادر مرید شیخ پیر محمد سلو نے وی
 حافظ قرآن و عالم علوم غریبہ بود و در علم و عمل از برادران خود فوقیت داشت لباس سپاہانہ را
 نشاؤ و حال خود ساختہ بصورت اغنیاء صحبت بادشاہ وقت دستور بود و دوم رجب سال یکہزار
 و یکصد و سیزدہ ہجری شب شنبہ براہ و کس در موضع بر بندہ وفات یافتہ و ہفتادم سوال سن نکلور
 بروز جمعہ در موضع بہدانوہ متصل بلکہ لکھنؤ مدفون گردیدش خلد اللہ مدار النعمیم تاریخ رحلت و لیست
 مولانا علاء الدین نیلی از علمائے اودہ بود روشنی پاک و صفای تمام داشت پیشین النافذ الکی
 شافعی کہ شیخ الاسلام اودہ بود تفسیر کشاف می خواند و مولانا شمس الدین عینی اودہی و دیگر علمای اودہ
 سامع بودند زری علماء داشت اما باوصاف تصوف موصوف بودی اگرچہ از سلطان المشائخ
 نظام الدین اولیا مجاز مطلق بود اما یک مرید ہم نگرفت اورا بخدمت پیر خود غایت محبت بود

قبرش در دهلی نزدیک چو تره یار است رحمت الله علیه

ملا علاء الدین لا هوری پسری شیخ منصور لا هوری از دانشمندان مشهور و مدس است مدتی
در محبت خانان معز و مکرم بود چون ملازمت محمد اکبر شاه رسید نیز خیلی اعتبار یافت و هر چند تکلیف
سپاگری نمودند قبول نکرده بدرس و افاده مشغول ماند و هر چه از جاگیر حاصل می شد همه صرف
طلبه می کرد و حاشیه مشهوره بر شرح عقاید از تصنیفات معتبره اوست بنیات حج مشرف شده به آنجا
داعی اجل را بلیک اجابت گفته جان بجان آفرین سپرد

ملا علاء الدین فرنگی محلی برادر عینی ملا نورالحق ابن ملا احمد انوارالحق بن ملا احمد علی بن تحصیل علم
چند مدتی خدمت ملا محمد حسین فرنگی محلی بنوده زمان بعد از عمر خود ملا احمد از دارالحق در بالنس بریلی افتاده
برداشت و هنگامیکه ملا عبدالحق بجزالعلوم در بهار بدرسه منشی صدرالدین مدرس بود بهرامی علم خود ملا
از بهارالحق در آنجا رفته فاتحه فراغ خوانده بوطن مراجعت نمود و از والد خود بیعت حاصل کرده باشتغال
باطن می کوشید و اندکی درس و تدریس نیز می کرد چون مولانا عبدالحق بجزالعلوم بمدراس رفت وی هم
در آنجا بخدمتش پیوست و تاحیات مولانا در حضرتش تکمیل علوم می نمود و بعد وفات مولانا بوجه دامادیش
بسکارنواب مدراس مدرس مقرر گشت و بخطاب ملک العلماء ممتاز گردید از تصانیف او شرح
فصول اکبری است دهم شوال سال دوازده صد و چهل و دو هجری در مدراس وفات یافته آنجا مدفون
مولانا علاء الدین لاری صاحب حاشیه بر عقاید نسفی از پیشین زمان با گره آمده اشتغال بدرس
علوم نمود و مدرسه از حسن ساخت و مدرسه حسن تاریخ آن یافتند و در سال نصد و شصت و نه هجری
بج رفته و همدان سفر رخت سفر آخرت بر بست رحمت الله علیه

مولوی علی صغرقنوی ابن مولوی عبد الصمد انارکاهلای قنوج در سال هزار و پنجاه و یک هجری
متولد شده از ملا محمد قنوجی و ملا عصمته الله سهارپوری مختصرات و متوسطات و مطولات خوانده فاتحه
فراغ خدمت ملا محمد زمان کاکوروی خواند جامع علوم عقلیه و نقلیه و امام تصوف و سلوک مرید و ظریف
شاه پیر محمد کنوی بود تا شصت سال عمر شریف خود در تدریس طلبه گذرانیده جم غفیر از علما و فضلا
نیز دامن توبیتش بمرتب فضیلت رسیدند تصانیف ذیل از وی یادگار اند اللطائف العلیه
فی المعارف الالهیه - بینهرة المدارج در سلوک - القصیده المیمیه فی النعمه المحمدیه - شرح قصیده

تذکرۃ النفایس العلیہ فی کشف اسرار المہیمیہ تفسیر نواقیل کہ لاختصار وایجاز ہم پلہ جلالین است
ودر علوم ادبیہ و مسائل شرعیہ برکشاف و بیضاوی تفوق میخیزد و شرح نصوص حکم و سبب سال یا زودہ صد
و چهل هجری رحلت فرمود غلام علی آزاد ہلکاری تاریخ وفاتش بمظہ آورده **۵** مولوی زیان علی صغریٰ

از وفاتش کمال شد معدوم بمسال تاریخ اولوشت خرویشد زمان آفتاب صبح علوم
قاضی علی اکبر حریہ کوٹی ابن قاضی عطار رسول بن قاضی غلام محمد عباسی دوسال است نویم
صدی سیزدہم متولد شدہ ہر چند سلسلہ تحصیل و ازا و استاد با تمام نرسیدہ و سرایہ اکتسابش ز فوائد ضیاء
جانی متجاوز نگزیدہ مگر از آنجا کہ ہودت دہن و قوت حافظہ اش آیتہ بود از آیات الہی و موحی بود از بحر
فیض نامتناہی بذکر بعض حالاتش می پردازم و آیرہ کریمہ ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء و وزیران
سازم و والد ماجدش قاضی عطار رسول گو صاحب علم و استعداد بود و در فرائض و فقہ مہارتے معتد بہ
داشت مگر چونکہ از حکومت انگلیشیہ گاہی بمنصب منصفی و گاہی بعمدہ تحصیل امور بودہ و تعلیم صاحب
ترجمہ علیہ الرحمۃ نظر توجہ نمی گاشت وی بشوق جلی خود کہ از مبدیاض بدیش و دلعت بود کتاب گلستان
از استاد با تمام رسانیدہ انگاہ استعدادے دقوتے فراہم آورد کہ بدان جملہ کتب متداولہ فارسی یا
بے مداد استاد علی میکرو بعد از آن تحصیل صرف و نحو عربی پرداخت و از مقامات مختلفہ مختصرات
ابتدائی را حاصل کردہ بنا بر قوت مطالعہ را استوار ساخت از ہمسالانش منقول است کہ اورا ہنگام
تحصیل بہ بذل جہد مشغول ندیدیم مگر جواب ہر سوال از بے تامل می شنیدیم کتاب کافیہ محشی بدیش
افتاد شبہا بمطالعہ آن سہری کرد تا آنکہ کتاب مذکور را بزور حواشی با تمام رسانید پیش آن فوائد ضیاء
از مولوی احمد علی پٹریا کوٹی کہ رابطہ مصاہرت یزنہ داشت قریب چہل سبق ازان کتاب اخذ
و بالقی رابطہ خود باخر رسانید همچنین از جاہای عدیدہ ہندی از منطق و کلام خواندہ باین قلت
تحصیل استعداد سخن فہمی را بر تہ رسانید کہ مسائل دقیقہ فلسفہ و کلام از شرح مواقف و صد
و غیرہ می گرفت و از راے نادرہ ماے خود داد و تحقیقات اینقہ میداد و گرہ از مضامین فن می کشاد
ہر بحثے کہ می گرفت گاہے از دست نمی داد و ہر کتابیکہ یکبار از ابتدا تا انتہا مطالعہ کردے
در ہر باب بعد از آن حاجت ہر بحثش ہی افتاد منقول است کہ روزی صاحب ترجمہ با استاد
و مولائے مشہور مولانا محمد شکور مغفور بچلی شہرے در بحث جو ہر فرد بمناظرہ درآمد مولائے مدوح

بابطال ترکیب جسم انا مثال این اجزاء گفتگو بکشد و وی از جانب متکلمان سلف سنگ منع و مناقضه در راه می نهد با بجله تا پخته درین باب مکالمه فیما بین جاری ماند گفتگوی طرفین و بطول کشید در انجام کار مولای مدوح لب به تحسین وی کشاد و داد جوهر شناسی داد که در مسئلہ مختلف یہا کہ بجانب منع آن تسلیم دلیل نبود تقریر را بجای رساندی کہ متاخرین متکلمین از ان اغماض کرده اند قاضی مشار الیه صاحب ثروت و مال و ہم مطرح انظار غرور و قار حکام انگلشیہ بود بایام غدر ہندوستان بصلہ خیر سگالی از سرکار انگریزی وظیفہ و انعام و نشور برات اخذ اسلحہ بدست آورده با انہمہ ہمیشہ تحصیل کمال رانی پسندید حصول جاہ و منال را بدیدہ اعتدا و طلب نمی دید و بفرزندان خود موقوف عنایت رسول دمولوئے محمد فاروق کہ ہر یگانہ مرآت کمال پیر اند تا کید تحصیل علم و ہنرمی فرمود و گاہی تحریص کتاب سیم و زر نمی نمود بہ تصانیف و تالیف رغبتی نہ داشت دور سالہ از مصنفاتش موجود اندیکے در رد بعض محرمات اہل فرنگ یعنی سلسلہ جذبہ و انجذاب دوم در رد بعض اعتراضات شیعہ و ہیج سال ہشتاد و سوم از صدی سیزدہم رحلت فرمود داخلہ اللہ فی اعلیٰ علیین

مولوی علی احمد دختر زادہ حافظ شاہ ابوالسحاق سجادہ نشین آستانہ بھیر ضلع اعظم گڑھ در ورور و زہ چون جد خود یگانہ روزگار بہت ولادت با سعادت وی در سال دوازده صد و بہشت و نہ ہجری بظہور پیوستہ اکثر کتب درسیہ از فاضل ادیب مولوی محمد سلیم علی شہری مرحوم آموختہ و بندہ ی از ان از مولوی احمد علی عباسی چیرا کوٹی رحمۃ اللہ علیہ گرفتہ فاضلہ قوی الحفظ و الادراک اثقات آن دیار است مولوی محمد فاروق عباسی چیرا کوٹی سلمہ اللہ در مراسلہ مدانہ زیب رقم فرمودہ کہ راقم سطور پیش از سی سال بخدمت سرایا بکشتش طرف سعادت می بندد تا انہم کلامیکہ دال بر ذم کسی باشد از زبانش نشنید و مجلسش را گاہی خالی اندوختی ندید تا این زمان بہ صلاح حال و مہر و حیث السنہ رجال و بہ التزام و مداومت محاسن اعمال مقرون است ادامہ اللہ برکاتہ

مولوی علی بخش خان بدایونی از علمائے علماء و روسای بلدہ بدایون است تلمذ بخدمت مولوی فیض احمد بدایونی و شرف بہیت بخدمت مولوی شاہ عبدالحمید عین الحق بدایونی داشت با وجود تعلق منصب صدر الصدوری کہ از سرکار انگریزی بدان مہاہی بود در تعلیم طلبہ و تالیف کتب و نییہ مشغول نمی ماند رسالہ شہاب ثاقب رسالہ تائید اسلام در رد فرقہ پنجہ و رسالہ در رد مذہب شیعہ

از تالیف وی مطبوع شدہ شائع و مطبوع طبع حق پسندان اند بقیہ توالیف مفیدہ اش ہنوز زیر طبع ہیں
 و سال سیزدہ صد و سہ ہجری رحلت فرمودہ بعالم جاودانی شتافت علیہ الرحمۃ والرضوان -
مولوی علی عباس چریاکوٹی ابن شیخ امام علی ابن شیخ غلام حسین ابن شیخ سعد اللہ برادر زادہ
 مولوی احمد علی عباسی است و از جانب مادر با فاضل باب اللہ جو پوری می پیوند دارا فاضل دہرہ
 اذکیای عصر بود کتاب یمبندی از مولوی ابوالحسن منطقی گرفتہ و بقیہ کتب درسیہ از عم کرم ممدوح اصدہر
 آنوقت قوت حافظہ اش بنایت عتیق بود و ذہن و فطنتش بر تہ اعلیٰ باینق بالجلالین فاضل جلیل المنان
 ہم ذکا و جودت داشت و ہم فطانت حدت لاجرم در عمد تحصیل مباحثہ و جدل مدام بر حریف پیچیدہ و در
 میزان بحث کسی با و برابر نمی بخید ہر کتابی کہ میخواند با استاد بجارات فرس مناظر ت میراند تا آنکہ تحصیلش
 بتر بیت نظامی چون کواشی را ہدیہ متعلقہ رسالہ تطبیہ رسید استعدادش بمطالعہ کتاب و تنقید مضامین
 ہر باب تام و کامل گردید پس دست از تحصیل باز کشید و بمطالعہ کتب قدما و ہم متاخرین ہمید کہ روز
 می کشید و شبش بروز میرسید در چند سال بچودت حافظہ و حسن فطانت بہ مسائل اکثر کتب درسیہ و غیر
 درسیہ حاوی گشتہ و از کتب مشہورہ کمتر بود کہ از نگاہش نگذشتہ اکثر کتب درسیہ را بی مراجعت کواشی
 طالبان را معقائد می آموخت ہر گاہ بر مسائل درس نظامیہ واقف گردید عنان غریمت بسوی تکمیل
 ادب و حفظ لغات عرب گردانید تا آنکہ بر ادای مضامین ہم نظم و ہم نثر خطی وافی بدست آورد و اکثر
 مسائل منطقہ و نحویر را منظوم کرد بحث و جدل طبیعتش غالب بود و ہر سخنی کہ بر زبان آوردی ہر چند
 و ران بر سر خطا بودی مگر خضم باز نہ و جدال ساکت کردی روزی در مثال جئت زیۃ الفظ جئت لعل
 متعدی و زید را مفعول بہ فرمودہ یکے انذا کیای محصلین دان باب با ادراہ مخالفت پیمودہ و
 دیگر معاصران ہم با محصل مذکور موافقت کردند تا آنکہ سلسلہ جدل در رازی کشید و بعد اقسام چہ
 زبان نوبت تکمیل کلک بیان رسید پس مولوی ممدوح دران باب رسالہ ترتیب ساختہ آگاہ
 کسے از محصلان بہ تحریر جوابش پیر داخت و مولوی ممدوح در قضیہ شرطیہ کہ انقسامش بتقسیم
 غیر حاضر متصل و منفصلہ مشہور است قسمی جدید پدید آورد و نامش شرطیہ عباسیہ کرد و مثال قام
 زید ثم تعدی و فرمودہ بالجلہ فاضل ممدوح بقوت لقادہ خود مسائل ہر علم را بمنیان نظرے سنجید و
 و تحقیق نفس الامر حکیمانہ می کشید چنانچہ نفیض احکام اور مسائل متداولہ بسیا را ندان مختصر

فکر آنرا بر تابعدار فنون متداوله درین توابع و سیر کامل بود و بطن ادب و دانش و نظم و شربط و عسر و
هم مهارتی معتدبه داشت و از علوم دیگر هم بے بهره نبود و در احوال حال برسم سیاحت به جید آباد کن
رفته و بهرج امرای دولت قصائد غرا انشا کرده مگر خطی بر نداشت و طریقی نه بست انانجا واپس آمده
قصیده مشتمل بر یحیو آن مرزوم بقلم آورده درین شعر از همان قصیده است **من جید آباد اهلین**
والا ترقم فیما فوادلی المکارم ایصد ربه بعنازان بر ریاست بجهوپال شتافته و انجا باطلعات نواب سکنه
والیه ریاست جائزه پاداشته و سالی چند در انجا اقامت داشت سبب بر نیامد که بخلاف بعضی
ارکان آن دولت بطن بلند آمد و روزگار سے چند در وطن به بیکاری بسر برد و از انجا که شمس
کمالش آفتاب دار بر جهانی تافته والی حیدر آباد بشاورت در باب دولت اورا بعزت و بهالست
تمام بخوانده و منصب و پایگاه بلندش نشانده روزی چند بمنصبی خود مقیم بوده بعنازان ترک
عمل کرده بر دو صد ماهانه وظیفه بلا شرط خدمت قناعت نموده تا آنکه در سن دوم صدی چهارم هجری
بوطن رسیده با و از پنج سال مذکور حلت فرموده و لاوتش بگمان غالب سال سی ام صد
سینو هم است از اشعار اوست **لوکان ندی فی الزمان** فمات به و آخره انکان فی میقاته
قصیده در بحر شمس نامر گوید **ولم یکن شمس السما وسمیه بانه ندی** انضواء به و نیز در اشعار اوست
نفورک و الحاحب المحیاه بنهار بلالات شریافته اتی فیر مؤلف بسال و دوازده صد و شصت و
هجری بزمه طلبه علوم فاد بیت السورغان موریه دوران هنگام بغزو دگاه مولوی محمد ظفر محلی شری
صدرا الصدور شهرتد کور خدمت صاحب ترجمه که بیاس بقیه مولوی ابوالحسن نظامی سندری انتشار یافت
آورده بود و دریافت در حقیقت همان اوصاف در موجود بود و دیگر با وجود این همه قابلیت بجلست
خدمت طبع و قادی و جودت قریحه نقاد و قبولیت نه پیوسته و از مقبولیت اقران و ذواق و دهن فاقد
الاستعداد آتومت حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی و شرح تمذیب یزدی پیش مولانا مولوی ابوالحسن
منزور میگنارم محمدان زمان کتاب نبراس انعطافه مصنفه صاحب ترجمه بنظر گذشته الحق که دران داد

قابلیت داده عاظمه افند باطله است

مصطفی علی کبیر محلی شری شاه اگر سید تفضل حسین خان کشمیر بیست مدتی بمنصب قاضی فک
و لڑ سار و در کار انگریزی سرفراز بوده هم از ان منصب حق تقاعد حاصل نموده خانه نشین گردید

جامع الادباق ہر گاہ و درسن و دوازده صد و شصت ہجری پھر گئے تلامذہ مولانا محمد شکور مرحوم و مغفور
پنجابی شہری کہ ہمیشہ زادہ سی بود پنجابی شہر رسید ویرا دید کہ ضعیف و نحیف شدہ شخص استخوانی و پوستی
داشت و قد شریفش بکثر پشتی و بچہ جسم را کہ گشتہ غالباً بود سالگی و دان زمان رسیدہ باشد گاہی با طلبہ
کہ چند تنش میرفتیم تمامی اخلاق حمیدہ و پرستش حوالہ پیش می آمد کہ تا یکمی طلبہ یکم ہیئت کہ داشت
بر خاستہ از امارسی بر آورده می داد و میگفت کہ کتاب میدہم لکن باین شرط کہ اہل و عیال و بوق قصدش نسلی
قاضی علی محمد بیاضی از اکابر علمای عہد سلطان ابراہیم عادل شاہ محدث و مفسر و فقیہ بود بہ لقب
اوستاد الادبیا شہرت داشت از گجرات بہ بیاضپور آمدہ دران بلندہ اقتلاح مدرسہ نمود کہ اکثر از طلبہ علوم
از دستفرض شدند و مجملہ تلامذہ و سہ شاہ برہان و شیخ ابوتراب مدراسی و سید محمد مدراسی و
قاضی ابراہیم زبیری مشہور اند در عہد سلطان سابق الذکر منصب قضاہی بیاضپور امتیازے داشت
چہارم ماہ ذی الحجہ سن ہزار و ہفتاد ہجری رحلت فرمودہ و دیوارہ مدفون گشت

ملا علی محدث سمرقندی برادر ملا صادق حلوائی علم حدیث در عرب تحصیل کردہ بغایت متقی
و پرہیزگار بود ہندوستان آمدہ در سال ہندو ہشتاد و یک ہجری بجاو رحمت ایزدی پیوست
ملا عالم کاملی این تاریخ یافت قطعہ درینا کہ ناگاہ ملا علی را بدواری میان و متبر و حوادث چہ پی
سال تاریخ او سال دیگرہ بگویم و ملا علی محدث ۵

شیخ علی متقی برہان پوری ابن حسام الدین بن عبد الملک ابن قاضی خان المتقی لقباً
القادری الشاذلی المذنبی البختی مشرباً بالجوہری و طاباً البرہان پوری مولداً الملکی منزلاً و در سال ہشت
صد و ہشتاد و پنج ہجری در برہانپور دکن متولد شدہ حالات با برکات شان شیخ عبدالحی محدث
دہلوی در اخبار الاخیاء تفصیل تمام تحریر فرمودہ و شخص آن اینست کہ دی رحمۃ اللہ علیہ مادہ ہفت
دہشت سالگی پدرش بخدمت شاہ باجن برہانپوری مرید سلطنت نمود و بسفر آخرت غرامید و سہ بعد
وفات پدر چندی بصحبت امرا و سلاطین وقت بسر بردہ در عین شباب بہ تحقیقائے ہا و بہ ازلی
بخدمت شیخ عبدالحکیم بن شاہ باجن رسیدہ خرقہ خلافت سلسلہ چشتیہ پوشیدہ و زہد و پانچ پلکان
سطحہ سفر نشایندہ بخدمت شیخ حسام الدین متقی ملتان رسیدہ تفسیر بیضاوی و عین العلم را بخدمت
ایشان مطالعہ نمود و سلوک طریقہ ربیع و تقوی را با مادہ برکات مجتہدش پیش گرفته ہمراہ نادانقوے

مولوی حافظ عظیم اللہ نگرانی صاحب علم و فضل و تقویٰ مولانا شاہ عبدالحق بن تریل لکھنؤ
 بدو چون ہفتش ہمارہ بخیر اعتقال داشت بنامان بجز ترجمہ رسالہ رشد خود مسماۃ: محمد المقتل یعنی
 نکرده در سال ۱۰۹۰ صد و پنجاه و پنج ہجری از دار فناء بعالم بقا شافت روح اللہ و رحمہ
 مولوی عظیم اللہ قنوجی ابن مولوی فصیح الدین قنوجی در فضائل بنوہ سلف صالحہ و در عہدیت
 یادگار عرب و بالکلیہ مولوی عبدالحق قنوجی بود از تصانیف لطیفہ دست کتاب دار الفضائل
 فی شرح الشرائع و چند رسائل در منطق و کتاب مین الہدی شرح قطر الندی کہ بسال دوازده صد
 یازده ہجری تالیف نمود سال رحلتش معلوم نیست

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید شہاب الدین و داد ہم چہ روز و دو شنبہ سال ہفتصد و چہارہ
 ہجری متولد شدہ مخزن علوم و ابرو دامن مظهر تجلیات ربانی و مرید علاء الدولہ سمنانی بود اکثر اہلک دنیا
 را سیر کردہ و خدمت ہر اسد چہار صد و بیار اللہ رسیدہ مستفید گشت و در سن ہفتصد و ہشتاد و یک
 ہجری از ہمدان بایہ قصد کس سادات و رفقا بخط کشمیر تشریف آوردہ بجلہ علاء الدین پورہ کہ دماغ
 مناقہ و طست رخت اقامت انداخت و در لفظ مقدم شریف و تاریخ قدوش یافتہ از قطب الدین
 شاہ دالی کشمیر بکمال ارادت ہر پیوستہ فی رحمۃ اللہ علیہ بنایت سرگرمی اشاعت اسلام بخط کشمیر
 فرمود و ہر ہفتاد و سہ سالگی بمیدان کبیر کو نام مقامی است بتاریخ ششم و ہجری سال ہفتصد و ہشتاد و شش
 ہجری وفات فرمودہ نشد و در قتلان دفن کردند چون کہ وقت انقطاع روح بسم اللہ الرحمن الرحیم
 از زبان سارکش پڑامہ ہر ہجری کلام اخیر تاریخ دولتش یافتہ اند رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلادہ تصانیف
 شمع الاحادیث شرح اسماء حنی و ذخیرۃ الملوک شرح فصول حکم مرآۃ التائبین شرح قصیدہ حمزہ
 فارضیہ آداب المریدین - اعداد فقہیہ و غیرہ اند

شیخ علی کشمیری رفیقی بن یحیی بن عیین الدین بروز سہ شنبہ چہارم رمضان سال یازدہ صد
 و پنجاه و دو ہجری ولادت یافتہ از پدر بزرگوار و مراد گلان خود شیخ اسلام اخذ علوم کردہ فقیہ و محدث گشت
 ہر سہ پسران خود یعنی عبد الاحد و بہاء الدین و شیخ سنا و بلوران عم زاد خود یعنی ابو الطیب احمد
 عبد اللہ و اخوند عبد الرسول را تعلیم علوم نمود و عامل و عارف زادہ و متورع بود بتاریخ دہم محرم
 الحرام سال دوازده صد و چہارہ رحلت فرمود

شیخ علای مہدوی سیانوی بن شیخ حسن از مشائخ کبار بنگالہ بودا و دو برادر خروش شیخ
 نصر اللہ کا از فحول علماء بنگالہ بزیاارت مکہ معظمہ رسیدہ و از انجا بہند آمدہ و خط بیانیہ رحل قاسم
 انما ختم بجاء نصر اللہ و القوت تاریخ قدم ایشان یافتہ شیخ حسن بارشاد و ہدایت و شیخ نصر اللہ
 بفتوی و درس قیام داشت شیخ علای کہ ارشاد داد شیخ حسن و از عہد صبا اثر نجابت و صلاح
 بر لوح پیشانی او عیان بود و ملازمت پذیر خود کسب علوم ظاہری و باطنی و تہذیب اخلاق نمودہ در
 اندک زمانی کتب متداولہ را مطالعہ کردہ بتدریس و افادہ مشغول شد بعد وفات پدر ترک تدریس
 گفتہ بر جاہ طاعت و بیخ ریاضت و سجادہ شجعت استقرار گرفتہ طالبان راہ را تلقین و ارشاد مینمود
 لیکن ہنوز بقیہ ازانہ نفس امارہ داشت و میخواست کہ بوسہ شیخی دیگر در ان شہر شرکت مکانی
 نہاشتہ باشد آخر طریق آبا و اجداد خود ترک دادہ بخدمت عبداللہ نیازی مرید و خلیفہ سید محمد
 جوہوری موجود طریق مہدویہ آمدہ روش دی آموخت و جمعی کثیر با وی شدند و راہ سلوک بقدم
 توکل سپردند و با این ہمہ اسلحہ و آلات حرب برای دفع مخالفان ہمیشہ با خودے داشتند و ہر جا
 در شہر و با دارنا مشرعی دینی کہ میدیدند چیز اذیت آفرینہ احتساب میکردند و خوف حاکم نہاشتند و حکام
 موافق امدادش میکردند ہر گاہ سلیم شاہ پسر شیر شاہ سور بر سرید سلطنت ہند جلوس نمود آواز
 شیخ علای بسمع او رسید میر سید رفیع الدین محدث دمیان ابوالفتح تہانگیری و دیگر علماء
 اگرہ ملاحضار فرمودہ باغوائی مخدوم الملک ملا عبداللہ سلطانپوری شیخ علای را از بیانہ طلب داشتند
 او با جمعی از اصحاب مخصوص کہ ہمہ یکتا پوش و مسلح بودند ہر گاہ آمدہ بر سوسے کہ در مجلس ملوک
 می یافتند مقید نہاشدہ بوجہ مسنون بر ہمہ اہل مجلس سلام کرد و سلیم شاہ جواب بکہہ گفتہ بر مقربان او وضع
 شیخ بسیار گران آمد و مخدوم الملک پیش ازین خاطر نشان سلیم ساختہ بود کہ این بہتدع و عوسے
 مہدویت میکند و سر خروج داد و واجب القتل است آنروز بسفارش عیسی خان نجات الان
 یافتہ سلیم شاہ حکم بر اخراج شیخ علای نمودہ بہند تیرہ رفتہ کہ بسرحد دکن است و اعظم ہمایون
 حاکم آنجا اورا چندی پیش خود داشت در انجا ہم خلائی بدو گردیدند مخبران این خبر سلیم شاہ
 رسانیدند تا کہ باز لطلب وی حکم صادر فرمود چون وی حاضر کہ سلیم شاہ بوی گفت کہ تو از عقیدہ خود
 تمہید کن شیخ سخن شاہ گوش نکرد و سلیم بطنی تازیانہ حکم فرمود شیخ کا از بیشتر تا توان بود در تازیانہ

سوم جان بجان آفرین سپرد و لشکر و پیاپی قیل و سیل استمداد و فیصلی گردانیدند و حکم کردند که هر کس از این نکلند این دفعه
 بسال پنجاه و هفتم صدی دهم روداد آرد و **معتمد الملک سید علویان حکیم دهلوی** اصل تاش محمد هاشم بن حکیم محمد اودی قلندر بن سید
 مظفر الدین علوی از اولاد محمد بن حنفیه است ولادت او بجاه رمضان سن هزار و هشتاد و هجری در دارالم
 شیراز شد و در سن یازده صد و یازده هجری بمند آمده در پای قلعه ساره بملازمت عالمگیر بادشاه
 به خلعت و منصب سرفراز گردیده بمخدمت شاهزاده محمد اعظم تعیین گردید و در عهد شاه عالم بهادر شاه
 بخطاب علویان و اصنافه منصب جاگیرتیار یافت و محمد شاه بادشاه را معالجات خوب کرده
 بادشاه موصوف ویرا به نقره بنجیده به منصب شش هزار و دقتی سه هزار و پانصد تها بهادر و خطاب
 معتمد الملک سرفراز فرمود تا در شاه باغ از تمام همراه خود بر و انا بجا به حج بیت الله رفته در سن
 یازده صد و پنجاه و شش هجری به شاهجهان آباد واپس آید اما از تصنیفات او کتابی است جامع الجوامع
 و علم طب که اسمی است بتاریخ بست و پنجم جب سن یازده صد و شصت هجری در شاهجهان آباد
 بعض استسقاوت شده ویرا حسب وصیتش در حوالی درگاه حضرت نظام الدین اولیاء خون کردند
ملا عماد الدین عثمانی لبکنی عالم متبحر و بانست جلی و ذکاوت طبعی داشت شاگرد رشید
 ملا عبد علی بحر العلوم بود هرگاه ملا موصوف بحرین شریفین بذقت ملا عماد الدین بقیه شرح چمنه
 پیش ملا محمد حسن خوانده از تصانیف او عقده و وثیقه و بیان چند مباحث معقولیه غیره و عشره کامل
 و بحث علم معنیه آن در ساله مقوله عشره در شرح ابیات محقق طوسی متضمن بیان مقولات عشره
 بر سر پایه علمی او گواه اند لیکن بفتح لام و سکون بای موحده و کاف عربی مفتوح و لون نام و بی است
 در ضلع بانس بریلی ملک رو بیل کنند

مولانا عماد الدین غوری از اکابر مشایخ دیار نار نول و از اولاد مولانا عماد است که در عهد
 محمد تغلق بود و آباد اجدادی از عرب بغداد آمدند و انا بجا بعض از بزرگان نش همراه سلطان شهاب الدین
 غوری به هند وستان رسید میگویند که دی در غنقوان شباب در کسب علم نگو شیده بود و بسیار روز باز
 داشت و در هنگام بابلهواتان کشتی گرفتاری روزی بهلوانی مشهور که از دی قوی تر بود بزمین آورده بود
 مست و مغرور بگماندی که در یک از علمای عصر در این حالت دیده تا سفت خود و او را بدین حال

طعنہ نہ جمیتی وغیرتی بحال اداہ یافت و انان وضع کہ داشت پشیمان شد و خواست کہ تحصیل علم کن
 اما چون در خردی اینکار نکرده بود سعی وی دین باب ہے فائدہ نمودنا چار ملازمت روضہ شیخ محمد
 ترک نار لوے اختیار کرد و شب و روز در آنجا با طهارت افتادہ بودے نوافل خواندی و ذکر و
 تلاوت قرآن کردے ہزار طہارت بدر نیامدی و از روحانیت شیخ برای حصول علم استدہا کردی و
 دوازده سال ہمہ رن منوال گذرانید تا شبی براسے طہارت بدری آمد شخصی پیدا شد و او را از عقب
 در گرفت و گفت بخواد ہر چہ خواہی دے طالب طریقہ اجداد خود بود علم و تقوے درخواست آن مرد
 گفت بر د کتاب خانہ بزرگان خود پیش گیر و بروم درس بگو حق سبحانہ تعالیٰ ایو اب علوم دینیہ ہر دی
 فتح کردے رحمۃ اللہ علیہ مردے بزرگ بود کمال اتباع داشت کہ بیچ سنتی از سنن
 سید المرسلین صلعم ترک نمی کرد و فقر و فقر را بسیار دوست مے داشت رحمۃ اللہ علیہ
شیخ عماد الدین رفیقی کشمیری بن عبدالرسول بن اسلم بن عیسیٰ رفیقی کشمیری دود وازدہ
 صد و چہل و نہ ہجری ولادت یافتہ علوم متعارفہ انا ساتھ وقت حاصل کرد و صحیح بخاری پیش شیخ
 واعظ گذرانیدہ مرید شیخ احمد تایلپی بود و بعزم زیارت بیت اللہ سفر اختیار کردہ و اکثر بلاد را سیہ
 سیاحت نمودہ بح بیت اللہ مشرف گشت شیخ نظام الدین و شیخ حمزہ غنی اعوام اداد و مستفید
 شد و بروز جمعہ وقت عصر ششم رمضان سال سیزدہ صد ہجری جان بجان آفرین سپردہ
عمر غزنوی بن اسحاق بن محمد ہندی غزنوی کنیت او ابو حفص و لقب سراج الدین بود علم فقہ را
 از امام زاہد و حمیہ الدین و بلوی شمس الدین خطیب دہلوی و ملک العلماء سراج الدین ثقفی دہلوی
 و رکن الدین بلایونی اغرہ تلامذہ ابو القاسم تنوخی شاگو حمید الدین ضریر حاصل کردہ و بمصر رفتہ
 قاضی القضاۃ شد بسیاری از تصانیف عمدہ و مقبرہ یادگار رفیند انا بخلہ تو شیخ شہر ح ہادیہ
 و تہذیۃ الاحکام فی اختلاف ائمۃ الاعلام و شامل در فقہ و شرح بیع الاصول و شرح مغنی و منفردہ المینفہ
 فی ترجیح مذہب ابی حنیفہ و شرح زیادات و شرح جامع صغیر و شرح جامع کبیر نا کمل و شرح مائتہ ابن
 الفارض و کتاب الخلاف و کتاب التصوف و شرح منار و شرح المختار و تلویح الانوار و تلویح
 الاسرار و مہدۃ الناسک فی الناسک و شرح عقیدۃ الطحاوی و اللوامع فی شرح جمع البوامع
 مشہور اند بقول کفوسے در سال ہفت صد و شصت و سہ ہجری و بقول سیوطی و صاحب

کشف الظنون در سال هفتصد و هفتاد و سه هجری وفات یافته و الله اعلم بالصواب -
عنایت الله قادری لاهوری تصویری ثم الاهی الشطاری کنیت وی ابوالمعارف
 جامع علوم ظاهر و باطن بود غایت الحواشی حاشیه شرح دقایق در دو جلد متضمن فروع کثیره و ملقط الحقائق
 شرح کنز الدقائق که در آن سنونیت اشاره سبابه ماترجم داده از تصانیف او یادگارند وفاتش
 بسال یازده صد و چهل و یک هجری ظهور کرده

ملاعنایت الله سال کشمیری از علمای کشمیر فقیه و محدث و متقی و متورع بود اکتساب علوم
 از مولوی ابوالفتح و ملا عبدالرشید زرگر و فرزندان خواجہ حیدر چرخ کرده باندک زمانی فائق القرآن شد
 سی و شش مرتبه مذاکره صحیح بخاری از اول تا آخر نمود و شنوی مولانا روم کمال ذوق و شوق میخورد
 و از مثل غنیمت خرقه خلافت یافته و تمام عمر گرامی بندگی و تذکیر بسیر پر دطرح موزون داشت اشعار
 صوفیانه میگفت بحر شصت و هشت سالگی آرمه شعبان سال یازده صد و بیست و پنج هجری حلت فرمود
مولوی عنایت رسول چریاکوٹی از علمای فنول مابہ عقول و نقول واقف اسرار نفوس
 و عقول نافذالظار فرغ و حصول این قاضی علی اکبر ابن قاضی عطاء رسول است بسال چهل و چهارم
 از صدی سیزدهم هجرت در مرز بوم یوسف آباد چریاکوٹ بدائله بنی عباس متولد شده و صغیر سن
 رسائل ابتدائی از صرف و نحو مجتهدت والد بزرگوار خود و دیگر اکابر گذرانید چون بکافیہ این حاجب
 رسید بذیل تعلیم مولوی احمد علی چریاکوٹی متمسک گردید وی بحکم صلہ رحمی پدر و کرم تمام تعلیمش میگوشت
 و در سفر و حضر با پوکرگین مولوی غم الدین بسلاک مراقبت می کشید باجماع چون از تکمیل تحصیل مند سه
 حساب و مناظره و بینات و دیگر علوم ریاضیه و حکمیہ فراغت پیوست آرد و بجانب احادیث
 بنی علیہ السلام کرده خدمت مولوی حیدر علی مرحوم بریاست محمد آباد لونک پیوسته و در اینجا تحقیقات
 مسائل نقلیه و ہم عقلیه طریقی بست و بطن باز آرد روزی چند بطن مالوف مقیم شده بشوق
 آموختن زبان عبری به کلکتہ رفته و در آنجا سالی چند پابند اقامت گشته از احبار پیروزان عمر
 راجع الوجود آموخت و از آیات تورات و زبور و غیره زبر و لیلین بشادات و نبیین گوهرها
 نسبت حضرت سید المرسلین پیایه اثبات رسانید و بسال هفتاد و یکم از صدی سیزدهم هجرت
 از آن دیار مراجعت وطن فرمود باز قدم سمنور و سبک بجاسنه نفرسود و به تعلیم مستحقین چند از طلبه

علوم نیکو شنید کثرت و هجوم طلبه گاهی نپذیرد با این همه انفرادی متغنا آوازه کمالش بگوش سید احمد خان
نجم الهند رسید که وی همه تن بدیدارش کوشید و دست بدامن استفاده ادراخت و موصوفات الرحمة
جرعه افاده خود بجام طلبش ریخت و راز پوشیده کتب قدیمه در کیسه خیالش نهاد نجم الهند غنی الله عنه داد
گوهر شناسی داد مولوی مرقوم از چند سال به تهذیب و تسبیل علوم متعارفه بدل متوجه است نخستین
علم صرف را به تهذیب لطیف و تحقیق دقیق درسی جزو مرتب نمود و گره موضعاتش بناخن فکر است کشف و بعد
اذان به تحریر تنقیح هندسه و حساب و مساحت و جلا اشکال و مسائل فنون مذکوره بدلائل
سلیقه و افکار لایحه مرتب ساخت و اعمال حسابیه و هندسیه و مسائل منظره و انعکاس با سلوب
خوب و طریق مرغوب از برده السنه غیر بزبان مروج هند جلوه ظهور و بروز داد و این کتاب را
تجددست والی حیدر آباد فرستاد که مهره غنوان بچشم قبول دیدند و مرتبه نهایت پسندیدند سلمه الله تعالی
ملا عیاض رام پوری تلمیذ مفتی شرف الدین رام پوری دروس بحث بود که از هر کسی بحث
و مناظره میکرد و او را کتابی است موسوم دستور المفتی در صرف که مقابل دستور المبتدی تألیف کرده
بجای سوال و جواب لفظ شک فک دران اختیار کرده

شاه عیسی جند الله در پانپوری انکا برعلای و اعظم عرقای برهان پور دوانوار الاسرار تفسیر
قرآن مجید بزبان عرب و چهار مجلد از تصانیف شمیره اوست بر دالله مطبوعه

حرف الغین المعجمة

مولوی غلام الله لاهوری فاضل اجل عالم اکمل از علمای لاهور بود فیض علمی از ذات
بایرگانش شفا و غبار سیده مفتی غلام سرور لاهوری مصنف کتب تاریخ و غیره از تلامذه اوست
احمد دین و حمید دین دو عقب گذاشته در سال دوازده صد و هفتاد و دو هجری درگذشت
مولوی غلام حسنین قنوجی ابن مولوی حسین علی بن مولوی رستم علی قنوجی در سال دوازده صد
و بیست و یک هجری متولد شده غلام علیم نامش تاریخی است شاگرد مولوی محمد سعادت خان
فرخ آبادی و مولوی ولی الله فرخ آبادی بود در سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری از حج بیت الله
الحرام مشرف شده بمدرسه منوره از شیخ محمد غایب سندھی اجازت کتب صحاح و سنن یافت
طالع کتب تصوف اکثر اوقات خودش صرف نمود حاشیه کتاب المنازل الاثنی عشر مؤلفه

مولوی رستم علی جدش از تالیفات اوست در آخر عمر مرتبه دوم که سفیوت الله اختیار کرده بعضی از
 حج هنگام مراجعت در بند ممبئی سفر آخرت اختیار نموده داعی اجل را بیک اجابت گفت و با همه
 العلوم مطبوعه در سال وفاتش حرف هند سه دوازده نوشته از صفر هم صفر است ندانم کدام سال وفات یافت
 مفتی غلام حضرت لکهنوی علامه زمان فقیه دوران فقی عدالت بلده لکهنو بود سال دوازده
 صدوسی و چهار هجری وفات یافته شاعری تاریخ و تلخیص نظم گفته و در هند صمد مفتی غلام حضرت
 افسوس که بود بشیر لکهنو حاکم شرع در سال تاریخ رحلت آن مرحوم در فرمود که بود او حاکم شرع -
 مولوی غلام رسول لاهوری از عمده ترین فاضل لاهور شاگرد و پسر مولوی غلام فرید
 لاهوری بود علماء پنجاب به تلمذ وی فخر میکردند بسال دوازده صد و پنجاه وفات یافته -
 مولوی غلام رسول پنجابی از علماء پنجاب در فقه و حدیث و تفسیر فاضل کامل اکثر اوقات
 و عظمت میگفت مرید شیخ محمد نصیر مجددی بود بسیاری از تصانیف او بزبان پنجابی اندر سال
 دوازده صد و نود و یک هجری درگذشت

حسان الهند سید غلام علی آنا و بلگرامی ابن سید روح حسینی بنبلو واسطی همدان حنفی
 از بهادری مشرب و بلگرامی مولانا و نشاء تاریخ بست و پنجم صفر و زیاده سال یکصد و شانزده
 هجری در بلگرام متولد شده کتب درسیه از اول تا آخر از سید طفیل محمد آثر مولوی خواند و لغت و سینه نویه صلح
 و سنا حاویث شریفه و اشعار عربیه و فارسیه از جد مادری خود سید عبد الجلیل بلگرامی گرفته و عروض و
 توانی و بر بنی فنون ادبیه انحال نمود سید محمد بن سید عبد الجلیل استفاده نمود و مرید سید لطیف الله
 بلگرامی بود زیارت حرمین شریفین فائز گشته و صحیح بخاری از شیخ محمد حیات سندیه در مدینه منوره در آن
 کرد و اجازت صحاح سه از گرفت و هندوستان واپس آمده بمصاحبت لواب نظام الدوله
 ناصر جنگ ابن لواب نظام الملک آصف جاه حیدر آبادی رسید بنجله تصانیف عربیه
 او فنون الداری فخر صحیح بخاری تا کتاب الذکر و تسلیه الفوائد و قصاید خود و تراجم علماء هند و دیوان
 عربی که در هر دو دیوان سه هزار اشعار اند و هفت صد اشعار عربی که در کتاب سجع المرحان بطور
 مثال درج کرده و سجع المرحان فی آثار هندوستان و از تصانیف فارسیه او بیضا و سوا آناد
 خزان عامه و دیگره شعر او در وقت اولادها تذکره بعضی اولیا و ما شا کرام تاریخ بلگرام در ذکر اولیا

و فضلا و شعرائے بگرام و سدا السادات فی حسن خامتہ السادات و دیوان فارسی و منظر البرکات و سببہ
سیارہ و غیرہ از یادگارانہ در سال یکتر بعد صد ہجری ازین جهان رحلت نمود و راجعہ فرحب
حافظ غلام علی چریا کوٹی ابن شیخ نجابت اللہ عباسی از سلاطین مولوی محمد احسن عباسی است
امداد اہل حال یکے از سلطنتوران عساکر بود و روزی یکے از بزرگان گانش فرمودای کاش در خاندان ماکسی
بودی کہ بجای فن تیغ و تبر سر نایہ علم و ہنر بدست آوردی و بجای دشتہ و سپہر کسب حادثہ و جز کردی
بسماع ابن کلام نبض غیرتش در حرکت آمد تا آنکہ روای و ہنر روی بر ناکمل بہتہ و بطلب گوہر علم
بر لعلہ غل غل شستہ از یاد و دیار بریدہ آستانہ فیض کاشانہ مولانا شاہ عبدالغفور دہلوی پیوستہ و در انجا
تا دیر باز قیام و رزیدہ از علم و رسنیہ فراغت بدست آورده و وطن رسید و بتعلیم برادران قوم کوشید
طرز تعلیم مفید و پسندیدہ داشت و در صرف و نحو و مسائل لغزو و لکشی دارد صاحب ثروت و اخلاق
کہ کہ بود در سال چہل و ششم صدی سیز و ہجری قمری را و دایع نمود

مولانا غلام علی دہلوی از سادات علوی و در بیان مرزا مظہر جانجانا عارف بود کامل
جامع علوم ظاہر و باطن و لادش درس یازده صد و چہار و شش ہجری بوقوع آمدہ چنانچہ شاعری
تاریخ میلاد و شرفش چنین یافتہ ۵۰ جوئے چرخ ہدی حضرت غلام علی ہاشمہ ظہور گل در جهان جان
بشگفت ہسن و لاد شرفش چو جست رفت دل ہمہ سپہر ہدایت شدہ طلوع بگفت ۶۰ و بتاریخ بہت
دوم صفر سن و دوازده صد و چہل ہجری ازین جان فانی رحلت فرمودہ در پہلوی مرشد خود مدفون
گشت از عبارت نور اللہ ضیچہ سال وفاتش برمی آید مسودہ اوراق کتاب تاریخ و جہتیش تخریج منظوم ساختہ
اینست ۵۰ چو ماہ چرخ ہدی حضرت غلام علی بن برنج کشید زابر عدم نقاب و نہفت ۶۰ گزیدہ
پیر غول بجزرت و فوس ہمہ سپہر ہدایت نہفت سال گفت

قاضی غلام غوث گویا موی فاضل فضل و فقیہ اکمل از اخوان قاضی مبارک شایع سلم بود
بخدمت ارغوان علی خان اکتساب علوم نمودہ مدام بدرس و تدریس مشغول بودی چندی در صنایع گفتہ
ملک مدراس برود سادہ قضای آنجا رونق بخش بودہ و دو جلد فتاوی از تصانیف دسے مشہور اند و در
سال دوازده صد و دو ہجری بعید را با درخت ہستی بسوی عدم برستہ ہمدراختا مدفون شدہ
مولوی غلام فرید لاہوری سہروردی عالم اجل فاضل اکمل جامع کمالات ظاہر و باطن

عابد زاهد ذاکر شاغل بود تمام عمر بتدریس و تعلیم طلبه علوم بسر برده و از دنیا و اهل آن سر و کار نداشت تجربه و تفرید بر طبع گردیش غالب بود بسال دوازده صد و شانزده هجری جان بجان آفرین سپید
شاه غلام قطب الدین آله آبادی مصیب تخلص ابن شاه محمد قلندر ابن شیخ
 خوب الله آله آبادی مرید و خلیفه پدر خود بود تولد او بفره حرم سال یک هزار و یکصد و سی و هشت هجری است
 تاریخ ولادتش از نیک بخت ازلی بآدمی برآید تکمیل علوم ظاهر بخدمت مولوی برکت الله آله آبادی کرد
 در ایام حداثت سن هنگامیکه والد ماجدش بکله معظمه رفت مستند آرای خلافت شده از تصانیف
 دیوان فارسی که نهایت موطوط مضبوط است و ششوی نان و قلیه در جواب نان و حلوا و بستان حقیقه
 یادگار علم و بند در آخر عمر حجت حج بیت الله رفته بتاریخ سلخ ذیقعه سال یک هزار و یک صد
 هشتاد و هفت هجری در بلد الحرام وفات یافته و رقبه ام المؤمنین علیها السلام کبری جانب ماست مدنون
 گشت تاریخ و نشانی جگر کشور شاگردش به نمیه گفته و بهیذا **۵** وفات پاک غلام قطب الدین
 رخت بر بست زین جهان افسوس بول سخندان من سوال نمود به سالین غم زوجه خوان افسوس
 بادل نامه سوخته گفتم به قطب الدین رفت زین جهان افسوس

مفتی غلام محمد لاهوری از اولاد انجاد شیخ بهاء الدین ذکریا ملتانی وید مفتی غلام سرور لاهوری
 جامع علوم و فنون بود دام بکار تدریس و طبابت سرگرم می ماند و قوت حلال از کتاب قرآن مجید
 حاصل میکرد در سال دوازده صد و هفتاد و شش هجری وفات یافت

مولوی غلام محمد خان ساکن کوٹ در حجت خان عرف خان محمد ادره که کوکمران ساکن
 کوٹ بخدمت بابرکت امولانا محمد سلاست الله کشفی کانپوری رسیده اکتساب علوم متعارفه کرده
 وسیع و لغوی شعار و آثار خود ساخته و تنها لثینی مطبوع طبع شریفش بود بعد فراغ علمی اعزه و اکابر
 موضع مذکور مستدعی قدش بدان قریه شدند وی گفت تا وقتیکه بمقام مازک سود خواری و حجاب
 ننان از آن خرمای اختیار نموده بدان موضع قدم نخواهم نهاد هرگاه مردم بمقام او در و شرط را
 تلقی بقبول کردند وی بوطن آمده تاحیات خود همه را بپابندی شریعت غزوات نمود و مسجدی
 در آن موضع تعمیر کرده آخر کار بحکم کل نفس ذالقه الموت ملق چهاردهم ربیع الاول روز یکشنبه
 سال اول صدی چهاردهم هجرت رحلت فرموده بمسکن خود دفن گشت علیه الرحمة و الغفران

کهو که رکات تازی مضموم مخلوط بهاد و ساکن و فتح کاف تازی مخلوط بهاد و ای موله ساکنه گویا است
از اهل اسلام که لقب خانی دارند وصل شان اینچا است چنانکه از تاریخ فرشته و غیره مستنبط میشود و انشان خود
شیخ میدانند و لفظ خان بر خود خطا بای انکارند و همه سنی ندیدند کو طبع کاف تازی واد ساکن مجبول
و تازی هندی ویی است در واد به گنگت بن متصل جانب چپ دریای چین اکنون لفظ قچو رسیده تعلق سواد
قاضی غلام مخدوم چیرا کوئی ابن قاضی عبد الصمد عباسی بلفظانت و ذکا چون پدر مشهور بود و
اکرم و سماحت بالسنه مردم مذکور بعد تکمیل علوم متداوله شوق تعلم زبان سنسکرت در دلش پدید آمد
تا آنکه در تحصیل زبان مذکور حظی دانی برگرفت و بمقام بنارس که معدن مهر و زبان اقوام است
میان ما بران این فن انشای کافی یافت طبعی سخن رنج داشت بزبان فارسی دیوانی ترتیب داد
چون زمان و دور و دنیا نزولیکش رسید همه را بجهت سیه ده آتش سوزان نهاد و اشعارش که بر صفحه اینست مردم
لفظ بود نداند کی از اینجمله اینست **ب** باغ دهر نه گل ندونی سخن باقیست بهر عند لب پری
چند چمن باقیست بهر دلم بهوخت تتم سوخت و استخوان هم سوخت بهر کام سوخت و ذوق سوختن باقیست
فیض خان اکرم خوشم نیم محتاج به درون سیننه دلی حسرت وطن باقیست بهر صدیقی الصدوق مولوی
محمد فاروق چیرا کوئی که سلسله شبتش بدو واسطه بصاحب ترجمه میرسد غزلی بجواب غزل مذکور
الشا فرموده برای ترتیب ناظرین بخنور بزبان نظم سپرده می آید **غزل** نه آن پیلان نه آن می نه آن
چمن باقیست بهر گزین و نیم قصه کهن باقیست بهر چنان گداخته ام من که غیر یاد تو نیست بهر من هر پنج
مداغوش پیر من باقیست بهر چه داد خداوند مقام و لیکن به درون دل هوس طالع و من باقیست
نخل زمخت دشتام تو شدم ای جان بهر که بر زبان تو زین حیله یاد من باقیست بهر الغرض موصوف
الترجمه بجای پدر بزرگوارش بهر ده قضا نامور بوده بسان نجم از حدی سین و هم هجرت بهر بنجا و ساگی
جهان فانی را پدر و فرمود **غزل** تعالی -

مولوی غلام محی الدین بگویی ابن حافظ نور حیات بن حافظ محمد شفا بن حافظ نور محمد بگویی
عالم اجل فاضل اکمل بقیه و محدث جامع کمالات صوری و معنوی بود و روز دوشنبه ماه محرم سال
دوازده صد و سه هجری متولد شده قرآن شریف از حافظ حسن نظر اقرات کرده بعد به ماه
مبارک رمضان یک یک پاره روزانه حفظ کرده بشب در تراویح بخواند تا اینکه در یکماه حامل

قرآن گشت و تحصیل علوم متوجه شد چونکه ذهن و ذکای کامل داشت بملک پنجاب کسی او را تعلیم دادن نتوانست بالاخر او مع برادر خود مولوی احمد الدین که هشت ساله بود بدبلی قدم آورده از علماء دہلی علوم معقول و منقول خوانده علم حدیث بخدمت مولوی محمد اسحاق تحصیل نموده سنہ آن از مولانا شاه عبدالعزیز یافته هرگاه فارغ تحصیل گشت بلاهور رسیده در لال مسجد تاسی سال بتدریس طلبہ علوم اشتغال داشت پس بوجہ بیماری استرخا بسکن خود موضع بگا متعلقہ بہیرامضاف لاہور آمدہ تا چارہ سال بیمار ماند و ہم در اخالت باب تدریس و تعلیم مفتوح داشت و شب و شنبہ ماہ شوال سال دوازده صد و ہفتاد و سہ ہجری وفات یافتہ در موضع بگا مدفون شد و دو فرزند خلف الصدق عقب خود گذاشت یکی حاجی مولوی غلام محمد کہ امام جامع مسجد لاہور است دوم مولوی عبدالغفور کہ امام جامع مسجد بہیر است سلمہ اللہ تعالیٰ

حافظ سید غلام میر سنیل بن سید قلند بخش بن مولوی عبداللہ ابن سید زین العابدین مخدوم زادہ سندیلہ بخدمت مولوی حیدر علی سنیل و مولوی ظہور اللہ لکھنوی و مولوی عبد الواجد خیر آبادی تحصیل علوم کردہ اکثر بنواح کلکتہ تاجرانہ بسر می برد باز سندیلہ مراجعت نموده بدرس طلبہ پرداخت سوم ذیقعدہ سال دوازده صد و شصت و چہار ہجری وفات یافتہ بمقابر امرہ واقع قصبہ سندیلہ مدفون گشت

مولوی غلام نجف حقانی سنیل ولد احمد شاہ ولد حافظ عنایت اللہ حقانی از شیوخ قصبہ سندیلہ دانشمند کثیر الدرس و حامل قرآن میراج السادۃ بود اکثر ماہ رمضان المبارک بیک شب ختم نمودی در سال دوازده صد و پانزدہ ہجری رحلت نمود

شیخ غلام نقشبند لکھنوی ابن شیخ عطاء اللہ یگانہ روزگار جامع شریعت و طریقت بودوی رحمۃ اللہ علیہ تلمذ میر محمد شفیع دہلوی شاگرد شیخ عطاء اللہ مذکور است و شیخ عطاء اللہ شاگرد شیخ میر محمد لکھنوی بود لکن شیخ غلام نقشبند فاتحہ فراغ بردست شیخ میر محمد لکھنوی کہ استاد پدرش بود خواندہ و تمام عمر گرای خود با فادہ و تدریس طلبہ علوم بسر بردہ جمعی کثیر از فاضل مدارس سنیہ و سنیہ برادر خود رسیدند و سلسلہ تعلیم اکثر علمای ہندوستان بدو پیوند شد شاہ عالم ابن اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ شہرہ کنانش اصحا کردہ اورانجو طلبید و با غر از اکر م تمام پیش آمدہ نجلہ تلامذہ

استاد سید عبد الجلیل بلگرامی است که ذکرش گذشت تفسیر ربع قرآن مجید مع حاشیه آن و نیز تفسیر
چند سوره قرآنی و فرقان الانوار و رساله لامع عرشیه در وحدت وجود و شرح قصیده مخزنه و غیره
از تصانیف معتبره و مستنده ویند واقع سلخ رجب سال یک هزار و یکصد و بیست و شش هجری
این جهان بی بود را پدر و فرمود و به لکھنؤ مدفون گشت نور الله مرقدہ

مولوی غلام محیی بہاری مسقط راس و موضع الکر متصل قصبہ نگر نرسہ از توابع بہار است
کہ از بہار بفاصله شصت کردہ ما بین پٹنہ و بہار واقع شدہ دانشمند شہر و سرآمد علمای روزگار بود و
در ذہانت و منطق دانی گوی سبقت بر اہل و اقرا ن خود برودہ از تصانیف او حاشیہ بر میرزا بہار
رسالہ متداول علمای زمان است در سال یازدہ صد و بیست و ہشت ہجری وفات یافتہ و بہار
بیرون احاطہ در گاہ مخدوم شرف الدین قدس سرہ مدفون گشت رحمۃ اللہ علیہ۔ اکبر بکسر اول
و فتح کاف عربی و سکون یامی تحتانی معروف درای ہندی در آخر نگر نرسہ بفتح لون و کاف فارسی
و سکون را دون مضموم و ہای ساکنہ و سین مفتوحہ در آخر ہای مخفی

میر غیاث الدین قزوینی ابن میر عبد اللطیف قزوینی از مدہ ترین افاضل علم جلال الدین محمد
اکبر بادشاہ بود در علم سیر و تواریخ و اسما و الرجال و سائر محاضرات آیتی بود از آیات پروردگار و
برکتی بود از برکات روزگار و رقت حافظہ ویراثانی لوح محفوظ باید شہر و در خدمت بادشاہ
بخواندن علم تاریخ و سائر کتب نظم و نثر شبانہ روز اشتغال داشت بخطاب تقیب خان ممتاز بود

حرف الف و

ملاح انداودہی در اوائل حال از علمای نامور دہلی بود ساہمادری مسجد جامع دہلی کہ پائین
منار شمس است بر سندان دافا وہ داشت و در آخر میرد خلیفہ شیخ صدر الدین حکیم شد
و بسوگ این طریق مشغول گشت گویند کہ وی ریاضات بسیار کشید ولیکن نفع از ان بمشام حاصل
نرسید شکایت این حال پیش پیر خود برد فرمود کہ ترک درس کن و کتب از ملک خود بدر کن او
ہچنان کرد مگر کتابی چند کہ بہت لطافت و لطافت موسوم بودند نزد خود نگاہ داشت ہنوز
فتح باب معرفت در توقف بود تا بقیۃ کتب را نیز از خود جدا کرد او را دیدند کہ بربابی نشسته
بجزا و دای شمس و آب از چشم او میرفت تا لوح ضمیرش از نقش ماسوی اللہ پاک شد و در

بل آن علم باطن ثبت یافت شیخ قاسم اودھی دہلوی از مریدان اوست رسالہ فاروس
باذآب السالکین رحمۃ اللہ علیہما

میر فتح اللہ شیرازی شیعی مذہب از سادات شیراز عالم العلمای زمان بود جمیع علوم عقلی
و نقلی و حکمت و ہیئت و ہندسہ و نجوم و درمل و حساب و طلسمات و نیز نجات و جراثقال نیکو میدانست
و لیاقت رصد بندری داشت و در علوم عربیت و حدیث و تفسیر و کلام نیز نسبت اوسکو
است شاگرد غیاث الحکماء و دو تصانیف خوب دارد میر مصوف اگرچہ در مجالس بغایت
خلیق و متواضع نیک نفس بود لیکن آن ساعت کہ بدرس اشتغال داشتی بشاگردان غیر از
فحش الفاظ رکیکہ و ہجویر زبانش رفتی ازین جهت کہ مردم بدرس او میرفتند و شاگردے رشید
ہم ازو برخواستہ چند سال در دکن پیش علول خان حاکم آنجا بودند چون درس نمیداد و نو و ہجرے
بلازمت اکبر شاہی آمد بعضد الملک مخاطب گردیدہ بملک کشمیر در ہندو بود و ہفت ہجری
وفات یافتہ بمقام تخت سلیمان مدفون شد

از مصنوعات او آسیائی بود کہ خود حرکت میکرد و آرد سائیدہ می شد و آئینہ کما ز دور
و نزدیک اشکال غریبہ در مری میگشت و بند و قیکہ بیک گردش دوازده آوازے دادہ
باب فتح محمد بر ہانپوری عالم علوم عقلیہ و نقلیہ محدث و عارف با اللہ مدام در بر ہانپور درس
دادی علم فقہ حدیث و تفسیر از والد ماجد خود مولانا عین العرفا شاہ محمد علی حینہ اللہ بر ہانپوری
اکتساب نمودہ جدا و شیخ محمد قاسم سندھی بہ لقب رئیس الحدیث شہرت داشت و قدس بکہ عظمت
مولوی فخر الدین زراوی بنگلہ بود جامع علوم و تقوی و در امر دین صلابتی تمام و عظمت
وافر داشت و دادا نعل حال پیش مولانا فخر الدین ہالنوی در شہر دہلی تعلیم میکرد و بخوش طبع
وقت سخن و فصاحت عبارت از ممتازان اہل شہر بود عاقبت مرید و خلیفہ سلطان المشائخ
حضرت نظام الدین اولیا قدس سرہ شدہ از میان ستمان برآمد و در سلک درویشان
منسلک گشت و بیشتر احوال در سفر بودی و در صحاری و بیابانہا عبادت خدا کردی و صوم
نالغہ داشتی و ہمانیکہ در عند محمد تغلق شاہ باو شاہ دہلی مردم دہلی را بدیوگر میفرستادند و نیز زینت
از آنجا زیارت خانہ کعبہ رفت و از آنجا بہ ہند ارفتمہ علم حدیث بحث کرد و ہنگام بازگشت مرکب پیچ

غرق آب شد و مولانا بدرجه شهادت رسید در صرف کتابی از و مشهور است رحمة الله عليه
مولوی فخرالدین احمد که آبادی از اولاد امجد شاه رفیع المان مرحوم الله آبادی که یک اثر
منجمله و او از ده گانه الله آباد بنام نامی شان به محله یحیی پوشهور است رکنی بود از شرفای شهر الله آباد
بشهر لکنئو در خدمت علمای عصر یعنی مفتی محمد یوسف و مولوی نعمت الله مفتی محمد صخر و مولوی حسین احمد
محدث لکنئوی فرنگی محلی و آخون شیر محمد ولایتی تحصیل علم متعارف متداوله نموده بعد فراغ علمی مراجعت
به الله آباد وطن خود فرموده و ساده آرای مسند از مشایخ صاحب خاندان خود گردیده و مجمع بیت اسد الحرام
شرف اندوز شده علاوه آن افاده درس بطلبه و اخلاصه معالجی میفرمود و بوجه حدیث و شهرت معانی
ملقب بحکیم بادشاه شد اکثر از خلفای طریقت و تلامذه معلوم به برکت فیض شان نامی و گرامی شدند
مثل مولوی سیح الدین باحمد خاں و خلیفه موصوف الذکر و مولوی محمد عبد السبحان ساکن الله آباد ناره
و برادر زاده شان مولوی حافظ عبد الکافی و غیر هم منجمله تصانیف ممدوح الذکر رساله تفرقه البدهه
والسنه و کف الالبسه عن تکفیر الفرقه الرفعه و رساله بتخیر و نذیر و رساله مولد فخریت و رساله المناسک
و رساله از الاله الشوک و الاوایم بحجاب تقویة الایمان و فاتحه فی جواز انفا تحه مشهور اند باجماع بمصدق
آیه کریمه کل من علیها فان یعمرها و در وسایل تباریح بست و سوم ربیع الثانی یوم جمعه سال یک هزار و
سه صد و سه هجری از دار فنا بهار بقار حلت فرموده به محله یحیی پوشهور محلات شهر الله آباد دفن شد علیه الرحمه انظر
فرید واحد العین از شاگردان سید شاه میر سامانه بود و او را چنان نشان میدهند که با آنکه تحصیل
چندان نکرده بود اما هر مسأله مشکل در بحث و دقیق و غامض را از هر کتاب مستفیان که از وی پرسیدند
در لحظه قلم دوات گرفته در سلاک تحریر کشیده حل می ساخت اما قوت باقر بلکه قرات آنچه خود می نوشت نه داشت
مولوی فرید الدین احمد بن سید محمد راجی بن مولوی سید علی مشهدی کروی ذهن و فکای
جلی دار و با داکل در خدمت مولانا محمد سلامت الله کشفی کانبوری و دیگر علمای وقت اکتساب علوم
متداوله نموده متوجه به تعلیم قوانین انگریزی شد و در قانون دانی و معاملات فنی مشارالیه مایل اتران
و مورد عنایات حکام و الا نشان گشت چندی بوکالت بائی کوٹ زبان بعد بعد سبج اتماد
داشت الحق اگر بعد تحصیل علوم چند مدت علمی کمربستی کم از ملاحسن سها لوی و ملاحسن لکنئوی نبوده
در دنیا لت هم متاع و عقار که وی دارد و دیگر بهیشتان را کم داده اند باین همه اغره و اقر با پروری

شعار حاصل دست بقریب جیو ملی مکه انگلستان وقیصر هند او نیز خطاب خان بهادر امتیاز یافته
سلمه الله تعالی

مولوی فضل مام خیر آبادی شیخ فاروقی شاگرد رشید مولوی سید عبدالواحد خیر آبادی منصب
صدراعصوری شاهجهان آباد از سرکار انگریزی عزت و امتیاز داشت بر میرزا بدر رساله
و میرزا هد ملا جلال خواشانی متبینه نوشته و در علوم عقلیه گوی سبقت ر بوده آید نامه کردان
قواعد فارسی بیان کرده و نیز ترجمه چند علمای جوار لکهنو تحریر فرموده پس مفید مبتدیان است پنجم
ذیقعه سال دوازده صد و چهل و سه هجری داعی اجل را البیک اجابت گفته بفرودس برین شش
مولوی فضل الله سندیل ابن سید شاه غلام علار الدین مخدوم زاده سندیه در اوایل از
مولوی زین العابدین سندیلی تحصیل علوم کرده تکمیل آن در قصبه گوپا بمو خدمت علمای عصر آنجا
نموده مرید و سباه نشین والد خود بود و هدایت و ارشاد طالبین میب و اخت با و آخر صدی
دوازدهم وفات یافته بمقبره کریم باغ اندرون روضه پدر خود واقع قصبه سندیه مدفون گشت
مولوی فقیه الله سندیلی بن سید صالح الله بن سید غلام علار الدین مخدوم زاده سندیه سال
دوازده صد و سه هجری متولد شده بمذمت مولوی احمد بخش سندیلی و مولوی بادی ساکن دیوا و
مولوی غلام حسین بنگالی و مولوی اسلم بگرامی و مولوی نور الحق لکهنوی و مولوی محمد حمید
فرنگی محلی لکهنوی و مولوی سراج الحق فرنگی محلی لکهنوی و مفتی محمد صفر فرنگی محلی و مولوی محمد جعفر ساکن
کسمندی اکتساب علوم نموده و بیعت ارادت از والد خود حاصل کرده همواره درس میداد و وعظ
میسفرمود و بتایخ بست و دوم صفر سال دوازده صد و پنجاه و نه هجری وفات کرد و بجن مسجد مخدوم صاحب
واقع قصبه سندیه مدفون گردید

شاه فضل الله پوری به لقب نائب رسول الله شریعت داشت اصلش از چو پور است
و بر پانپور وطن اقامت اوست که در آنجا متوطن شده مدرسه بنیاد نهاد و مدام بدرس فقه تفسیر
و حدیث و تصوف مشغول می بود و مصائب مدرسه و طلبه با و شاه وقت خود میداد وفات دی

در سن هزار و پنجاه هجری در بر پانپور وقوع یافته بجهاد انجا مدفون گشت

مولانا فضل الرحمن اوصاف حمیده و خصائص پسندیده شان بچند اندک که قلم مقلع انسان

شبه ازان بر صفحه قرطاس بی اساس بر نگار و انسان ضعیف البنیان را چه یا تا که عشرت شیر آن بمعرض بیان آرد **۵** لایدرک اوصاف المطری خصائصه و آن یک سابقانی کل و صفاته با الجملة نام والد ماجد شان اهل الله بن محمد فیاض متوطن قدیم قصبه ملاوان ضلع او نام ممالک اوده انا و ملا الجاد مخدوم شیخ محمد ملاوان مصباح العاشقین است حضرت شان بنات خود قصبه مراد آباد ضلع او نام را که از ملاوان سه کروی فاصله دارد بقدم سکونت رونق بخشیده اند و بعضی اولاد شان هنوز بقصبه ملاوان میقیم اند حضرت موصوف الاقارب در سال دوازده صد و هشت هجری ولادت یافتند چنانچه فضل رحمن بدون اله و لام معروف هالف بعدیم نام تاریخی او شان است بدین حساب عمر شریف تا سال سیزده صد و پنج هجری که زمانه تالیف مجموعۀ هذاست نود و هفت سال می شود اللهم متع المسلمين بطول بقاء تحصیل علوم دینیہ رسمیه بخیر دست اسانده وقت کثرت ترین آنست مولانا شاه عبدالغفور دہلوی و مرزا حسن علی کبیر محدث لکنوی و مولوی محمد اسحاق دہلوی آن فرمودند و سع و تقوی و اتباع فقہ و حدیث شعارد و تار او شان است اسرار و بیعت و اجازت خلافت از حضرت شاه محمد آفاق دہلوی و نیز از حضرت شاه غلام علی دہلوی قدس الله سرهما دارن چون از بدو سن شعور طبع گرمی بشغل باطن مجبول شده اتفاق تدریس و تصنیف یافتند و در اوائل حال گاهی به تذکیر و موعظت می پرداختند احوال بوجه ضعف جسمی که لازمه این عمر است اکتهم نمی شود مگر تا هم فی زمانه نامرجح خلایق اند صغیر و کبیر و توانگر و فقیر مشهور و غیر مشهور از نزدیک و دور می آیند و بشرف بیعت بهره یاب می شوند ما قام الله فیضه علی رؤس المسترشدین مؤلف اوراق باه فیحی سال سیزده صد هجری از وطن باو ت باراده اسلام سد کینفہ تابا کجا پور رفته و آنجا بدریافت آملک از او نام نامراد آبا و آب باران سر بطغمانی دارد که عبور بسواری عرابه و بالکی و غیره و شمار است ناچار بزبان حال شعر مشهور آورده بر یوان و الیس آمد **۵** تنی ستان قسمت را چه سود از ره سبک کل به که خطر آب حیوان تشنه می آید سکنند را

مولوی فضل رسول بدایونی ابن مولوی شاه عبدالحمید قدس سرهما بامه صفر سن دوازده صد و سیزده هجری متولد شده نام تاریخی وی ظہور محمد است تکمیل تحصیل کتب دینیہ متعارفه بخیرت مولوی تورالحی فرنگی محلی خلع مولوی انوار الحق شاگرد ملک العلماء بجا العلوم ملا عبدالعلی

توجه به تصدیق و دلی پیشگاه مزبور مولانا محمد شاه عبدالحق قدس سره و اکابر علمای وقت مثل
مولوی عبدالحق و مولوی عبدالحق خیر آبادی و مولوی ظهیر الدین قزلباشی و غیرهم رسم دستار بندی
او را فرمودند از آن بعد علم طب از حکیم سید میر علی خان موهای و علم حدیث و تفسیر از شیخ الملک عبد الله
سراج و شیخ الهدیه شیخ غلام مدنی و علم تصوف از والد ماجد خودش حاصل نموده و نیز بیعت و
خلافت در سلسله تلمذیه چشتیه از والد خود یافته چند بار بحرین شریفین رفته از حج و زیارت
مشرف گشت یکبار از دلی احرام بسته پیاده تا بمبئی رسیده و از آنجا بسواری جناز بجهه فرود آمد
و از جده بمدینه پیاده رفته همچنین به کمال هذب و ادب و بی بند و غیر الهلاد رفته سجاده نشین و سواده
نوشیه حضرت سید علی هم از خود اجازت خاص بوی عطا فرموده و با جمله موارد هدایت و تعلیم خلایق
و تدبیر می پرداخت و در پنج کنی و دایره کوشش بیخ می نمود بسیاری از علمای فضیلتی بسیاری
تر بیتش نشو و نما یافتند از آن جمله مولوی فیض محمد بدایونی و مولوی سخاوت علی جوینوری و مفتی اسد الله
آله آبادی و مولوی شاه احمد سعید ماموری و مولوی عنایت رسول چریا کوئی هستند سوم
جمادی الثانی سال دوازده صد و هشتاد و نه هجری روز پنجشنبه بعد نماز ظهر بفرغت و وفات سالکی
جهان فانی را پذیرد و فرمود و در بدایون مدفون گشت بر دانه مضجعه مولوی عبد السلام مراد آبادی
تاریخ وفاتش در تقریراتنا فضل الرسول یافته تصانیف مشهوره بولاق محمدیه - تصحیح المسائل -
مستند منقذ سیف الجبار - فوز المؤمنین تلخیص الحق - احقاق الحق شرح فصول الحکم - رساله طریقت

حاشیه میرزا بهر - حاشیه ملا جلال طب لغوی و رسال دیگر مسائل شتی

مولوی فضل حق خیر آبادی عمری تنفی تا تربیتی چشتی در سال دوازده صد و دوازده هجری
ولادت یافته شاگرد پدر خود مولوی فضل امام است حدیث از مولانا عبد القادر دهلوی اخذ کرده و
قرآن مجید در چهار ماه یاد گرفته و فرائض علمی عمر سیزده سالگی حاصل نمود و پیر شاه دهبون دهلوی
بود در علوم منطق و حکمت و فلسفه و ادب و کلام و اصول و شعر فائق الاقران و استحضار
فوق البیان داشت فطرتش را در چهار هزار اشعار خواهد بود از یاد بعیده طلبه علوم آمده از و
ستفیدی شدند بسال دوازده صد و هشتاد و چهار هجری مؤلف بهچیدان بمقام کهنه بخدمتش
رسیده دید که در عین حق کشی و شطرنج بازی تلمیزی را سبق افق المبین میداد و مطالب کتاب را

به معلم احسن ریائی دول نشین می نمود تألیفات رائقه دار عالمگوزان او را بر زمانه فساد هند قید کرده
 بجزیره رنگون فرستادند همدرا غلجا تاریخ دوازدهم صفر سال دوازده صد و هفتاد و هشت هجری
 وفات یافتند تصانیف الجنس الغالی فی شرح الجواهر الغالی حاشیه شرح سلم قاضی مبارک حاشیه
 افق البین حاشیه تلخیص الشفا - الهدیه السعیدیه و حکمت طبعی - رساله تحقیق العلم والمعلوم - الروض
 المجمود فی تحقیق حقیقه الوجود - رساله تحقیق الاجسام - رساله تحقیق کلی طبعی و تشکیک در مایات
 و تاریخ قدر هندوستان خلف رشید وی مولوی عبدالحق که آئینه کمال پدریست بریاست را پیوسته
شیخ فضیل کاپوی پسر کلان شیخ جلال و اصل کاپوی در وادی عربیت دستگیری غریب
 داشت اشعار و قصائد عربیه بفصاحت تامه از دوست این مطلع قصیده ولیست که در جواب معین الدین
 طنطرائی گفته **یا جمیل** اوج و جی عن قدیم الحال حال به راج روحی بالنوی والدمع کالسلال
 سال به مطلع قصیده طنطرائی اینست **یا خلی البال** قد یلبس بالبلبال بال بالنوی ز دولت
 قلبی فموا بالزلزال نال به شیخ فضیل موصوف توفیق شرو و نظم عربی که بر تفسیر شیز فیضی نوشته و لالت
 بر کمال او دارد

مولوی فقیر محمد جملی بن حافظ محمد سفارش بموضع چشن که از شهر جلم بفاصله دو میل جانب
 غرب است بروز پنجشنبه در وادده صد و شصت هجری متولد شده تحصیل علوم عربی و در سکه
 بخدمت میان قطب الدین ساکن نالیان فالد و میان غلام محمد ساکن موضع بادیه و مولوی
 نور احمد ساکن موضع کهانی گوتلی و غیره علمای عمده تحصیل کرده رفته رفته بسنگ تلمذه مفتی صدر الدین
 خان صدر الصدور و بلی نسک گشته باندک زمانی فارغ التحصیل گشت و بطون مانوف واپس آمد
 و در مدینه ب نصاری کوشش بلینج دارد و الحال مالک مربی مطیع سراج المطالع واقع جلم است
 ترجمه تصدیق المسیح و حاشیه فسیاته الانسان عن وسوسه الشیطان و صالق الخفیه در تذکره علمای
 حنفی و زید الاقاویل فی ترجیح القرآن علی الاناجیل و رساله افتاب محمدی و تصانیف و زیلله الله تعالی
مولوی فیض احمد بدایونی بن حافظ غلام احمد بن مولوی شمس الدین ابن مولانا محمد علی
 بدایونی ولادت وی در حدود دوازده صد و شصت و سه هجری در وادده جلم علوم عقلی و نقلی بخدمت
 خال خود مولوی شاه فضل رسول بدایونی بکمال تحقیق و تدقیق تحصیل نموده مرید مولانا شاه

عبد المجید مادری خود بود و تشریح کمالات علمی و حالات قدسیه وی درین مختصر نگارش ندارد و منجمه
تالیف او حاشیه صدر او حاشی فصوص فارابی و دواوین نثسه عربی و فارسی دارد و در مناقب
حضرت غوث الاعظم قدس سره بودند که اکثر از آنها در فتنه عالمه هند ضائع شدند و رحمة الله علیه
در حدود سال دوازده صد و هفتاد و چهار هجری رحلت فرمود

ملا فیروز کشمیری معروف به پچاگنانی والد بابا نوئی گنانی بنگفوان شباب از زیارت
حرمین شریفین مشرف شده و سپس به هندوستان آمده در بدایون با کتساب علوم کوشش نمود
و کسب سود بود و آخر برینمونی طالع بخضر علیه السلام دو چار گشت از واسطه عای علم کرده وی اورا
تعلیم علوم نمود صاحب ترجمه بقره و حدیث و تفسیر و غیره فائق اقران گشته بعد از افتای کشمیر عز
امتیاز یافت و مرید میر حمزه کشمیری شده در عهد حسین شاه دلی کشمیر بسال نصد و هفتاد و سه هجری
بعرفهتاد سالگی از دست اهل تشیع کشته شد شیخ یعقوب صیرفی در تاریخ فوت او فرمود **س**
از بے تاریخ در دین و حیدر گفت شهاب بهر دین ملا شهید از فرزندانش ملا عبدالوهاب الشافعی
صاحب تالیف بود بر حاشیه توفی شرح مواقف و شرح شمسیه خوشی نوشته

حرف القاف

قاضی خان ظفر آبادی نامش یوسف زاد بوم ظفر آباد مرید خلیفه شیخ حسن ابن طاهر چنبوری
جامع علوم ظاهر و باطن و بصفت قناعت موصوف بود نصیر الدین محمد بایون شاه هر چند از وی
التماس قبول ندری کرد وی قبول نکرد و گفت **س** از خدا خواهم و از غیر نخواهم بجز آنکه که نیم بن
غیر و نه ضای دگر است به چون فرمان معافی پیش شیخ عبدالقادر که اکبر اولاد او بود بردند و **س**
نیز قبول نکرد و گفت پس باید که بر متابعت پدر و وفات قاضی خان پانزدهم صفر سال
نصد و هفتاد بود و مرقدش در ظفر آباد سواد چنبور است

قاضی قاضی بکرمی ابن قاضی ابوسعید بن قاضی زین الدین بکرمی سرآمد علماء و فقه
ابن ائمه فضائل جعفر قرآن و علم قرأت نگذاشته بود و فقه و تفسیر و حدیث و تصوف و عریضت
اشمار کی کافی داشت و در ادای سلوک بسے ریاضات کشیده و بز زیارت حرمین شریفین
رسیده سیر و سفر بسیار کرده بالآخر در سلک مریدان سید محمد چنبوری مدعی مہدویت مسلک گردید **س**

لهذا علمای وقت بروطن داشتند از شاه حسن حاکم سند قضای بهکمر یافته بجای موروثی نشست
و کبر سن از او استغفاجسته بر برادرش قاضی نصر الله سپردند وی بسال نصد و پنجاه و هشت هجری در
گذشت بهکمر بجای موحده مفتوح مخلوطها و کاف عربی مشد و مفتوح مخلوطهای بهوز و رای ممل
نام شهر نیست از مضافات سند

ملا قاسم کاهی تخلص از علم تفسیر و هیأت و کلام تصوف ویرا بهره تمام بود و بهم در مسمی تصنیف
دارد اگر چه صحبت مشایخ متقدمین و زمانه مولانا جامی قدس سره السامی و غیر ایشان را دریافته اما تمام
بالحا و وزیر مدقه صرف کرده مع ذلک صفت و آراستگی و آزادگی و بذل و ایثار بر وجه اتم دشت دیوان
اشعار از او مشهور است و گل نشان نام شنوی در جواب بوستان سعدی قافیه بقافیه گفته مطلع نیست
جهان آفرین را بجان آفرین بجان آفرین صد جهان آفرین با از عهد همایون شاه تاج محمد کاش
زنده بود تاریخ فوئتش بدریافت نرسید

سید قطب الدین محمد بن الحسنی الکرووی ابن سید رشید الدین محمد بن انغزوی که سلسله
پدری وی بحضرت امام حسن بن امیر المومنین علی رضی الله عنهما می پیوندد عالم بتجرب و فقیه تحمیر صاحب
ولایت و مجاهد فی سبیل الله بود در پانصد و هشتاد و یک هجری متولد شده بعد سلطان قطب الدین
التمش از غزنی بدلی قدم آورده و از آنجا بموضع گرا بضم کاف عربی و رای ممل شده مفتوحه در آخر است
که قریب قصبه هوسه بمسافت نیم فرسنگ واقع است و به گرا سادات شهرت دارد و تحت اقامت انداخت
پس از آن بهریت غزا و جهاد بجهت گرا بفتح کاف عربی و رای هندی و ایت که مقایست بر لب گنگ
مخاوی مانک پور رونق افروز شده باراجه جی چند غزا فرموده غالب آمد و بعد نود و شش سالگی بمقام
گرا سوم رمضان سال ششصد و هفتاد و هفت هجری رحلت فرموده پس بر عقب خود گذاشت سید
نظام الدین سید قوام الدین مقیم دلی سید تاج الدین قاضی بدایون اولاد اجداد سید موصوف الرحمة
در قصابات گرا و نصیر آباد و ردولی و کوندهن پٹی و اجواد رسول پور و کروی و نعم آباد و بلا جوب و گوالیا
و کرتی و جین و دلی و بدایون و هوسه و غیره سکونت دارند بسادات قطبیه مشهور اند -

ملا قطب الدین شهید سها لوی از شیوخ انصاری است که نسبش بسید نالیوب انصاری
رضی الله عنه صاحب رسول الله صلی الله علیه و سلم می پیوندد یکی از بزرگان نشانی از مدینه طیبه بهرات آمده

متوطن شد و اولاد ایجادش خواجہ علی اللہ انصاری مشہور و معروف در ہرات مدفون است از
احفاد خواجہ موصوف شیخ علاء الدین انصاری بہند آمدہ بچہ اردہلی سکونت و زیدہ وفات یافت
از احفاد علاء الدین صدر الذکر بلا نظام الدین بقصبہ سہالی مضافات اودھ رخت آقامت انداخت
دی بہ پشت ہشتم از ملا قطب الدین شہید بود ملای صاحب ترجمہ امام الہیہ و مقدمہ الہیہ از ہند
علوم عقلیہ مخزن فنون نقلیہ بود از علم از ملا دانیال جورسی شاگرد ملا عبد السلام ساکن دیوہ و
از قاضی گھاسی شاگرد شیخ محب اللہ کہ آبادی کردہ عمر عزیزش بشغل درس بسر و گوی ریاست
علی بچہ لکھنؤ بروختم شد و سلسلہ تلمذ اکثر علمای ہند بدولتی می شود و در قصبہ سہالی دو فریق از شیوخ
یکے عثمانی دوم انصاری مقیم و فاضل بودند ہر دو فریق بوجہ مشارکت زمینداری قصبہ سہالی با ہم نزاع
موروثی داشتند و در سال یازدہ صد و سہ ہجری شیوخ عثمانی وقت شب بخانہ ملا قطب الدین انصاری
ہجوم کردہ اورا زہجان کشند و مکانش سوختند و سودہ حاشیہ شرح عقائد دوائی مصنفہ دی بہمان
ہنگامہ تلف شد و کتاب تلویحات از تصانیف اوست و او چہار فرزند از ہند عقب خود گذشت
کہ اولاد آن ہر چہ از تخریر کتاب ہذا در فرنگی محل واقع لکھنؤ و ضلع بنارس و مرزا پور موجود اند الباقی
ابے ما شاء اولاد ہر یکے از فرزندان صاحب علم و عمل بودہ اند بقول شخصی مع لکھنؤ تمام
آفتاب است و در تمامی ہندوستان انجمنین خاندان کہ در آن علم موردی اباعن جد با شہادتہ نمی شود
بچہ خاندان ملای شہید برخی اناحفاد ایجادش کہ بوفور علم و کثرت درس و تصانیف خود شہرہ آفاق
بودند ذکر شان درین اوراق ثبت کردہ شدہ سہالی بکسر سین مہملہ و ہای ہوز وائف و لام بکسر
و یای تحتانی معروف قصبہ ایست از توابع لکھنؤ چہو راس بفتح الجیم الفارسی و سکون الواو و رای
مہملہ مفتوحہ وائف و سین مہملہ قصبہ ایست از قصبات ملک اودھ دیوہ بکسر دال مہملہ و
سکون یای تحتانی و فتح وادو ہای ہوز در آخر قصبہ ایست از قصبات ملک اودھ و فرنگی محل
الکون محل ایست از محلات شہر لکھنؤ دارالامارہ صوبہ اودھ سابق قطعہ زمین بود کہ دران تاجری
افرنگستان سکونت داشت ازین وجہ آن قطعہ زمین بفرنگی محل شہرت گرفت بعد مرایا
بوجہ نمائند اعقاب تاجر فرنگی زمین مذکورہ در نزول شاہی درآمد بعد قتل ملا سہ شہید
اولادشان جہت قیام خود حاکم مذکور معاف یافتند و در انجا ہنوز اولاد شریفش قیام پذیر اند

و آن موقع به فرنگی محل شهرت دارد

مولوی قطب الدین شمس آبادی اصلش از سادات ایشی است از انجا شمس آباد آمده
اقامت در زید اعلم علای زمان بود اولاً از علمای زمانه خود اکتساب علوم کرده بعد بزمه تلامذه
ملا قطب الدین سہالوی داخل شده فراغ علمی حاصل کرد و تمام عمر شمس آباد بر مسند فادہ و درس متکی
بوده بمر هفتاد سالگی در سال یکہزار و یکصد و بست و یک ہجری در گذشت نور اللہ مرقدہ ایشی
فتح ہمزہ و کسریم و یای تحتانی ساکن مہول و تہای ہندی مخلوط ہمای ہوزو یای تحتانی معروفند
قصبہ است از قصبات لکھنؤ شمس آباد قصبہ از توابع قنوج

نواب قطب الدین خان بہادر محدث دہلوی در دوازده صد و نوزده ہجری ولادت یافتہ
فقہ و محدث و مفسر قانع شرک و بدعت بود علوم دینیہ خصوصاً حدیث و اصولش از مولوی محمد اسحاق
دہلوی حاصل نمود و نیز از فیض علای حرمین شریفین مشرف گشت در دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری
بکلمہ معظمہ وفات یافتہ **تصانیف** مظاہر حق ترجمہ اردو و شرح اردو مشکوٰۃ بیام تفاسیر فخر جلیل ترجمہ
اردو حصن حصین - مظہر جمیل - مجمع الخیر - جامع الحکامات - خلاصہ جامع صغیر - یادی الناظرین - فقہ
سلطان - معدن الجواہر - وظیفہ مسنونہ - نعمۃ الزوجین - احکام الضعی - فلاح دارین - تنویر الحق -
توقیر الحق - تحفۃ العرب - العجم - احکام العیدین - رسالہ مناسک - خلاصۃ النصل - گلزار جنست
تنبیہ النساء - حقیقۃ الایمان - مراد المعاد - تذکرۃ الصیام - تذکرۃ الربا و غیر ذلک

مولوی قطب الدین ساکن رانی ہریلی بن سید محمد واضح بن سید محمد صاحب بن سید
آیہ الدین سید شاہ علم اللہ قدس اللہ سرہم از اکابر علای وقت بشرع و متدین بود و کتب درسیہ
افاضل لکھنؤ خواندہ و حدیث و تفسیر و جزآن از دینیات بخدست مولانا شاہ عبدالغفر دہلوی
برادران ایشان از شاہ عبدالقادر مصنف موضح القرآن قرأت و سند کردہ دستگا سہ ہر عالی
درین علوم حاصل فرمود و اخذ معارف و لطائف بخدست شاہ غلام علی دہلوی نمودہ بعد از تکمیل
تحصیل معاودت بوطن مالوت گوشہ عزلت اختیار کردہ در تدریس دینیات و تربیت طالبان
مولی تعالی بی پرواخت و قاتش در چہل سالگی بتاریخ نوزدہم ربیع الآخر سن دوازده صد و بست
و شش ہجری واقع شدہ از تصانیف وی رحمہ اللہ غیر از رسالہ موسومہ بکاتب الشرفی فی اثبات کفر

فرعون الغریقی یافته نه شد

سید قمرالدین حسین اورنگ آبادی بن سید نبیل الدین سید عنایت الله اصل او از سادات نجف است در سال یک هزار و یکصد و بیست و سه هجری متولد شده علوم عقلیه نقلیه از علما نامداران دیار حاصل کرده بمفظ قرآن مجید توفیق یافت و غرقه نقشبندیه از پدر خود پوشیده عالم باطن و فاضل اجل بود تا پنج و شصت جمادی الاولی سال یک هزار و یکصد و هفتاد و چهار هجری باراده زیارت حسین شریفین از اورنگ آباد مع دو فرزندان خود میر نور الهدی و میر نور العلی روانه شده اولاً بمدرسه طیبیه از جمله متوجه شده هفتدهم و یقعه سال مذکور بمدرسه سکنه داخل گردید و زیارت نبوی صلعم شرف یاب گشت و تاریخ چهارم ذیحجه سن مذکور بمکه معظمه رسیده مناسک حج ادا کرده بوطن خود اورنگ آباد پس آمده کتاب منظر النور در محبت وجود از تصانیف اوست که در سال یک هزار و یکصد و شصت و چهار هجری تصنیف کرده تا پنج دوم ربیع الاول یک هزار و یکصد و نود و سه هجری رحلت فرموده در اورنگ آباد مدفون گردید غلام علی آناد تاریخ وفاتش در لفظ موت العلماء اتمته یافته

سید قوام الدین دهلوی ابن اوسط سید قطب الدین محمد بن الحسنی عالم عامل و فاضل متدین و کامل بود بدختر سلطان الشمس که خدا شد و بدین اقامت و زید و لادش بسال ششصد و بیست و هفت هجری بظهور پیوسته و بمرهشتاد و سه سالگی در سال هفتصد و ده هجری رحلت فرمود از تلامذه او سید رکن الدین بن سید نظام الدین بن سید قطب الدین محمد بن الحسنی بود

مفتی قوام الدین محمد کشمیری بن مولوی سعد الدین صادق ابن مولوی معسر الدین بن امان الله شهید بن مولوی خیر الدین چهارم شعبان سال دوازده صد و پنجاه و دو هجری ولادت یافته محدث و فقیه جامع کمالات ظاهر و باطن بود بعد ختم قرآن مجید بخدمت شیخ رحمه الله و ملا میقیم لیسنه توپیکر و بصغری کسب علوم و فنون کرده محسود اقران گشت و اجازت حدیث از میر قاری تلمیذ شیخ القراء و حاجی خلدولی طرخانی تلمیذ شیخ ابوالحسن سنهری مدنی و حاجی نعمت الله نوشهری دبا با محمد محسن پلچری تلمیذ مولوی امان الله شهید یافته بخانقاه سید محمد امین اویسی بهنگامه درس و تدریس گرم ساخت و رفقه رفقه بقضای کشمیر و شیخ الاسلامی آندیار رسیده و بصحبت شاه زمین العابدین قادری و میان ذکر یا لا هوری و شیخ الاسلام احمد اکبرلی و خواجه عبد الرحیم بچکان زندگانی

مستفید و مستفیض شدہ کتاب صحائف سلطانی کہ مشتمل بر بیان شخصت علوم از تصانیف
اوست نهم ماہ ذیقعدہ سن دوازدہ صد و نوزدہ این جہان را پدرود فرمود۔

حرف الکاف

مولوی کرامت اللہ حیریا کوئی ابن احمد طبع عباسی از ماہران علوم و نام آوران آن مرزبوم
بود بصفہ سن بعد از مرگ پدر و وطن را وداع نمود و بطلب علوم بجنپور و رود فرمود و آنجہا
بخدمت ملا محمد عسکری شیعی تہذیبی از کتب درسیہ با تمام رسانید بعد از آن پیش ملا احمد اقلید سنبل رسیدہ
از کسب علوم و معارف ہر تلید و طارف فارغ گردید و خواست تا برسم دستار بندی پر دازد و غلام
شہرت خود با طرف ملک و چار سوی گیتی اندازد گویند مجلسی آراستہ شد و قریب سی صد از علمائے
امصار و طلبہ ہر دیار گرد آمدند و ہر کسی از ان اتبوعہ مسئلہ از سایل علوم مختلفہ ہمی پرسید آن فاضل
عالی پایگاہ بجواب ہر یکی از انان تحسین بیکران مآفرین بی پایان می شنید بعد تحصیل علوم بطلب دنیا
کو شنیدہ از بعض امراء لکھنؤ بوجہ کفایت نہینہ کہ محاصلش دو ہزار روپیہ بود موقوف گشت و تمام عمر
بجاء و جلالت تمام و مرجعت خواص و عوام بسر بردہ در سال پنجاہ و یک از صدی سیزدہم ہجرت
بصد سالگی جہان فانی را پدرود فرمود

مولوی کرامت علی جوہر پوری صدیقی تشرع و متورع و اعظ کثیر التصانیف و الدرس
مرید سید احمد بریلوی و رہایت دار شاد خلائق بغایت می کوشید خصوصاً مردم ممالک ڈھاکہ و بنگالہ
از مستفیض و مستفید شدند و در ان دیار طریق اسلام از زمین و برکت ادنیہ عیافتہ بتایج سوسہ ہجرت
روز جمعہ وقت صبح صادق سن یک ہزار و دو صد و نو و ہجری وفات فرمودہ بمقام رنگ پور مدفون
گشت شکر اللہ سیدہ مولوی حافظ احمد فرزند ارجمند آن ہدایت مآب و مولوی محمد محسن برادر زادہ
شان یادگار دیند سلما اللہ تعالیٰ تصانیف مفیدہ مفتاح الحجۃ زنیۃ المصلی - دعوات مسنونہ
قرۃ العیون - تزکیۃ نسوان - نداء التقوی - راحت روح - نور علی نور - فیض عام - تزکیۃ العقاید -
مراد المریدین - قوۃ الایمان - نسیم الحرمین - احقاق الحق - تنویر القلوب - حق الیقین - قول الحق -
مرآۃ الحق - رفیق السالکین - عکازۃ المومنین بطرہ المعاندين - برایمن قطعہ فی مولد خیر البریہ کہ ارتہ
الحرمین فی ازالۃ شبہۃ الفرقین - ملخص القول الامین - اطمینان القلوب - ہدایۃ الرافقین -

برہان الاخوان قباچ المعروف - دینۃ القاری - شرح ہندی جزئی - شرح شاطبی ترجمہ مشکوٰۃ جلد اول -
ترجمہ شمائل ترمذی - فتح باب صبیان - کوب دری - نورالمدی - حجب قاطعہ مکاشفات رحمت -
دافع الوسواس - مصباح الظلام - رسالہ بیعت - قانع المبتدعین - استقامت - رد البدعہ - قوت
روح - سبیل الرشاد - القول الثابت - رسالہ محمودیہ وغیرہ

مولوی کریم اللہ محدث دہلوی پدش از ہندو بود بدست مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی خلعت
اسلام پوشیدہ وی بعد تحصیل علوم ظاہر از شاہ غلام علی دہلوی فرقہ خلافت یافتہ کثرتی ز اہل دلی
افس قرأت شاگردش بودند یک مرتبہ کج مشرف شدہ بوطن الہرآ مدبر وایسی خود تا سفہا کردہ باز بیکار
ہرین شریفین شتافت و در اثنای راہ بسال دوازده صد و پنجاہ و ہشت ہجری وفات یافتہ مولوی
آیہ کریمہ ومن یخرج من بیتہ مہاجرآلی اللہ الکیہ گشت روح اللہ ورحمہ

مولوی کریم اللہ دہلوی ابن مولوی لطف اللہ فاروقی بدست مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی
د مولانا رشید الدین خان دہلوی و مولوی محمد کاظم دہلوی اکتساب علوم رسمی نمودہ دست ارادت
بدست سید اک احمد ماہر دی عرف اچھے میان دادہ نقد خلافت بدست آوردہ کثیر الدرس و تصانیف
بود چہارم شوال سال نود و یکم صدی سیزدہم ہجرت بممرود ساگی از دار فناء ہجرت فرمود
مولوی کریم الزمان سندیلہ ابن خواجہ جمال الدین از خواجہ زادگان قصبہ سندیلہ کہ نسب
دی حضرت ہمید اللہ احرار علیہ الرحمہ پیوند یکماہ صفر سال دوازده صد و سی ہجری ولادت یافتہ
بدست علمای عصر ہجری مولوی تراب علی لکھنوی و مولوی سعد اللہ مراد آبادی تحصیل نمودہ بدرجہ فادہ
طلبہ علوم بسری برد و بتاریخ بست و نم بیع الثانی سال دوازده صد و دو ہجرت ہجری برفضانیہ وفات یافتہ
مولوی کلیم اللہ جہان آبادی دانشمندی متبحر بد شیخ یحیی مدنی بود کتب معتبرہ و علوم مختلفہ
و علم حقائق تصنیف کردہ سواء السبیل و کشکول و مرقع از تصنیفات بدیعہ اوست درس ہزار و
یکصد و چہل ہجری جان بجان آخرین سپرد نمود اللہ مرقدہ

ملا کمال الدین سہالوی از اجل تلامذہ مولانا نظام الدین ابن ملا قطب الدین شہید السہاوی
جامع معقول و منقول حاوی فرج و حصول افضل ترین اذکیای عصر بود تصانیف این قہ بسیار دارد
از اہل عدوۃ الوثقی - تشرح کربیت احمد و حاشیہ کمالیہ بر شرح عقاید جلالیہ بسو ط و مشوراند و تعلیقات

حاشیه ناهیدیه که بر شرح تہذیب جلالی هست نوشته وفات وی سنہ ۱۰۸۸ بمطابق سال ۱۶۷۷ قمری
 و از ہم ہجرت وقوع یافتہ فقرہ بردار و مذموجہ مادہ تاریخ رحلتش یافتہ اندانمہ اللہ بکمالہ۔
کمال الدین علامہ دہلوی خواہر زادہ شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی و خلیفہ او بود سلسلہ
 نسبتش بہ سیدنا حسن بن علی رضی اللہ عنہما می پیوند دو چونکہ وی بحدیث و تفسیر وفقہ و اصول یگانہ
 روزگار بود و یرا علامہ می گفتند با حمد آباد گجرات قدم آورده و مدتی بہ ہدایت و افادہ خلافتی برہ
 بسال ہفت صد و پنجاہ و شش ہجری وفات یافتہ در دہلی مدفون گشت نور اللہ مرقدہ
مولانا کمال الدین ناہد دہلوی دانشمند تبحر بکمال و مع و تقوی و دیانت موصوف بود
 شیخ نظام الدین اولیا مشارق الانوار کتاب حدیث را پیش او سند کردہ و ادبش مولانا بران الدین
 بلخی و ادبش مصنف کتاب سلطان غیاث الدین بلبن آئندہ کردہ کہ مولانا کمال الدین ناہد را
 امام خود فرماید مولانا انکار فرمود رحمۃ اللہ علیہ

ملا کمال الدین لاہوری برادر مولانا جمال الدین جامع علم و عمل و زہد و تقوی بود مدتی مدیر
 در لاہور و سیالکوٹ بر سہ مدرسہ و تلقین متکلم بودہ افادہ و افادہ خلایق می نمود شیخ احمد محمد
 اعظمی و ملا عبدالحکیم سیالکوٹی از ارشدہ ثلاثہ وینہ بسال ہزار و ہفتہ ہجری و مدبلہ لاہور و قلات
 یافتہ مگر فی زمانہ قبرش مفقود است تاریخ فوتش چنین است مصرعہ طبع حق قطب تاج اولیا ملا کمال

حرف اللام

مولوی لال محمد ساکن ہسودہ از سادات قطبیہ قصبہ ہسودہ ضلع فتحپور عالم تبحر جامع علوم
 عقلیہ و نقلیہ کثیر التصانیف بود براکثر کتابت شروح و حواشی نوشتہ کتابی در نسب نامہ سادات عرب
 بحکم تحریر کردہ و تمام عمر بقصبہ ہسودہ بافادہ علوم عقلی و نقلی بسر بردہ لا ولد و وفات یافت ملفوظات
 قطبیہ از تالیفات و دست نسب پدری وی بہ سید قطب الدین محمد بن الحسنی کہ ذکرش بجزوفات
 زیب تحریر یافتہ بدین منہج می پیوند سید لال محمد بن فیض اللہ بن سید بلوکا بن سید علی بن سید جان
 بن سید طاہر بن سید رکن الدین بن سید قطب الدین بن سید اخوند بن سید بڑا بن سید غلام الدین
 بن سید صدر الدین بن رکن الدین بن سید نظام الدین بن سید قطب الدین محمد بن الحسنی المظاہر
 الغزوی الدہلوی الکرلوی -

شاه لطف الله انبالوی مرید شاه بهکیمه جشتی لاهوری صاحب علم و عمل بود ثمره الفوائد و ذکر کرامات و خرق عادات مرشد خود تالیف کرده در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و شش هجری دفات یافت نور الله مضجع

حرف المیم

قاضی مبارک گوپاموی مرید و شاگرد شیخ نظام الدین ایٹھوی قدس سره بود کسب علوم و تهذیب اخلاق در خدمت شیخ موصوف نموده علمی به وجه اتم و دیانتی و امامتی بمنصب قضا داشت و تا آخر عمر معزز و محترم و مکرم زیست و همچنان بجانب آخرت رحلت گزید و اندر نشد تلامذه او میان مخدوم به ابن میان ابوالفتح خراسانی است که اکثر شیخ در سیه را درس میفرمود و دیگر سید محی الدین است که همین است داشت کذا فی منتخب التواریخ للملا عبد القادر البدری

شیخ مبارک ناگوری از فحول علمای روزگار بود در مبادی احوال پیش خطیب بود بفضل کار و زدی بود لانا عماد طارمی در کجرات کسب علوم نموده پیوسته بدرس علوم دینی اشتغال داشت و فن شعر و دعا و غیره سایر فضائل خصوصاً علم تصوف را خوب ورزیده و شاطبی را یاد گرفته درس می گفت و قرآن مجید را بقرات عشره حفظ کرده در آخر عمر تفسیر قرآن مجید چهار مجلد موسوم به منبع العلوم نوشته و جزآن نیز مؤلف شریفیه دارد و قریب پنجاه سال در آگره با فاده و فاضله طلبه علوم گذرانیده فرزندانش شیخ ابوالفضل علمای و ملک الشعراء شیخ ابوالفیض فیضی فیاضی و شیخ ابوالخیر و غیره فرزندان بودند هفتصد و بیست و یک سال

یک هجری در لاهور رحمت حق پیوست

سید مبارک بلگرامی حسینی واسطی شاگرد شیخ نورالحق فرزند و تلمیذ شیخ الحدیث شیخ عبدالحق محدث دہلوی بود عمر غنیش در افاده علوم دینی خاصه فن حدیث و درس طلبه صرف نموده بسال یازده صد و پانزده هجری طار و حش از قفس عنصری پریده بشاخسار روضه رضوان نشین گرفت ضی الله عنه **قاضی مبارک گوپاموی** شارح سلم العلوم ابن شیخ محمد داکم و می فاروقی که بنطقیت و شرح گواه عدیل است معاصر مولوی حماد الله سنیل و مولوی قاضی احمد علی سنیل بود و بهر دو قاضی مناظره و مباحثه علمی بطور آتمه بسال یازده صد و شصت و دو هجری رحلت فرموده کذا فی بحر خازن قاضی بختامه شرح خود عبارتیکه نوشته است بجنبه منقول می شود و قد تم الشرح بفضل من الله تعالی و تبارک من عباده

محمد مبارک فی شش اعل و مایه و اربعین و ثلث من الهجرة النبویه فی سابع شهر ربیع الاول یوم الخمس
 فی بلدة شاهجهان آباد و الحمد لله رب العالمین عمداً کثیراً طلبها مبارکاً فیه و الصلوة علی نبینا محمد خیر البریه
 و علی آله و ازواجه و اصحابه المؤمنین و المؤمنات برحمتک یا ارحم الراحمین

مولانا شیخ محب الله آبادی دانشمند شجر از مشایخ علمای صوفیه در علوم ظاهر و باطن
 سرخیل امثال و اقرا ن خود بود و وطن اصلی او قصبه صید پور تالوچ خیر آباد و نمضافات او ده ست نسبتش
 بحضرت عمر فاروق رضی الله عنه بواسطه شیخ فرید شکر گنج می پیوند و دست ارادت بشیخ ابوسعید گنگوہی
 داده خرقة خلافت حاصل فرمود تحقیقات و تدقیقاتش در علم تصوف بر مرتبه اجتهاد رسیده بلکمی سفر
 که شیخ محی الدین عربی را شیخ اکبر و دیر شیخ کبیر گویند و اراتصا نیفت عمده در تحقیق و توحید بسیار اند که آن
 خزینة دقایق و گنجینه حقائق اسرار الهی توان شمرد از جمله تصانیف او که مشهور اند بنیل مذکور می شوند
 شرح فصوص عربی - شرح فصوص فارسی - رساله هفت احکام - غایة الغایات - مغالط عامه -
 سر الخیاض بعبادة الخواص - طرق الخواص - عبادة اخصل الخواص - مناظر خصل الخواص - رساله تسویه
 رساله تدرکنی - رساله وجود مطلق - نیم جب سال هزار و پنجاه و هشت هجری قریب غروب آفتاب
 آن آفتاب عالم تاب در پرده عدم متواری گشت مزار شریفش در آله آباد زیارت گاه ارباب
 بصیرت است و اولاد اجدادش بدائرہ شاه حجتہ الله قدس سره رونق افروز اند از جمله مولانی و مرشد
 مولانا حافظ حکیم حاج الحرمین الشرفین مولوی محمد حسین سلمه الله رب الشرفین چلغ این دو دوان
 عالی هستند از ارشد تلامذه و خلفای شیخ محب الله قدس سره قاضی کحاسی آله آبادی میر سید کبیر قزوینی
 و میر سید محمدی فیاضی امردهی بودند رحمۃ الله علیهم و علی اسلافه و اخلافه

قاضی محب الله بهاری ابن عبد الشکور بموضع کرا متعلقه محب علی پور مصنف بهار در قبیلہ
 ملک متولد شد هجری بود از بکار علوم و بدری بود بین النجوم و در افاضل کتب درسیه از علمای عصر خوانده
 آخر بزمه تلامذه ملا قطب الدین شمس آبادی منسلک شده فراغ حال کرد و بعد برکن رفتہ بملازمت
 عالمگیر بادشاه بعد برای قضای لکنؤ و حیدر آباد از یکی بعد دیگری مباحی گشت بعد تعلیم نیرہ بادشاه
 موصوف یعنی رفیع القدر بن شانزده محمد معظم بلقب بشاه عالم مامور گردید و در عهد محمد معظم شاه عالم
 بمعدہ صدارت مالک هند و خطاب فاضل خان ممتاز شد آخر کار در سال یازده صد و نوزده

هجری وفات یافته اندرون احاطه مرادشاه فریدالدین طویل بخش به محله چاند پوره نمحلات شهر بهار
بدفون شد تاریخ فوت ادا از مصرعه قاضی مولوی محبت الله و نیز از مصرعه رفته سوی امام محبت الله
برمی آید سلم العلوم و افادات در منطق و مسلم الثبوت در اصول فقه مع منهیه آن و الجواهر الفرد در بیان
جزو لا تجزى در سائله لمخالطه عامه الورد و انصاف و مقبول و متداول علما انداز لفظ مسلم الثبوت
تاریخ تالیفش برمی آید یعنی یازده صد و نه هجری بهمار یکسویای موحده و های هوز مفتوح و الف ای
همه شهر نیست در محالک شرقی هندوستان بعد شایان عالمه تمیز و به نام صوبه بهار مشهور بود که را
فتح کاف عربی و رای همه و الف مقصوره نام دمی است از توابع محبت علی پور علاقه بهار

انتباه

سید غلام علی آزاد بلگرامی در سحجه المرجان نوشته که محبت الله بهاری شاگرد ملا قطب الدین شمس آبادی
بود و مولوی عبدالحلیم لکهنوی در حاشیه شرح ملا حسن نسبت تلمذ او به ملا قطب الدین شهید بهاولوی
بیان کرده اند و الله اعلم بحقیقه الحال

مولوی محمد حسن عباسی چیریا کوٹی از عمده ترین اذکیای دهر و گرانمایگان عصر بود و بر
تمکله علوم عقلیه و فنون نقلیه بخدمت جامع علوم اولین و آخرین ملا نظام الدین لکهنوی فخرنگی محلی
شافیه و در انجا از معارف عقلیه و دقائق نقلیه نصیبی دانی یافته فوت حافظه و صفاتی ذهنش
بر مرتبه بود که هر کتابیکه می خواند عبارت آن بجمیع الفاظ و معانی هنگام مطالعه بلوح حافظه وی محفوظ
می بود و گروه همه نکات و دقائق متعلقه سبق ناخن فکرش می کشود و لاجرم پیش او سلا سبق خود هر روز
کتاب ناکشوده می خواند و در بحث و دقائق و کشف مضامین دقیقه در نظرش مخفی نمی ماند همه دانستند
که کتاب ناخوانده نمی خواند بلکه مضامین با جمله اجاث دقیقه و تحقیقات اینقه از پیشتر می داند لطیفه
روزی شارح سلم العلوم ملا محمد حسن مرحوم بدو گفت که از تو غنی تر کیست که کتاب خوانده میخوانی وی
بجوابش گفت که توئی کمزیر که من نادانی خود را دانستم تا با صلاحش کوشیدم و تو این همه ندانستی که من تا دم
لاجرم همچنان در تیرگی نادانی ماندم با جمله وی بعد تکمیل علوم بهرلی در آمده بخدمت اکان دولت
شاهی عزت عظیم و قدره فخریم بدست آورد علمای شهر با و طرح جدال انداختند و علم
مناعت افرختند عاقبت همه سپردند و به خجالت و ندم ساختند از انجا که ذات والایش

اعجوبه روزگار دنا دوده مصار بود و آگاهانه بواجبش بوالی شهر رسید و آن قهرمان حدیث کما الشیء لا یوش
دل بشنید نهماست تا بجزش خواند و از خاک ندنش برگرفت بر کرسی و دوش نشان بچون حاسدان
شنیدند بملکش کوشیدند خون جگر خوردند و زهر در لجامش کردند که کارش تمام گردید مصر عنه
ای روشنی طبع تو بر من بلا شدی بیگویند هرگاه زب قاتل مرگ دپی آن مظلوم سر کشید نامه از دوش
رسید وی دمان کشاکش سوج پر فتوح و جوازش باین شعر کفایت در زید و برید روش بیای رضا
و تسلیم بجزت عزت سرمدی و دولت ابدی دید قمر و از حیاتم رفی بود که یادم کردی بهر شخص
نفس آئینه شد نامه تو

مولوی محمد احمد فرنگی محلی ابرو هاشمین مولوی احمد انوار الحق هر چند تمام تحصیل کتب در سیم
چنانکه باید نگردیده لکن کسب افکار و ادراکات و الدخود نموده مدام بعبادت الهی مشغول بود و پانزدهم
صفر روز یکشنبه سال دوازده صد و شصت و ده هجری بجلد برین شتافت مصرعه نور انواریت
از دنیا به ماده کاسخ وفات اوست

مولوی محمد ادریس نگرانی ابن مولوی حافظ عبد علی نگرانی شاگرد خلیفه پدر خود است
بحکم الولد سر لایه بهجو والد ماجد خود تدریس و هدایت و ارشاد مردمان می کند خداوند کریم او را
بجفظ و امان خود نگا داشته بر جاوده استقامت و هدایت مستقیم دارد و کتب مفصله ذیل از تصانیف
رافقه وی اند - ابرار الکتمان من تکمیل الایمان - تحفه النبلی فی آداب الخلفاء - القول المتین فی التائین
الکلام الموطانی تحقیق الصلوة الوسطی و ما یسبب تقدوس فی احکام المجلس بطریق الفلاح الی
الاضطیاع بعد رکعتی الصبح - تحصیل العلوم بتیویب مسند الامام ربیعین من مرویات النعمان سید مرتضی
الکلام النفیس فی ترجمه محمد ادریس تحفه المجیب فی تفتیحات الحذوة و الکلام بین یدی الخطیب
الکلام المبین فی تحقیق مجددی الالین باحوال اسیات باقامه العمولات قریعون عن مدعیان فنون
ملا محمد سعد سهاروی خاتم اکبر ملا قطب الدین الشیخ السهاروی شاگرد پدر خود علامه عصر
از حیات پدر پیشگاه نعمی الدین ادرنگ ریب عالمگیر بادشاه حاضر بوده خدمت صدر اعظم
بر مایه نور حاصل نموده سر بلند و بهر ان دانشا به فیض است - ملا قطب الدین راشیوخ عثمانی
سکنه شمالی از جهان گشتند وی رحمة الله علیه در کتب ذات یافته

مولانا شیخ محمد سعد حنفی علیہ الرحمۃ تلمذہ شیخ تاج الدین مالکی نزیل آرکارت علامہ وقت بوماند
ملکہ مظفر ہندوستان آمدہ زمانی برقاقت نواب نظام الدولہ ناصر جنگ بسیرہ نواب موصوف تعظیم
و تکریم او میکرو بعد قتل نظام الدولہ ناصر جنگ ہمشیرہ زادہ او مظفر جنگ مالک ملک شد شیخ
محمد سعد بزمہ رفقای مظفر جنگ مسلک گردید پس انان و میان مظفر جنگ و افغانہ قائلین
ناصر جنگ نفاق پیدا شدہ نوبت بجنگ طرفین رسید مظفر جنگ درو سائی افغانہ مقتول شد
ہمدان معرکہ شیخ محمد سعد تباہی ہفتدہم ربیع الاول روز یکشنبہ وقت ظہر سال یکہتر و یکصد
شصت و چہار ہجری بقتل رسیدہ بمیدان جنگ سر زمین کریت مدفون شد غلام علی آزاد بلگرامی
کہ دران معرکہ حاضر بود تاریخ فوٹش چنین گفتہ مضی خیر نا سعد الاتقیاء الا لایری مثله واحدہ
لقد اہم اللہ تاریخہ فی قضی نخبہ عالم ماجدہ

مولانا محمد اسحاق دہلوی کنیش ابو سلیمان دختر زادہ مولانا شاہ عبد الغفور دہلوی شاگرد
جانشین جد مادری خود بود در حدیث و تفسیر وفقہ مہارتی تام داشت مولفائے چند مجموعہ مسائل
اربعین و افتای ہندی از ویادگار انداز ہند بکہ معظمہ ہجرت فرمودہ ہمدانجا بسال دو از دہ
صد و شصت و دو ہجری بر حمت حق پیوستہ رحمہ اللہ علیہ

قاضی محمد اسلم ہروی از احفاد ملا خواجہ کوہی خراسانی است بہرات متولد شدہ در کابل نشوون
یافت و کتساب علوم متعارفہ بخدمت شیخ بہلول لاہوری نمودہ بعد از فراغ علمی پیش
نوالدین محمد جهانگیر بادشاہ آمدہ چون قاضی انامریای میر کلان محدث استاد جهانگیر بود بادشاہ
با طراش پیش آمدہ ویرا بمنصب قضای کابل نامزد فرمود قاضی عمدہ خود را با مانت و دیانت
تمام انجام داد جهانگیر اورا بحضور خود طلبیدہ و قضای اردوی معلی بد و سپرد و در عہد شاہجہان ابن
جہانگیر نیز بہمان منصب مستقل بودہ بمنصب ہزاری سرفراز گردید و تا سی سال بخدمت قضا
شکر سرفراز ماندہ مورد مہراحم سلطانی بد و روزی شاہجہان ویرا بروپیہ و زن فرمود شش ہزار
روپا نصرد و پیہ کہ ہم پلہ قاضی شدند بد و بخشید قاضی علاوہ علوفہ قضا جاگیر دہ ہزار روپیہ سالانہ
از بارگاہ سلطانی می یافت و بسال شصت و یکم صدی یازدہم ہجری بلاہور وفات یافت
پسرش محمد ناہد صاحب زادہ ہر ثلاثہ است

محمد اسماعیل محدث لاهوری از سادات عظام بخارا است در عهد سلطان مسعود غزنوی
 با آخر سال سه صد و نو و پنج هجری بلاهور آمده متوطن شد ما هر علوم فقه و حدیث و تفسیر و جراح
 ظاهر و باطن بود وی اول واعظان اسلام است که در لاهور به تذکیر و موعظت لب کشاده دارا شد
 و عظامی هزار با کفار مشرف با سلام شدند و در سال چهار صد و چهل و هشت هجری وفات یافت
 بیرون بلده لاهور جانب جنوب مدفون گشت

مولوی محمد اسماعیل دهلوی ابن مولوی عبدلغنی بن مولانا شاه ولی الله در ریاست و رسائی
 فکر یگانه نورگار و مشارالیه علمای کبار بود همراه سید احمد مجاهد ساکن رای در ملی رحمت الله علیه نام غرا
 فی سبیل الله بدست گرفته مساعی جمیله بنظر آورده بتاریخ بست و چهارم ذیقعه سال دو و ازده
 صد و چهل و شش هجری متصل بالاکوٹ ملک پنجاب شربت شهادت چشیده بریاض ضحوان
 خرامید رساله اصول فقه و رساله التوحید و صراط مستقیم و تفسیر بعین و تقویة الایمان از مصنفات مشهور
 اوست طاب الله شاه

مولوی محمد اسماعیل بلندی ساکن قدیم مراد آباد از چندی سکونت کهنه اختیار کرده مردی ذہین
 و ذکی لطیف بود خصوصاً در علم ادب استعداد کامل داشت مولوی ترا بعلی لکهنوی ز تلمذ او است
 وجه شهرتش بلندی اینست که نصیر الدین حیدر فرمان روای لکهنو برسم سفارت اودا پیشگاه شاه
 لندن فرستاده بود و در لندن با زنی عیسائی گمان از اسب دوت می گفتند کجای کرده بگفت باز آمد
 چونکه طبع آزاد داشت هرگاه بعدن رسید زوجه عیسائیش گفت بزیارت بیت الله که از اینجا
 قریب است چنانی روی بجوابش گفت مرا بدیدارهای سنگین اعتقادی نیست اعوذ بالله من
 سوء الاعتقاد منجله تصانیفش حاشیه شرح تہذیب یزدی و حاشیه بیبذی مشهور است بهجدهم
 ربیع الاول سن دو و ازده صد و پنجاه و سه هجری فوت شده تجاوز از حد

ملا محمد اشرف تنو کشمیری حلف خواجہ محمد طیب از احفاد خواجہ حیدر کشمیری ذہین و ذکی
 بود اطفال از بزرگان خود اکتساب کمالات نموده بخدمت ملا محمد حسن فقه و غیره تعلیم کرده دانشمند
 بنحو گشت تصانیف رائقہ در علم قرأت و رد شیعه و دیگر فنون ادبیادگار اند کتاب جواهر الحکم
 منجله آن شهرت دارد بسال یازده صد و بست و سه هجری وفات یافت

مولانا محمد اشرف لکهنوی این قاضی نعمت الله خوشنویس ولد محمد معظم و ولد محمد علی صدیقی بزرگی از اسلافش از اهل سوره آمده مقیم لکهنو شدند و رحمة الله شاگرد مولوی نورالحق لکهنوی فرنگی محلی و مولوی سید محمد لکهنوی و مرید سید محمد مجاهد بریلوی بود بدریس و تصنیف عمر غرضش بسر برده در تالیف تاج اللغات که حکم دانی لکهنو مؤلف شده او هم شرکت داشته اصولی را شرح و شرح دو و سه و تسطیس الحرف و تفسیر قرآن مجید عربی و تاریخ علماء و شایخ و سلاطین هند را تمام که مسوده آن بخط شریفش بنظر مؤلف کتاب نگاه داشته از تصانیف او هستند مولانا ثابت علی مرحوم ساکن مرهه به کاشان که آقا دارالزمانه او را از اساتذہ جامع الادب و اند صاحب الترتیب تاریخ هفتم مفسرین و دوازده صد و چهل چهارم هجری برض ایضه رحلت فرموده در حجره مسجد خود واقع قبوئی از کتب و منکلات لکهنو و فون گردید شریفه الله به تشریف انفسران مولوی محمد اصغر فرنگی محلی ابن مفتی احمد الیوم ابن مفتی محمد یعقوب عالم و حافظ قرآن و بدریس طلبه اشتغال داشت و منصب اقامی عدالت دیوانی شهر لکهنو سرافراز بود تاریخ نوروزیم رجب بسال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری وفات فرمود

مولوی محمد اعظم سندیلجی قاضی زاده قصبه سندیلج از اولاد عمر فاروق رضا شاگرد ملا علی الدین سندیلجی بود فاتحه فراغ خدمت مولوی محمد الله سندیلجی خواند و بدریس و تصنیف مشغول گشت از مشایخ پیر تلامذہ مولوی سید عبدالواحد خیر آبادی به شیر نادش و مولوی محمد مستعان کاکر روی اند حاشیه دایره شرح منار سه حاشیه بر صدر اصغر و کبیر داکتر در ساله تشکیک اقتصادیه و او شهرت هستند با دوازده صدی دوازدهم رحلت فرموده بحال کتب و منکلات قصبه سندیلجی در یون گشت

خواجہ محمد اعظم دومری ابن خیر از زمان کشمیری مجددی از علمای نامدار و شایخ کبار کشمیر بود از ملا عبداللہ شکیب و مراد بیگ کامل بیگ میرا شتم و غیر هم کسب علوم کرده و درست از ادب است شیخ محمد راو مجیدی داده در شعر گوی و تاریخ نویسی مهارت کامل داشت تاریخ اعظمی معروف به تاریخ دومری در حالات بادشاهان و شایخ و علماء و شعرا کشمیر بسال یازده صد و چهل و هشت هجری تالیف نمود و اقوات کشمیر نام تاریخی آن کتاب است و نیز کتاب فیض مراد و حالات و مقالات پیر فرموده و تاریخ و بیان تقریر ساله اثبات الجبر و تجربه اطفالین اشجار و الحک و ثمرات الاشجار

و شرح کبریت احمر از ویادگار اند در سن یازده صد و هشتاد و پنج هجری رحلت فرمود
مولوی محمد عظیم عباسی ابن مولوی نجم الدین عباسی چریاکوٹی دلاوت با سعادت وی رسال
 دو دانه صد و شصت و شش هجری بظهور پیوسته اکثر کتب در سیه رسمیه زعم خود مولوی محمد غاروقی
 عباسی چریاکوٹی و نیز از مولوی علی عباس عباسی خوانده و بقیه از مقامات مختلفه با تمام رسانیده
 اکنون بخدشی معتد بهما مجید رآباد دکن مامور است سلمه الله و رفاہ الی بایتمناه
مولانا شیخ افضل چونیوری افضل انفضای عصر و علم العلامی و در جامع علوم عقلیه و نقلیه
 تشریع و فقهی خوش خلاق سلیم المزاج بود اوقات عزیزش و ایام خدمت علم صرف میکرد و چون ملا
 چونیوری که ارشد تلامذہ او بود رحلت عالم بقا کرد مولانا را در گرش حونی عظیم داند و بی تحسین
 و امنگی شد که تا چهل روز در آن غم تبسم نفرمود و بعد چهل روز بزمان ریج و اطم و سال هزار و شصت
 و دو هجری جان بجان آفرین سپرد و انشاء الله رب العالمین
شیخ محمد فضل که آبادی دلاوت او شب و نیم بیج الاول سال سی و ششم از صدی یازدهم
 بوطن اصلش قصبه سید پور قلعہ غازی پور زمانیه بطور پیوسته و مایل حال بچونپور آمده و از ملا
 نور الدین تحصیل علوم متعارف را با انجام رسانیده کاشش ماه بدین تدریس علوم اشتغال داشت
 و دقت جذبه عشق الهی بر و غالب آمد و ترک آن دادی نموده بکاپی رفت و بخدمت میر سید محمد قدس سره
 مشرف شده ثمرت بیعت و اجازت سلسله چشتیه و قادریه و سهروردیه و مداریه و نقشبندیہ یافته
 با این همه بچو شیخ خود تمام عمر متبع سنت نبویہ علی صاحبها التحیہ و پیرو طریق نقشبندیہ ماند حسب یابی
 مرشد خود در حل قاست با که آبادانداخته بکمال توکل بر مسند هدایت و ارشاد شسته مرجع انانگشت
 در سال هزار و هشتاد و پنج هجری سحری بآباد تعمیر فرموده تاریخ آن بقعه افضل یافته اند و تاریخ بنابه
 خانقاہش که در سن هزار و نو و دو و بنانداخته مقام افضل است با وجود مشاغل هدایت و ارشاد
 بسیار سے از قصایع عمده بعبارت عربی و فارسی دارد از انجمله شرح گلستان - شرح بوستان - شرح
 زیخا - تذکیر و لیدیر - شرح نصوص الحکم سمسلی شرح انصوص علی وفق النصوص - فتح الاغلاق - رساله عربیه
 و فارسیه در محبت ایمان فرعون - شرح قصاید خاقانی - سیر منظوم شرح ثنوی معنوی و غیره اند که از
 پنجاه جلد تجاوز باشند وی رحمة الله علیه بمهرشتاد و هفت یا نود و دو سالگی یا نود و پنج روز جمعه

سال یازده صد و بیست و چهار هجری جان بشا بهد جانان تسلیم نموده این جهان بی بنیان پدید فرمود
سال وفاتش از کان الشیخ قطابرمی آید مدفنش با کآباد است یزاد و تبرک بعدش شیخ محمد مجیدی عرف
شاه خوب الله برادر زاده اوزنیت بخش و شاده ابر شاد گردید

شیخ محمد آفاق لکهنوی قاضی مجرد و محقق بلند همت و فضیلت علوم ظاهر باطن آراسته و در وقت
و مجاهدات صادق دم و راسخ قدم بود و وی از اکابر زادگان صدیه بهار ساکن موضع تلاوه مضامین پنه بود
و او اهل کتب متداوله خدمت شیخ وجه الدین گویا موی گذرانید و بعد از آن قدم بکوی فقر و فغان نهاد
اسم در رسم سودوزیان بیاد فتنابر یاد داده و صحبت شریف شیخ پیر محمد لکهنوی مشرف شده دست
ارادت بدست وی داده بسیاری از مشایخ وقت را دریافته و از خدمت شاه مجاهر پوری پیر استفاد
علوم طریقت نموده و رساله مصباح الطالبین شیخ عبدالرسول که بعدی که خلیفه شاه مجاهد بود که کبر
خود تعریف نموده و در آن رساله جمیع ادکار و افکار مشرب علیه قلندر پیر مندرج است همه شیخ محمد آفاق
بعمل آورده بود و الغرض بعد وفات شیخ پیر محمد قدس سره چند سال جاهلین ادا داده و ادا تکلفات
رسم و عادات میرا بود و از تعلیق تزویج معاشرت در لکهنو یا مین پیر خود است یزاد و تبرک به
حاجی محمد فضل سهرندی ابن شیخ محمد معصوم بن شیخ احمد محمد و سهرندی دانشمند تبحر و حدیث بود
بعد تحصیل علوم ظاهر مرید شیخ حمزه الله نقشبندی شد و آن بعد از شیخ عبدالحق خلیفه شیخ احمد سعید مستفید
و زیارت حرمین شریفین مستفیض شده از انجا با فیوضات و برکات بی شمار و پس آمد به تدریس علوم
دینی و تلقین اسلام را بطبیعی پرداخت مولانا شاه ولی الله دهلوی سند حدیث ادوی یافته هر چهار فتوحات
بوی میرسد از آن کتب هر فن خرید کرده و وقف می نمود و وفاتش یازده صد و چهل و شش هجری بظهور پیوسته
مولوی محمد اکبر کشمیری از اکابر علمای وقت بود تا سی سال در مدرسه محمدیه متعلقه جامع مسجد
بهبی درس میداد بسیار از تلامذه وی بملاک کوکن هنوز موجود اند و آنرا بجمه مولوی سید عبدالفتاح گلشن آبادی
و مولوی سید عابد الدین مفتی عبداللطیف نامی و گرامی هستند و سال و دوازده صد و هفتاد و دو هجری
رحلت فرموده به بندر بمبئی مدفون شد

امام محمد امین کشمیری دانشمند تبحر کثیر الدرس و تصنیف بود و ملا عنایت الله مثال ملا حسن و غیره
علمای کشمیر از تلامذه ویند بر شرح تہذیب و غیره کتب متداوله حواشی و شروح دارد و بامه رمضان

بروز لیله القدر سال نهم از صدی دوازدهم وفات یافته اند

مولوی محمد امجد قنوجی از اکابر فضلا و عظم علمای قنوج شاگرد رشید مولوی علی صغیر قنوجی کتیر الدرس و التالیف بود حاشیه صمدیه علم حکمت از تالیف شهره اوست تاریخ وفاتش معلوم نه شد

محمد پیرم خان خانانان از اولاد مزاجان شاه است یوفور دانش و سخا و صدق و حسن نطق و نیاز و انکسار گوی سبقت از بهنگنان برده در ابتدای حال بخدمت بابر شاه و در وسط بهلازست همایون شاه نشو و نمایافته بخطاب خانانان سر فرازی یافت و در اخیر جلال الدین محمد کبر شاه بایام سلطنت خود در القابش فرو دوی بنفسه در ویش دوست علم و صاحب حال نیک اندیش بود زمین سعی و جهلادت و حسن تدبیرش هندوستان در مرتبه ثانی مفتوح شد و فضلالی جهان از اطراف و اکناف رو به رگه آورده از کف بحر شانش شادابی رفتند و بارگاه آسمان جایش قبله باب فضل و کمال زمانه را بوجود شریفش تغاخر بود لکن ارباب نفاق مزاج بادشاه از دستگیر ساخته بودند ناچار دس بقصد زیارت حرمین شریفین با توابع از راه ناگور روانه گجرات گردیده برای که در آن انبوهی از درخت میلمان بود میگشت ناگاه گوشه دستارش بخاری بند شده از سر افتاد چون این درابشگون بدس شمارند خانانان لانی با جملہ قیدی در بندره سهند و حاجی محمد خان در بدیهه خواند در سیلابان چون رشوق کعبه خواهی ند قدم به سر نشمار کنند خار میلمان غم مخورده آن قبض به بسط مبدل گشت چون بهین گجرات رسید روزی در عرض مس لنگ در کشتی نشسته سیر میکرد ناگاه مبارک خان افغان نامبارک که دما بهندای فتح هندوستان خانانان حکم به قتل پیر او فرموده بود موقع انتقام خیال کرده بوقت نماز شام که خانانان از کشتی فرو دی آمد با جمعی از او باش به بهانه ملاقات آمده بیک ضربت خنجر آبدار شربت شهادتش چشاند این واقعه در سال نصد و شصت و هشت هجری بظهور پیوسته عظام او را حسب و میتش بشهد بردند تاریخش چنین یافته اند رباعی پیرم بطواف کعبه چون بست احرام به در راه شمشید گشت تا یافته کام به تاریخ شهادتش ز دل پرسیدم گفتا که شمشید شد محمد پیرم به خانانان رقیق القلب و بخنان اکابر مشایخ رضی الله عنهم معتقد بود و همیشه در مجلس شریفش سخن از قال الله و قال الرسول می اندید روزی در سیکر بدیدن در ویشی گوشه نشین رفت و از معنی آیه که میمیه نفرین تشاو و تذل من تشاو پرسید چون در ویش تفسیر ناخوانده بود جواب تدا دقا خانانان خود گفت تعز من تشاو با لقناعه

وتمل من گشاہ باسوال نماز مجموعہ جماعت از خاندان فوت نمی شد لیکن بہ تفصیل مائل بود بجا فظ
محمد امین خلیب میگفت کہ در القاب حضرت امیر کرم اللہ وجہہ کلمہ چند بیشتر از دیگر اصحاب بیغترے
لطیفہ شبے ہمایون شاہ مخاطبہ بابرم خان داشت و اورا بطاہر غنودگی دست داد بادشاہ اورا
متنبہ فرمودند کہ ہاں بریم باتو میگویم دی گفت بلی بادشاہم حاضر اما چون شنیدہ ام کہ بکلازمت بادشاہان
محافظت چشم پیش درویشان نگاہداشت دل دوزو عالمان حفظ زبان باید کرد بنابران دین فکر بود کہ
چون حضرت ہم بادشاہ وہم درویش وہم عالمند کدام کدام را نگاہ خواہم داشت بادشاہ را این داد
از خوش آمد و تحسین فرمود ویرا دیوان اشعار بزبان فارسی دترکیست و در منقبت حضرت امیر
کرم اللہ وجہہ قصیدہ گفتہ کہ مطلعش اینست **سہ** شمی کہ بگذرد از نہ سپہر افسر اوہ اگر غلام علی
خاک بر سر اوہ محبت شہ مردان مجوز بی پیری جاکہ دست غیر گرفتست پای در اوہ

مولوی محمد جعفر سندیلی ابن شاہ ولی اللہ بن شاہ غلام علاء الدین بن سید روح اللہ محمد
زادہ سندیلہ خدمت مولوی اعظم علی سندیلی و مولوی دار ثعلی سندیلی و مولوی فقیہ اللہ سندیلی و مولوی
انعام اللہ سندیلی و مولوی ثراب علی لکھنوی تلمذ نمودہ بہ نوبت تدریس و تصنیف برسیدہ تاریخ
سیر و ہم رمضان سن دوازده صد و شصت و یک ہجری در لکھنؤ رحلت فرمود غسل و قبضہ سندیلہ
آوردہ در کریم باغ دفن کردند

مولوی محمد جوہنوری خلف اکبر مولوی سخاوت علی عمری جوہنوری مہاجر و مقیم کہ معظمہ
بآبجاری تعلیم پر خود سر و علمش بالیدگی و تاملی یافتہ در علم فضل زہد و تقوی و ورع و عطا و انفاق و
برہمہ گوئی و حاضر جوانی و تحریر و لپذیر و تقریر پر تاثیر لگانہ آوان و ممتاز بین الامثال و الاقران بود
تحریریکہ در تعریف بیچ ملائمودہ یاد از قابلیتش میدہد در عین شباب ازین عالم اسباب بحیات بہ
سابق الاقاب تاریخ دوم شوال سال دوازده صد و ہفتاد و سہ ہجری رخت ہستی بسوی دھنہ
رضوان کشید اللہم اغفر لہ و لوا لدیہ

مولوی حکیم محمد جنید جوہنوری خلف دوم مولوی سخاوت علی عمری جوہنوری ہمراہ والد
بزرگوار بلکہ حجاز اشرف فرا شدہ و تاحیات پیران فیضان علم علی و علی مستفیض بود بعد رحلت
پد بچہ جوہنور آمدہ بخد مت مولوی عبدالحکیم فرنگی محلی کہ درس مدرسہ حاجی امام بخش جوہنوری بود

بعض کتب درسیه خوانده بخدمت مفتی محمد یوسف فرنگی محلی فراغ علمی حاصل نموده متوجه تحصیل فن طبابت گشت و پیش حکیم و اولاد علی گامش مطب کرده در آن فن مهاسنی و عنداقتی اکتساب نمود و همند بدین تذکره و اندام طلبه و افتادند و ای مرضی مشغول می بود در عین جوانی ازین جهان فانی بسال دوازده صد و هشتاد و یک هجری بعالم جاودانی شتافت خلفی بنام مولوی محمد معروف گذاشت وی بخدمت مولوی عبداللہ ساکن چمبر اکتب درسیه گذرانیده فارغ است سلمه رب

قاضی محمد جمیل برهانپوری عالم کامل و فاضل باجل مدرس درسیه مدرآباد و کن بعدد سال جمیل دوازده صد و هفتاد و چهار هجری وفات یافته غفر الله له

مولوی محمد حامد فرنگی محلی پسر و جانشین مولوی احمد در ماه رجب سال دوازده صد و هشتاد و سه هجری رحلت فرموده بجایش مولوی لمعان الحق پسر مولوی برهان الحق سجاده نشین گردید شیخ محمد حسن جوینپوری بن شیخ محسن بن طاهر جوینپوری از غزفای روزگار جامع بود میان حال اقل و بمظاهر صوریہ نیز تعلقی داشت اصل نسبتش بجانب پدر بسلسله چشتیہ بود لیکن از تباطا و بسلسله علیہ قادریہ برہمہ غالب آمدہ سالما در حرم مدینہ منورہ علی صاحبہا الصلوٰۃ و التہنید بخاورت کردہ از شاخ قادریہ بین بیعت و اجازت یافتہ از خوارق ادمشہ و رست کہ چون از خلوت می برآمد ہند و مسلمان ہر کرا نظر بر روی او فتادی بیساختہ صدای تکبیر برآوردی و تعجب کردی و اورا مکتوبات و رسائل محمدیان بسیار انداد و تشنہ جوینپور و آقا شش باگرہ بود تا پنج بست و ہفتم رجب سال نصد و چهل و چہار ہجری وفات یافتہ و در دہلی ازینجی منڈل برابر مرقدہ والد ماجد خود مدفون گشت قدس سرہ

علامہ محمد حسن بن قاضی غلام مصطفی بن ملا محمد سعد خاں اکبر ملا قطب الدین الشہید السہالوی کمینہ نظام الدین بن ملا قطب الدین شہید دروہن و ذکا بر برادران خود سبقت برده و تحقیقات معقول و منقول نظیر و شیل خود نداشت کثیر الدرس و التصانیف بود شرح مسلم الثبوت تامبادی الاحکام و خارج العلوم و منطق و قایۃ العلوم و طبعی و حاشیہ بر شرح ہایا الحکمۃ صمد الدین شیرازی حاشیہ شمس بازفہ و حواشی زواید ثلثہ و شرح سلم العادیم از تصانیف اینقدیمی مشہور اند بعد مراجعت از دہلی بفرنگی محل استقامت و رزیدہ مدرس علوم سیکر و دیگر بوجہ بعضی طوائف کہ عسہ غفرم داده قیام وطن مالوت مناسب ندانستہ جانب دہلی گھنڈخت غربت بیست و دہ روز فانی فضل و کرم

برام پور رفته در محله موسوم مدرسه اقامت گزید و در اینجا کلاس ثانی بنی غیر کف کرده از بطن او مولوی
عبدالله و عبدالرزاق بوجود آمدند چنانچه اولادشان از نوجبه ثانیه رام پور موجود اند نوجبه سوم دختر
صفی پور بود از ویسری موسوم غلام دوست محمد متولد شده که پسرانش مولوی غلام محیی مولوی غلام
و مولوی غلام زکریا مقیم بنارس بسکارا نگیندی بر عهد های جلیله ممتاز بودند با جملة ملا حسن در رام پور
وفات یافته هاجاه فون است تاریخ وفاتش به دریافت نرسیده از شاگردانش مولوی محمد بن لکهنوی
و مولوی حماد الدین لیکنی مشهور اند

مولوی محمد حمید لکهنوی بن ملا محمد بن ملا محب الله فرنگی محلی تحصیل علم خدمت پدر بزرگوار
خود نموده بتدریس مشغول بود و بتذکره هدایت خلق اشتغال در زبده دوازده شاه غایت الله مرحوم
بیعت نموده همچو والد خود مقبول خلائق بود از سرکار نواب سعاد علی خان سه رویه یومیه کفایت
می یافت بجزم حج بیت الله روانه شده بعد قطع کالیف سفر تبلیغ دوم جمادی الاول سال دوازده
صد و چهل هجری بکله معظمه رسیده از سیدیوسف بطاح حنفی و شیخ عمر کی تحصیل معجمین کرده بمآه جمادی الثانی
سوی مدینه طیبه رخت سفر بسته در اینجا از علمای وقت سند حدیث حاصل نمود در آخر ماه شعبان باز
بکله آمد و قرآن شریف که در اثنای راه حفظ نموده بود بمآه رمضان در بیت الله خواند و بعد ادای رکعات
حج بتاریخ بیست و هفتم ذیحجه سن مذکور از کله معظمه روانه شده بهزار خرابی بعد نوزده روز بمبئی رسیده
قصد وطن نمود چون بمیدر آباد بمقربی داخل شد بهزار رویه ماهوار از سرکار نواب نظام برای می
مقرر شده اتفاقاً او مولوی ظهیر حسن مولوی فضل حسن همنوز در حیدر آباد دکن موجود بودند و جاگیر
چهار هزار رویه سالانه از سرکار نظام می یابند کذا فی الاغصان الاربعه

شیخ محمد حیات سندھی از علمای ربانین عظمای محدثین عالم با عمل بود نام پدرش ملا فلاح
از قبيلة چاچر ساکن اطراف عادل پور محروسه ملک سندھ شیخ محمد حیات از وطن خود بمکرین شرفین
و عنفوان شباب رفته مناسک بیت حرام دریافت و بمدینه طیبه رخت اقامت انداخت و سوا
توکل اسباب معیشت ذخیره نساخت و همان حالت موجوده به تحصیل علوم پرداخت و بابتشاگردی
مولانا ابوالحسن سندھی مقیم مدینه سکینه برداشت و علم علوم در سیه میامن او برافراخت و اجازت
حدیث از مولانا عبداللہ بن سالم بھری یافت و تمام سرایه عمر خود بدرس حدیث نبوی در بخت

برود چهارشنبه تاریخ بست و ششم صفر سال یک هزار و یکصد و شصت و سه هجری خست هستی از دنیا رفت
 بدار بقا برداشت و طائر روحش جسد پاکش را بجهة البقیع سپرده بروضة رضوان نشین ساخت
 اعطاه الله الحسانات - فلاریه بقای مفتوح اسم سندی است چاپر بدو حیم فارسی مفتوح در میان
 آن الف و در آخری ای مهمل تو نیست در ملک سنده عادل پور شهر نیست خرد از تولد به کمر
 مولوی محمد رضا لکهنوی خلف صغر مولوی عبد القادر لکهنوی در اوایل حال بخدمت شیخ میر محمد
 لکهنوی و نیز برادر کلان خود قاضی محمد وارث تلمذ کرده و بعد فراغ تحصیل علم ضروری بتصفیه قلبه
 مشغول شد و ریاضتهای شاقه از اربعین نشینی و اسفار بعیده بر خود گوار فرموده از مشلح و فقرای
 وقت مستفید میشد در صحرا و بیابانها بعبادت مولی پرداختی و آخر تقدیم تجرد و تقوی بر خاکی بزیارت
 حرمین شریفین مشرف شده در بلده مهر بست و دوم رمضان سن یازده صد و هفت هجری
 رحلت نموده بجا ندفون گردید -

علامه محمد رضا سها لوی پسر چهارم ملا قطب الدین الشیخ عبد والد خود بخدمت ملا نظام الدین
 برادر کلان خود تعلیم و تربیت یافته فراغ حاصل نموده در جنب برادر خود تدیس طلبه میکرد از حضرت
 سید شاه عبد الرزاق بالنسوی بیعت کرده روانه مدینه منوره گشت و بعد زیارت روضه شریفه
 پنج بیت الله مشرف شده ببغداد آمد و هم در آنجا جان بجان فرسید

شیخ محمد رفیع کشمیری بن مصطفی بن معین الدین رفیعی کنیت دی بوالرضا بود بسال دوازده
 صد و پنجاه و چهارم هجری متولد شده فقیه و محدث و مفسر صوفی مشرب بود هم مقول معتدل بود و برادر
 خود مقیم السنه ثوبیگر و خال خود علامه نور الهدی ثوبیگر و اخذ نمود و حدیث از عم وید بزرگوار و شیخ
 و کتاب عوارف به پیش نعمت الله بن رضا ثوبیگر و آنگذرانیده و بسبب مردمان بحدیث مستفید
 شدند در تصوف رسائل متعدد از وی یادگار اند بر روز چهارشنبه شانزدهم محادی الاخری
 سال بست و ششم از صدی سیزدهم وفات یافت

میر محمد زاهد هروی ابن قاضی محمد اسلم هروی کابلی در سنه متولد شده تربیت یافته اند و پدر خود
 دیگر علمای هند و ستان الکتاب علوم کرده ذهن ثاقب و فکر صائب داشت در تحقیق و تدقیق
 کوی سبقت از سابقین ر بوده و در حاضرین و لاحقین متفرد بود شاگردان با و شاه اولاد به منصب

و قتل نگارے کا بل منسوب فرمود در عهد عالمگیر بادشاہ متعصب اندوی محلے شہ زمان بعد
عالمگیر بادشاہ حسب خواہش بادشاہ راہ را بصدارت کا بل فرمود گوانیدہ در انجا علما و منصب
نمود افادہ علوم میداد تصانیف غرار دارا زانجلہ شرح مواقف و حاشیہ شرح تہذیب عالمہ دوانی
و حاشیہ رسالہ تصور و تصدیق مصنف ملا قطب الدین رازی و حاشیہ شرح البیاض اندیشہ ہلال
یازدہ صد و یک ہجری بکابل وفات یافت

مولوی محمد باقر مدرسی تخلص باگاہ صلتش زیجا پورست بسال پنجاہ و ہشتم از صدے
دوازدهم ہجرت در دیوبند متولد شدہ مدراس نشو و نما یافتہ پیش مولانا سید ابوالحسن قرنی علوم ظاہر
اکتساب نمودہ عالم علوم عجیبہ باہر فنون غریبہ گشت در شعر گوئی و ادب عرب بد طولی دشت گوینہ
شافعی المذہب بود ممالک مدراس و کرناٹک بفیوض ظاہر و باطن در بہت بست و چہارم ہجری
سال دوازده صد و بست ہجری رحلت فرمودہ بخاک مدراس مدفون گشت تصانیف اہل
تنویر البصیرہ نفایس النکات القول لمبین الدلائل فیس دیوان اشعار عمر بنی الفتحہ احمدی
کشف الغطاء الخاف الساک جلا البصائر تبیین الانصاف القول البدیۃ الحجۃ البدیۃ
ریاض الجنان روضۃ الاسلام وغیرہا

مولوی محمد زمان خان شاہجہان پوری جامع الفضائل الکملات عامل الاما و فی الاما
محی السنن الحسانت ماحی الشک والبدعات ابو جاحد زمان خان نعمہ اللہ بارہمۃ والفقرا
مدرس مدرسہ حیدر آباد و استاد سید محبوب علی خان نظام الملک رئیس حال بود با فرقہ مہدیہ عصوبی
داشت فرقہ مہدیہ پیروی سید محمد بنوری مدعی مہدویت میکنند و ہلک و ہونہ ہار و گہرات
و حیدر آباد و کنائزین فرقہ ضالہ سکونت ورزیدہ بفرقہ دیگر اسلام تعصب دارند تا انیسکہ
مرتب خوزیریہای مسلمانان شدند القصہ مسمی سید عیسی عرف عالم میان مہدی حیدر آبادی
سرگروہ آن فرقہ رسالہ کشف الخدیب دلیل متین و ثلاثیہ ہر رسالہ مؤلفہ خود بسال دوازده صد
ہشتاد و دو ہجری در سالہ رو شبہات الفتاوی در رد فتوی ابن حجر کی وغیرہ ائمہ مذاہب از جمہ
در سالہ معارفہ الروایات بعد از یکسال طبع کنانیدہ باطراف و اقطار ہندوستان مشہور و تشرکد
ہر آنہم قانع نمائد رسالہ مذکورہ در سالہ دیگر متضمن معقدمات و عمولات خود تالیف نمودہ

مع رقعہ بخدمت قاضی دلاور علی حاکم دارالاقضای حیدرآباد اندوست خود پیش کردہ مضمون رقعہ
 اینست کہ اس سائل مذکورہ محض بنا بروریافت حق باطراف بلاد منتشر کردیم و بخدمت علمای آفاق
 رسانیدیم و مدتی انتظار کشیدیم لیکن هنوز علمای وقت از جواب ساکت اند لهذا بخدمت سامی پیش
 نموده اگر خطای بنظر آید حسبہ شدہ ما را مطلع باید فرمود کہ مایان رجوع بحق نمایم ورنہ اعانتہ ما را تصدیق
 و اقرار مایان نمایند فقط قاضی موصوف رقعہ در سائل مذکورہ بہ معیت عالم میان مسطور پیش مولوی
 محمد زمان خان فرستاد ہر چند کہ وی علیہ الرحمۃ و العفوان از مجموعہ منازعات و مناقشات کنارہ کشی
 میکرد تا ہم نظریہ ہمیت اسلامی و غیرت ایانی اثنیہ کلمہ حقیقت رقم را در میدان رد و قبح رسائل
 مذکورہ جولان داد و نیز از احوال مسلمہ آن فرقہ دعادی باطلہ او شان را مردود و مطرد و فرمود کہ محمدان
 آن فرقہ بجا لبش سر نیز انوی سگہ تہ نہادہ غریق لہجہ ندامت شدند نام آن رسالہ ہدیہ مہدویہ است
 ہر گاہ رسالہ مذکور بعالم میان جہتہ مہدویہ و مصنف رسائل مردودہ رسید بچواریان خود گفتہ ہر سیکہ
 مولوی محمد زمان خان را قتل خواہ کرد و اورا در مکان مروارید و چار و رخت خرا و در بہشت خواہم داد
 بشنیدن کلام ابلہ فریب جوانی بست و در سالہا از آن فرقہ منتظر موقع بود ہر گاہ نواب مختار الملک بک
 بتقریب ملاقات پرنس آف ویلر و انہ کلکتہ شد بدان بی مغزشہر حیدرآباد را از حاکم بیدار مغر و مجبور باغ
 خود خالی یافتہ ہر گاہ وقت سہام روز سہ شنبہ ششم ذیحجہ سال دوازده صد و نو و دو ہجری
 مولوی صدرالذکر حسب معمول خود بمسجد تشریف آوردند و بعد ادای نماز مغربہ و زانو نشستہ
 آغاز تلاوت قرآن مجید کردند آن شقی مہدوی الذکر اسلام کردہ از پس پشت بفرہ کنار مجروح
 ساخت کہ آن مرحوم سر بہ مصحف مجید نہادہ شربت شہادت چشید و خون آن جانباز راہ خدا
 برای کریمہ فائزہ کیف کان عاقبۃ المفسدین چکیدہ چند جس نمودند سر غ قاتل ز سید سرخیل مہدی
 بکوشک سفارت انگریزی خزیدہ و بر جنازہ آن مہر و انبوی کثیر از مسلمانان و جم غفیر از دینداران
 گرد آمدند کہ چارہ جماعت متفرق نماز جنازہ ادا کردہ بچمن مدرسہ او مجید را آباد مدفون کردند و بعد
 وقت قطعات تواریخ این واقعہ بنعم آوردند نمازان جملہ قطعہ تاریخ نوک ریز ظلمہ مکرر
 محمد عبد الرحمن خان شاکر تخلص و مالک مطبع نظامی زیب تر قیمی یابد و ہو ہذا محمد زمان خان
 و حکم قضایہ بچہر شہادت جو شد آشنا بہین مصرعہ سال شاکر لوشت بہ عبا شہادت حق شد عطا

ایضا الکجدی علی شد مسجد شمشید از منشی عنایت حسین بیرون رفت از جسم چون جان جان
عنایت بگو شد چو عثمان شهید

شیخ محمد سعید سهرزندی ابن مولانا شیخ احمد مجده الف ثانی ابن عبدالاحد سهرزندی لقب دی
سهرزندی خازن الرحمة و انشمنه تبحر فقیه و محدث بود علوم ظاهر و باطن از والد ماجد خود آموخته حاشیه
بر مشکوٰۃ المصابیح نوشته در یک هزار و هفتاد و هجری رحلت فرمود

ملا محمد سعید سها لوی پسر دوم ملا قطب الدین شهید بعد شهادت پدر خود با محضر مظلومی حبیب
استغاثه و دادری بحضور محی الدین اورنگ زیب عالمگیر یا شاه بملک کنفته از بارگاه شاه موصوف
فرمان معافی فرنگی محل کازانکنه مشهوره بدهد لکن بود حاصل نموده مراجعت بوطن کرد و بذریعہ اهلایان
نزول تمیل فرمان مذکور بر فرنگی محل قبضه نموده همه فرزندان ملای شهید را در آنجا مقیم ساخت بعد
چندی مرده بعد اولی بنرض اشکام فرمان معافی فرنگی محل غیره بخدمت بادشاه روانه شده بحصول
اسناد دیگر کامیاب شد از روانه وطن کرده بملکه معظمه رفته بطریق عواض جسمانی ازین عالم فانی بملکات و دوائی
خرامیده نزول اکنه لا وارث و منقبضه رابه محاوره اهل نکر کشو گویند

مولانا محمد سعید بدایونی ابن محمد شریف بن محمد شفیق بدایونی دی از اجله علمائی قس و اکابر
اولیای بدایون بعد رحلت بخدمت شاه کلیم الله جهان آبادی که فرار بر انوارش درو بیست و دو
و از فیض ظاهر و باطن دی عالمی کامیاب بود چهارم ذیقعد سن یازده صد و پنجاه و هفت هجری
رحلت فرمود از دود و خلف اصدق مولوی محمد حبیب مولوی عبدالحمید عقیب باند قدس الله سره السانی
حکیم محمد سرور ساکن احمد آباد ناره تخلص بود این حکیم حضور احمد طبع سلیم و ذهن مستقیم داشت
تعلیم رسمی پیش مولف اوراق یافته اکثر اشعار نعتیه میگفت قصه اویس قرنی رفته الله علیه منظوم از د
یادگار است فتوح الشام رابه بحر تقارب می نوشت که پیغام چلش در رسید و بفقوان شباب
بسال دوازده صد و دود و چهار هجری ازین جهان در گذشت چند اشعار نعتیه تضمین کلام سعدی
که خاتمه منظومات اوست بطور یادگار حواله قلم می شوند در حقیقت نام و نشان خود بکسر عشق
بنوی صلعم دیگر نگذاشت

وہو ہذا		
ای نور خدا عجب حسینی	رحمت زبراے عالمینی	
محبوب زمان وہم زینی	اللہ اللہ چہ مہم جبینی	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
اگر زعلوم او لینے	واقف زر موز آہنری	
کحل از پے دیدہ یقینی	اے بعت کلی و مدہنی	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
واللیل زگیسوے تو تعبیر	والشمس زروی تست تفسیر	
نون از پے ابروی تو تقریر	ای مہر سپہر عز و تو قیر	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
ای باعث خلقت دو عالم	وی موجب فخر نوح و آدم	
منظور نگاہ رب اکرم	ہستی پے ریش سینہ مراہم	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
ای سرمہ دیدہ تو لایب	ای غازہ چہرہ تمناہ	
برروسے تو دیدہ تماشا	باز است تو نیز دیدہ بکشا	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
ای جملہ نشین محل نور	ای شمع ضیاء شعلہ طور	
از نور تو عالم است معمور	ای مرد مک دودیدہ حور	

گر بر سر و چشم من نشینی نازت بکشم کہ ناز نینی	
زلفت پی عاشقان جان باز	ز بھر بلاست اے ہمہ ناز
بیشیت ہمہ دلبران طناز	ہستند برین ترانہ دمساز
گر بر سر و چشم من نشینی نازت بکشم کہ ناز نینی	
زلفت تو بلاے جان سرور	درد تو دواے جان سرور
عشقت نام و نشان سرور	نامست درد زبان سرور
گر بر سر و چشم من نشینی نازت بکشم کہ ناز نینی	
<p>اوستادی مولانا محمد شکور نجلی شہری ابن شیخ امانت علی جعفری در علوم عقلیہ و ادبیہ شاگرد مولانا رشید الدین خان دہلوی و در حدیث و تفسیر مستفید خدمت مولانا شاہ عبدالغفر دہلوی بودند ہموارہ بمناسب جلیلہ از سرکار انگریزی عز امتیاز داشتند ہنگامیکہ بفتح پور ہنسودہ رونق افروز عمدہ صدر الصدور بودند مولف ایچچان بنعال برداری تلامذہ مولانا کامیاب حاصل کرد بسال شصتم از صدی سیزدہم مولانا می مدوح حق نقاد قبول فرمودہ بوطن مالوف مراجعت فرمودند این حقیر نیز ہمراہ رکاب نجلی شہر رفتہ کتب متوسطہ در سبب خدمت فیضہ رحمت می گذرانید مولانا مدوح تمام عمر شریف بدرس علوم صرف فرمودند کتب درسیہ بلا معائنہ کتابی بحالت چہل قدمی درس میدادند بتالیف و تصنیف توجہ نہ داشتند و مرتبہ بزیارت حسین شریفین مشرف شدہ بست و یکم ذیحجہ یوم سہ شنبہ سال سیزدہ صد ہجری از دار فنا بدار بقا شتافتند نامش وانا الیہ راجعون ولادت مدوح بسال دوازده صد و یازدہ ہجری بطور چہستہ از لفظ تاریخ سال ولادت برمی آید ازین حساب عمر شریف بہ نزد نہ سال رسیدہ ہاست غفر اللہ لہ نجلی شہر قصبہ الیست از توابع جونپور</p>	
مولوی محمد شبلی اعظم گدھی مصنف رسالہ اسکات المعتمدی فی انصاف المقدی	

و محل انعام و غیره است که کتب درسیه متداوله پیش مولوی محمد فاروق عباسی طبریزی گزرا نیده
 اکنون به درسته علوم علی گذر به منصب مدرس اول قیام دارد و سلمه الله تعالی قصاصیه المأمون
 تاریخ زمانه مأمون الرشید خلیفه عباسیه بنی امیاد آنجزیه در بیان حقیقه جزیه گذشته تعلیم و اظهار
 کیفیت تدوین علوم مسلمانان سلف و اسامی مدارس قدیمه شان صحیح میدید و بیان حالت موجود

اسلام سیره النعمان توابع عمری امام ابوحنیفه تصانیف و نظایات عربی فارسی

مولوی محمد شبلی جوینوری خلعت سوم مولوی سجاد علی عمری جوینوری بست و نجم شعبان
 سیال و دوازده صد و شصت و سه هجری تولد یافته هنگام هجرت فرمودن پدر بزرگوار خود نه سال
 صغیر السن بود بدینوجه از رفتن مکه معظمه قاصر ماند پیش جد مادری خود قاضی ضیاء الله صدر الصدور
 مرحوم بنار و نعمت تعلیم و تربیت یافته بمقام جوینور حافظ نعمت الله ساکن سرای میر حفظ قرآن مجید
 نحوه کتب درسیه فارسیه از بعضی اعیان جوینور خوانده تحصیل علوم عربیه عنان عربیت یافته مختصرات
 صرف و نحو و غیره از تلامذه مفتی محمد یوسف فرنگی علی تحصیل کرده بآنک زمانه بدست
 مفتی موصوف الذکر تمامی کتب درسیه متداوله خاندان نظامیه به تحقیق و تدقیق تمام کرده و سنه
 فضیلت مفتی محمد یوسف از دست خاص دیوبند عطا فرموده و علم باطن خدمت مولوی سید
 خواجہ احمد نصیر آبادی کاز تلامذه پدر بزرگوار وی بود آموخته و اجازت کتب احادیث از مولوی
 سید نذیر حسین تمیز مولانا محمد اسحاق دہلوی یافته بمحصل سند ممتاز گشت و بسال دوازده صد و
 هشتاد و شش هجری بهجت جد مادری در بی خود قاضی ضیاء الله از زیارت حرمین شریفین
 مشرف گشته بطعن بالون معاودت فرموده جانشین پدر خود است و بواسطه مدرسه قرآنیہ جامع جوینور
 و تذکیر خلائق می یزدانند سلمه الله و ابقاه و اوصله الی مایمناہ -

مولوی محمد شفیع بدایونی از اجله علمای عهد سلطنت محی الدین محمد درنگ نیک عالمگروادشاه
 سلسله نسبش به امیر المومنین سیدنا عثمان ابن عفان رضی الله عنه منتهی میشود و به مولوی محمد شفیع
 ابن شیخ مصطفی بن عبد الغفور بن علی بن محمد بن کریم الدین بن قاضی محمد بن شیخ مودت بن شیخ
 وود بن عبد الشکور بن محمد راجی بن قاضی سعد الدین بن قاضی انصافه قاضی رکن الدین الحنفی
 به شمس الحق بن قاضی دانیال ابن شیخ شهید بن شیخ ابراهیم بن شیخ اسحاق ابن عبد الکرم بن

شیخ شریف بن نور الدین بن عبدالحی بن شیخ محمد فردوس بن شیخ انیس بن شیخ رافع بن شیخ عبدالمکرم
بن عبد الرحمن بن عبدالمحسن بن ابان بن سیدنا عثمان بن عفان الاموی القرشی رضوان اللہ علیہ
سن اربع المدی ششم قاضی دانیال از عراق ہند قدم آورده بقضای بدایون سباہات یافتہ ہند راجا
سکونت پذیرفتہ از اولاد اجدادش شیخ مصطفیٰ است کہ در علم تصوف یگانہ روزگار خصوصاً در حل
غولیات کتب شیخ محی الدین عربی مشارالہ علمای کرام ہدیہ سرش مولوی محمد شفیع انارشد تلامذہ
وہست کہ عمر گرانمایہ خود بدرس و تدریس بسر بردہ بعمر ہفتاد و نہ سالگی روز جمعہ بست دوم شوال
اد اکثر صدی یازدہم یا اواخر صدی دوازدهم ہجری رحلت فرمود و دخلف الصدق عقب خود
گذاشت یکے مولوی محمد شریف دوم خطیب عبداللطیف

محمد صدیق لاہوری ابن محمد حنیف بن محمد لطیف نقیہ و محدث و ادیب بود و الدماجدوی از
کابل بلاہور آمدہ امامت مسجد وزیرخان میگرد صاحب ترجمہ بروز و شنبہ تاریخ بست و نهم محرم
سال یازدہ صد بست و ہشت ہجری در لاہور متولد شدہ چون بیج سالگی رسید مولانا محمد عابد
صاحب تعلیقات تفسیر بیضاوی رسم تسمیہ خوانی وی ادا کرد و بعد حفظ قرآن مجید بخدمت مولانا
محمد عابد و مرزا مہر آمد و ملا حفیظ آمد و مولوی علیہ بعد و ملا ظہور آمد و ملا شہر یار و غیر ہم علوم متداولہ
تحصیل کردہ و سند حدیث از شیخ یحیی ابن صالح لکی مدرس مسجد الحرام و شیخ ابوالحسن سندھی مدنی
مدرس مدینہ منورہ بسال یازدہ صد و ہفتاد یافتہ تصانیف بسیار فارودہ و یازدہ صد و نو و دو
ہجری رحلت نمود۔ تصانیفہ۔ سلک الدار ربینعت اہمال۔ در سیرت نبویہ علیہ الصلوٰۃ
والنعمۃ۔ مدار الاسلام فی علم الکلام۔ شرط الایمان۔ القول الحق فی بیان ترک الشور و الخلق۔
درہ التعسف۔ ہدم الطاغوت فی تقیۃ ہاروت و ماروت۔ اور حدیثہ الثقلین فی مثال الثقلین۔
شرح النفحات الباہرہ فی جواز القول بالخمسة الطاہرہ۔ اذاتہ الفسادات فی شرح مناقبہ اساداتہ
تبیض الرق فی تبیین الحق جامع الوظائف۔ نقطۃ محط۔ منزل الاحزان۔ زبدۃ الفرح۔
جامع طب جمعی۔ ترجمہ فقر محمدی۔ ہدیہ انام و غیرہ

محمد صدیق برہانپوری از علمای دکن کنیتش ابوالکعب دی محی الدین بن حبیب اللہ
البرہانپوری است از تصانیف او رسالہ نقد کلمات است کہ در ان یک تبیہ مذکور و در اول

و خاتمه ترتیب داده مسائل احتضار و تجنیز و تکفین و غیره متعلقات میت بیان کرده دیده شد که خالی از زوائد نیست زمانه وفاتش بدریافت نرسید

شیخ محمد طاهر طینی نامش جمال الدین محمد ابن طاهر است و به محمد طاهر شهرت دارد بسال نصد و چهارمده هجری در بلده نهر ناله گجرات متولد شده اولاً از مولانا مٹه و مولانا شیخ ناگوری و مولانا بریل الدین سموی و مولانا دین الله سوہی اکتساب علوم کرده فارغ التحصیل شدن بعد در سن هشتصد و چهل و چهار هجری بسوی حجاز رخت سفر بست و بشرف زیارت حرمین شریفین زادگاه الله تشریفاً و تعظیماً مسابحات اندوخته در آن دیار پرانوار شیخ عبدلله زبیدی و سید عبدلله عدنی و شیخ عبیدالله حضرمی و شیخ جاسم مدنی و شیخ ابن حجر مصری ثم الملکی صاحب صواعق محرقه و شیخ علی مدنی و شیخ برنوردار سندی و شیخ علی بن حسام الدین المتقی و شیخ ابوالحسن بکری بکی و غیره تحقیقات و استنادن حدیث نموده دست ارادت بدست شیخ علی متقی داده در فضل و کمال کامل و مکمل گشت و انا بخا غیر کت بطن مالوف باز آمده با فاده و تدریس مرجع طلبه علوم شد چون ذات شریفش امر بالمعروف و ناهی عن المنکر بود در قلع و قمع بدعت و منکرات عموماً بغایت مے کوشید خصوصاً در ازاله بدعات هم قوم خود که همه پوره بودند مذہب مہمدیہ اسمعیلیہ داشتند همه تن مستعد بود و نیز مہمد کردہ تا وقتیکہ نقش بدعت و ضلالت از قوم خود زایل نگرداند عمامہ بر سر خود نہ بندد و حسب وصیت مرشد خود شیخ علی متقی بداد از دست خود حل کردہ با بداد کتب نویسی طلبہ را میداد بحالت درس نیز و شش از حل نمودن سیاهی بازنی مانند چون جلال الدین محمد کبر بادشاہ بسال شتصد و ہشتاد ہجری مرز بوم گجرات را تخیم سر اوقات خود ساخت شیخ ہم بشمول علمای وقت بہار گاہ شاہی تقرب یافت بادشاہ بسبب ترک عمامہ بپشتن پرسیدی رتہ امده علیہ بسبب اینچنانکہ گشت بیان نمود کہ بادشاہ از دست خاص علمہ بر سرش بست و فرمود کہ نصرت دین متین بزمہ من است شہاد ازالہ بدعت کو شہید خان اعظم مرزا غزنہ کو کہ برادر رضاعی اکبر شاہ کہ حاکم گجرات بود تا ایام حکومت خود ہمہ تن مددگار شیخ بود ہر گاہ مرزا غزنہ کو کہ مغرول شدہ بجایش عبدالحیم خان خاتان شیعی منصوب گردید فرقہ بواہیر اسمعیلیہ کہ بجانب بل تشیع دارند قوی بازو شد مد شیخ مایوس شدہ عمامہ از سر خود جدا کردہ جنت عرض حال پیشگاہ بادشاہ جانب گروہ مدانہ شد گردہی از بواہیر

اسمعلیه در پناه اور و ان شد ندیر گاه شیخ بنعل اوجین بمنزلی که با بن اوجین و سارنگ بود و است
رسیده گروه اشقیافروست یافته و را شنید که ونداین ساخته بسال نصد و هشتاد و شش هجری قمری
یافته همراهیان شیخ لعش ویریه پشن آورده در مقابل درگاهش نماز سجود شکر آمد سعید جزاه
جزای شیخ علیه الرحمة دفن حدیث تالیف مفیده دارد و آنرا بحکم کتاب نفع بجار و افارست در لغت
حدیث که فی الحقیقه بجای خود شرح مصلح ستمی تواند شد دیگر معنی در تصحیح اسماء الرجال بلا تفرع بیان
احوال بغایه مختصر نوشته و تذکره الموضوعات در بیان احادیث موضوعه و قانون الموضوعات فی
ذکر الضعفاء و اوضاعین نیز از تصانیف و چند بوهره و یوزن جوهره لفظ هندی یعنی تابیر مشتق از
یوهار بیای موعده لکسوره و یای شتا تهمانی مجهول ساکن مخلوط بواد و های هوز دالغ و رای ممل
بعضی تجارت قومی است در دکن که همه تجارت پیشه اند با خود را باطه معاضدت و اتحاد دارند و اغنیای
شان فقرای خود را اعانت کنند رئیس شان ویدی فی زمانه ملا نجم الدین است که شفقت پدران
بر جمیع بجا سیر مرعی دارد و این گروه مهدویه اسمعلیه اند و خود را پیر و محمد بن المهدی بن عهد الله بن محمد
بن محمد بن اسمعیل بن جعفر صادق دانند و محمد بن عبد الله را مهدی آخر الزمان گویند و بغایت تعصب
فرسبی دارند و اسمعلیه چند فرقه هستند داودی و ساحاقیه که سوات دکن هندوستان در مالک
مین و الموت و مغرب و ایران و قستان یافته می شوند و گویا پیر اسمعلیه با مخصوص بکن هند
سکونت دارند فرقه مهدویه که خود را پیر و محمد جو پوری گویند اکثر اهل این مذهب بمالک می پور
حیدر آباد دکن قیام پذیر اند و فرقی در میان مهدویه اسمعلیه و مهدویه جو پوریه نیست که مهدویه
اسمعلیه میلان به تشیع دارند و مهدویه جو پور اهل بهلو بوب اند و شهر و الم عرف النملواره
نام سابق شهر پشن است پشن بفتح بای فارسی و تهای هندی مفتوح مشدود و آخر زن ملک
گجرات دکن شهر است که بزبان پاستان مفر حکومت را جگان هند بود
مولوی محمد ظاهر بن سید غلام جیلانی بن سید محمد و اخین سید محمد صابری سید محمد آیت الله
بن سید شاه محمد علم احمد حسنی الحسینی اقبلی انقشبنی از اولاد امام همام حسن پاشی بن سبط الاکبر الم
حسن ابن علی ابن ابی طالب عم رسول مد صلی الله علیه و علی آله و سلم اصل بکای کر امش از خیره طیب
مولد و سکنش یکم شاه علم اند نکلات رای بریل ملک دود است و ولادت با سعادت بسال یازدهم

صدوق ہشت بھری طاق شدہ دینی رشتہ افشا علیہ کتب و درسیہ انعم ہنگام خود مولوی سید
 قطب الدی تلمیذ رشید مولانا شاہ عبدالغفور محدث دہلوی خواندہ تکمیل علوم مجتہد مولوی
 عبدالحامد سید پوری نمودہ جامع کمالات گشت و جمیع طریقہ ہر دست سید احمد مجاہد کردگار
 ہمیش ازین ثبت اوراق شدہ و نیز باستحصال خرقہ خلافت طریقہ چشتیہ و قادریہ و نقشبندیہ مجددہ
 و محرمہ مستفیض گردید و از ہدایت دارشاد و تعلیم طریقہ و تصنیف و تالیف عالمی را متورن نمود
 تصانیف شریف او در تصوف و عقائد و محاکمات سنت و بدعت مثل خیال سالک تحف المومنین
 و قاطع البدعہ و رسالہ در بیان وحدت وجود و وحدت شہود و کتابی در بیان فتوحات شام
 و غیر فلک بزبان فارسی دارد و کمال ستانت و سلامت نافع و مفید بہ ترتیب حسن ملق شدہ اند
 حضرت ایشان با وجود مشغلہ تصنیف و تالیف و افتاء و تدلیس و دو عظ و ہدایت و مواظبت و
 طائف گاہ گاہ بہ نظم نیز می پرداختند شعر ایشان در ہر زبان فارسی و اردو و ہندی خیلی خوب و
 ذوقی مرغوب دارد ہنگامیکہ صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ بنا بر تعلیم پسوان پانڈی دین بندہ بسا در
 دیوان ریاست ریوان بہقام ریوان رونق افروز بود و سودا و راق اکثر اوقات شرف
 قدمبوسیش می یافت در حقیقہ حضرت ایشان یادگار سلف صالحین بودند چندی از سکنہ
 ریوان دست اداوت بدامن بعتش دادہ اند و برخی از ثمری و ہولی طبع نداشت بایستہ بعض
 سرود سرایان ریوان محفوظ است مولوی سید فخر الدین احمد سلمہ رہبر ابن البنت حضرت
 ایشان در کتاب مہر جہانتاب اکثری ازان نقل فرمودہ و باقی حالات شان مولوی سید محمد علی
 خلف الصدق مولوی سید فخر الدین احمد صدرالذکر و زہرہ الناظر مشرعا تحریر فرمودہ مولوی
 ولی الدین نصیر آبادی مرید ایشان بودند و مولوی محمد صادق غازی پوری و مولوی لطف احمد
 مناظر صاحب تفسیر منظر العجائب و مولوی فخر الدین احمد ابن البنت حضرت ایشان انا ایشان
 اخذ علوم کردہ اند و قات شریفش در سن دوازده صد و ہشتاد و ہشت بھری بعارضہ فلج
 در رای بریلی وقوع یافتہ آہ سید محمد ظاہر رادہ تاریخ و فائش یافتہ اند رضوان اللہ علیہ علی ہلالہ
 محمد جو پوری مدعی ہدویت و درسیات و شیختش از باب تواریخ اختلاف کردہ اند و
 سیر المتاخرین ناقل است کہ سید محمد جو پوری ابن سید بدہ اولیسی از فراوان روحانیت

فیض برگرفته فیض صوری و مخفی علوم حاوی بود از شوریدگی و دعوی مهدویت کرد بسیاری مردم
 بعد گردیدند و بسا خارق اندر گزارند انتهای مکتوب محمد زان شاهجهان پوری در هدیه مهدویه از
 مطلع الولايت و شواهد الولايت و پنج فضائل و تذکرة الصالحین و غیره کتب مقبوله فرقه مهدویه نقل
 کرده شیخ جونپور که دیر امد و یان میران سید محمد مهدی موعود میگونی ابتداء الشجین است که در بلده
 جونپور شخصی سید خان نام داشت انود و فرزند بوجود آمدند یکی احمد دوم محمد همان شیخ جونپور است
 اکیسال هشتصد و چهل و هفت هجری متولد شده نام مادرش بی بی آخا ملک بود مهدویان بحسب
 ادعای مهدویت نام والدین او داسیان عبداللہ و بی بی آمنه مقرر کردند چون عمرش یکبار سال چهار
 ماه و چهار روز رسید سید خان پدرش اشرف داعیان جونپور را به تکلف تمام ضیافت کرده از
 زبان شیخ دانیال جونپوری که از مشایخ وقت بود رسم تسمیه خوانی ادا کنا نیده ویراجت تعلیم شیخ دانیال
 مرقوم بپسر شیخ جونپور و برادر کلانش احمد بنده شد شیخ دانیال حاضر بوده با کتساب علوم می برد
 چون شیخ جونپور طبع بلند فہم دل پسند داشت بعمر هفت سالگی از حفظ قرآن مجید و بدوا زود سالکی
 از علوم درسیہ فراغ حاصل کرده و از آنجا که در مشکانی و قائل علیہ و لیر و در مباحثہ پیچیده بود شیخ
 دانیال جونپوری و علمای دانا پور ویرا بقب اسد العلماء یاد میکردند شیخ جونپور اولاً بسلسلہ چشتیہ و
 ارادت شیخ دانیال داده هنگام شباب قدم در ساحت فقر نهاد مردم زمانہ با اعتقاد تمام بوی
 گردیدند سلطان حسین حاکم دانا پور که باج گزار و لیپ راؤمر زبان گوڑ بود برالطہ اعتقاد بدو پیوستہ
 و در ہر مہمی ویرا بہ خودی برد با جملہ شیخ جونپور سلطان حسین را از اطاعت و لیپ را و باز
 وابستہ مستعد جنگ و جدال گردانید سلطان حسین بحیثیت سی ہزار سوار جنگی مع شیخ جونپور و
 جانب گوڑ شد و یکہزار و پانصد سواران خود کہ بفوج برگیان نامزد بودند در کاب شیخ در شستہ
 و لیپ راؤمہر و شیندن خبر فوج سلطان حسین مقابل گشت سلطان حسین بوجہ کمی فوج خود
 منہزم شدہ پس پاگردید لیکن شیخ جونپور قدم استقلال از انجا بغبانید و پانزدہ صد سواران برگیان
 بر و لیپ را و حملہ آورده بیک تیغ او را دو پارہ کرد و دش از تنورہ بدن بد افتاد میگونی کہ بر دوش
 صورت تہی کہ او را و لیپ راؤمی پرستید منقوش بود این واقعہ موجب از دیاد و جذبہ شیخ گشت
 کہ ہر گاہ عبود باطل را انجمنین اثر است مبعود حق را چہ خواہد بود شیخ جونپور تا دوازده سال در ان

جناب بیوش مانند چون آنان افاقه یافت ترک وطن کرده مع زن و فرزند و مریدان چند از دافغانستان
 داتا پور بهمان گروی روهنا و ورین سفری بی الهندی زوجه شیخ و سید محمود و فرزندش و شیخ بیگ
 و میان دلاور نو مسلم همیش زاده ولیپ را و مقتول همراه شیخ بودند و مریدان یستان المامات
 مهدویت خود مرتبه اول ظاهر کرده که رفقاییش تصدیق آن کردند و رفته رفته بشهر چند پری رسید
 در آنجا مردم آن مرز بوم تذکیر و بیانش هجوم آوردند و مشایخ آن دیار بر وحسب بر دند و جگر از آنجا
 او را بدر کردند شیخ بابتعه خود بشهر مند و دار السلطنت مالوه آمده غلغل و عطا و گوش زد و عالمیان گشت
 سلطان غیاث الدین بادشاه مالوه که در آن هنگام بحکم پسر خود سلطان نصیر الدین بچولانه زرین
 مقید بود شیخ را بطای انعام کثیر فرما حال ساخت و یکی از امرای سلطان غیاث الدین المداوم
 نام که بفضیلت علمی و شعرونی شهرت داشت ترک دنیا کرده همراه شیخ گشت مهدویان او را
 خلیفه ششم میدانند و فرشی شیخ جو پوری و دیوان ممل و رساله بارامات و رساله نبوت مهدویت
 از تصانیف اوست و صاحب دیوان مہری ابن خواجہ طہ شاگرد همین المداومت بالجله شیخ
 جو پور را زمند و عتگاه مالوه بشهر جاپانیر عاضمه گجرات دکن آمده مسجد جامع فردا داند شهر و عطا و ترک
 و تجروش آفاق را برگرفت سلطان محمود بیگده بیای موحده لکسور و یای تختانی ببول و کاف
 فارسی و دال ہندی مخلوط بها لقب سلطان محمود گجراتی است و در نقب سلطان مذکور بدین
 لقب دو وجه بیان کرده اند یکے آنکہ بروتمای سلطان مانند و شلخ کا و سبط مہمپا رہودند
 بزبان گجراتی این چنین کا و رایگده گویند دوم بی بزبان گجرات عدد دو را گویند و گتہ قلعه را چون
 فتح قلعه جو ناگده و جاپانیر بدست سلطان روی نمود بنابران ویدایگده می گفتند مرات احمدی
 مرزبان گجرات خواست کہ حاضر مجلس شیخ شود مگر بہ مانعت علمای وقت ازلن اساده باز ماند
 میان نظام کہ بمسجد اسلام خان طابعلی بود جلعه مریدانش آمده همراهش گردید و ہما بجایی بی الهندی
 زوجه کلان شیخ مذکور وفات یافته زیر قلعه مدفون گشت شیخ جو پور از آنجا براہ بریانپور و دولت آباد
 بشهر حمد نگر مطیع سفر خود نشانده احمد نظام الملک بادشاه آن دیار با عتقاد تمام پیش آمده زن بعد
 برمانہ شاہی ملک برید بشهر میدد سید شیخ من و ملاضیاد قاضی علا الدین دست ارادت
 تہوداوند شیخ جو پور از آنجا بگلبرگہ رسیدہ بعد زیارت سید گیسو در از قدس سرہ براہ رای پاک

برخی ما پهل رسید و ساری مرکب تیری غایتی بهشت است و ششم به گاه بوم موسم رسید بنیادش آمد که
 در میان بکن و مقام ابراهیم طالق بر دست مهدی موعود بیت خواهد کرد زبان خود را به کلمه من تبتخی
 میخواند گویا ساخت میان نظام و قاضی علاء الدین آمنه گفته دست پیشش داده گفت که دو گواه
 پس این واقعه بسال نصد و یک هجری بطور پیوسته و بعد معاودت از مکه معظمه و مسجد تاج خان
 سالار قلع احمد آباد گجرات رخت اقامت انداخت بنزد کرد دعوت پرداخت ملک پیران الهی
 ملک گوهر داخل جرگه میرانش شدند و همدین سید بسال نصد و سه هجری مجمع عام دعوی
 مهدیت کرده این دعوی دوم است علماء و مشایخ گجرات سلطان محمود گفتند که شیخ جوینور بوعظ
 خود حقایق و معارف خلاف شرع شریف بیان می نماید سلطان حکم اخراجش صادر فرمود شیخ
 از آنجا بدیده سولا سنج منزل گزین گشت میان نعمت که رهنی سفاک بود بجرم قتل سیک
 جشی گرفته بدو پیوسته دست ابادت بدست شیخ داده بجرگه رفقاییش درآمد با جمله شیخ
 جوینور از سولا سنج بشهر نرواله گجرات که آنرا پین هم گویند برب عوض خان سرور فرود آمده
 میان خوند میر و اقربایش در آن مقام بسک اراوت نسک شدند و از آنجا نیز همان آس بکاسه
 پیش آمد یعنی فرمان ثانی از بارگاه سلطانی جهت اخراج او صدور یافته شیخ مع قلابین بقصبه
 بدلی کار پین سه کوهی فاصله داشت رخت اقامت انداخت میان خوند میر که در بارگاه ملک
 بود به عقیده کی محبوس نموده بود از مجلس گرفته شیخ پیوسته بمقام بدلی مذکور جمله میرانش دست
 استبداد و بدامنش زدند که باز دعوی مهدیت کنند شیخ زبان خود بدین کلمه گویا ساخت انامدی
 حسین ملا الله و پیوسته جسم خود بدو انگشت گرفته گفت هر کاز مهدویت این ذات منکر شود
 کافر است دمن از غذا بیوا سطر احکام میگیرم خدا میفرماید که علم اولین آخرین و بیان معنی قرآن
 کلید خزاین ایمان بود ادم پندیده تو من و منکر تو کافر است خوند میر و قاضی پارانیش که سه صد
 بودند صدای آفتاب صدقند در داد نمایان دعوی سوم است که در سال نصد و پنج هجری
 از بطون روم برادر آورده و تادم مرگ بهمان دعوی قائم ماند این دعوی برآمد و بیان
 دعوی نو کدی نامند نشیندن این دعوی تنی چند از علماء شهر نرواله بقصبه بدلی آمده باغیان
 بهد پیوستند مگر شیخ الرضیالات خود باز نیاید علمای وقت سلطان گجرات بلا اطلاع کردند سلطان

حکم اخراج وی صادر فرمود شیخ بامریان خود بسوی ملک سنده نفست نمود و راه جاوور و ناگور و نصیب
 بشهر رتبه دارالحکومت سنده فرود آمد و راغما هم چند کسان مصدق مهدویت او پیدا شدند چون
 اهل اسلام سنده بر عقاید شیخ آگاه شدند شاه سنده حکم قتل شیخ مع مریدانش صادر فرمود
 و در بنیان مصاحب شاه سنده بسعی تمام حکم قتل ملتوی گنایند از محروسه سنده وی را بدر کرد
 شیخ بامریان خود که هشتصد مردم بودند بخراسان شتافت بمحله مردم بهرامی شیخ سه صد شخصت
 نفر ملقب باصحاب و مهاجرین بودند چون بقنده حار رسید حاکم قنده حار از شاه بیگ بعدا گاهی
 بر حالات شیخ فرمود که برو جمعه هندی را بمسجد جامع پیش علمای اسلام حاضر کنند ملازمان با تشال
 امر حاکم شیخ را گرفتار کرده پیش علمای اسلام بمسجد جامع حاضر آوردند علمای وقت بسجی کلام بدو پیش
 آمدند شیخ تحمل بکار برده و عظم قرآنی آغاز نمود و شاه بیگ که نوجوان بود بر سخنرانی فریفته شد
 که آن گری بسوی مبدل گشت شیخ از آن مهلکه نجات یافته بعد طے منازل بشهر فراه رسید ناگاه
 یکی از عمده داران آن شهر آمده اسلم شیخ و رفقاییش گرفته هر یک را از گوشه کمان خود شمار کرد و گفت
 فردا همه بزدان خواهید رفت بعد از امیر و ذالنون حاکم فراه بنا بر دریافت ماجرا بذات خاص
 نزد شیخ جوینور سیده گردیده او شد و علمای وقت را فرمود تا امتحانش در مهدویت بگیرند علما
 باب مباحثه و مناظره و نمودند امیر و ذالنون صورت حال پیشگاه مرز حسین بادشاه خراسان
 معروض داشت با انتظار جواب تا نه ماه بشهر فراه قیام و رزیده بعرضت و سه سال درس
 نمصدوده بحری یوم پنجشنبه داعی اجل را بسیکل جابت گفته سفر آخرت اختیار کرد و در میان فراه
 و زریه خون گشت آمداد بن جنید که ذکرش گذشت مرثیه شیخ بر قیامش خواند از جمله اشعار مرثیه
 اینست **هـ** فضلش که بر جمیع پیمبر شد از خدا با و ابرو ز حشر شفاعت گرا ز خدا و
 اعوذ بالله من سوء الاعتقاد

مولانا محمد عابد لاهوری / اولاد ابوبکر صدیق رضی الله عنه فقیه مفسر زود و دامن علم
 کثیر العبادة بود و در حلقه مجلسی روزانه قریب و دصد علما و صلحامی نشستن ملاهوسه پیاده
 بحرین شریفین رفته و بعد ادای مناسک حج و زیارت روضه منوره بلاهور مراجعت فرموده
 بتایخ هیزدهم رمضان سال یازده صد و شصت هجری ازین جهان رحلت فرمود

تصانیفہ حاشیہ تفسیر بیضاوی ناقام شرح خلاصہ کیدانی بزبان فارسی شرح قصیدہ بانٹ
سوار سالہ وجوہ اعجاز قرآن رسالہ فی الاربعۃ الاحتیاطیۃ بعد صلوة الجمعة - العشرۃ المبشرۃ فی
فضائل الامۃ المرحومہ

شیخ محمد عابد سندھی ابن احمد علی بن یعقوب سندھی فقیہ و محدث جامع علوم عقلیہ و نقلیہ
حامی مذہب حنفیہ بود در شہر سیون کہ متصل شہر یو بک برکنارہ شمالی نہر حیدر آباد سندھ واقع است
متولد شدہ وی در بید ملک میں از علمای وقت مستفید شدہ و از انجا بصناعی میں رسیدہ و خیر
وزیر کتخدا گشت و منجانب امام صنعاء بطور سفیر بمصر رفتہ و از انجا بوطن مالوف معاودت کردہ و تقصیر
نوازی کہ بملک سندھ قریب کرانچی بندر بہت رخت اقامت انداخت باز بہ مدینہ طیبہ آمدہ والی
مصر وی را رئیس العلمای مدینہ منورہ مقرر فرمود کتاب مواہب اللطیف علی مسند الامام ابی حنیفہ
و طولع الانوار علی الدر المختار و تفسیر الوصول الی احادیث الرسول و شرح بلوغ المرام
و تصانیف وی مشہور اند بروز و شنبہ ماہ ربیع الاول سال دوازده صد و پنجاہ و ہفت
ہجری وفات یافتہ در بقیع مدفون گشت -

میر محمد عسکری جوہوری از سادات عظام بلوچ جوہر شیعہ مذہب بود ہر چند تحصیل کتب
متداولہ چنانکہ معمول علمای ہندوستان است نکرده مگر بزرگای طبعی و زور کتب بینی و جمیع فنون قول
و منقول و فروع و اصول بتمام داشت و در حسن بیانی و طلاقت لسانی مشارایہ اقران بود
تا مدتی افادہ علوم می داد و بر قلیل معاش قانع ماند مؤلف سیر المتاخرین می نویسد کہ بر شیخ
صدر جہان عرف انگنون میان کہ سنی المذہب از فضلاے وقت بود بمسلک فضیلت
ابوبکر صدیق و علی ابن ابی طالب رضی اللہ عنہما چہرہ دست آمد و اللہ اعلم بالصواب و س
بمہر ہفتاد سالگی بسال یازدہ صد و نو در حلت فرمود

حافظ محمد عظیم پشاور میگویند کہ دی در اوائل نہایت غبی بود بہ دعای خضر علیہ السلام
ذہین گشت و در اندک زمانی علوم عقلیہ و نقلیہ فرا گرفتہ عالم نبیل فاضل جلیل و اعظاہے عدیل
گشت و غطوی نہایت پرتاثیر و بانداق بود بزبان عربی و فارسی و پشتو و پنجابی ماہر و مقرب بدینی
طالب العلم یا سماع و غظ بہر زبانے کہ از زبانہای مذکور می فہمید آنرا بہمان زبان تعلیم مے داد

و بوعظت میکرد و بشارت ظاهرش مفقود شده بود. مگر بسبب نور باطن وی را احتیاج بینائی ظاهر نبود و روانده صد و هفتاد و پنج هجری وفات یافته

مولوی سید محمد علی دوکوی بیروت امام علی بن سید غلام محی الدین ساکن دوکوهره ضلع جالندهر خدمت مولوی لطف الله ساکن علی گڑه و مولوی حافظ محمد شوکت علی سندیل و مولوی محمد کمال عظیم آبادی و مولوی محمد حسن پنجابی مدرس کانپور و مولوی عبدالحمید عظیم آبادی تحصیل علوم متعارفه کرده با فعل به مقام عظیم آباد مطب میکنند سلسله الله تعالی

مولوی محمد علی بدایونی بن خطیب محمد لطیف بن خطیب عبداللطیف بن ملا محمد شفیع عثمانی همدان عبداللطیف خطیب مسجد جامع بدایون بود که آنرا سلطان شمس الدین اتمش در سن ششصد و بیست هجری تعمیر کرده و ولادت مولوی محمد علی در سال سی و چهارم صد و دو و از دهم هجری بظهور پیوسته از بدو سن شعور شوق تحصیل کمال ظاهر و باطن در سرش افتاد خدمت کلاس عمده که مشهور اکثاف عالم بودند در یافته مستفیض می شد لیکن اکثر علوم متعارفه پیش قاضی مبارک گوپاموی و قاضی مستعد خان دهلوی تحصیل و تکمیل فرموده و دست ارادت بلمان هدایت میر عبداللہ دهلوی بسلسله علیہ قادریه زده مریدش گشت شرح کمالاش بنچند گشت که درین مختصر تعجب بالآخر بمرخصت و سه سالگی تاریخ بیست و پنجم ربیع الثانی سال یازده صد و نود و هفت هجری مولوی شمس الدین راعقب خود گذاشته رحلت فرمود شاعری تاریخ و فائش چنین یافته ۵ از وفات مولوی معنوی به گشت تیره و چوب شب و ز جهان از نو و جسم چو تاخیش گشت

که در رحلت زمین جهان قطب زمان

مولوی محمد علی صدر پوری ابن شیخ رمضان علی متوطن موضع صد پور برکنه بلج آباد مضاف شهر لکنهو عالم ربانی شاعر حقانے انخلص به محمد و اوائل عشره ثانیه صدی سیزدهم از هجرت متولد شده پیش مرزا حسن علی محدث لکنوی شافعی المذهب کتب تفسیر و حدیث سمائه و قمره اندانید و خدمت مولوی شاه بشارت الله بهراچی مجددی شرف بیعت طریقه نقشبندیه مجددیه یافته مستفیض گشت در شاعرت سنت و اصناعت بدعت بغایت می کرد شید و خودم شعار و دثار تقوی می پوشید اکثر مصفااتش از تصاویر و شنوات مشتمل بر مواعظ و مضامین اند و در لغت

نیز چند تصانیف بطرز نصاب دارد بسال دوازده صد و پنجاه و ہشت ہجری بہ ٹونک قدم آورد
 ہجر کہ ملازمان وزیر الدولہ امیر الملک نواب وزیر محمد خان بہادر نصرت جنگ مسلک گردیدہ بمقتضای
 و مجاہدست فرزندان رئیس موصوف مخصوص گشت و تا عمر اخیر ملازمت یمین الدولہ وزیر الملک
 نواب محمد علی خان بہادر صولت جنگ خلف نواب سابق الالقاب بسر بردہ بتاریخ پانزدہم
 رجب سال دوازده صد و ہشتاد و تہ ہجری ہنگام نیم شب پنجشنبہ از عالم فانی بکلیت دولی
 روان گردید مولو سے محمد حسن تاریخ حلقش صوری و معنوی این چنین گفتہ ۵ درینا کہ آن
 عالم حق پرست بہ محمد علی فضل و دانش نیس بہ رعیش جہان دل بہ برداختہ بہ گردید با ملا را علی جلپیس
 محمد حسن صوری و معنوی بہ رقم کرد تاریخ طرز نفیس بہ ہر دوس رفت آن معلی جناب بہ زماہ حبیب
 نصف لیل الخیس بہ تصانیف ۱۴ آثار عشر در احوال قیامت - دلب و غظین - تسلسل ناظرین در کلاہ
 بیوگان - مینو نظیر در قصص بزرگان - ہدیۃ الاخیار قصہ عادات اولی و عادات آخری - دقایق اقصیہ
 در حالات سید احمد مجاہد رای بریلی - ترجمہ حقیقۃ الاسلام مصنفہ قاضی شہداء اللہ پانی پتی - نصاب
 گوہر منظوم - نصاب سلک گہر - نصاب مصدر الفیوض - نصاب مقتل الخاندن نصاب
 درج جواہر - نصاب عنایقہ الاثمار - نصاب کنز المصادر - مثنوی تحفۃ الاخیار - مثنوی تحفۃ الامحا
 قصائد در حمد و نعت - رکاز المداہیت در فقہ - مثنوی عبرت افزا قصہ
 زن دیندار عابدہ

مولوی شاہ محمد علی ساکن بہیرا بن شاہ عبدالعلیم ابن شاہ ابوالخوش کرم دیوان ساکن
 موضع بہیرا ضلع اعظم گڑھ و برادر زادہ حافظ شاہ ابوالسحاق قدس سرہ بشوق تحصیل علوم
 پای ارادت در جادہ غربت نہادہ بعد طے منازل و قطع مراحل در مدراس بخدمت ابوالعباس
 ملا عبدالعلی بجا العلوم فرنگی محلی پیوستہ در ان مرز بوم مدتی قیام ورزیدہ از تحصیل علوم درسیہ
 متداولہ نقد فراغ بدست آوردہ بدیار عرب روانہ و تا سہ سال بدین طیبہ علی صاحبہا اصلوۃ
 و النبیۃ رخت اقامت انداختہ علم حدیث و اسما و الرجال و اسانید را بہ تکمیل رسانید و بعد در
 بست و سہ سال بوطن مالوت مراجعت فرمود و بوخطیفہ دولت مدراس کہ باو میر سید قانع
 بودہ روز کے چند بوطن بسر بردہ همان فانی را پدر و فرمود انا اللہ وانا الیہ راجعون

ملا محمد عمران رام پوری ابن ملا محمد غفران رام پوری شاگرد والد ماجد خود نیز خدمت مولوی
حیدر علی رام پوری مستفید شدہ و رفقاہست مشارالہ اقران خود بودند تمام عمر شریفش در افتادہ تعلیم
طلبہ علوم بسر بردہ رسالہ تجنیز و تکفین میت از مصنفاتش مشہور و مطبوع است ہنگامیکہ بحیث
والد خود سمت کلکتہ تشریف لے بر و بمقام فتح پور سہوہ فقیر حقیر خدمت ہر دو بزرگوار در یافتہ
پدر و پسر نہایت مسن بودند کہ شخص ناواقف ہر دو را برادر یکدیگر لے شمرد بھر ہفتاد و دو سالہ
بسال ہفتاد و یکم از صدی سیزدہم داعی اجل بالیک اجابت گفتہ بریاض رضوان پیوست
مولوی محمد عمر رام پوری دانشمند بھر جابجاء معقول و منقول ذکی الطبع مناظر غالباً شاعر فصیح
واعظ طلیق اللسان مخلص صولت میگرد حاشیہ عینی شرح ہدایہ در سالہ ططنہ صولت در باب
سماع از یادگار اند سؤالات عشق کہ مولوی محمد حسین لاہوری سرخیل غیر مقلدین مشتبہ کردہ بود
بجواب ہر یک سوال با جواب متعددہ تحریر فرمودہ ناشی عشرہ بشمرہ نہاد آن رسالہ نیز از تصانیف
شرفیش شہرتی دارد وی رحمۃ اللہ علیہ بہر پیست و شش سالگی واقع سیزدہم رمضان المبارک
سال دوازده صد و نو و پنج ہجری رحلت فرمود

شیخ محمد عیسیٰ جونپوری ابن شیخ احمد عیسیٰ دہلوی در قزاقیکہ ز آمدن امیر تیمور ب صوب دہلی افتاد
اکثری اناکارہ چونچہ در فتنہ شیخ احمد عیسیٰ نیز در ان میان بود و محمد عیسیٰ در ان زمان ہفت یا ہشت
سالہ بود و ہم در صغیر سن بمقتضای سعادت ازلی و استعداد جبلی ہمہر شیخ فتح اللہ اودہی شد
و باشارت پیر دینی پیش ملک العلماء قاضی شہاب الدین دولت آبادی تلمذ کردہ شرح اصول
برودی کہ قاضی موصوف تاجت امر دار و بتقریب وی نوشتہ است وی بعد فراغ تحصیل علم
ظاہر در خدمت شیخ فتح اللہ تصفیہ باطن مشغول شد تا آنکہ از کبار مشائخ جونپور شہرت پذیرفت
و ہمہم در اینجا مدفون است

ملا محمد غفران رام پوری ابن ملا تائب آخون ابن حافظ سعد اللہ خان رام پوری از افتاد
ترابی خیل مرید و تلمیذ ملا فقیر آخون ولایتی بودند نیز خدمت بعض علمای وقت مستفید شدہ فتاوا
فقہ در صد جزو نوشتہ کہ بچنگ موسوم و بکتب خانہ رئیس باپور موجود است علمائے نامور
از سایہ دامن تربیت و تعلیم او برخاستہ اند بھر صد سالہ بسال شصتم از صدی سیزدہم ہجری

رحلت فرمود مصنف اجداد العلوم دی را بقلب روایت کش یاد کرده العلم عند اللہ تائب برونن
صائب بادل تابی شہانہ فوقانیہ بعد شرف بعدش ہر مہلہ مکسورہ دما خرباے محسدہ
بعضی تو بکشدہ آخون بافت ممدودہ و خای ہجہ مضمومہ و واد معدولہ و لون ساکن بمعنی استاد و
علم جنگ بحیم تازی مضموم و سکون نون و کاف فارسی بیاض بزرگ را گویند

شیخ محمد غوث گوالیاری بسلسلہ شطاریہ مرید حاجی حمید است در ابتدای حال تا دوازده سال
در دامن کوه چنار ریاضت شافہ کشیدہ در غار ہاسکن از برگ اشجار غذا میداشت و علم دعوت
رہنما و مقتدا و صاحب تصرف بود ہمایون بادشاہ باو عقیدت کامل داشت بعد انہم ہمایون شہ
شاہ افغان دسپے آزار شیخ کردید شیخ سفر و کن اختیار کرد سلاطین آن دیار بجللہ اعتقادش
در آمدند شیخ وجہ الدین گجراتی کہ عالم ربانی فاضل تبحر و مطیع و متقادش گشت بسال ہمدو
شصت و شش ہجری شیخ از گجرات با گروہ آمدہ اکبر بادشاہ را در سلک اداوت خود کشیدہ گرا بادشاہ
زود منحرف شد و نیز صحبتش بہریم خان و شیخ گدڑی راست نہ آمد بخیرہ بگوالیار رفت و خانقاہی
تعمیر کرد یک کرد تگہ معاش داشت و نہایت منکسر مزاج بود ہر کرا میدید تعظیما قیام مے نمود
رسالہ مراج نامہ در عروج حال خود و جہا ہر خمسہ و او را دغوثیہ و تبحر احویات از تصانیف او یادگار
ہرگز لفظ من بزبان او نگذشتی ہموارہ تعبیر از خود بفقیر کردی تا اینکه دقت تقسیم غلہ سیگفت کہ انقدر
سیم و نون غلہ بخلان بدہید ہر ہشتاد سالگی در سال ہمدو ہفتاد ہجری رحلت فرمودہ رحمۃ اللہ علیہ
شاہ محمد فاخر آلہ آبادی از اہل تخلص بن شاہ خوب اللہ آلہ آبادی جامع علوم ظاہر و باطن بود
الکتاب علوم ظاہر خدمت ہرادر کلان خود شیخ محمد ظاہر کردہ حتی سبحانہ تعالی شانہ اورا شانہ
عظیم دادہ بود ہر بیست و یک سالگی بجای پدر بزرگوار و سادہ آرای خلافت شدہ بقریبست
و ہشت سالہ زیارت بیت امد مشرف گشت و بدینہ طیبہ سند حدیث از شیخ محمد حیات سندہی
مدنی حاصل نمود چون مرتبہ سوم غم حج کردہ در بہان پور داعی اجل را لبیک گفتہ بتاریخ یازدہم ذیحجہ
روز یکشنبہ سال یازدہ صد و شصت و چہار ہجری جان بجان آفرین سپرد تاریخ ولادتش
خورشید و تاریخ فوتش زوال خورشید یافتہ اند مزارش در بہانپور بہ پہلوی شاہ عبداللطیف
برہانپوری است یزار دیر برگ دیر تصانیف بسیار اند از جملہ قرۃ العینین فی رفع الیدین

نورالسنه و درة التحقيق و غيره مشهور مستند شکر الله عليه

مولوی محمد فاروق چڑیا کوٹی فرزند خرد قاضی علی اکبر ابن قاضی عطاء رسول عباسی است
که بفضل کمال و باقران و امثال گوی سبقت ربوده و ساحت علوم عقلیه و نقلیه را با کمال تحقیق و
تدقیق فرسوده کتب درسیه فارسیه و صرف نحو عربیه و علوم عقلیه و نقلیه از همین برادر خود مولو
عنایت رسول اکتساب نموده و علم هیات از مولوی رحمت الله فرنگی علی و هدایه وصول فقره
از مفتی محمد یوسف فرنگی محلی و عاشیه زاهدیه بر شرح ملا جلال از مولوی ابوالحسن منطقی آموخته
با کمال هر دانه کمال از خرمن اساتذہ نامی اندوخته مطیع سفر و ملک حجاز کشید و زیارت حرمین شریفین
بهره اندوز گردید و پدیدار علماء اسلام و اکتساب فیوض از فقرای اہل اسلام بحد عا و ولی رسید
در علوم ادبیہ فارسیہ و عربیہ ید طولی دارد و بتعلیم طلبہ علوم می پردازد و دی رارسایل علوم مختلفہ و
اشعار عرب و مکاتیب و خطبہ اندازا بکمال اندکے از بسیار و شتی از خوداری نگارم از قصائد فارسی
داوراکو ہر شناسا اینکم در بزم توبہ بحر معنی در دل و گنج سخن در آستین باطلس فلک را دانم چو نقش
بود یا بجامہ عرب یا نیم رود دارد از دیباچہ چین بہ ہستم از گنج قناعت نایہ دار خرمی بہ نیتم در یوزہ گروی
بر در تاش و نگین بہ تشنوی کہ بہج استاد خود مفتی محمد یوسف فرنگی محلی در سال دوازده صد و
ہشتاد و شش ہجری بسلاک نظم کشید و بسمع قبول مدوح رسید بنندی اذان نیست ۵ و لم
و شوق زلفش نالہ ساز است بہ چہ می نالم غم زلفش دراز است بہ بدل چون دیگ منم گرم چشم بہ صورت
صورت بخش غموشم نہ دلی دارم مشعبد شیشہ بازی بہ زبانی جادوی افسون طرازی بہ حدیث
من فسون جان گذار نیست بہ دو چشم صورت خون نالہ ساز نیست بہ نوای من صفر ہر نشمن بہ
حدیث قصہ ہر کوی و برزن بہ بسے این خامہ سحر اور زلف بہ بر آرد جادو ہیا از تہ حرف بہ گمی شب
آورد کہ روز بیرون بہ گمی قائم نماید گاہ اکسون بہ گمی این خامہ در لبہای ناشادہ با فسون خنسدہ
جوش طرب نابد بہ گمی از دیدہ دلہای خرم بہ بر آرد چشمہای اشک ماتم بہ صفا شمع است در بزم
خیالم بہ سخن یک نغمہ ساز کمال بہ نمی بینی کہ طرفہ بلبلم من بہ کوین اعجب بہ ہر محفل من بہ ہر میدان نمودم
ترکمانی بہ بخوانم نامہ ترکی و تازی بہ گمی از لوح رازی خواندہ ام حرف بہ گمی از حرف تازی مستہ
ام طرف بہ گمی اندر مقام سخن شیراز بہ شدم بالی و سعدی ہم آواز بہ گمی در بزم گاہ نغمہ سازی بہ

سخن راندم باهنگ حجازی به مسودا آن فروزان گوهر من به که شمع من بهر بنده هست روشن
 قلم چون در لغات و حرف راندم به سخن برکری اعلی نشاندم به به خود تم بلاغت خامه من به بے
 شمع معانی کرد روشن به ز موجودات عالم حسم اسرار بخواندم و فقر اعداد مقداری بسی خار عناور
 با شکستم به زسان چرخ و لخم طرب بستم به چو کردم راز ستر حرج ظاهر به سخن راندم ز اعراض و جواهر به رخ
 معلول و علت و نمودم به گره از وحدت و کثرت کشودم به با حکام عقول و بحث ارجوح به بدست
 شرع احمد کردم اصلاح به ز طاب نور آن مهر دل افروز به بے شبهای ظلمت کرده ام نوز به
 سوی آبای علوی یافتم راه به شدم از انقذات سفلی آگاه به بنور دیده اهل بصائر نظر کردم بگلزار
 عناصر به بے بگماشتم ناظور دل را به تماشای بهار آب و گل به بنار اوست در هر صورتی دیده به
 زهر یک لاجرم رخ بان به پیچیده ز فکر این و آن خود را تهمی کرد به بسوی ملت به چون رخ آورد به غیام
 رفت از مه تابماهی به پی اسرار آیات الهی به بسا جمد طلب آورد در کار به بودم از شکر
 گنج اسرار به چو گردیدم ز راز شرع آگاه به ندیدم در میان جز نقش الله به مجدح ممدوح
 می برد از د - چو بر اوج کمال خود رسیدم به ز سنگ استانی بوسه چیدم به چو سنگی سنگ لیوان
 شدین به که دار و از شریعت ملک و آئین به جناب اوستا و کعبه جابه به دلیل راه مردان حق آگاه به
 سحاب ساکت بود النوال به تمام صائط و الکمال به کئی فی الوعالیث الاعادی به کریم فی البندی
 غیث الایادی به کریمی یوسف مصر معانی به غزال مرتع فضلش غزالی به چو یوسف مصر معنی لغزینی
 نیز زو ملک جم پیشش به چیزی به بصورت شمع بزم یوسف آمد به بعضی غیرت بویوسف آمد
 بگیتی در کمال همسرش نیست به جبینی خالی از خاک درش نیست به بشوق مکتب در شمش
 فلما طون بولی دارد و جام باده به خون به ادب گیر به بستانش رطوبه به پیشش بوی علی به کرد زانو به
 الی آخره بقیه اشعار ابدارش به بجز تحریریه آوردم که بجز زخار را بکوزه آوردن کاره دارد وی را
 ماسوای تصانیف رائقه و خطبه ادبیه زبان عربیه اند که داد فصاحت میدهند و بر کمال بلاش
 و لیل اندامح یک عنوان خطب جمعه که کتابیست مشتمل بر خطب منظومه و منثور صور تما
 الحمد لله القاسم الالآ به الحاسم الاداره المعلی الاسماء به والصلوة والسلام علی سید الانبیاء
 محمد منقذ الاسراء به المخصوصین لاسرار و علی آله الطاهرين بالباسا به واصحابه القاهرين للاعداد

اما بعد فيقول العبد الخاطي الناسي في محمد فاروق الخفي العباسي في جعل الله من حماة دار دينه في وعطي
 كتابه بهيمية في انه قد سألني بعض من يعني واجبه في الاستعديني ووده وتيمني حبه في ان انشي خطها اديبيه في
 واجلي للعيون عربا عوبيه في ومع ذلك استسقى زلالا في مغز جابا بعسل الفكري في من كاس اوارها
 ابن بناتية المصري في لكن لم يسعني الاجابة بلما عن بي هموم ناصبه في وكان لي يد عن الاعمال خائبة في
 ورصل للبلال وجائبه في ونفس من معافرة العنا في ثابته في لا كذوب كُتب ادر كذا اللاظ في اود لفت طال
 به الجواظ في اوبر دمه اشواظ في حتى علمت ان الارض منزل كل هول و غنا في وصب كل زرع و
 نكبار في ورأيت العلم قد نصب اليوم ماء في وخن بالامكار نوانه في وخفيت من النواظر اضواءه في
 ونسيت من الضائر رسما في و الجمل قد طي للناس انا في و رفع في العراض لوانه في داروس
 الجسم اروايه في وعفي الرسوم نكبا في حتى غدا خما لمة فاديه في ومنار له على عرو شها غاويه في
 فالناس ينكرون ما لم يسع اذ بانهم في ويكرهون ما لم يسع اذ بانهم في فمن صمت فقد ربح في هذه البلاد في
 ومن نطق وقع مسأله في الكساد في ثم بعد ما خفي من الايام والليال في بلح لحي في في السؤال في
 وكثر الحاحه وطال في حتى لم يسعني الا الا تجلح في فاجبت دعوتيه متوكلا على المولى المنار في ووم
 خطبه تكاح مشر محمود في هايكورت ممالك مغربي وشمالى خلف الصدق سر سيد احمد خان نجم الهند في
 بصنعت اجمال زيب ترقيم فرموده وهي هذه الحمد لله الصمد الودود في الحكم العدل محمود في مالک
 الحمد الموعود في موسع العطا الحمد في و مر رط هو في و امر آل داود في ولا عدد عا و عطا في ولا
 احد جاد لا في لا اله الا الله ولا مالوه لا اله الا الله صل سلا في و كلمها و اما الرسولك
 محمد اكرم الرسل في فكل الملل مأك الا مل في مومل المرمل والارمل في وهو سمك اللوا في و ساند
 الاسراء في وصعد السماء في و ساد الرسل الكرام في واعلى محل آدم و حواء في و رحم الله آل الصلح في
 داود ابنة الرحمة في ما هم السما في و اولم الهاء في اعلموا اهل الاسلام في رحكم الله السلام في عمل
 الكرام في اعلموا امر دامه الحما في و ماله اعدام في و آماله احلام في و مراحل آسام في و در و احلا لام في و
 صراط كذا الحسام في صلوا لمدني داود المرعود في و عباد العدد الامر المعمود في و صلوا امور الابل والال
 و راغوا محل العرس المولود في كما امركم رسولكم المكرم المسعود في و هو رسول الله في الحمد لا واه في
 كما احكم امور المعاد في و دسم امر لا صلاح الابل والاولاد في و حكم وهد ورام و صاير الابرار في

وواصل لا طباریہ واداکرام المولد ولاحم اہل الکرم و اسود و سلک مسلک رسولکم محمد کا عملہ
 المولیٰ الاحاد محمد و ولدہ لخال الکامل احمد و ہما کلا واحد ہما علی الکرا و سادہ و سرور و دہما
 السور و الرسا و سمار الکرم و و داما المسم اسار الکوم و و اس المکوم و اللہ اعط المجد و عمر طال عدا
 و مالاما حصر عدا و اولہ و عرسہ کل واحد و اذ واکرمہما مالا و ولد اذ و سرہما سروراما احصا ہ
 احدا ادا بجزا اب آن سید محمود لکتر لی بزبان اردو باظہار خرسندی طبع نوشتہ و دران
 نامہ نگارش نمود کہ اگر مین ہنسی سے کہوں کہ خوب بے نقط سنائی تو کچھ مضائقہ نہیں
 شیخ محمد فاضل بٹالوی قادری مجددی از علمای نامدار پنجاب در شریعت و طریقت باخ
 قدم بود تمام عمر با اشتغال تدریس و تعلیم طلبہ علوم بسربردہ جسے مردم با کمال از دامن تربیت
 او برخاستند بسال دوازده صد و پنجاہ و یک ہجری وفات یافتہ در بمالہ مدفون گشت
 مولوی محمد قاسم نانوتوی ابن شیخ اسد علی بن غلام شاہ بن محمد بخش بن علاء الدین بن محمد
 فتح بن محمد مفتی بن عبد السمیع بن مولوی ہاشم نانوتوی بہ دوازده صد و چیل و ہشت ہجری لاد
 یافتہ نام تاریخی وی خورشید حسین است بر حدت طبع و جودت ذہن بمجول شدہ ابتداء از شیخ
 ہنال حمد نانوتوی و مولوی محمد نواز سہارنپوری کتب عربیہ و فارسیہ خواندہ بسال دوازده صد
 شخصت ہجری بدلی آمدہ کتب درسیہ متعارفہ پیش مولانا مملوک علی نانوتوی مدرس اقل مدرسہ
 دہلی گذرانیدہ و استناد حدیث بخد مت شاہ عبد الغنی محدث دہلوی کردہ بعد فراغ تحصیل علوم
 چندی بہ مدرسہ انگریزی واقع دہلی تعلق گرفتہ و بعد ترک آن تعلق در مطبع احمدی تصحیح کتب مقرر شدہ
 و در سن دوازده صد و ہفتاد و ہفت ہجری بزیارت بیت امد مشرف شدہ دست ارادت
 بدست ہدایت جناب مولوی و شیخ شیخی حضرت حاجی ادا داد تہانوی مہاجر و نزیل مکہ معظمہ
 بسلسلہ حقیقیہ صابریہ دادہ مراجعت فرمودہ سرپرستی مدرسہ اسلامہ بندہ خود گرفت زان بعد
 و در سال دوازده صد و ہشتاد و پنج ہجری ثانیاً بزیارت بیت امد الحرام مہابات اند و ختہ بطن
 مالوف باز آمدہ در دہلی بہ تدریس و تنشیر علوم پرداخت۔ پادری تارا چند را در مباحثہ مذہبی
 ساکت نمود و در سال دوازده صد و نو و سہ ہجری بمقام چاند پور ضلع شاہ بھما پور مجمع
 بنام زومیلہ خد شناسی فراہم شدہ علمای ہر مذہب در ان مجمع ہم آمدہ بودند صاحب ترجمہ

علیه الرحمۃ علی رؤس الاشهاد ابطال تثلیث و شرک و اثبات توحید بنوی بیان فرموده که حاضر مجلس
 چه موافق و چه مخالف همه مهر سکوت بردہان خود ہا ثبت کردند و بسال دوازده صد و نو و دو چہار
 ہجری با پندت ریائند سستی مباحثہ وجود و توحید و با عیسایان گفتگوی تحریف کردہ پندت
 مذکور سر بحیب سکوت فرو برد و پادریان عیسائی کتب خود گذاشتہ فرار بر قرار ترجیع دادند
 رسالہ حجۃ الاسلام در نیاب مشہور است و ہمدین سال کرت ثالث بنیارت بیت المد الحرام
 شرف اندوز شدہ مراجعت فرمود بمرض شپ بتلا گشت در عین بیماری پندت دیانند مذکور
 در باب استقبال قبلہ بر مسلمانان اعراض کردہ بچوایش رسالہ قبلہ نما تحریر فرمودند و بر پنجشنبہ
 وقت ظہر چہارم جمادی الاولی سال دوازده صد و نو و ہفت ہجری بمرض شپ و عسر
 ذات الجنب رحلت فرمودہ بقصبہ نانوتہ مدفون گروید از تلامذہ و مے مولوی محمود حسن
 دیوبندی و مولوی فخر الحسن گنگوہی و مولوی احمد حسن امر و ہوی مشہور اند و از تصانیف شریفہ
 او کتب ذیل مطبوع شدہ شائع اند۔ مجموعہ رسائل قاسم العلوم۔ مصابیح الترویج۔ آب حیات
 تقریر دینیر۔ مباحثہ شاہچمان پور۔ ہدیۃ الشیخ۔ قبلہ نما دیوبند و نانوتہ و دو قصبہ شاہچمان پور اند
 مولوی محمد لیب بدایونی ابن مولوی محمد سعید بدایونی علوم متداولہ از پدر بزرگوار خود
 تحصیل تکمیل نمودہ جامع العلوم بود خصوصاً در فقہ و فرائض مہارت کامل داشت بعمر ہفتاد
 و چہار سالگی بام محرم سال دوازده صد و پنج ہجری رحلت فرمودہ بدار الجنان پیوست
 رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلافہ

مولانا محمد مبین لکھنوی ابن ملا محب الدین ملا احمد عبد الحق ابن ملا محمد سعید پیر دوم
 ملا قطب الدین شہید سہالوی شاگرد رسید ملا حسن شایخ سلم علوم عالم علوم عقلی و نقلی و فقہ
 رموز خفی و جلی و وجودت ذہن و ذکا و طلاقت معروف بود تصانیف لطیف دارد از انجمل
 شرح سلم و شرح مسلم الثبوت و حاشیہ میرزا ہر سالہ و حاشیہ میرزا ہدایا جلال و حاشیہ میرزا ہدایا شرح
 موافق و وسیلۃ النجاة و در حالات اہل بیت نبوی صلعم و ترجمہ حکایات الصالحین و شرح
 اسمای حسنی و شرح تبصرہ در تصوف و زبدۃ الفوائد در بیان سحر رمضان و کنز الحسنات فی
 ایثار الزکوۃ و غیر ذلک اند تبست و دوم ربیع الثانی سال ہزار و دو صد و بست و پنج ہجری

رحمتش سوی روضہ بقوان وقوع یافتہ دربلغ مولانا احمد الوار الحق واقع بلکہ کھنڈ فون گشت
 علیہ الرحمۃ والفران مصرعہ ماہ برج علوم پنهان گشت : مادہ تاریخ فوت اوست
 ملا محمد محسن گشتواز علمای کبار خط کشمیر شاگرد ملا محمد امین کافی کشمیری بود در علوم عقلیہ
 دستگاہی کامل داشت امتعلمانش کسے بی برہ نماند برہادیہ و مطول حواشی و تعلیقات نوشتہ
 و بجا تازک دست ارادت دادہ بسال یازدہ صد و نوزدہ ہجری وفات یافتہ بمقبرہ سید محمد
 کرمانی واقع تاشون مدفون شد

حافظ محمد محسن دہلوی مجددی نقشبندی از احفاد شیخ عبدالحق محدث دہلوی خلفای شیخ
 محمد معصوم مجددی است جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود بسال یازدہ صد و چہل و ہفت ہجری وفات یافتہ
 خواجہ محمد معصوم سہرندی حضرت عودۃ الوثقی خواجہ محمد الدین محمد معصوم خلف الصدق و
 خلیفہ اعظم حضرت فیوم ربانی محبوب صمدانی شیخ احمد فاروقی سہرندی مجدد الف ثانی رضی اللہ
 تعالیٰ عنہما ولادت آن جناب در سن ہزار و نہ ہجری واقع شدہ بمرشائز دہ سالگی بحضور پدربزرگوار
 فارغ التحصیل گشتند آنحضرت جامع علوم عقلی و نقلی و مخزن کمالات صوری و معنوی بودند
 بہ بشارت مقام قطبیت و منصب قیومیت از پدربزرگوار خود مشرف شدند نسبت
 طریقہ احمدیہ مجددیہ بتوجہات ایشان در اطراف عالم شایع گردید و عالمی باحوال بلند و مقامات
 ارجمند رسیدہ کشف مقامات الکیمیہ آنچنان بود کہ از ولایات بعیدہ منتسبان خود را اعلام میفرمودند
 کہ فلانی بولایت موسویہ رسیدہ و فلانی بولایت محمدیہ مشرف گردیدہ نہ صد ہزار کس بردست
 ایشان مرید شدند و ہفت ہزار کس را آنجناب خلافت دادہ اند و خدمت ایشان طالب
 یک ہفتہ بمرتبہ فنا و بہ یک ماہ بکمال ولایت میرسید و بعضی را در یک توجہ بجمع مقامات
 میرسانیدند و همچنین فرزندان آنجناب اقطاب وقت بودند و ہفت اقلیم را منور ساختند
 نیم ربیع الاول سال ہفتاد از صدی یازدہم ہجرت بریاض رضوان پیوستند

سید معصوم نقشبندی بالاپوری زنبہ امثال اقران عمدہ مشائخ دوران بقصبہ بالاپور
 مصناف صوبہ برار سکونت پذیر و ہر چند دیدہ معاف عطیہ نظام حیدر آباد قابض بود شیوع
 علوم ظاہرہ در آن ممالک بہ توفیض و سیست و اکثری از اسلاف او علمای کرام و فضلا

ذوی الاحترام گذشتہ اندوفاش در سال نوزدہم صدی سینوہم ہجری بطور بیہوشہ در قصبہ
بالاپور مدفون گشت

مولوی محمد معظم ساکن بمنہ ابن احمد صدیقی جد امجد مولوی محمد اشرف لکھنوی در بنہ تولد
یافتہ از والد خود و ملا عبدالحکیم سیالکوٹی اخذ علوم کردہ و قرآن مجید مع تفسیر رضیادی حفظ گرفتہ در علوم
دینیہ فائق اقران گشت بہادر شاہ بن عالمگیر بادشاہ عمدہ قضای بنہ بدوارنانی فرمودہ چند
دیہہ بجاکیرش داد مولوی مرقوم بقضا و تدریس مشغول بود از تصانیف او تفسیر قرآن بود کہ
در استیلامی سکمان سوختہ شد و نیز شرح شتوی مولانا روم از دست درس یکمتر و یکصد پنجا
و ہشت ہجری وفات یافتہ در بنہ مدفون شد

مولانا محمد مفتی از اکابر علمای عمد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ صاحب کمالات منجملہ مدرسین
بلدہ لاہور عمدہ اقتاسر بلندی داشت دہرباری کہ ختم صحیح بخاری و مشکوٰۃ المصابیح میکرد
مجلسی عظیم ترتیب دادی و طبع بغز و حلویات میفرمود و بلعالمی و صلحا خورانییدی غرض منزل وی
جمع اعیان افاضل زمان بود چون نبود ساکلی رسیدہ و منحنی و ضعیف گشتہ اندرس باز ماند
پسرانش ہمہ صاحب کمالات و فضائل همچو پدر بودند رحمہم اللہ

مولوی محمد علی جوہر پوری خلف چہارم مولوی سخاوت علی عمری جوہر پوری کنیت و
ابوالخیر است در بہت و نہم جمادی الثانی سال دوازده صد و ہفتاد و چہار ہجری بکلمہ معظمہ
ولادت یافتہ زیر دامن پرورش والدہ خود یعنی صبیہ قاضی ضیاء اللہ مرحوم بہرامی برادر علانی
خود مولوی محمد جنید بوطن والپس آدند و بانک مدت از حفظ قرآن مجید فراغ یافتہ بعد
تحصیل کتب رسمیہ فارسیہ اکتساب علوم عربیہ بخد مت برادر خود مولوی محمد شبلی آغاز نمودہ بخد
مولوے عبدالمد ساکن موضع کوپاضلع چچیر تلمیز مولوی مفتی محمد یوسف فرنگی محلی و نیز بخد مت
مولوے سعادت حسین عظیم آبادی و مولوی علی اکرم آروی و مولوی محمد عبدالحی فرنگی محلی
تکمیل نمودہ بدرس و تذکیر طلبہ دعائمہ خلایق و انتظام مدرسہ ربانیہ قرآنیہ جامع جوہر کہ قائم
کردہ والد ماجد شان است بسری برزند سلمہ امروقاہ الی ہایتناہ
شیخ محمد مودود لاری مرید بابا نظام ابدال نزد مولانا عبد الغفور لاہوری مخفی سخی انشا اندخت

دانشروان در دایره گری نموده مراتب عیانی و بیانی نیکو میدانست و بر غرائب علوم چون
 کیمیا و غیره آگاهی داشت شاه نعمت العدولی و شاه قاسم انوار را در یافته باجملاز ماهران علم
 توحید و مقبعان مشرب تجرید و تغرید بود در سال نصد و هفت هجری هندوستان قدم آورده شیخ
 امان یانی بقی پیش وی استفاده علم توحید و تحقیق کتاب فصوص الحکم و غیره میکردی و حق شیخ
 امان گفتی جوهری قابل یافتن لیکن چیست که یک چشم دارد و در مخاطبات نیز او را بلفظ کورک بخوانی
 متهاد اگره اقامت داشت بعد از آن بعلاقه محبت شیخ امان در رابطه خدمت او در پانی پت
 سکونت اختیار نمود و هاجا ماه رمضان سنین نصد و هفت هجری و اسپین خواش در گرفت

خوابگاه او هم پهلوی شیخ امان است

شیخ محمد احمد آبادی شیخ حسن محمد حبشی احمد آبادی گجراتی شهرت دارد و کینتش ابوالحسن فرزند احمد
 شیخ احمد المعروف شیخ میاخی ابن شیخ نصیر الدین در علوم ظاهر و باطن یگانه روزگار بود و صغر سن
 اکتساب کمالات نموده بحضور پدر شهرو آفاق گشت دولت و ثروت ظاهری هم داشت
 خرج اعزاس بزرگان و طعام درویشان بروجه استیفا میکرد و مسجدی کلان اندرون شهر احمد آباد
 یک کمره پیچیده صرف نموده بنا فرمود که بنای شیخ تاج انست تفسیر محمدی و حاشیه تفسیر بیضاوی
 و غیره از ویادگارند چهل و یک سال بر مسند ارشاد متمکن بود بعد از پنجاه و نه سال بتاریخ بستم
 ذی قعدة یوم شنبه سیال نصد و هشتاد و دو هجری رحلت فرموده

سید محمد جعفر پدر عالم احمد آبادی گجراتی ابن سید جلال مقصود عالم قدس سر بها دوازدهم
 شعبان سال هزار و بیست و سه متولد شده ارادت و خلافت از پدر بزرگوار خود دارند در علوم
 ظاهر و باطن باکمال خصوصاً در حدیث و تفسیر فائق الاقران بودند از ایشان مصنفات کثیر
 یادگارند از جمله روضات شاهی که مشتمل بر بیست و چهار مجلد است متضمن احوال بزرگان و در
 احادیث و تفسیر و غیره دیگر مصنفات بسیارند نیم و بیست و پنج سال هزار و هشتاد و پنج هجری
 رحلت فرموده در احمد آباد پهلوی پدر خود مدفون اند

سید محمد ابوالحسن محبوب عالم ابن سید جعفر پدر عالم احمد آبادی گجراتی دوم بیج الاول سال هزار
 چهل و هفت هجری متولد شده از بدو فطرت و صل جبلت جاذبه خدا طلبی و ماده اکتساب علمی

در سر داشت از شلخ و علمای صوفیه احمد آباد گجرات است تصانیف کثیره دارد از جمله و تفسیر
 لیکن فارسی بروایت اهل بیت دوم عربی بطور جلالین و در حدیث زینة النکاة فی شرح مشکوٰۃ
 به بیان تمسک هر مذهب یادگار ویند علاوه تدریس مطالعه کتب علمیه بسی ریاضت و عبادت نماید
 نوزدهم حمادی الاخری سال هزار و یکصد و یازده هجری رحلت فرموده در احمد آباد مدفون گشت
 سید محمد یحیی گجراتی معروف سید خدابخش بن سید حسین از ملتان به پشین قدم آورده و اکتساب
 علوم صوری و معنوی از خدمت والد بزرگوار کرده فقیه کامل و محدث عامل و ارادت خانواده
 چشتیه بخدمت برهان الدین قطب العالم داشت بتاریخ پنجم حمادی الثاني سال شصت و چهل
 هفت هجری رحلت فرمود قبرش در پشین زیارتیک به

شیخ محمد صالح احمد آبادی گجراتی عرف پیر بابا ابن شیخ نور الدین بن شیخ محمد گجراتی صالح
 مادر زاد صاحب علم و حلم و تقوی و سخا و ید و شاکر و دو جانشین والد ماجد خود بود از ابتدا تا انتهای
 پیش پدر خود تحصیل علوم ظاهری و باطنی نمود در عمر هفت سالگی تمام قرآن مجید با تجوید یاد گرفته
 محمد اعظم شاه هنگام صوبه داری گجرات ویران حضور خود طلبیده سوره الرحمن شنیده خلعت و نقد و خراج
 تا جیور عمه پیر گنه بیرم گام از جا گیر خود مرحمت فرمود و فرمان از حضور او رنگ زیب طلبیده داد
 و بعد فرخ سیر و محمد شاه بادشاه بدلی مطلوب شده رفته از هر یک شاه دو هزار روپیه زاد و راه
 یافته و اغزاز و اکرام و ملازمت با اختیار حاصل کرده مورد عنایات شاهانه گردیده نقد و خلعت
 و فیل یافته اکثر اموال و فضیلت گجرات دکن بر فضیلت و قابلیت شان مقرر و معروف بودند و
 بر امثال و اقربان مقدم میدانستند بالجملة بتاریخ شانزدهم حمادی الثاني سال یک هزار و یکصد و چهل
 و هفت هجری در شاهجهان آباد بجایات پدر بزرگوار سفر آخرت اختیار کرده نعش او از
 شاهجهان آباد آورده در مقبره جد بزرگوارش مدفون کردند تا پنج وفات او از مراد بخش برمی آید
 میر سید محمد قنوجی، همواره بدرس علوم دینی و نشر معارف یقینی اشتغال داشت شاهجهان
 بادشاه در آخر ایام سلطنت بخواستش و اغزاز تمام طلبیده بقربت خویش اختصاص داد بدش
 عالمگیر بکمال نیاز از اکبر آباد طلبیده بشرف تخصیص اعزاز مختص فرمود مصنفات حجة الاسلام
 مغزالی خصوص احیاء العلوم پیش و دیده در هفت سده روز بزرگوار علوم در خدمت

شاہی مجلس افادہ گرم داشتی دور تالیف فتاویٰ عالمگیری مسلمہ جمیلہ بکار برد۔
 حاجی محمد قاسم سندھی عالم اکمل فاضل الفضل مجموعہ علم معقول و منقول مہبط فیوض مکتبی
 ودہی شاگرد مخدوم رحمہ اللہ سندھی قرین حاجی ہاشم بود ویرا با علما در مباحث علمی صحبت
 واقع شدہ بحدت ذہن بہ اکثر اقران خود فائق برآمد ہر روز وقت عصر بیان حدیث بنوی
 علیہ السلام کردی و بسا اہل توفیق را بسبیل ہدایت سلوک دادی یکبار پنج رفتہ مراجعت نمود
 کرت ثانی مع اہل دعیال رفتہ آنجا متوطن شد و بدرس حدیث دران مکان بمیون مشارالیم
 سائر علما گزیدہ بسال ہزار و صد و پنجاہ و ہفت ہجری در گذشت از تلامذہ وی ملا محمد باقر و اعظم
 و مخدوم نور محمد مشہور وقت بودند۔

سید جلال مقصود عالم احمد آبادی گجراتی ابن سید محمد مقبول عالم قدس سرہا
 شب شنبہ پانزدہم شہر جمادی الثانی سال ہزار و سہ ہجری ولادت یافتہ کلمہ وارث رسول تاریخ
 ولادتش یافتہ اندر یازدہ سالگی قرآن مجید حفظ نمودہ بہ تحصیل علوم مشغول گشت و ابتدا سے
 تحصیلش بیش مولانا حسین سیستانی بود و تمام آن نزد شیخ عبدالعزیز مرید و شاگرد پیر خود کردہ و
 تحصیل علوم باطن از خدمت پیر بزرگوار نمودہ منصب شش ہزاری و خدمت صدارت
 از حضور شاہجہان بادشاہ داشت با اینکہ در خلوت بر ریاضت و مجاہدہ میکوشید و تمام شب
 بہ بیداری و مناجات می بود ہشتم ربیع الثانی سال ہزار و پنجاہ و نہ ہجری در لاہور حلت فرمود
 نقش وی با احمد آباد آویزدہ در مقبرہ پدرش مدفون کردند

سید محمد مقبول عالم احمد آبادی گجراتی بن سید جلال الدین ابو محمد ماہ عالم قدس سرہا از
 مشایخ و علماء صوفیہ گجرات دکن است پچہار دہم رجب سال نہصد و ہشتاد و نہ ہجری
 متولد شدہ جامع کمالات صوری و معنوی حاوی علوم ظاہری و باطنی بود خرقہ خلافت سلسلہ
 مغربیہ از پیر بزرگوار خود یافتہ بار شاہ و ہدایت عالم را منور فرمود توالیف و تصانیف بسیار
 دارد از اجملہ حجات شاہی شملبر اوراد شبانہ روزے مشہور است و او دہم رجب سال
 ہزار و چہل و پنج ہجری رحلت فرمودہ مرقدش در احمد آباد یزار و میرک

مخدوم محمد معین سندھی ولد مخدوم محمد امین بن مخدوم طالب اللہ سندھی شاگرد مخدوم

عنایت الله جامع جمیع فنون حاوی معقول و منقول تحریر عصر علامه دهر بود با وجود کمالات علمی آشنا بمرغ معرفت شده بصحبت بسیاری از بزرگان دین رسیده بخدمت میان ابوالقاسم نقشبندی ارادت اتم یافت و در اواخر ایام بخدمت سید عبداللطیف تارک ارادتمندانه خلاص پیدا کرد میان وی و حاجی محمد ہاشم ہموارہ مواد قال و مقال میرفتہ تصانیف کثیرہ دارد حکام وقت بدین نش کمال تعظیم میرسیدند وی نیز بایشان ملاقات مینیکو کردی چون سماع دوست بود در عین سماع رحلت فرمود اشعار محققانہ گفتی در فارسی تسلیم دور ہندی ہیراگی تخلص گرفتی بسال ہزار و صد و شصت و یک ہجری بحالت سماع رحلت فرمود۔

میرک محمود سبزواری ^{طوسی} بزرگ نصیحت و تقوی و سخاوتمند موصوف بود سالہا بالوارم منصب جلیل شیخ الاسلامی علم نیکنامی برافراختہ بسیاری از طلبہ علوم رافض وانی بخشیدہ و بخط طبع بدیہیانودی و فائش در محرم سن نصد و شصت و دو ہجری وقوع یافتہ رفت میرک آہ آہ تاریخ رحلتش یافتہ اند پسرش میرک عبدالباقی در جمیع علوم کامل بود بخصیص علم اہیت و حکمت چنانچہ عبدالحق گیلانی را کہ قرین مرزا جان و عدیل شاہ فتح الله بود بعض دقائق علمی از وی حل شدی و راقلیدس دستگاہی پیدا کردہ اکثر اشکال از خود ایجاد نمود کہ پسند طبلع او فتاد **میرک محمد طھوی** پسر میرک محمود بفضائل انسانی منصب در سال نصد و مفاد ہجری در گذشت فتادای تورانی از ویادگار است۔

مخدوم میران ^{طھوی} ابن مولانا یعقوب جامع علوم معقول و منقول بود مرزا شاہ حسن را چند گاہ درس و افادہ دادہ و اکثر طلبہ علوم اقتباس از علم از شکوہ طبع منیرش میکردند فوئش در سال نصد و چهل و نہ ہجری وقوع یافتہ علامہ وارث الانبیاء تاریخ وفاتش یافتہ اند مدفنش کوه منگلی است

شاہ محمد ناصر الک آبادی پسر دوم شاہ خوب الله الک آبادی سرید شاہ محمد فضل الک آبادی ملقبین یافتہ پدر خود او ہم مثل برادر خود علم ظاہر از برادر کلان محمد طاہر و ملاکمال الدین خال خود تحصیل نمودہ از تصانیف او کتب منتخب الاعمال و جواہر نفیسہ و از کار عشو مشہور اند تاریخ بست و یکم جمادی الاولی وقت مغرب روز پنجشنبہ سال یک ہزار و یکصد و شصت و نہ ہجری

از عالم فناء عالم بقا رخت رحلت بر بست فقر ماه آله آباد ویرانه شده تاریخ وفات او ست
 مولوی محمد نافع فرنگی محلی خلف اوسط مولانا عبدالحی بجز العلوم کتب مختصرت بخدمت والد
 خود بشا بهمان پور استفاده نمود در بخشی در پدر و پسر پیدا شده به کتب آمده بقیه کتب بخدمت مولوی
 محمد ولی و مولوی محمد یعقوب تحصیل کرده دهن رسا داشت لیکن به چه ناموافقت پدر بی موافقت
 داشت نوبت تدریس ز سیده همواره بتلاش معاش و داد و دش خودی بجانب نونک باشکوه
 نواب امیر خان رفت از ناموافقت آب و هوای آنجا باستقامت مبتلا شده بقی الدم منجر گردید
 و هشتم شعبان سال دوازده صد و بیست و دو هجری رحلت نمود شاعری تاریخ نوشتن گفته
 ۵ مولوی نافع آنکه لیل و نهار به بود مشغول طاعت یزدان به با جیب خودش چو شد
 حاصل به بزمه بست و هشتم شعبان به بادل چاک سال رحلت گفت به محفلات آله با تف اذان
 مولوی محمد نعیم فرنگی محلی پسر خرد مولوی عبدالحکیم بن مولوی عبدالرب بن مولوی عبدالحی
 بجز العلوم بعد حفظ قرآن مجید کتب درسیه بخدمت والد ماجد خود تحصیل فرموده بطریق آبا و اجداد
 خود درس و تدریس میکند و نامی بر آورد و بزیارت حرمین شریفین مشرف شده عابد و زاهد
 صاحب تصنیف است راقم حرف و ریاضات تحصیل پیش والد وی دیده بود در آن عمر هم از
 حسن اخلاق و شائستگی خالی نبود و تألیف کتاب هذا مدار که از وی بمن رسیده مشر
 گزارم سلمه الله تعالی و ابقا

مولانا محمد وارث رسول نجابناری وطن قدیم وی غازی پور است و لادنش در سال
 یک هزار و هشتاد و هفت هجری واقع شده تاریخ آن خلیف رسول الله است پدرش در عهد
 عالمگیر بادشاه خدمت قضای بنارس داشت اکثر اتفاق اقامت او باید رنهر گوار در بنارس
 معی نمود وی از سید رفیع الدین به خود پیوست بسلسله قادریه داشت و علوم ظاهری تمیز
 ملا ابراهیم شاگرد مولوی محمد علی تلمیذ میز با هر بود و در دو سال از کتب علوم فقه و اصول و تفسیر و
 حدیث و منطق و حکمت و هندسه و دیگر علوم مروجه فراغ حاصل ساخته در بنارس بلباس علما
 بسری برد و طلبه علوم ساورس می داد و بهدایت و تلقین باطن می کوشید تصانیف رائقه دارد با جمله
 ذات پاکش منبع افاده ظاهر و باطن بود تاریخ یازدهم ربیع الثانی سال یک هزار و یک صد و

شصت و شش هجری رحلت فرموده به محله تیلیانا انجملات بنارس مدفون گردید
 ملا محمد ولی فرنگی محلی ابن قاضی غلام مصطفی ابن ملا محمد اسعد برادر خود ملا محمد حسن مرحوم شاگرد
 ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین سمالوی بمنصب قضای برگزیده ملاذان مضاف لکنؤ ممتاز
 بود از آن منصب مستعفی شده پای استقامت بخانه خود نموده بتدریس علوم تا آخر عمر
 اوقات بسر برده عالمی بخدمت وی تعلیم یافته بدرجه تکمیل رسیدند شرح سلم و جوشی زواید ثلثه
 از تصانیف او متداول و معروف اند سال فائش بدریافت نرسید

سید محمد همدانی فرزند ارجمند امیر کبیر سید علی همدانی بو نور علم و زهد و تقوی موصوف بود عمر
 بست و دو سالگی باششعه کس از رفقا و خدمه در عهد سلطان سکندربست شکن کشمیر
 قدم آورده سلطان بی تراخی و ترو دست ارادت بامن رشادش رسانیده بجلقه مریدانش
 درآمد و ستمی بنسبت هندی که وزیر و سیه سالار سلطان بود با جمعی از خاص و عام مشورت
 با سلام شده بلکه سیف الدین ملقب گشت و دختر خود بجایه نکاح سید موصوف داد وی
 رحمة الله علیه تا دوازده سال کشمیر رخت اقامت انداخته برقع بدعات و ترویج کسین
 اسلام می کوشید رساله در علم تصوف و تشریح شمسیه و منطق از تصانیف او است سید
 محمد حصاری معاصر و معارض او بود سلطان سکندربست شکن برای سید محمد همدانی خانقاهی عالی
 در سن هفتصد و نود و هشت هجری بنانهاد که در نود و نه با تمام رسیده و زیارات بنا بر بصارت خانقاه
 مذکور مقرر فرمود سید موصوف بعد اتمام خانقاه بقصد ادای مناسک حج سفر حج را اختیار فرموده
 بعد ادای حج بکولاب معاودت نموده رحلت فرموده بجوار سید علی همدانی برآسود -
 ملا محمد هروی از ارشد ملائذه ملامزاجان در علوم عقلیه ممتاز از قرآن بو علم تواریخ و تیکو دانستی
 در سن نهصد و هشتاد و چهار هجری هند آمده مورد مرام و عنایات جلال الدین محمد اکبر
 بادشاه گشت و بسال نهصد و نود و هجری رخت سفر بآفرست برد

سید محمد یوسف بلگرامی ابن سید محمد اشرف الحسینی واسطی بلگرامی دختر زاده سید عبدالحمید
 بلگرامی و برادر خاله زاد حسان الهند میر غلام علی آزاد جامع علوم عقلی و نقلی حمای فروع و مصول
 بود بست و یکم سوال یوم الاثنین سال شانزدهم از صدی دوازدهم و لاوتش بنظر ریویسته

کتب درسیہ پیش سید طفیل محمد بلگرامی تدریسی گذرانیدہ و لغت و سیر نبویہ صلی اللہ علیہ وسلم از جمادری خود سید عبدالجلیل و علوم ریاضیہ بخد مت بعضا ساتھ دہلی خواندہ کامل و مکمل گشت و عمدت بدست سید لطف اللہ بلگرامی بست طبع موزن داشت اشعار عربی و فارسی میگفت کتاب الفروع النابت من الاصل الثابت در اثبات توحید شہودی از تصانیف رائفہ اوست کہ بسال شصت و دوم صدی دوازدهم تصنیف فرمود و سید غلام علی آباد بلگرامی در تاریخ آن چنین گفته ۵۵ میر یوسف عزیز مصر کمال از نجم معرفت کشید ریح بقرود و حدت شہود رقم ۵۵ نسخہ تازہ بفکر عمیق ۵۵ از احادیث و کلام اللہ ۵۵ کرد اثبات حق زہی توفیق ۵۵ هست این نسخہ دلنشین الحق ۵۵ یادگاری ز خامہ توفیق ۵۵ سال تاریخ این کتاب خرو ۵۵ گفت شمع نجاس تحقیق ۵۵ و نیز تاریخی طویل در عربی نظم کردہ در نجاصت بمادہ تاریخ اکتفا میزد و هو مطوق من ریاض القدس الہنی ۵۵ مورخا ہو فروع شمر بہدی ۵۵ سید موصوف ترجمہ تاریخ دوم جمادی الآخر دوم النخمس سال ہفتاد و دوم از صدی دوازدهم در بلگرام رحلت نمودہ بباع محمود زیر زمین آسود میراد و محمد تخلص ۵۵ کا تاریخ جلش یافتہ قطعہ طرانا آن غیر جلاخ دودہ حیدرہ محیط علم و عقل و نقل صاحب فطرت دوران ۵۵ کا تاریخ فوت او عزیز می گفت در گوشتم ۵۵ ز قید ہستی موہوم آمد یوسفی بیرون ۵۵ حسان اللہ آباد بلگرامی تاریخ فوتش در عربی انشا فرمود و هو مات خیر الزمان یوسفنا ۵۵ و راخ و ریحا ۵۵ از قاضیت مام رحلتہ ۵۵ قال

قلبی علیہ رضوان ۵۵

مفتی محمد یعقوب فرنگی محلی بن ملا عبدالعزیز بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین شہید سہالوی وی تحصیل کتب درسیہ بخد مت ملا نظام الدین بن ملا محمد حسن نمود و بپایہ تدیس علوم رسیدہ و بر جادہ اسلاف خود قیام کردہ درس علوم دینی میداد و بدیات و امانت نامے بر آورد تا اینکه خدمت افتای شہر کھنؤ فریر الممالک صفدر جنگل بوالمنصور خان باد دادند بمر شہر حدت و سہ سالگی بعارضہ استسقا ازین عالم در گذشت

مفتی محمد یوسف فرنگی محلی ابن مفتی محمد اصغر ابن مفتی احمد ابوالرحیم فاضل اجل و مدرس اکمل شب و روز بہ تعلیم طلبہ علوم مشغول بود و بدونات والد خود بعمدہ اوقات عدالت

دیوانی شهر کهنه مامور گردید و بکمال امانت و دیانت انجام عمده مفوضه خود تا انقراض سلطنت
 لکنو بسود و تقوی و زهد بجری داشت بعد بمدرسه جونپور مدرس مقرر گشت و چند سال را بنجا
 بدین اشتغال داشت درین اثنا دلوله شوق زیارت حسین شریفین بدش پیدا شده عالم
 بیت آمد شد و زیارت روضه منوره بمدینه طیبه رفت و در انجا علیل شده بتایخ نوزد هم
 زیقعه سال دوازده صد و هشتاد و شش هجری مسافر ملک بقا گردید و بجوار قبه امام حسن رضی الله
 عنه مدفون گشت آنرا شد تلامذه او مولوی محمد فاروق چیرا کوٹی است

ملا محمود جونپوری ابن شیخ محمد بن شاه محمد فاروقی در علوم حکمیه و ادبیه پایه بلند داشت اگر
 بوجودش سرزمین جونپور بمزبوم شیراز قافله خرمی جست روا بودی ملا ابتدا از جد خود مولانا شاه محمد
 اخمد علوم کرده بعد بخدمت مولانا محمد فضل جونپوری بعمر هفده سالگی تکمیل درس نموده
 از جونپور با کبریا درفته از آصف خان وزیر شاهجهان ملاتی شده بجونپور مراجعت فرمود و با فاده
 و درس علوم پرداخت تایخ خرم بیچ الاول سال یکتر از شصت و دو هجری بحیات استا و خود
 مولانا محمد فضل فات یافته استادش ازین ساخته بجری اندو بگین شده که تا چهل روز تسیم نکرد
 بعد چهل روز ادهم رحلت فرمود و رحما الله کتاب شمس باز غنچه در حکمت و فرائد فی شرح الفوائد
 در معانی و بیان که سال تصنیف آن از لفظ بلخ برمی آید مع حاشیه آن در ساله مختصر چهار روزی
 بزبان فارسی در بیان اقسام زمان از تصانیف او مشهور اند

قاضی محی الدین کاشانی از مریدان شیخ نظام الدین اولیا قدس سره است بوفور علم و زهد و
 تقوی موصوف و از دو دمان علم و کرامت او ستاد شهر دہلی مشهور بود و در ابتدای ارادت از
 تعلقات دنیاوی دست برداشت و فقر و مجاهده پیش گرفت شیخ کاغذی بدست خود نوشت
 که نسخه آن اینست می باید که تارک دنیا باشی بسوی دنیا دار باب دنیا مایل نشوی و ده قبول
 نکنی وصله بادشاهان بگری و اگر مسافران بر تو رسند و بر تو چیزی نباشد این را نعمتی شمری از
 نعمتهای الهی فان فعلت ما امرتک ظنی بک ان تفعل لک فانت خلیفتی وان لم تفعل فاشد
 خلیفتی چون شدت فقر و فاقه بروی و بر اتباعش که کثیر بودند غلبه کرد این معنی را یکی از اشنایان
 او بدرگاه سلطان علاء الدین شاه دہلی رسانید سلطان قضای او ده که مورد ثوی بود

بدو مقوض داشت قاضی بخدمت شیخ آمد و عرض کرد که این معنی بغیر خواست چنین واقع شده است
حکم مخدوم چه باشد شیخ فرمود البته مثل این معنی بخاطر تو گذشته است الگه انیمنی برای تو پیش آورده اند
قاضی را بدین سبب تشویشی پیش آمد شیخ آن کاغذ نوشته خود از قاضی باز طلبید و تا سالی فراخ شیخ
بر دستگیر ماند بعد از آن قاضی تجدید ارادت مشرف شده و هم در حیات شیخ در سال هفتصد و
نوزده هجری رحلت کرد رحمه الله علیه

مولوی محی الدین بدایونی فرزند اکبر مولوی شاه فضل رسول بن مولوی عبدالمجید بدایونی
ولادتش در سال دوازده صد و چهل و سه هجری بظهور پیوسته و در مظهر محمود تاریخ میلادش بیست و نه
کتب متداوله رسمی از معقول و منقول بخدمت پدر بزرگوار خود تحصیل نموده فائق الاقران
گشت و بیعت ارادت بحضرت جد امجد خود کرد و تصانیف لطیفه دار و از آنجمله حاشیه میرزا به
رساله و حاشیه کلیات قانون بوعلی سینا و رساله شمس الامکان در روایات و غیره رسائل
مشهور اند بششم و یقعه سال دوازده صد و هفتاد هجری در بلده سهارنپور به نور عالم قدس گویند
سید شاه محی الدین دیلوری در سال دوازده صد و هفت هجری متولد شده عارف
بزرگ و عالم سرگ حافظ قرآن بود و رفقه و حدیث و تفسیر مهارت تامه داشت در دیلور
در سه تعمیر نموده مدام بتدریس و تعلیم طلبه علوم مشغول بودی الحال که ببلک مدراس نور علم
سالمع و لایح است بر توفیض عام اوست تصانیف کثیره را لایحه دار و از آنجمله جواهر الحقائق و
فصل الخطاب و جواهر السلوک و غیره مشهور و متعارف اند سوم محرم الحرام سن دوازده صد و
هشتاد و نه هجری بمدرینه طیبیه علی صاحبها الصلوٰه و التیمه رحلت فرموده فرزند اکبر و

مولوی سید رکن الدین سلمه الله تعالی جانشین اوست

مخدوم مشوٹھوی ناسر رکن الدین است از خلفای مخدوم بلال ساکن تلمیٹی ممالک سند
همواره همت بلند بر ادای وظائف طاعات و عبادات می گذاشت و در علم حدیث غایت
مهارت داشت شرح اربعین و شرح گیلانی و رسائل دیگر از مصنفات او مشهور اند بسال
نصد و چهل و نه هجری به ٹھٹہ در گذشت بدفنش هرکوه مکی است

مخدوم اشرف بساوری از افاضل روزگار و جد مادری ملا عبد بقادر بدایونی بود بتاریخ ۱۹

بسم رمضان سال نصد و هفتاد و هجری وفات یافته ملای موصوف فاضل جهان تاریخ نوشت یافته
 مولوی مخدوم لکهنوی ابن حافظ محمد نواز بن مولوی عبدالسمیع بن سید محمد الدین المشهدی
 جدش از مشهد مقدس بدلی آمد و از آنجا به لکهنو رخت اقامت انداخت تلذ بحسن دست
 ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین السهالوی دارو ملا عبدالعلی بحر العلوم و دی سماعه و قرآ
 هر دو همتاش بودند و نیز بحضرت شاه ولی الله محدث دهلوی مستفید شده مدام بدرس تدیس
 طلبه علوم صارت الاوقات بوده که بسبب مردمان از وفیضیاب شدند و عمر آخری که فقدان بصارت
 بوی رونموده ترک تدیس معقولات کرده با فاده کتب دینی میبرد و اخت کتاب گلستان بوستان
 تصحیح نموده در سن دوازده صد و بیست و نه هجری بمقام لکهنو رحلت فرمود شیخ امام بخش
 ناسخ تاریخ وفاتش چنین گفته **س** سید مخدوم از جهان رفت با گفتند بزرگ و خرد صد حیف
 تاریخ وفات گفت ناسخ مخدوم زمانه مرد صد حیف **ب**

مولوی مخصوص الله ابن مولانا رفیع الدین دهلوی بعد وفات والد خود و در عظام مولانا
 عبد الغزیز عم خود مقری بود و در سال دوازده صد و هفتاد و سه هجری وفات یافته خصصه مدو طفر
 مولوی مراد الله تهماسبیری فاضل نسبا و المجدوی المظهری مشربا خلیفه و جانشین مولوی
 نعم الله هر یکی بودند و در بلده لکهنو تا پیداز چهل سال ترویج طریقه مجددیه مظهریه فرموده عالمی را از
 ظلمات شرک و بدعت نجات بخشیدند و بر ترک و تجرید و اتباع سنت سنیه و تزکیه نفس و تمسک
 باطن و نمونی فرمود که عرفای زمان و صلحای دقت بجلالت منزلت شان متفق بودند و هر شتاد
 و دو سالگی در دوازده صد و چهل و هشت هجری ازین سرای فانی رحلت فرمود و از اجل خلقت
 شان مولوی ابوالحسن نصیر آبادی بودند قدس سرار هم

میر مرتضی شریفی شیرازی بنیره میر سید شریف جرجانی است فاضل فضل مشیخ طبع شعرا
 و در اشعار بخلص شریفی میکرد و در علوم ریاضی و حکمت و منطق و کلام فائق بر اقران بود و از شیراز
 بکه معظمه رفته علم حدیث پیش این حجره اخذ کرده اجازت تدیس یافت و از آنجا بدکن باز
 و کن در سال نصد و هفتاد و دو هجری با کبر آباد آمده در بارگاه جلال الدین محمد اکبر شاه بر اکثری
 و علما و فضلاء سابق و لاحق تقدم یافت و بتدیس علوم حکمیه اشتغال داشت تا در سن

نصدہ ہفتاد و چار ہجری وفات یافتہ اولاً ویرادہ ہلی بچار مرقد امیر خسرو علیہ الرحمۃ مدفون
 گردید و ثانیاً چون صدور و قاضی و شیخ الاسلام بعض رسانیدند کہ امیر خسرو ہندی است
 و سنی و میر تقی عراقی است و شیعوں درینکہ روح ہر دو را صحبت یکدیگر متاوی ہاشم علی نیست
 روح را صحبت نا جنس غذا نیست الیم پس بموجب حکم عالی نعتش ادا و انجا کشیدہ بہ شہر
 بموند میر حسن رضوی تاریخ فوتش چنین گفتہ قطعہ رفت تا میر مرتضی از وہرہ علم گویا نسل
 آدم رفت بہر تاریخ رحلتش محسن بہ گفت علامہ ز عالم رفت :

سید مرتضی حسینی زبیدی / قادی حنفی ناسخ سید عبدالرزاق و لقب وی محی الدین
 و کنیت ادا ابو الفیض است محدث و فقیہ و لغوی و ادیب جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود و در
 یازدہ صد و چهل و پنج ہجری بقصبہ بگرام متولد گشتہ و در اوایل عمر بنیادت حرمین شریفین مشرف
 شدہ و ہمہ دران دیار بزم تحصیل علوم کرامت بستار و مشائخ و علماء زبید و مصر و حجاز وغیرہ
 کسب کمالات ظاہر و باطن کردہ چنانچہ شیخ احمد علوی و عبدالحق زبیدی و ابو العباس
 احمد بن علی بنی و مشقی حنفی و جمال محمد بن احمد حنبلی و ابو عبد اللہ محمد ابن احمد عربانی و علمانی
 بن محمد بحرانی نزہل محمد بن زین با سیمط علوی حضرمی و محمد ابن ابراہیم طرابلسی نزہل حلب
 و عبدالقادر بن احمد شکاعادی و عمر بن عبد اللہ بن عمر قاضی و عیسیٰ ابن زلیق و سید عبدالقادر
 بن احمد حسینی وغیرہم دی را اجازت حدیث و فقہ وغیرہ علوم دادند چونکہ وہ بعد تحصیل
 علوم تادمات دراز بزبیدہ مقیم بود بزبیدی شہرت یافت تا اینکه اورا کسی ہندی نمی دانست
 و از زبیدہ ہر قدم آوردہ افاضہ و افادہ علوم میداد و علاوہ دیگر مترشدان عبد الحمید خان سلطان
 روم و محمد با شا صدر الوزارت از واجازت حدیث یافتند بالجملہ بوفور علم و نشر علوم بتوسط
 کثرت تلامذہ و تصانیف کتب کہ بحیالش صیت وی اکناف عالم را در گرفتہ اگر وہ را
 مجدد صدی سیزدہم گویند رواست میگویند ہر گاہ شہرتش بغایت رسید و از اقطار بلاد و
 مردمان کثیر برہجوم آوردند و بگوشت و علت نشستہ باب ملاقات یاران مسدود کرد
 و بگاہ شعبان بسال دوازده صد و پنج ہجری بمض طاعون وفات یافتہ بدرجہ شہادت
 فاو گشت و بزار سیدہ رقیہ رضی اللہ عنہا مدفون گردید تصانیفہ عقود الجواہر النہیفہ فی اولی

امام ابی حنیفہؒ آثار المتناثرہ فی الاحادیث المتواترہ و تراجمہ فی حدیث ام زرع لغۃ الغریب
مصطلح آثار الحمیب تحریر حدیث شنبی ہودا الموائسہ الجلیہ فیما تعلق بحدیث الاولیہ المرأة الجلیہ
فی شرح الحدیث المسلسل بالاولیہ العروس الجلیہ فی طرق حدیث الاولیہ القول الصحیح فی
مراتب التعدیل والتجریح والتجیر فی الحدیث المسلسل بالتکبیر رسالہ اصول حدیث مناقب
اہل الحدیث تاج العروس فی شرح القاموس تملک القاموس تحریر حدیث نعم الامام الخلی
حدیثہ الصفانی والدی المصطفیٰ الانتصار لوالدی البنی المختار الفیہ السند امانی منیفہ مجاہس
الشیخونیا فیصلح المداک فی الانصاح عن العوانک عقد الجمان فی بیان شعب الایمان
القول المسموع فی الفرق بین الکوع والکرسوع النجوة القدسیۃ بواسطۃ البضعة العیدروسیہ
العقد الثمین فی طرق الالباس والتلقین حکمۃ الاشراف الی کتاب الافاق شرح اصدرفی شرح
اسماء اہل بدر تفتیش فی معنی لفظ درویش رفع نقاب الخفا عن منہی الی وفاء الی الوفاء الی الامام
المشتق عن جویب الامام بشرح صیغۃ سیدی عبد السلام رشفۃ المدام المحموم البکری من صفوة
دلال صنیع القطب لبکری رشفۃ سلف الی حق فی نسب حضرة الصدیق شینق کما یدل منہ
فی تحقیق کلام المنہ النواضح المسکیۃ علی الفواحش الکشکیۃ ہدیۃ الاخوان فی حکم شرب الدخان
فتح المفیوضات الوافیۃ فیما فی سورۃ الرحمن من اسرار الالہیۃ رجبۃ فی الفقہ طبقات الحفاظ
استعار الاشراف اتحات السادة المتفقین فی احیاء علوم الدین رفع الثقل عن العلیل شرح
خرب الکبیر المسمی تنبیہ العارف البصیر علی اسرار الحرب الکبیر ما لا امنی فی سرالکلی القول مشہور
فی تحقیق لفظ التابوت حسن المحاضرہ فی آداب البحث والمناظرہ رسالہ فی اصول المعجمات
کشف النظار عن الصلوة الوسطی الاحتفال بصوم الست من شوال اقرار العین بذکر من
نسب الی الحسن والحسین الابنہما ج بذکر الحاج التعریف بضروریات علم التصریف
اتحات الاصفیا بسلاسل الاولیا اتحات نبی الزمن فی حکم فوة الہمن المعاند اعنذیہ فی
المشاہد التفتیشیۃ الدرۃ المظنیۃ فی الوصیۃ المرضیۃ ارشاد الاخوان الی الاخلاق الحسن
شرح الفقیۃ السند شرح صیغۃ ابن مشیش شرح صیغۃ السید البدوی شرح ثلاث صنیع لالی
الحسن البکری شیخ سبع صنیع مسمی بدلائل لقرب حقۃ العبد تفسیر سورہ یونس لقطۃ العجلمان

تعالیسی فی الامکان ابداع مما کان المخرج العلیه فی الطریقه النقشبندیہ کشف الثام عن

آداب الایمان والاسلام

مسعود بیگ از اتربای سلطان فیروز نام اصلی وی شیرخان است از علمای صوفیه کرام بود در لباس اغنیا و اهل دول بسرود ناگاه جذب حق گریبان گیر حاش گشت وی مرید شیخ رکن الدین بن شیخ شهاب الدین شد بغایت حالت سکر داشت در علم تصوف و توحید تصنیفات بسیار داد آنرا بجملة کتاب تمهیدات است که بر طبق تمهیدات عین القضاة بهمانی بسیاری از حقائق و دقائق در آن نوشته و دیوان اشعارش قصائد و غزل و سایر اقسام سخن را شامل است و اکثر اشعار و قصاید بجا اب امیر خسرو علیه الرحمة گفته مگر بعض مقامات طبعی شاعری ندرعی مانده و نیز تصنیف فارسی بهر اداء اعارفین و بیان حقائق و معارف تشریح در مقبره پیر دوست قریب مقام خواجہ قطب الدین در لادوسر قدس الله سره

مولانا مسعود لاهوری بن سعد بن سلیمان لاهوری اصل او از بهمان است پدرش سعد ابن سلیمان از بهمان در عهد سلاطین غزنویه بلاء آورده سکونت اختیار کرده ملازم سلطان ابراهیم شده رفته رفته بر تبه عالی فائز گشت پدرش مولانا مسعود از علمای وقت با کتب علوم فائق و لائق شریع موزون داشت اشعار آیداری گفت و بهمنشین سیف الدین محمود ابن ابراهیم بوده تا سال پانصد و پانزده هجری زنده بود او صاحب دیوان عربی و فارسی و هندی است بلکن غازی در هند و ایران یافته می شود مگر دیوان عربی و هندی نایاب گردید

شیخ مصطفی رفیقی ابن طیب بن احمد بن مصطفی رفیقی کشمیری کنیت او ابو احمد است در دوازده صد و بیست و شش هجری پیدائیده عالم عامل فاضل کامل فقیه و محدث حسن الحافظه بلینغ العبادت شاعر و مورخ بود صحاح سه و کتب تصوف از دالدا ماجد خود خواند و علوم دیگر عقلی و نقلی از علمای وقت استفاده کرده و مدام بطاعت الکی مشغول می بود شیخ بهاء الدین و شیخ احمد و شیخ احسن و شیخ عبدالشکور رفیقی نا نا شهر تلاذده ویند بروز جمعه چهاردهم ربیع الاول سن دوازده صد و نود و چهار هجری وفات یافت

مولانا مرزا مظهر جانجانا شمس الدین لقب علوی نسب خفی مذہب مجددی شری المحدث

به مرزا منظر حاجان ابن مرزا جان نسب شان بنوده واسطه بتوسط محمد بن خفیه بناسب
ولایت آک علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ می پیوند و والد ماجد وی مرزا جان از منصب داران محمی الدین
اور رنگ زیب عالمگیر بود اندکن ترک منصب نموده متوجه اکبر آباد شد و راشای راه بمنزل کلا باغ
حدود مالوه شب جمعه یازدهم رمضان سال یازده صد و یازده حضرت مولانا بوجو و آن چون آنجا
بعالمگیر رسید فرمود که پسرخان پدری باشد ازین وجه نامش جان جانان مقبره کریم بدین تقریب
وے رحمة اللہ علیہ باین اسم موسوم گشت و منظر مخلص ولیست دانشمند تبحر جامع فصاحت
صوری و معنوی بود اکتساب علوم از علمای وقت نموده و حدیث از حاجی محمد افضل سیالکوٹی
اخذ کرده و شرف ارادت و خلافت از حضرت سید نور محمد بدایونی مرید و خلیفه شیخ سیف الدین
مرید و خلیفه شیخ محمد معصوم عروۃ الوثقی مرید و خلیفه شیخ احمد سهرندی مجدد الف ثانی یافته قدس سره
اسراریم اشعار بدیعه مرکاتب نافع از و یادگار اند این مختصر گنجانش تفصیل اوصاف حمیده
او ندارد هفتم محرم الحرام سال یازده صد و نود و پنج هجری از دست یکی شیعی زخم بنده طنبی پر سینه
مبارکش رسید شام شب دهم محرم سال مذکور شربت شهادت چشید در مصرعه عاش جمید
مات شهید تاریخ رحلتش برمی آید۔

مولانا سید معز الدین خلیف الکبر سید شاه خیر اعلیٰ مشهدی کرّوی متوطن احمد آباد ناره بخت
علمای کلمه اکتساب علوم فرموده فراغ حاصل نمود و هن ثاقب و فہم کامل داشت در عین
جوانی سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری ازین جهان فانی بعالم جاوداتی رحلت فرمود و عقبه
بجز اعمال حسنہ نگذاشت مرقد شریفش در احمد آباد ناره بمقابر بزرگاناش زیار و تیرک شاعری
در تاریخ فوت او قطعه ذیل گفته قطعہ شفقی مولوی معز الدین بکر در حلت چوزین همان بجناب
سال فوتش چنین رقم کردم بآه او بود بی نظیر جهان ب

مولوی معشوق علی جوینوری دانشمند مستعد از تلامذہ مولوی فتح علی جوینوری بود تصانیف
اینقہ و رشیقہ نظم و نثر از و یادگار اند مرقد شریفش با وجود تعلق عمدہ منصبی بدین و تذکره گذرانیده
بسال دوازده صد و شصت و ہشت ہجری بمقام باندا رحلت فرمود شاگردش شیخ خادم علی
سند علی مولف تاریخ جدولہ تاریخ فوت او چنین یافته۔ و ہونہذا عاشق اللہ معشوق علی بکر حق

ہر لحظہ نقل محفلش بشدا زین دار فنا بزار و بست و پیر سیرہ ملک عقیقی حملش و از دوی بگذشت
گم شد و ریکی بہ بود و وحدت بسکہ در آب و گلش بہ زین سبب ہاتھ یکے کم کرد و گفت :

جنت الفیہ و دوس باد امنزش

مولانا محمد معین لکھنوی ابن مولانا محمد حسین لکھنوی الکتاب علوم درسیہ از مولوے
محمد حیدر برادر کلان خود و مولوی ولی اللہ و مولانا ظہور اللہ لکھنوی کردہ و سند حدیث
از مولانا عبد الحفیظ علی حنفی علیہ الرحمۃ حاصل نمودہ اشتغال بآن داشت تصنیفات اینقدر دارد
انجام غایۃ البیان فیما یعلق بالحوان و شرح رسالہ امام نووی و غایۃ الکلام فی القراءۃ
خلف الامام ذہب و از الکونز فی احوال و ارباب الرموز در بیان حالات اصحاب رموز کتاب
حصن حصین نا تمام و حاشیہ صدر انا بحث ہیولی و نیز بر اکثر کتب درسیہ تعلیقات نوشتہ
بتاریخ دوم جمادی الثانی سال ہزار و دصد و پنجاہ و ہشت ہجری از کتب دار فانی بدرسیہ
ملک جاودانی شتافتہ در باغ مولانا احمد انوار الحق مرحوم واقع لکھنؤ بجا کش سپردند داخلہ اند بخودتہ لکھنؤ
شیخ معین نسیرہ مولانا حسین واعظ صاحب معارج النبوت است ملکی بود بصورت ہشتری
چندی حسب فرمان اکبر بادشاہ ہامر قضای بلدہ لاہور اشتغال داشت در آن مدت ہر گو حکم از
خصمی کردہ مدعیان را با حلح تمام ہدایت بر مصالحہ میکرد و می گفت کہ شما ہر دو دانا ہند و تنہا
نادان را باد و دانا کا ر افتادہ پس مرا شرمندہ در گاہ خداے تعالی می سازید و ہموارہ کتب
نفیسہ قیمتی می نویساند و از مقابلہ نمودہ و مجلد ساختہ بطالب علمان مے بخشید و دست
عمرش درین کار بسر شد و ہزار ہا مجلد ازین قبیل بر دم بخشیدہ در سن ہصد و نود و پنج ہجری
از سرای محنت آباد دنیا بروضہ عقیقی خواہد نور اللہ مرقدہ

مولانا معین الدین عمرانی دہلوی در عہد سلطان محمد بن تغلق شاہ دانشمندی عظیم مدرس
شہر دہلی بود خواشی کنز و حسامی و مقتل از تصانیف اوست میگویند وی را محمد ابن تغلق
شاہ دہلی بطلب قاضی محمد بشیر انفرستادہ بود چون پادشاہ شیراز از اہر ادا قف گشت
بجائی قاضی راضی نشد بلکہ از جمیع املاک سلطنت برآمدہ بخدمت قاضی آمدہ التماس نمود کہ شما
بر تخت سلطنت نشینید من خدمت شما کنم جز منکو خود ہر چہ دارم از آن شماست قاضی

چون ابن ہمدروت و ہمت اندوی بدید فسخ عہدیت دیار ہند نمود مولانا واپس ہندوستان آمد
مولانا خواجگی مرید و خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود از کلام مذہ مولانا است و انکار مولانا شیخ نصیر الدین
محمود قدس سرہ و زوال سرفہ مولانا از خوردن برنج و جغزات حسب فرمودہ شیخ و تبدیل لکار
مولانا با اعتقاد شیخ در اخبار الایثار مذکور است

خواجہ معین الدین کشمیری ابن خواجہ محمود نقشبندی کشمیری از علمای کبار و مشائخ نامدار
خطہ کشمیر شیعہ شریعت و مروج سنت و قلمع البدعت بود و در زہد و تقوی و ورع بی نظیر
مقبول علمای و صلی ای وقت بود و بچہ ملا محمد طاہر خلف ملا حیدر و ملا ابوالفتح گلو د ملا یوسف
مدرس و مفتی محمد طاہر و مولانا عبد الغنی و مفتی شیخ احمد و غیر ہم علمای کشمیر بد و گردیدگی داشتند
فتاویٰ نقشبندیہ و کنز السعادت در علم شریعت و طریقت در سالہ رضوانے در خوارق والد
بزرگوارش از تصانیف وی یادگار اند و سال ہزار و ستاد و پنج ہجری حلت فرمود

مولانا سید معین الدین خلف اوسط سید شاہ خیرات علی مشہدی کڑوی متوطن ب سجادہ نشین
احمد آباد نارہ کنیت شریفش ابوالخیر است تحصیل علوم متعارفہ ب خدمت مرزا حسن علی محدث لکھنوی
و مولوی ظہور اللہ فرنگی محلی و دیگر علمائے وقت نمودہ جامع علوم عقلیہ و نقلیہ خصوصاً در فن
ریاضی شہرہ آفاق بود تا م عمر شریفش بہ تدریس و افتادہ بسر برد و بسیاری علمای نامدار از زیر
دامن تعلیمش برخاستند و بواسطہ عمر خود با وجود کثرت درس حفظ قرآن مجید کردہ و بزیارت
حرمین شریفین مشرف شدہ سند کتب احادیث از علمائے آن دیار یافتہ مسودہ اوراق و
اجازت دلائل الخیرات و حصن حصین از ان جناب حاصل است سوم ربیع الاول سال سیزدہ
صد و چہار ہجری با حمد آباد نارہ رحلت فرمودہ ہمداران جا بمرقد بزرگان خود مدفون گشت
روح اللہ در وہ شاعری تاریخ رحلتش چنین یافتہ **۵** معین جہان کرد چون انتقال
فلک در غم ادگر بہان دریدہ فرشتہ خصال و حید الزمان بچنین عالمی کس ندید و شنیدہ
نصیر الدین بگو مصرعہ سال فوت بہر خوش بود رحمت حق بدیدہ از دود فرزند بوجہ آمدنہ یکے
مولوی سید شاہ قیام الدین کہ بعد فراغ تحصیل بحضور پدر رحلت فرمود دوم مولوی و حکیم
سید شاہ صدرا الدین فارغ العلم موجود اند سلمہ اللہ تعالیٰ از مولانای موصوف الرحمہ تصانیف

ذیل مشهور ائمہ بقیان فی شرب الدخان - هدایه المومنین الی سلسله الصالحین - آداب معین -
 مرآة الاذبان فی علم المیزان - هدایه الکونین فی شهادة المحسنین - رموز القرآن - شانه بالکری حاشیه
 صدر - رساله علم باری تعالی - رساله علم هیئت - قرابادین - طب مفردات - طب رساله طهر متخلل -
 مرزا مفلس اوزبک از شاگردان ملا احمد جندلمای مستعد و مستحضر در علوم جلال منظره بود
 اما تقریر فصیح نداشت و در آشنای درس اداهای مضحک از او سر میر و مروی بقیانه و کوسه بود
 صلح و تقوی داشت از او را و راه انهر بند آمده در اگره مسیحی جامع خواجه معین الدین فرغی در
 میگفت و توفیق زیارت حسین شریفین یافته و در که معظمه عمر بفقار سالکی حلت نمود -
 مولوی مقیم الدین ساکن ٹانک ابن سلطان محمد ڈبال تپی سوخیل بن احمد ابن گل محمد
 ساکن علاقه ٹانک یعنی موضع کوٹ عمر پناہد از مولوی دین محمد ساکن ٹانک از میزان اهر
 تا یبندی خوانده پس از آن بخدمت علمای وقت اخی مولوی محمد مظهر نانوئی و مولوی عبدالحق
 شمس العلماء آبادی و مولوی احمد حسن پنجابی مدرس مدرسه دارالعلوم کانپور تکمیل دیکر درسیه
 نموده بالفعل که عمر شریفش سی سال رسیده مدرس عربی درجه اول بدرسه شوکت الاسلام
 سندیده مقرر اند سلمه الله تعالی

ملوک شاه بدایوسے از فاضل وقت مرید شیخ بیچو سنجلی بود تاریخ بست و نفوس حجب
 سال نصد و شصت و نه هجری بعرضه اسمال کبدی وفات یافته و تقسیم بساور مدفون گردید
 پسرش ملا عبد القادر مؤلف منتخب التواریخ تاریخ وفاتش چنین یافته قطع سر دفتر
 افاضل دوران ملک شاه بن آن بحر علم و معدن احسان و کان فضل چون بود در زمانه جهانی
 بفضل کان بتاریخ سال فوت وی آمد جهان فضل به

مولانا میر کلان محدث اکبر آبادی بنیره خواجه گوی خراسانی حاج الحرمین الشریفین
 مرید شیخ جلال الدین ہروی صاحب کمالات ظاہر و باطن و دانشمند متبحر بود خصوصاً در علم
 حدیث که اجازت آن از سید میرک شاه شیرازی داشت و میرک شاه از والد خود سید
 جمال الدین محدث مصنف روضۃ الاحباب و او از عم خود سید اصیل الدین شیرازی مجاز بود
 بالجملة صلاحیت میرکلان مادر زاد و دانش مظهر سمای حسنی بود جلال الدین محمد اکبر بادشاہ

اور بتعلیم شانزادہ نورالدین محمد جہانگیر مقرر فرمودہ بتعظیم و توقیر تمام پیش می آمد میر بوصوف بقر
صد سالہ در سال ہند و ہشتاد و سہ ہجری ہاکبر آباد رحلت فرمودہ ہمدرا بخامد فون گشت یکن
از شاگردانش ملا علی قاریست کہ از مصنفاتش اکثر طلبہ علم ہندوستان استفیدی شوند پس
خواتم کہ این کتاب از ترجمہ شریفیش بی برہ نہ باشد ملا علی قاری بن سلطان محمد ہروی حنفی در
ہرات متولد شدہ علوم رسمہ از علمائے وقت و بعض احادیث مشکوٰۃ از مولانا میر کلان
محدث اکبر آبادی خواندہ بکہ معظمہ رسید و ہما بخا اقامت گزید و از ابو الحسن بکری و سید زکریا
حسینی و شہاب احمد بن حجر شیبی و شیخ عبد اللہ سندری و قطب الدین بلی و غیر ہم علمای آن دیار
اخذ علوم نمودہ جامع علوم عقاییہ و نقلیہ متبع سنت نبویہ یکتای زمانہ گشت در سال چہار دہم
از صدی یازدہم بکہ معظمہ رحلت فرمودہ کتب ذیل مصنفہ او از ویادگار اند تفسیر قرآن مجید
مرقاۃ شرح مشکوٰۃ شرح الشفاء شرح الشامل شرح النخبہ شرح الشاطبیہ شرح الجزیرہ
ناموس شخص قاسوس الآثار الجنیسی فی اسماء الحنفیہ شرح ثلاثیات بخاری - نزہۃ الخاطر الفاخر الفاخر
فی ترجمۃ الشیخ عبدالقادر - شرح فقہ اکبر رضو المعالی - شرح قصیدہ امالی - تخریج احادیث
شرح عقائد نسفی - رسالہ تکفیر فرعون - رسالہ در بیان احوال والدین رسول الثقلین صلعم
المنہاج العلوی فی المعراج النبوی - الایہتدانی الاقتدا - شرح قصیدہ بردہ - نور القاری
شرح صحیح بخاری شرح صحیح مسلم حاشیہ تفسیر جلالین مسمی بحالین - شرح شفای قاضی بیاض -
جمع الرسائل شرح شامل شرح جامع صغیر - حرز الیقین شرح حصن حصین شرح اربعین نووے -
شرح الوتریۃ و الجزیریہ شرح الشرح علی نخبۃ الفکر شرح موطای امام محمد - سند اللہام فی شرح
سند الامام - شرح مناسک الحج - ترمیم العبارة تحسین الاشارة - الخط الاو فرنی لرحمہ الاکبر رسالہ
عمامہ - رسالہ فی حث التره - رسالہ عصا - اربعین حدیث در نکاح - چہل حدیث فضائل القرآن
رسالہ ترکیب لا الہ الا اللہ - رسالہ قراۃ بسم اللہ اول سورۃ البراءۃ المصنوع فی معرفۃ الموضوع
کشف الخد عن امر المحضر معدن العدنی فضائل اولیس قرنی - رسالہ در احکام سب دشمنین
اسم الفواض فی دم الروافض - فتح باب العناۃ فی شرح النقایہ - الاحادیث القدسیہ
والکلمات الانسیہ - اعواب القاری - تذکرۃ الموضوعات بتعید العلماء عن تقریب الامرا -

حرب الاعظم - حاشیہ مواہب لدنیہ شرح عین العلم وغیرہ

میان مخدوم احمد آبادی نامش مولانا شیخ احمد بن شیخ برہان بن ابو محمد بن ابراہیم بن محمد خان غوری است محمد خان از اولاد سلطان معزالدین محمد مشہور بہ سلطان شہاب الدین محمد غوری بود بکومت ناگوار تیا انداشت مولانا احمد بہ عای ستجاب شیخ احمد لکھنؤ احمد آبادی متولد شدہ یاکمای شیخ موصوف بنام احمد موسوم گشت وی از علمای صوفیہ دیار گجرات است علوم ظاہر از مولانا صدر جہان گجراتی اکتساب نمودہ و دو وار ذہ سالگی بہ شرف ارادت حضرت سراج الدین ابوالبرکات سید محمد المشہور بشاہ عالم قدس سرہ شرف گشتہ و دو وار ذہ سال ور خدمت ایشان صرف نمود و دو وار ذہ سال دیگر با مور ظاہر و باطن مشغول بودہ بتاریخ بہت و دوم بیع الثانی سال ہشتصد و ہشتاد ہجری بعد طی نمودن شخصت و چہارہ حلہ زندگانے بعالم جاودانی ارتحال فرمودہ و بہ محلہ تلج پور بمحلات احمد آباد گجرات مدفون شدہ در لفظ آخر الاولیا تاریخ رحلتش یافتہ اند

حرف النون

مولوی سید ناصر الدین محمد ابوالمنصور دہلوی امام فن مناظرہ اہل کتاب بن سید محمد علی ابن سید فایق علی از علمای اعلام ہندوستان در فن مناظرہ مہی دستگاہی کامل دارد و برامتش در فن مناظرہ علمای وقت متفق اند کہ تصدیق این بیان از رسالہ عین الیقین شدن می تواند باقیسیان نصاری بارہادر مناظرہ غالب آمدہ فی از اولاد سید عبد الغفور قاضی سکت پور کہ وطن قدیمش قصبہ سید آباد عرف وای پور مضاف قنوج است پدرش سید محمد علی ہیرشتی زریڈشتی ناگپور بود ہمدان جاسید ناصر الدین محمد ابوالمنصور متولد شدہ اکتساب علوم از والد ماجد و جدا مجد خور نمودہ توراۃ و انجیل با تفسیر عربی و یونانی از علمائے اہل کتاب خواندہ بسیاری کتب بجاوب علمای اہل کتاب تالیف فرمودہ گاہی ملازمت کسی نکردہ مگر چندی بہ صاحبست لواب جہانگیر محمد خان رئیس بھویال امتیازی داشت اکنون عمر شریفش شخصت و چہار سال رسیدہ تفسیر قرآن مجید بزبان فارسی می نویسد و تفسیر آیہ کریمہ با حدیث صحیحہ مطابق می نماید و شہادتش از توراۃ و انجیل سے آمدہ در حقیقت

اکا لیسٹ اہم اللہ تمہ سید موصوف الاقاب بدختر مولوی محمد مہدی نزیل کا پور کہ بعلم و فضل خود
 شہرہ آفاق ہو کہ خدا شدہ دو فرزند نامی و گرامی دار و دیکے مولوی سید نصرت علی دوم سید
 ناصر علی و بالفعل بابل و عمال در دہلی قیام پذیر ست سلمہ و اولادہ تصانیفہ العالمیہ
 نوید جاوید بجواب سوالات مختلفہ میسایان دولت فاروقی در تاریخ بیت المقدس عقوبۃ الضالین
 جواب ہدایۃ المسلمین مصنفہ پادری عماد الدین استیصال جواب رسالہ مسیح الدجال مصنفہ
 ماسٹر رام چندر رقیمۃ الوداد جواب نیاز نامہ پادری صفدر علی محسن داؤدی جواب لغہ
 طنبوری عماد الدین پادری العام عام جواب آئینہ اسلام ساخت پادری یونس انعام انصام
 جواب تفتیش الاسلام مصنفہ پادری راجس تصحیح التاویل جواب تفسیر مکاشفات پادری عماد الدین
 اعجاز قرآن جواب اعجاز قرآن مصنفہ ماسٹر رام چندر میزان میزان جواب میزان الحق پادری فتنہ
 مجموعہ وعظیادداشت شلاق فی روتذیب الاخلاق حرر جان جواب رسالہ اصلیت
 قرآن مصنفہ عبد اللہ ارتعم عیسائی بنیان بجواب سوالات و دوازدہ گانہ نصاریٰ مصباح الابارہ
 فی رد فتاح الاسرار مصنفہ پادری فتنہ تادیب عونہ تحریف تشویش اقیس محاکمہ
 عقوبۃ الضالین و ہدایۃ المسلمین تصحیح التاویل تصحیح البیان در جواب تفسیر القرآن مصنف
 سید احمد خان رسالہ الحق ترجمیل النزیل تفسیر قرآن زیر تالیف تنترہ کاکلین انکشاف تریاق
 مولوی شاہ نقص غازی پوری نامش شاہ محمود ابن مولانا شاہ حسام الدین مانک پوری
 جامع علوم ظاہر و باطن بود بعد وفات والد ماجد خود در سال ہشت صد و پنجاہ و سہ ہجری
 بطور سیاحت از انانکپہ لغازی پور زمانیہ قدم آورده نصیر خان لوحانی حاکم غازی پور بمغانیہ
 کمالات ظاہر و باطن وی معتقد شدہ دست ارادت بدامن بعیش زندہ داز بارگاہ دہلی ویرا
 بعد میر عدل غازی پور مامور کنانید نامی عمرش بغازی پور ربہ گشت و در سال ہصد و پنچ ہجری
 رحلت فرمودہ بغازی پور مدفون گردید اولادش بجلہ قاضی ثولہ منحلالت غازی پور موجود اند۔
 مولوی نجم الدین خان کوروی بہن مولوی حمید الدین از خاندان ملکزادگان علویہ قصبہ
 کاکور لیست عالم یگانہ جامع فضائل چارگانہ منصب قضی القضاۃ کلکتہ ممتاز بود و معہذا بتد ریس
 افادہ طلبہ علوم غایتی کوشید تصانیف و تالیف جلیلہ از دیادگان امانتدوچی از سرمایہ

علمی دوست کردی رحمہ اللہ تاریخ پیرجہ در وفات شاہ غلام قطب الدین الکاآبادی الکاآبادی کریمہ دین
 یخرج من بیتہ الکاآبادی بہ نعمیہ و تخرجه برآورده خالی از لطافت نیست تقریش بلفظ عبارت عربی
 تفویض قلم سونخ نگاریشود و کما نقل المولوی رضا حسن خان الکاآبادی فی رسالہ مطرح الاذکیا و ہو
 حامد و صلیا و سلمتاونی الادیب المحقق والاریب المدق و جید و ہرہ و فرید عصرہ سند الشعر و البلیغ
 الفصحا و صالفا صوغ الثبر الاحمر انشاء الفائق المنیع و ناظما نظم الدر و الجواہر شعرہ الرائع الیخ
 تاشترک من یخبرہ فی السوادی بذل الی اشعارہ باللسان الفارسی و الفصادی بذل الشیخ غلام قطب الدین
 العباسی الکاآبادی بذل سلخ و لیقعدہ المنسلک فی شہور السنۃ السابغہ و الثمانین الواقعہ فی المائۃ
 الثانیۃ من الالف الثانی من الحجۃ النبویۃ علی صاحبہا الالف الصلوۃ و التحیۃ بعد ما خرج من
 وطنہ المالوف مریدا لادراک حج بیت اللہ و زیارۃ قبر نبیہ و مصطفاہ فی رفقہ صلیا و تبعہ القیاد
 و طی مراحل البری ان قعد غارب مرکب البحر فلما وصل الی بلاد الحجاز و نزل من نجران ذلک الجمار
 و لم یکن جیندہ اذ ان الحج و اداء نسک الحج و الحج فی المکۃ المعظمہ لیمت فاقام فیہ شہور ثم سار فی الطیبۃ الطیبۃ
 نادا ہا اللہ تعالی بہا و ذراحتہ تشرف بتقبیل عقبۃ النبی علیہ الصلوۃ و السلام و زیارۃ قبور بعض
 صحابہ و اہل بیتہ المدفونین فی ذلک المقام فاذا قرب الموسم فرمی معاودا الی ام القری فلحقہ
 فی بعض منازل المرض الویل و ضرب علیہ طبل الرحیل لے ان المائۃ اللہ فی تلک البقعہ المبارکۃ
 و دفن ہناک اللہ ارض عنہ فمتی کرک و رضاک و مسددہ و علیہ سجانہ اجرہ حیث وقعت الکاآبادی الکریمۃ
 و من یخرج من بیتہ ما جاز الی اللہ و رسولہ ثم یدرک الموت فقد وقع علیہ اجرہ علی اللہ و کان اللہ غفورا
 ریحما اللہ النبی نزلت فی جندب ابن حمزہ حملہ بنوہ علی سریرہ متوجہا الی المدینۃ فلما بلغ التیمم شرف علی الموت
 فصفق بینه علی شمالہ فقال اللہم ہرک و ہذہ لرسولک ابالفک علی ما بایع علیہ رسولک فمات حمیدا
 کما ذکر فی البیضاوی و غیرہ من کتب التفاسیر مناسبتہ نشان ذلک العالم الہمام و الحبس
 المقام بل یخرج منها تاریخ عام وفاتہ بصنف غریبہ معجۃ الانعام و طریقہ ان یقال فی معنی قولہ
 تعالی و من یخرج من بیتہ ان لفظ من باعتبار عدوہ الذی ہو تسعون و یخرج من عدو لفظ بیتہ
 اربع مائۃ و سبعۃ عشر فی ثلثمائۃ و سبعۃ و عشرون ما جاز الی اللہ و رسولہ و الحال انہما جرمجوع
 ذلک الی اللہ و رسولہ من جہۃ اعداہ النبی ہی اربع مائۃ و اربعۃ عشر لے تلک الاعداد الباقیۃ

بعدا لاخراج فقیر سبعائے واحد داربعین ثم یدرکہ الموت ای یصلہ عدد لفظ الموت وهو اربعائتہ و
ستہ واربعون فالجموع الف و مایہ و سبعمائۃ وثمانون الذی ہی ستہ ارحال ذلک العلام اسے
دارالسلام دلیعلم ان ذلک تقدیر الغزیر العلیم حیث ودع رکاز ہذا البدیع فی زوایا کلامہ القدیم
لیستخرج المعصم بجلہ المبین عبدہ محمد نجم الدین غفر اللہ لہ ولا یوبیہ وحسن الیہما والیہ انتہی نجم الدین
خان قاضی القضاۃ بروزسہ شنبہ سیزدہم ربیع الثانی سال یکترارود و صد و بست و نہ ہجری
مولوی حکیم الدین صدر الصدور مولوی علیم الدین صدر الصدور مولوی خلیل الدین سفیر
شاہ او دعوسہ اعقاب سمواللقاب گذاشتہ رحلت فرمود مولوی فتح علی جوہری چندی قطعہ
تاریخ فوٹش بسک نظم کشیدہ از انجملہ نیست قطعہ بحر حکمت شمس ملت نجم دین قاضی قضاۃ
چونکہ در بارغ جہان با حور علین ہمدوش گشت بے سرفرو بردم بی تاریخ و در گوشم رسید علم و فضل
و درس و زہد و دین ہمہ رو پوش گشت

میر نجم الدین بہکرمی ابن میر محمد رفیع رضوان شاگرد ہمیشہ زادہ مخدوم محمد عین جامع
فضائل و کمالات بودہ در حیات استاد و مدرسہ علمی نجو شایستہ کداستہ جمعی طلبہ را کمال رسانیدہ
تصانیف غریبہ دار و منجملہ آن در تنقیح رسالہ منطقہ موسومہ یکروزہ رسالہ بہ از دو بزرگتر مشتمل غلام
ہشتہ و یکروزہ تصنیف کردہ و در فارسی طوطی نامہ را بہ از بخشی بقیہ نشر کشیدہ اشعار نیکو
می گفت و غزلت تخلص میکرد در سال ہزار صد و شصت و در گشت

مولوی نجم الدین چریاکوٹی ابن مولوی احمد علی ابن شیخ غلام حسین ابن شیخ سعد اللہ
عباسی چریاکوٹی تمام کتب درسیہ را با استدلال و کمالی و مهارت تمام از پدر بزرگوار آموخت و در
تکمیل تحصیل را بداشت ضامین کتب و توسیع دائرہ بحث مسائل و اقامت حج و دلائل لفظ
نبود و را بتدا شغل تعلیم داشت کنون بہ ان وادی توحیدی ندارد ایشان نظم و شعر فارسی را
بطبع و الالیش رجائی رودادہ چنانچہ بشریکانہ و بنظم نادر زمانہ است از تصانیف اینقہ
و سہ رسالہ ہفت اقسام حسینی در صرف و اعراب اربعہ در نحو متداول و متعارف، اندیاز
ہست مثنوی فیض الہی ہم پلہ نیرنگ عشق و مثنوی چار ضرب بحالات مختلفہ و کتابے
در غرض و قافیہ و قسانہ سیلاب تاریخ طغیان اکب کہ بسال ہشتاد و ہشتم صدے

سین و هم بجزت بمقام اعظم گذران جوش و دیای کونسل پدید آمده بود و خمسة محمدیه در بیان مسلامه
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از طبع زاد و نیز مطلع شتوی فیض الهی نیست خداوند
 بچو لان معانی بکمیت خامه ام داده روانی به هم دران شتوی بتوصف تصبه چیا کوٹ گفته
 چریا کوٹ خماندش عوامش بدلیکن یوسف آباد است تاش بد فلک تا طرح این بابا و بنهاد
 ز خاک پاک جنت کرد بنیاد به چراغ آسمان روشن زد و دوش بد جنت میرسد هر دم در دوش بد
 و له از شتوی چهار ضرب س می محمد رزم بکام قلم بدگردش در آورده جام قلم و له چنان تنگ شد
 عرصه رزمگاه بد که از دیده بیرون نمی شد نگاه و له زجا بجنبه و در گردش است قبله نما بد بجای
 خویش غریب در وطن بی تو و له اگر ز نام من بی نشان جوی برسی بد همین پس است که آواره
 خاتمان هستم بد سلمه آمد

مولوی نجف علی جبری سلمه الله الخاطب تاج العلماء محمد نجف علی خان ابن محمد عظیم الدین قاضی
 تصبه جهم از کار فضیلتی روزگار ببارگاه نواب عین الدله وزیر الملک محمد علی خان بهسار
 صولت جنگ فرمانروای محمد آباد تو تک بسک ملاحان منسلک و در قابلیت و استعداد
 علمی مشارالیه اقران است ذهن و قادی و طبع شاعرانه و تصانیف کثیره دارد از جمله کافل الاسعاد و
 شرح قصیده هانت سعاد و تکلمه صولت فاروقی زائد از پنجاه هزار شعر به بحر ستقارب و سحر الکلام
 شرح مقامات حریری بزبان عربی بصنعت اهل و تفسیر غریب و شرح دیوان متنبی و شرح حماس
 و حاشیه مطول و تکرار شرح و سائیر یازندی رمان و سفرنگ شرح دیگر و سائیر در زبان
 و علاوه از این پنجاه رسائل بالسنه خمسة کدری و یازندی و عربی و فارسی دارد و عبارات اذنان است
 مصنفات مکمله وی هستند و بسال دوازده صد و نود و پنج هجری از بارگاه آقا س نامدار
 مامور شده است که تصانیف ثلاثه یعنی هانت سعاد و قصیده برده و قصیده امانی بین الطول
 و الاختصار هر قصیده ساسه سه شرح بزبان عربی و فارسی وارد و بر نگار و تا عموم افاده را
 ضمین و کفیل باشد اللهم لیسر ولا تعسر

مولوی نجف علی سنیل ابن بدوش علی بن چودھری نصرت الله شاگرد مولوی حمید علی
 سنیل بود مذہب شیعی و پیشہ نگری داشت کتابی در تاریخ خاندان سانای و حول پور تصنیف

منوہ بتایخ بست دہشتم ذیحجہ سال دوازده صد و پنجاه و پنج ہجری برض فلج وفات یافتہ۔
مولوی نصر اللہ خان ساکن خوجا قبیلہ فاغنہ خویشتگی نامش عبدہلیم بود و خدمت مولو
 احمد علی چرباکوٹی وغیرہ علمای عصر اکتساب علوم متداولہ رسمیه کردہ استعداد کامل حاصل نمود
 و مدام بمزاولت علمی می پرداخت در سرکار انگریزی بعدہ دپٹی کلکٹری معزز بودہ بعد استحصال
 حق تقاعد از ان سرکار بر سرکار نظام حیدرآباد بمنصب صدر تعلقہ دار سر فرازی یافتہ کتاب
 ارشاد البلید فی اثبات التقلید و شرح رباعیات یوسفی در طب و شرح خلاصہ کیدانی در فقه
 وغیرہ رسائل از تالیف وی اندک سال دوازده صد و نود و نہ ہجری وفات یافتہ

مولوی نصرت علی خان دہلوی قیصر مخلص ابن مولوی ناصر الدین محمد ابو منصور
 امام فن مناظرہ اہل کتاب بن سید محمد علی ہفتم شوال سال دوازده صد و شصت و چہار ہجری
 متولد شدہ علوم رسمی با استعداد حاصل نمود ماہر زبان فارسی و عربی و ترکی و انگریزی و ہندوستان
 مطبعی بنام نصرت المطالع اجرا فرمود کہ از ان نصرت الاخبار و ناصر الاسلام و مہر درخشان
 جزائہ ہندیہ و عربیہ و فارسیہ شائع می شوند با ترجمہ بلیاقت ذاتی خود شہرے تمام
 در ممالک ہندو ایران و روم و مصر و فرنگستان پیدا کردہ و از بارگاہ سلطان روم عطاے
 تمغای محمدیہ فی زمانہ بنام الاقران ممتاز است تصانیف مشہورہ فقید عام در تعلیم زبان اردو
 و فارسی و عربی و انگریزی نصرت اللغات در لغات اردو و فارسی و عربی و انگریزی مرآت
 السلاطین در بیان حالات تاریخی سلاطین روی زمین مع تصویر ہر یک نقشہ عمارات مشہورہ
 جواہری بہار سالہ خوشنویسی مشتمل بر خط نسخ و تعلیق و تعلیق و کوفی و شکست و شفیعہ و جہی و طغرا
 و گلزار و غیرہ سرآب عالم اسباب در ذکر بی ثبات بودن دنیا وافیہما قیصریہ تاریخ سلطنت
 روم جواہر و زاہر مشتمل بر قطعات مختلفہ ریختہ قلم خوشنویسان نامور احسن الدلیل فی معلومات
 التوراة والا انجیل بطور فرہنگ ہر دو گلدستہ شاداب در مناظرہ اہل کتاب کلمۃ الحق قصہ حضرت
 منصور بہ تطابق حالات عیسی علیہ السلام رحمت عظیم در ذکر ادبیات کرام گلدستہ رؤسای
 حالات تاریخی نوابان و راجگان ذخیرہ حسنات مشتمل بر غزلیات شعرائ عربی و فارسی و اردو
 و در مدح سرور انبیاء علیہم السلام بتاریخ انگلستان صلاح فلاح در ترغیب کمال ایامی تاریخ

مدینه منوره و مکه معظمه تالیف و تعلیم زبان ترکی اردو فارسی عربی انگریزی انشاء نصرت بزبان فارسی اردو عربی تعلیم بلا معلم معلم چیل زبان تحریف الخیل ضیاء النورین خطیه معیار ذخیره نصرت نصرت العلوم والفنون -

قاضی نصیر الدین گنبدی دانشمند متجرب و درویش کامل بود و چیزی از دنیا نداشت و باریا دنیا التفاتی نمی کرد و گویند که طلبه علوم ایشان زنجیر در خانقاه گرفته می ایستادند تا بسبب ضعف قاف بر زمین نیفتند منقول است و قتیکه قاضی شهاب الدین حاشیه کافیه نوشته بخدمت او فرستاده التماس نمود که ایشان این حاشیه را درس گویند تا قبول دیگر یابد وی بجهت غلبه اشغال باطن ما برای سد باب بحث و نزاع نظر اجمالی بر آن انداخت و گفت خوب نوشته اند احتیاج درس گفتن باینست قبرش در جوینور است

مولانا نصیر الدین محمود اودهی ابن یحیی بن عبداللطیف یزدی در خطه اوده ولادت یافته اولاً پیش مولانا عبدالکرم شروانی که از دانشمندان وقت بود تا به پایه و بزودی تحصیل نموده بعد از آن پیش مولانا افتخار الدین محمد گیلانی از بهر علی نقیسی بمولود آمده در سبب پنج سالگی ترک دنیا نموده بخدمت اختیار کرده بر ریاضت و عبادت پرداخت و بعد چهل سالگی از دیار اوده بدلی آمد بسادات امارت حضرت شیخ نظام الدین اولیا مشرف شده اشهر و اعظم خلفای حضرت موصوف و صاحب ولایت و بی گشت چنانچه حالات شگرف وی و اخبار را لا اختیا و تذکره الاصفیا تفصیلاً مذکور اند تاریخ هجری دهم رمضان سن هفتصد و پنجاه و هفت هجری رحلت فرمود رحمه الله علیه

قاضی نصیر الدین برهانپوری دلقه قاضی سراج الدین از مشاهیر فضلاء عصر است در هیزده سالگی شکر الله خان مخاطب افضل خان شیرازی را از مکر و شیخ علم الله که علم علمای آن وقت و نیز خسرش بود با و بر نیامدی چون قاضی بهر قسم حدیث را ترجیح میداد و انکار قیاس می نمود و حدیث علمای استی کانیار بنی اسرائیل را موضوع میگفت شیخ علم الله با وجود نسبت دامادیش فتوی بسوختن و شستنش داده محضری نوشت غیر از شیخ محمد فاضل الله و شیخ عیسی که از اعظم مشایخ آنجا بودند همه علماء بر آن مهر کردند چون خان خانان محمد قاضی بود و آن دو عالم

مہر نکرہ مدد فرمائش فرسیدہ پس وقتیکہ جہانگیر بادشاہ برخانخانان اعتراض فرمودہ و مدعیان آن ماجرا
 بعرض رسانیدند فرمان بطلب قاضی نصیر الدین و شیخ علم آمد رسید شیخ نزو ابراہیم عا دل شاہ
 بہ بیجا پور رفت و قاضی بہرستان شافعی بطوف حسین و زیارت اکنہ شریفہ فائز شدہ
 بعد پنج سال غم وطن نمود جہا ز بدست فرنگیان رفت فرنگیان کمالات قاضی شنیدہ نزد شاہ
 خود بردند آواہیکدی بالیست بجانیا در گفتندش چہ خدمت سلطان نکردی گفت آواہیکہ شاہجا
 می آرید از ما می آید از انجا رہائی یافتہ بہ بیجا پور رسیدہ ابراہیم عا دل شاہ دوسہ کردہ استقبالش کردہ
 با خود برد جہانگیر بادشاہ این ماجرا شنیدہ فرمان طلب فرستاد حکیم خوشحال سپہر حکیم ہمام را تاکید
 فرمود کہ ویرا روانہ آرد و کند طوعا و کرہا از انجا روانہ شدہ بہ برہانپور وطن خود رسید و عزم ہاجریم کرد کہ
 از خانہ بیرون نیاید و خلل این حال شاہجہان از طرف والد خود بصوبہ کن سر فرار گشتہ دارد برہانپور
 شدہ قاضی را طلب فرمود قاضی از ان ابا نمود آخر بحیلہ حوالہ نزد شاہ ہزادہ شاہجہان آمد و آداب
 بجانیا درو شاہ ہزادہ از انجا طر نسجیدہ فرمودہ قاضی مشتاق تو بودیم گفت بحیثیت فرمود کمالات
 ترا شنیدہ قاضی گفت آن حالت در من نماندہ با جملہ صحبت بدلال کشید قاضی را جبرار و ازہر گاہ
 نمودند چون بمستقر الخلافہ اگرہ رسیدہ در راہ کہ سواری بادشاہ از باغ سوہی دولتخانہ میرفت ملازمت
 نمود ارادہ تسلیم کرد بادشاہ دستش گرفتہ باغوشش کشید پس از چند روز رخصت برہانپور یافتہ
 بقیہ عمر در مضیات آبی بسر بردہ درس ہزاروسی و یک ہجری در گذشت

مولوی سید نصیر الدین برہانپوری الملقب بحیدر اللہ علیہ رحمۃ اللہ جامع کمالات زینی و فیزی
 ماہر علوم صوری و معنوی فاضل فضل محمد شاہ اجل فقیہ اکمل خلف و تلمیذ سید جلال الدین عرف
 اللہ دالی صاحب برہانپور سیت و سید جلال الدین از اکابر عرفای عہد و اعظم زہاد شاگرد رشید
 مولانا شاہ عبد الغرید دہلوی بود سید نصیر الدین فقہ و حدیث و تفسیر از والدیابہ خود اخذ کردہ کامل
 مکمل گشت تصانیف کثیرہ دارد از انجملہ کتب ذیل مشہور اند ذریعۃ الاستشفاع فی سیر
 سید المطلق مستوفی المحقوق فی ذم العقوق - روضۃ الرحمان فی فضائل رمضان - صاعقہ الزاہم
 علی الفرقة الوہابیۃ الکذابیہ - ایضاح المارتداد - ساطع الانوار میں کلام سیدالابراہیم تیسیر فی مہمات
 التفسیر بہرہان المدی فی تفسیر الرحمن علی العرش استوی - لباب النقل - برہین ساطعہ

تنبیه اللاحیاء کشف المعضلات رفالیه مقامتین در غیر بادقالتش بسال دوازده صد و دود
و دویجری در برهانپور وقوع یافته رحمة الله علیه

مولانا نظام الدین محمد بدایونی قدس سره نام نایبش محمد بن احمد بن علی البخاری نقیب
ادسلطان المشایخ و نظام الدین اولیا است وی خلیفه شیخ فرید الدین گنج شکر از محبوبان مقربان
د نگاه الکی بود اوصاف حمیده او بد فائز گنجانش ندارد جدا و علی بخاری و جدا دریش خواجه عرب
هر دو از نجاران آمده مدتی بلاهور بودند بعد در بدایون سکونت اختیار کردند پدر وی خواجا احمد در
صغرسن از سرش رفت مولانا چون بزرگ شد والده ماجده او را در کتب سپرد و کلام الله خواند
دیگر کتب خواندن آغاز کرد در صغرسن که عمرش بدوازده سال رسیده بود کتب لغت می خواند
بعده انان بقصد تعلیم بدلی آمد و تحصیل علم کرد و پیش شمس الملک که صدر ولایت بود تلمذ کرده علم ادب
و حدیث خواند طلبه علوم ویران نظام الدین بجای می گفتند زان بعد بشوق ارادت شیخ فرید الدین
گنج شکر با جود حسن رفت و وی در ان زمان بست ساله بود شش میبایه قرآن مجید پیش شیخ
فرید الدین تجوید کرد و شش باب از عوارف نیز سز کرد و تمهید البشکور سلمی و فیض کتب دیگر نیز پیش شیخ
خواند بعد بانعت خلافت مشرف شده بدلی آمد و قبولیتی که ویرا دست و او اظهر من الشمس است ان
تفضل ان کتب سیر اولیا و ملفوظات و مکتوبات مشایخ کرام مملو اند بتایخ سیزدهم ربیع الآخر
سن هفتصد و بست و پنج بجری رحلت فرموده بدلی مدفون گشت یزار و تیرک

شیخ نظام الدین سیطومی در ابتدای حال تحصیل علوم بکتبه مرجع بدست شیخ معروف
چشتی چونپوری نموده که مرید مولانا آمد و اشارح کافیه و غیره بود چونکه فطرت عالی داشت همواره
چشم بر ورق بسته و دل بحق پیوسته بود سلوک و جذب در وی بهم پیوسته از ملازمت ذکر و
شغل یاطن غافل نبود آخر مرید خلیفه شیخ معروف موصوف گشت و از شیخ رخصت ارشاد
و تکمیل یافته بقصبه ایٹھی پاداسن قناعت کشید جز بمسجد جامع حی جای رفتی مگر گاه گاهی
بخیر آباد بنا بر زیارت فرامردم شیخ سعد و ملاقات شیخ الله یاخیر آبادی یا به گو یا موبتقریب
آشنای قاضی مبارک گو یا موی قدم رنج فرمودی وی از سماع یر بهن کردی و مریدان را نیز
انان منع نمودی و فرمودی که در اختلاف پرا بیا افتاد اگر تقلید کنند باید که تقلید او اعل و

کمان تزلزل کنند مادی در عبادات و معاملات بر کتاب احیاء العلوم و عوارف و رسالہ مکبہ و آداب المریدین و امثال آن بود و پیش از نماز جمعہ نماز نظر را بجماعت میگذارد بعد از آن نماز جمعہ خواندی و در خطبہ اصلاح پادشاہان بنودی مرید ہمہ برسبیل بندت گرفتگی و شغل نلغتی و تلقین نکردی ملا عبد القادر بدایونی رحلت وی در سن ہصد و ہفتاد و نہ و شیخ عبدالحق محدث دہلوی و فائش در ستہ احدی و ثمانین و تسعمائے نوشتہ با آنکہ ہر دو معاصرند و اللہ اعلم بالصواب

شیخ نظام الدین تہانیسری بن شیخ عبد الشکور عمری تہانیسری جامع علوم ظاہری و باطنی حاوی کمالات صوری و معنوی واقف رموز شریعت و طریقت و معرفت و حقیقت مرید خلیفہ شیخ جلال الدین تہانیسری بود غرائب علوم ہجو کیمیا و غیرہ می دانست چونکہ مصارف اود از آمدنی نذیر بود بسحایت حاسدان اکبر شاہ ویراد و بار از ہند جلای وطن کردہ و راخراج اول بحرین شریفین رفتہ بعد شرف زیارت ہند واپس آمد چون بہ برہانپور رسید شیخ عیسیٰ سندھی مع اعیان خود پابریہ استقبالی او کرد و از مستفید و مستفیض گشت و در اخراج دوم ہجرت رفتہ والی انجا مرید او شد شرح سوانح امام غزالی و شرح لمعات و تفسیر نظامی و رسالہ حقیقت و رسالہ بلخ و غیرہ از تصانیف وی یادگار اند بسال ہزار و ہست و چہا ہجری رحلت فرمودہ و مرقدش بلخ است

ملا نظام الدین سہالوی فرزند سوم ملا قطب الدین شہید سہالوی است تحصیل علوم متعارفہ بعد شہادت والد ماجد خود از حافظ امان اللہ بنارسی و مولوی قطب الدین شمس آبادی نمودہ فاتحہ فرغ پیش مولوی غلام نقشبند لکھنوی خواند بالجلہ وی در فرزندان مولانا شہید و حید عصر و فرید و ہر جامع علوم ظاہر و باطن بود کہ بمقابلہ تدریس او گرمی تدریس ہمہ مدرسین و فضلائی دیار نور و نفسست مردمان اقطار و ہمار بعبیدہ از اطراف و جوانب مشارق و مغارب بروانندہ ہمیشہ مستفید و بہرہ اندوز شدند تا اینکہ در تمام ہند وستان کسی باشد کہ از احاطہ تلمذ وی و فرزندان و شاگردانش بیرون افتد و در معقولات و منقولات کتب مبسوطہ تصنیف فرمودہ و بخدمت سید شاہ عبدالرزاق بالنوی قدس سرہ شرف بیعت حاصل کردہ استفادہ کامل برداشت حضرت سید قدس سرہ و دیگر بزرگان افاضان الدین آمواد و عملوا الصالحات می نمود عالمی را از علوم و معارف باطن خود مستفید گردانید و خلقی کثیر بجلالت بیعت او درآمدند و بجز غیر از علما و فضلاء نامدار

از دامن تربیت و تعلیم وی برخاستند و سزاوی رحمہ اللہ تعالیٰ بنفعلہ فی نفسہ فی نفسی نظیری نداشت
 و خود را تا چیز محض می انگاشت و شب و روز بعبادت و ریاضت می پرداخت و نم جمادی الاولی
 سال شصت و یکم بعد صدی یازدهم ازین جهان فانی بعالم جاودانی شتافت اگر چه اصدانیم الجنات
 تصانیفہ الرالیقات حاشیہ شرح ہدایہ الحکمۃ مصنفہ علامہ صدر الدین شیرازی شرح مسلم الثبوت
 صبح صادق شرح منارہ شرح میا زریہ - حاشیہ شمس بازغہ - حاشیہ شرح عقاید دولی یلفوظات
 شاہ عبد الرزاق بالنسوی قدس سرہ

قاضی نظام الدین احمد آبادی کجراتی ابن مولانا نور الدین بن شیخ محمد حافظ قرآن فاضل
 محقق و مدقق در فن ریاضی دست رس او شصت و ہجہ و وجہ لائق در انشا و شعر از ہجہ فائق بود و بصحبت
 سلاطین و امار رسیدہ از حصول خلاصہ فافزہ و فیل مباهی شدہ در سال یک ہزار و یکصد و پنجاہ و یک
 ہجری بمنصب قضای احمد آباد از پیشگاہ شاہ دہلی سردازی یافتہ راجع وطن گردیدہ و ارجا سے
 احکام شریعہ بدل جمع نمودہ در سن ہزار و یکصد و شصت و سہ ہجری تجمانہ کفار کہ اندرون شہر
 بجلہ شاہ پور متصل مسجد احداث کردہ بودند و ہنگام نماز و اذان ناقوس سے فواعتند و مسلمانان را
 اذیت می رسانیدند با وجود غلبہ کفار بلا اعانت صوبہ دار با جماعت مسلمین بران تجمانہ تاختہ
 سمار ساخت از استماع این خبر احمد شاہ بادشاہ دہلی خوش گردیدہ خلعت خاصہ و فیل مادہ
 فرستاد و دوازدهم ذیقعدہ سال یک ہزار و یکصد و شصت و پنج ہجری از عالم فانی بسری جاودانی
 رحلت فرمودہ و در پہلوی بہر طرف شرقی مدفون شد رسالہ تفضیلت عالم و رسالہ میزان الساعۃ
 و تفصیل الفصول و رسالہ تہوہ و رسائل دیگر انایشان یادگار ماندہ

شیخ نظام برہان پوری تلمیذ تاسفہ نصیر الدین برہانپوری بہر تہ اعلیٰ کہ عالمگیر نظم صوبہ دکن
 بعالم شہزادگی ستین بود شیخ را با خود ملازم گرفتہ شیخ قریب چہل سال بخدمتیش ماندہ بمنصب ہزار و
 پانصدی سرفرازی یافتہ و رفتاری عالمگیری سعی فراوان نمود از کورش و دیگر ککالیف معفو بود
 بانگدینین عمرش از تمانین تجاوز کردہ و در قوی تفاوت نداشت

قاضی نظام بدخشی صلح از بدخشانست شاگرد ملا عصام الدین نیز از ملا سعید مستفید شدہ
 عالم غماق بدخشان و ماورا النہر بود در تصوف و سنا بہرہ دانی داشت و بخدمت شیخ حسین خوارزمی

بیعت نموده نهم محمادی الثانی سال نصد و هشتاد و دو هجری بمقام خان پور مضات جوپور بکارت
جلال الدین محمد اکبر بادشاه باریاب شده رعایت بی اندازه یافت ویرا دلا قاضی خان و ثانیاً
غازی خان خطاب دادند فصیح زبان و خوش بیان بود قصایف معتبره دارد آنا بجمعه رساله در علم
کلام و بیان ایمان تحقیقی و تصدیقی است و بر شرح عقاید حاشیه نوشته و در تصوف رسائل متعدده
تصنیف و تالیف کرده دی اول کسی است که سجده تحیت پیش بادشاه در فتح پور داد نمود و اعوذ
با الله من شرور انفسا و بسن هفتاد و سیالگی سال نصد و نود و دو هجری در او دعوایات یافت -
مولوی نعمت الله فرنگی محلی بن ملا نور الله بن ملا محمد علی برده قاضی غلام مصطفیٰ تحصیل
علوم رسمیه بخدمت والد ماجد و عم خود ملا ظهور الله نموده در ابنای جنس سر برآورده بقانون عقلی و
اقلی خصوصاً در حل ریاضیات ید طولی داشت دی از بس خفیف الحشه و نازک دماغ بود با سستی
تمام تکلمی فرمود که جلیس قریش سخن او بدقت می فهمید ابتدا بعد شاهی منصب عدالت فیض آباد
داشت بعد برای چندی بمقتضای اتحاد حکیم کاظم علی خان موہانی وزیر با سدهای رئیس سمت
برده ملک گجرات تشریف برده در سن هزار و دصد و نود و دو هجری جهان بے بود را پدر و دهنسر مرود

رضوان الله علیه

مولوی نعیم الله بهرائی علی بن سبّا حنفی مذہباً مجددی مشرباً بکمال علوم ظاہری بقصد اکتساب
طریق باطن کمر همت بسته بر آستانه فیض آشیانہ حضرت مرزا مظہر جان جاناں قدس سرہ جمین
نیاز سووده در مدت چهار سال اکتساب برکات طریقه علیہ مظهریہ نمود و بمرتبہ کمال رسیدہ
اجازت مطلقہ یافتہ بوطن مالوف مراجعت فرمودند و سرع و توکل و قناعت شعارشان بود و در
بلدہ لکھنؤ بمجلد انگلی ژولہ برخی از ایام اقامت فرمودند و مسجدی بنا کردند و ہدایت طالبان حق
می برداختند از تالیفات او شان کتاب معمولات مظهریہ مشہور است و ذات شان در بلدہ براج
بسال دوازده صد و ہجده ہجری اتفاق افتادہ بعد از آنجا مدفون شدند رحمۃ الله علیہ -
مولوی نعیم الله فرنگی محلی ابن ملا حبیب الله ابن ملا محمد علی فرزند مولوی
ولی الله تحصیل کتب و رسمہ بتکلیل رسانیدہ بعدہ نشی بسر بردہ در علم حساب و فرائض مبارقی
کامل داشت شانزدہم شوال شب شنبہ سال دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری داعی اجل را

لبیک اجابت گفتہ بجلد برین شتافت مولوی لطف اللہ مادہ تاریخ و فائش چنین یافتہ
مصرعہ بقصر جنت المیا ویش دیدم

حاجی نعمت اللہ نوشہری انا ولد ملا مہدی علی کڑوی است شاگرد شیخ الاسلام
امان اللہ شہید صاحب ریع و تقوی بود بسال یازدہ صد و ہشتاد و دہم بمی وفات یافت

مولوی تقی علیخان بریلوی ابن مولوی رضا علیخان ساکن بریل رومیل کھنڈ غرہ رجب
سال چیل و ششم صدی سیزدہم ہجرت متولد شدہ بخدمت والد ماجد خود تعلیم و تربیت یافتہ از استفادہ
علوم درسیہ فراغ حاصل کردہ ذہن ثاقب و رای صائب و ہشت خالق تعالی دیدہ بعقل معاش
و معاد ممتاز اقران آفریدہ بود علاوہ شجاعت جبلی بصفت سخاوت و تواضع و استفادہ موصوف بود

و عمر گرانمایہ خود با شاعت سنت و انا لہ بدعت بسر بردہ اعلان مناظرہ دینی سنی بنام تاریخی
اصلاح ذات بین بتاریخ بست و ششم شعبان سال دوازدہ صد و نو دوسہ ہجری شائع فرمودہ
دو مسئلہ انتفاع مماثلت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم سعی موفورہ بکار بردہ کہ رسالہ تنبیہ الجمال
بآن خبر میدہد و بسال نو و چہارم صدی سیزدہم بخدمت سید آل رسول ماریہ وی بیعت نمودہ
مثال خلافت و اجازت جمیع سلاسل جدیدہ و قدیمہ و سند حدیث حاصل کرد و بسال نو و پنجم صدی

سیزدہم بزیرات حرمین شریفین شرف اندوز شدہ از سید احمد زین دحلان و غیرہ علمای مکہ معظمہ
مکرراً علم حدیث را استناد کردہ سلخ ذیقعدہ سال نو و ہفتم صدی سیزدہم ہجرت داعی اجل بالبیک
اجابت گفتہ بروضہ رضوان پیوست روح اللہ روحہ و نور ضریحہ تصانیفہ الفائفۃ الکلام الاوضح
فی تفسیر الم نشرح مجلدیست ضخیم و سبلۃ النجاة در سیر سید عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
سرور القلوب فی ذکر المحبوب خلاصہ و سبلۃ النجاة است چراہر البیان فی اسرار الارکان و در بیان

صوم و صلوة و غیرہ ارکان دین اصول ارشاد و تصحیح مبانی الفساد در ابطال بدعت نجدی ہدایت
البریہ الی الشریعۃ الاحمدیہ در در فرق متعددہ کہ درین زمان بفساد انگیزی انگشت نمائند
اذانۃ الاثام لما نعی عمل المولد و القیام اثانۃ الاوہام بر و فرقہ نجدیہ ترکیتہ الایقان نے رو
تقویۃ الایمان فضیل العلم و علما الکواکب الزہراء فی فضائل العلم و آداب العلما الروایۃ الرویہ فی
الاخلاق النبویۃ التقادۃ التقویۃ فی المحضات النبویۃ لکۃ الکبراس نے آداب الاکل و

اللہاس التملکین فی تحقیق مسائل بالترتیب حسن الادب الادب الحاخاطبہ فی المحاسبۃ والمراقبۃ
 ہدایۃ المشائق الی سیر الانفس والافاق ارشاد الاحباب اسے آداب الاحساب اجمال الفکر
 فی مباحث النکر عین المشاہدہ لحسن المجاہدہ تشوق الاداء الی طرق محبتہ اللہ نہایت السعاده
 فی تحقیق الممتہ والارادہ اقوی الذریعہ الی تحقیق الطریقہ ترویج الارواح فی تفسیر سورۃ الانشراح
 قاضی نور اللہ شوستری شیعی مذہب بصفۃ عدالت و نیک نفسی و حیا و تقوی و حلم
 و عفاف موصوف و بعلم وجودت فہم وحدت طبع و صفای قرینہ معروف بود صاحب تصانیف
 لائقہ انما نجلہ کتاب مجالس المؤمنین است توفیقی بر تفسیر محل شیخ فیضی نوشتہ کہ از خیر تعریف
 و توصیف بیرون است طبع نظمی داشت بوسیلہ حکیم ابوالفتح ہمازمت اکبر بادشاہ بیہوہست
 شیخ معین قاضی لاہور کہ بوجہ ضعف پیرانہ سالی مغول شدہ بکالیش قاضی نور اللہ بعدہ تصنائے
 لاہور از حضور اکبری منصوب گردید و انصرام آن عمدہ بدیانت و امانت کوہہ دین ہزار و نو زدہ
 ہجری وفات یافت

اخوند نور المدی کشمیری ابن اخوند عبد اللہ مقیم السنۃ ملقب بعلامۃ الوری در یازدہ
 صد و بست و نہ ہجری ولادت یافتہ از والد خود ملا سعد الدین صادق و شیخ رحمۃ اللہ تحصیل علوم
 کردہ بمرتبہ افادت رسید و مدام بنشر علوم و افادۃ طلاب بسری ہر ملا مقصود متودیر نظام الدین
 و بابا اسد اللہ و ملا محمد ولی و شیخ الاسلام مولوی قوام الدین محمد و غیرہ علمای کشمیر از تلامذہ و
 مینوی رحمہ اللہ ملا عبد اللہ و ملا محمد انور کہ ہر دو صاحب علم و فضیلت بودند عقب خود
 گذاشتہ بہ ماہ جمادی الثانی سال یازدہ صد و نو و نہ ہجری رحلت کرد

مولوی نور احمد بدایونی ابن مولوی محمد شفیع ابن مولوی عبد المجید بدایونی از اکابر علماء
 صلحای بدایون است بسال سی و دوم صدی سیزدہم ہجرت متولد شدہ تحصیل و تکمیل علوم عقلیہ
 و نقلیہ بخدمت مولوی فیض احمد بدایونی نمودہ مرید شاہ عبد المجید بدایونی بود غیر از تدریس و تعلیم
 طلبہ کاری دیگر نہ داشت شمار تلامذہ وی بالوف رسیدہ باشند وی صاحب برکت بود کسیکہ
 سبقی از او برگرفتہ از علم محروم نمادہ امروز در بدایون و اطرافش کسی کم یافتہ مے شود کہ از سلسلہ
 تلمذ وی بیرون رود بہ ماہ جمادی الاول سال دوم صدی چہار دہم ہجرت بجلد برین شتافت

اوله السید بکبخته الجنان -

میر نور الهدی اورنگ آبادی ابن سید قمر الدین اورنگ آبادی تلخ هفتیم بیچ لاول
سال یکتراد یکصد و پنجاه و سه هجری در اورنگ آباد متولد شده شاگرد و مرید پدر خود بمسرتن
سالگی از تحصیل علوم در سیفر لغ حاصل کرده قرآن مجید حفظ نمود و همراه پدر بزرگوار بزیارت حرمین
شریفین کامیاب شده بوطن مالوف واپس آمد عمر گرانمایه با فاد و تدلیس گذرانیده و بر کتاب
مظهر النور مصنفه والد خود شرحی نوشته سال وفاتش معلوم نیست احسن الله الیه والی والدیه
مولانا نور الحق دهلوی ابن مولانا الشیخ عبد الحق محدث دهلوی شاگرد والد خود و مرید خواجه
محمد مصمم نجدی است در عهد شاهجهان بادشاه رونق بخش منصب قضای اکبر آباد بود و
تصانیف بسیار اند از جمله تیسیر القاری فی شرح صحیح البخاری و شرح صحیح مسلم مشهور اند بمرد سالی
در سن هزار و هفتاد و سه هجری رحلت فرموده ان الله وانا الیه راجعون

ملا نور الحق فرنگی محلی خلف اکبر ملا احمد انوار الحق بن ملا احمد عبد الحق عالم ظاهر و باطن خلیفه
خاص والد ماجد خود بودند لیس علوم و یاد آئی مشغول می ماند و بیاسداری خاطر بندگان خدا
و انکسار نفس شهرتی داشت بشت و سوم ربیع الاول شب یکشنبه سال دوازده صد
سی و هشت هجری رحلت فرموده شعرای وقت تاریخ فوتش بسکک نظم کشیدند از ان جمله
بسم گفته قطعه پئے تاریخ تحلیش چوبهل و در معنی به ملک فکری سفت به سر و ش غیب ناگه
بادل ناز لبوی حق برفته نور حق گفت به دیگری اینچنین گفته قطعه آن نور که بود نور انوار به
در نور چو آن ظویر پیوست به دل کرد خیز نور پاکش به در جلوه نور نور پیوست به شاعر و دیگر
گفت قطعه علامه محمولوی نور الحق به جاز با جل سیر ویهیات ایوای به تاریخ وفات او
نمودم مرقوم به نور الانوار مریدیهیات ایوای به

نور الدین محمد ترخان سفیدونی نوری تخلص جامع اقسام هند سه در ریاضی و نجوم و حکمت
و کلام از جمله مصاحبان همراز نصیر الدین محمد همایون شاه بود بذل وجود و نثار دایثار و خوش صحبتی
داشت بنابر ان بخطاب ترخان مفاخرت یافت در اشعار دیوانی ترتیب داده
چونکجا گیه دار بکنه سفیدون از تواریج سر هند بود و اندازی را سفیدونی می گفتند در او اهل عهد

جلال الدین محمد اکبر شاہ سال ہشتاد و ہفتاد و شش ہجری جوئی آبی اندریای چین کندہ زائداً پنجاب
 کوہ بجانب کرنال برده کہ مردم ازان آب زراعت کردند و باعث رفاه عامہ رعایا گردید چون
 آن نہر بقرب ہمان ایام کہ شاہزادہ سلیم بجان شیخ سلیم چشتی تولد یافتہ با تمام رسیدہ و اکبر شاہ شاہزادہ
 سلیم با شیخو بابا میگفت آن نہر را باسم شیخونی موسوم کردند کہ ازان سال با تمامش نہر بری آید و نی بکسر
 نون ویای شناہ تھانی معروف بزبان ہندی جوئی را گویند زمانیکہ اکبر شاہ بر سر حکیم مرزا حسن
 ہشتاد و ہشتاد و نہ ہجری لشکر کشید خان مذکور مختلف نمودہ از پنجاب باز گشتہ بجاکیر خود رفت
 این معنی موجب بدگمانی برود شد بعد از مراجعت بفتح پور رسیدہ ویرا بیای حساب کتاب کشیدہ
 چند سال زارش کردند آخر شکستگی تمام از رو نگاہا درست بحال و راہ یافتہ چون اکبر شاہ بسال
 ہشتاد و نود و چہار ہجری جانب اکبر تشریف فرما شد وی را بتولیت مقبرہ ہمایون نامزد فرمود
 ہما بجا ہمان سیال دفات یافت

مولانا شیخ نور الدین احمد آبادی گجراتی ابن حاج الحرمین الشریفین شیخ محمد قدس سرہما
 ولادت ایشان دہم جمادی الاولی سال یکزار و شصت و سہ ہجری وقوع یافتہ از بدو فطرت
 واصل جبلت داعیہ خدا طلبی و طلب علمی در سر داشتہ چنانچہ کتاب گلستان سعدی علیہ الرحمۃ
 و صغرسن بامعانی پیش والدہ ماجدہ خود در ہفت روز خواندہ بود و تحصیل اکثر علوم ظاہری از
 اخوند مولانا احمد بن اخوند مولانا سلیمان نمودہ و علم باطنی و قرأت و حدیث در خدمت سید محمد
 ابوالمجد محبوب عالم با تمام رسانیدہ خلافت و ارادت سلسلہ شہروردیہ و جمیع سلاسل از آنجناب
 داشتند و در علم عربیت یگانہ آفاق بودند شہرہ علم مولانا در تمام اطراف و کناف عالم رسیدہ
 مردمان دور و نزدیک از اطراف رسیدہ در مدرسہ موسومہ ہدایت بخش سکونت و زندہ تحصیل
 علم از مولانا مے نمودند و فرخور خود موقوف مے بودند ہزار ہا مردم از صحبت کثیر البرکت
 ایشان بہ تربہ کمال رسیدند با جملہ ذات شریفش نمونہ بزرگان پیشین بود و علاوہ اود و وظائف
 مقررہ روزانہ یک ختم قرآن مجید میکرد و ہر شب دو بار صلوٰۃ اللیل میگذازد و ہر بار کہ پہلو
 میگردد ایند نہار بار و دوشریف مے خواندند و از عمر یازدہ سالگی تا آخر اربعین اعتکاف
 فوت نہ شدہ در ہزار و پچہل و سہ ہجری بزیارت حرمین شریفین زاد ہما اللہ شرفاً

و تعظیماً مشرف شده ب وطن خود مراجعت نمودند چون عمر گرامی نبود و یک سال کامل رسیده
 بنصف النهار یوم سه شنبه نهم شعبان سال هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بوصول دعا لجلال
 پیوستند و بجانقاه خود متصل مدرسہ هدایت بخش زیر زمین آسودند اعظم الاقطاب تاریخ وفاتش
 یافته اند و ان شاء الله مرده تصانیف و تالیف در هر علم دارند که شمارش یکصد و هفتاد و چند کتب
 رسیده از آن جمله تفسیر مختصر کلام الله و التفسیر النورانی للسیع المثانی دوازده هزار بیت و تفسیر
 سورة بقره سمی به تفسیر ربانی سی هزار بیت و حاشیه بر اوایل تفسیر بیضاوی و تورات قاری شرح صحیح
 بخاری و حاشیه قومیه بر حاشیه قدیمه و حاشیه شرح مواقف و حل المعاهد لحاشیه شرح المقاصد و
 حاشیه شرح مطالع و حاشیه تلویح و حاشیه عضدی و متول حاشیه مطول و حاشیه شرح وقایع
 و حاشیه شرح ملای جامی بر کافیہ و حاشیه منهل حاشیه شمسیه در منطق و حاشیه تندیب المنطق
 و طویق الامم شرح فصوص الحکم لابن العزلی مدرسہ هدایت بخش محمد اکرم الدین مخاطب
 شیخ الاسلام خان صدر صوبہ احمد آباد که مرید و شاگرد مولانا بود بصرف یک لکه و چند هزار روپیہ
 برای مولانا موصوف درس یک هزار و یکصد و دو هجری بنا نهاده و در سال یک هزار و یکصد و نهم هجری تلم رسیده
 شیخ نور الدین رفیق کشمیری ابن عبد العزیز بن مصطفی رفیق کشمیری بسال دوازده صد و
 پنج هجری متولد شده و از عم زاد خود شیخ طیب بن احمد بن مصطفی علوم معارف اخذ کرده و
 کتساب دیگر علوم متعارف بخدمت مولوی محمد حسن بن نظام الدین نمود و با کثر بلاد سیر و
 سیاحت کرده بصحبت مشایخ وقت رسیده مستفید گشت و تمام عمر مجرمانه و طبع موزون
 داشت اشعار لطیفه و لریات نیفه از یادگار اندنم رجب سال دوازده صد و هفتاد
 و هشت هجری رحلت کرد

ملا نور محمد کشمیری المشهور بنور بابا پتلوشاگرد ملا عبد الستار کشمیری بود و در و هلی از مولوی
 حسام الدین محمد و قاضی مستعد خان و قاضی مبارک تحصیل علوم کرده کشمیر آمده با فاده و افاضه
 طلبه علوم بسر می برد و در مطول و خیالی تعلیقات نوشته چهارم ربیع الاول سال یازده صد و
 نود و پنج هجری رحلت فرموده در مقبره داتا گنج بخش واقع کشمیر مدفون گشت

حرف الواو

مولوی وارث علی سندیلی ابن شاه امین امشد بن شاه وصف امجد بن مولوی فضل
 بن شاه غلام علاء الدین مخدوم زاده سندیلہ بسال دوازده صد و چار ہجری متولد شدہ ابتداءً
 از مولوی احمد بخش سندیلی تعلیم نموده زان بعد بخدمت مولوی نورالحق لکھنوی و مولوی سران الحق
 لکھنوی و مولوی جعفر علی ساکن کسمندی و مولوی مظہر علی سوداگر لکھنوی و حکیم سید زید حسین
 فرخ آبادی تلمذ کردہ ہرہ وافی برداشت و بتدریس طلبہ و مطب مرضی کوشش بلیغ داشت
 مرید و خلیفہ ہمد خود و سجادہ نشین درگاہ مخدوم صاحب بود دہم رمضان سال دوازده صد و
 چہل و ہفت ہجری رحلت فرمودہ اندرون احاطہ درگاہ مخدوم صاحب بقع قصبہ سندیلہ بخاک سپرد
شیخ وجیہ الدین علوی گجراتی بامہ محرم ہند و یازدہ ہجری در جاپانیر مضاف گجرات
 متولد شدہ اکتساب علوم ظاہری بخدمت ملا عماد طاری کردہ بملقہ ارادت شیخ فاضل درآمدہ
 جامع کمالات ظاہر و باطن گردید حق سبحانہ و تعالیٰ ویرا مظهر اسم شانی گردانیدہ بود ہر روز جمعہ
 کثیر و جی غفر مرضی بآستانہ او آمدہ التماس دعائی نمودند و اثران زود می یافتند بالجلہ خلایق را
 پیوستہ از انفاس تبرکات فیض میر رسید و منزل او مقصد اقصی اکابر و اختیار روزگار بود باین ہمہ
 مداومت تدریس و شغل زمام تصنیف از دست نمی داد و در وضع و لباس امتیاز از احاد التماس
 نداشتہ بجامہ درشت اکتفا میکرد و ہر چہ از فتوحات بدو میر رسید بذل و ایثار می نمود چون بعد
 سلطان محمود گجراتی شیخ محمد غوث گویاری معنی جواہر خمسہ گجرات وارد شدہ شیخ علی متقی
 کہ از مشائخ کبار و علمای بزرگوار آن دیار بود فتوی بقتل شیخ محمد غوث نوشت سلطان محمود
 گجراتی نفاذ آن موقوف بر ارضای شیخ وجیہ الدین فرمودہ شیخ وجیہ الدین گفت تا کہ اورا نمی بینم
 در باب این فتوی حرفی نزد من ہر گاہ شیخ وجیہ الدین با شیخ محمد غوث دوچار شدہ دفعۃً شیفہ
 جمال کمالش گردید و استغفار بار بارہ پاره کرد شیخ محمد غوث از ان مملکت نجات یافتہ مرجع انام و
 معتقد علیہ حکام آن دیار گشت شیخ وجیہ الدین تاریخ نیست و نہم صفر روز یکشنبہ سن ہند و
 نود و ہشت ہجری رحلت فرمودہ با حمد آباد گجرات مدفون گردید در آئہ کریمہ و لم جناست
 ان فردوس نزلا تاریخ فوتش یافتہ تصانیفہ العالیہ حاشیہ تفسیر بیضادی شرح انجمن در اصول

حدیث - شرح عضدی - حاشیہ تلویح - حاشیہ بزودی - حاشیہ ہدایت الفقہ - حاشیہ شرح وقایہ
 حاشیہ مطول - حاشیہ مختصر - حاشیہ تجرید - حاشیہ صفہانی - حاشیہ شرح عقاید نقاظانی - حاشیہ بر حاشیہ
 قدیمیہ محقق دوانی - حاشیہ شرح موافق - حاشیہ شرح چمنی - شرح تحفہ شاہیہ - شرح رسالہ
 ملا علی قوشچی - حاشیہ فوائد ضیائیہ - شرح ارشاد قاضی شہاب الدین دولت آبادی - شرح
 ابیات منہل - شرح جام جهان نادر تصوف - شرح کلید مخازن - رسالہ تفتیح محمدیہ صلح جم جابانیر
 بانیہ جمیع معجم عربی و بای فارسی مفتوحہ بین الفین و کسرون و یای تحتانی بمجمل و در آخر ای مہملہ
 شہر لیست از بلاد گجرات و دکن -

مولانا وجیہ الدین پاملی دانشمند متبحر و استاد وقت در زہد و ورع ممتاز بود و در آخر مرید
 شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ شد و کمال اعتقاد باو داشت قبرش بر سر حوض شمس دہلی
 است بخیرہ قاضی کمال الدین حیدر خان و قلع خان کہ نسبت تلمذ بمولانا داشتند رحمۃ اللہ علیہ
 مولوی وزیر علی سندیلہ ابن مولوی انواری ابن مولوی اکبر علی ابن مولوی حمد اللہ سندیلہ
 بمقام مکتبہ تحصیل علوم خصوصاً ادب عربی را کما حقہ تکمیل رسانیدہ و سنگا ہی پیدا کرد و چند دیوان
 اشعار عربی دارد ہر سال مکتبہ دوصد و پنجاہ روپیہ مشاہیر مے یافت و تدریس بود بزبانیکہ فی الدین
 حسب ادب فرمان روای لکھنؤ بود بکلمتہ رحلت نمود

سید شاہ ولی اللہ دہلوی ابن سید ابوالقاسم متصف بصفات بزرگی و فضیلت و حالت
 نیک شاگرد محمد رحمت اللہ ٹٹوی بود و را ملا دانشا و شعر طبع صافی و کافی داشت از نتائج
 طبع و قادش نسخ جامع حقیقہ المجاہد متضمن چند علوم یادگار است در ہزار و یک صد و پنجاہ
 ہجری بموضع جلست پور در گذشت

مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی نام نایش و لقب گرایش ولی اللہ بن عبد الرحیم العمری الخنفی
 النقشبندی المحدث الدہلوی بروز چار شنبہ وقت طلوع آفتاب تاریخ چارم شوال سال
 یازدہ صد و چار ہجری متولد شدہ اسم تاریخی وی عظیم الدین قرار دادہ اند لکن اعدادش
 یازدہ صد و یازدہ می شوند بہ تیج سالگی بکتاب نشین شدہ بہفت سالگی قرآن شریف تہتم نمود
 و ہمین سال والد ماجدش ویرانجا ایستادہ کرد و ہجوم بر ہفتخان افرمود باجمہ کتب فارسیہ

و مختصرات عربیه خواند و بمردہ سالگی شرح جامی آغاز کرده در چهارده سالگی مشروح شده و به پانزده سالگی شرف بیعت بسلسلہ نقشبندیہ و خرقة صوفیہ صافیہ و فراغ علمی از خدمت والدین یافته مجاز درس گردید و والد ماجدش بدین تقریب سامان ضیافت ہر خاص و عام اہل اسلام نمودہ طعام بسیرہ چشمی تمام خورانید و بہفتدہ سالگی وی والد بزرگوارش ازین جہان رحلت فرمود بعد وفاتش سالی چند بدرس و ارشاد بسربرد کہ فضائل ظاہر و باطن و یرادست داد و طریق بقیہ نقمای محدثین اختیار فرمودہ و در سن یازدہ صد و چہل و سہ ہجری بزیارت حسین شریفین مشرف شدہ نہانی و ران دیار فیض آثار رخت اقامت انداختہ از تلمذ شیخ ابوطاہر بدست و غیرہ علماء و مشائخ حسین شریفین حظی وافر برداشتہ و در سال یازدہ صد و چہل و پنج ہجری بعد از ای مناسک حج از خیر اہل بلدان ہندوستان مراجعت فرمود و ہدایت و ارشاد خلایق شباروزی خود صرف می نمود کہ در سال یازدہ صد و ہفتاد و شش ہجری چار فرزند از جنبد کہ ہونکی اولد سراپا بودند عقب خود گذاشتہ رحلت فرمود رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلافہ

اولادہ اعظام مولانا شاہ عبدالغفر مولانا رفیع الدین مولانا غلبہ قادری مولانا عابد الغنی قدس اللہ اسرارہم **تصانیفہ الشریفہ** فتح الرحمن ترجمہ فارسی قرآن - الفوز الکبیری فی اصول التفسیر المسوی شرح الموطا عربی - المصنفی شرح الموطا فارسی - بقول الجلیل فیوض الحرمین انسان لعین فی مشائخ الحرمین - عقد الجمد فی احکام الاجتہاد و التقليد - ہدایات - الطواف القدس - مقالہ ضمیمہ فی النصیحہ و الوصیۃ - الانصاف فی بیان سبب الاختلاف - لمعات - سطحات - المقدمۃ السنیہ فی انتصار الفرقۃ السنیہ - انفاس العارفین - شفاء القلوب - قرۃ العینین - فی تفضیل الشیخین - البہدور البازغہ - زہر الدین - الخیر الکثیر - الانتباہ - الدر الثمین - حجۃ اللہ البالغہ - ازالۃ الخفا عن خلافت الخلفاء نفیحات - الجزر اللطیف فی ترجمۃ العبد الضعیف - وصیت نامہ - رسالہ دانشمندی - الفتح الجنیفہ لابن حنفیہ - علم التفسیر - سرور المحزون - مکتوبات المعارف - الاعتقاد الصحیح و غیر ہا - وی رحمۃ اللہ علیہ در رسالہ دانشمندی استناد علم خود باین عبارت تحریر فرمود اما بعد فقیر ولی اللہ ابن عبدالرحیم فن دانشمندی از والد خود کسب نمودہ و ایشان از میر محمد زاہد بن قاضی اسلم ہر دی و ایشان از ملا محمد فاضل بن ایشان از میرزا جان و ایشان از

ملا محمد مشہور یوسف کونج شیرازی دایستان از ملا جلال الدین دوانی دایستان از والد خود ملا
اسعد بن عبد الرحیم و از ملا مظہر الدین گارونی دایستان ہر دو از ملا سعد الدین تفتازانی
و از سید شریف جرجانی دایستان از قطب الدین رازی دایستان و ملا سعد الدین تفتازانی ہر دو
از قاضی عضد الدین از ملا زین الدین دایستان از قاضی بیضاوی دایستان راستہ سیت
تا ابو الحسن اشعری در کتب تواریخ مشہور و معروف انتہی بلفظہ

مولوی ولی اللہ برہانپوری ابن مولوی غلام محمد ابتدا الکتاب علوم متعارفہ از
والد ماجد خود کردہ و استناد کتب احادیث بکلمہ معظمہ از شیخ ابو الحسن آفندی محدث نمود باز بوطن
خود برہانپور معاودت نمودہ تاحیات والد ہمد را بنجا بتدریس و افادہ طلاب مشغول بودہ بعد
وفات پدر بہ بندرسورت قدم رنجہ فرمودہ متوطن گشت و باقادہ طالبین عمر گرانمایہ صرف
کردہ در سن دوازده صد و ہفت ہجری رحلت فرمودہ بحملہ سید پور نجات بلدہ سورت
صورت تدفین یافت

مولوی ولی اللہ فریخ آبادی ابن سید احمد علی عالم باعمل فاضل اجل تفسیر نظم الجاہر در
سال دوازده صد و سی و شش ہجری تصنیف فرمودہ فی الحقیقہ نظم جاہرست و از دانش
تاریخ تصنیف مفہومی شود بسال چہل و نهم صدی سیزدہم رحلت فرمودہ والد اللہ مضجعہ
مولوی ولی اللہ لکھنوی ابن ملا حبیب اللہ ابن ملا عجب اللہ فرنگی محلی مختصرات مست
والد ماجد خودش و از متوسطات تاسلم الثبوت از عم بزرگوار ملا محمد حسین تحصیل نمودہ بعد فراغ
از تحصیل تکمیل و تحقیق سعی بلیغ بکار بردہ و عمر گرانمایہ بتدریس طلبہ علوم بسر بردہ کہ عالمی ازو
فیضیاب شدی جامع علوم عقلی و نقلی و حاوی فنون فرعی و اصلی بود تصانیف کثیرہ لائقہ
از یادگار اند و ہم صفر سال دوازده صد و ہفتاد ہجری از دار فانی ب عالم جاودانی بمرہشتہ او
ہشت سالگی رحلت فرمود حکیم ظہیر الدین تخلص جواد تجوری تاریخ وفاتش چنین گفتہ
۵ کرد وفاتش شد ندبی سر و پا بدرع و شرع و فضل و علم و عمل و تصانیف نفایس الملکوت شرح
سلم الثبوت تفسیر معدن الجواہر حاشیہ ہدایۃ الفقہ بر عبادات و معاملات حاشیہ
بر حاشیہ کمالیہ شرح عقاید جلالیہ حواشی زواید ثلثہ حاشیہ صدر شرح غایۃ العلوم و علل العلوم

تذکره المیزان - تکریم شرح سلم ملا احمد عبدالحق تکریم شرح سلم ملا حسن - رساله تشلیک کشف الاسرار
فی خصائص سید البرار مرآة المؤمنین و تنبیه الغافلین فی مناقب آل سید المرسلین
آداب السلاطین - رساله عمدة الوسائل - رساله اغصان اربعة
حافظ ولی اللہ لاہوری دانشمند متبحر فقیہ و مناظر و اعظم مقرب در عقاید نصاریٰ یطوی لیلا
علوم متداولہ از مولوی غلام رسول قلعه والا و مولوی نور احمد ساکن کہای کوٹلی و مولوی احمد الدین
بکوی حاصل کردہ مرجع مستفتیان لاہور بود در جامع مسجد لاہور بہر آوینہ و عظیم سیگفت مباحثہ نبی
و تصیانت الانسان من وسوسۃ الشیطان و اباحت ضروری از تصانیف وی یادگار اند بہر ترجمہ
وقت ظهر بست و چہارم جمادی الاولی سال دوازده صد و نود و شش ہجری بمحل اہمال حلت فرمود

حرف الباء

ہمایون شاہ نامش نصیر الدین محمد بن بابر بادشاہ موسس بنیان سلطنت تیموریہ در ہندوستان
بادشاہی بود بہر ہلکات پیراستہ و جمیع فضائل کمالات صوری و معنوی آراستہ و در علوم
ہیأت و نجوم و سایر علوم عربیہ بی نظیر و مربی اہل فضل و کمال و مرجع اہل تقویٰ و صلح یکدم
بی وضو نبود و نام خدا و رسول صلعم بی طہارت بر زبان نراند و فحش و دشنام بر زبان
نگذشت و بحالت نہایت خشم مقرب را بگفتن ای سفیہ کفایت کردی در خانہ و مسجد گریز نہادن
پای چپ سبقت نکردی حیا و مروت تمام داشت الغرض تاریخ ہفتم ربیع الاول سال ہنصد و
شصت و سہ ہجری شاہ دین پناہ بالائی بام کتب خانہ برآمد و در عین فردا آمدن موزن مانگ
نماز برزد و بخت تعظیم اذان بادشاہ بنشست و بوقت برخاستن عصا خطا کردہ پائش بلغزید
و از چندینہ پا غلطیدہ بزین افتاد و بہا نزد ہم ماہ مذکور این عالم یوفا را پدر و فرمود مولانا قاسم
کاہی تاریخ حلتش چنین گفتہ قطعہ ہمایون بادشاہی ملک معنی بنہار دکنس جواد شاہنشی بادشاہ
نہام قصر خود افتاد ناگاہ بہ وزان عمر عزیزش رفت بر باد بی تاریخ او کاہی رقم زد بہ ہمایون بادشاہ
از بام افتاد بہ سنین عمرش پنجاہ و یک سال و مدت سلطنت بست و پنج سال و کسری بود

انار اللہ مرقدہ بہ

حاجی ہاشم سندھی ولد عبد الغفور شاگرد و مخدوم ضیاء الدین اقدم و شہر علماء برآمدہ بر اکثر علما

باقبال و نسق فائق گردیده هر چند بعلمای عصر مثل مخدوم محمد معین و غیره در مخالفت میزد اما در تقویت دین سنت و جماعت و احیای سنن نادره زمان بود کارهای قوی که موجب پشتیبانی مبین باشد و زمانش بسعی جسته شد با بخل میرسید بر مشرکین و معاندین عملش خوب جریانی داشت بزمانش صد هارم از کرده میان بشارت ایمان رسیدند و با سلاطین وقت مثل نادر شاه و احمد شاه راه رسل رسائل مفتوح داشته احکام تقویت دین با استدعائش حسب دلخواه میرسیدند و حسن نفاذی یافتند با کجمله ذاتش استغاثات بود در هر علوم تصانیف کثیره دارد

بسال هزار و صد و هفتاد و چهار هجری جهان فانی را بدرود فرمود

مولوی یار علی لکهنوی ابن شیخ حسین علی ولد شیخ حمید الدین خلف شیخ غلام قادر از شیوخ لکهنو که به بخوریان شهرت دارند و بی نهایت ذهن و زکی فارغ التحصیل بود و بکار تصحیح کتب در مطابع لکهنو امتیازی وافر داشت نسخی که منظوم که اسم تاریخی است در بیان خواص ابواب صرفیه و دیگر رسائل از تالیف اوست در سال شصت و چهارم صدی هجری جمعی جامع الاوراق بخندش رسیده رساله فوائد جلالیه منظومه خود پیش کرد مستحسن او فتاده

حرف الیاء التختانیہ

سید یاسین گجراتی از بنی اعمام سید شاه میر اکثر کتب متداوله در گجرات خدمت میبان و حمیه الدین خوانده مرید شان گشت و بزیارت حج اسلام مشرف گردید و علم حدیث در آنجا حاصل کرد و اجازت یافت و باز گشته بهندوستان آمد و چندگاه در لاهور مانده پس بپس بپس در لباس مشیخت گذرانیده خادمان کبود پوش خود را تربیت میکرد و باز بجانب بنگاله رفت

مولانا یعقوب شافعی سنجری جامع معقول و منقول صاحب تصانیف بود و ولایت سنجره را الف خان سنجره و وال گجرات تشریف آورده متوطن شد تفصیل این اجمال آنکه چون سلطان سنجره الف خان سنجریا با هفتاد هزار سوار و پیاده برای تسخیر پٹن نهر و اله در زمان حکومت راجه بیر دهول با گھیلہ فرستاد و تا مدت پنج سال و یازده ماه مقابل و محاصره با او ماند الف خان درین مدت مقابل قلعه ارک مسجد سنگین ساخت هنوز کار با تمام نرسیده بود که خبر وفات سلطان سنجره رسید الف خان از راجه مبلغا گرفته بولایت خویش مراجعت نمود

مولانا یعقوب کہ ہمراہ الف خان تشریف آوردہ بودند ہمیشہ درین مسجد درس فرمودند
الف خان وقت رخصت ده ہزار تنگہ بخدمت مولانا گذرانید و این مسجد ضعیف و در سال

ششصد و پنجاہ و پنج ہجری باہ ذیقعدہ اتمام یافت

مولانا یعقوب پٹنی بن خواجگی علوی مرید و خلیفہ قاضی زین الدین دولت آبادی حنبلی
بود کسب علوم ظاہر و باطن نمودہ و از برکت شیخ حبیب فیض حاصل کردہ بتاریخ سیزدہم

جمادی الثانی سال ہشتصد ہجری رحلت فرمود۔

قاضی یعقوب مانک پوری خویش قاضی فضیلت علم فقہ و اصول فقہ را خوب میدا
خوش طبع و شگفتہ بود اشعار عربی در بحر ہندی میگفت کہ خالی از کفایت نبود در عہد محمد اکبر بادشاہ
قاضی القضاۃ ہند بود بعدہ علی سبیل التتمیل بمنصب قضای بنگالہ مامور شدہ در مخالفت
با معصوم کابلی شریک بودہ بدین وجہ اورا از بنگالہ طلبیدہ حکم جس قلعہ گوالیار صادر شد
در اثنای راہ گوالیار فوت گردید۔

شیخ یعقوب صر فی تخلص کشمیری خلف شیخ حسن گنای عالمی از اکابر کشمیر بود در سن
نصد و ہفتاد و ہشت ہجری ولادت یافتہ در حداثت سن آثار فطانت و تیز فہمی و بزرگی از
پیشانی اظہار ہو و در ہفت سالگی فضیلت حفظ قرآن مجید در یافتہ علوم متعارفہ بخدمت
مولانا محمد شاہ آئی تلمیذ مولانا عبد الرحمن جامی و نیز بخدمت ملا نصیر اکسب نمودہ و بزیارت
حرمین شریفین شرف اندوز شدہ از شیخ حسین خوارزمی تعلیم باطن و سند حدیث از شیخ
ابن حجر کلبی گرفتہ و در لباس شیخت سفر با کردہ و اکثری از عظامای مشائخ عرب و عجم را ملازمت
نمودہ فوائد کثیرا ندوختہ رخصت ارشاد و ہدایت یافت مریدان وی بسیار بودند شب بخشنہ
دوازدهم ذیقعدہ سال یکہزار و سہ ہجری رحلت فرمود تصانیفہ تفسیر قرآن مجید نا تمام۔
مسکک الاخبار۔ شنوی دامق و عذرا۔ شنوی لیلی مجنون۔ مغازی النبوت۔ مقامات مرشد۔
این ہر پنج کتب مقابل خمسہ مولانا جامی گفتہ۔ مناسک حج۔ شرح صحیح بخاری۔ حاشیہ توضیح

تلوچ۔ حاشیہ رواج۔ حاشیہ رباعیات۔ رسالہ افکار و غیرہا

مفتی یعقوب علی ساکن راجمندی ابن مولوی فضل علی خان در سن دوازده

صد و ہفت ہجری متولد شدہ بخدمت قاضی ارتضاعلی خان و مولوی تراب علی خیر آبادی علوم معقول و منقول اخذ کردہ چندی بعد افتا از سرکار انگلشیہ نامور ہو بعدہ ترک ملازمت نمودہ بشہراجمندری محروسہ مدراس متوطن شدہ بافادہ طلبہ علوم می پرداخت اکثری از طلبہ مدراس بفیوض وی مستفیض شدند بستم رمضان سن دوازده صد و ہشتاد و سہ ہجری وفات یافته ببلدہ راجمندری مدفون گردید۔

شیخ یوسف دہلوی خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی عالم ربانی و ماہر حدیث و تفسیر قرآنی بود کتابے موسوم بہ تحفۃ النصائح مشتمل بر احکام فرائض و سنن و آداب نظم کردہ کہ حرف بروی اورای مہملہ است بسال ہفتصد و ہفتاد و چہار ہجری وفات یافته غریب رحمت گشت **سید یوسف ملتانی** ابن سید جمال حسینی جامع معقول و منقول شاگرد مولانا جمال الدین رومی مکی از اجداد وی از شہد ملتان آمدہ متوطن شدہ وی در عہد سلطان فیروز بلباس پاسبان از ملتان بدہلی قدم آورده سلطان مذکور قابلیت و استعداد او ملاحظہ کردہ ویرا مدرس مدرسہ خود کہ برجوز تعمیر کردہ بود مقرر ساخت وی تا چند سال برمسند درس و افادہ ممکن بودہ عوام و خواص را مستفید گردانید و بر لب الالباب فی علم الاعراب مصنفہ قاضی ناصر الدین بیضاوی کہ مثنی است بس مثنی در نحو شری بسیط بنام یوسفی نوشتہ و توجیہ الکلام شرح سنار در علم اصول ہم از تصانیف ویست بسال ہفتصد و نو ہجری وفات یافته برجوز مذکور مدفون گشت

شیخ یوسف بدہ ایرچی آبای کرام وی از خواندم پوسا لط بعض حوادث روزگار بمالک ہند و سان آمدہ و در خط ایرج متوطن شدند وی شاگرد مرید و خلیفہ خواجہ اختیار الدین است و اخذت سید جمال بخاری و شیخ بابو قتال نیز بہ نسبت خلافت و اجازت مشرف گشتہ وی تالیفات اینفہ مثل ترجمہ منہاج العابدین مؤلفہ غزالی و اشعار نیز دارد صاحب تاریخ عجری کہ از مریدان اوست می نویسد کہ روزی در خانقاہ خود سماع می کرد ہمہ ران حالت جان بحق تسلیم نمود این واقعہ در سن ہشتصد و سی و چہار ہجری بوقوع پیوستہ و صحن خانقاہ خود مدفون گشت سلطان علاء الدین منہدی گنبدی عالی بر مرقدہ شعلہ

تعمیر کردہ رحمۃ اللہ علیہ

مفتی یوسف چچک کشمیری و نقاہت بی ہمتا بود کہ ملا فاضل و ملا عبد الرزاق کشمیری
بکمال دے مقربوند وی اکثر بخدمت خواجہ محمود کشمیری حاضر آمدہ و قایق فقہ و تفسیر حل می کرد

خاتمة الكتاب

در اسمائے کتب ماخذ کتاب ہذا و اسمای معاونین شکر اللہ تعالیٰ و احوال مؤلف

الکتب المأخوذ

سبحۃ المرجان فی آثار ہندوستان مصنفہ حسان الہند سید غلام علی آزاد بلگرامی منتخب التواریخ
ملا عبد القادر بدایونی اخبار الاخیار شیخ عبد الحق محدث دہلوی تاریخ جد ولیہ منشی خادم علی سندیل
مفتاح التواریخ مسٹر بیل انگریز حدیقۃ الاقالیم اندیار عثمانی بلگرامی طبقات اکبری ملا نظام الدین
احمد ہروی تاریخ فرشتہ محمد قاسم ہند و شاہ خزانہ عامرہ غلام علی آزاد بلگرامی طرب الامثال فی
تراجم الاناضل مولوی عبدالحی لکھنوی الاغصان الاربعۃ مولوی ولی اللہ لکھنوی آمد نامہ مولوی
فضل امام خیر آبادی خزینۃ الاصفیا مفتی غلام سرور لاہوری تاریخ الاولیا مولوی سید اشرف علی
عرب مفتی عبد الفتاح ساکن گلشن آباد ناسک سفینۃ الاولیا سلطان دارا شکوہ گورگانے
تغ کبیر مفتی غلام سرور لاہوری تاریخ فیروز شاہی خواجہ ضیاء الدین برنی مسودہ مولوی محمد اشرف
لکھنوی از کتب خانہ حافظ محمد شوکت علی رئیس سندیلہ اعجاز العلوم مولوی سید صدیق حسن خان
قنوجی بھوپالی تذکرۃ الکرام ابوالحسنات پہلواردی بجز خار مولوی وجیہ الدین لکھنوی تذکرۃ الاصفیا
شیخ رحمت اللہ عرف شیخ بری لکھنوی القول الجلی فی تذکرۃ المولوی سخاوت علی مؤلفہ مولوی
محمد محفوظ ساکن بلیا حسرت العالم فی وفات مرجع العالم مؤلفہ مولوی عبدالحی لکھنوی
کنز الہکات لمولانا ابی الحسنات مؤلفہ مولوی حفیظ اللہ عظیم کدھی سیر المتأخرین غلام حسین
طباطبائی حسنی حدائق الحنفیہ مولوی فقیر محمد جملی لاہوری واقعات کشمیر المعروف بتاریخ عظمی
مؤلفہ خواجہ محمد عظیم ابن خیر الزمان انوار الصفی مولوی حسین علی رودلوی آئینہ اودھ مؤلفہ
سید شاہ ابوالحسن مانک پوری ہدیہ مہدویہ مؤلفہ مولوی محمد زمان خان شاہجہان پوری
نجوم اسماء فی تراجم العلماء از اہل تشیع النموذج الکمال و مطارج الاذکیا مصنفہ مولوی آغا حسن خان

کا کوروی عماد السعادت ^{رحمۃ اللہ علیہ} الخیر اللطیف فی ترجمہ العبد الضعیف مصنفہ شاہ ولی اللہ دہلوی
 القول الجلی بذکر آثار الولی مولفہ شیخ محمد عاشق بارہوی مرآت احمدی تاریخ گجرات محققہ الکرام تاریخ سنہ
 اسمای گرامی کسانیکہ حسین تالیف کتاب بذریعہ جوبہر اسلالت تعمیر فادہ و اسناد فرمودہ شکر اللہ علیہ
 مولوی حافظ محمد شوکت علی رئیس اعظم قصبہ سندیلہ ضلع ہر دوی - مفتی سید عبد الفتاح عوف مولوی
 اشرف علی ساکن گلشن آباد ناسک - مولوی محمد ادریس نگرانی - مولوی شاہ عبدالقادر بن شاہ فضل رسول
 بدایوں - مولوی محمد نعیم ابن مولانا عبد الحکیم فرنگی محلی - مولوی عبد الباقی فرنگی محلی مولوی
 محمد شبلی ابن مولانا سخاوت علی جونپوری - سید شاہ ابوالہرکات چشتی بہاری مولوی حافظ
 عبدالکافی احمد آبادی - مولوی سید شاہ صدر الدین کاظمی کڑوی احمد آبادی - مولوی محمد فاروق
 عباسی چڑیا کوٹی - مولوی سید محمد عبدالحی ابن مولوی سید فخر الدین احمد ساکن تکیہ رای بریلی
 مولوی شاہ محمد عادل شاگرد و جانشین مولانا محمد سلامت اللہ

احوال مؤلف

أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَاسْتَنْصَحْتُ مِنْهُمْ

تقریر حقیر راچہ یار کہ از صف نعال ارباب علم تجاوز کردہ بہ پہلوی علما و فضلا نشینہ و خود را در حرکت
 مؤلفین و مصنفین برگزیدہ لیکن با تمثال امانتہ ربک محدث تحریک قلم تولیدہ نگار لازم آمد
 پس مخفی مباد کہ مؤلف اوراق محمد عبد لشکور عرف رحمان علی تجاوز اللہ عنہ ذنبہ الخفی و الجلی بن حکیم
 الحکما حکیم شیر علی غفر اللہ لہ بروز جمعہ دوم ذیحجہ سال چہل و چہارم از صدائی سیزدہم ہجرت
 از کتب عدم بعرضہ وجود قدم نہادہ و بکنار رافت والدہ غفران بآب پرورش یافتہ بعد رسم تسمیہ خوانی
 کہ معمول مسلمانان ہندوستان است قرآن مجید ناظرانہ خواندہ کتب ابتدائے فارسی
 آغاز کردہ تا نصاب ابوالنصر فرہابی رسیدہ بود کہ سایہ پدری از سرش رفت حکیم احسان علی خان
 کہ از برادران اعیانی کلان تر بودند بہ تربیت و تادیب من ہجوارہ آمادہ شدہ بفتح پور مقرر خود بودند
 در آنجا از ضروریات فارسی فارغ گشتہ بخدمت مولانا محمد لشکور محلی شہرے صدر الصدور
 ضلع فتحپور و مولانا ثابت علی بہکوی و مولوی سید حسین علی فتحپوری و مولانا عبد اللہ زید پوری و
 مولانا شاہ محمد سلامت اللہ بدایونی کانپوری و مولانا قاری عبدالرحمن پانی پتی استفادہ

کتاب درسیہ منوہ تاریخ ہجری سیم سال دوازده صد و شصت و ہفت ہجری بدستگیری
برادر کلان خود مولوی حکیم امان علی خان مرحوم ریاست ریوان رسید چون بدبدر با پور گھو راج سنگھ
خلف الصدق و ولی عہد ہماراجہ بشناختہ سنگھ والی ریوان آدم معری الیہ مستفسر نام شدند
عرض کردم عبد لشکور فرمودند این لفظ بر زبان ما ثقیل می آید نام شمار حمان علی ہموزن نام برادر
شما بہتر است تسلیمات بجا آوردم ازان روز بہمین نام مشہور شدم و درین ریاست بکار
سفارت جی پور و منصر می فوج تعینہ تا دیب باغیان کہ شاہراہ دکن را مسدود کردہ بودند و
پیشی دیوان ریاست و منظمی ریست و دہشتی مجسٹری و سول جی و مجسٹری درجہ اول وقتا فوقتاً
مامور بودم در سال ہیزدہ صد و ہشتاد و چہار عیسوی ممبر کونسل ریاست باختیارات سکرتری
مقرر شدہ بہمان عہدہ ممتازام شانزدہم فروری سال ہیزدہ صد و ہشتاد و ہفت عیسوی بمقرر
جیوبلی قیصر ہند خطاب خان بہادر از پارک گاہ گورنمنٹ ہند عطاشدہ سیر ڈی ڈبلیو کی بار صاحب
بہادر پوٹیکل اجنٹ و سپرنٹنٹ ریاست بمقام ریوان بتاریخ بہست و دوم اپریل ۱۸۸۵ء
در بار عام منعقد فرمودہ بعد خواندن اسپیچ سند خطاب مہری گورنر جنرل بہادر ہند از طرف
گورنمنٹ ہند و عصا کے نقرہ مع چوبدار و خلعت اند ریاست بدست خاص عنایت فرمودہ
درین قبل بسال دوازده صد و ہفتاد و ہشت ہجری سجدی بمقام ریوان از سنگ بنا کردم کہ
مصارف آن از عائدات مسجد ظاہر است دیدم عافی دواسے کہ از ریاست یافتہ بودم بنا بر صرف
مسجد مذکور وقف کردم از آمدنی آن موضع تنخواہ موذن و پیش امام و صرفہ مرمت و جاناہار
و غیرہ متعلقہ مسجد می شود چند قطعات تواریخ بنای این مسجد کہ جناب مولانا ابوالخیر سعید الدین
کافلی منظوم شعرا کے لکھنو فرستادہ بودند بنا بر ملاحظہ ناظرین زیب ترغیمے یابند و ہونہا

قطعه تاریخ

ہر ستونش ساق عرش کبریا یا ساق حور	حبنا مسجد کہ محش چون رخ خور از لور
در رقم مسجد بنای قبلہ عہد الشکور	بہر تاریخ بنائش نشی و نکر سیا

دیگر در عربی

اس العبد مسجد الفرق	مجزاہ الیمن المطلق
---------------------	--------------------

ارخ الفکر ذاک مصراعاً	ذلک المسجہ الحرام بحق
------------------------------	------------------------------

دربصرد روزگار مسجد این آیه کریمہ کتہہ است کہ ازان تاریخ بنا نش می برآید۔ لیعبود اللہ
 تخلصین لہ الدین جنفا و اجازت بیعت و خلافت ہر چہ چار خاندان بسلسلہ چشتیہ صابرہ از
 حضرت مولائی و شیخی مولانا حافظ حاجی محمد حسین عمری عجب اللہی الہ آبادی یا قلم تألیفات خود
 را عطا انظار اہل علم نمودن اتحاف موزہ و زینبیل است پیش خاقان بقول **ہم چشم و سلم**
 شرم دارم بہ کہ سوی چشمہ حیوان فرستم بہ تاہم انچہ از بضاعت مزجات با خود دارم **مے نگارم**

کتاب مطبوعہ	
--------------------	--

فوائد جلالیہ منظومہ فارسی در اصول نحو و ہموزن و قافیہ ماتہ عامل مطبوعہ دہلی تحفہ مقبول در
 فضائل رسول صلعم بزبان اردو مطبوعہ مطبع نظامی سطریقہ محسنہ در ابیات مولد و قیام بزبان
 اردو مطبوعہ لکھنؤ۔ آداب احمدی در بیان سخن زوائد عبارت اردو مطبوعہ بنارس۔ ریاض اللہ
 تاریخ امیران اندرونی دہر و بی ہند کہ از گورنمنٹ ہند سلامی اتواپ می یابند اردو مطبوعہ لکھنؤ
 نخبۃ البحرین در بیان حفظ صحت مشتمل بر قواعد سلمہ اطباء یونان و ہندوستان اردو مطبوعہ لکھنؤ
 انبیۃ الاسلام عبارت عربی در بیان انبیہ خمسہ اسلام بطور شرح حدیث بنی الاسلام علی خمس الحدیث
 کہ بار الخلفاء قسطنطنیہ مطبوع شدہ بحرین شریفین و بغداد و مصر و بصرہ و شام و تونس و غیرہ
 تقسیم گشت۔ طب رحمانی عبارت فارسی مشتمل بر محالجات قلیل الاجزاء مطبوعہ اگرہ۔ تحفہ
 جسمانی عبارت اردو مشتمل بر بیان اصول سگاہ و خواص ماکول و مشروب مطبوعہ نظامی۔
 ہرہفت در بیان اشیای ہفتگانہ عبارت اردو مطبوعہ میلان۔ کفارۃ الذنوب و بیان ادا
 کفارہ روزہ و نماز میت و طریق اسقاط فدیہ مطبوعہ اگرہ۔ عجالہ نافعہ متضمن اقوال نصیحت آمیز
 عبارت اردو مطبوعہ دہلی تحفہ خان بہادر بدایین کرشی نامہ قوم بگیل مطبوعہ الہ آباد

کتاب غیر مطبوعہ	
------------------------	--

نیۃ اللیبیب فیما یسر بہ الادیب شرعی۔ دریائے لطافت لطائف و ظرائف اردو آفتاب
 حکمت اقوال حکمای سلف اردو۔ تواریخ بگیل کھنڈاردو

کتب زیر تالیف اللہ تمہا

تاریخ التواریخ - میزان الموائین - جغرافیہ عرب - تعلیم رحمانی - ندیم الاطبا

تکملہ الکتاب

آنگاہ جلوہ ظہور پذیر کہ تراجم کامل اعیان افاضل ذیل بخیر تحریر و رأیت اسماعیلی شریفیہ انہما جمعی دیگر
کہ بعد ازین قدم برزدر ساحت وجود ہند حوالہ نموده سے آید تا کسی موافق بہ تکمیل آن گردد
و ہامد التوفیق و بیدہ از متہ تحقیق قاضی ابراہیم سندی ساکن در بیلہ مضافات سوسنان
ملک سندھ اکابر علما بود۔ قاضی ابراہیم ٹھٹوی نبیرہ مخدوم فیروز جامع کمالات صور سے
معنوی برآمدہ در عمد شاہجہان بادشاہ افتای شاہجہان آباد و قضاے عسکر داشت
میر ابو البقا صاحب تصانیف کثیرہ معاصر نصیر الدین محمد ہمایون شاہ = ابو جعفر عمر لاہوری
ابن اسحاق لاہوری بفضل و دانش طاق و در زہد و تقوی شہرہ آفاق بود۔ مولوی ابوالحسن
ساکن کاندہلہ = ملا ابوالحسن کشمیری معروف بشاہم بابا معاصر شہاب الدین محمد شاہجہان بادشاہ
بود۔ قاضی ابوالخیر بکری = محمد ابوالخیر ٹھٹوی در فتادای عالمگیری شریک استنباط مسائل بود۔
قاضی ابوسعید بکری ولد قاضی زین الدین بوفور فضیلت و حضور قریمت از ممتازان روزگار
بود۔ ابوالفتح ولد شیخ اندایہ خیر آبادی معاصر سلیم شاہ ابن شیر شاہ سور = قاضی ابوالقاسم بن ملا
جمال الدین سیالکوٹی معاصر نور الدین محمد جہانگیر شاہ = امیر ابو المعالی برادر امیر علدار الملک تفسیر
سورہ اخلاص و رسالہ عدالت و انونج العلم از مصنفات اوست در سال ہزار و چہل و شش
ہجری بملک بنگالہ وفات یافتہ = ملا احمد پٹنی گجراتی = ملا احمد ٹھٹوی شاگرد شاہ فتح اللہ در عمد
جلال الدین محمد اکبر بادشاہ بود۔ مولوی احمد حسن مصنف صراط الایمان وغیرہ = مولوی احمد گل
نائب مفتی بھوبال = مولوی احمد شاہ سندی = مولوی احمد کبیر ساکن قصبہ بھلواری = مولوی
سید ارشاد حسین ساکن پٹنہ = مولوی ارشاد حسین رام پوری = ملا اسحاق رامپوری ولد ملا احمد
ولایتی = ملا اسحاق بکری = مولوی اسد اللہ ساکن پٹنہ = قاضی اسمعیل صفہانی گجراتی معاصر
سلطان محمود بیک گڑھ = قاضی اشرف حسین ساکن ہونہ مضافات ٹھٹوی = مولوی اعجاز الدین سندھلی
ابن سید غلام اولیا مخدوم زادہ قصبہ سندھلیہ شاگرد مولوی حمید علی سندھلی میجر بہم صفر

سال دوازدہ صد و پنجاہ و شش ہجری فوت شد۔ مولانا افتخار الدین بنی معاصر علماء الدین علمی
مولانا افتخار الدین گیلانی معاصر غیاث الدین تغلق۔ ملا فضل ننگ کشمیری بن ملا حیدر چرخ
در عہد محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ بود۔ مولوی اکبر علی پشاورى۔ مولوی آل محمد
ساکن قصبہ پھلواری ضلع پٹنہ۔ مولوی آل حسن موہانی مصنف رسالہ استفسار در رد عقاید
انصاری۔ مولوی الفت حسین شیعی مصنف معجزہ فرقان وغیرہ۔ ملا الہداد سہروردی معاصر
بہلول لودی۔ مولوی الہداد ساکن کلکتہ۔ مولوی الہی بخش فیض آبادی مصنف عمدۃ المرام
فی تحقیق الحکماء والکلام۔ آلیاس منجم آر دیلی استاد ہمایون بادشاہ جاگیر دار پر گنہ موہان مضافات
لکھنؤ۔ ملا امام الدین دہلوی دراصل لاہوری است سیاضی دان بود کہ بدلی وطن گرفتہ مشرقی
مختصر تشریح الافلاک مصنف بہاء الدین آملی در سالانہ صد و سہ ہجری نوشتہ کہ بنام انصاری
فی شرح التشریح شہرت دارد۔ مولوی امام الدین ساکن ٹونک۔ سید امان تنوچی معاصر
بہلول لودی۔ مولوی امین اللہ سالن پھلواری۔ مولوی امین اللہ مدرس کلکتہ کہ قصیدہ
غزاد نعت رسول مکرم صلعم از مشہور است۔ مولوی امین احمد بہاری۔ سید امیر احمد نقوی
سہسوانی۔ مولوی امیر حسن سہسوانی۔ مولوی امیر الدین ساکن کاری ضلع گیا۔ مولوی
انوار الحق بنگلوری۔ مولوی انور علی لکھنوی مصنف انوار الخواشی۔ بابا خواجہ قاضی اوجین در
در عہد اکبر شاہ بود۔ مولوی باب الحد جوہوری۔ ملا باقر صباغ کشمیری شاگرد ملا باقر داناہ۔
ملا باقر لکھنوی کشمیری شاگرد ملا باقر صباغ۔ شیخ بایزید بہان پوری عالم متون و فاضل تشریح بود
خرقہ خلافت از شیخ محمد معصوم سہروردی قدس سرہ داشت۔ مولانا بایزید مفتی لاہور در عہد
اکبر شاہ بود۔ مولوی بدر الدین ساکن قصبہ پھلواری۔ مولانا بدر الدین واعظ در عہد علماء الدین
خلجی انا و در بہلی آندی و تذکیر کفایتی زاہد و مفتی بود و تذکیر او جمعیت بسیار شدی و وعظ او در
دلہا کار کردی و از بکا و رقت تذکیر او گرم شدی۔ بدر الدین بن شیخ ابراہیم سہروردی شارح
خلاصہ کیدانی۔ بدر قوام نہروالی بہرہ جی۔ شیخ عبد ساکن لکھنوی کہ از او تذکیر ابراہیم گویند معاصر
بہلول لودی۔ مولوی برکت اللہ آبادی۔ مولانا برہان الدین بہاری در عہد علماء الدین علمی بود
مولانا برہان الدین بزاز صاحب سلطان غیاث الدین بلبن بود۔ مولوی بشارت حسین مدرس

مدرسه رام پور = مولوی بشیر الدین قنوجی = مولوی بشیر الدین دهلوی = حکیم فقار الله خان سندیلی
 شاگرد حکیم بزرگ علی خان موہانی ہفتہ ہم شوال سال دوازده صد و شصت و چہا ہجری قات یافت
 طبیب حاذق و نباض صادق بود = مخدوم بلال سندھی ساکن تلی از مصنفات سوستان
 ملک سندھ و علم ظاہر شانی عظیم داشت = سید بندگی حسن بلگرامی از سادات ترندی بلگرام
 در عرفی و فارسی و ہندی استعداد کلی داشت ایمان تخلص میکرد شاگرد میر غنیمت اللہ بجز بود =
 ملا بدھن ایٹھوی برادر ملا جیون = قاضی پیارہ ساکن لکھنوی معاصر بہلول لودی = ملک
 تاج الدین گرامی در عهد جلال الدین خلجی بود = تلج الدین کلاہی و سید تاج الدین قاضی اوہ
 در عهد جلال الدین خلجی بودند = شیخ تلج الدین دهلوی در عهد اکبر شاہ بود = ملا تقی از فضلا عصر بود
 در تاریخ مہارتی کامل داشت کتابی در ہیئت از مصنفات اوست ادلا نام عبد الرحیم خانانا
 بود بعد ازان منظور نظر اکبر بادشاہ شدہ در عهد جہانگیر ترقی منودہ بصدارت رسید و مورخ خان
 خطاب یافت در سال ہزار و بیست ہجری در گذشت = تقی الدین واعظ معاصر فرزند شاہ بود =
 میر جان محمد بلگرامی عالم و فاضل و حافظ و قاری بی نظیر صاحب فکر و نگین بود و سال ہزار و یکصد و
 چہل زیارت حرمین شریفین و عتبات عالیہ شتافت = مولوی جعفر علی ساکن کسمندے ناظم
 نظم الفرائض = مولوی جعفر علی رام پوری = ملا جلال الدین معاصر سلطان شمس الدین التمش =
 قاضی جلال الدین کاشانی ولد قاضی قطب معاصر سلطان غیاث الدین بلبن = خواجہ جلال الدین
 امیر چوہ و نائب وزیر = مولانا جلال الدین بہکری در عهد جلال الدین خلجی بودند = مولانا جلال حسام
 درویش واعظ و مدد علماء الدین خلجی تذکرش مزبور خوف و خشیت بودی و ہم سخنہای ظریف گفتی =
 قاضی جلال الدین دلوہی در عهد علماء الدین خلجی قاضی ممالک بود = مولوی جلال الدین رام پوری
 مولانا جمال الدین ساطعی از علمای قرأت در عهد علماء الدین خلجی بود = مولوی جمال الدین مونگیری
 مولوی جمال الدین مدرسی = ملا جمال ملتانی و انشمنہ مستعد معاصر جلال الدین محمد اکبر شاہ =
 ملا جمال لاہوری بسی مردم نیک در شاگردی دی بکمال رسیدند = مولوی جمال شاہ صرنی راسو
 مولوی جمیل حمد سوانی = مولوی جمیل حمد بلگرامی = ملا حاجی بانڈی کشمیری شاگرد یعقوب صرنی
 و محمد نور الدین محمد جہانگیر شاہ بود = ملا حاجی گنای کشمیری عزت المارضوی و دیگر علماء درین یاد

چون بایام شاهزادگی عالمگیر قصد خروج بر شاهجهان نمود فتوای آن از علمای اردوی معلی خواست
همه تصدیق خروج کردند مگر ملا حاجی مذکور کناره کشی نموده گفت هر چند فسق و فجور از سلطان بظهور آید
خروج که باعث فتنه است خاصه بمقابله پدجائز نیست - ملا حامد جوپوری اکثر کتب متداوله نزد
محمد نیا دیده و بعض علم در خدمت دانشمند خان استفاده نموده در عهد شاهجهان بسکک
روزی به بلان نسکک بود در عهد عالمگیر داخل مؤلفین فتاوی شده بتعلیم شاهزاده محمد کبر سر فرازی یافت
ملا حبیب در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه مدرس بود - ملا حبیب کشمیری در عهد نور الدین محمد جهانگیر شاه
میر عدل بود - مولانا محبت ملتانی معاصر علماء الدین خلجی - ملا حسام الدین سرخ لاهوری معاصر
جلال الدین محمد اکبر شاه - مولانا حسام الدین اندریتی معاصر غیاث الدین بلبن - مولانا حسام الدین
سرخ و مولانا حسام الدین شادی معاصر علماء الدین خلجی بودند - مولانا حسام الدین متقی ملتانی
از اجله روزگاری و کلمه اندیاز در پاس آداب شرع نهایت اہتمام می و در یک کثرت و قاتش در عبادت
و افاده طلبه مصروف بود و مرقدش بقبریه حسام پور مصفا ملتان واقع است - مولوی حسن جان
سندی پیش علمای سندیلہ و نیز خدمت حافظ محمد شوکت علی تقصرت - مطولات گذرانیده
قریب الفراغ است اللهم بلغالی یا مولی - شیخ حسین تبریزی در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه مدرس
دہلی بود - مولانا حمید الدین مخلص و مولانا حمید مقری از علمای قرأت معاصر علماء الدین خلجی بودند -
مولانا حمید مفسر سنہلی معاصر نصیر الدین محمد ہمالیون شاه - شیخ حمید احمد آبادی معاصر جلال الدین محمد
اکبر شاه - شیخ حمید سندی برادر شیخ رحمت اللہ ولد قاضی عبداللہ بن قاضی ابراہیم ساکن در سیلہ
بحمد والاموصوف و در علوم عقلی و نقلی حظوانی و در حدیث و تفسیر بطولی داشت ہمراہ خان عظم کوہ
بسکک معظمہ رفتہ مقتدای اہل حدیث شد - قاضی حماد عباسی ٹھٹوی در فضیلت و کمال ائم
و در تقوی و توسع اکرم بود - حمید الدین مسعود لاهوری ابن سعد لاهوری حمید دہر و فرید عصر بود
مولوی خادم حسین سندی عرف ابو علی ابن حکیم بقا اللہ خان سندی بپشتانزدہم ذیقعدہ سال
روازدہ صد و شصت و پنج ہجری بمقام بھوپال رحلت کرد - مولوی خدا بخش پنجابی - مولوی
خلیل الرحمن راجپوری محشی دائر الاصول - خواجہ علی دانشمند از ماوراء النہر در عهد جلال الدین محمد
اکبر شاه بہ ہندوستان قدم آورده مورد مرام خسروانہ شد - مولوی سید خواجہ احمد نصیر آبادی

تذکرہ علمائے ہند

از تلامذہ مولوی سخاوت علی در صورت و سیرت یادگار صلحای سلف پیدوسے یاد رہا بنام دیدیم
 رحمۃ اللہ علیہما۔ خواجہ میر مورخ مصنف تاریخ حبیب السیر و خلاصۃ الاخبار و دستورالوند و عمد
 تطہیر الدین محمد بابر شاہ بود۔ مخدوم خیر الدین برہانپوری۔ مولوی خیر الدین مدرسی۔ ملا داؤد مستلی
 صاحب فضل و علم بود۔ ملا داؤد مشکوی کشمیری شاگرد خواجہ حیدر چرخ معاصر محی الدین محمد
 اورنگ زیب عالمگیر بود۔ ملا دانیال جوراسی شاگرد ملا عبد السلام ساکن دیوہ بود۔ شیخ دانیال
 جوہوری۔ ملا دراز پشاور۔ قاضی و ناسوستانی ولد قاضی شرف الدین المشہور مخدوم راہوار
 علمائے نامدار قاضی القضاۃ بود بصحبت بسیاری از علمای باطن رسیدہ نظر فیض یافتہ و مدتی
 بخدمت پدر کسب فضائل نمودہ علم حدیث از مخدوم ہلال موختہ و اکثر علوم از خدمت مخدوم
 محمود فخرودہ و مخدوم عبد العزیز ہروی یافتہ بیشترہ تفسیر قرآن مجید بطالعہ آورده معانی و دقائق
 اہل متحضر ساختہ و از علم جفر و غیرہ علوم عربیہ نصیبی کامل اندوختہ حافظ چندان داشت لکن اکثر کتب
 ظہر الغیب خواندی مرزا حسن شاہ از ملا عینیا یافتہ و مخدوم عثمان ویرا استاد لقب دادہ بعد
 وفات بقرہ بانیمان مدفون گشت۔ سوستان از تلامذہ سندست ملا دوست محمد کابلی ابن
 ملا محمد امیر مؤلف رسالہ عین الاصابہ فی رفع السبابہ۔ مولوی ذوالفقار علی ساکن دیوہ۔ مولوی
 ذوالفقار علی ساکن کلکتہ۔ مولوی ذوالفقار احمد ساکن بھوپال۔ ملا حبیب گنای کشمیری در عمد
 محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود۔ شیخ رحمۃ اللہ سندھی ولد قاضی عبد اللہ ولد قاضی ابراہیم
 ساکن در بیلہ یفنون فضل و کمال آراستہ بی نظیر وقت بود۔ رسالہ مناسک سراج از یادگار اند۔
 مولوی رحمت اللہ کراچی مناظر پادری و نثر مصنف انالہ الادب ہام و اعجاز عیسوی و انہما را الحق
 و غیرہ نزہل مکہ معظمہ نادہا اللہ شرفاد تعظیما۔ مولوی رستم علی رامپوری محشی میر شاہ رسالہ مولوی
 رشید احمد گنگوہی۔ مولوی رضی الدین الکاآبادی ابن مولوی برکت۔ رحمتی الدین احمد ساکن
 پھلوا ری۔ مولانا رفیع الدین گارونی معاصر سلطان غیاث الدین بلبن۔ قاضی رکن الدین
 سامانہ معاصر سلطان غیاث الدین بلبن۔ مولانا رکن الدین سنہی معاصر علماء الدین خلجی۔
 سید رکن الدین قاضی کرا در عمد سلطان علاء الدین خلجی بود۔ مخدوم سراج اللہ بکر سہ۔
 ملا بہنورد لاہوری از علمائے اعلام وقت خود گذشتہ۔ مولوی ریاضت حسین مؤلف

تذکرہ علمائے ہند

تذکرہ علمائے ہند

ریاض العرفان = شیخ زین الدین حوالی معاصر ظہیر الدین محمد بابر شاہ = مولوی زین العابدین قاضی
 بھوپال = مولانا سراج الدین سجری معاصر غیاث الدین بلبن = مولوی سراج الدین لکھنوی
 شایع زبدۃ الصرف = قاضی سراج الدین علی خان اقضی القضاۃ کلکتہ بسال دوازدہ صد
 ہست بھجری کتاب جامع التفریحات بزبان عربی تالیف کردہ باز بہ ترجمہ آن بزبان فارسی
 برداختہ نامش جواہر زواہر نہاد = مولوی سراج احمد سہارنپوری شارح ترمذی =
 مولوی سراج احمد سہسوانی = قاضی سدید الدین معاصر غیاث الدین بلبن = مولوی
 سدید الدین دہلوی = مولوی سعاد علی سہارنپوری = مولوی سعاد علی بہاری = ملا سعد احمد
 لاہوری باوجود فضیلت موفورہ روش ملا متہ داشت = ملا سعد سندی در فضیلت اتم
 دور کمالات مزج ام بود شلک سعد الدین منطقی در عمدہ علاء الدین خلجی صاحب طبل و
 نقارہ بود = ملا سلطان از شاہیر مدرسین عمد اکبر شاہ بادشاہ بود = شیخ سلیمان بلگرامی از
 علمائے عمد اکبر بادشاہ صاحب استعداد بود = میران سید اخی قنوجی عالم مستعد معاصر بہلول
 لودی = سید محمد بن سعید خان دہلوی دانشمند مستعد معاصر بہلول لودی = مولوی سید محمد
 کاپروی مدرس سیہور مخروسہ بھوپال = مولوی سید میان ساکن سورت از اساتذہ مولوی
 سید عبدالفتاح گلشن آبادی بود = مولوی سیف الدین مدرس مدرسہ رامپور = ملا
 شاہ محمد شاہ اہلبی ماہر ریاضی و نجوم معاصر اکبر شاہ = مولوی شاہ محمد خان رامپوری = شاہ امیر
 از علمای صوفیہ اگرہ معاصر اکبر شاہ بود = قاضی شایندہ سوستانی از اجلہ علمای اقلیہ
 روزگار بود شریعت ریا را طریقت و طریقت را توامان حقیقت داشتہ خلف ارشدش
 شیخ میر محمد مشہور بہ میان میر لاہوریست کہ بسال ہزار و چہل و پنج ہجری رحلت فرمودہ
 مولانا شرف الدین دلواہی معاصر غیاث الدین بلبن = قاضی شرف الدین سراہی معاصر
 علاء الدین خلجی = مولانا شہاب الدین خلیل در عمدہ علاء الدین خلجی بود در تذکرہ طریقہ خوف
 و خشیہ مراعات کردی و نظم خواندی و بیشتر تفسیر قرآن مجید بیان فرمودی و قصص و حکایات
 سلوک و آثار علمای آخرت گفتی و در تذکرہ جمعیت بسیار شدی و سامعان را رقتی تمام بودی
 مولانا شہاب الدین ملتانی معاصر علاء الدین خلجی = مولوی شہاب الدین احمد ساکن ہنسہ

تذکرہ علمائے ہند

تذکرہ علمائے ہند

تذکرہ علمائے ہند

ضلع پٹنہ خواجہ شمس الدین خوارزمی استاد مولانا نظام الدین اولیا قدس سرہ معاصر غیاث الدین
 بلبن۔ مولوی شمس الدین بدایونی بن مولوی محمد علی عثمانی بدایونی عثمی شرح وقایہ۔ قاضی
 شمس الدین مزاجی عالم تبحر معاصر غیاث الدین بلبن۔ مولانا شمس الدین نعم معاصر علماء الدین
 خلجی۔ قاضی شمس الدین گازیونی معاصر علماء الدین خلجی۔ شیخ شمس الدین جوہوری برادر خرد
 شیخ محمد ماہ جوہوری در عہد عالمگیر بدیس علوم و سلوک در جوہور اشتغال داشت۔ مولانا
 شمس الدین باختری معاصر سلطان فیروز شاہ۔ شمس خان لاہوری ملای صاحب استعداد
 معاصر اکبر شاہ۔ مولوی شمس الاسلام بدایونی عالم مستعد بود۔ ملا شیر علی لاہوری ابن قاضی
 عبدالحی ساکن قصبہ کوکوال من اعمال پنجاب فاضل مستعد بود۔ ملا صالح سہرندی در عہد
 سلطان بہلول لودی بود۔ خواجہ صادق کشمیری معاصر جہانگیر بادشاہ۔ مولانا صدر جہان از
 اجلہ علماء گجراتست بوز و تقوی متصف ہمارہ بطلبہ علوم درس میداد مولانا شیخ احمد
 بن شیخ بہران از تلامذہ دیست و بہضرت سید محمد المشہور شاہ عالم گجراتی انکاری داشت
 کہ آخرش مبدل بہ اعتقاد گشت۔ صدر جہان نقوی از سادات رفیع الشان بامرتوے
 در عہد عالمگیر ممتاز بود۔ مولانا صدر الدین گندھک معاصر علماء الدین خلجی۔ مولانا صدر الدین
 ہماری معاصر علماء الدین خلجی۔ قاضی صدر الدین عارف در عہد علماء الدین خلجی صدر جہان بود شیخ صدر الدین
 مٹھوی اجل علماء و فضل اقیام معاصر نظام الدین شاہ سند بود جامعیت علوم بدان غایت داشت کہ بزرگ
 شاگردا بر تہ کمال علمی رسانید و لاہور و سید محمد جوہوری مدعی ہمدویت بہ مخالفتش پیش آمدہ آخر
 بدین سید محمد داخل زمرہ مریدان راسخ گردیدہ۔ سید صدر الدین نقوی از اعظم علمای بلند قنون
 بعد سلطان سکندری در سال شش صد و چہار ہجری بودہ مدام ملازم رکاب سلطان می بود
 قاضی صدر الدین لاہوری در علوم عقلیہ و نقلیہ مہارت کامل داشت۔ سید صفای بہکری
 صاحب علم و عمل سر آمد فضلائی اجل شیخ الاسلام بہکری بود رسالہ تصدیق و رد یک ہجرت
 در گذشت۔ بہکری شہر لیست از مضافات سند۔ مولانا صلاح الدین سترکی معاصر علماء الدین
 خلجی از مدرسین نامور بود۔ قاضی صوفی در عہد اکبر شاہ قاضی لاہور بود۔ مولانا ضیا الدین بیانیہ
 در عہد علماء الدین خلجی صدر جہان بود۔ قاضی ضیا الدین النجاشی بقاضی خان معاصر

قطب الدین مبارک شاہ بود۔ خواجہ ضیاء الدین واعظ مصنف مناقب ابراہم وغیرہ۔ قاسم
ظہیر الدین معاصر سلطان غیاث الدین بلبن۔ مولانا ظہیر الدین لنگ۔ مولانا ظہیر الدین
بھکری معاصر علاء الدین خلجی بودند۔ ملا عالم بھکری عالم علوم ظاہر و باطن بود۔ قاضی عباس
برہانچری ولد قاضی نصیر الدین دانشمند تہجد و شاہجہان بادشاہ بفرمان اعزازش طلبید و
بعنايات شاہی مہابی شدہ بطن مراجعت نموده درگذشت۔ شیخ عبداللہ متقی ابن مولانا سعد
ساکن در بیلہ نواک سند در علم تفسیر وحدیث بی نظیر وقت بود در سال ہند و چل و ہفت ہجری
بکجرات رفتہ اناجہا بر فاققت قاضی عبداللہ ساکن در بیلہ بحرین شرفین رفتہ اوقات عزت و
رسانیدہ در ہمہ علوم تصانیف و رسائل خوب دارد۔ خواجہ عبداللہ غازی کشمیری ملا عبداللہ
ملارٹی کشمیری در عہد شاہ بہمان از علمای نامور بودند۔ بابا عبداللہ بن مسعود کشمیری معاصر
جہانگیر بادشاہ بود۔ مولوی عبداللہ مصنف تحفۃ المند۔ قاضی عبداللہ سندھی ولد قاضی ابراہم
ساکن در بیلہ فضائل از خدمت مخدوم عبدالغفور لاہری آموختہ تقوی کامل و دین شامل دہشت
بعد فتح شاہ بیکہ اندر بیلہ بر باغیان نقل نموده در سن ہند و سی و چہا ہجری بکجرات دکن آمدہ
وانا جہادینہ طیبہ رفت و سکونت در اہم اختیار فرمودہ در گذشت۔ ملا عبداللہ سیالکوٹی بن ملا
عبداللہ حکیم گرواوری علوم از پدہ فائق برآندہ۔ مولوی عبداللہ ساکن موضع بہکرا سواہون ہلالک
بنجاب مصنف رسالہ کشف الحال عن التمزید بالمال۔ مولوی عبداللہ شہینی۔ مولوی عبداللہ
دہلوی۔ مولوی عبداللہ رامپوری۔ مولوی عبداللہ سہارنپوری۔ مولوی عبداللہ محمد آبادی
مصنف عرفان انرفان۔ مولوی عبید اللہ رامپوری۔ مولوی عبید اللہ مدرس جامع مسجد بنی
مولوی عبدالباری مصنف اعلام الاخبار وغیرہ۔ مولوی عبدالباری ساکن کلکتہ۔ مولوی
عبدالباری ساکن ہردوان۔ ملا عبدالباری بنگالی شاگرد ملا محمود جوہنوی کہ بمن مجتہد دانشمند
برگہ بعد حلتش در چنپور ماند در اکثر علوم خصوصاً در معقولات یگانہ بود و از علمائے آنجا گوے
سبقت مے ربود بدرگاہ عالمگیر رسیدہ موضعی بمحیی ہند صدر عہد سیدغال یافتہ مراجعت نمود
در آنجا بدین طلبہ علوم عمر غیش بسر فرمودہ ملا عبداللہ جلیل در عہد اکبر شاہ مفتی لاہور بود۔ مخدوم
عبداللہ جلیل مفتوی در فضیلت اشہر ایام اصلش از بند لاہری است در عہد شاہجہان بود۔

پسرانش ابو الفتح محمد شریف و محمد شفیع هر یک در نصیحت و قابلیت نامور بودند. مولوی عبدالحق
 کانپوری شمس العلماء مولوی عبدالحق پنجابی مولوی عبدالحق سهارنپوری ملا عبدالحکیم بن ملا عبدالحکیم
 کشمیری در عهد عالمگیری بود مولوی عبدالحکیم واعظ مصنف عشره کامله و غیره مولوی عبدالحکیم
 سهارنپوری مولوی عبدالحمید رام پوری شیخ عبدالحی و شیخ جمال کنبوه دہلوی معاصر سلطان
 سلیم بود میر عبدالحی خراسانی در عهد اکبر شاه صدالافاضل بود مولوی عبدالحق دیوبندی
 ملا عبد الرحمن ساکن سیکری معاصر بهلول لودی مولانا عبد الرحمن طشوی در علوم عقلیه و نقلیه
 بنی نظیر بود با فادہ دینی می پرداخت معاصر مرزا عیسیٰ و مرزا باقی ملا عبد الرحمن بوہرہ احمد آبادی
 و ملا عبد الرحمن لاہوری معاصر اکبر شاه بودند قاضی عبد الرحمن سندی از اجل علماء و فضل فضلا
 از عهد شاہجهان تا عهد عالمگیری متولی نند رحیمین شریفین بوده جایگزین مشروطاخذ دست داشت
 بہرینہ طیبہ رحلت فرمودہ و قبر محمد حیات سندی مدفون گردیدہ مولوی عبد الرحمن ساکن بھلپوری
 مولانا قاری عبد الرحمن بانی تپی ملا عبد الرحیم کشمیری در عهد عالمگیری بود مولوی عبد الرحیم بامپوری
 مولوی عبد الرحیم چنپوری ملا عبد الرزاق پانڈی کشمیری ملا عبد الرزاق محشی تھمسیر یہ
 و مصنف رد محاکمات در عهد شاہجهان از علمای نامدار کشمیر بودند ملا عبد الرزاق کشمیری شاگرد
 خواجہ حمید چرخي در عهد عالمگیری بود مولوی عبد الرسول سہارنپوری مصنف تن متین و غیره
 ملا عبد الرشید زندگ کشمیری شاگرد محمد افضل چرخي در عهد عالمگیری بود مخدوم عبد الرشید ساکن
 بالہ کنڈی مالک سہ از اجل علماء و اکمل اقیاء بود جمع کلان از بواسفادہ کمال علمی عملی رشید و زکار
 شدہ مولوی عبد البہمان پشاورى ملا عبد السلام ساکن یوہ شلاح تہذیب منطق شمس الاول
 شاگرد ملا عبد السلام لاہوری بود مولوی عبد السلام آروی مولوی عبد السلام بانی تپی
 ملا عبد الشکور لاہوری در عهد اکبر شاه قاضی چنپور بود مولوی عبد الشکور فیض آبادی مولوی
 عبد الصمد پشاورى مولوی عبد الصمد سہوانی مخدوم عبد الغزیزا بانی ساکن کاہان مضاف
 سوستان ملک سند محدث اہر عزیز مصر تخرید قیق و برگزیدہ کشور تحقیق باد و سپرد والا گرسر بسر
 علم و ہنر اعنی مولانا اشیر الدین و مولانا یار محمد بزبان جام فیروز بہ سبب خروج شاہ اسمعیل باضی
 ادہارت بموضع کاہان قدم آورده آن سرزمین را بشعر علوم منور ساختہ ہمدان جارا حل قاست

انداختند و ہما نجا چشم از مطالعہ نسخہ حیات پوشیدند تصانیف عربیہ چون شرح مشکوٰۃ و حواشی
اکثر کتب متداولہ انا نہا یادگارند مولوی عبدالغفر زریا بادی = مولوی عبدالغفر لکھنوی مؤلف
پیغام محمدی وغیرہ = حافظ عبدالعلی رام پوری بن ملا محمد عمران بن ملا محمد غفران در سال دوازدہ
صد و نو دہ ہفت ہجری وفات یافتہ = مولوی عبدالعلی بن مولوی فضل الرحمن رامپوری
مولوی عبدالعلی ساکن ڈومری ضلعہ پٹنہ = مولوی عبدالعلی ساکن جالپس = سید عبدالفتاح
گجراتی معاصر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر = ملا عبدالقادر اخوند معاصر نصیر الدین محمد
ہمایون شاہ = مولوی عبدالقادر سیدی از اولاد امجد مولوی حمد اللہ شارح سلم نوزدہم ذیحجہ سال
دوازدہ صد و ہفتاد و دو ہجری رحلت کرد = مولوی عبدالقادر رامپوری = مولوی عبدالقادر
با عسکظہ ساکن بمبئی = مولوی عبدالقادر ساکن تھانہ ضلعہ بمبئی = مولوی عبدالقادر ساکن
ہوگلی عالم با عمل صاحب تصانیف وہم ذیقعدہ سال سیزدہ صد و ہفت ہجری عبدالطاہر را
عقب خود گذاشتہ رحلت کرد = مولوی عبدالقدوس بنگلوری = میر عبدالقدوس ٹھٹوی ابن
سید عابد انشمنہ کامل تحریر دقت صاحب شان دستثنی در ابنلے جنس برآمدہ
در ہزار و صد و چهل شش ہجری وفات یافتہ آیہ کریمہ مکر مون فی جنات النعیم مطابق واقعہ است
ملا عبدالقوی احمد آبادی برہانپوری عالمگیر ویرا مخاطب با اعتماد خان کرد و اکثر دی را بلغظا خونہ خواندے
مولانا عبدالکریم شروانی معاصر غیاث الدین تغلق = سید عبدالکریم قنوجی ابن سید محمد قنوبے
در عمدہ عالمگیر مشغول بدس متداولات بود = قاضی عبدالکریم کشمیری شاگرد ملا ابوالفتح در عمدہ
عالمگیر بود = مولوی عبدالکریم ساکن ٹونک ناظم رسالہ سبیل الرسول فی الناسخ و المنسوخ = مولوی
عبدالکریم رامپوری = ملا عبداللطیف ساکن در بیلا مالک سند عالم بلوچ بود حاشیہ بر شرح ملای جہاکی
دارد و در بحث الکلام التضمن کلمتین حقیقہ او حکما ای کیوں کلا واحدہ منہما فی ضمنہ فالتضمن اسم فاعل
ہو المجموع و التضمن اسم مفعول کل واحد من الکلمتین فلا یلزم اتحادہما دین و دہیت درج کردہ
قام زید ہیئت مجموعہ شہ اسم فاعل التضمن می شمرند و بخوابی اسم مفعولی از وہ ہیئت افرادیش
راکن نظر بہ شیخ عبداللطیف برہان پوری معاصر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود = مولوی
عبداللطیف دیلوری = مولوی عبداللطیف فقیہ رامپوری = مولوی عبدالحمید برہان پوری =

ملا علی بنی کشمیری در عهد عالمگیر بود و مولوی عبدالوهاب ساکن سوات بنیر قاضی عبدالوهاب
 کنی ساکن قصبه مونگی که در علم فقه و اصول مهارت کامل داشته در عهد عالمگیر قاضی عسکر بوده ملا
 عثمان گجراتی از علمای قرأت و ملا عثمان سامانه و ملا عثمان بنگالی سنبھلی از علمای نامور و در عهد اکبر شاه
 بودند و خواجہ غزنہ الدین صوفی مؤلف تحفۃ الابرار فی کرامۃ الاخیار معاصر غیاث الدین تغلق بودند
 عزیز الدین خالد خانی مؤلف دلائل فیروزی در علم نجوم معاصر سلطان فیروز بود ملا عصام الدین
 معاصر نصیر الدین محمد ہمایون شاہ ملا کاالدین تاج و ملا کاالدین کرک و ملا کاالدین صدر الشریعہ و
 ملا کاالدین مقری علمای نامور و در عهد علاؤ الدین خلجی بودند مولانا علاؤ الدین اصولی بدایونی
 سید علاؤ الدین اودھی امیر علاء الملک مرعشی در عهد شانزادہ شجاع بود کتاب مہذب در منطق
 و الوار الہدی در انہیات و ضراط الوسیط وراثیات واجب از تصانیف و یادگار اند
 مولانا علم الدین بنیرہ شیخ بہار الدین نکر بلتانی در عهد علاء الدین خلجی بود مولوی علی اعظم
 ساکن بھلوار ی مولوی علی اکبر اکبادی مصنف فصول اکبری و اصول اکبری ملا علی الماس
 کشمیری شاگرد ملا جوہر ناتھ و در عهد شاہجہان بود علی بن احمد غوری ساکن کرگاہ متصل نانک پورست
 از مریدان شیخ رکن الدین قدس سرہ بود از تصانیف اوست کنز العباد فی شرح الاوراد مصنف
 بہار الدین قدس سرہ خواجہ علی بنو کشمیری شاگرد ملا شمس پال در عهد جہانگیر شاہ بود ملا علی پستک
 کشمیری معقولی میانہ قدو دجہانگیر شاہ اوراپستک میگفت بہمان شہرت یافت چنانچہ سال فوش
 ہم در مصر عمہ دای پست دہلذہمت کوہ یافتہ اند مولوی علی حبیب سجادہ نشین بھلوار ی
 مولانا علی شاہ جاندارازاکا بر علمای وقت و مرید شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ بود کتاب
 خلاصۃ اللطائف در تصوف از تصانیف اوست ملا علی قاری ٹھوپی و فہیست افضل و
 در قرأت اکمل بعد مرزا جانی بود ملا علی گردملای مستعد معاصر اکبر شاہ بود ملا عماد الدین معاصر
 شمس الدین التمش بود مولانا عماد الدین شہنشاہ تہجد در زمان سلطان محمد تغلق شاہ دہلی مردی
 بزرگ و راست گو و حق شناس بود میگوی کہ محمد تغلق در ایام غور سلطنت خود گفتہ بود کہ فیض خدا
 منقطع نیست چرا باید کہ فیض نبوت منقطع شود اگر کسی حال ادعوی غمیری کند و مجرہ نایہ تصدیق میکند
 یا نہ مولانا عماد بر فور گفت کہ بخورچہ میگوئی محمد تغلق حکم کرد کہ او را فوج کنند و زبانش بر آرد رحمۃ اللہ علیہ

مولانا عماد الدین حسام در علماء الدین خلی تا بست سال تنگیر غنتہ مذکر و معتبران و دانشمندان
 دکانان و فاضلان و شاعران حاضری شدہ مولانا عماد الدین محمد طامی طامی در حوالی شیراز است
 انانجا کجرات آمدہ بخدست ملک قطب الدین کہ خلیفہ خاص حضرت سید محمد المشہور شاہ عالم بودند
 مدیہ گشت چنانچہ در علوم ظاہری نظیر آفاق بود و در علم باطن ہم طاق گردید و بارشاد و ہدایت خلق
 مشغول شد میان وجیہ الدین کجراتی انار شد تلامذہ دیند سید عنایت اللہ محمدی بالاپوری
 عامل کامل فاضل لاثانی مشہور و معروف وقت خود بود در سال یازدہ صد ہفتہ ہجری
 رحلت فرمودہ مولوی عنایت احمد ساکن پٹنہ مولوی عنایت اللہ ساکن بردوان مولوی
 عنایت حسین ساکن مولگیر قاضی غضنفر سمقندی در علم جلال الدین محمد اکبر شاہ ہندوستان
 قدم آورده منصب اتفی القضاۃ ولایت کجرات یافتہ انصرام علم خود ہدایت میکرد و در
 علوم متعارفہ یگانہ بود سید غضنفر ابن سید جعفر نردالی منسوب بہ والدہ کجرات مولوی غلام
 اکبر خان مصنف ہدایۃ المنکرین وغیرہ غلام علی کورازا چلہ افاضل محمد اکبر شاہ بود مولوی
 غلام حسین بنگالی مولوی غلام سبحان قاضی القضاۃ کلکتہ مولوی غلام نبی شاہ جہانپوری
 محشی میرزا بدر سالہ مولوی غلام علی ساکن مہری احاطہ بمبئی مولوی غلام احمد نصیر آبادی مولوی
 غلام محمد ہوشیار پوری ملا غوثی کجراتی مولانا غیاث بہرچی سید فاضل معاصر اکبر شاہ بادشاہ
 بود حکیم فتح اللہ گیلانی از اطباء محمد اکبر شاہ بادشاہ بود کتب طبیہ تحقیقات ترا
 خواندہ و در ہیئت نیز ماہر بود و شرح قانون شیخ الرئیس بغارسی نوشتہ قاضی فتح علی قنوجی شاگرد
 مولوی علی اصغر قنوجی در ہر علوم متداولہ مناسبتی داشت حاشیہ شرح تہذیب اللی شرح مقالات حمیری
 از تالیفات اینفہ اوست مولوی فتح علی بردوانی مولوی فتح علی جہانپوری عالم متعدد
 عم مولوی مشتوق علی جہانپوری طبع موزون داشت خصوصاً در بدیہ گوئی تا بیخ شمرہ آفاق بود
 قاضی فخر الدین در علم جلال الدین خلی علامہ عصر بود مولانا فخر الدین ہانسوی مولانا فخر الدین
 مقابل معاصر علماء الدین خلی بودند مولوی فخر الدین لکھنوی مولوی فخر الدین علی خان
 شافعی المذہب قاضی جینا پٹنہ مولوی فدا حسین ساکن ضلعہ پٹنہ فرید بنگالی دانشمند تاجر
 و محدث معاصر جلال الدین محمد اکبر شاہ بود ملا فضل ملتان از اکابر علماء عصر خود بود محمد دم

چندین

از

محمد دم

فضل الله ششوی غریب وقت جامع فضائل قدسیه حاوی معارف النسیه محلی حلیه وربع و تقوی
 همواره بدرس علوم اشتغال داشت معاصر زمانه سیلی و در ناباتی مولوی فضل الله لکنوی
 مولوی سید فضیلت حسین ساکن ضلع پٹنه مولوی فضل الله بنگوری مولوی فصیح الدین
 از علمای کاملین بلده قنوج بود و عمر شریفش بدرس و عبادت بسربرد مولوی فیض الحسن لاهوری
 که بدریس علم ادب یگانہ روزگار بود بتاریخ دوازدهم جمادی الاول سال یک هزار و صد و پنجاه
 هجری از بجمان رحلت فرمود مولوی فیض الله پنجابی مولوی فیض الحسن سهارنپوری مصنف
 تحفه صدیقیه در شرح حدیث ام زرع میان قادن پسر شیخ جو نو و الشمشد معتبر در عمده بملول بودی
 بود سید قادری بلگرامی ابن حافظ ضیاء الدین بلگرامی حاج الحرمین الشریفین فاضل و حافظ
 و قاری قرآن بوده در وطن گوشه گرفته بعبادت معبود حقیقی اشتغال داشت بسال هزار و
 یکصد و چهل و چهار هجری در گذشت قاسم ترمذی کشمیری در عمده عالمگیر از علمای نامدار و دقت
 ملا قاسم واحد العین قدس هاری در عمده جلال الدین محمد اکبر بادشاه از عمده ترین مدرسین علوم عقلیه
 و نقلیه بود مولوی قاسم علی سندیلی ابن مولوی محمد الله سندیلی شاگرد پیر خود مولوی فاضل و کامل
 کثیر الدرس بود و زیارت بیت الحرام مشرف گشته مولوی قدرت الله بر بانپوری مولانا
 قطب الدین نافله معاصر غیاث الدین بلبن ملک قطب الدین سهروردی در عمده بملول بودی
 بود شیخ قطب برهان پور س فاضل متوج حافظ جید تیر انداز مقرری بود شعاع عرب بسیار بخاطر دقت
 و خوب می خواند و با وجود وفور فضائل غریب و سکتت مفرط داشته بماه رمضان به پیش امامی
 عالمگیر بادشاه مغزنی بود و نیز بتعلیم شاہزاده منظم مفتی بود در پنجم سال جلوس عالمگیر بدینار خلافت
 شاہجہان آباد بر حمت حق پیوست مولوی سید کاظم علی دریابادی بن سید قاسم علی چاردهم
 بیج الاول سال سیزده صد و پنچ هجری رحلت کرد ملا اکبر الدین مورخ در عمده علماء الدین خلمی بود
 مولوی کبیر خان قاضی محمد پور احاطہ بمبئی شیخ کبیر ناگوری از اولاد شیخ فرید بن عبد الغزیز بن شیخ
 حمید الدین صوفی ناگوری است بزرگ صاحب مقامات جامع علم ظاہر و باطن کتاب ذہن کاشف
 فو شرح مصباح است از تصانیف ویست بجهت تفرقه که در ناگور از دست نگاران دیار واقع
 شدہ بود بجانب گجرات رفت و ہما نجا توطن پذیرفت رحمۃ اللہ علیہ شیخ کبیر ولد ملا منور و صفر سن

لکمال رسیدہ و از پیران درگنڈا یندہ اکثری کتب متداولہ در ملازمت پدرو خسر بزرگوار خویش کہ سعد
 بنی اسرائیل بود تحصیل نمودہ طریق صحبت و اختلاط را نیکو در زیدہ حکم جمال الدین محمد اکبر شاہ
 بہر اہی پدرو برگزیدہ بجوارہ و دامن کوہ شمالی رفتہ بضبط و ربط آن فواجی مشغول بود۔ مولانا کریم الدین
 در عہد علاء الدین خلجی تنگہ گشتی و در آن تحمید و نعت نظم جدید و مناسب آوردی چونکہ از خوش نما
 سخنمای اود و عوام نینقتادی و جمعیت کثیر ہم نبودی۔ مولانا کریم الدین ٹھٹوی جامع فضائل و کمالات
 قانع ز رایل مضلالت بزہد و تقوی نامور معاصر ملا عبدالرحمن ٹھٹوی بود۔ مولانا کریم الدین جوہری
 در عہد علاء الدین خلجی بود۔ ملا کمال راہپوری بس نامور زلیست۔ مولانا کمال الدین کولی در عہد
 علاء الدین خلجی بود۔ مولانا کمال الدین اودھی و کمال الدین سامانہ در عہد فیروز شاہ از علمای نامور
 بودند۔ قاضی گھاسی آلہ آبادی شاگرد و خلیفہ شیخ محب اللہ آلہ آبادی۔ شاہ گدای کشمیری در
 جہانگیر شاہ از علمای نامور بود۔ مولوی گلزار علی پھلوا ری را بس موزون است۔ مولوی لطف حق
 ساکن تچاپور گجرات۔ مولوی لطف علی ساکن ضلعہ پٹنہ۔ مولانا لطیف مقرر از علمای فرات
 در عہد علاء الدین خلجی بود۔ مولانا میران مار بیکہ معاصر علاء الدین خلجی۔ مبارز خان سلطانپوری
 معاصر ملا نظام الدین سہالوی رسالہ مبارزیہ در علم کلام از مولفات اوقنی است بس متین۔
 ملاجنون کشمیری معاصر شاہجہان بود شیخ محمد اشرف شطاری لاہوری بصلاح و فضیلت نامور
 معاصر عالمگیر بود۔ مولوی محمد ادریس سلہٹی محشی جع الجوامع سیوطی۔ مولوی محمد اسرائیل سلہٹی محشی تفسیر
 بیضادی و صدرا۔ مولوی محمد علی ساکن تھانہ مولف کشاف اصطلاحات الفنون۔
 قاضی محمد افضل بہکری۔ ملا محمد افضل کشمیری معاصر جہانگیر شاہ بود۔ ملا محمد اکرم لاہوری متداول
 را بارہا درس گفتہ مجمل و بردباری و صلح و پیرہیز گاری موصوف علم شاہزادہ کام بخش بود۔
 قاضی محمد احمد آبادی مرید حضرت قطب العالم احمد آبادی قدس سرہ بود ویراسہ پسر اندکی قاضی حمید
 کہ بقاضی چالیندہ شہرت دارد پدرو قاضی محمود دریای دوم قاضی العالم شاہ حماد سوم قاضی حامد
 ہر سہ برادران مرید و خلیفہ حضرت شاہ عالم احمد آبادی قدس سرہ بودند۔ قاضی العالم شاہ حماد
 دوازده سال در طلب علم پیش مولانا میاخی گبرانی صرف کردند و دوازده سال بجا و کفرہ دیباک
 سپاہیان بہرہ بردند و دوازده سال ترک ہمہ کردہ بچند مشغول شدند از بد و شورا کل صلاح صدق

در نظام الدین
 در عہد

مقال لازم حال خیر کمال شان بود تا اینکه تقوی شان در مرکب شان ہماثر گردہ بود ہرگز کاہ ودانہ
 حرام نمی خورد و شب خواب کمتر میکرد و ناز لب کہ مظهر جلال بود نہ کسی را مجال تبرک کہ بہ منظر شان بیاید
 اغلب اوقات در پردہ جادداشتند خادم طومار حاجات ارباب احتیاج انہیں پردہ بخواند ایشان
 در جواب بعضی میفرمودند کہ میرہم و برای بعضی عنیدہم فرمودند کہ علماء وقت فتویٰ قبیلش دادند
 حاجی محمد افضل سیالکوٹی خواجہ محمد امین ولی اللہی ملا محمد اسین کشمیری معاصر عالمگیر بود ملا محمد باقر
 کشمیری معاصر شاہجہان بود شیخ محمد بروچی ملا خواجہ محمد لوہیگر کشمیری معاصر عالمگیر بود
 مولوی محمد جیلانی رام پوری مصنف ہنگنامہ قاضی محمد حسین جونپوری از علم و فضل نصیبی افراد
 در عہد شاہ جہان قاضی جونپور بود و در اوائل عہد عالمگیر بقضای آلہ آباد ممتاز شدہ درس ہفتم
 جلوس عالمگیر بحضور آمدہ باضافہ منصب و احتساب لشکر سر فراز گردید و در تالیف فتاویٰ
 عالمگیری بسی سہی نمودہ مولوی محمد حسین مصنف اشاعۃ السنہ وغیرہ مولوی محمد حسین مصنف
 تیغ فقیر و حربہ فقیر وغیرہ مولوی محمد حسن اردوہوی مؤلف تفسیر معاملات الاسرار فی مکاشفات
 الاخبار معروف بتفسیر حضرت شاہی مولوی محمد حسن اسرار علی سنبعلی ملا محمد داغی ٹھٹوی
 در عہد شاہزادگی پیش امام شاہجہان بادشاہ بودہ شیخ محمد سعید سہروردی ابن حضرت شیخ احمد
 محمد الف ثانی خلیفہ پدر خود بود و فاضل تشریح و عالم متورع پیوستہ ہار شاد طالبان حسد
 و درس علوم اشتغال داشتہ عاشیہ بر عاشیہ خیالہ نوشتہ بصحبت عالمگیر رسیدہ رعایت کلی یافتہ
 مولوی محمد شاہ مصنف مدار الحق ملا محمد صادق ٹھٹوی ملا محمد صالح معاصر جہانگیر شاہ بود
 ملا محمد صلح گجراتی مولوی محمد صدیق اصولی پشاور سی مولانا محمد صدیقی ملتانی گجراتی مولوی
 محمد عادل از ابتدائاتہا کتب درسیہ بخدمت مولانا محمد سلامت اللہ گزیدہ الحال جانشین
 مولانا موصوف بکا جونپور ہستند و ہدایت و ارشاد و تلاقی صبارت الادوات اند سلمہ اللہ تعالیٰ
 شاہ محمد عاشق بہلٹی بابا محمد عثمان کشمیری ابن شیخ محمد فاروقی لذلک لافہ ملا سعد الدین صادق وغیرہ
 علمای کشمیر بود و نیز بخدمت مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی رسیدہ اجازت حدیث و فقہ یافتہ
 مولوی محمد عمر دہلوی ابن مولوی اکرم اللہ دہلوی و دو مازدہ صد و شصت و ہشت ہجری
 متولد شدہ و پیشی والد ماجد خود تربیت و تعلیم علوم رسمی یافتہ بدرس و تدریس اشتغال دارد

سلمہ اللہ تعالیٰ مولوی محمد علی ابن مفتی یا محمد و کنی مولف کو اکابر عرفان فی تحقیق البیان مولوی
 محمد علی نصیری آبادی مولف جلال العیون نظم سرور المیزون مولوی محمد فصیح غازی پوری داغظ فصیح قانع
 رسم قبیح ملا محمد قاسم استرآبادی بلقب ہندو شاہ شہرت داشت گلزار ابراہیمی مشہور بتاریخ فرشتہ
 از تالیف ولیست ملا محمد لاہوری از اکابر علمای لاہورست مرزا محمد صادق مولف صبح صادق
 نسبت تلمذ باو دارد در عمد شاہجہان قضای بنگالہ داشت شیخ محمد لاہوری ابن عبد الملک
 از فضلمای نامور پیش علمای مجاز تفسیر و حدیث و فقہ آموختہ بوطن مراجعت نمود و بندر ریس روزگار
 گذرانیدہ محمد حبیب کشمیری معاصر جہانگیر شاہ شیخ نذر شاہ جو پوری بعلوم صوری و معنوی آراستہ بود
 مولوی محمد مصطفی پنجابی مولوی محمد موسی ابن مولانا رفیع الدین دہلوی شیخ محمد داغظ لاہوری
 از مشاہیر واعظین لاہور بود مولوی محمد حبیب ساکن بھلپوری شیخ محمد علی سہرندی ابن حضرت
 شیخ احمد مجد الدلف ثانی قدس سرہ بصلاح و تقوی موصوف اکثر اوقات خود بدرس علوم متداولہ
 صرف میکرد و مشمول عواطف عالمگیر بادشاہ بود ملا محمد زیدی قاضی القضاۃ جو پور بحرم افتا
 خروج بر اکبر شاہ بادشاہ از عروج منصب خود بفرقاب فنا رسیدہ مولوی محمد یعقوب دہلوی
 ابن کوکم اللہ دہلوی برادر کلان مولوی محمد عمر پیش پدر خود اکتساب علوم کردہ بافادہ طلبہ اشتغال
 دارد سلمہ اللہ تعالیٰ ملا محمد ثانی جو پوری تلمذ دانشمند خان درواخر عمد شاہجہان
 در گذشت شیخ محمود بہکری از اجلہ علماء روزگار بود قاضی محمود علامہ عباسی ٹھٹوی معاصر
 مرزا عیسیٰ و مرزا جانی حکام سند در حقیقت و کمال از نوادر و در جامعیت علوم بغرائب اظہر
 صاحب تصانیف کثیرہ بود و مجملہ آن تذکرۃ الاولیاء و حاشی متین بر کتب متداولہ است
 قاضی محمود دریای ولد قاضی چایلندہ بزرگی و خوارق ایشان عالم با فرد گرفت و خدمت
 عالم آب ہم بایشان تعلق داشت اکثر در تباہی کشتیہا کہ یاد ایشان می نمودند بساحل مراد
 مے رسید نمازین سبب دریای لقب خاص مقرر گشت چون بہ شخصت و ہفت سال سیر
 بتاریخ سیزدہم شہر ربیع الثانی سال نہصد و چہل یک جان بحق تسلیم نمود و مرقدش در بہر پور
 مضافات گجرات واقع است قاضی محی الدین کاشانی معاصر علامہ الدین خلجی محمد و جہان
 سندی و عمد اکبر شاہ از علمای نامور بود رسید مرئی بگرامی عالم عارف بود خلایق از او منتفع

می شدند بہار دیکھد و ہفتصد ہجری وفات یافت۔ سید رضی سوسانی و فضیلت اتم شاگرد
 حسان اللہ سید غلام علی آزاد بلگرامی بود۔ مولوی رضی حسن ساکن پچلوا دی۔ ملا مظهر ساکن کرا
 معاصر فرور شاہ۔ قاضی معمار الدین در عصر غیاث الدین تغلق ہمہ قضاے دہلی سر بلند بود۔
 قاضی معروف بہ کری معروف و مشہور زمان قاضی شہر بہک بود۔ بوفور علم و فضیلت و صلاح و تقوی
 و لطف طبع و طیب مزاج اتصاف داشت۔ بمعجام پھر مرزبان سند سانیدند کہ قاضی زند
 و مدعا علیہ اخذ اجر میکند۔ جام اورا طلبیدہ پرسید قاضی گفت بلی اکثر بخاطر میگذرد کہ از گواہان ہم پتہ
 گرفتہ شود اما پیش از انفصال دعوی بخانہ خود میرد نہ جام ازین حرف بغایت منبسط شد چون جام را
 خوش یافت گفت تمام روز با انفصال دعاوی می پردازم و تو کالج کثیر من بفاہ میگذرانند این
 حال کی روا باشد جام ہری او اورا ری لائق مقرر فرمود۔ مولانا معز الدین اندینی معاصر علماء الدین
 خلجی۔ مولانا معین الدین لونی معاصر علماء الدین خلجی۔ قاضی مغیث الدین بیانہ۔ سید غیاث الدین
 ساکن کیتل در عمدہ علماء الدین خلجی بودند۔ مولوی مقبول احمد گوپا موی مولف رسالہ تہیہ الانسان
 در بیان حلت و حرمت حیوان۔ ملا مقیم در عمدہ کبر شاہ مدرس دہلی بود۔ سید منتخب الدین ساکن
 کیتل برادر سید مغیث الدین معاصر علماء الدین۔ شیخ منصور لاہوری از شاگردان شیخ اسحاق
 کا کو است و بیشتر تحصیل علوم و ملازمت ملا سعد اللہ نمودہ و مصاہرت باو داشت و دشمن
 تہو بود و در ہمہ علوم عقلی کد بہت دستان متعارف اند۔ استحضاری تام مرجعیت انام داشت
 از عمدہ کبر شاہ چنگاہ قاضی القضاۃ ملک ماوہ بود بعدہ بخدمت ضبط در بطرہ گنہ مجور و حدود
 دامن کوہ مامور شد۔ ملا منور تلمیذ شیخ اسحاق کا کو در عمدہ کبر شاہ بود۔ مولانا منہاج الدین جرجانی
 در عمدہ غیاث الدین بلبن بود۔ مولانا منہاج الدین تلبنی معاصر علماء الدین خلجی۔ ملا موسیٰ
 احمد آبادی در عصر کبر شاہ بود۔ ملا موسیٰ جیل کشمیری معاصر عالمگیر بود۔ ملک موید جاجری در عصر
 جلال الدین خلجی بود۔ شاہ ہمدی عطا ابن شاہ حسین عطا ابن شاہ بناہ عطا سلونی کرمی اشرفی
 ارضی اناولاد امجاد شیخ اوصہن جوہوری قدس سرہ بسال دوازده صد و شصت و شش ہجری
 ولادت یافتہ علوم باطن از جد و پدر خود آموختہ و فرقتہ پختہ در بر کشید و در علوم ظاہر شاگرد مولوی نور احمد
 پنجابی بغایت علم دوست و شاعری تدریس طلبہ رونق بخش سجاودہ سلون اند سلمہ اللہ تعالیٰ ملا میر شاہ

دین الدین

کشمیری معاصر عالمگیر بوده ملا ناصر و عماد کبر شاه قاضی اگره بوده مولوی ناصر علی غیاث پوری مؤلف
 مناصر الحسنة و عناصر البرکات و غیره ملا نازک کشمیری در عماد الملکی بوده مولوی نجف حسین
 سندیلی نوزدهم محرم سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری بمقام احمیر رحلت کرد - مولانا نجم الدین
 دمشقی شاگرد مولانا فخر الدین رانی معاصر غیاث الدین طبرستان - مولانا نجم الدین انتشار معاصر
 علماء الدین خلیجی - مولانا نجیب الدین شادی معاصر علماء الدین خلیجی - مولوی نذیر حسین محدث
 مصنف معیار الحق و غیره ملا نسیم منطقی رام پوری - مولانا نصیر الدین غنی و مولانا نصیر الدین
 ساکن کراره و مولانا نصیر الدین صابونی در عماد علماء الدین خلیجی علمای نامور بودند سید نظام الدین صاحب
 در فقه اذنی انام و در علوم اعلم کرام برآمده بجدیه طبع گراییده سوی شاهجهان آباد شتافت و در تالیف
 فتاوی عالمگیری بسی مشکلات حل کرده بیست شهر نیست از توابع سند - مولانا نظام الدین کلانی
 معاصر علماء الدین خلیجی - مولانا نظام الدین علی معاصر بابر بادشاه - ملا نظام الدین هرودی مصنف
 طبقات اکبری - شیخ نظام تھانگیری ابن شیخ عبدالشکور باوجودیکه تتبع متداولات نموده و از کتب
 صوفیه مطالعه نکرده بودند در تصوف تصنیف فرموده که جمله پسند عارفان است و نیز تفسیری
 املا کرده که معنی آن همه در قالب تصوف ریخته - قاضی نعمت الله عباسی ٹھٹوی نسبش بآل عباس
 رضی الله عنه منتهی می شود وی از اخفاد و اما نذگان عماد گشتگان خلفای عباسیه در عماد جام
 صلاح الدین بن جام تاجی بادشاه سنداقدم علماء و اکرم اتقیا بوده مولوی نعیم الدین ابن مولوی
 نصیح الدین کنوچی تلمیذ مولوی عبدالباسط کنوچی شرح تصدیقات سلم العلوم و عاشیه صدر از تصانیف
 اوست - شیخ نور الدین کنبوه لاهوری ملا مستعد در عماد کبر شاه بوده مولوی نور کریم دریابادی
 ملا نور محمد همکری - مولوی واجد علی مؤلف رساله معروف العرفان - مولانا وجیه الدین مله و مولانا
 وجیه الدین پانلی و مولانا وجیه الدین رازی علمای عماد جلال الدین خلیجی اند - مولوی وحید الحق بهاری
 بست و چهارم صفر سال هزار و دو صد هجری وفات یافته کتاب زاد الاخرت و شرح کلمه طیبه
 ذکر الصلوة و قره العاشقین فی حلیة سید المرسلین و رساله تحقیق الایمان از ویادگار اند رحمة الله علیه
 مولوی وحید الزمان بن مولوی مسیح الزمان لکنوی مؤلف نور الدیة ترجمه شرح و قایم - مولوی
 وکیل احمد مؤلف رساله حد العرفان - قاضی ولی الله خان ساکن بروده - ملا هاشم کنبوه معاصر

دین الدین

دین الدین

دین الدین

جلال الدین محمد اکبر شاہ - تیسرا ششم منور آبادی شاگرد ملا حیدر کشمیری معاصر عالمگیر مولوی سید یار علی
مشہدی کرؤی فقیہ وقت بود مولوی سید یار علی مصنف ہادی المضلین مفتی یار محمد یلیبی
دکنی محشی شرح تمذیب یزدی - ملا یار محمد بکری مشہور بکلیا یاری شیخ یاسین قنوجی اناعیان
فضلائی بلده قنوج کامل مکمل بود خلق کثیر فیضان تلمذ او باہتہای فضائل سید نانا نجلہ سید
مرئی بلگرامی دلا فیضی اردہی از شاہیر فضلا ہستند مولوی یعقوب علیخان رامپوری - ملا یوسف
کادو کشمیری و ملا یوسف چچک کشمیری در عمد شاہجہان نامی بودند مولوی یوسف علی سندیل
الاصل گویا موی مولدا لکھنوی وطننا شارح نظم الفرائض -

بعد ختم کتاب محبی محمد ابراہیم خان رسالہ دار سنزل انڈیا ہارس کہ مرد متدین محبہ الاسلام اولین ہندو ترجمہ
مولوی شاہ محمد رمضان شہید بفضل نیراج کتابچن پچھان اوند چونکہ صاحب ترجمہ بن نامور و عالم باہل بود و بحالت
اشاعت دین متین شرف شہادت یافتہ ذکرش درین کتاب خالی ازین و برکت خواہد بود و ہذا

مولوی شاہ محمد رمضان میمی

از شیوخ قصبہ میہم عالم عامل اعظا کامل فخر سرزمین ہریانہ بخصایل حمیدہ و شمایل جیدہ شہرت عام
کالبد راتمام داد کا فائدہ را حیو تان مسلم کہ بنام را نگردر ملک ہریانہ مشہور اندا نفقات بابرکات آیتش
براہ راست قدم اتباع شریعت نہادہ مشائرا لہ تبعان سنت و جماعت ہستند تذکرش عجیب
اثری داشت کہ سامعین ہزار جان مطیع و منقاد می شدند و عہدہ اصنام تار زنا را بچہ بار و دوش
افگندہ حلقہ بگوش باسلام میگردیدند با جملہ دی رحمۃ اللہ تعالیٰ بعد زیارت حرمین شریفین نادہما
اللہ شرفا و تعظیما براہ بند رہی مراجعت وطن فرمودہ بہر مقامی کہ میرسید حسب عادت خود
لب و عظ و تذکیر می کشود و ہدایت اتباع شریعت باہاے آن مقام می نمود تا انیکہ بمقام مند سور
رونق افزود شدہ بہ مسجد آن بلده محفل و عظ گرم کرد قوم بپورہ کہ خلاف مذہب اہل سنت اندوین
گرمی تذکیر بسر کردن بنادیق برد حملہ آورده تا بضررت بندہ آن فرقه ضالہ بر تہ شہادت فاگیرشت
این واقعہ در سال دوازده صد و چہل و چہری بظہر پیوستہ رفقای آن مبر و نعش مغفور را ہمدان
ہما بنہین سپردند بعد از ششم ماہ برادر عینی وے تا بولش بقصبہ میہم آورده مدفون نمود و شاعر
تاریخ شہادتش چنین یافتہ

	قطعہ تاریخ	
سراپا معرفت عرفان مآبے خردگفتہ خسوف آفتابے		جناب شاہ رمضان طب آفاق ظہور از بہر تاریخ شہادت
	دیگرے گفتہ	
دسے شیخ شہید گفت رضوان		در خلد چو رفت شاہ رمضان
تصانیفہ المفیدہ - اثر گت - بلبیل باغ رعناید عظیم - رنگیلے - منہ سور بہیم مفتوح دلون ساکن وہال مہملہ موتوف دسین مفتوح واد مجبول وراہی مہملہ شہر یست بسر زمین مالوالمہیم بہیم مفتوح وہای ہوز کسورہ بعدش یای تختانی جہولہ دیم موتوف قصبہ یست بزر بوم ہریانہ متعلقہ ضلع ریتک		
	مولوی امام الدین کالوڈی	
ولد مراد خان عالم با عمل بوسع وتقوی موصوف بودیم غیر از خلایق ہدایت دار شادش بہاستی بیوستندی رحمۃ اللہ علیہ بسال دوازده صدوسی و ہفت ہجری ولادت یافتہ در سال سیزده صد ہجری چہار عقب گناشتہ رحلت فرمود از ان جملہ حافظ غریب اللہ را دیدہ ام بدیانت و تقوی مصدق الولد سرلابیہ است کالوڈ قصبہ یست محروسہ ریاست پٹیا لکہ فی الحال خلم مندر گڑھ شہرت دارد		
	انجوتہ الزمان	
	مولوی ببردہلوی و مولوی دہومن سہارنپوری	
ہر و حرف شناس لوح و انبش ملازم صحبت مولانا شاہ عبدلعزیز دہلوی قدس سرہ بودند قوت حافظ چندان داشتند کہ انچہ از مولانا می شنیدند بلفظ یاد میکردند بکرات و مرآت و عظم قرآن مجید از زبان مولانا موصوف از ذکر شنیدہ بودند ہر گاہ کسی می گفت چیزے بفرمایند می گفتند آیتی از قرآن بخوان اگر قاری غلط خواندی انا لہ غلط نمودہ ترجمہ و تفسیر آن مالہ و ما علیہ مشح و مفصل بیان میکردند مفتی محمد اسد اللہ اکہ آبادی مرحوم میفرمودند باری بہی نفی و در ان زمان مولوی بیرزندہ بود بشنیدن آوازہ او صافش مشتاق نقاسے او شدم و نماز مجوسہ مسجد شاہجہانی کنار دم بعد نماز مجلس تذکرہ منعقد گشت بعض مردم گفتند زمین مولوی بہر اند کہ و غلط میگویند توجہ تمام بیان شان اصفا کردم از انچہ شنیدہ بودم ناگزیدہ یافتم		

بعد فرغ از وعظ با مولوی بهر سلام گفته مصافحه کردم و آنکه کریمه وزینا السماء الدنیا بنیت ان الکوکب خوانند
 پرسیدم ماسوائے سبعة سیاره جمله کوکب بر فلک لافلاک ثبت اندکثرت ان از حدیث نبویه میشود
 پس تزئین سما و دنیا به کوکب چه معنی دارد مولوی بنحو اجم گفت شنیده باشید مردمان سے گویند
 که فلان بکان از شیشه آلات و غیره چه خوش آراسته است حال آنکه شیشه آلات بسفت و حیطان
 آن مکان چسبان و آویزان می باشند و آنان در حقیقت تزئین مکان مقصود است همچنین کوکب گو
 بفلك لافلاک منوط و مربوط اند لکن در حقیقت ازان کوکب سمای دینار از نیت و روشنی حاصل
 بدین وجه وزینا السماء الدنیا فرموده اند رخ صحبت صلح ترا صلح کند

خاتمه الطبع از جانب کارپردازان مطبع

بعد حمد و نعت بر سالکان مسالک تحقیق و در هر دان منازل تدقیق مخفی محبوب سبک دکان بهر دافرنش عالم
 تا ایندم وقتی از اوقات زمانه از وجود باجود انبیاء و مرسلین و اوصیاء کائین علمای شریعت متین حاسیان
 دین همین خالی نمانده تا گویان بودی ضلالت از بدرقه هدایت و ارشاد آناه بنزل مقصود رسند و مشکگان
 سرب غوایت از سر چشمه مواعظ شان نلاست چشمت همچنین هر یکی از خلافت جانشین اسلام شده در کائنات
 و اطراف عالم هدایت خلق مشغول ماندند و نیز ابدال اقطاب اطیاب هم برین منوال از جانب حق
 مامور شدند چون زمانه رسالت بعد حضرت خاتم النبیین سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم سپری شد خلقت
 را بشیرین و ائمه طاهرین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در ترویج دین و هدایت کافه مسلمین سیمای و افرو
 جدهای تشکاتره فرمودند و چنانکه باید و تلقین احکام و تعلیم انام و تقیه از وقایع و زنگ داشت نمودند و بعد از ان
 جوق جوق علمای اعلام و کلمای تمام به نیابت آنها برخاستند و بجای همت و الانست خود را با بر همین کار خیر
 بر گماشتند تا اینکه خلاق عالم نظر بجاییت دین خویش در تکیه خلقت ایشان چنان بکلی عطا فرمود که در هر
 بقعه زمین نجم افاضات ایشان طلوع نمود چنانچه اکثر کتب از حالات سنییه و مقامات علیه این خلیل ربانی
 مملو و شحون است و هم بجز طبع و داده در هر دیار و امصار اشاعت پذیر لیکن عجب اتفاق که هم این قسم
 استب را دیدیم مگر از کوائف و سوانح عمری مشائخ و علمای هندوستان معلوم افتیم آری اگر دین کار شرک
 کسی همت نمی گماشت و در تدوین اسامی و حالات این اصحاب خیار هم برین طریق نهادن کما سل
 ماه می یافت چه عجب که در صفحه روز گزنام نامی این حضرات بر در و هر حک می شد و از آنجا که در بعد بنما

حصه بر سبک جدا گانه بهم میرسد انعام این امر از هم خالق اکرم از فضل انتم موقوف بر ذرات بابکات عالم
 عظیم انظیر فاضل خیر عسود اقران و امثال محقق با کمال این هر روز غنی و جل جنتاب مولانا حضرت مولوی
 رحمان علی صاحب عم فیضه ممبر کونسل مقام ریوان داشته بود که ایدون بطور رسید و شاهدها بر نه
 شود جلوه گر دید که حضرت مصنف مدوح کتابی نایاب و مخزنی کیاب متضمن حالات و اسامی
 علمای هندوستان تالیف و تصنیف فرمودند و نامش اسم با سنی تذکره علمای هند گذاشتند
 حضرت شائقین را مرده باد که درین ایام برکت انجام نهایت اتمام محیفه مسبوقی التکر حسب
 تحریک حضرت مصنف در مطبع نامی و گرامی مشهور نزدیک دورشی نو لکشور واقع که
 بحسن انتظام با یومو هر لال بهار گو. ماه نومبر ۱۳۳۷ مطابق ماه ذی الحجه ۱۳۳۷ م بار دوم
 نقش لطباع پذیرفت این زمان قبول عالم و عالمیان کناد بخرمه انون اصدا فقط

اعلان حق تالیف و تصنیف کتاب هذا بجانب مصنف مدوح بحق نو لکشور پوس محفوظ و دست

